مدیریت شهری



مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

مدیریت شهری

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدیریت شهری

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت شهری/ www.modiryar.com

ناشر :www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع:مدیریت - شهری

تاریخچه ی مدیریت شهری در آسیا

توسعه برنامه های مدیریت شهری در گرو تلاش و ممارست شهرها در جهت پیشرفت و رفاه منابع انسانی میسر می شود؛ این اقدامات عبارتند از جذب مشارکت های دولتی، بهره وری اقتصادی، حفظ تساوی و عدالت اجتماعی، کاهش فقر و بهبود شرایط زیست محیطی. این اقدامات در سایه استفاده بهینه و توزیع عادلانه منابع امکانپذیر خواهد بود.

مدیریت شهری طی سه مرحله از آغاز یعنی از سال ۱۹۸۶ میلادی تا کنون دستخوش یک سری تغییرات بنیانی شده است.

مرحله اول:

مرحله اول برنامه مدیریت شهری (۱۹۹۱-۱۹۸۶)؛ این برنامه ها بر روی تحقیقات کاربردی بر روی چهار موضوع: مدیریت اراضی، امور مالی و مدیریت شهری، زیرساخت ها و محیط زیست شهری و با هدف توسعه راهبرد های عملی و ابزارهای کاربردی مدیریت شهری در سطح جهانی متمرکز شده بود.

مرحله دوم:

اهداف این مرحله (۱۹۹۶-۱۹۹۲) حول محور چگونگی استفاد از این راهبردها و ابزارها در جهت ارتقای کارآیی و سطح تولیدات، ابتدا به صورت منطقه ای و سپس بسط آن به تمام کشور می بوده است. در این مرحله یک مورد دیگر به چهار موضوعی که قبلا در بالا ذکر شد، افزوده گردید. مورد پنجم کاهش فقر شهری بود. مکانیزم اساسی در این فاز اجرایی پرداختن به سطح کارآیی و تولیدات از قبیل تشکیل هیات کارشناسان منطقه و تاسیس کارگاه ها و همایش های مشاوره ای در سطح کشوری به منظور معرفی این خط مشی ها و ابزار های کاربرد به کل کشور، معطوف می شد. ساختار این برنامه ها تمرکز زدایی و واگذاری مسوولیت انجام این فعالیت ها به ادارات منطقه بوده است.

مرحله سوم:

مرحله سوم مدیریت شهری به منظور ایجاد و تحکیم کارآیی دولت، بانکها و مراکز تامین اعتبار در جهت مرتفع ساختن معضلات شهری اختصاص یافت.

مرحله چهارم

این مرحله(۲۰۰۴-۲۰۰۱) ادامه مرحله سوم بود و تنها بیشتر از قبل بر روی فعالیت ها و اقدامات دولتی که شرایط زندگی قشر مستمند و کم درآمد جامعه شهری را متأثر می ساخت، متمرکز شده بود.

در واقع هم اکنون زمینه هایی که این برنامه ها توجه خاص به آنها دارند عبارتند از:

-- کاهش سطح فقر در شهر

-- مدیریت محیط زیست شهری

-- جذب مشارکت های دولتی

-- حل معضل ایدز و اعتیاد در جامعه شهری

برنامه هایی که در بالا بدان اشاره شد در ۱۱ ناحیه و ۲۱ شهر در آسیا اجراشده است.

در اینجا به مقایسه مدیریت شهری در آسیا و اروپا می پردازیم.

اصول مدیریت شهری در اروپا

در الگوی مدیریتی در اروپا سه عامل مدیریتی لحاظ می گردد: برنامه ریزی، اجرای برنامه ها، نظارت و ارتقای برنامه ها. از این گذشته ویژگی های خاصی برای یک مدیریت مطلوب شهری نیاز است که این ویژگی ها شامل داشتن اطلاعات لازم در زمینه سیستم شهری، سازمان های مربوطه و روند فعالیت ها می باشد.

همچنین باید توجه داشت که بخش خصوصی، گروه های فشار و عامه مردم می توانند در بهبود مدیریت شهری سهیم باشند و با استفاده از اینها می توان به بودجه لازم جهت ارتقای وضعیت اقتصادی دستیابی پیدا کرد. این عملکرد ها می توانند شهرواندان، محیط زیست شهری و ظرفیت کارآیی و تولیدات شهر را تحت تاثیر قرار دهد.

در اروپا تاکید بر این است که سیستم های شهر بطور کامل مورد ارزیابی قرار گیرد. نوع مدیریت شهری که در اروپا مورد استفاده قرار می گیرد می بایست با چرخه زندگی شهرنشینی، که افزایش و کاهش رشد محیط زیست نشانگر آن است، سازگار باشد. شهر هایی که به لحاظ فیزیکی و اقتصادی توسعه یافته هستند نیاز به شیوه مدیریت شهری متفاوت با شهرهای عقب مانده و دچار نقصان دارند.

به عنوان مثال بسیاری از شهر ها نتوانسته اند به توازن عرضه و تقاضا در تولیدات و خدمات شهری برسند. در این موارد شهر های اروپایی وضعیت بازارهای شهری مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. با این روش تقاضا برای تولیدات خدمات شهری و عرضه مایحتاج شهروندان به توازن می رسد.

از موارد دیگری که در مدیریت شهری اروپا مدنظر قرار می گیرد را می توان به وضعیت حمل و نقل شهری، مدیریت اراضی، اقتصاد شهری و منطقه ای،سازمان دهی کارآیی و حجم تولیدات در کلان شهر ها اشاره کرد.

۱- خدمات تکنیکی در جهت فقرزدایی شهری بر روی موارد زیر متمرکز شده است:

دستیابی قشر فقیر جامعه به اراضی و تامین امنیت شغلی آنها: بهبود شرایط کاری و سازمان دهی اجتماعی می بایست به اندازه بهبود شرایط محیط شهری مد نظر قرار گیرد. چراکه قشر ضعیف و کم درآمد جامعه هم می بایست از امانات دسترسی به اراضی شهری و امنیت شغلی برخوردار باشند.

کمک های مالی هر چند جزئی به قشر کم درآمد: این بخش بهبود شرایط مدیریتی در سامان دهی گروه های اجتماع در ایجاد مشارکت های مالی، افزایش کارآیی مدیریتی در جهت اخذ و اداره سرویس های مالی-اعتباری به منظور توسعه فعالیت های درآمدزا و تسهیلات مسکن را شامل می شود. همچنین در این زمینه می توان به ایجاد ارتباط میان این گروه های مشارکتی با موسسه های ملی رسمی و استحکام کارآیی و افزایش سطح تولیدات دولت های محلی در ارتقاء تمهیدات مربوط به وضه اقتصادی و معیشتی جامعه اشاره کرد.

۲- خدمات تکنیکی در جهت مدیریت محیط زیست شهری بر موارد زیر متمرکز شده است:

مـدیریت بازیـافت زبـاله:این بخش شامل بهبود مـدیریت شـهری در جهت برنامه ریزی، تامین اعتبار، و عملی ساختن امور مربوط به سیسـتم زباله های جامد شـهری می باشد. در اینجا می بایست تقویت سـرمایه گذاری در سیستم زباله های جامد شهری و بخصوص در زمینه های جمع آوری زباله های جامد، دفن و همچنین بازیافت مواد به خوبی انجام پذیرد.

مـدیریت آب و فاضـلاب و آلـودگی هـوا: این بخش شامـل بهبـود خـط مشـی هـا و قـوانین زیست محیطی به منظور ترفیع و تفیند اختیارات مدیریت شهری در جهت برنامه ریزی، تامین اعتبار و عملی ساختن امور مربوط به سیستم آب و فاضلاب و کیفیت هوا می باشـد. در ایجا می بایست تقویت مشارکت میان دولت های محلی و سازمان های دولتی در ارائه خـدمات زیست محیطی و حفاظت از محیط زیست لحاظ گردد.

۳- خدمات تکنیکی در جهت مدیریت شهری به شیوه مشارکتی

جمع آوری عواید و مدیریت مالی: بهبود روند مدیریتی در جهت جمع آوری عواید بمنظور توزیع مطلوب خدمات شهری

http://www.shirazcity.org/m_planning/newsletter/Archive/۷۵/۷۵-۰۱.htm*

الگوهای مدیریت شهری

civic ...

الگوهای جهانی مدیریت شهری در کشورهای مختلف

مهدی جابری

الگوهـای جهـانی مـدیریت شـهری در کشورهای مختلف با توجه به حاکمیت سیاسـی آنها متفاوت است. این الگو بر حسب این که مدیران محلی در شـهرها و مدیران روسـتایی در روستاها چه میزان اختیاراتی دارند، متفاوت است.با این حال، کشورهای مختلف در مـدیریت و برنـامه ریزی هـای شـهری خود، محورهـا و ارکان مشـخص شـده از سوی سازمان ملل را مـدنظر قرار می دهنـد. «مفهوم مدیریت شهری، گسترده تر از مفاهیم ترکیبی است و می توان در سطح وسیع این طور بیان کرد که مدیریت شهری درباره حکومت های محلی و یا در حد وظایف شـهرداری ها به کار می رود.»دکتر غلامرضا لطیفی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان این مطلب می گویـد: «سازمان های محلی که با عنوان شـهرداری ها از آنها نام می بریم، به طور عمـده بعد از وقوع انقلاب صـنعتی مطرح می شوند و ابتدا در اروپا و سـپس در آمریکا و نیز سایر کشورها تسـری می یابند.»وی می افزاید: «براساس برنامه مدیریت شـهری که از سوی سازمان ملل مشـخص شده است، ۵ محور برای کشورهـا در قرن ۲۱ در نظر گرفته شده است: مدیریت زمین شـهری، مدیریت زیرساخت های شهری، مدیریت امور مالی شهرداری ها، مدیریت محیط زیست شهری و ریشه کن سازی فقر شهری.»لطیفی تصریح می کند: «برای افزایش کیفیت معیارهای عملکردی مدیریت شهری در ۵ حوزه مذکور، ۲ ابزار کلیدی مهم نظام مدیریت شهری در سال های اخیر در دسـتور کار کشورها قرار داشـته است؛ یکی طرح توسـعه شـهری و دیگری طرح مشارکت شـهری.»استاد دانشگاه علامه طباطبایی می گویـد: «حوزه ها و ارکان مـذکور با توجه به این که در کدام یک از الگوهای مدیریت شـهری قرار می گیرند، کارکردهای متفاوتی دارنـد ●.»الگوهای مـدیریت شـهریالگوهای مدیریت شـهری در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است و هر کدام از این جوامع، با توجه به نوع حکومت سیاسـی حاکم بر خود، نوعی از شـیوه های مدیریت شهری را در دستور کار

دارنـد.علی نوذرپور، رئیس هیأت مـدیره جامعه مهنـدسان شـهرساز می گوید: «الگوی مدیریتی متمرکز، مختص کشورهای در حال توسعه و شیوه مدیریت غیرمتمرکز ویژه جوامع توسعه یافته است. این دسته بندی با توجه به میزان اختیارات مدیران محلی و میزان وظایف آنها در نظر گرفته شـده است. در هر کـدام از این الگوها، شـهروندان دارای نقش های متفاوتی هسـتند ●.»مدیریت شـهری متمرکز«در این الگو، دولت های مرکزی مسـتقیماً در اداره شـهر دخالت دارنـد و وظایفی را که جنبه محلی دارد و از جنس تصـدی گری است، خود دولت هـا انجـام می دهنـد.»نوذرپور با بیان این مطلب می گویـد: «این الگو مبتنی بر دیوان سالاری است و معمولاً دولت هایی از آن تبعیت می کنند که به طور وسیع به تلاش و کار مردم وابسـته نیستند و هزینه های خود را از طریق منابع درآمدی ملی تأمین می کننـد.»رئیس هیأت مـدیره جامعه مهنـدسان شـهرساز می افزایـد: «در الگوی مدیریت شـهری متمرکز، مردم جایگاهی ندارنـد و نقش مردم در اداره شـهرها کمرنـگ است و نظر آنها در مسائل اساسـی مثل سیاسـتگذاری و برنامه ریزی کمتر لحاظ می شود.»وی تصـریح می کنـد: «این الگو در حـال حاضـر از کشورهـای اروپایی حـذف شـده است و جایگاهی در جوامع توسـعه یافته نـدارد.»مهم ترین نقش مردم در الگوی مـدیریت شـهری، انتخاب اعضای شورای شـهر است.لطیفی در این باره می گوید: «مردم در این الگو نمی توانند، شـهردار را به طور مسـتقیم انتخاب کنند. بلکه این شورای شهر است که شهردار را برمی گزینند.»استاد دانشگاه علامه طباطبایی تصـریح می کند: «به طور کلی، سه نوع شیوه انتخاب شهردار در دنیا وجود دارد. اول این که مردم به طور مستقیم و با رأی خود، شـهردار را تعیین می کنند؛ مانند کشورهای فرانسه، بلژیک و برخی ایالت های آمریکا. در این شـیوه، شهردار است که به انتخاب اعضای شورای شـهر می پردازد. دوم این که شـهردارها انتصابی هسـتند و زیر نظر وزارتخانه هایی همچون وزارت کشور فعالیت می کنند. این شـیوه در برخی از کشورهای در حال توسعه رایج است و تا قبل از سال ۱۳۷۷ نیز در ایران اجرا می شد؛ به این صورت که شـهرداری هـا زیر نظر دفـاتر فنی اسـتانداری به کار خود ادامه می دادنـد. سومین شـیوه انتخاب شـهردار نیز این است که مردم با انتخاب اعضای شورای شـهر، به آنها وکالت می دهنـد که شـهردار را تعیین کننـد ●.»مدیریت شـهری غیرمتمرکزدر الگوی مدیریتی غیرمتمرکز، دولت به جز سیاسـتگذاری و برنامه ریزی و اموری همچون دفاع از سـرزمین و تأمین امنیت مردم، وظیفه ای در قبال محله ها و شـهرهای کشور ندارد.نوذرپور در توضیح این الگو می گوید: «دولت فقط وظایفی را که جنبه حاکمیتی دارد، عهده دار است و بقیه وظایف را به شهرداری ها، بخش خصوصی و یا NGO ها واگذار می کند.»وی می افزاید: «در این الگو، شهرداری هـا به طور عمـده وظـایف محلی را برعهـده دارنـد و حتی امور مربوط به گردشـگری، توریسم، طرح هـای توسعه شـهری، سـاخت کتابخانه، ازدواج و طلاق به عهده آنهاست و هزینه های خود را از طریق عوارض و یا مالیات محلی تأمین می کنند البته دولت نیز تا حـدی مسائل هزینه بر را تقبل می کند ●.» مردم در الگوهای مدیریت شـهری غیرمتمرکز چه جایگاهی دارند لطیفی در این باره می گویـد: «این الگـو مبتنی بر آرای مسـتقیم مردم است و مردم بر کـار اعضـای شورای شـهر که در سـطوح مختلف تصـمیم گیری می کنند، نظارت دارند.» وی می افزاید: «مدیریت شهری به عنوان الگویی برای مدیریت و توسعه سکونتگاه های شهری اعم از شهرهای کوچک، بزرگ و مادر شـهرها مطرح می شود. هسـته فعالیت های بین المللی مـدیریت شـهری، برنامه مـدیریت شـهری است که به وسـیله برنـامه توسـعه سازمـان ملـل بنیـان نهـاده شـده است. این برنـامه از سـوی برخی دولت هـا حمـایت می شـود و از سوی مرکز سکونتگاه های بشـری که وابسـته به سازمان ملل است، و نیز بانک جهانی با هدف کمک به شـهرهای بزرگ و کوچک کشورهای در حال توسـعه، در بحث رشـد اقتصادی، توسعه اجتماعی و از بین بردن فقر به رسـمیت شـناخته شـده است ●.»دوره های مدیریت شهری در ایرانـدر ایران، ۳ دوره مشخص در عرصه مـدیریت شـهری وجود داشـته است.لطیفی در این باره می گویـد: «دوره اول از آغاز دوران شهرنشـینی تا انقلاب مشـروطه بود که مدیران شـهری از سوی دولت ها تعیین می شدند و شهردارها با عناوینی همچون کلانتر و داروغه فعالیت می کردند. دوره دوم با انقلاب مشروطه آغاز می شود. در این دوره حرکت هایی به سوی حاکمیت شهری شکل گرفت و حکومت شـهری به دست فراموشـی سپرده شد.»استاد دانشگاه علامه طباطبایی می افزاید: «دوره سوم با شروع انقلاب

اسلامی آغاز شد. در دهه اول به علت رشد مهاجرت های اجباری و مسائلی همچون جنگ تحمیلی، الگوی خاصی در مدیریت شهری وجود نداشت. اما بعد از جنگ، سیاست های اقتصادی به سمت خصوصی سازی و آزادسازی حرکت کرد و در برنامه اول توسعه، دولت به شهرداری ها اجازه داد، خودشان تولید درآمد کنند و نخستین شهری که این حرکت را آغاز کرد، تهران بود.در حال حاضر نیز بیشترین درآمد شهرداری های کشور ما از محل فروش تراکم ساختمانی و نیز عوارضی است که بابت ساخت وساز و تخلفات ساختمانی دریافت می شود.»وی تصریح می کند: «البته هر چقدر شهرها کوچک تر باشند، نیاز بیشتری به کمک دولت دارند. در حقیقت، دولت در شهرهای بزرگ، خرج و هزینه کمتری صرف می کند.»لطیفی می گوید: «مدیریت شهری ما به وحدت رویه ای نرسیده است که برنامه ها براساس آن طرح ریزی شود.»استاد دانشگاه علامه طباطبایی این گونه توضیح می دهد: «با وجود ده ها میلیارد هزینه برای طرح جامع شهر تهران، شهرداری حاضر به اجرای آن نشده است و شهر تهران در حال حاضر، هیچ برنامه مدونی برای اجرا ندارد و دچار اداره روزمرگی شده است. هیچ طرح درازمدتی برای اداره تهران وجود دارد.»وی می افزاید: «در تمام دنیا، کیفیت ساخت وسازها تحت مدیریت شهری است و نماسازی، قواعد خاص خود را دارد و از یک قانون مشخص پیروی می کند. در حالی که در تهران، هیچ گونه ضوابطی برای نماسازی شهری وجود ندارد و هر کسی ساختمان خود را تغییر می دهد.»لطیفی درباره فاصله مدیریت شهری کشور ما با جوامع پیشرفته می گوید: «شاید در برخی محورها به آنها نزدیک شده باشیم ولی طبق شاخص ها و گزارش های سازمان ملل هنوز با کشورهای دیگر فاصله داریم.»

*روزنامه ایران

سیر مدیریت شهری در ایران

civic ...

تاریخچه طرح های شهری ایران

سیر مدیریت شهری در ا یران

فعالیتهای شهرداری را به شکل نوین بی‌تردید باید مربوط به دوره بعد از مشروطیت دانست. این دوران با تصویب قانون بلدیه در دوره اول مجلس شورای ملی به سال ۱۲۸۶ هـ‌ش، آغاز گردید. نخستین شهرداریی که براساس قانون جدید تأسیس شد، شهرداری تهران بود که با تشکیلات جدید در همان سال (۱۲۸۶) تقریباً بلافاصله پس از تصویب قانون پایه‌گذاری شد و با تشکیلات جدید آغاز به کار کرد. پس از آن تا سال ۱۳۰۴، یعنی آغاز سلطنت پهلوی اول، مجموعاً ۱۶ شهرداری ایران تأسیس شد. قانون بلدیه (۱۲۸۶ هـ . ش.) با عدم موفقیت روبه‌رو شد. برخی از بخشهای آن به طور کلی به مرحله اجرا در نیامد و برخی دیگر به صورتی ناقص تحقق پیدا کرد و با مشکلاتی روبه رو شد. علت آن بود که نه مردم و نه دولت، هیچ یک از آمادگی لازم برای تحقق این قانون برخوردار نبودند. همراه و مقارن با تصویب قانون بلدیه سال ۱۲۸۶ هـ . ش . قوانین دیگری نیز به تصویب رسید: ابتدا قانون انجمنهای ایالتی و سپس قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام. اما دلایلی چند جریان عادی و تکامل تدریجی حرکت به سوی شکل‌گیری نظام دموکراتیک را متوقف کرد یا با مشکلات فراوان مواجه ساخت. در دوره سلطنت رضاخان،

تأسیس شهرداریها تسریع یافت، به طوری که تا پایان سلطنت وی، بالغ بر ۱۳۶ شهرداری تأسیس شد. شهرداریها در این دوره ، سازمانی کاملاً دولتی بودند. در سال ۱۳۰۹ ، قانون بلدیه لغو شد و قانون جدیدی تصویب شد که به موجب آن تأکید بر وابستگی انحصاری شهرداریها از حیث مالی و به تبع آن اداری و اجرایی به دولت و بودجه ملی ـ دولتی بود. در دوران سلطنت پهلوی دوم نیز تغییراتی در قوانین اداره شهرها به وجود آمد. در سال ۱۳۲۸ قانون جدیدی تصویب شد که در شرایط تعیین شهردار، حقوق و مزایای او و همچنین واگذاری برخی اختیارات تازه به انجمنهای شهر تغییراتی ایجاد شده بود . در سال ۱۳۳۱ در لایحه الحاقی به قانون سال ۱۳۲۸، اختیارات انجمنهای شهر و قدرت مردم افزایش یافت. از سال ۱۳۳۲ به بعد، بنا به دلایل سیاسی، تغییراتی در قانون سال ۱۳۳۱ ایجاد شد که در نهایت منجر به کاهش قدرت مردم شد. علاوه بر این، در دوران قبل از انقلاب، دو قانون نوسازی و عمران شهری و تأسیس شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران تصویب شد که به موجب ماده ۷ قانون اخیر، شهرداریها مکلف به اجرای مصوبات این شورا بودند. در زمان قبل از انقلاب، در بسیاری از شهرهای ایران از جمله تهران، انجمن شهر تشکیل شد، لکن چون اعضای این انجمنها بیشتر از طبقات ذی نفوذ و یا کسانی بودند که دولت و رژیم گذشته به آنان اعتماد داشت، این انجمنها نتوانستند منشأ اقدامات مؤثری شوند. شهرداران در واقع مدیر مطلق‌العنان شهر بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تغییر بنیادین نظام سیاسی کشور، بر اداره شورایی کشور (در سطوح مختلف کشوری، استانی، شهری و روستایی) در قانون اساسی تأکید ویژه‌ای شده، به‌طوری که یک فصل از قانون اساسی به شوراها اختصاص یافته است. مطابق اصل ۱۰۰ قانون اساسی (برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی) و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. در سطح شوراها، شورای اسلامی شهر جایگزین انجمن شهر شد و وظایفی که بر عهده این انجمن بود، برعهده شورای اسلامی واگذار گردید. براساس لایحه (تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران)، انتخاب شهردار بر عهده شورای اسلامی شهر و صدور حکم آن در شهرهای با جمعیت کمتر از دویست هزار نفر برعهده استاندار و در شهرهای بزرگتر برعهده وزیر کشور گذارده شد. مسایل و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله مانع از تحقق شورای اسلامی شهر گردید. در سال ۱۳۷۵ (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران) به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۱۱/۴/۷۵ برای اجرا از طرف رئیس جمهور به وزارت کشور ابلاغ شده است. این قانون دارای پنج فصل و نود و چهار ماده و پنجاه و یک تبصره می باشد. فصل اول این قانون تشکیلات شوراها را مورد بررسی قرار میدهد. فصل دوم درخصوص انتخابات (شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان)، و فصل سوم درخصوص وظایف شوراها (برحسب سطح تشکیلاتی در روستا، بخش و شهر) می باشد. فصل چهارم درخصوص رسیدگی به تخلفات است، و بالاخره فصل پنجم سایر مقررات را مورد بررسی قرار میدهد. در مجموع، در فاصله سالهای ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۵، تعداد ۱۶۷ شهرداری جدید در کشور تأسیس شده است. در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرداریهای کشور به ۶۵۰ شهرداری رسید. تحولات مهم این دوره کاهش حمایتهای مالی دولت از شهرداریها می باشد، به طوری که شهرداریها مجبور به اتکا به منابع داخلی شده اند

تاریخچه طرح های شهری ایران

قبل از تهیه طرحهای شهری به شکل متداول کنونی ، طرح پیشنهادی شهر همدان، به عنوان اولین طرح شهری ، توسط کارل فریش ، مهندس چرم ساز، تهیه و به وزارت داخله پیشنهاد شد و در آبان ماه سال ۱۳۱۰ به تصویب وزارت داخله رسید. همچنین در سال ۱۳۲۴ ، بخش شهرسازی و طرحریزی در سازمانی موسوم به « سازمان اصل چهار ترومن» در ایران تشکیل شد و مسئولیت آن برعهده چند مهندس شهرساز، از جمله دکتر تورسن و مهندس گیبس ، نهاده شد. این عده نیز برای اولین بار مطالعات و طرحریزی

سه شهر شیراز، اصفهان و سنندج را به زبان انگلیسی تهیه کردند (سعیدنیا، ۱۳۷۸). علاوه بر این ، سربازان گروه صلح با امضای قراردادی بین هیئت عمران بین المللی آمریکا و وزارت کشور در دهه ۳۰، به ایران آمدند و در وزارت کشور مشغول به کار شدند و برای بیشتر شهرها، طرح شبکه‌بندی و گذربندی تهیه کردند (سعیدنیا ، ۱۳۷۸). طرحهای شهری با کیفیتی که در حال حاضر در کشور متداول است، از ابتدای برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۶ـ۱۳۴۱) آغاز شد. در سالهای اول اجرای برنامه عمرانی سوم، قرارداد تهیه طرح جامع بین سازمان برنامه و بودجه و تعدادی از مشاوران منعقد گردید. تا اینکه در سال ۱۳۴۳ وزارت آبادانی و مسکن و به دنبال آن شورای عالی شهرسازی تأسیس شد و نظارت در کار تهیه طرحهای جامع شهرهایی که قرارداد آنها قبلاً منعقد شده بود به عهده دبیرخانه شورای عالی شهرسازی محول شد و پس از مدتی عقد قراردادهای جدید در این مورد به دبیرخانه مذکور واگذار گردید (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۱). اولین طرحی که به تصویب شورای عالی شهرسازی رسید، طرح جامع بندرلنگه بود که در سال ۱۳۴۵ تصویب شد. پس از آن در سال ۱۳۴۶، طرح جامع شهرهای بندرعباس، تهران، تبریز، قزوین و رشت به تصویب رسید. در سال ۱۳۴۷ نیز طرح جامع شهرهایی چون بندرانزلی ، همدان، اهواز، بابل و بابلسر به تصویب رسید و روند تصویب طرحها در شورای عالی شهرسازی همچنان ادامه یافت ، به طوری که تا پایان سال ۱۳۷۸، ۲۱۹ طرح جامع شهری به تصویب رسید. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۹).

http://www.arashrezaei.ir/tarikhcheh.html*

مدیریت شهری یا مدیریت پروژه

civic ...

تعریفی از مدیریت شهری

در ابتدا بهتر است به تعریفی از مدیریت شهری بپردازیم. مدیریت شهری یعنی کار کردن با افراد و گروهها برای رسیدن به مقاصد سازمان, این مقاصد شامل وظایفی که عبارتند از برنامه ریزی و سازماندهی, نظارت و انگیزش می باشد در این راستا مدیریت شهری به بیان ساده باید برای شهر برنامه ریزی نماید. فعالیتهای شهر را سازمان و سامان و بر نحوه انجام خدمات شهری نظارت نماید و حتی برای انجام بهینه امور انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمانها و شهروندان ایجاد کند. معمولا مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه ای از حکومت محلی تعریف شده و شهرداری خوانده می شود. مدیریت شهری به مثابه نظامی است که دارای ورودیها و خروجیهای مشخصی است که کنترل کننده آن شخصی بنام شهردار می باشد, که مسئول اجرای بهینه خدمات شهری با بهره گیری از کلیه امکانات و منابع مالی و انسانی است.

شاید ساختار سازمانی و نحوه اجرای این خدمات نیازمند بحث افزونتری باشد. لذا بهتر است به تعاریفی که از شرح وظایف ذکر گردید اکتفا نمود. مدیریت شهری در شهر ایلام سالهاست که با حواشی متعددی روبرو است و عملکردهای بسیاری از مدیران شهری (شهرداران) خود بیانگر این تغییرات است. بافت شهری ایلام و تشابه و تضاد آن با بخشداری برره از جهاتی قابل تامل است. بخشداری برره بسیار متفاوت با شهر ماست در مقایسه ای کوچک برره با شخصیتهای مشخص و تعریف شده در انجام وظایف

حال بصورت درست یا نادرست سعی در بیان واقعیات جامعه بصورت یک طنز اجتماعی داشت که به طنز سیاسی مبدل شده بود ولی در شهر ما با شخصیتهای نامشخص و متضاد و عموما مخالف در تصمیم گیری شهری و مدیریت شهری و عدم انجام شرح وظایف مشخص شده که نظم در ساختار شهری را به یک آرزو مبدل و بیانگر این موضوع است که طرح و نتایج مطلوب و سازنده که مرتفع کننده مشکلات شهری و شهروندی باشد در تصمیم گیری شهری کمتر بچشم می خورد . و تنها شباهت شاید همان نام بخشداری باشد که بیشتر به شهر ایلام می خورد و علت ساختار و معماری شهری و نحوه ارائه خدمات شهری است که شباهت زیادی به یک بخش در نما پیدا کرده است و اما حال دیگر در مورد بخش ها چه قضاوت نمود و چه نامی بر آنها نهاد بماند!

بالا خره بازی شهر نیز به نتیجه رسید و پرتلاش ترین و موفق ترین شورای شهر کشور انتخاب شد که بی شک شورای شهر ایلام است که با برکناری دومین شهردار و ثبت رکورد استیضاح سعی در ایجاد فضایی مناسب و اقداماتی بی نظیر در پویایی و زیباسازی شهر را دارند!

اتفاقات و تصمیماتی که پشت درهای بسته شورای شهر صورت می گیرد مطمئنا بصلاح شهر وشهروندان آن است! ویک شهروند حق شهروندی اوست که نداند در مورد شهرش چه تصمیمی گرفته اند!! در این مجال نه در مقام نصیحت و نه در جایگاه یک مسئول, تنها بعنوان یک شهروند که حق شهروندی خود می داند که نظراتی را که ممکن است هر فردی دراین جامعه شهری ایلام, از کودکی دبستانی که شهرداری را بهتر از مدیران مدیریت شهری (شورای شهر و شهردار) می شناسد تا مردم فهیمی که به فعالیتها وتصمیم گیری های شهری عادت کرده اند بهتر بتواند بازگو نماید اشاره می کنم, سخن با تصمیم گیران و تصمیم سازان مدیریت شهری بالاخص شهردار آینده است که تمامی فعایتها به نام او انجام و اتمام می پذیرد و همه یک فرد را مسئول بی برنامه گی یا برنامه ریزی شهری میدانند. شاید با چند پرسش بتوان گوش شنوایی پیدا و پرتغال فروش را یافت!

آیا باز هم تعبیر خواب اعضای شورای شهر و یا شهردار منجر به تدابیر هوشمندانه شهری می شود ؟

آیا مدیریت شهری (شهردار) آینده نیز سعی در اجرای بهینه خدمات شهری دارد یا باز هم ابقای خود در جلسات استیضاح را به هر ارزش و بهایی می خواهد؟

آیا می توان دید که دیگر کارگران با بیلها و کلنگها در کوچه ها و خیابانها نباشند؟

آیا می توان هماهنگی لازم بین ادارات را جهت نصب وکانال گذاری انشعابات آب وفاضلاب و برق و تلفن و اخیرا گاز را تنها با یک نامه بعمل آورد؟

آیا بودجه مالی جهت انجام آسفالت آنهم از نوع مرغوب که فناوری تولید آن در مراحل صادرات است تامین اعتبار گردیده است؟

آیا مشکل ترافیک شهری با هماهنگی یا عدم هماهنگی راهنمایی و رانندگی و دوراندیشی در نحوه ومکانهای عبور و مرور کما فی سابق حل می گردد؟

آیا با سازمان گردشگری یا همان ایرانگردی و جهانگردی در مورد نحوه ورود و جذب و بازدید گردشگران داخلی و خارجی از چاله اسکندرون های کوچه و خیابانها هماهنگی صورت پذیرفته است؟

آیا جداول و تیرهای بتنی در اشکال و طرحهای مختلف جهت سد معبر و بروز تصادفات درون شهری به تعداد و در اندازه های مختلف وجود دارد؟

آیا برای تعریض خیابانهای پرتردد شهر باز هم به ارائه طرح عقب نشینی بدون جلب رضایت ساکنانش می اندیشید؟

ای کاش همه شهروندان ایرانی همانند شهروندان ایلامی کم توقع و صبور و محجوب باشند و آنگونه نباشد که با کوچکترین بی برنامه گی در خدمات شهری معترض گردند؟ شاید مدیریت شهری از جایگاه شهروندی مطلع نیست و برنامه های اتخاذی شاید در تخصص مدیریت شهری نباشد؟! شاید هم تخصص دوستان در احداث سدها و بندهای انحرافی است و به اشتباه در امور شهری

وارد شده اند و مسئولین خبره سد سازی کشور باید بیایند و از تجارب این دوستان استفاده نمایند! و یا مدیران شهری و اعضای شورای شهر سایر استانها باید بیایند و دوره های آموزشی آنهم بصورت فشرده و با عناوینی همچون (تعیین خیابانهای پرترافیک جهت ایجاد بندها و سدهای انحرافی با هدف افزایش تصادفات شهری و جلوگیری از عبور تانک در شهر – نحوه تعیین نوع رنگ جداول خیابانی و مکانیابی و نصب تیرهای بتنی– نحوه عملکرد و چگونگی تغییر کاربری اراضی شهری– بررسی روشها و مفاد استیضاح و عزل شهردار – نحوه شناسایی و مرمت چاله اسکندرونهای شهری) را بگذرانند! جهت دوری از تمام مواردی که شهر را دچار بازی شهر می نماید می توان پیشنهاد نمود شهردار آینده از افکار خلاق و جوان و اساتید و کارشناسان مجرب و کارامد در زمینه مدیریت و توسعه و معماری شهری بهره گیرد و بداند نگاشت این گفته ها و نوشته ها که دیدگاه دلسوزانه و منتقدانه دارد سعی در ارائه راهکارهای مناسب در شروع یک تصمیم گیری علمی و پرهیز از فعالیتهای ناسودمند و روزمره و تکراری داشته و بیانگر نقش و مشارکت تمامی اقشار این جامعه در ترسیم نمایی شهری از این برره است!

در پایان با احترام به شخصیتهای اعضای شورای شهر امید است دیدگاه مدیران شهری هماهنگ تر و علمی تر شده و اندیشیدن در تصمیم گیری را مقدم بر مصلحت اندیشی نمایند . ودر صورت لزوم موارد ومشکلات شهری را در گزارشاتی هفتگی از رسانه و یا سیما به اطلاع مردم و مدیران ارشد استان برسانند . امیدوارم آقای مهندس بیگی (شهردار سابق) در هر مقامی موفق و آنچه را می خواهد با بهره گیری از توان علمی خود محقق سازد نه بر اساس خواسته ها و تمایلات دیگران و چنین آرزویی را نیز برای آقای مهندس چاغروندی (شهردار آینده) دارم.

به امید فردایی بهتر و آبادتر وشادتر برای شهرمان * http://www.ilamtoday.com/article/article.asp?n=۱۱۰

اهداف و وظایف شهرداری ها

civic ...

اهداف و وظایف شهرداری ها طبق قانون اساسی

اهداف و وظایف شهرداری ها

شرح وظایف فعلی شهرداریها(مصوب سال ۱۳۰۹) بیش از تکالیف جاری شهرداریها بوده و اغلب این وظایف (مانند تأمین آب و رو شنایی شهر، نصب و نظارت برگه قیمت اجناس،...) با مشارکت یا توسط دیگر سازمانهای دولتی انجام می شود. لکن بخشی از نیازهای جدید و اساسی مدیریت کلان شهرها (مانند کاهش ترافیک و تسهیل تردد شهرها، حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی هوا، خودکارسازی امور شهروندان و ترویج فرهنگ و رفاه شهری) از وظایف مصوب شهرداریها نبوده و هماهنگی و مشارکت دیگر واحدهای ذیربط با شهرداری کلان شهر مصوب و الزامی نمی باشد که ساماندهی و هدایت مطلوب کلان شهر را نامقدور و بعید نموده و بازنگری قوانین فعلی مدیریت کلان شهرها را ضروری می نماید

اهم وظایف مصوب فعلی شهرداریها در ذیل آمده است :

۱–ایجاد توسعه، تنظیف، نگهداری و اصلاح معابر و مجاری آب و فاضلاب

۲- پیشنهاد اصلاحات شهری، صدور پروانه ایجاد و اصلاح کلیه ساختمانهای شهر

۳- مراقبت و تشریک مساعی در امور بهداشت اهالی(برای جلوگیری از امراض همگانی و دفع حیوانات مضر)

۴- تأسیس مؤسسات فرهنگی، بهداشتی و تعاونی و مساعدت مالی به انجمن های تربیت بدنی و خانه و مدرسه

۵- تهیه مقررات صنفی و پیشنهاد آن به شورای شهر و مراقبت در امور اصناف، صدور پروانه کسب اصناف،تعطیلی اماکن بی پروانه و جلوگیری از ایجاد،تأسیس و ادامه کار مشاغل و اماکن غیر بهداشتی یا مزاحم

۶- اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق، احداث ابنیه عمومی مورد نیاز شهر (مانند کشتارگاهها،میدانها، باغ کودکان، ورزشگاه ، غسالخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل اموات)

۷- اتخاذ تدابیر لازم برای ساخت خانه های ارزان برای اشخاص بی بضاعت و تشریک مساعی با مراکز مسئول حفظ ابنیه عمومی، آثار باستانی، مساجد و غیره

۸- تهیه و تعیین میادین عمومی فروش ارزاق و اتخاذ تدابیر برای فراوانی، مرغوبیت و حسن اداره فروش گوشت و نان شهر و تردد و توقف وسایل نقلیه

۹- پیشنهاد برقراری یا لغو عوارض شهر، تغییر نوع و میزان عوارض، برآورد و تنظیم بودجه و متمم اصلاحیه و تفریغ آن و پیشنهاد و اجرای برنامه های عمرانی (با تصویب شورا)

۱۰- انجام دیگر امور مصوب شورای شهر

*http://www.arashrezaei.ir/ahdaf-vazayef.html

چالش های و ضرورت های مدیریت جامع شهری

در نظام مدیریت مردمی هدف این است که همه حضور داشته باشند. همه عناصری که در مدیریت شهری موثر هستند باید بتوانند به سهم خود در این امر مشارکت کنند.کلان شهرها پدیده ای جهانی است. این پدیده زمانی که جامعه صنعتی مرحله گذر را طی می کرد به نرمی و آهستگی با انفجار فضایی پیش رفته است.پدیده کلان شهرها در جوامع درحال توسعه با فقر، جمعیت، سوداگری تازه به دوران رسیده، همراه است.ناپایداری اجتماعی و فرهنگی نشان در اعتیاد - فساد - خیابان خوابی فرهنگ نوکسیه گی، مصرف گرایی، تخریب روابط اجتماعی و از میان رفتن هویت دارد.افزایش اهمیت گردشگری داخلی و خارجی، توسعه بی سابقه بازارهای مالی، سرعت بیشتر در رشد سرمایه گذاری خارجی، رشد شتابان بازرگانی بین المللی، افزایش ارزش و سهم بخش خدمات نسبت به بخشهای کشاورزی و صنعت،همه از دگرگونی ساختار جهان نشان دارند.مهمترین چالشهای پایداری کلانشهر تهران، ایجاد اشتغال، درآمد متناسب با افزایش جمعیت، تامین زیرساختها، خدمات رسانی شهری، آلودگی محیط زیست و منابع طبیعی است.باتوجه به تخصصی شدن حوزه های مختلف مدیریت و نیاز جامعه به متخصصین مجهز به دانش علمی در حوزه های مربوطه، اولین همایش مدیریت جامع شهری با همکاری معاونت توسعه مدیریت شهری در تالار حرکت تهران برگزار شد.در این همایش که گروهی از اقتصاددانان، مدیران مسایل شهری، معماران و جمعی از دست اندرکاران شهرداری تهران حضور داشتند؛ مواردی چون پایداری شهر تهران، الزامات مدیریتی آن، علل ناپایداری در شهر تهران، ناپایداری اجتماعی و فرهنگی تهران و جهانی شدن تهران و چالشها و ضرورتها موردبحث و بررسی قرار گرفت.آقای دکتر احمد کاظمیان عضو هیات علمی همایش پیرامون پایداری شهر تهران و الزامات مدیریتی آن صحبت کرد. او تاکید کرد که مدیریت شهری درصورتی می تواند موفق باشد که از پایین ترین سطح تا بالاترین سطح در آن مدیریت کلان شهری، مدیریت شهری - مناطق شهری - نواحی شهری و محلات

شهری به عنوان لایه های سیاستگذاری و تصمیم گیری وجود داشته باشد. در شهر تهران سطوح اول و آخر مفقوده هستند واخیراً نظام سطح چهارم درحال شکل گرفتن است و این نقص بزرگی در مدیریت شهر تهران است. در دنیا نظام مدیریت شهری به سمت تلفیق هرچه بیشتر حرکت می کند. در این زمینه دو مدل ارائه شده است. دریک طیف حکومت شهریمطرح شده است و در طیف دیگر مدیریت مردمی شهرها. به عبارتی بحث مشارکت ازنظر کیفیت و کمیت مطرح است. در نظام مدیریت مردمی، هدف این است که همه حضور داشته باشند، همه عناصری که در مدیریت شهری موثر هستند باید بتوانند به سهم خود در این امر مشارکت کنند ازجمله عناصر دولتی، محلی، بخش خصوصی و... به این منظور باید شرایط زیر مهیا باشد:- مشروعیت مدیریت شهری- شفافیت- پاسخگویی و محاسبه پذیری- پوشش دهی به همه اقشار مشاغل و غیرمشاغل شهری.سخنران تاکید کرد که درحال حاضر با نظام مطلوب مدیریت شهری فاصله زیادی داریم. ولی به هرحال باید به تدریج به سوی آن پیش رفت که در این راستا اقدامات و راهکارهای زیر باید تحقق یابد:۱ - توزیع مجدد قدرت۲ - ضرورت توانمند سازی شوراها و شهرداری ها۳ - بسترسازی فرهنگی برای مدیران و کارکنان و سپس برای شهروندانعلل ناپایداری شهر تهرانمهندس احمد سعیدنیا، استاد دانشگاه تهران در بخش دیگری از همایش علل ناپایداری در شهر تهران را موردبررسی قرار داد و در سخنان خود گفت، سخن از آرمان شهری است که در آن توسعه پایدار و مدیریت جامع اعمال می شود. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که چشم انداز آینده مان باید در چارچوب توسعه پایدار پیش برود. درحالی که مسایل موجود، پذیرفتنی نیست. آنچه ضد برنامه توسعه و ضد توسعه پایدار عمل می کند، چیزی جز اقتصاد سیاسی نیست. درحال حاضر ما وارد عرصه ای شده ایم که در آن سرمایه داری وابسته وجود دارد. چون در مرحله گذر از فلاحتی به صنعتی سیر می کنیم، تمام نیروها دست اندرکارند تا تمام انتظامات قدیم را برهم بزنند، تا شرایط نوین حاکم شود. بدین جهت در شرایط متلاطم به سر می بریم. راهکار پیش روی ما خروج ازاین مرحله گذر است. ما در مرحله گذار چاره ای نداریم جز تحمل مشکلات و تنگناها و با راه حل یابی برای مسایل کوچک این مراحل را باید طی کنیم.کلانشهرها پدیده ای جهانی است این پدیده زمانی که جامعه صنعتی مرحله گذر را طی می کرده به نرمی و آهستگی با انفجار فضایی پیش رفته است. اما این پدیده در جوامع درحال توسعه با فقر، جمعیت و سوداگری تازه به دوران رسیده (اتلاف منابع) همراه است. پس چیزی جز به هم ریختگی و بی انتظامی ملاحظه نمی شود. سرگذشت تهران نشان می دهد که درعین حالی که جمعیت به آن هجوم آورده، تمام عواملی که پشتیبان توسعه هستند را از میان برداشته اند. زمین - منابع طبیعی - آب - خاک - هوا و حتی میراثها و ابنیه ها را مورد تجاوز قرار داده اند و به عبارتی تمام عوامل پشتیبان را خود جمعیت مصرف می کند. اما واقعاً راه حل چیست؟ نظریه سازان اقتصاد سیاسی معتقدند راه حلی جز اصلاح سیستم اجتماعی - حکومتی نیست. این سیستم بیشتر باید دموکراتیزه و مردمی شود یعنی همان راهی را که غرب طی کرد، طی کند.آقای دکتر پرویز پیران، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی به ابعاد ناپایداری اجتماعی - فرهنگی شهر تهران پرداخت. وی گفت ما در شرایط عادی نیستیم و صحبت از راهکار است. برای اینکه راهکار به نتیجه برسد باید پیش شرط هایی تحقق پیدا کند. از انقلاب مشروطیت تا به حال با دو مساله حل نشده زیر روبرو هستیم:۱ - مسایل سیاسی را باید حل کنیم و قواعد پایداری برای مسایل سیاسی تدوین کنیم. این موضوع سیاسی نیست، بلکه فرایندی استراتژیک است. جامعه باید از جامعه احساسی به سوی جامعه عقلانی حرکت کند. در جامعه ما همیشه با فرد مبارزه شده است و خردستیزی یکی از ویژگیهای تاریخ ما است.۲ - مساله رانت خواری که از قدیم مطرح بوده است و مانع از رشد متخصص می شوداز بین برود. درنتیجه این عمل، متخصصین از صحنه کنار می روند و کسانی در صحنه می مانند که از دانش علمی به دور هستند.وی افزود، تا این پیش شرط ها اتفاق نیافتد، صحبت از راههای عملی به عملیاتی شدن نمی رسد. وی جایگاه مقوله پایداری را به عنوان راهبرد در سطح کلان عنوان کرد، اما راه اجرایی آن را در سطح خرد برشمرد.دکتر پیران نشانه های ناپایداری اجتماعی و فرهنگی را در مواردی چون اعتیاد، فساد، خیابان خوابی، قطبی شدن شدید طبقاتی، فرهنگ نوکیسه گی (مصرف گرایی در شرایط فقدان)،

تخریب روابط اجتماعی، تبعیض و نابرابری، از میان رفتن هویت، یکسان سازی، فقدان محدودیت چشمگیر فرهنگ سازی و بحران نسل سوم (جوانی) برشمرد.وی راه حل را در پدیدآمدن حرکتهای اجتماعی از گروههای هدف عنوان کرد و تاکید کرد که نسخه های قدیمی و دولتی دیگر کارساز نیست. باید سازمانهای مشارکتی در واحد محله شکل بگیرد و عزم ملی با حرکتهای اجتماعی پیوند بخورد. منابع دولتی در خدمت و تسهیل کننده این حرکت ها باشد. باید ایده، فکر و برنامه توسط خود مردم تولید شود و حکومت به صورت تسهیل کننده در کنار این قضیه باشد.جهانی شدن تهران؛ چالشها و ضرورتهاآقای دکتر مظفر صرافی عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز یکی دیگر از سخنرانان این همایش بود که به بررسی جهانی شدن تهران و ابعاد آن پرداخت. او گفت شهر برای پایداری خود به منطقه پشتیبان حیاتش وابسته است و پایداری کلانشهر (کلان شهر) به منطقه بزرگتر و روابط گسترده تری وابسته است. در این صورت توسعه کلان شهرها به روال کنونی در میان مدت به ناپایداری دیگر مناطق و در درازمدت به ناپایداری زمین می انجامد. این آرمان شهر پایدار نه در طبیعت بکر، بلکه از دل شهرهای موجود باید شکوفا شود. از این رو وقتی پدیده ها را درون کلان شهر جستجو می کنید، جدا از اتفاقاتی نیست که در جهان رخ می دهد. افزایش اهمیت گردشگری داخلی و خارجی، توسعه بی سابقه بازارهای مالی، سرعت بیشتر رشد سرمایه گذاری خارجی نسبت بهبازرگانی بین الملل، رشد شتابان بازرگانی بین کشورها با سلطه خدمات تخصصی و افزایش ارزش و سهم بخش خدمات نسبت به بخشهای کشاورزی و صنعت همه از دگرگونی ساختار جهان نشان دارند.درحال حاضر کلان شهرهای جهانی، مرکز بسیار متمرکز فرماندهی و اتصال به اقتصاد جهانی، مکان تولید و نوآوری ها در صنایع و خدمات پیشرو، مکان کلیدی برای زمین، سرمایه و خدمات تخصصی بسیار بالا و بازار سهم محصولات و نوآوری های ارائه نشده هستند. در این شرایط مهمترین چالشهای پایداری کلانشهر تهران، ایجاد اشتغال و درآمد متناسب با افزایش جمعیت، تامین زیرساختها و خدمات رسانی شهری، آلودگی زیست محیطی و منابع طبیعی و دو سطحی شدن شهر و گسست کالبدی است. وی مهمترین ضرورتهای پایداری کلانشهر تهران را در اشاعه مدیریت راهبردی با نگرش جهانی و ملی، ایجاد مدیریت واحد شهری و یکپارچه منطقه ای، برقراری نظام اداره نوین کلان شهری، حمایت از تواناسازی اجتماعات محلی، کسب موقعیت جهانی و گسترش تولید فراملی، پیشتازی توسعه ملی و پیوند با اقتصادهای منطقه ای، مشارکت با دولت ملی در سیاست گذاری های کلان شهری و کاهش فاصله عینی و ذهنی جهانیان با تهران برشمرد.*تدبیر

رویکرد اجتماعی و فرهنگی به مدیریت شهری

... civicهر پدیده ای در جامعه، یک وجه اجتماعی و فرهنگی دارددکتر علی اصغر محکی

هر پدیده ای در جامعه، یک وجه اجتماعی و فرهنگی دارد. چون هر جا انسان ها کنار هم قرار می گیرند و اجتماعی را شکل می دهند، در اثر کنش و تعاملات متقابل، وجوه مختلف اجتماعی و فرهنگی خود را نشان می دهند.در میان اجتماعات انسانی، شهر را می توان با توجه به تراکم جمعیت، سرعت و پویایی فعالیت ها، تخصص گرایی و تقسیم کار اجتماعی متمایز دانست. ساختار ارگانیکی شهر به گونه ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پر حجم اما سطحی، گذرا، ناپایدار و نسبتا رسمی است و بیشتر از آن که هنجارهای سنتی شکل روابط بین شهرنشینان را تعیین کند این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می کند. چنین فضایی موجب می شود تا روابط بین مردم ساکن در شهر (در مقایسه با جوامع کوچک روستایی) از عمق و کیفیت کافی برخوردار نباشد. در نتیجه خلاء های عاطفی و ضعف در هویت جویی افزایش می یابد و نیاز به تعلق اجتماعی کمتر تامین می شود. در چنین شرایطی انسان شهرنشین در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می کند. اما آن چه تلاش او را می تواند تا حد زیادی خنثی کند بافت و ساختار و کالبد و شکل انجام فعالیت در شهر است که سطح ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهرنشینان را محدود می کند. حال اگر در برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری بتوان به

گونه ای این بـافت و ساختـار و فعالیت ها را تنظیم کرد که به توسـعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کنـد، طبعا بیشترین کمک به ارتقاء حس تعلق اجتماعی هویت یابی و تامین نیازهای عاطفی شـهروندان شده است. از آن جا که نگاه انسانی به شـهر و شهرونـدان می طلبـد که آسایش و تامین نیازهای روحی و اجتماعی شهرنشـینان مورد توجه باشـد، ضـروری است که برنامه ریزی و مـدیریت شـهری بـا رویکردی فرهنگی و اجتمـاعی مترصـد توسعه سطح روابـط و مناسـبات انسـانی در شـهر باشـد.برخی از مـوانع ساختاری شـهر که مانع از توسـعه سـطح روابط و تعاملات اجتماعی عمیق می شوند عبارتند از • :بافت و معماری غلط بناها میادین، خیابان ها، و بازار •طراحی غلط و اسـتقرار ناصـحیح بخش های مختلف مسـکونی، تجاری، اداری و فرهنگی •آشـفتگی ظاهری در منظر و مرآی شـهر به نحوی که این آشـفتگی بصری در روح و روان شهروندان تاثیر منفی به جای می گذارد.از جمله راه هایی که می توان این وضـعیت را اصـلاح کرد، پیوند زدن بین جنبه های زیباشـناختی، فرهنگی و هنری با وجوه مختلف زندگی جمعی است مثلا تبـدیل گذرگاه های پیاده به باغ راه ها، ارایه جلوه های بصـری بدیع و چشم نواز بر دیوارها و بناهای شـهر، توسـعه فضای سبز، ایجـاد فرصت هـای جمعی برای گـذران اوقـات فراغت از جمله سـالم سـازی و منـاسب سـازی بوسـتان هـا و پارک ها برای حضور خانواده ها، اصـلاح شکل استقرار واحدهای مسکونی، تجاری، اداری به گونه ای که شهر را در دسترس و دریافت خدمات را آسان سازد.بایـد در نظر داشـته باشـیم که سازه های شـهری و نیز فعالیت های اجتماعی در شـهر، باید به گونه ای با مقتضـیات فرهنگی و اجتماعی پیونـد داشـته باشـند که آرامش درونی و ذهنی شـهروندان را دچار آشـفتگی نسازنـد.با این مقدمه بد نیست نگاهی داشـته باشـیم به دو رویکرد در مدیریت شـهر: رویکردی که شـهرداری را صـرفا سازمانی خدماتی می داند و رویکردی که از شهرداری به عنوان نهادی اجتماعی انتظاری بالاتر دارد و علاوه بر ارایه خدمات شـهری توقع دارد شهرداری بین کالبدشهر، فعالیت های شهری و شهرونـدان ارتبـاطی منطقی و متنـاسب ، با نگاهی فرهنگی و اجتماعی داشـته باشـد. به طور مثال اگر از زاویه فرهنگی و اجتماعی به احـداث یـک میـدان نگـاه نکنیم، کاربری میـدان را محـدود به کارکرد ترافیکی آن خواهیم کرد و درباره آثاری که این میـدان در شکـل گیری اجتماعـات مردمی در میـان و اطراف آن خواهـد داشت برنامه ریزی نمی کنیم و بعـدا بایـد به فکر رفع و رجوع تبعات اجتماعی آن از جمله شـکل گیری مزاحمت ها و ناهنجاری باشـیم. همین مثال در مورد احداث پل ها و بزرگ راه ها و سایر بناهای شهری مصـداق پیـدا می کنـد.حال آن که رویکرد اجتماعی و فرهنگی از ما می خواهـد که کالبد و ساختار شـهر را اساسا با در نظر گرفتن کارکردهـای فرهنگی و اجتمـاعی توسـعه دهیم. یعنی از ابتـدا انـدیشه کنیم که چگـونه می تـوان به مـوازات تـامین نیازهـای خـدماتی شـهروندان، نیـاز آنهـا به رابطه اجتمـاعی، کمال و تعالی، آرامش روحی و روانی و معنوی را هم تامین نمود.اگر برخی از کلان شـهرهای جهان امروزه با تراکم معضـلات اجتماعی، بزهکاری، تشویش ، خشونت، پرخاشگری، و آلودگی شناخته می شوند دلیـل آن چیزی نیست جز غفلت از ابعـاد و جنبه های فرهنگی و اجتماعی در فضای زیست شـهری. و به همین خاطر تاکیـد می شود که در برنـامه ریزی و مـدیریت شـهری بـایستی در بـاره سازگار نمودن تغییرات تکنولوژیک با تغییرات اجتماعی و فرهنگی دغـدغه دائمی داشت. به همین خاطر است در رویکرد اجتماعی و فرهنگی به مـدیریت شـهر تاکیـد می شود که هیچ توسـعه و رشد کالبدی در شهر پذیرفته نیست مگر این که از قبل درباره ابعاد و آثار فرهنگی و اجتماعی آن فکر شده باشد.

http://www.drmahaki.com/wp/?p=۱۳۵*

سازمانهای دولتی مرتبط با مدیریت شهری در ایران

... civicدر ایران سازمانهای متعددی با مقوله مدیریت شهری مرتبط می باشند

در ایران سازمانهای متعددی با مقوله مدیریت شـهری مرتبط می باشـند اما مهمترین آنها که بیشترین سهم را در مدیریت شهری دارا می باشـند، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سازمان برنامه و بودجه) و وزارت مسکن و شهرسازی است.هدف اصلی

وزارت کشور، که متولی اصلی مدیریت شهری در ایران است، حفظ امنیت و آسایش عمومی و تعمیم دموکراسی و هماهنگ ساختن فعالیتهای سازمانهای دولتی، ملی و محلی در سراسر کشور می باشد.در این خصوص، وظایف کلی وزارت کشور در ارتباط با شهرداریها عبارتند از :۱.راهنمایی و نظارت بر شهرداریها در انجام وظایف محوله و مراقبت در تأمین مایحتاج عمومی.۲.نظارت بر اجرای کلیه قوانین، آئین نامه ها و مقررات مربوط به شهرداریها.۳.نظارت بر حسن اجرای قانون نوسازی و عمران شهری.۴.تأمین نیازمندیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه ای و محلی و تشخیص اولویت آنها در محدوده برنامه ریزی کشور و اعمال نظارت قانونی بر امور کلیه شوراها از جمله شورای شهر.علاوه بر وظایف فوق‌الذکر، وزارت کشور برخی وظایف اجرایی را نیز دارا می باشد.سازمان مدیریت و برنامه ریزی از طریق تهیه برنامه دراز مدت توسعه کشور، برنامه‌های پنج ساله، برنامه ریزی، نظارت و تعیین بودجه، در مدیریت شهری سهیم است و وزارت مسکن و شهرسازی نیز از طریق تهیه، تصویب و نظارت بر تهیه طرحهای جامع و تفصیلی شهرها و همچنین طرحهای جامع شهرستان و غیره، در امر مدیریت شهری مشارکت می کند. علاوه بر این، تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده و تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرهای فعلی و آینده به عهده وزارت مسکن و شهرسازی است.

http://daneshnameh.roshd.ir*

شهرداری و نقش آن در مدیریت شهری

... civicشهرداری موسسه مستقل و عمومی استنعمت ا... بسطامی کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای پرجمعیت جهان طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۰ جمعیتش ۶/۳ برابر افزایش یافته در حالی که این رشد، برای جمعیت جهان کمتر از ۳/۲ برابر بوده است. رشد جمعیت شهری کشور طی همین مدت (۴۵ سال) بیش از هفت برابر بوده است، امروزه با افزایش جمعیت در شهرها شاهد بروز مشکلات عدیده ای هستیم که از جمله این مشکلات می توان به آلودگیهای صوتی، هوا و آب مشکلات حمل و نقل درون شهری، زاغه نشینی و ... اشاره کرد و اگر چاره ای اساسی اندیشیده نشود این مشکلات در زمینه زندگی شهری به صورت مسایلی حاد جلوه گری می کند. همچنین جمعیت پذیری شهرها به همراه مسایل اجتماعی ـ اقتصادی آنها، شکل کاملاً تازه ای از شهر، شهرنشینی و شهرگرایی بوجود آورده است که با آنچه در نیمه اول قرن بیستم در شهرها دیده می شد تفاوت بسیاری دارد. در حال حاضر با توجه به اینکه بخش عمده جمعیت کشور در شهرها ساکن هستند لزوم بکارگیری تدابیری موثر از سوی سازمانها و ارگانهایی که در مدیریت شهری نقش تعریف شده ای دارند احساس می شود، یکی از این نهادها که نقشی محوری در جهت بالا بردن کیفیت زندگی در محیط های شهری، فراهم نمودن امکانات، ارائه خدمات و ... را ایفا می کند شهرداری است و همانطوری که از تعریف شهرداری مشخص است (نهادی است غیردولتی که از محل عوارض و مالیات مردم اداره می شود) و یا اینکه شهرداری موسسه مستقل و عمومی است که به منظور اداره امور محلی از قبیل عمران و آبادی، بهداشت شهر، تامین رفاه و آسایش اهالی شهر و ... به عنوان زیستگاهی مطلوب تاسیس شده است. امروزه درکشورهای پیشرفته جهان وظایف شهرداری ها روز به روز گسترده ترمی شود و شهرداری ها به عنوان نهادی مدنی، محلی، عمومی و غیر انتفاعی وظایف بیشتری را بر عهده می گیرند وظایفی که بر دوش دولتها قرار گرفته به این نهادهای محلی واگذار می شود، این وظایف از حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی گرفته تا آموزش دفاع غیر نظامی و اداره تحصیلات غیر دانشگاهی را شامل می شود. گستردگی وظایف شهرداری ها در کشورهای توسعه یافته ناشی از نگرش نوینی است که به شهرداریها به عنوان سازمانهای مسئول در مدیریت شهری وجود دارد. در این مقاله سعی می شود چالشها، ضرورتها و مشکلات شهر ایلام در ارتباط با مسایل شهری و مرتبط با شهرداری (وضعیت پیاده روها، معابر شهری، کوچه ها و خیابانها، وضعیت حفاریهای صورت گرفته در

سطح شهر و ...) تا حد امکان مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مسایل مهم شهری وضعیت پیاده روهای سطح شهر می باشد، که طبق تبصره شش ماده ۹۶ قانون شهرداریها، معابر عمومی، میدانها و پیاده روها... درمالکیت شهرداری است و استفاده غیرمجاز از این اماکن تحت هر عنوانی ممنوع می باشد، همچنین با توجه به تبصره یک ماده ۵۵ همان قانون، شهرداری موظف است توسط نیروی انتظامی از استفاده های غیرمجاز از این اماکن جلوگیری کند، اصلاح معابر و پیاده روهای شهر از اولویت های مهم شهرداری برای پاسخگویی به نیاز شهروندان می باشد. بیشتر کارشناسان شهری معتقدند که یک پیاده روی مناسب آن است که دارای حداقل عرض مفید ۱۲۰ سانتیمتر، حداکثر شیب دو درصدی از کناره دیوار خیابان و حداکثر شیب طولی ۸ درصد و حداکثر شیب اتصال پیاده روهایی که اختلاف سطح دارند باید۳ درصد باشد. با این توضیح ما دو نمونه از پیاده روهای شهر ایلام را که در هسته مرکزی شهر واقع هستند را مورد بررسی قرار می دهیم. پیاده روهای شهر ایلام هیچ یک از مولفه های تعریف شده در نظام شهری را دارا نمی باشند به طور مثال چهار راه سعدی (خیابان تختی بطرف پاساژ تیمورپور و خیابان طالقانی) بعنوان مرکز شهر وضعیت تاسف باری دارند، سوالاتی که ما در پاسخ دادن به آنها عاجزیم و امید آن داریم که مجموعه شهرداری و شهردار محترم شهرمان بصورت منطقی به آن پاسخ دهند این است که آقای شهردار در چه ساعتی از روز می توان از پیاده روهای دو طرف خیابان تختی استفاده کرد؟ مجموعه شهرداری جهت پاکسازی افرادی که بعضاً با استفاده از وسایل نقلیه ضمن ایجاد ترافیک و آلودگی صوتی، با عرضه مواد غذایی به صورت فله ای و غیربهداشتی باعث شیوع بیماریهای عفونی می شوند تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟ آیا جمع آوری افرادی که با قیافه های حق به جانب (این افراد از دادن مالیات، اجاره مغازه ها، عوارض شهرداری و اتحادیه های صنفی، هزینه های آب و برق ... معاف هستند) بعضاً مشکلات اجتماعی را برای شهروندان ایجاد می کنند مشکل تر از تخریب ساختمانهای اقشار آسیب پذیر در حومه شهر است؟ علت سکوت ماموران شهرداری در مواجه با این افراد چیست آیا شهرداری این قسمت از پیاده روهای شهر را اجاره داده است؟ با توجه به وجود مراکز خدماتی و مرکزیت این نقطه از شهر (بار ترافیکی و تردد زیاد) آیا نصب میله ها جهت حرکت وسایل نقلیه عمومی، تنها چاره اساسی و برنامه اصولی است؟ آیا هزینه ترمیم پیاده روهای پاساژ تیمورپور تا پاساژ مرکزی (کمتر از دو کیلومتر که با پنج عدد سیمان و کمتر از ده متر موزاییک قابل حل می باشد) بیشتر از جابجایی تندیس سعدی است که هر چند وقت یکبار مکان آن تغییر می کند؟ آقای شهردار با توجه به اینکه ما در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جانبازان زیادی را تحویل کشورمان داده ایم کدام یک از پیاده روهای سطح شهر شرایط لازم برای تردد این عزیزان را دارا می باشند؟ امروزه ما در سطح شهر با پیاده روهایی برخورد می کنیم که علاوه بر اینکه چهره شهر را زشت و نازیبا نموده اند برای همشهریان مشکلات عدیده ای را بوجود می آورند توجه شهرداری به پیاده روهای شهر می تواند مردم را به مشارکت بیشتر ترغیب کند، اما وضعیت نامناسب پیاده روها نشانگر بی توجهی به حقوق شهروندان است آقای شهردار تشدید ترافیک در چهار راه سعدی و خیابان طالقانی ناشی از وضعیت نامناسب پیاده روهاست چرا که مردم به این دلیل مرتب به محدوده سواره روها تجاوز می کنند. به نظرمی رسد شهرداری شهر ایلام از اهمیت و نقش مهم پیاده روها در مسایل شهری بنا به دلایلی غافل شده است. از مسایل و مشکلات دیگری که ما با آن روبرو هستیم وضعیت خیابانها و کوچه های سطح شهر بعد از انجام عملیات متعدد حفاری توسط ادارات و سازمانهای دولتی و یا شرکتهای پیمانکاری می باشد، از جمله این مشکلات وضعیت تاسف بار روکش آسفالت توسط شهرداری است (حداقل عمر آسفالت ۱۰ تا ۱۵ سال می باشد که متاسفانه در شهرمان این عدد بین ۱/۵ تا ۲ سال می باشد که این موضوع به علت استاندارد نبودن آسفالت، بی تجربگی آسفالت کاران و بعضاً استفاده از آسفالت کاران پشت بامی است) که علاوه بر هزینه های گزاف بازسازی مشکلات جانی و مالی برای مردم و وسایل نقلیه آنها به دنبال دارد. شهرداری می بایست به وضعیت کوچه ها و خیابانهایی که در اثر حفاری و کندن کانالهای متعدد، ناهمواریها و چاله هایی را بوجود آورده است سر و سامان بدهد، چرا که ادامه این وضعیت ناخرسندی و عدم رضایت مردم این مناطق را به دنبال دارد (در

فصل بارندگی به علت جمع شدن آب در این چاله ها مشکلاتی از قبیل پرورش میکروب و انواع آلودگیها قابل مشاهده است) همچنین شهرداری باید هماهنگی و تعامل بیشتری با ادارات داشته باشد. بطور مثال ما شاهد این وضعیت هستیم که در یک خیابانی از طرف شرکت آب و فاضلاب جهت انجام خدمات، حفاری هایی صورت می گیرد، شهرداری نیز بنا بر وظیفه و خواست عمومی اقدام به ترمیم خیابان مورد نظر می کند (البته بعد از گذشت چند روز شاهد نشست خیابان و چاله های زیاد در نقاط ترمیمی هستیم) اما ارگانها و ادارات دیگری اقدام به انجام عملیات حفاری (لوله کشی گاز و ...) در فاصله کمتر از یک هفته در همان خیابان می کنند، این عدم هماهنگی بین سازمانها و شرکتها جهت ارائه خدمات باعث بروز مشکلات برای شهروندان شده است، با این وضعیت کمتر خیابانی در سطح شهر می توان پیدا کرد که عاری از دست انداز باشد. یکی دیگر از نیازهای اساسی در هر جامعه بحث سرویسهای بهداشتی جهت استفاده همشهریان، مسافران شهرهای همجوار و یا روستاییانی است که جهت انجام کارهای اداری و ... به شهر می آیند شهر ایلام با جمعیتی در حدود ۱۹۰۰۰۰نفر دارای یک سرویس بهداشتی در فاصله ۲۰۰ متری میدان ۲۲ بهمن می باشد (سرویسهای بهداشتی پارکهای کودک و ملت از لحاظ شهری جزء لاینفک پارکها می باشند) باید پذیرفت که تنها سرویس بهداشتی سطح شهر از لحاظ طراحی و مکان یابی در مجموعه فضای شهری دارای ایراداتی اساسی است. آیا شهردار محترم شهر ایلام تاکنون جهت نحوه نگهداری و رفع بوی بد و مشمئز کننده این سرویسها چاره ای اندیشیده است؟ به فرموده دکتر اسماعیل شیعه رییس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران ضروری است سرویس های بهداشتی به گونه ای تعبیه شوند که دست کم در زیر زمین ساخته و یا تنها با یک فلش جهت آن نشان داده شود تا مواردی همچون سیما، چهره، نما، تیپولوزی بناها و پیشگیری از آلودگیهای محیطی رعایت شود، همچنین اکثر کارشناسان و برنامه ریزان شهری در مورد بناهای شهری اعتقاد دارند چون سرویس های بهداشتی را (شرمگاه شهری) می دانند ضروری است در جای پوشیده باشند و ضمن اینکه نیازی را مرتفع می کنند از شرم و حیای معماری ایرانی برخوردار باشند آیا با توجه به الگوهای مناسب در توسعه و طراحی فضاهای شهری بهتر نیست ورودی این سرویسها قسمت جنوبی آن باشد (با توجه به قرار گرفتن این سرویس در خیابان اصلی شهر بیشتر افراد از خیر رفع نیاز خود می گذرند). آیا با توجه به مبالغی که جهت استفاده از این مکان عمومی ازمردم دریافت می شود و مسئولان همیشه شعار شهر ما خانه ما را تبلیغ می کنند خریدن چند بسته دستمال کاغذی و چند عدد صابون و تمیز نگه داشتن آنها، درخواستی غیر معقول می باشد؟ با توجه به اینکه سرویسهای بهداشتی در طرحهای ثابت، پیش ساخته، موقت و قابل حمل و ... وجود دارد و یکی از نیازهای اساسی در هر جامعه شهری طراحی و تعبیه سرویس های بهداشتی در سطح شهر می باشد شهرداری شهر ایلام تاکنون چه اقداماتی انجام داده است؟ البته اگر همواره قفل نباشند و بتوان از آنها استفاده کرد؟ آقای شهردار مردم حق نظارت و مطالبه از شهرداری (از این جهت که تامین کننده بودجه آن هستند) را دارا می باشند، شهروندان معمولاً ـ عملکرد شهرداری را ارزیابی می کنند و اگر این ارزیابی مثبت باشد اعتبار نظام شهری افزایش می یابد برنامه هایی که توسط شهرداری اجرا می شود می بایست در تعامل و همخوانی با نیازهای جامعه باشد، چرا که خارج از انتظارات بحق شهروندان، مردم در برخورد با مجموعه شهرداری برخوردی منفعل و ناامید کننده ... خواهند داشت. درپایان انتظار می رود اعضاء محترم شورای شهر به عنوان نمایندگان و منتخبان مردم ضمن پرهیز از سیاست بازی و کارهای فرعی، مسئولیت خود در حیطه امور شهری را کم اهمیت قلمداد نکرده (طبق اصل ۱۰۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، استانداران، فرمانداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود و اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند) و در ارائه راهکارهای مناسب، ابلاغ و پیگیری آنها بعنوان مرجع و ناظر بر فعالیتهای شهرداری نقش برجسته تری ایفا نمایند، همچنین وعده ها و قولهایی را که در زمان انتخابات به مردم داده اند را فراموش نکرده و با توجه به نزدیک بودن آنها به اقشار جامعه در جهت رفع نیازها و مشکلات آنها و پاسخگو بودن به مردم جهت جلب اعتماد عمومی نهایت سعی خود را به کار گیرند. منابع در دفتر نشریه موجود است.

*http://www.taningharb.ir/content.asp?id=۶۲۷۴۸

جایگاه مدیریت کیفیت در مدیریت شهری

... civicوقتی سخن از شهر و مدیریت شهری می گوییم

آیا وقتی سخن از شهر و مدیریت شهری می گوییم به تمام آنچه که شهر را می سازند و مفاهیمی که کیفیت مدیریت شهری را تبیین می کنند می اندیشیم یا مقصودمان از شهر همان خانه ای است که در آن زندگی می کنیم یا پیاده رویی که از آن عبور می کنیم؟ بی تردید وقتی سخن از شهر به میان می آید و بحث از کیفیت مدیریت شهری می شود مقصود همه آنچیزی که شهر را می سازد و همه آن ابزاری است که مدیریت شهری را شکل می دهد. در این راستا خالی از لطف نیست که نظر صاحبنظران کیفیت مدیریت شهری را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.تابلوها و علائم، این معلمان بی زبان که صبح تا شب برای ما به صورت رایگان آموزش می دهند، کلاس می گذارند تا به ما بفهمانند که راه راست کدام است. معلمانی که برخی از مواقع مورد اصابت شاگردان بی فرهنگ نیز قرار می گیرند و گاهی هم برخی از سارقان که به کاهدان می زنند، اقدام به سرقت آنها می کنند.استفاده از تابلوها، علائم و نشانگرها در دنیای پیشرفته ارتباطات و کاهش عامل نیروی انسانی در راهنمایی مردم در اماکن مختلف مانند خیابانها، متروها، فروشگاه ها کاربرد وسیع تری یافته و حتی یکی از عوامل موفقیت مدیریت شهری به شمار می آید.در دنیای با فرهنگ و متمدن امروزی برای هر سوالی نیازی نیست که وقت کسی گرفته شود، تمامی تابلوها و علائم همواره راهنما و معلم قشر عظیمی از کسانی هستند که سوالات متعددی دارند.عبور از یک خیابان یکطرفه، دور زدن ممنوع، به سمت پمپ بنزین، تابلوهای نشانگر محدودیت سرعت همه و همه برای راحتی در زندگی شهری امروزه طراحی شده است، اما سوال این است آیا این علائم و نشانگرها دقت و صحت کافی دارند تا بتوانند نیازها را پاسخ داده و راهنمای اشتباهی برای دیگران نباشند. با نگاهی کارشناسی و فراگیر و مدیریت کیفیت در بکارگیری این تابلوها متوجه این نکته می شویم که بین این علائم باید تعاملاتی برقرار باشد تا بتوانند به نحو ساده و راحت جوابگوی افراد مختلف باشد، تابلوها باید با یکدیگر حرف بزنند، همدیگر را پشتیبانی نمایند، برخلاف هم صحبت نکنند، علیه هم اقدام نکنند، در سطح یک شهر، یک فرودگاه، یک سازمان خدماتی که روزانه تعداد کثیری از مردم به آن مراجعه می کنند، بکارگیری تابلوها و علائم و هدایت صحیح یک مشتری از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در یک فرودگاه تابلوهای نشان دهنده صحیح هدایت کننده مسافر برای دریافت کارت پرواز و انتقال به سالن ترانزیت، یا تابلوها نشان دهنده محل نمازخانه یا سرویس های بهداشتی و طرز نصب آنها می تواند از نارضایتی تعداد کثیری از مردم جلوگیری کند. نصب اشتباه یک تابلو ممکن است مسافرین را اشتباهی به مسیرهای ناخواسته هدایت کند. دریک بیمارستان بکارگیری خطوط رنگی و هدایتگر می تواند به راحتی بیماران و همراهان آنها را به بخش های مورد نظر هدایت نماید، برخی از بیمارستان ها برای این کار از خطوط رنگی درکف سالن ها یا درکناره دیوار استفاده می کنند و تنها کافی است بیمار با نگاه بر آنها مسیر خود را پیدا کند، حال سوال این است که اگر فردی نابینا باشد، چه کار می توان انجام داد و بیمار را چگونه می توان به بخش موردنظر هدایت کرد؟ در ژاپن برای این منظور از سرامیک های برجسته استفاده می شود و فرد نابینا کافی است برای پیمودن یک مسیر با پای خود کف سالن را لمس کند، البته این موضوع در اکثر اماکن عمومی ژاپن کاربرد دارد، از خیابانهایشهر، چهارراههـا و متروها می توان نمونه ای از این معابر برای افراد نابینا نام برد. همچنین بکارگیری صدای سوت در چهارراه ها برای اعلام قرمزبودن چراغ برای عابرین را می توان نمونه ای از علائم و اصوات نام برد که برای راحتی مردم طراحی می شود. در اکثر تقاطع ها و در کنار خطوط عابر پیاده در کشورهای توسعه یافته شاهد صدای نواختن زنگ ملایم در هنگام سبز شدن چراغ هستیم، با شنیدن صدای این زنگ ها عابرینی که نابینا هستند براحتی می توانند این مسیر را بپیمایند، حال در نظر بگیرید که برخی از عابرین بینای ما این اصل را رعایت نمی کنند!از

سوی دیگر می توان حدس زد که امکان خطا در نواختن اشتباهی این زنگ ها چه ضربه سنگینی را می توانند برای جامعه داشته باشد. در یک شهر نیز علائم راهنمایی و رانندگی و طرز بکارگیری صحیح آنها نیز نقش موثری در کاهش حجم ترافیک دارند، محل نصب تابلوها از نکته های مهمی است که در برخی از موارد ضروری است. مسؤلان محترم راهنمایی و رانندگی نسبت به این موضوع دقت بیشتری بخرج دهند، اکثر تابلوها در سرپیچ ها نصب شده اند آن هم بعد از پیچ، این موضوع منجر به ایجاد ترافیک در تقاطع ها و همچنین تصادف و در خیلی موارد عبور اشتباه از یک مسیر داشته و راننده برای ادامه مسیر خود مجبور به حرکت دنده عقب و برگشت به سمت تقاطع می کند. این موضوع برای خروجی های اتوبان همت به سمت مدرس شمال و جنوب بیشتر به چشم می خورد، در خروجی اتوبان همت و خروجی مدرس، زیر پل های فجر شاهد نصب تابلو مدرس شمال و جنوب هستیم، اگر راننده ای خطای چشم داشته باشد که نباید باشد و یا پشت سر یک اتوبوس قرار گرفته باشد، قادر نخواهد بود مسیر را تشخیص دهد و ناخواسته ممکن است مسیر را اشتباه برود، همچنین در برخی از خروجی ها شاهد نصب تابلوهای نشاندهنده زیادی هستیم که وقتی راننده به تقاطع نزدیک می شود باید در یک نگاه کوتاه و سریع تمامی تابلوها را مطالعه نماید. حال در نظر بگیرید در کنار این تابلوها، تابلوهای متعدد تبلیغاتی نیز وجود داشته باشد، در این صورت امکان تصادف را می توان پیش بینی کرد. این امر بویژه در فصول بارانی و برفی یا هوای مه آلود که دامنه دید کاهش پیدا می کند حادتر خواهد شد. باید این واقعیت را در نظر داشت که پیچ ها و در محیط پرتردد و ترافیک امکان مطالعه این شعارهای پسندیده نخواهد بود و توصیه می شود در مسیرهایی از این شعارها استفاده شود که فاصله تابلو و راننده کافی بوده و فضای مناسبی وجود داشته باشد.یکی دیگر از موارد مهم نام گذاری مراکز و اماکن عمومی است که می تواند نقش مناسبی در هدایت مردم داشته باشد اتوبان، بزرگراه، آزادراه و بکارگیری تابلوهای مناسب هرکدام و استفاده صحیح نام مناسب با فرهنگ ایرانی از مواردی است که باید بدان توجه کرد، با نگاهی به تابلوهای زردرنگ که نشان دهنده مترو است متوجه این نکته خواهیم شد که براستی این تابلو نشانگر مترو است، قطار زیرزمینی، قطار شهری یا کدامیک از اینها است، جالب است که بدانیم از زمانی که مترو در تهران راه اندازی شده است و تابلوهای نشانگر متروها نصب شده است هیچ گونه اسمی برای این مراکز انتخاب نشده است، روی تابلوها نوشته شده است ((به طرف ایستگاه متروی میرداماد)) یا به طرف ایستگاه حقانی و مانند اینها ولی گفته نشده است، به طرف ایستگاه میرداماد یا متروی حقانی، اگر هنوز بعد از گذشت چندین سال کلمه مترو انتخاب نشده است پس بهتراست این کار را بکنیم.در اکثر کشورها از حرف بزرگ M برای نشان دادن ایستگاه مترو استفاده می شود درحالی که در شهر تهران از آرم شرکت متروی ایران استفاده شده است و البته بیشتر شبیه لیفتراک است تا قطار. باید این واقعیت را قبول کرد که سازمانها در قبال مردم مسوولیت دارند و به این دلیل است که استانداردهای مخصوص سازمان های مدنی دراکثر کشورها بکار گرفته می شود. مسوولیت اجتماعی یک سازمان امروزه یکی از مهمترین استانداردهای مدیریتی است که سازمان های مرتبط با جامعه از آنها استفاده می کنند، البته ناگفته نماند که طرح تکریم ارباب رجوع چندسالی است توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دستگاه های دولتی ابلاغ شده است و برخی از سازمان ها در این زمینه قدم های مثبتی را برداشته اند. سخن آخر این که نگاه مدیریت کیفیت به تمامی عوامل ایجادکننده رضایتمندی مردم به عنوان مشتریان و بهبود مستمر آن نگاهی است که همه مدیران و کارشناسان سازمان ها می توانند با استفاده از آن به بهبود وضع شهری و مدیریتی جامعه خود بپردازند. امید است این رویکرد در کشور ما همه روزه با عمق بیشتر در سازمان های عمومی بتواند رضایتمندی جامعه را به همراه داشته باشد.

http://www.ala.ir/content۳۴.html*

معضلات شهرنشینی در ایران حاصل مدیریت شهری اقتدارگرا

... civicشهر حاصل مدنیت نوع بشردکتر مصطفی عباس زادگان عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت تهران
عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت تهران در نخستین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری در مشهد گفت : معضلات شهرنشینی حاصل مدیریت شهری اقتدارگر ا در سراسر کشور است .دکتر مصطفی عباس زادگان افزود : به طور سنتی طرح های شهری در ایران شامل طرح های جامع و تفضیلی است که معمولا به طور کمی ، نیازهای آینده شهر را تامین می کند .وی اضافه کرد : این طرح ها به دلیل سیر نزولی و اقتدارگرا بودن ، کمی و ایستایی و خشک بودن ، کیفیت لازم را ایجاد نمی کنند .وی با بیان اینکه عدم مشارکت شهروندان در فرایند تهیه طرح و برنامه های مدیریت شهری ، میزان تعلق و تعهد آنان را تقلیل می دهد ، گفت : قانون گریزی و خراب کاری محیطی از جمله عکس العمل شهروندان در مقابل مدیریت اقتدارگرای حاکم بر جامعه است .وی شهر را حاصل مدنیت نوع بشر و تجلی گاه تعاملات اجتماعی انسان ها دانست و تصریح کرد : روابط ساکنین شهر ، براساس آئین شهروندی شکل می گیرد و آئین شهروندی مثبت متاثر از خصوصیات مشترك و تجربیات مشترك اجتماعی و کالبدی است .وی اظهار داشت : زمانی که معنای فضا در میان ساکنین یك شهر مشترك است ، آئین شهروندی شکل می گیرد و ارتباط مثبت با فضا برقرار کردن ، پیش نیاز زندگی مطلوب در شهر است .دکتر اسماعیل شیعه از دیگر اساتید دانشگاه علم و صنعت نیز در ادامه با اشاره به تحولات مدیریت شهری در جهان گفت : استفاده از نقش ارشادی دولت ، نظارت بر قیمت زمین و مسکن ، تخصصی شدن مدیریت شهری ، اعتدال بخشی به برنامه های ساختاری شهرها ، گسترش فعالیت های شوراهای شهری و محلی و جلوگیری از زاغه نشینی و فقر شهروندان از جمله تحولات مدیریت شهری در جهان بوده است .وی رشد بی رویه شهرها ، نابسامانی در کاربری اراضی ، عدم اجرای برنامه های رفاهی و عمرانی در مسائل مربوط به شهرداری ها ، عدم تخصص در شهرداری های سراسر کشور را ، از جمله چالش های مدیریت شهری در ایران دانست و تصریح کرد : پیدایش بافت های فرسوده ، یك دست ساخته شدن چهره شهرهای سراسر کشور و گسترش محله هایی که بی سامان و بدون تخصص شکل گرفته اند نیز از دیگر چالش های مدیریت شهری در ایران است .وی با تاکید براینکه غیرمتخصصان شهرها را در دست گرفته اند ، گفت : زیباسازی که نمادی از هویت شهرهاست در سطح شهرها اجرا نمی شود .وی با اشاره به سوابق جهانی مدیریت شهری نیز گفت : مدیریت شهری در جهان با نظارت بر ساخت و سازها ، مسکن ، فاضلاب ، عدم زاغه نشینی و حفظ انسجام اجتماعی و ... مشکلات را کاهش داده اند .وی تمدن ساز بودن ، فقدان فقر ، عدم تضاد بین گروه های اجتماعی ، حفظ ارزش ها و سلوك اجتماعی را معیارهای یك شهر قابل زیست دانست و تصریح کرد : شهر و شهروندی که پشتوانه تمدنی ندارد ، فقط روزمرگی می کند .حبیب الله آیت اللهی از دیگر اساتید برجسته دانشگاه علم و صنعت تهران نیز در ادامه گفت : شهرسازی و شهرنشینی و شهرداری (اداره شهر) یك هنر است که متاسفانه همیشه در ایران به مباحث مذکور از دیدگاه علمی نگریسته شده است .وی مسئله اصلی مدیریت شهری را توجه به شهروندان ، آداب و سنن ، خاطرات ، نیازها و اعتقادات مذهبی آنان دانست و تصریح کرد : مدیریت شهری که باید با مردم باشد در ایران حذف شده است .وی با بیان اینکه در سراسر جهان برنامه های شهری به وسیله متخصصان اجرا می شود ، گفت : متاسفانه در ایران برنامه های شهری توسط سیاست مداران اجرا می شود .وی در خاتمه اظهار داشت : چون در ایران خودروها و خیابان ها بر شهروندان ترجیح داده شده است ، هویت محلات از بین رفته است .*روزنامه آفرینش

مبلمان شهری یکپارچه

... civicابداع خانواده‌ای قابل توسعه از مبلمان شهریرضا لاهیجی کارشناس ارشد صنعتی از دانشگاه تهران
ابداع خانواده‌ای قابل توسعه از مبلمان شهری که اتصالات مشابه و پایه نگهدارنده مشترک داشته باشد، هدف سیستم‌های مبلمان یکپارچه است •.ویژگیهای چنین سیستمی ضمن ایجاد هماهنگی در اجزای شهر موجب کاهش مصرف مواد، تقلیل هزینه‌های

ساخت و کاهش ابعاد می شود •.تعریف پایه یا ستونی واحد که مورد استفاده روشنایی و اسامی خیابان علایم و زباله‌دان و غیره باشد میتواند از تکثیر جزئیات اضافی بسیاری در خیابان بکاهد. در حالی که هم اکنون هر سازمانی برای خود پایه‌ای تعبیه میکند و فقط از قسمت محدودی از آن بهره می‌جوید ضمن آنکه اتصالات نگهدارنده خاص خود و دهها ماده و رنگ ناهمگون دیگر را نیز به آن اضافه می کند •.یکپارچه سازی و اشتراک مداری در چنین مواردی نه تنها موجب هماهنگی بصری میشود بلکه به هویت منطقه‌ای و شهری هم کمک میکند •.نکته ظریف در این میان وجه تمایز سیستم‌های یکپارچه با سیستم‌های چند منظوره است •.در یک سیستم چند منظوره محصول از ابتدا به این قصد طراحی میشود و احتمال دگرگونی در سیما و پیکره آن زیاد است •.اما در مبلمان یکپارچه لزوماً چنین هدفی دنبال نمی‌شود. بلکه اجزاء و عناصر مورد نظر در صورت تطابق و حفظ پیوستگی ظاهری با عنصر ثابتی یکپارچه می‌شوند.توجه به هویت مکان با رشد شهرها و حومه‌ها، گرایشی افراطی در یک شکل کردن چهره شهری به وجود آمده است، به گونه‌ای که اغلب تفاوت کمی در روحیه مبلمان نقاط مختلف شهر یا حتی گاهی میان چند کشور دیده می شود. حال آن که هنوز هم جذاب‌ترین و به یاد ماندنی‌ترین محله‌ها آنهایی هستند که با شکل و شمایل ویژه و مختص به خود در خاطره‌ها جای می گیرند و شاید از همین روست که در کوششهای جدید برای نوسازی و ساماندهی شهرها به این خصوصیات توجه بسیار می شود •.از دیدگاه طراحان، انتخاب و طراحی مناسب مبلمان شهری، حفظ هویت مکان و نمود بیشتر آن را ممکن می‌سازد. این برخورد در احیای مناطق تاریخی و سنتی بسیار موثر است •اگر دخالت در شهر به تزیینات سطحی محدود نشود ، باید میان بافت اجتماعی و فضای شهر توازنی ایجاد کرد •.آنگاه که بافت اجتماعی مکانی تثبیت شده و در میان ساکنانش مفهوم شهر نشینی، ریشه‌ای عمیق دواند، میتوان به ساختارهایی مکمل در سیما و منظر آن پرداخت و شرایط را برای حفظ محیط و رفاه اهالی‌اش مهیا کرد •.به اتکای همین بافت اجتماعی تثبیت شده و ریشه‌دار میتوان در مدت زمانی کافی و با روشی پویا، خیابانهای محله و شهر را به گونه‌ای مجهز کرد که بازتاب فرهنگ آن باشد.رنگ در محیطگفتنی در مورد انتخاب رنگ مناسب برای مبلمان شهر، بسیار است. رنگ پیش از بافت، فرم و مواد مصرفی دریافت میشود و به همین دلیل اثرش بیشتر است. ولی در این میان آنچه که ضروری است، حرکت منسجم تمامی عناصر یک طرح به سوی هماهنگی با محیط است •.رنگ باید جزئی از کل فرض شود، کلی که به سوی وحدت و یکانگی رو دارد •.همچنین عامل دیگر، در گزینش رنگ، کاربرد محصول است. رنگ نباید برای دوره‌ای کوتاه و تنها به قصد جلب نظر رهگذاران به کار رود. به طور مثال ، ممکن است گزینش زباله‌دان‌هایی به رنگ زرد روشن در ابتدا حتی با محیط هم هماهنگ باشد و انتخاب جالب وجسورانه‌ای به نظر برسد، اما به طور یقین بعد از شش ماه که زباله‌دان بارها از آدامس‌های جویده، کاغذهای چسبناک شکلات و از این قبیل خوراکیها پر و خالی شد و لکه‌های مختلف رنگی گرد تا گرد آن را فرا گرفت، در آن انتخاب تجدید نظر میشود. در این باره برخی معتقدند که وجود رنگهای روشن بر پیکر مبلمان شهر در بسیاری موارد باعث تشخیص سریع آنها از محیط میشود و کیفیت و کمیت استفاده از آنها را افزایش میدهد. این تفکری است که بسیاری را به گمراهی کشانده است. شهروند وظیفه‌شناس و مسئوولی که تکلیف خود را دربرابر محیط زندگی خویش می‌داند، رنگ برایش تعیین کننده نیست. در عوض حتی با برجسته‌ترین رنگها و ترفندهای رنگارنگ نیز نمی‌توان از پرتاب زباله توسط آن که مقید به چیزی نیست در میان سبزه‌ها، خیابان و پیاده رو جلوگیری کرد. شاید یکی از راه‌های برخورد با این معضل، اجرای قوانین موثرتر و ترویج فرهنگ شهرنشینی باشد، به جای پیش افتاده‌ترین راه، یعنی تنوع رنگ محصول •.در کنار رنگ عناصر، خود فضا نیز قابلیت‌های بالایی برای ترکیب‌های رنگی دارد •.تشخیص یک رنگ در محیط به عواملی از جمله زمان دیدن، رنگ زمینه رنگهای ثابت و منابع نور طبیعی و مصنوعی بستگی دارد •.قرمز و نارنجی رنگهایی هستند که بیش از همه جلو می‌آیند و به اصطلاح پیش‌آمدگی دارند. پرتوهای ساطع شده از این رنگها بر تمرکز عدسی چشم تاثیر می گذارند و در شخص دوربینی ایجاد می کنند •.رنگهای سبز و آبی، بر عکس چشم را نزدیک بین می کنند، چرا که این دو رنگ به عقب رفتن و عمیق شدن تمایل

دارنـد. زرد و ارغـوانی در ایـن خصـوص خنثـی هسـتند، نه پیش می‌آینـد و نه عقب می‌نشـینند ●.به طـور کلی رنگهـای گرم (قرمز، صورتی، زرد و نـارنجی) در نخستین سالهـای زنـدگی انسان برای وی بسـیار مهم هسـتند. در حالی که در دوران بلوغ، آبی، قرمز و سبز غالب هسـتند ●.برای چیدمان‌هایی جسورانه و پویا، محیطهای روشن، بهترین هسـتند و رنگهای اصـلی و غنی در چنین فضاهای درخشانی، بیشتر رایجند ●.برای محل‌هایی که کارهای فیزیکی و فکری در آن جا انجام میشود، رنگهای عمیق و ملایم، انتخاب‌های بهینه هستند. از تونالیته بیشتر باید در مناطق معتدل استفاده کرد. در مناطق استوایی، این تدبیر توفیقی به دنبال نخواهد داشت ●.سفید خیره کننده است وبه سادگی کثیف میشود. رنگ بسیار سفید برای سطوح نباید به کاررود ●.خاکستری با هر رنگی هماهنگی دارد. رنگهایی با رنگمایه کم برای محیطهای فعال و پر جنب و جوش مناسب ترنـد. رنگهای قوی‌تر به منظور تاکیـد و بر انگیختن به کار میروند ●.میان ۱۶ تا ۳۵ سـالگی، رنگها دربهترین و دقیق‌ترین وضع خود درک میشونـد. خردسالان و سالخوردگان مهارت کمتری در تفکیک و تشـخیص رنگها دارنـد و برای سـنین بالای ۵۵، سـرعت تفکیـک رنگها رو به وخامت می‌گـذارد ●.چنانکه در جامعه مورد نظر طراح حـدود سـنی اسـتفاده کننـدگان در دست است، نکات یاد شـده بایـد در نظر گرفته شونـد ●.توجه به شـرایط اقلیمی منطقه مورد نظر برای طراحی و درک رنگهای غالب ، در گزینش رنگ بسیار موثر است . برخی از مبلمان شـهری ماننـد کیوسـک تلفن و صـندوق پست از اسـتانداردهایی برای رنـگ پیروی می‌کننـد که رعایت آنها الزامی است.بر این اساس اگر طراح قصـد دارد محصول را از محیط پیرامونش جـدا سازد یا در آن ادغام کنـد، می‌توانـد از برخی پیشـنهادهای این قسـمت اسـتفاده کند. در نهایت بهترین شیوه‌ای که طراحان را از سنگینی گزینش رنگ مبلمان اندکی رها می‌سازد، ارائه چند نمونه رنگ است تا با عنایت به محیط استفاده، هماهنگ ترین آنها برگزیده شود.

*http://adjournal.shaar.com/archives/۲۰۰۸/۰۱/۰۰۱۱۶۴_.php

مدیریت شهری چیست

؟

امید سیاوش آیا مدیریت شهری امری صرفا تخصصی و مرتبط با شکل و نمای ظاهری و بوم شناختی هر شهر است؟چنین تعریفی از مدیریت شـهری کاملا منطبق با روند مدیریتی شـهرها در کشورهای توسـعه نیافته است. در این گونه کشورها مدیریت شـهری صرفا در ساخت بزرگراه، جاده و... در شـهر خلاصه می شود. تلقی رایـج از مدیریت شـهری مطلوب در کشورهای توسـعه نیافته منطبق بر این اصل کلی است که هر چه در یک شـهر بزرگراه ها استانداردتر و خدمات شهری مناسب تر باشد، مدیریت شهری یک مدیریت پویا محسوب می شود.لیکن با مـد نظر قرار دادن نحوه اداره شـهرها در کشورهای توسـعه یافته، بطلان این تلقی از مـدیریت شـهری آشـکار می شود. مدیریت شهری در کشورهای توسعه یافته با مقیاس کارکرد اجتماعی سنجیده می شود نه کارکرد ظاهری. مراد از کـارکرد ظـاهری آن است که صـرف پرداختن به ظـاهر شـهرها و تلاش برای روان کردن ترافیـک و... نمی توانـد سـنج هایی برای مطلوبیت مدیریت شـهری باشد. هرچه که مدیریت شهری بتواند از لحاظ اجتماعی، در روند مدیریت شهر پویاتر عمل کند و هر چه که بیشتر این امکان را فراهم سازد که NGO ها و توده های مردم خود را در اداره شـهرها دخیل بدانند، از لحاظ کارآمد بودن می توانـد مورد تایید قرار گیرد.رویکرد عمومی در مدیریت شـهری پویا از این قرار است که تا چه حد می توان از افکار عمومی و توان مردم برای اداره شـهر بهره جست تا از این رهگذر به واسـطه این ارتقای معنوی (دخیل بودن مردم در اداره شـهر) یک ارتقای مادی نیز صورت پـذیرد. هنگـامی ارتقـای مـادی شـهر پا برجاتر خواهـد بود که ارتقای معنوی شـهر اسـتوار باقی بمانـد. وجهی از ارتقای معنوی در شهر، حسن تعلق خاطر به محل زیست است. این تعلق خاطر هر چه بیشتر باشد، شهروند می کوشد در نگهداری شهر خود کوشاتر ظاهر شود.عمده ترین دلیل آن که شـهرهای توسـعه یافته زیبا به نظر می رسـند در همین امر نهفته است. در این گونه شهرها

یک ارتقای معنوی بسط یافته است که از این طریق شهروند می کوشد در توسعه محل زیست خود فعال و کوشا ظاهر شود.با این مقدمات به نظر می رسد مدیریت شهری در ایران محتاج یک تطور عمیق باشد. در وهله نخست باید فرآیند اداره شهر را در یک روند اداری محصور نساخت و آن را به کلیت شهر تعمیم داد.از حد فاصل سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ تعداد ۱۶۷شهرداری جدید در ایران به وجود آمد که اکثریت آنان در روند اداره شهر چندان موفق نبودند. به دلیل آن که گمان می کردند که شهر در ساختمان شهرداری اداره می شود!از ۱۲۸۶هجری شمسی که نخستین شهرداری در ایران ایجاد شد تاکنون که در سال ۱۳۸۶ به سر می بریم می توان گفت که ایران و بالاخص تهران جز در مقاطعی خاص هیچ گاه از یک «مدیریت شهری پویا» بهره ای نبرده است.مطابق با اصل ۱۰۰قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم باید شورای شهر تشکیل شود. اولین وظیفه شورای شهر انتخاب یک شهردار است. حال پرسش بنیادی این است که آیا همان طور که وجه عمرانی مدیریت شهری تاکید می شود آیا به مضامینی که در اصل ۱۰۰قانون اساسی تصریح شده مانند برنامه های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی توجهی شایسته صورت می گیرد؟گویا در ایران فراموش کرده اند که اگر تعلیم اجتماعی، فرهنگی شهروندان انجام نشود، پیشرفت عمرانی شهر، یک پیشرفت ناقص و زودگذر خواهد بود. چه آن که به شهروندان تعلیمی برای حفظ صور عمرانی داده نشده است و به علت بی توجهی شهروندان به این مقوله، وجه عمرانی و پیشرفت مرتبط آن نیز به مرور کارکرد خود را از دست خواهد داد.سخن کوتاه این که در عرصه مدیریت شهری آن چه باید مورد تاکید ویژه قرار گیرد، لزوم هم اندیشی جمعی میان شهروندان و دخالت تام آنان در فرآیند مدیریتی شهر و همچنین آموزش اجتماعی و فرهنگی شهروندان برای حفظ و نگهداری محل زیست آنان است.منبع : روزنامه مردم سالاری

Civic Management

Pittsburgh could probably take some lessons from other cities (most notably New York) on improving its image among its residents. Certainly one gets the impression that Giuliani's efforts in New York to make the place seem friendlier and safer worked amaingly well, although that may have just been PR.I was thinking about this after the downtown fireworks display on Sunday night. Pittsburgh fires off the display from the Confluence, so there are basically three main areas to watch the show -- north of, south of, and between the rivers. Since there is abundant parking and large grassy spaces on the north side (not to mention it being closest to our house) we were settled there with our picnic. After the show we made our way back to the car, strapped the boys in, and prepared to leave the parking lot. Forty-five minutes later we had moved about ۴ feet. After another half hour or so, we managed to get onto roads were traffic was moving, and after that getting home was a doddle.While I expect a certain amount of congestion leaving a major civic event, what really amazed me was the complete lack of police officers in all this. The congestionw was being strongly driven by complete gridlock in a few key intersections, and it seemed that the correct placement of even a dozen uniforms directing traffic would have done wonders for keeping things moving.For all that, at least the boys were asleep in their car seats. Two years ago we went to Austin's

fireworks with our then-two year old, and Karin's post on this year's event sounds all too similar.

شهرسازی مدرن

لیدا دهخـدا

آلترناتیوی برای مـدرن سازی، برنامه ریزی و توسـعه مسـیرهای ماشـین رودر تمام نیمه اول قرن اخیر ایالات متحده آمریکا به شـکل فشـرده و همراه با تغییر کاربری های واحدهای همسایگی توسعه یافته است. این انگاره با تغییر فوری و سریع معماری مدرن و منطقه گرایی و صـعود به سمت اتومبیل گرایی شروع شد. بعد از جنگ جهانی دوم، سیستم جدیدی از توسعه و پیشرفت در سراسر آمریکا به کار برده شـد. جابجایی همسایگی ها با رویکرد تفکیک شدیـد، بنا به نوع بهره برداری که به عنوان رشـد حومه شـهری (CSD) شناخته شـده بود به صورت نامنظم و پراکنـده شـروع به کار کرد. اکثر شـهروندان آمریکایی در حال حاضـر در واحدهای اجتماعی حومه شـهری که در ۵۰ سال اخیر ساخته شـده است، زنـدگی می کننـد. شـهرسازی مدرنبا اینکه گرایش به حومه شـهر خوشایند و مطلوب مردم است، اما هزینه های قابل توجهی نیز به همراه دارد. با فقدان مرکزشـهر یا مقیاس انسانی، رشد حومه شهری با گسترش رو به بیرون آن مقدار زیادی از زمین های ییلاقی مسطح اطراف را مصـرف می کند و این همزمان با رشد نسبتاً کند جمعیت همراه است. میزان اسـتفاده از اتومبیل برای شهرنشینان رشد صعودی دارد زیرا وسایل نقلیه موتوری نقش بسیار مهمی را در سفرهای درون شهری و خانوادگی ایفا می کنند و خانواده ها نسبت به آن احساس نیاز می کنند.کسانی که قادر به تهیه اتومبیل شخصـی نیستند به میزان قابل توجهی از قابلیت انتقال سـریع محروم مانـده انـد. کارگران فقیری که درحومه شـهر زنـدگی می کننـد، ناچارند تا بخش زیـادی از درآمـد خود را صـرف هزینه رفت و آمـد خود کننـد. در این ضـمن دورنمـای شـهرهای آمریکـا، مکـانی که مردم درآن زنـدگی و کـار می کننـد، به صورت قلمروهـایی از پیاده روهای خالی، خیابان های شـهری، بناهای بلنـدمرتبه تجاری و زیرمجموعه هـایی بـدون هیـچ هویت و شخصـیتی می باشـند.شـهرسازی مـدرن عکس العملی است نسـبت به این پراکنـدگی نامنظم. همزمان با جنبش های رو به صعود میان معماران، طراحان و برنامه ریزان شهرسازی مدرن بر اساس اصولی از معماری و برنامه ریزی بنیاد شده که در یـک همکـاری و حرکت مشترک در جهت خلق جوامعی بـا مقیـاس انسانی و الویت حرکت پیاده سازمان دهی گشـته است. شهروندان جدید دارای تنوع وسیعی از دسترسی ها و معابرهستند، بعضی از معابر منحصراً براساس طرح های جامع داده شده است و مخصوص عابرین پیاده است، برخی دیگر بر روی مسـیرهای رفت و آمدی توسعه یافته متمرکز شده اند. بعضـی از این معابر نیز هنوز در تلاشـند تا حومه های شـهری را دگرگون سازنـد و بیشتر آنها در جهت تحقق این هـدف عمل می کنند. شـهرسازی مدرن شامل معمـاران تـابع سـنت و نیز آن دسته از معمـاران که به سوی مـدرن گرایش یـافته انـد می باشـد. بـا این وجود، تمـام آنهـا به قابلیت همسـایگی هـای سـنتی و قـدیمی در جهت بازگردانـدن عملکرد صـحیح و نیز ایجاد جوامعی که برای شـهروندان قابل تحمل باشـد معتقـد هسـتند. ریشه هـای این حرکت و گرایش در عملکرد معمـاران و برنامه ریزان پیش رو در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ یافت می شـود. این گروه در دهه ۱۹۹۰ به شـکل متحـد و یکپارچه دور هم جمع شدنـد و ائتلاف خودرو تشـکیل دادنـد. از زمان شـروع این جنبش، این گروه حرکت خـود را به صـورت برخـورد اساسـی و قابـل توجه آغـاز کرده است. بیش از ۶۰۰ شـهر کوچک، روستا و واحـدهای همسایگی که در آمریکا طراحی شـده و یا در دست ساخت می باشـد که بر اساس اصول شـهرسازی مدرن شـکل گرفته اند. به علاوه ساختار و اسـتخوان بندی صدها شـهر کوچک و بزرگ بواسطه دوباره سازی خیابان ها و معابر ویژه عابرپیاده بازسازی شده است. شهرسازی مدرن

در مقیـاس منطقه ای، شـهرسازی مـدرن تـأثیرات بسـزایی در مورد چگونگی و مکـان یـابی محل مادرشـهرها و نوع رشـد آن دارد.

حداقل ۱۴ نقشه جامع ابتکاری براساس اصول پیونـد میان مسیرهای حمل و نقل و سیاست بهره بری از زمین و نیز روابط همسایگی بـه صـورت بلـوک بنـدی ساختمـان هـای بنیـادی در هر منطقه تهیه شـده بـود.در مریلنـد و نیز چنـدین ایـالت دیگر آمریکـا، اصـول شهرسازی جدیـد جزء جـدایی ناپـذیر از قوانین مربوط به رشـد شـهر می باشـد.علاوه بر این، شـهرسازی مدرن تاثیر گسترده و همه جانبه ای را بر رشد متداول جوامع شـروع کرد. درهمان حین که Starbucks کیفیت قهوه را در رقابت بین رستوران ها و کافه ها افزایش می داد، مسئولان توسعه عناصر طراحی شده شهری جدید مانند قراردادن پارکینگ های شخصی در قسمت عقب خانه ها و مجاورت فضای سبز و نیز مراکزشـهری چندعملکردی را در میان خود پذیرفتند. پروژه هایی که براساس بعضـی از اصول شهرسازی مـدرن مورد توافق و پـذیرش قرار می گرفتنـد، نه تنها در بخش طراحی و اجرا به صورت قراردادهای متـداول حفظ شده و باقی می ماندنـد بلکه به صورت دو عملکردی نیز شـناخته می شدنـد.شـهرسازی جدیـد به سـمت سایر نام ها گرایش پیـدا کرد طراحی سـنن مـدرن، توسعه مسـیرهای رفت و آمـدی، رشـد واحدهای همسایگی سـنتی. با نگاهی به طول تاریخ شـهرسازی متوجه می شویم که شهرسازی جدیـد صـرفا تکرار اجتماع های قـدیمی و تاریخی نیست. به عنوان مثال خانه های جدید در واحدهای همسایگی بایستی فضاهـای زنـدگی جدیـد و نیز رضـایت خـاطر اسـتفاده کننـدگان را تأمین کننـد. در فروشـگاه ها و ساختمان های بلنـدمرتبه تجاری بـایستی به مقـدار کافی فضا برای پارکینگ، طراحی طبقات مـدرن، و ارتباط میان حرکت سواره و پیاده و نیز رعایت اصول سیسـتم حمل و نقل در نظر گرفته شود.با یک طراحی صحیح، دفاتر اداری، صنایع سبک و مغازه های خرده فروشی می توانند در واحدهای همسایگی شـهرهای جدیـد که با الویت عابر پیاده طراحی شـده، اسـتقرار یابنـد. پارکینگ های جمعی به عنوان چهره بارز در مناطق تجاری متـداول در قسـمت جنبی و پشت بناهای جدیـد تجاری جاسازی شـده اند. از ابعاد بزرگ پارکینگ های مشترک به صورت محل پارک حاشیه خیابان یا شکل دیگری از سیستم حمل و نقل کاسته می شود.تفاوت دیگر میان شهرسازی جدید و قدیم، شبکه بنـدی خیابـان اسـت. شـهرهای کوچـک و بزرگ قـدیمی درآمریکـا دارای شـبکه بسیار سـفت و سـختی هسـتند. بـه طـور کلی در شهرسازی جدید از شـبکه بندی اصلاح شده استفاده می شود، تقاطع های T شـکل و خیابان هایی که به سمت آرام سازی ترافیک تمایل دارند و نیز خیابان ها طوری طراحی می شوند که مناظر وسیع را در معرض دید رانندگان قرار می دهد.مخلوطی از شهرسازی مـدرن و قدیمی اصول بنیادی نئو-سـنتی را شامل می شود. و این به شـکل سـبکی از معماری نمود می کند. با این همه، این سـبک بسـار بیشتر از یـک دیـدگاه طراحی شـهری که از گذشـته الهام گرفته شـده با حال و آینـده ارتباط دارد. در واقع شـهرسازی مـدرن بایستی در تقابل بازار و هم رأی با آن حرکت کند. یک شـهرسازی مدرن موفق مشکلات زیادی در جهت ایجاد تعادل میان الویت دهی به عابر پیاده و واحدهای همسایگی در تقابل با تسـهیلاتی که محصولات تجاری و مسـکونی مدرن ارائه می دهند در رقابت با CSD عمل می کند. آن شهرسازی مدرن که نمی تواند به رقابت با رشد متداول جوامع بپردازد محکوم به نیستی و فناست.دشواری در ایجاد تعادل دلیلی است برای مسـئولان توسـعه و رشـد جوامع برای انتخاب بناهای دوکاره به جای قبول اصول شـهرسازی مدرن. بعضـی از شـهرسازان جدید گمان می کنند که بناهای دوکاره به صورت تهدیدی جدی در مقابل جنبش ها عمل می کند زیرا آنها معمولاً تنها عنوان و زبان شـهرسازی مـدرن را درک کرده و به کار می برنـد. سایر شـهرسازان باور دارنـد که بناهای دو عملکردی نشـانگر یـک قـدم مثبت و مفیـد به سـوی CSD (رشـد حومه شـهری) هسـتند. اصول شـهرسازی مـدرنقلب تپنده شـهرسازی مدرن درطراحی واحـدهای همسایگی است که توسط ۱۳ عنصـر تعریف و معین می شود. معرف این اصول دو طراح و برنـامه ریز شـهری اندرز دونی و الیزابت پلاتر – زیبرکت موسـس همایش شهرسازی مدرن هستند. یک واحدهمسایگی معتبرصحیح بایستی بیشتر این عناصررا داشته باشد:۱- واحد همسایگی بایستی یک مرکز قابل تشخیص داشته باشد. که اغلب به صورت یک میدان وفضای سبز و دربعضـی مواقع یـک خیابـان شـهری شلوغ حـائزاهمیت است. ایسـتگاه هـای حمـل نقل شـهری می تواننـد در این مرکزجا گـذاری شوند.۲- بیشترمنازل مسـکونی در داخل مرکزی به فاصله ۵ دقیقه و یا درحدود تقریبی ۲۰۰۰ فوتی قرار بگیرند.۳- دارای تنوعی از

تیپ منازل مسکونی باشد. معمولا خانه های تکی، ردیفی از خانه ها و آپارتمان و تمام گروه های اجتماعی به صورت پیر و جوان، مجرد و متاهل و نیز فقیر و ثروتمند جایی برای زندگی در آن پیدا کنند.۴- در کنار واحدهای همسایگی، مغازه ها و دفاترادری به مقادیر کافی و به صورتهای مختلف وجود دارد تا نیازهای هفتگی خانواده ها را تامین کند.۵- بناهای کوچک وابسته این اجازه را دارند که در قسمت حیاط پشتی منازل جای بگیرند. این قسمت می تواند به صورت واحدی اجاره ای و یا محل کار به عنوان مثال کارگاه صنایع هنری مورد استفاده قرار گیرد.۶- دبستان ابتدایی به حدی نزدیک به منازل باشد که بچه ها بتوانند از منازلشان پیاده تا مدرسه بروند.۷- زمین های بازی کوچک قابل دسترس برای منازل مسکونی باشد و حداکثر فاصله آن ۱۰ مایل باشد.۸- خیابانهای داخل همسایگی ها به شکل یک شبکه به هم پیوسته می باشند،عملکرد این خیابانها به صورتی است که با پراکنده کردن ترافیک توسط تنوعی از مسیرهای پیاده و سواره به هر مقصدی بسیار مناسب و صحیح عمل می کند.۹- خیابانها نسبتا کم عرض هستند و توسط ردیفی از درختان سایه اندازی شده اند. این ترافیک آرام سواره ها موجب ایجاد یک محیط مناسب وامن برای عابرین پیاده و دوچرخه سواران شده است.۱۰- ساختمانها در مرکز واحد همسایگی نزدیک به خیابانها قرار گرفته اند و موجب ایجاد اتاق های رو به بیرون مناسب شده اند.۱۱- پارکینگ های عمومی و نیز در گاراژها در قسمت مقابل خیابان قرار گرفته اند پارکینگ ها به قسمت عقب ساختمان ها ارجاع داده می شوند ومعمولا توسط کوچه های فرعی دسترسی به آنها میسراست.۱۲- زمین های برجسته که در قسمت پایانی دورنمای خیابان ویا در مرکز واحد همسایگی قرار گرفته اند برای ایجاد ساختمانهای مهم عمومی شهری ذخیره و نگهداری می شوند. این مکانهای ذخیره شده برای بحث و سخنرانی اجتماعی، علمی و مذهبی و یا فعالیت های فرهنگی مورد بهره برداری قرار می گیرند.۱۳- واحدهای همسایگی به صورت خود مختار سازماندهی شده است.انجمنهای رسمی با یکدیگر مباحثه و مناظره می کنند و در مورد موضوعاتی چون حفاظت، امنیت و تغییرات فیزیکی تصمیم گیری می کنند. وضع مالیات برعهده اجتماعات بزرگتر است. نمونه اولیه شهرسازی مدرنکناره دریا در فلوریدا اولین نمونه شهرسازی مدرن است. توسعه و گسترش آن در سال ۱۹۸۱دریک خط باریکه ۸۰ آیکری در کناره خط ساحلی شروع شد این لبه ساحلی در سال ۱۹۸۸ زمانی که تنها چند خیابان به طور کامل ساخته شده بود پدید آمد.وهمزمان با آن به دلیل معماری خاص و نیز کیفیت عالی خیابانها و فضاهای عمومی آن در تمام جهان مشهوریت یافت. * http://۳shahrsaz.parsiblog.com/۸۳۸۳۵۸.htm

گردشگری شهری و آثار آن بر سیمای شهر و فضای شهری

مینا انوری – مینا نساج

گردشگری شامل همه خدمات و ویژگیهایی است که در کنار هم قرار می گیرند تا آنچه مسافر می خواهد، فراهم آورند و انواع مختلفی دارد. اما صاحبنظران گردشگری در دنیا، ۴ فضای کلی را برای آن مشخص کرده اند: ۱- فضای روستایی یا جهانگردی سبز۲- فضای کوهستانی برای ورزشهای کوهستانی۳- فضای ساحلی با ویژگیهای خاص خود۴- فضای شهریسرآمد انواع این گردشگریها و پر مشتری ترین آنها گردشگری شهری است؛ بطوریکه با توجه به جایگاه ویژه شهر، در بسیاری از کشورهای موفق در این صنعت، شهر پایه و اساس توسعه گردشگری است. ایجاد و توسعه فضاهای شهری مناسب، بازسازی فضاهای ظاهراً متروک و مرده به قصد زنده کردن جنبه های کهن جامعه از جمله آثار توسعه گردشگری شهری است. بدین منظور بسیاری از شهرها درصددند تا از ویژگیها و امکانات خاص شهر خود سود برده و از مزایای جلب توریست شهری بهره گیرند.فضاهای شهری در شهرهای معاصر را می توان به دو دسته تقسیم نمود:الف- فضاهای مدرن یا جدید نظیر پارک ها، مراکز فروش مدرن، فرهنگسرا ها، میادین و پلازاها.ب- فضاهای سنتی نظیر بازارها، امام زاده ها، گورستان ها، باغ ها، مساجد و سایر اماکن تاریخی.از این منظر، تاثیر گردشگری بر کالبد فضاهای شهری نیز قابل تقسیم به صورت ذیل است:الف- گردشگری و ایجاد و توسعه فضاهای شهری مدرن و

جذابب- گردشگری و احیا و باز زنده سازی بافتهای تاریخی و فضاهای کهن شهری فضای شهریگردشگری و ایجاد و توسعه فضاهای شهری مدرن و جذابایجاد فضاهای شهری قوی بر اساس فعالیت‌های جدید و تأکید بر توسعه فعالیت‌های گردشگری و ایجاد جاذبه های بیشتر برای ماندگاری همراه با توسعه هسته‌های کار و فعالیت با هدف توسعه موزون شهر و پیوند کار و سکونت در تمام منطقه شهری و ایجاد یک نظام چند هسته‌ای، انعکاس تجربه‌ها و درس‌های نظری و عملی است که از کلان‌شهرها و شهرهای جهان می‌توان آموخت و به کار گرفت. ایجاد و توسعه انواع مراکز اقامتی مدرن، فضاهای تفریحی و سرگرمی، فضاهای خرید بزرگ شهری، موزه ها و مراکز فرهنگی و هنری بویژه فرهنگ و هنر بومی با هدف توسعه گردشگری موجب بهره مند شدن ساکنین شهر از این خدمات خواهد بود و رضایت عموم را به همراه خواهد داشت.گردشگری و احیا و بافتهای تاریخی و باز زنده سازی فضاهای کهن شهربافت‌های تاریخی کانون و هسته شهرها هستند. حیات این بافت‌ها طی سده های گذشته پایه بسیاری از آداب و رسوم و حتی فرهنگ موجود و نیز رونق اقتصادی شهر و منطقه بوده است. فضاهای شهری تاریخی قبل از همه وظیفه دارند تاریخ، هویت عینی و ذهنی شهر را حفظ کنند و در زندگی جاری سازند. پاسدار همه خاطره‌ها و یادمان‌ها بوده و از این رو باید فعالیت‌هایی را در کالبد خود جای دهند که با هدف یاد شده انطباق یابدفضای شهریچنین فضاهایی با توسعه فعالیت‌ها و فضاهای گردشگری در حفظ بناها و عناصر تاریخی خود موفق می‌شوند و حضور روز و شب شهروندان و گردشگران را امکان‌پذیر می‌سازند. حضور مردم، جوانان و نوجوانان، جشن‌ها، انواع تظاهرات اجتماعی، برپایی نمایش‌ها و معرفی فرهنگ‌های گوناگون با برپایی مراسم و جشن‌ها، اشکال گوناگون تعاملات اجتماعی و فرهنگی و هر آن چه مظهر تنوع فرهنگی و قومی یک ملت بزرگ با تاریخ هزاران ساله است، تمام این جلوه‌ها که در رشد و ارتقای فرهنگ و دانش یک شهر و ملت موثر است، در چنین فضاهایی زمینه‌ساز رشد صنعت گردشگری و جلب گردشگران داخلی و خارجی است. از این رو اقتصاد مرکز تاریخی شهر با صنعت و فعالیت‌های گردشگری شکل می گیرد و حیاتی تازه می یابد.توان اقتصادی مراکز تاریخی موضوع دیگری است که از نظر کارشناسان محرک و تقویت‌کننده محسوب می‌شود. اقتصاد پایدار با تاکید بر گردشگری در مراکز تاریخی می‌تواند منشا بهره‌برداری اقتصادی فراوانی از این مراکز شود که این موضوع خود بهانه‌ای برای تجدید حیات مراکز تاریخی و موجب بازگردانده شدن کارکردهای فاخر و برتر با توجه به ظرفیت‌های این فضاها به آنها می باشد.در زمان معاصر با شناخت عوامل اصلی تخریب بافت‌های با ارزش تاریخی و سازگاری واژگان نوین طراحی معماری با زبان کهن معماری بومی می‌توان در جهت بهبود محیط شهری و جهت‌های توسعه آتی آن نقش‌آفرین بود. فلسفه احیا و دوباره‌سازی اندام‌های صدمه‌دیده و فرسوده شهرها، ریشه در همین جایگاه دارد و به نظر می‌رسد یکی از موثرترین راهکارها در احیا دوباره بافت‌های تاریخی، ایجاد فعالیتهای مجدد در این مناطق با توجه به توانایی‌های فیزیکی و کالبدی آنهاست.ایجاد محوررهای گردشگری می تواند بعنوان یکی از روشهای احیای فضاهای تاریخی شهری و جذب توریست مورد استفاده قرار گیرد. محورهای گردشگری در صورت دارا بودن ارزش‌ها و ویژگی‌های یاد شده می‌تواند بافت پیرامونی خود را متحول کند. به طور مثال ایجاد فعالیت‌های تجاری در محور توریستی به نحوی که مورد توجه گردشگران باشد، اقتصاد محله را متحول می‌کند و با تغییر کاربری بناهای با ارزش به عنوان محل‌های استراحت مانند هتل و رستوران نیز در این موضوع موثر است.از دیدگاه دکتر سید محسن حبیبی ، طراحی مسیرهای پیاده گردشگری با هدف حفاظت از بافت و رونق بخشیدن به صنعت گردشگری یکی از مهم‌ترین اقدامات برای باز زنده‌سازی این بافت‌ها به شمار می‌رود. زیرا از آن جا که نتایج مثبت این اقدام از سوی ساکنان و بهره‌برداران این مناطق، درک می‌شود می‌تواند مداخله و مشارکت آگاهانه آنها را برای بهسازی و اصلاح بافت برانگیزد. از دیدگاه وی، اهمیت و ارزش این بافت‌های کهن چنان است که هم اکنون و با محدودترین امکانات ضروری، توانسته‌اند بسیاری از گردشگران را به خود جذب کند. بنابراین ساماندهی و احیای این مراکز شهری با استفاده از پیاده راه‌ها علاوه بر تحقق هدف حفاظتی این بافت‌ها به دلیل ارتقای کیفی فضاهای مربوطه و تجهیز مناسب آنها نه تنها نیازهای

ساکنـان به فضاهـای مطلوب شـهری برای زنـدگی جاری را تامین می‌کنـد، بلکه چرخ‌های توسـعه گردشـگری در این بافت را فعال می‌کند و این امر نه تنها موجب افزایش هویت اجتماعی و فرهنگی مجموعه بافت می‌شود، بلکه راهکارهای موثر و تجربه شده برای ایجـاد و بازتولیـد عرصه‌هـای عمـومی و هـویت از دسـت رفتـه و خـاطرات زدوده شـده از بافت‌هـای تـاریخی شـهرهای ایران است. منبع:مقـاله" بررسـی و تبیین نقش صـنعت گردشـگری در توسـعه فضاهای شـهری، "مینا انوری آریا و مینا نساج ، همایش منطقه ای جغرافیا، گردشگری و توسعه پایدار، اسلامشهر، ۱۳۸۶ * http://۳shahrsaz.parsiblog.com/۸۳۸۳۶۷.htm

رفتار شهروندی سازمانی

حسن اسلامی و ابوالقاسم سیار

چکیدهدر این مقـاله تلاـش شـده است تـا به یکی از مفاهیم نسـبتاً جدیـد رفتار سازمانی یعنی رفتار شـهروندی سازمانیبا یک دید جامع، نگریسته شود. به همین خاطر شش متغیر مرتبط با رفتار شهروندی و چگونگی رابطه آنها با رفتار شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است . براین اساس ابتدا تعریفی از رفتار شـهروندی ارائه و سپس ابعاد این متغیر نیز مشخص شده است. در مرحله بعد سیاستها و اقـدامات سازمانی که می‌توانـد در افزایش این رفتار در سازمان موثر باشـد، مطرح شـده است. مقـدمه در نظام بوروکراتیک تمام تلاـش مـدیران در جهت کسب کـارایی بیشـتر بـا حفـظ سلسله مراتب هرمی سازمـان بوده است. به همین جهت مناسبات‌سـطحی و غیرقابـل اطمینـان بین افراد وجود دارد. امـا در نظـام ارزشـی انسـانی و دمکراتیـک مناسـباتی درست و قابل اطمینان در میان مردم به وجـود می‌آیـد. در چنین محیطی به سازمـان و اعضـای آن فرصت داده می شود که تـا حـد توان پیش رونـد. بر این اسـاس توجه به شهرونـدان در نظـام ارزشـی دمکراتیک رو به افزایش است. اکنون که اهمیت شـهروندان به عنوان یکی از منابع بسـیار مهم سازمان درک شـده است، رفتـار آنهـا هم می توانـد بسـیار بـا اهمیت تلقی شود و از این روست که محققـان زیـادی به تجزیه و تحلیل رفتار شهرونـدی پرداخته‌انـد. به طـور کلی رفتـار شـهروندی یـک نـوع رفتـار ارزشـمند و مفیـد است که افراد آن را به صـورت دلخـواه و داوطلبانه از خود بروز می دهند. به این ترتیب مطالعه و بررسی اینگونه رفتار افراد در سازمان که به رفتار شهروندی سازمانی شهرت یافته است، بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد و این مقاله قصد دارد به همین امر بپردازد.رفتار شهروندی سازمانی چیست؟ مفهوم رفتـار شـهروندی سازمانی OCB=(ORGANIZATIONAL CITIZENSHIP BEHAVIOR) اولیـن بـار توسـط باتمـان و ارگـان در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به دنیـای علم ارائه شـد. تحقیقـات اولیه‌ای که در زمینه رفتـار شـهروندی سازمانی انجام گرفت بیشتر برای شـناسایی مسـئولیتها و یـا رفتارهـایی بود که کارکنـان در سازمان داشـتند، اما اغلب نادیـده گرفته می شـد. این رفتارها با وجود اینکه در ارزیابیهـای سـنتی عملکرد شـغلی به طور ناقص انـدازه گیری می شدنـد و یا حتی گاهی اوقات مورد غفلت قرار می گرفتند، اما در بهبود اثربخشـی سازمانی مؤثر بودند.(بینستوک و همکاران، ۲۰۰۳ ؛۳۶۰) این اعمـال که در محل کار اتفاق می افتند را اینگونه تعریف می کنند: «مجموعه ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری که بخشـی از وظایف رسـمی فرد نیستند، اما با این وجود توسـط وی انجـام و بـاعث بهبود مؤثر وظـایف و نقشـهای سازمـان‌می شونـد.» (اپل بام و همکاران،۲۰۰۴ ؛۱۹) به عنوان مثـال یک کارگر ممکن است نیازی به اضافه کاری و تا دیر وقت در محل کار مانـدن نداشـته باشـد، اما با وجود این برای بهبود امور جاری و تسـهیل شد جریان کاری سازمان، بیشتر از ساعت کاری رسـمی خود در سازمان می ماند و به دیگران کمک می کند. (کروپانزانوو بیرن،۲۰۰۰ ؛۷) ارگان همچنین معتقد است که رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری فردی و داوطلبانه است که مستقیماً به وسیله سیستم هـای رسـمی پـاداش در سازمـان طراحی نشـده اسـت، امـا بـا ایـن وجـود بـاعث ارتقـای اثر بخشـی و کـارایی عملکرد سازمـان می شود.(کوهن و کول،۲۰۰۴؛۳۸۶) این تعریف بر سه ویژگی اصـلی رفتار شـهروندی تاکیـد دارد: اول اینکه این رفتار بایـد داوطلبانه باشد یعنی نه یک وظیفه از پیش تعیین شده ونه بخشـی از وظایف رسـمی فرد است. دوم اینکه مزایای این رفتار، جنبه سازمانی دارد

و ویژگی سوم این است که رفتار شـهروندی سازمانی ماهیتی چنـدوجهی دارد. بااین تعاریف، از انسان به عنوان شـهروند سازمانی انتظار می رود بیش از الزامات نقش خود و فراتر از وظایف رسـمی، در خدمت اهداف سازمان فعالیت کند. به عبارت دیگر ساختار رفتار شـهروندی سازمانی به دنبال شـناسایی، اداره و ارزیابی رفتارهای فرانقش کارکنانی است که در سازمان فعالیت می کنند و در اثر این رفتارهـای آنـان اثربخشـی سازمانی بهبود می یابـد. (بینسـتوک و همکاران، ۲۰۰۳ ؛۳۶۱) انواع رفتـار شـهروندی در سازمان گراهام (۱۹۹۱) معتقد است که رفتارهای شـهروندی در سازمان سه نوع‌اند: (بینستوك و همکاران، ۲۰۰۳ ؛۳۶۱) ۱. اطاعت سازمانی : ایـن واژه توصیـف کننـده رفتارهـایی است که ضـرورت و مطلوبیتشـان شـناسایی و در ساختـار معقـولی از نظم و مقررات پـذیرفته شده‌اند. شاخصـهای اطاعت سازمانی رفتارهایی نظیر احترام به قوانین سازمانی، انجام وظایف به طور کامل و انجام دادن مسئولیتها با توجه به منـابع سازمانی است. ۲. وفـاداری سازمـانی : این وفـاداری به سازمـان از وفاداری به خود، سایر افراد و واحـدها و بخشـهای سازمـانی متفـاوت است و بیان کننـده میزان فـداکاری کارکنان در راه منافع سازمانی و حمایت و دفاع از سازمان است. ۳. مشارکت سازمـانی : ایـن واژه بـا درگیر بـودن در اداره سازمـان ظهـور می یابـد که از آن جمله می تـوان به حضـور در جلسـات، به اشـتراک گذاشـتن عقایـد خود با دیگران و آگاهی به مسائل جاری سازمان، اشاره کرد. گراهام با انجام این دسـته بنـدی از رفتار شـهروندی، معتقـد است که این رفتارها مسـتقیماً تحت تأثیر حقوقی قرار دارد که از طرف سازمان به فرد داده می شود. در این چارچوب حقوق شهرونـدی سازمانی شامل عـدالت اسـتخدامی، ارزیابی و رسیـدگی به شـکایات کارکنان است. بر این اساس وقتی که کارکنان می بینند که دارای حقوق شـهروندی سازمانی هسـتند به احتمال بسیار زیاد از خود، رفتار شهروندی (از نوع اطاعت) نشان می دهند. در بعـد دیگرحقوقی یعنی تـاثیر حقوق اجتماعی سازمان – که دربرگیرنـده رفتارهای منصـفانه با کارکنان نظیر افزایش حقوق و مزایا و موقعیتهـای اجتمـاعی است – بر رفتـار کارکنان نیز قضـیه به همین صورت است. کارکنان وقتی می بیننـد که دارای حقوق اجتماعی سازمـانی هسـتند به سازمـان وفـادار خواهنـد بود و رفتـار شـهروندی (از نوع وفـاداری) از خود بروز می دهنـد و سـرانجام وقـتی که کارکنان می بیننـد به حقوق سیاسـی آنها در سازمان احترام گذاشـته می شود و به آنها حق مشارکـت و تصـمیم گیری در حوزه‌های سیاست گذاری سازمان داده می شود، باز هم رفتار شهروندی (از نوع مشارکت) از خود نشان می دهند.ابعاد رفتار شهروندی ارگان پنـج بعـد رفتـار شـهروندی را اینگونه بیـان می دارد: (اپل‌بـام و همکـاران، ۲۰۰۴ ؛۱۹) * وظیفه شناسـی * نـوع دوسـتی * فضـیلت شهرونـدی * جوانمردی * احترام و تکریم بُعـد وظیفه شناسـی نمونه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد ودر آن اعضای سازمان رفتارهای خاصـی را انجـام می دهنـد که فراتر از حـداقل سـطح وظیفه‌ای مورد نیـاز برای انجام آن کار است. ارگان، ۱۹۸۸؛۹ ارگان همچنین معتقد است افرادی که دارای رفتار شهروندی مترقی هستند در بدترین شرایط و حتی در حالت بیماری و ناتوانی هم به کار ادامه می دهند، که این نشاندهنده وظیفه شناسـی بالای آنهاست. دومین بُعد رفتار شهروندی یعنی نوع دوستی به رفتارهای مفید و سودبخشی از قبیـل ایجـاد صـمیمیت، همـدلی و دلسوزی میـان همکاران اشاره دارد که خواه به شـکل مسـتقیم و یا غیرمسـتقیم به کارکنانی که دارای مشـکلات کاری هسـتند کمك می کنـد. البته برخی از صاحب نظرانِ رفتار شـهروندی ماننـد پودساکف، ابعاد نوع دوستی و وظیفه شناسـی را در یك طبقه قرار می‌دهند و از آنها به عنوان «رفتارهای کمکی» نام می برند. بعد سوم رفتار شهروندی که فضیلت مـدنی نام دارد، شامل رفتارهایی از قبیل حضور در فعالیتهای فوق برنامه و اضافی، آن هم زمانی که این حضور لازم نباشـد، حمایت از توسـعه و تغییرات ارائه شده توسط مدیران سازمان و تمایل به مطالعه کتاب، مجلات و افزایش اطلاعات عمومی و اهمیت دادن به نصب پوستر و اطلاعیه در سازمان برای آگاهی دیگران، می شود. براین اساس گراهام معتقد است که یك شـهروند سازمانی خوب نه تنها بایـد از مباحث روز سازمان آگاه باشـد بلکه باید درباره آنها اظهار نظر کند و در حل آنها نیز مشارکت فعالانه داشته باشد.(ارگان، ۱۹۸۸؛۱۲) جوانمردی یـا تحمـل پـذیری چهارمین بُعـد رفتار شـهروندی است که به شـکیبایی در برابر موقعیتهای مطلوب و مساعـد، بـدون اعتراض، نارضایتی و گلایه‌منـدی، اشاره می کنـد. و آخرین بعد رفتار شـهروندی سازمان احترام و تکریم است. این

بعد بیان کننده نحوه رفتار افراد با همکاران، سرپرستان و مخاطبان سازمان است. افرادی که در سازمان با احترام و تکریم با دیگران رفتار می کنند دارای رفتار شهروندی مترقی هستند. ارگان بعد از برشمردن این ابعاد، یادآوری می کند که هر پنج بعد رفتار شهروندی ممکن است همزمان ظهور پیدا نکنند، مثلاً ـ افرادی که ما فکر می کنیم دارای بعد وظیفه شناسی هستند ممکن است همیشه نوع دوست و فداکار نباشند و یا اینکه برخی از این ابعاد، مانندنوع دوستی و وظیفه شناسی تاکتیکی برای تحت فشار قرار دادن مدیران سازمان باشد . یعنی کارکنان سعی می کنند تا با انجام این اعمال بر روند تصمیم‌گیری مدیران سازمان برای ارتقا و یا اعطای پاداش به آنها ، تاثیر گذارند. در این حالت کارکنان سازمان از« سرباز خوب» بودن به « هنر پیشه خوب» برای سازمان تبدیل می‌شوند. (کاسترو، آرماریو و رویز،۲۰۰۴؛۳۰)سیاستهای تشویق رفتار شهروندی تقویت رفتار شهروندی، مانند هر رفتار دیگری که از افراد سر می زند، نیاز به ترغیب و تشویق دارد. یکی از مواردی که می تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد سیاستها و اقدامات سازمانی است. مدیران سازمانی باید با وضع سیاستها و راهبردهای مناسب، در جهت شکوفاتر شدن رفتارهای شهروندی در سازمان تلاش کنند. در همین راستا می توان چند مورد از این اقدامات را نام برد که برای ارتقا و ترغیب رفتار شهروندی مناسباند.۱. گزینش واستخدام برخی از محققان معتقدند افرادی که علائم شهروندی خوبی را در حوزه زندگی شخصیشان بروز می دهند به همان میزان تمایل دارند تا شهروندان سازمانی خوبی باشند. بر این اساس سازمانها باید فرایندهای جذب و استخدام نیروی خود را طوری طراحی کنند که افرادی با رفتار شهروندی مترقی جذب سازمان شوند. از میان ابزارهای انتخاب و گزینش کارکنان که ممکن است برای شناسایی شهروندان خوب سازمانی مورد استفاده قرار گیرند، مصاحبه‌ها بهتر از بقیه ابزارها هستند. در انجام مصاحبه‌ها باید بیشتر بر روی رفتارهای همکارانه و گروهی تأکید کرد تا احتمال انتخاب کارکنانی که برای بروز رفتار شهروندی مستعدترند، بیشتر شود. البته در فرایندهای گزینش و استخدام افراد، سازمانها باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که رفتارهای شهروندی نباید جایگزین عملکردهای سنتی شغل شوند. بر این اساس ویژگیهایی که به طور سنتی برای انجام یک شغل لازم است نباید به خاطر یک شهروند خوب بودن، نادیده گرفته شود.۲. آموزش و توسعه برخی از سازمانها ممکن است به تنهایی به شناسایی شهروندان خوب و افرادی با رفتارهای شهروندی بالقوه، قادر نباشند و نتوانند به مقدار مورد نیاز، این افراد را جذب و استخدام کنند. اما آنها می توانند با اجرای طرحهای آموزشی برای کارکنان فعلی سازمان، به ایجاد رفتارهای شهروندی مفید و سازنده بپردازند. استفاده از برنامه‌های آموزشی موجب تسهیل کمکهای بین فردی در میان کارکنان می شود. البته برای توسعه مهارتهای کارکنان، می توان از برنامه‌های آموزش میانی و چرخش شغلی نیز استفاده کرد. یکی دیگر از روشهای اجرای برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های توسعه است که مستقیماً با ایجاد رفتار شهروندی ارتباط دارد. مطالعات و بررسی‌ها نشان می دهد که آموزش سرپرستان بر پایه اصول عدالت سازمانی با افزایش رفتار شهروندی در میان زیردستان مرتبط است. به عبارت دیگر کارکنانی که سرپرستانشان دوره‌های آموزشی عدالت را طی کرده باشند، نسبت به سایر کارکنان، بیشتر تمایل به بروز رفتارهای شهروندی از خود نشان می دهند.۳. ارزیابی عملکرد و جبران خدمات سازمانها می توانند با ایجاد سیستمهایی منظم و منطقی برای ارائه پاداش به کارکنان تا حد زیادی ایجاد رفتار شهروندی را تسهیل کنند. تحقیقات گذشته نشاندهنده این مطلب است که افراد در کارهایی که احتمال دریافت پاداش وجود دارد بیشتر مشارکت می کنند. به همین خاطر توجه به سیستم‌های پاداش مؤثر و اقتضایی توسط سازمان در شکلدهی شهروندان خوب بسیار تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس اکثر سازمانها برای تشویق رفتار شهروندی، پاداشهای سالانه را به کارکنانی می دهند که تا حدی به انجام رفتارهای فرانقش، تمایل داشته باشند نه افرادی که فقط دارای ویژگیهای مثبت فردی هستند.باوجود اهمیت این موضوع در مباحث رفتار شهروندی، امروزه ارائه پاداش از طرف سازمان به کارکنانی که مستقیماً درگیر انجام رفتارهای شهروندی هستند به طور بالقوه‌ای کاهش داشته و جهت‌گیری بیشتر پاداشها به طرف کارها و وظایف رسمی است. برخی از محققان دلیل این امر را اینگونه بیان می کنند که توجه بیش از حد به انجام رفتارهای فرانقش توسط کارکنان، برای گرفتن

پاداش، موجب غفلت و کوتاهی از انجام وظایف رسمی سازمانی می شود و کارکنان سازمان به جای انجام وظایف مربوط به خود به کارهایی فراتر از نقش خود می پردازند؛ در حالی که هدف از تشویق رفتار شهروندی، ترویج رفتارهای همکارانه در کنار وظایف رسمی سازمانی است. در هر صورت سازمانها باید بدانند که برای تشویق و ترغیب رفتار شهروندی باید جهت‌گیری سیستم‌های پاداش خود را در سطح گروهی و سازمانی قرار دهند نه سطح فردی، زیرا آنها با این کار به کارکنان نشان می دهند که برای کارهای گروهی که منافع آن به کل سازمان برمی‌گردد، ارزش بسیاری قائلند و به آن پاداش نیز می دهند.۴. سیستم‌های غیررسمی علاوه بر اقدامات و عملکردهای رسمی سازمان که در جهت تقویت رفتار شهروندی مؤثر است، فرایندهای غیر رسمی نیز وجود دارند که سازمانها می توانند با ایجاد آنها به توسعه و تقویت بیشتر رفتار شهروندی بپردازند. برخی از روانشناسان اجتماعی معتقدند که فشارهای اجتماعی و هنجارهای گروهی غالباً تأثیر بیشتری نسبت به رویه‌های رسمی بر رفتار فردی در سازمانها می گذارند. به همین علت توسعه مکانیسم‌های غیررسمی مانند فرهنگ مشارکتی، یک رکن اساسی و محوری برای تقویت رفتار شهروندی در محیط کار است. البته ناگفته نماند که ظهور و ترویج فرهنگ مشارکتی از طریق فرایند جامعه پذیری صورت می گیرد، فرآیندی که طی آن اعضای تازه سازمان مواردی را که از نظر سایر اعضای سازمان، پسندیده و مورد قبول است یاد می گیرند و دوره‌های آموزشی لازم را دراین خصوص طی می کنند. پس توجه به امر جامعه‌پذیری در سازمان برای تقویت رفتار شهروندی نیز می تواند مؤثر باشد. نتیجه گیری باتوجه به مباحث طرح شده،به نظر می رسد که داشتن یک راهبرد برای تعریف رفتارهای شهروندی و مصداقهای آن در هر سازمان و سپس اجرای این راهبرد با اهرمهای ذکرشده در مقاله، می تواند سازمانها را در سوق دادن کارکنان به بروز رفتارهای شهروندی سازمانی توأم با انجام وظایف عادی یاری کند.منابع: ۱) توره، ناصر(۱۳۸۵)، « شناخت عوامل رفتار شهروندی وبررسی ارتباط آن با عملکرد سازمانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (پردیس قم) ۲) Appelbaum, Steven & Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika & Boulanger, Jonathan & Corrigan, Rodney & Dore, Isabelle & Girard, Chrystine & Serroni, Carlo "organizational citizenship behavior : a case study of culture , leadership and trust " manamement decision Vol.۴۲ No.۱, ۲۰۰۴) , pp. ۱۳-۴۰ ۳) Bienstock, C.Carol & Demoranville, W. Carol & Smith, K. Rachel “ organizational citizenship behavior and service quality “ journal of services marketing, Vol .۱۷ No.۴ (۲۰۰۳), pp. ۳۵۷-۳۷۸ ۴) Castro, Carmen.B & Armario, Enrique.M & Ruiz, David.M “ the influence of employee organizational citizenship Behavior on customer loyalty “ , international journal of Service industry management , Vol.۱۵ No.۱ , (۲۰۰۴) ۵) Cohen, Aaron & Kol, Yardena , “ professionalism and organizational citizenship behavior “ an empirical examination among Israeli nurses , journal of managerial psychology , Vol.۱۹ No.۴, (۲۰۰۴) ۶) Cropanzano, Russell & Byrne, S.Zinta “ the relationship of emotional exhaustion to work attitudes , job performance rating , and organizational citizenship behaviors “ fifteenth annual conference of society for industrial and organizational psychology in new Orleans, April ۱۳-۱۶ , (۲۰۰۰) ۷) Organ, D.W.(۱۹۸۸), organizationl citizenshipe behavior : the good soldier syndrome , Lexington book, Lexington, MA. *http://www.adavoudi.blogfa.com/post-۱۳۱.aspx

استراتژی های رسانه ای برای بهبود تصویر نا مطلوب شهری

ترجمه: بهنام رضا قلی زاده

امروزه شهرها در تلاشند تا از خود تصویر مطلوبی برای سرمایه‌گذاران، مهاجران و گردشگران ایجاد کنند. رهبران و مسئولان بسیاری از شهرها براین اعتقادند که انگاره‌ها و کلیشه‌های ذهنی از شهر، با اسم شهرها گره خورده است که این مسئله برای آینده‌ی شهر بسیار مهم و اساسی است. هدف این مقاله ارائه‌ی خلاصه مطالعات در مورد استراتژی‌های رسانه ای است؛ به‌طوری‌که تصمیم‌گیران محلی بتوانند این استراتژی‌ها را در رفع بحران‌های شهری به‌کار گیرند و تصویر منفی شهر را برطرف کنند. این مقاله ابتدا به بازاریابی شهری کلیشه‌ها و تصورات ذهنی مدیریت سیمای شهری و به‌کارگیری ابزار تکنیکی در انعکاس موفقیت‌آمیز پیام‌ها و عملکردها اشاره می کند.ده استراتژی که برای رفع سیمای نامطلوب و تصورات ذهنی منفی از شهرها ارائه شده، عبارتند از: تشویق برای بازدید از شهر، توجه به رویدادهای برجسته و مثبت شهری، تغییر خصوصیات منفی شهر به ویژگی‌های مثبت، تغییراسم، نشان و شعار slogan)) شهرها، توجه زیاد به غرور محلی شهروندان، حل مشکلاتی که در نتیجه‌ی سیمای منفی و تصورات نامطلوب شهری ایجاد می‌شود، انتقال پیام‌های ضد کلیشه، رد کلیشه‌های ذهنی در مورد شهر، اذعان بر وجود تصورات منفی از شهر و ادغام یا گسستگی مناطق جغرافیایی در برنامه‌های تبلیغاتی .مقدمه در دو دهه‌ی اخیر خصوصاً در این دهه، رهبران و مسئولان محلی، برنامه ریزان شهری و تصمیم‌گیران در گوشه و کنار جهان در تلاشند تا بر موقعیت و جذابیت سیمای شهرشان بیفزایند. این افراد معتقدند که سیما و تصورات عمومی از شهرشان دلالت زیادی بر تصمیمات مخاطبان هدف دارد. مثل: مردم شهرهای دیگر (که مهاجرت می کنند، بازدید می کنند و یا در آن شهر کار می کنند) سرمایه‌گذاران یا مدیران اجرایی، کارخانجات یا ماشین‌های صنعتی، کارآفرینان و مقاطعه کاران (که کارخانه‌ای را انتقال می‌دهند به جایی که اقدام به فعالیت تجاری کرده و یا به دنبال فرصت‌های تجاری جدیدی هستند) شهروندان خود شهر (اعم از اینکه در شهر اقامت می کنند یا شهر را ترک می کنند و شهر را به دیگران می سپارند، ارزش واقعی ملکشان چقدر است، چه اندازه غرور محلی دارند) و تصمیم‌گیران ملی (اعم از اینکه آیا برای شهر بودجه و منابع کافی اختصاص داده می‌شود، آیا به تأسیس مناطق صنعتی اقدام می‌شود یا نه).جهانی شدن و رقابت فزاینده بین شهرها، مهاجرت، سرمایه‌گذاری و مشاغل برون شهری را به دنبال داشته است.بسیاری از شهرها در گوشه و کنار جهان دائم در تلاشند تا تصویر جذابی از خود به نمایش بگذارند. این تلاش‌ها به منظور رقابت موفق در جهت کسب اعتبار و موقعیت بین المللی صورت می گیرد که می‌تواند درجذب گردشگران، گردهم‌آیی‌ها و کنفرانس‌ها، رویدادهای ورزشی، کارآفرینان، صنایع، استقرار دفاتر مرکزی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی کمک کند.با رشد آگاهی‌ها از اهمیت سیمای مثبت شهری، بسیاری از رهبران محلی به این اعتقادند که تصویر منفی جذابیت شهرشان را از بین می برد و شهر را از داشتن آینده ای روشن محروم می کند. ناکامی این رهبران محلی در حد گسترده‌ای است؛ زیرا آنان منکر وجود تصورات منفی شهرشان هستند و معتقدند که شرایط واقعی شهر، از نظر آنان بهتر از آن است که دیگران فکر می کنند. هدف این مقاله بررسی آثار و نوشته‌هایی در مورد استراتژی‌های رسانه ای است که تصمیم‌گیران محلی می‌توانند به کمک آن بحران تصورات منفی از شهر را خنثی کرده، جلوی این تصورات منفی را بگیرند. در مورد ارائه‌ی تصاویر مثبت و مطلوب شهری مقالات زیادی وجود دارد.(Tilson and stacks ,۱۹۹۷,shont and Kim , ۱۹۹۸,Dunn etal . ۱۹۹۵,Hooper,۲۰۰۲, Baral ,۲۰۰۴.Fvisby,۲۰۰۲)ولی این مقالات، از استراتژی‌های مختلف رهبران محلی در جهت تغییر تصاویر منفی شهری، مطالبی ارائه نمی‌دهد.بحران‌های مرتبط با تصورات ذهنی منفی در مورد شهرها در هر زمانی ممکن است روی دهد. وجود این تصورات منفی بعضی اوقات نتیجه مشکلات تاریخی است؛ مثل نابودی شهرهای صنعتی، واقع شدن در حاشیه‌ی شهرها، بیکاری و گسترش جرایم. گاهی اوقات هم مربوط به این قبیل مشکلات است: تضادها و درگیری‌های قومی و نژادی، حملات توریستی، تهدیداتی که متوجه گردش‌گران و جهان‌گردان می‌شود، فجایع و بحران‌های

همه‌گیر و مخرب، فجایع طبیعی مثل زمین لرزه‌ها و طوفان‌ها و رانش زمین و سیل‌ها .به‌واسطه‌ی تمایل رسانه‌های ملی و بین المللی در تمرکز بر روی وقایع و رویدادهای خبری منفی، شهرها در طی یک بحران نسبت به مواقعی که بحران روی نمی‌دهد در کانون توجهات جهانی قرار می‌گیرند؛ به‌طوری‌که باعث می‌شود گردشگران و سرمایه‌گذاران از آمدن به شهر اجتناب کنند و این عامل باعث تشدید بحران می‌شود. مسئولان و رهبران محلی موقعی که با چالش روبرو می‌شوند امیدوار می‌شوند تا سیمای شهرشان را تغییر داده و تصورات منفی از شهر را بهبود بخشند. تجزیه و تحلیل چنین تحقیقی در گوشه و کنار جهان نشان می‌دهد، بعضی از رهبران محلی که به کمک فنون و استراتژی‌های مختلف رسانه‌ای، سیمای منفی شهرشان را تغییر می‌دهند.بازاریابی شهری (City Markting)بازاریابی محلی به دوران استعماری برمی‌گردد، یعنی زمانی که دولت‌ها تلاش می‌کردند تا مردم را در تصرف مناطق جدید متقاعد کند ((Gold,۱۹۹۴. مفهوم بازاریابی محلی (که بعضی‌ها تبلیغات محلی place promotion یا مدیریت شهری city menagement نیز می‌نامند) در طی دهه ۱۹۸۰ در شهرهای اروپایی توسعه پیدا کرد. در ایالات متحده این مفهوم خیلی زودتر از اروپا مطرح شده بود. (paddison ,۱۹۹۳) بازاریابی محلی در کتاب‌ها و مقالات به صورت‌های گوناگونی تعریف می‌شود. در جایی آمده است (short۲۰۰۰,)، تبلیغات محلی دربرگیرنده‌ی ارزیابی و بازنمایی مجدد محل برای ساخت و عرضه‌ی تصویر جدید از مکان برای افزایش موقعیت رقابتی آنان در حفظ و نگهداری منابع است (p۳۱۸). محققان اروپایی (vanden bergetal.as cited in paddisan,۱۹۹۳) در مورد تبلیغات بر جنبه‌های مختلف توسعه‌ی اقتصادی در حوزه بازار تأکید می‌کنند؛ به‌نحوی که نیازهای شهروندان، سرمایه‌گذاران و گردشگران را تأمین کند. این تحقیقات نشان می‌دهند که توجه و تأکید بر این جنبه‌ها به شهرها کمک می‌کند تا با شهرهای دیگر به رقابت بپردازند و از لحاظ سلسله مراتب شهری در موقعیت ممتازی واقع شوند. بر جنبه های کلی کار روی تصاویر شهری که کلید موفقیت برنامه‌های بازایابی است نیز تأکید می‌کنند. در هر حال بازاریابی شهری می‌تواند در خوشایند جلوه دادن و خلق هویت شهری نقش عمده‌ای بازی کند (Dunn,et.al,۱۹۹۵).در این مورد دو دیدگاه نظری بر مطالعات تأثیرگذار است: یکی از آنها به مدیریت و بازاریابی شهری و اقتصاد سیاسی متکی است که بر تغییر دولت شهر و ارتباط انجمن های تجاری در توسعه اقتصاد محلی تأکید می‌کند و دیگری بر موفقیت استراتژی‌های مخلتف بازاریابی تمرکز دارد.کلیشه‌ها و تصورات شهریتمام کوشش بازاریابی شهری بر بهبود سیمای شهرها و آگاهی‌های عمومی استوار است. کاتلر تصورات ذهنی در مورد محل را به عنوان مجموعه اعتقادات، ایده‌ها و عقاید مردم و نگرش آنان در محل معین می‌داند» عوامل زیادی وجود دارند که بر سیمای شهر و آگاهی و تصورات مردم از شهر، تأثیر می‌گذارند که بعضی از این عوامل به خارج از شهر مربوطند از قبیل: ویژگی‌های اهالی شهر، قدرت سیاسی، تعداد جمعیت شهر، نرخ جرایم، وضعیت سیاسی و اقتصادی و شرایط استخدام، تعداد و خصوصیات مؤسسات ملی واقع در شهر، پیشینه تاریخی و جغرافیای شهر، مجموع فیلم‌ها و سریال‌هایی که از طریق تلویزیون در مورد شهر به نمایش در آمده‌اند تحت پوشش قرار گرفتن شهر در رسانه‌ها، فضای شهر، سرگرمی‌ها، گردشگران، ارزش‌های فرهنگی و ظاهر فیزیکی و نمای شهر (Avraham,۲۰۰۲,۲۰۰۳). ممکن است از روش‌های مختلفی در مورد ارزیابی تصویر شهری در بین مخاطبان و جمعیت هدف استفاده شود، اما بهترین روش در این مورد بررسی نگرش‌ها، استفاده از پرسش‌نامه‌های مختلف، گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های عمقی است.کاتلر(۱۹۹۳) می گوید: تصویر شهری می‌تواند مثبت و جذاب، منفی، ضعیف (مکان‌های واقع در حاشیه شهر که توجه چندانی به این مناطق نمی‌شود) و ترکیبی از تصویر مثبت و منفی یا متناقض (در بین اهالی شهر تصویر مطلوبی دارد ولی در بین عده ای دیگر تصویر منفی و نامطلوبی از شهر وجود دارد) باشد. در مجموع سیمای شهری به دو نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از": سیمای قوی "و "سیمای ضعیف "سیمای غنی شهری این موارد هستند: درباره‌ی این شهر آگاهی‌ها و اطلاعات زیادی وجود دارد، منابع گوناگونی در این شهر موجود است و اهالی این گونه شهرها در حال گردش و رفت و آمد هستند. در مورد شهرهای باسیمای ضعیف، در

مورد شـهر و اهالی شـهر اطلاعات اندکی وجود دارد و آنچه ما درباره این گونه شهرها می دانیم تنها از یک منبع اطلاعاتی به دست مـا می رسـد. (Elizur,۱۹۸۶)مـا می‌توانیم از دو نوع سیمای شـهری دیگر نیز نـام ببریم سیمای بـاز و سیمای بسته. "سیمای بـاز آنهایی‌اند که یک یا چند ویژگی مشخصـی دارند و سیمای بسته شهری، به تصورات کلیشه ای گویند که باورها و نگرشهای ذهنی دربـاره یـک مکان به سـختی تغییر می کننـد.در مورد شـهر «شیکاگو» می‌توان گفت که این شـهر طی دهه‌های ۱۹۲۰و ۱۹۳۰ محل فعالیت تبهکاران بود. مسئولان ادارات مرکزی در شـهر در مورد مهاجرت به این شـهر از سراسـر جهان شاکی بودنـد، چرا که شـهر شیکاگو به مرکز جرم و جنایت تبـدیل شـده بود اما این شـهر از نظر نرخ جرایم واقعی در بین شـهرهای دیگر ایالات متحـده آمریکا نرخ پایینی داشت (Tal,۱۹۹۳). ظاهراً بسیازی از مردم، شیکاگو را شـهر تبهکاران می‌دانستند ولی چنین نگرشی امروزه تغییر یافته است. از طرف دیگر (۱۹۸۲" (Burgess برگس خاطر نشان می کند که مسئولان شهری در انگلستان شمالی، بر این باورند که آنهـا بایـد هنـوز هـم بـا تـداوم کلیشه‌هـای ذهنی کـه از قرن ۱۹ در زنـدگی آنـان مشـکلاتی را ایجـاد کرده دست و پنجـه نرم کنند.استراتژی‌های بازاریابی شـهری و مدیریت تصاویر ذهنی از شـهرطبیعی است که بپرسـیم مسئولان محلی در جهت بهبود سیمای شهر و ایجاد تصویر مثبت از آن چه گام‌هایی برداشـته‌اند. باید بین تلاش‌های ناموفق در تغییر سیمای شهری با تغییرات واقعی در این مورد تمایز قایل شـد (short,۱۹۹۳,morgan).۱۹۹۳ برای بهبـود سیمای شـهر و ایجـاد تصور مثبت از آن بایـد مرحله به مرحله برخورد شود. گام نخست تشـخیص است که با ایجاد یک دید کلی دنبال می‌شود و در نهایت با برنامه‌ریزی اقدامات ضروری بعدی بایـد آن طرح تعیین شـده عملی شود. مسئولان محلی بایـد به ارائه خدمات اولیه و اساسـی شـهری نظارت داشـته، به زیرساخت‌های موجود توجه منظمی داشته باشـند و نیازهای شـهروندان، گردشـگران، تاجران و سـرمایه‌گذاران و مقامات اجرایی محلی را برآورده کننـد. زیرا اگر در زمینه‌ی ارائه خـدمات اولیه پیشـرفتی صـورت نگیرد مشـکل می‌تـوان به یـک برنـامه موفـق تجـاری دست یـافت. مسئولان و رهبران محلی، امروزه به این نتیجه رسـیده‌اند که باید بودجه‌ی کلانی را برای توسـعه‌ی جاذبه‌های شـهری و بهبود سـطح کیفی زنـدگی بـا در نظر گرفتن سـرمایه‌گذاری‌ها، تجارت‌ها و مهاجرت‌های جدیـد اختصاص دهنـد. ماهیت این برنامه‌ها وابسته به علاقه شـهروندان در طراحی و تنظیم برنامه‌هـا و اقـدامات است.یکی از روش‌های اجرای موفقیت آمیز برنامه‌های شـهری، مـدیریت سیمای استراتژیک (MIS) است. یـک فراینـد در حال گسترش از تحقیقات سیمای مناطق در بین جمعیت هـدف، مشـخص کردن عوامل تأثیر گذار برتصورات ذهنی از شـهر که منجر به ایجاد تغییراتی در طی سالیان می‌شود، دفع بحرانهای مرتبطه با سیمای شهرها و انتقـال پیامهـای مربوطه به مخاطبـان هـدف است.مزیت اصـلی این اسـتراتژی این است که دربرگیرنـده‌ی مجموعه‌ی گسترده‌ای از برنامه‌های بازاریابی است که نیازمند هماهنگی و انسجام در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت عملیات بازاریابی است. بازاریابی، تبلیغات و آگهی‌هـا، ابزاری مـورد نیـاز در دستیـابی بـه اهـداف مختلـف هسـتند. نحـوه‌ی برخـورد بـا سـرمایه‌گذاری، مـانع ایجـاد جاذبه‌هـای گردشگری نمی‌شود.شهرهای دارای سیمای مثبت به برنامه‌هایی نیاز دارند تا این سیما و تصورات مثبت از شهر را هر چه بیشتر بهبود بخشـند، همانگونه که شهرهای با سیمای منفی نیازمند برنامه ها و اقداماتی هستند تا در بهبود و رفع تصاویر منفی به آن شهر کمک کنند. این شـهرها باید تمرکز خود را بر روی افزایش آگاهی‌ها از شـهر و طراحی و ساخت سـیمای مطلوب شهری قرار دهند. فرایند طراحی و ساخت سـیمای مطلوب و تصورات مثبت از شـهر کار ساده‌ای نیست و مطالعاتی که در این زمینه انجام شده چندین راهبرد را توصـیه می کنند.نیاز به مطرح کردن شهرها: شهر باید در جایی واقع شود که ویژگی‌های منحصر به فردی از آن شهر انعکاس یابد و نحوه این انعکـاس بایـد با شـهرهای دیگر تفاوت داشـته باشـد. به طور کلی برنامه ها و عملکردها نبایـد عـده زیادی از جمعیت را تحت پوشـش قرار دهد، بلکه باید حاوی پیام‌های جزیی و مداوم باشد. تمام این مراحل باید تحت نظارت دقیق قرارگیرد و ازعناصر مختلفی از قبیل آگهی‌ها، روابط عمومی، تبلیغات و ... به‌صورت هماهنگ و منسجم استفاده شود.فنون انتقال پیام‌های اجراییمدیران اجرایی از روش‌های مختلفی برای بیان و انتقال پیام‌های مهم اجرایی اسـتفاده می کنند. انتخاب این روش‌ها بستگی به اهداف و زمان

اجرای برنامه‌ها، شرایط اقتصادی شهر و شهرهای رقیب، بودجه اختصاص داده شده و بسیاری از عوامل دیگر دارد. معمولا از این فنون استفاده می‌شود:آگهی‌ها: آگهی‌ها جزء معروفترین ابزار در بازاریابی شهرها هستند که بر اساس خرید آگهی‌ها در رسانه‌ها و انتقال پیام‌ها به جمعیت هدف صورت می گیرد. طبق بررسی CNN، ۵۳۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹در ایالات متحده صرف بازاریابی مناطق شده است.بازاریابی به صورت پست مستقیم: این نوع بازاریابی نیازمند دسترسی به آدرس‌های جمعیت هدف است تا به‌صورت مستقیم از طریق پست، جلسات شخصی، تلفن و پست الکترونیکی بتوان با آنها ارتباط برقرار کرد. برای مخاطبان هدف، بروشورها، نقشه‌ها، جزوه‌ها، عکس‌ها و دیگر اطلاعات فرستاده می‌شود تا برای بازدید از شهر تشویق شوند. از طریق این پست‌ها توجه سرمایه گذاران بالقوه و گردشگران یا شهروندان جلب می‌شود؛ به‌نحوی که متقاعد شوند تا بدون استفاده از واسطه‌ها از شهر دیدن کنند.تبلیغات فروش: این نوع تکنیک به عرضه‌ی کوتاه مدت انواع خدمات شهری اشاره دارد. مثل نفع مالیاتی شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که در چارچوب زمانی مشخصی به شهر منتقل می‌شوند. باید بر انواع فروش، معافیت مالیاتی تعلق گیرد و برای افرادی که به منظور اقامت به شهر می آیند بایستی معافیت مالیات بر اموال، تخفیف قیمت هتل‌های شهری، آموزش رایگان برای کارگران در شرکت‌های منتقل شده به شهر، تخصیص زمین‌های ارزان قیمت برای سرمایه گذاران و تسهیلاتی از این قبیل فراهم شود.روابط عمومی: این تکنیک می کوشد تا از طریق انواع رسانه‌ها تأثیر مثبتی بر شهر بگذارد. سخنگویان شهری یا روابط عمومی‌ها بر این نکته پافشاری می کنند که از طریق تبلیغات رویدادهای ویژه و گزارشات مثبت، تصویر ذهنی خوشایندی از شهر ترسیم کنند و در عین حال در تلاشند تا از درج گزارشات و رویدادهای منفی و نامطلوب خودداری کنند. امروزه شهرها سرمایه گذاری‌های کلانی به روابط عمومی اختصاص می‌دهند. برای مثال، در بریتانیا بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۶حدود ۹۳ درصد از شهرداران محلی به طور میانگین، سالانه ۶۰۰/۲۷۹پوند برای فعالیت‌های روابط عمومی هزینه کرده اند.

قابل ذکر است که استفاده از تمام این تکنیک‌ها باید هماهنگ و پیام‌های منتقل شده به مردم باید مشابه باشد. برنامه‌های بازاریابی و روابط عمومی به دلیل رایگان بودن باید متقابلاً- از طرف مردم نیز مورد حمایت قرار گیرد. برای مثال زمانی که تلاش‌های بازاریابی با استفاده از آگهی‌های بازرگانی تبلیغات و بروشورها برای جذب سرمایه گذاران صورت می گیرد، سخنگویان روابط عمومی باید درباره‌ی ورود سرمایه گذاران به شهر، درباره‌ی همایش و کنفرانس سرمایه گذاران جدید و درباره امتیازاتی که سرمایه گذاران درآینده بدان دست می‌یابند، اطلاعاتی در اختیار رسانه‌ها قرار دهند.رفع تصورات منفی از شهرهااگر چه تلاش برای تغییر سیمای منفی شهرها می‌تواند مشکل باشد، ولی شهرهای زیادی در گوشه و کنار جهان این کار را به‌صورت موفقیت آمیز انجام می‌دهند. استراتژی‌های مختلفی توسط مسئولان محلی برای تغییر سیمای منفی و تصورات نامطلوب از شهرها به‌کار برده می‌شود که عبارتند از تشویق به بازدید از شهر و رفع کلیشه‌های ذهنیاین استراتژی رسانه‌ای برای متقاعد کردن تصمیم گیران به رهبران افکار عمومی و دیگران به‌کار برده می‌شود تا به شهر بیایند و از نزدیک در جریان امور شهری قرار بگیرند. تصورات نامطلوب در مورد شهرهای مختلف از گذشته‌ی نه‌چندان خوب آنها ناشی می‌شود، به طوری که اگر بعضی مواقع تغییرات مثبتی صورت بگیرد باز هم نظرات منفی وجود دارد. گردشگران می‌توانند از طریق همایش‌ها، نمایشگاه‌ها تورهای گردشگری، دیدنی‌های جدید در شهر، سخنرانی وکنفرانس‌های مطبوعاتی اطلاعاتی را در مورد شهر به‌دست آورند. بازدید از شهر تصویر کاملی از آن شهر برای فرد تداعی می‌کند و ممکن است تصورات منفی در مورد آن شهر به تصورات و نگرش‌های مثبتی تبدیل شوند. مزیت اصلی بازدید از شهر آن است که به افراد فرصت می‌دهد تا واقعیت‌های عینی درون شهر را بدون نیاز به واسطه ها و به‌صورت شخصی تجربه کنند. این مسئله برای شهرهایی مهم است که با خودشان کلیشه‌های منفی را یدک می‌کشند. ممکن است گردشگران توسط بازدید از آن شهر تصورات مثبتی از آن شهر کسب کنند.تردیدهایی که برای روزنامه نگاران اهمیت دارد، برای رهبران افکار عمومی مطرح نیست. توجه روابط عمومی ها برای بهبود سیمای منفی شهرها دارای اهمیت است و در طی روزهای

بحرانی می‌تواند مفید باشد.این اقدامات زمانی به صلاح است که برای مردم سودمند باشد و مسافرت‌هایی با هدف آشنا سازی سازماندهی شود، به این امید که رسانه‌ها شرایط تجاری را گزارش کنند. برای نمونه به منظور رفع تصورات منفی سرمایه داران و رهبران افکار عمومی در شهرهای شمال انگلستان، مسئولان محلی استراتژی فراهم کردن مقدمات بازدید محلی برای رهبران افکار عمومی را به‌کار گرفتند، به این امید که این بازدیدها به تغییر تصورات منفی آنها کمک کرده به شکل گیری تصورات مثبت در مورد شهر یاری رساند. به‌طوری‌که این تصاویر مثبت به دیگر مردم و تمام رهبران منتقل شود. استراتژی مشابهی برای بهبود سیمای شهر «هالون» اسرائیل اتخاذ شد. نظرسنجی‌ای که در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط مسئولان محلی انجام شد نشان داد که شهر به‌صورت کلی دارای سیمای منفی است و افرادی که از این شهر بازدید می‌کنند متوجه این موضوع شده اند. بنابراین برای تغییر نگرش مردم تصمیم گرفته شد تا مردم به سمت مکان‌های فرهنگی مخصوص و جذابی کشانده شوند تا در مورد شهر تصویر ذهنی مطلوبی به‌دست آورند. این استراتژی موفقیت آمیز بود و باعث شد که سیمای ضعیف و منفی شهر، طی دهه‌ی ۱۹۹۰ بهبود یابد. چنین استراتژی در مورد شهرهای اورشلیم و بلفاست نیز به‌کار برده شد. (Efrati,۲۰۰۲)توجه به رویدادهای برجسته و مثبت شهریاز وقایع ویژه اغلب با نام " وقایع برجسته " و" وقایع مشخص "و یا " وقایع فوق العاده "نام برده می‌شود، که از آن به عنوان یک استراتژی قدیمی برای بهبود سیمای شهری استفاده می‌شود. یکی از مشهورترین موارد استفاده از این استراتژی، استفاده نازی‌ها در المپیک ۱۹۳۶ بود تا بتوانند از این طریق تصویر مثبتی از رژیم هیتلری برای جهانیان در معرض نمایش بگذارند. از آن زمان به بعد بسیاری از شهرها در بازی‌های المپیک تابستانی و زمستانی، نمایشگاه‌های جهانی، مراکز فرهنگی اروپا، مسابقات آواز خوانی در تلویزیون‌های اروپا و آمریکا در همایش‌های دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و تریبون‌های مهم روابط عمومی‌ها، از این استراتژی استفاده می‌کنند.این رویدادها در یک دوره زمانی کوتاه بر محل خاصی تأکید می‌کند و باعث می‌شود که پیام‌های معین و مشخصی در مورد شهر در رسانه‌های بین‌المللی منعکس شود و ممکن است در جهت برخورد با تصورات منفی از آن شهر استفاده شود. این استراتژی در زمانی که شهر «بیجینگ» میزبان آسیایی ۱۹۹۰بود به‌کار گرفته شد، به‌طوری‌که بعد از کشتار میدان « تیان آن من» اطلاعات و گزارش‌ها، منعکس کننده‌ی تصویر مطلوب شهری بود.شهرهایی که میزبان وقایع مهم بین المللی مثل مسابقات المپیک هستند و یا در آن شهرها نمایشگاه‌های معتبر بین‌المللی برگزار می‌شود، باعث سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در بخش‌های عمومی و خصوصی شده، منجر به توسعه و بازنگری فضاهای شهری و بهبود زیر بناهای شهری، تقویت رقابت با دیگر شهرها و ارتقاء موقعیت شهر در سیستم سلسله مراتب جهانی می‌شود.تبدیل ویژگی‌های منفی به ویژگی‌های مثبت شهریروش دیگر در جهت دفع تصورات و نگرش‌های منفی در مورد شهر که با خود ویژگی‌های منفی را به دنبال دارد، تغییر خصوصیات منفی به ویژگی‌های مثبت و مطلوب شهری است. برای مثال، زمستان‌های « مینه سوتا» به داشتن سرمای فوق العاده مشهور است ولی امروزه از زمستان‌های این شهر سردسیر برای جذب گردشگر استفاده می‌شود.فستیوال‌ها و رویدادهای فرهنگی زیادی در فصل زمستان در این شهر برگزار می‌شود. یکی از دلایل وجود تصورات منفی در مورد شهر برشوه »، واقع شدن این شهر در بیابان « نجو» در جنوب اسرائیل است که با گرمای بسیار شدیدی مواجه است. محققان زیادی به مسئولان محلی پیشنهاد کرده‌اند که آنها باید این شهر را به مظهر یک شهر شرقی، به بیابانی جذاب و شگفت‌آور تبدیل کنند.این محققان توصیه کردند که در تصویر سازی و ایجاد سیمای مثبت از این شهر به عنوان مدرن‌ترین شهر بیابانی مشرق زمین، از معماران شرقی استفاده کنند. ویژگی شرق القاء کننده‌ی تصوراتی از شرق مثل پاکی، معصومیت، بکر و دست نخورده بودن، میهمان نوازی و سرزنده و با روحیه بودن است.نمونه‌ی دیگر، شهر « برادفورد» در بریتانیا است که مدت‌های مدیدی از سوی مهاجران خارجی به عنوان شهری با سیمای منفی معرفی می‌شد، زیرا در این شهر همواره تضادهای قومی و نژادی وجود داشته است. طی چند سال اخیر مسئولان شهری کوشیدند تا ویژگی‌های منفی شهر را از طریق بازاریابی با عنوان « بهشت چند فرهنگی» به فرصت و امتیاز برای این شهر تبدیل کنند تا گروه‌های مختلف اجتماعی در یک

همزیستی مسالمت آمیز با آرامش و آسایش در کنار هم زندگی کنند.تغییر اسم، آدم و شعار شهرادراک و تصور مردم از یک شهر تحت تأثیر اسم، نشان و شعار انتخابی آن شهر شکل می گیرد. بنابراین تغییر یک شهر به‌خودی خود این نمادها را تغییر خواهد داد. اسم بخشی از هویت یک فرد، سازمان یا شهر است. بعضی از شهرها اسم‌هایی دارندکه به فرایند بازاریابی و تجارت در آن شهر کمک می کند. از طرف دیگر بعضی از شهرهای دیگر با اسم‌های مرتبط با تصورات و کلیشه‌های ذهنی منفی، بر موقعیت و جاذبه های آن شهر تأثیر زیان‌باری دارد. برای مثال یک عضو پارلمان فرانسه می کوشید تا حق ممنوعیت استفاده از واژه « دولت ویچی» را تصویب کند، به طوری که ادعا می کرد این اسم در توسعه شهر" ویچی "موانعی ایجاد کرده است. این شهر مقر هماهنگی نیروهای نازی در طی جنگ جهانی دوم بود و از آن زمان به بعد بود که به این عنوان نامیده شد. اگر چه مدت زیادی طول کشید تا اسم این شهر تغییر کند، اما هنوز هم با وجود تغییرات اسم شهر مشکل ساز است و گردشگران، سازمان دهندگان گردهم‌آیی‌ها و بازدیدکنندگان از آمدن به این شهر امتناع می کنند.در بسیاری از مواقع مسئولان محلی معتقدند که تصورات عمومی در مورد شهر آنان منفی و نامطلوب است و تلاش آنها برای تغییر این قالب‌های ذهنی بیهوده بوده است. اسم بعضی از این مناطق تغییر می کند با امید به اینکه تصورات منفی مرتبط با اسم قدیمی شهر از بین برود. برای نمونه ایالت داکوتای شمالی » در ایالات متحده امریکا می‌خواهد تا پیشوند شمالی را حذف کند و فقط ایالت داکوتا نامیده شود. به جهت اینکه پیشوند شمالی، برف، سرما، زمستان و عدم جذابیت را در اذهان تداعی می کند. سمبل‌ها و نمادهای شهری، عنصر مهمی در برنامه ها و تلاش‌های بازاریابی به شمار می‌روند. یک شهر در حال تحول ممکن است به تغییر این سمبل‌ها و نشانه ها نیاز داشته باشد. شهرهای صنعتی که به سمت فرا صنعتی شدن تمایل دارند، اغلب سمبل‌ها و نمادهایشان با حال و هوای شهرهای مدرن سنخیت ندارد. مثلاً شهرcyracuse " "در نیویورک، سخت در تلاش است تا به سمت عصر فراصنعتی حرکت کند اما نماد این شهر که دودکش کارخانه، دود و آلودگی و ماشین‌های صنعتی است با سیمای شهرهای مدرن ناسازگار است.بعد از مباحثات طولانی، آرم جدیدی برای این شهر انتخاب شد. این آرم نشان یک آسمان‌خراش و خط افق آسمان‌خراش‌های مدرن بود. همینطور در ناحیه پیرامونی اسرائیل که تلاش می‌شود تا کارکنان آموزش دیده در سطح عالی جذب شوند، از نماد @ برای این منطقه استفاده می کنند تا پیشرفت تکنولوژی را در این منطقه به نمایش بگذارند.روش دیگر انتقال پیام، شعارها هستند. یکی از شعارهای قدیمی برای افزایش جذابیت نیویورک، I love new york » است. شعار خوب برای یک شهر ممکن است برای مدت طولانی به‌کار برده شود. شعار خوب شهر را در معرض دید همگان قرار می‌دهد و باعث اشتیاق و جنبش شده و کلیت یک شهر را منعکس می کند.طرح و تنظیم یک شعار بستگی به جمعیت هدف و اهداف برنامه‌ها و عملکردها دارد اما شعار باید با واقعیت آن شهر نیز مطابقت داشته باشد. تغییر شعار شهر منجر به نگرش جدیدی از آن شهر می‌شود. شعار جدید شهر « برادفورد» در بریتانیا عبارت از این‌ها بود: « برادفورد پشت درهای شادی و رفاه » و « محلی شگفت انگیز».توجه به غرور محلی شهروندان و توسعه‌ی تصور از خودساکنان شهرهای باسیمای منفی اغلب از فقدان غرور و ضعف اعتماد به نفس در شهرشان شکوه می کنند چون متحمل صدمات غیر قابل جبرانی می‌شوند. این شرایط منجر به بی‌اعتنایی به شهر و بی میلی به قبول نقش انواع مؤسسات و داوطلبان جهت انجام اقدامات مؤثر می‌شود. اصلاح سیمای منفی شهرها نیازمند توجه شهروندان و پشتیبانی و سازماندهی آنان در فرایند تغییر و تحولات است. این گونه اصطلاحات و تغییرات بر استراتژی رسانه‌ها، مد نظر قراردادن اهالی شهر و اصول و روش‌هایی که آنان پیشنهاد می‌دهند بستگی دارد.یک فرض اساسی در اینجا مطرح می‌شود و آن این است که توسعه‌ی تصویر مطلوب شهری، اهالی شهر را تبدیل به نمایندگان و سفیرانی می کند که به‌صورت تعجب آوری با شهروندان دیگر شهرها مذاکره می کنند.مثلاًـ موقعی که شهر « گاسکو» تصمیم به تغییر سیمای خود گرفت، در این شهر تأسیسات عمومی، موزه‌ها، جاذبه‌های گردشگری و فرهنگی ساخته شدند و شهروندان حمایت و پشتیبانی خود را از زیبایی و تمیزی شهرشان ابراز کردند.غرور محلی شهروندان و اشتیاق آنان به فرایند تغییر در برنامه ها و تلاش‌های بازاریابی

باید به‌صورت گسترده‌ای مورد توجه قرار گیرد. اهالی مشتاق و مصمم شهر "Syracuse " اعلام کردند: ما عضوی از Syracuse هستیم» و «ما با همدیگر پیشرفت می کنیم» و اهالی محلی در تصمیم گیری‌های شهری مثل انتخاب آرم و نشان شهر جدیدشان با یکدیگر مشارکت می کردند. مشارکت اهالی شهر در امور مهم، یک اصل است و نظرات و پیشنهادات آنان باید در زمینه‌های برنامه ریزی استراتژیک، طراحی آرم و نشان و شعار و... به دقت مورد توجه قرار گیرد. در بسیاری از شهرها فرایند تحول و دگرگونی توسط اهالی خود شهرها شروع می‌شود، یعنی کسانی که معتقدند سیمای ناخوشایند و تصورات ذهنی منفی از شهرشان به‌صورت غیر واقعی بر چهره شهر و بر ذهن مردم نقش بسته است.حل مشکلاتی که منجر به شکل گیری تصاویر نامطلوب و منفی شهری می‌شوددر بسیاری از موارد، سیمای منفی شهرها یک امر تخیلی و موهوم نیست و در واقع انعکاس بعضی از مشکلات واقعی است. بنابراین شهرها باید آن دسته از مشکلاتی را که منجر به ایجاد تصورات منفی از شهر می‌شود حل کنند. اگر شهری درگیر خشونت و ناآرامی شود باید چنین شهری علیه جرم و جنایت مبارزه کند، به طوری که نمونه چنین شهری «میامی» است.مبارزه با جرم و خشونت در بهبود سیمای شهرها مؤثر است و امنیت را در شهر مستقر می کند. موردی که می‌توان نمونه‌ی آن را در نیویورک مشاهده کرد. در این شهر « رادلف قالاینی» شهردار نیویورک نرخ جرایم شهر را به نصف کاهش داد.به دنبال حمله تروریستی در برابر گردشگران آلمانی، دولت مصر تصمیم گرفت اقدامات سرسختانه‌ای را در برابر گروه‌های تندرو اسلامی اتخاذ کند و خاطره‌ی بحران و حمله تروریستی را از اذهان جهانیان بزداید.نمونه‌های زیادی در گوشه و کنار جهان حکایت از موفقیت‌های ذکر شده دارند. باید گام‌هایی در جهت حل مشکلات برداشته شود و در هر زمانی برنامه‌های بازاریابی و تبلیغات صورت گیرد. در مورد شهر " Syracuse "همان‌طور که قبلًا نیز اشاره شد، شروع تلاش‌های بازاریابی و تبلیغات و تغییر آرم شهر از طریق تعمیر و مرمت مرکز شهر به‌وسیله‌ی شرکت‌های عمومی و خصوصی به منظور برگزاری مراسم جشن و شادی صورت گرفت. در سراسر جهان، تغییرات در شهرهای مختلف از طریق مراکز گردهم‌آیی‌ها و کنفرانس‌ها، مراکز فرهنگی، استادیوم‌ها، فروشگاه‌های مرکزی، موزه‌ها و بازارهای مربوط به محصولات کشاورزی و سیستم‌های پخش جمعی که ارتباط بین مناطق مختلف را تسهیل می کند انجام می گیرد. اهمیت حل مشکلات واقعی در شهرهای دارای تصویر منفی، می‌تواند طبق بررسی‌های به عمل آمده در شهرهای زیادی دیده شود.پخش پیام‌های ضد کلیشهیک شهر می‌تواند پیام‌های مغایر با حوادث بحرانی و تصاویر منفی شهری را انتقال دهد. برای مثال، اگر تعدادی جرم خبرساز در یک شهری اتفاق افتد و باعث توجه دقیق رسانه‌ها به این مسئله شود، بنابراین آن شهری می‌تواند داده ها و اطلاعات مرتبط با درصد واقعی جرم را منتشر کند که ممکن است این نرخ خیلی پایین تر از نرخ جرایم شهرهای مشابه دیگر باشد. اگر مسئولان شهری دریابند که شهرشان در حالت ناامنی به‌سر می‌برد، در این‌صورت می‌توان از استراتژی تبلیغات بهره گرفت، به‌طوری که بر احساس ایمنی و رضایت گردشگران واهالی شهر تأکید شود.کلیشه‌های منفی ممکن است از طریق سبک‌های متفاوتی محقق شود. برای مثال ، شهر « لبخن سایه » در ایرلند شمالی می کوشید که از طریق شعار، سرمایه‌گذاران را در مدیریت برنامه ها جذب کند، آن‌هم با طرح چنین سؤالاتی « آیا شما فکر می کنید ما مشکلاتی داریم؟» و یا مقایسه کردن بین هزینه‌ی اجاره املاک در شهر« لبخن سایه» با سایر شهرهای بریتانیای کبیر و همچنین مقایسه بین درصد فارغ التحصیلان دبیرستان‌های محلی با سایر شهرهای بریتانیای کبیر.پخش پیام‌های مخالف تصورات ذهنی، در بازاریابی بیابان نجو» در جنوب اسرائیل نیز به‌کار گرفته شد. برای نمونه برنامه‌های نجو، خصوصیات منفی این منطقه را از نظر ملال آوری، کم اهمیتی، بی هیجانی، کسالت آوری و یکنواختی به چالش می کشید. برنامه‌های پیشنهاد شده برای این منطقه جهت جذابیت و ایجاد تصورات مثبت از این شهر، انجام سفرهای کوتاه مدت، مسابقات ورزشی، فعالیت‌های عامه پسند، تبلیغات مبتنی بر تصاویر و عکس‌های شهر، موارد سرگرم کننده و دیگر اقدامات را شامل شد. از دیگر برنامه‌های مطرح در این منطقه استفاده از شعار «نجو سبز» بود، به‌طوریکه تصویر بیابانی خشک و لم یزرع بودن، و دوربودن از مرکز شهر را برای این منطقه به چالش می کشید.نادیده گرفتن بحران‌های شهری یا کلیشه‌های ذهنیدر طی

یک بحران، شهر می‌تواند زیان‌های وارده بر اثر سیمای منفی بحران را نادیده بگیرد و این تصور را القا کند که هرگز در این شهر بحرانی ایجاد نشده است، به این امید که وقایع جدید باعث شوند تا مردم آنچه را که در این شهر اتفاق افتاده فراموش کنند. برای مثال در اسپانیا و مخصوصاً در بارسلونا رویکردی که به دنبال حملات تروریستی دنبال شد، شعار« تجارت مثل همیشه» بود. همینطور شهر در حالت طبیعی می‌تواند مشکلات خود رانادیده بگیرد و خود را به عنوان کانون تجارت بین المللی معرفی کند. در مورد شهر « منچستر» نیز چنین رویکردی به کار گرفته شده است. بعضی از شهرها به اجرای موفقیت آمیز برنامه‌هایشان امیدوارند به این امید که علایم آشفته و پردردسر را نادیده بگیرند. در این مورد باید از امثال این شعارها استفاده شود: آینده‌ی شهر X مطمئن است » توجه به آینده در شهر X»، شهر X به سوی فرداها گام برمی‌دارد" هوکلامب "به شهرهای « نیومیلفورد » و سی تی» در ایالات متحده اشاره می‌کند که از این شعار استفاده کردند گذشته پر افتخار و آینده پر افتخار».اذعان بر تصویر منفی شهربرخورد مسئولان محلی با انواع بحران‌ها و کلیشه‌های منفی از شهر، نیازمند منابع و افراد آموزش دیده‌ی حرفه‌ای است. مثلاً در مورد شهری که دچار بحران شده می‌توان این تبلیغ را به‌کار گرفت: « سیمای شهر که به دنبال بحران تاریک و پوشیده از دود بود، پاک شد و شهر حالا جذابیت گذشته خود را بازیافته است.» باید شعارهایی مطرح شوند که گذشته را نادیده گرفته، نوعی احساس اعتماد و اطمینان را بین مبلغان و مخاطبان هدف ایجاد کند.تاکتیکی که در مورد شهر" rehovth "در اسرائیل به‌کار برده شد، استفاده از شعار «rehovth "با صدای جرقه از خواب بیدار شده است بود، به‌طوریکه همین شعار در افزایش فروش ملک و زمین تأثیر منفی داشت. بعضی دیگر از شهرها با شعار عصر جدید وانمود می‌کنند که شهر از گذشته‌ی بحرانی خود دور شده است. برای مثال می‌توان به شهرهای تولسا و ok» در ایالات متحده اشاره کرد که مکان‌های این شهر به‌وسیله‌ی آگهی‌ها تبلیغ می‌شوند و اهالی شهر این شعار را به‌کار می‌گیرند که باید تمام جاهای خالی با اسم تولسا پرشوند» باید به این نکته نیز اذعان کرد که اگر چه عده ای از افراد از شهر تولسا» سخن می‌گفتند، ولی عده‌ای دیگر این کارها را بی‌نتیجه قلمداد می‌کردند. وقتی مردم به این نتیجه برسند که شهر از معروفیتی برخوردار نیست یا دارای تصویر منفی در اذهان عمومی است، باید برنامه ای تهیه شود که راه حل‌ها را نشان دهد. باید تصاویری از شهر و اطلاعاتی در مورد شهر پخش شود تا تصویری غنی از شهر به نمایش گذاشته شود. چنین استراتژی‌ای، نشانگر تلاش‌های به‌کار گرفته شده توسط مسئولان بعضی از مناطقی است که در عین اینکه اذعان به وجود مشکلات در بعضی از مناطق دارند، صریحاً به گردشگران توصیه می‌کنند که به این مناطق مشکل آفرین سفر نکنند. چنین نمونه‌ای به رویکردی مربوط می‌شود که توسط هیئت گردشگری لندن در طی تبلیغات فزاینده‌ی انگلسی‌ها درمورد فاجعه پا و دهان اتخاذ شد، به طوریکه بر وجود مشکلاتی تنها در مناطق روستایی تأکید می‌کرد. چنین تاکتیک‌هایی در کشورهای نپال، اسرائیل و فیلیپین نیز به‌کار برده شد.ادغام یا گسستکی جغرافیایی در برنامه‌های تبلیغاتیاستراتژی نهایی به تلاش شهرها برای پیوند و ادغام با یک شهر معروف و معتبر و یا انفکاک و گسستگی از یک منطقه نامعلوم و مشکل آفرین مربوط می‌شود. تمایل شهرها برای پیوند با شهرهای دیگر زمانی اتفاق می افتد که این شهرها در پیرامون مراکز شهری واقع شوند. شهرهای کوچک می خواهند خودشان به عنوان مراکز قلمداد کنند و شهرهایی که دارای تصویر صنعتی- سنتی هستند، تلاش می‌کنند تا خودشان را با شهرهای صنعتی مدرن پیوند دهند. "آوراهام "می گوید: شهرهایی که دارای سیمای منفی هستند سعی می‌کنند تا خود را نزدیک یا متعلق به مراکز شهری بدانند و همینطور شهرهای با سیمای مثبت می کوشند تا خود را با شهرهای کلان و یا پایتخت پیوند دهند. این شهرها سعی می‌کنند تا از ایجاد ارتباط با شهرها یا مناطق نامعلوم و مشکل ساز ممانعت کنند. ممکن است ادغام و گسستگی از این طریق صورت گیرد: استفاده از نقشه‌های بد شکل شهری، نمایش شهر به عنوان نزدیک‌ترین شهر به مرکز، به‌کارگیری افکت‌های تصویری و تصاویری که یادآور شهرهای بزرگ و معتبر باشد و به‌کارگیری شعارها و اسامی جدید شهری که یاد آور شهرهای معروف باشد. نمونه‌ای از گسستگی را می‌توان در مورد شهر« ایلات در اسرائیل دید، به‌طوری‌که در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، در اروپا به عنوان ایالت روی دریای

سرخ» نامیده می‌شد. این شهر در آن زمان به عنوان شهری ناامن برای گردشگران توصیف می شد و برنامه ها و عملیات اروپائیان به این واقعیت اشاره ای نمی کرد که شهر در خاك اسرائیل است نه دریا. با وجود تصورات منفی در مورد ناامنی شهر، جلوی گردشگران اروپایی در ورود به شهر گرفته می‌شود. استراتژی انزوا» که" پیزام "و"مانسفلد "مطرح کرده‌اند به ارتقا و بهبود موقعیت شهرها، درکشورهای زیان دیده از تصورات بحرانی اشاره می کند.تعیین استراتژی مناسبانتخاب استراتژی‌های مناسب توسط مسئولان محلی جهت بهبود تصاویر منفی شهری بستگی به شرایط پیش رو فرصت ایجاد تغییرات واقعی، ماهیت حوادثی که در شهر اتفاق می افتد، کمک‌ها و حمایت‌هایی که شهر طی یک بحران کسب می کند و عوامل دیگر دارد. برای مثال اگر مسائلی که باعث بحران و شکل گیری تصورات منفی از شهر می‌شود به صورتی صحیح حل نگردد، نمی‌توان استراتژی را انتخاب کرد تا برای گردشگران جذابیت ایجاد کند، تصورات کلیشه‌ای را از بین ببرد و یا پیام‌های ضد کلیشه‌ای ایجاد کند.سؤالی که باید بدان پاسخ داده شود این است که چگونه تصورات منفی از شهر در بین مخاطبان هدف شایع می‌شود و آیا امکان تغییر این تصورات منفی وجود دارد؟ اگرتصویر نامطلوب شهری در سطح گسترده ای نباشد آیا به راحتی این تصورات قابل تغییر خواهد بود؟ بهترین استراتژی در این مورد احتمالاً نادیده گرفتن و رد کردن این تصورات منفی است. شهرهای اسپانیا می‌توانند احتمال بروز حملات تروریستی را رد کنند زیرا مبارزه با تروریسم جزء اهداف سیاست‌گذاران کشوری است. اگر بحران شهری خیلی جدی نباشد تغییر تصورات منفی در مورد بحران به آسانی امکان‌پذیر است. استفاده از استراتژی پیام‌های ضد کلیشه‌ای احتمالاً- بهترین کار ممکن خواهد بود. اگر شهری دچار بحران حادی باشد و این مشکل در همه جا انعکاس منفی پیدا کند، این مشکل به سختی با استراتژی انتقال پیام‌های ضد کلیشه‌ای قابل حل است. این مشکل ابتدا باید در زندگی واقعی حل شود و سپس از طریق بازاریابی و تبلیغات تصورات منفی را تغییر داد. اگر زیرساخت‌های شهری و عرضه‌ی خدمات محلی واقعاً توسعه یافته باشد و اهالی شهر مصمم به اعمال تغییرات شهری باشند، باید از استراتژی گسترش غرور محلی شهروندان استفاده شود. نتیجه گیری این مقاله خلاصه‌ای از استراتژی‌های رسانه‌ای را در جهت بهبود سیمای منفی و تصورات نامطلوب شهری برای مسئولان محلی ارائه می‌دهد. ساخت تصاویر ذهنی مثبت و غنی از شهرها با وجود رشد رقابت فزاینده بین شهرها، اهمیت روز افزونی پیدا می کند. برای نمونه، در اروپا حدود ۱۰۰/۰۰۰ انجمن و اتحادیه برای دسترسی به مشتریان بالقوه با همدیگر رقابت می کنند، چنین تلاش‌هایی در ایالات متحده و استرالیا نیز قابل مشاهده است. بهبود تصورات منفی از شهرها کار مشکلی است و نیازمند یک چارچوب زمانی شش تا هشت ساله است. اگر چه به‌کارگیری رسانه‌ها برای بهبود تصاویر شهری حائز اهمیت است ولی برنامه تبلیغاتی‌ی تنها، برای ایجاد تغییرات مناسب کافی نخواهد بود. عملکردها باید از طریق کانال‌های مکمل و مختلفی دنبال شود. کسانی دچار مشکلات می‌شوند که به استفاده از خدمات شهری نیازمندند، از قبیل اهالی شهر، گردشگران سرمایه‌گذاران و مهاجران. احزاب و نمایندگان جمهوری‌های سابق یوگسلاوی در همان حال که از تبلیغات رسانه‌ها استفاده می کردند برنامه‌های گسترده‌ای را جهت جذب گردشگر از سراسر جهان در دست داشتند، به‌طوری‌که مرتبا آژانس‌های مسافرتی تشکیل می‌دادند و تورهای مسافرتی برگزار می‌کردند و به دنبال گردشگرانی بودند تا خود را به مناطقی برسانند که قبل از جنگ بالکان در آنجا مستقر شده بودند. سیلیکون والی مدیر جهانگردی شهر یوتا» تنها به یک برنامه تبلیغاتی برای جذب گردشگر اعتقادی ندارد، بلکه هر ماه تلاش می کند تا برنامه‌هایی را برای بهبود سیمای شهر و تصویر سازی مناسب از این شهر برای جذب گردشگران، تدوین و اجرا کند. از طرف دیگر در هماهنگی برای دستیابی به نتایج مثبت، باید از تکنیک‌های مختلفی استفاده شود. از قبیل آگهی‌ها، روابط عمومی، تبلیغات فروش، پست‌های مستقیم و بازاریابی.تجزیه و تحلیل این مقاله به وضوح نشان می‌دهد که توجه و تأکید بر شرایط واقعی مکان‌ها و شهرهای معین از به‌کارگیری هر استراتژی رسانه‌ای کاراتر است. ایرلند تنها به تغییر شکل ظاهری شهرها توجه نکرد، بلکه برنامه‌های کلی معافیت‌های مالیاتی را به‌کار گرفت که به توسعه‌ی صنعتی و جذب کار آفرینان و سرمایه‌گذاران کمک کرد. شهر بیلبائو» در اسپانیا

که با مشکلات شدید فقر، بیکاری و حملات تروریستی روبرو است، نمی‌توانند برای جذب گردشگر تنها به رسانه‌های جمعی متوسل شود، زیرا در همان زمان قادر به توسعه دادن جذابیت‌های واقعی نخواهد شد. بلکه به تأسیس موزه‌ی ""guggenheim و ارائه خدمات و جاذبه‌های توریستی پرداخت. استراتژی‌های رسانه‌ای در افزایش آگاهی جمعیت هدف در مورد اینکه شهر چه چیزهایی برای عرضه کردن دارد و چه چیزهایی می‌توانند در افزایش جاذبه های شهری سودمند باشند، می‌توانند کمک‌های شایان توجهی ارائه دهند، اما آنها در ایجاد تغییرات قابل قبول کافی نیستند.منبع:

Paddison, R. (۱۹۹۳) in Avraham, E. (۲۰۰۴) 'Media strategies for improving an unfavourable city image', Cities, Vol. ۲۱, No. ۶, pp. ۴۷۱-۴۷۹

مفهوم شهرنشینی

: شهرنشینی فرآیندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاههای انسانی به وجود می آید که حاصل افزایش ، تمرکز و تراکم جمعیت می باشد . از نظر سازمانی ، در شهرنشینی دگرگونیهایی در ساخت اجتماعی – اقتصادی و کارکردهای جمعیتی ظاهر می شود.

این جریان تغییراتی را در ساخت فضای داخلی شهرها به وجود می آورد . به طور کلی شهرنشینی دارای دو خصیصهٔ اصلی است :٠ مهاجرت مردم از حوزه های روستایی به شهری، جهت اشتغال در فعا لیتها و مشاغل غیر کشاورزی. به سخن دیگر، شهرنشینی کارکردهای اقتصادی ویژه ای را در اختیار مردم قرار می دهد و تراکم جدیدی را به وجود می آورد و در نتیجه در کاربری زمین شهری نیز تغییراتی را موجب می شود. ٠ دگرگونی در سبک زندگی مردم، از سبک زندگی روستایی به شهری ، به همراه تغییر در ارزشها، نگرشها که رفتارهای تازه ای را سبب می شود. (شکویی، حسین، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت ، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۲) ۲ – ۳ – مفهوم شهرگرایی : شهرگرایی در مفهوم وسیع آن، به همهٔ ویژگیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیوهٔ زندگی شهری اطلاق می شود و برخلاف شهرنشینی، یک فرآیند رشد شهری نیست، بلکه مرحلهٔ نهایی و نتیجه شهرنشینی محسوب می شود. بنابراین یک کشور ممکن است سهم بیشتری از شهرنشینی داشته باشد اما در سطح پائین شهرگرایی قرار بگیرد. نمونهٔ این وضع در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه دیده می شود که بخش مهمی از جمعیت آن را مهاجران روستایی و مهاجران سکونتگاههای کم جمعیت تشکیل می دهند و با وجود سا لها زندگی در شهرهای چند میلیونی هنوز هم به سنتها و رفتارهای روستایی خود پایبند مانده اند. (شکویی، حسین، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۴، ص ۷۶)۲ – ۴ – مفهوم کالبد :بصورت کلی ، کالبد شهر در مرحلهٔ نخست با شرایط مکانی آن ارتباط داشته است . کالبد شهرهای قدیمی در رابطه با چهار عامل زیر شکل می گرفته است :۱ – اقلیمی	۳ – اجتماعی ۲ – دفاعی	۴ – اقتصادیدر درون این کالبد ، فعا لیتهای اجتماعی و اقتصادی جریان داشته و فرم و شکل کالبد را تعیین می کرده است . (مجتهدزاده ، غلامحسین ، برنامه ریزی شهری در ایران ، پیام نور ، ۱۳۸۲ ، ص ۷۳) ۲ – ۵ – تعریف برنامه ریزی :واتر سون در کتاب خود به نام برنامه ریزی توسعه ، برنامه ریزی را چنین تعریف می کند : برنامه ریزی ، فعالیتی سازمان یافته و تلاشی هوشیارانه ، به منظور گزینش بهترین راه حلهای پیشنهادی موجود برای دسترسی به هدفهای کلی ویژه است . برنامه ریزی ، نشان دهندهٔ بکارگیری نابخردانهٔ دانش است . برای فرایند دستیابی به تصمیم هایی است که همچون بنیانی برای فعالیت انسان عمل می کند . هستهٔ مرکزی این فعا لیت ، ایجاد رابطه بین هدفهای نهایی و ابزار دستیابی به آنها ، با هدف دسترسی به هدفهای نهایی با استفاده از باکفایت ترین و کارآمدترین استراتژیها است. (سیف الدینی ، فرانک ، مبانی برنامه ریزی شهری ، نشر آییژ ، ۳۸۱ ، ص ۳۰) برنامه ریزی همانا انتخاب بهترین گزینه است و بهترین گزینه آن است که تابع هدف مورد

نظر را به حداکثر مطلوب برساند . به عبارتی برنامه ریزی پویش و هدایت عقلانی سازو کار (مکانیزم) تصمیم گیری در امور توسعهٔ اقتصادی – اجتماعی در ابعاد زمانی (بلند مدت ، میان مدت ، کوتاه مدت) به منظور بهره برداری منطقی و هماهنگ از امکانات و منابع برای فراهم آوردن نیازهای عمومی و اصلی جامه می باشد . (نوری کرمانی ، علی ، جزوهٔ درسی کارشناسی ارشد ، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای ، ترم اول ، سال ۱۳۸۵) ۲ – ۶ – انواع برنامه ریزی :تقسیم بندیهای گوناگونی از برنامه ریزی انجام می گیرد . برنامه ریزی به لحاظ زمان ، وسعت و حجم ، پوشش جغرافیایی و برنامه ریزی به لحاظ هدف .V از نظر زمانی برنامه ریزی را می توان به سه دورهٔ مشخص تقسیم کرد :۱ – برنامه ریزی بلند مدت : در برنامه ریزی بلند مدت جزئیات کار به ندرت مشخص شده و فقط چارچوبی برای کار، تعیین می شود. این برنامه ریزی اغلب بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال است و شامل رشد جمعیت و تکنولوژی می باشد . ۲ – برنامه ریزی میان مدت : این برنامه ریزی در چارچوب برنامه ریزی بلند مدت و درراستای هدفهای کلی آن است . این برنامه ریزی اغلب بین ۴ تا ۷ سال می باشد . ۳ – برنامه ریزی کوتاه مدت : این برنامه ریزی در چارچوب برنامه ریزی بلند مدت با قابلیت اجرای بیشتر و بهتری انجام می گیرد . این برنامه ریزی معمولاً برای ۱ تا ۲ سال تنظیم می شود . اینگونه برنامه ضرورتاً دقیق تر و عملی تر می باشد و به عبارتی برنامه ریزی عملیاتی است . V برنامه ریزی ، در رابطه با شمار هدفهای ویژه به دو دستهٔ کلی تقسیم می شود :۱ – برنامه ریزی یک هدفی ۲ – برنامه ریزی چند هدفیبدون توجه به نوع و شکل ، برنامه ریزی ، اهداف یا به اصطلاح برنامه ریزی ، هدفهای کلی و هدفهای خاص دارد . تمایز بین هدفهای خاص به وسیلهٔ یانگ انجام می گیرد . هدف کلی یک آرمان است و باید به صورت واژه ای مطلق بیان شود (مانند بهبود استاندارد زندگی در اسکاتلند) . هدف خاص ، قابل دسترسی و اندازه گیری است و هدف اصلی آن ، بیشتر آشکار است تا ناآشکار [ضمنی] باشد. برنامه ریزی ممکن است هدفهای کلی یا هدفهای خاص منفرد و چندگانه ای داشته باشد. یک نیروی توانمند محلی ، ممکن است به منظور ساختن جاده ای جدید برای بهبود دسترسی داخلی ، اقدام کند ، اما ممکن است شرکتهای جدیدی را نیز جذب کرده و حوزهٔ نفوذ خود را نیز گسترش دهد . (سیف الدینی ، فرانک ، مبانی برنامه ریزی شهری،نشر آییژ ، ۱۳۸۱، صص ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵)V برنامه ریزی به لحاظ وسعت و حجم شامل دو دسته است :· برنامهٔ جامع (یکپارچه) : ترکیبی از برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعهٔ فضایی در جهت عمران هماهنگ در نواحی مورد نظر از طریق تخصیص منابع اقتصادی بین بخشهای اقتصادی و تخصیص فضایی توسعه بین فعالیتهای گوناگون با در نظر داشتن تقدم و تأخر فعا لیتها در طی زمان است از قبیل طرحهای جامع،تفصیلی و ... · برنامهٔ غیر جامع : بعضی از فعا لیتهای اقتصادی ، صنایع کلیدی و پروژه های عمرانی و غیره را به ترتیب اولویت در بر می گیرد .V برنامه ریزی به لحاظ پوشش جغرافیایی شامل انواع زیر است :· برنامه ریزی بین المللی (در سطح چند کشور) · برنامه ریزی ملی (در سطح یک مملکت) · برنامه ریزی منطقه ای (در سطح یک استان) · برنامه ریزی ناحیه ای (در سطح یک شهرستان) · برنامه ریزی محلی (در سطح یک بخش و دهستان کوچک) · برنامه ریزی شهری (در سطح یک شهر) · برنامه ریزی روستایی (در سطح یک دهستان و روستا)V برنامه ریزی به لحاظ هدف دارای ۱۰ نوع است :· برنامه ریزی توسعه ای : هدف از این برنامه ریزی همانا بکارگیری منابع موجود و بالقوه کشور و توسعهٔ بخشهای گوناگون اقتصادی – اجتماعی و غیره در جهت تحقق هدفهای توسعه است .· برنامه ریزی کا لبدی : در اینگونه برنامه ریزی هدف مدیریت خردمندانهٔ فضا و کاربری بهینهٔ اراضی و غیره است . هدف یا همانا هدایت کالبد محیط انسانی در جهت مطلوب و تنظیم بهسازی محیط فیزیکی زندگی انسان می باشد .· برنامه ریزی فضایی و آمایشی : وظیفهٔ اصلی این برنامه ریزی همانا تجزیه و تحلیل ساختارهای فضایی ، ارزیابی کارایی آنها در مقابل نیازهای اقتصاد ملی و منطقه ای و ایجاد ساختاری برای رسیدن به هدفهای توسعه می باشد . به لحاظ علمی مجموعهٔ برنامه ریزی منطقه ای را می توان بعد مهمی از برنامه ریزی فضایی دانست . · برنامه ریزی ارشادی و اجباری : ارشادی فقط خطوط هدایت عمومی و توصیه ای را در نظر می گیرد . لیکن برنامه ریزی اجباری یا

دستوری همانا مقررات قابل اجرا و قاطع را ارائه می کنـد .· برنامه ریزی ابداعی : در اینگونه برنامه ریزی عمدتاً پیشرفت و توسـعه کلی از طریق ارائه هـدفهای جدیـد تلاش در شیوهٔ برنامه ریزی تغییرات کلی مورد عنایت است . به این لحاظ آگاهی به این برنامه ریزی را برنـامه ریزی توسـعه و عمران هم می گوینـد .· برنـامه ریزی اختصاصـی : همـاهنگی جهت حـل و فصل مشـکلات است با ضمانت آنکه سیسـتم موجود به شکل مؤثری مطابق خط مشهای تکاملی در جهت توسعه و تنظیم جامعه در طی زمان باشد .· برنامه ریزی بخشـی : در این خصوص به برنـامه ریزی در یـک بخش اقتصـادی یـا اجتماعی یا زیربنایی در چارچوب رهبرد توسـعهٔ ملی و اهداف پیش بینی شده است ، یعنی اینکه در اینگونه برنامه ریزی منابع موجود به نحو و نفع بخشی تقسیم می گردد مثلاً یک کشور که مورد نظر باشد منابع موجود می بایست بین وزارتخانه های گوناگون آن قسـمت گردد .· برنامه ریزی میان بخشـی : همانا تعیین روابـط منطقی بین بخشـها هـدف برنـامه و برنـامه ریزی میان بخشـی را شامل می گردد .· برنامه ریزی متمرکز : همانا در این برنامه ریزی هـدف تصـمیم گیری و ارائه برنـامه از سوی دولت است و از طریق دولت به واحـدهای ردهٔ پائین تر تسلی می یابـد .· برنامه ریزی غیر متمرکز : در این برنـامه ریزی هـدف و تصـمیم گیری ارائهٔ برنـامه هـا و برنامه ریزی بر پایـهٔ مشارکت مردم است یعنی از پـائین به بالاـ .· برنـامه ریزی فیزیکی : برنـامه ریزی ساختـار فیزیکی یک ناحیه ، چگونگی کاربری زمین ، ارتباطات ، تسـهیلات و مانند آن است و دارای مبدأیی در تنظیم و کنترل توسـعه شهری است که از توانایی سیستم بازار ، برای برخورد با این وضعیت پیشی می گیرد. (نوری کرمـانی ، علی ، جزوهٔ درسـی کارشناسـی ارشـد ، اصول و مبـانی برنـامه ریزی منطقه ای ، ترم اول ، سال ۱۳۸۵) انواع دیگر برنـامه ریزی نیز وجود دارد که تنهـا نـام می بریم زیرا در این پایـان نـامه این نوع برنامه ریزیها مـد نظر ما نیسـتند ؛ برنامه ریزی اقتصادی ، برنامه ریزی تخصیصـی ، برنامه ریزی نوآورانه ، برنامه ریزی اخباری .۲ – ۷ – تعریف برنامه ریزی شهری : برنامه ریزی شـهری تـا کنون بـا جملات گونـاگون تعریف شـده ، اما به طور خلاصه می توان گفت برنامه ریزی شـهری یعنی سامانـدهی کالبـدی – فضـایی شـهر . اینگونه از برنـامه ریزی در واقع همـان شـهرسازی است که می توان آن را چنین تعریف کرد :سامانـدهی کاربری زمین برای تأمین یک محیط کالبـدی شایسته زنـدگی مـدنی سا لم ، برخی هم آن را تلاشـی دانسته انـد که انسان را برای تدوین اصولی در جهت پدید آوردن یک محیط کالبدی مدنی برای زندگی . (سـعیدنیا ، احمد ، شهرسازی (کتاب سبز شهرداری) ، جلـد اول ، مرکز مطالعات برنامه ریزی شـهری ، ۱۳۸۳ ، ص ۵۳)هدایت و کنترل سیسـتمهای شهری – روستایی و منطقه ای که در دو مقیاس محلی و منطقه ای صورت می گیرد.(نوری کرمانی ، علی ، جزوه درسـی کارشناسـی ارشد ، شهرنشینی و برنامه ریزی شهری در ایران ، ترم دوم ، سـال ۱۳۸۵)۲ – ۸ – برنامه ریزی منطقه ای :أ برنامه ریزی منطقه ای کوششـی است : متشـکل و منظم برای انتخـاب بهـترین روشـهای موجود برای رسیدن به هـدف خـاص در یـک منطقه .ب برنـامه ریزی منطقه ای عبـارت است از : کوشـش جهت بالا بردن سـطح زنـدگی مردم در یک منطقه .ت برنامه ریزی منطقه ای عبارت است از : کاربرد تکنیک و مدلهای توسـعه جهت عمران و آبـادی منطقه که این امر بایـد بـا توجه به وضع موجود منطقه و تعیین موقعیت آن در مراحـل مختلف توسـعه صـورت پـذیرد .ث برنـامه ریزی منطقـه ای عبـارت است از : کوشـش جهـت بـدست آوردن حـداکثر اسـتفاده از منـابع کمیـاب موجود.(سازمـان برنـامه و بودجه ، ویژه نامهٔ برنامه ریزی و عمران منطقه ای ، جلـد اول ، دفتر مطالعات ناحیه ای ، سال ۱۳۵۴ ، ص ۱۰۳)۲ – ۸ – ۱ - انـواع برنـامه ریزی منطقه ای : به طـور کلی می توان دو گونه برنـامه ریزی را در سـطح منطقه اجرا نمود : ۱– برنامه ریزی توسعه اقتصادی منطقه .۲ – برنامه ریزی کالبدی (فیزیکی) منطقه ای .در کشور ما نیز تقریباً همین دو نوع برنامه ریزی در حال حاضـر از طریق دو سازمان مسـتقل از هم یکی سازمان مدیریت و برنامه ریزی (مسـئول برنامه ریزی توسعه اقتصادی منطقه ای با نام طرح جامع توسعه استانی) و دیگری وزارت مسکن و شهرسازی (مسئول برنامه ریزی کالبدی منطقه ای و طرحهای توسعه عمران ناحیه ای) را عهـده دارنـد . (نوری کرمانی ، علی ، جزوهٔ درسـی کارشناسـی ارشـد ، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای ، ترم اول ، سال ۱۳۸۵)۲ – ۸ – ۲ – فرآینـدهای برنامه ریزی منطقه ای : ü تشـخیص و تشریح مقدماتی مسائل و مشکلات .ü

تصـمیم گیری برای عمل و تشریح وظایف برنامه ریز .ü جمع آوری اطلاعـات ، داده هـا ، تجزیه و تحلیل ها و پیش بینی ها .ü شناخت و شـناسایی موانع ، محدودیتها و تنگناها .ü صورت بنـدی معیارهای عملی طرح . ü تهیهٔ طرح .ü سنجش طرح های جـایگزین و آلترنـاتیو .ü ارزیـابی طرح .ü تصـمیم گیری .ü اجرای طرح .
*http://www.fazeliazad.xeeus.com/post/۳۱۹۴

مشارکت بخش خصوصی در توسعه شهری

محمدجواد میرزاامینی

مقدمهطی ۴۰ سال گذشـته بسیاری از کشورهای عقب‌مانـده دنیا یا به تعبیری جهان سوم, مسیر توسـعه خود را به سـرعت پیموده و امروز به کشورهایی پیشرفته و توسعه‌یافته مبدل گشته‌اند.

از جمله این کشورها می‌توان به مالزی, کره جنوبی, تایوان, هنگ‌کنگ, چین, امارات و امثالهم اشاره کرد که اگرچه هنوز به آن‌ها نام "درحال‌توسـعه" اطلاق می‌شود اما کیفیت زندگی و اسـتانداردهای زندگی در این کشورها در سطح بسیار بالایی (به نسبت دیگر کشورهـای "کمترتوسـعه‌یافته") قرار دارد.اسـتراتژی محـوری چنین تغییر و تحولی, "آزادسـازی و بکـارگیری منـاسب و هوشـمندانه پتانسـیل‌های مختلف جامعه" است. اکثر جوامع عقب‌مانـده با مشـکلِ نبودِ اسـتعدادهای بالقوه و منابع طبیعی و انسانی مواجه نیسـتند, بلکه از نبود "نگاه توسـعه‌گرا" و "مـدیریت و برنامه‌ریزی صـحیح" رنج می‌برند. بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های توسـعه در بخش خصوصـی نهفته است که متاسـفانه رویکردهای دولت‌محور مانع از ظهور و شـکوفایی این استعدادهای بالقوه می‌شود. این رویکردهـا از چنـد مشـکل اساسـی همچون کوته‌اندیشـی, عـدم‌انعطاف, عـدم‌کارآیی و اثربخشـی, جزیی‌نگری, نبود منـابع کـافی, عدم‌خلاقیت و نوآوری, و نبود آینده‌نگری برخوردارند. درک این نکته, بسیاری اساسی است که بدون مشارکت تمامی بخش‌های جـامعه نمی‌توان به موفقیت قابـل‌توجه و پایـداری در کشور دست یـافت.یکی از مهمترین حوزه‌هـای توسـعه ملی, "توسـعه شـهری" محسوب می‌شود که از طریق مـدیریت یکپـارچه و مشـارکتی شـهری محقق می‌شود. به هر حـال بخش دولتی (در تمامی کشورهای جهان) با محـدودیت‌های مختلفی مواجه است که مـدیران دولتی را از دستیابی به اهـداف مطلوب و ایجاد شـهرهایی توسـعه‌یافته باز می‌دارد. به همین جهت سیاست‌گذاران و مـدیران ارشـد شـهری بایـد بکوشـند با نگاهی کل‌نگرانه و توسـعه‌گرا, به جـذب و جلب تمامی مشارکت‌های ممکن و آزادسازی پتانسـیل‌های موجود و خلق توانایی‌های جدید (در راسـتای توسـعه فضای شهری) بپردازند. راهکارهای جلب مشارکت بخش خصوصـی در توسعه شهریمتاسفانه علیرغم تغییر نگاه مدیریتی کلان کشور مبنی بر کاستن از بار دولت و توسعه بخش خصوصـی توام با بکارگیری توانمندی‌های بخش خصوصی, هنوز توفیق چندانی در این مورد به دست نیامده است (حتی اگر بعضاً تبعات و اثرات منفی نیز به بار نیاورده باشـد!). به هر تقـدیر, از مطالعه تجربیات داخلی و خارجی در این زمینه می‌توان راهکارهای ذیل را مختصـراً برشـمرد:۱. توسـعه فرهنـگ مشـارکت در جـامعه: فرهنگ‌سازی و بسترسازی مناسب برای مشارکت کل جامعه در ساخت محیط زندگی خودشان, یکی از مهمترین راهکارهای توسـعه شهری محسوب می‌شود. باید از طریق برنامه‌های آموزشـی, فرهنگی و علمی مختلف و مسـتمر کوشـید تا شهروندان را نسبت به مسایل محیط زندگی‌شان حساس نموده و آنان را نسـبت به بهبود شـرایط شـهری خودشان تحریک نمود. نکته اصـلی مربوط به جاانداختن این نکته است که نباید شـهروندان بیندیشـند توسـعه امکانات شـهری صـرفاً از طریق شهرداری انجام می‌شود یا برعهده شهرداری است بلکه باید همگی آن‌ها بخشی از کار را (در حد خود) برعهده بگیرند. ایجاد فرهنگ مشارکت عمومی نقطه آغازین حرکت توسـعه پایدار است. شعار "شهر ما, خانه مـا" نیز در پی چنین مقصودی برآمـده است.۲. انگیزش: ایجاد انگیزه در مردم (بالاخص بخش خصوصـی) در توسـعه شـهر, امر بسـیار حیاتی و پیچیـده‌ای است که نمی‌توان الگوی کلی و نسـخه عمومی را برای آن ارایه داد. بلکه مـدیران بایـد بکوشـند برمبنای

شناخت بـافت اجتمـاعی جامعه خود, الگوی بومی مناسب را یافته و بکار بندنـد. انگیزش دارای سـطوح مختلف و مخاطبان متفاوت است. جنس انگیزه بسیاری از مردم, "محله‌ای", "منطقه‌ای", "شـهری", "استانی", "ملی", "مذهبی", "فرهنگی", "سیاسی" و امثالهم اسـت. امـا بایـد در نظر داشت که انگیزه اصـلی بخش خصوصـی , مـاهیت "اقتصـادی" و "کسب‌وکـاری" دارد. به همین علت بـاید شرایـط و تسـهیلاتی ایجـاد نمود که بخش خصوصـی از نظر مالی برانگیخته شود. از جمله مهمترین سازوکارهای این امر می‌توان به اعطای وام‌های مختلف (تسـهیلات مالی), معافیت مالیاتی, واگذاری سـهام و مدیریت اشاره کرد.۳. تدوین و اجرای طرح جامع توسعه شـهری: وجود طرح جامع و استراتژیک توسعه شهری باعث می‌شود اولاً چشم‌انداز آینده شهر و جهت حرکت توسعه شهری مشـخص باشد, ثانیاً فعالیت‌ها و اقدامات (طرح‌ها و پروژه‌های شـهری مطلوب و موردنیاز) تعریف شده باشد و ثالثاً جایگاه بازیگران مختلف عرصه توسـعه و نحوه مشارکت و همکاری آنان (و منابع مربوطه) شفاف شده باشد. اینکه بدانیم به کجا می‌خواهیم برویم و از چه مسـیری, به طور خودکار تکلیف حرکت بخش‌های مختلف را تعیین می‌نماید. شایان ذکر است وجود یک چشم‌انداز شـکوفا و جـذاب, بـاعث حرکت سازنـده و خلاـق جـامعه به سـمت خود می‌شود. اعلاـن عمومی این چشم‌انـداز (و کلًا طرح جامع توسـعه شهری) نقش بسـزایی در جـذب مشـارکت و حرکـت بخش‌هـای مختلـف جـامعه دارد.۴. ایجـاد و تقویت فضـای کـارآفرینی: "کارآفرینی" فرآیندی است که طی آن برمبنای یک فرصت اقتصادی ویا یک ایده تجاری, کسب‌وکاری جدید (شرکت یا موسسه) متولد می‌شود. وجود چنین فضایی به معنای پویایی و رشد اقتصادی محسوب می‌شود. در واقع از این طریق, بخش خصوصی فعال و بهره‌وری شـکل می‌گیرد که از یـک طرف بـاعث رشـد اقتصادی و اشـتغالزایی مفیـد و مولـد می‌گردد و از طرف دیگر می‌توانـد به عنوان بازوی اجرایی و همکار مدیریت شهری عمل نماید. حسن اصلی کارآفرینان انگیزه بالای آنان برای کار و فعالیت می‌باشد. از جمله مهمترین سازوکارهای مربوط به توسـعه کارآفرینی می‌توان به وام‌ها و تسـهیلات مالی کارآفرینی, حـذف مالیات‌های مختلف (برای سال‌هـای اولیه تاسیس), ایجـاد مراکز رشـد (انکوباتورهـا) و ارایه فرصت‌هـای کـاری به آنـان از طرف سازمان‌هـای دولتی و مدیریت شهری, همگی توام با برنامه‌های مختلفی برای ارتقای فرهنگ کارآفرینی, اشاره کرد.۵. بهبود ساختار مدیریت شهری: بدنه سـنگین و کند دولت باعث شده است که تصویری منفی و بازدارنده در اذهان عمومی, به‌ویژه بخش خصوصـی, شـکل بگیرد. تصویری که رغبت و انگیزه حرکت و همکاری با بخش‌های دولتی (و مدیریت شهری) را به حداقل رسانده است. تغییر تصمیمات و قـوانین, عـدم برخـورد منـاسب, حرفـه‌ای و مشتری‌مـدارانه, کنـدی و طولانی‌شـدن فرآینـدها, فسـاد مـالی و اداری, رابطـه‌گرایی و پارتی‌بـازی, بی‌انگیزگی و بی‌تعهـدی کارمنـدان دولتی, همه و همه جزء عوامـل بازدارنـده بخش خصوصـی از تعامل و همکاری با بخش دولتی است. مهمترین اقدامات برای رفع این مشـکلات عبارتند از: بررسی و تحلیل فرآیندها و ساختارهای کاری فعلی, بهبود فرآینـدهای موجـود از طریـق مهندسـی مجـدد, منوط‌سـازی حقـوق کارمنـدان بـه رضـایت ارباب‌رجوعـان, خودکارسـازی و کـامپیوتری‌نمودن امور تا حـد ممکن (حرکت به سـمت دولت الکترونیکی) و امثالهم.۶. اسـتفاده از مشاوره فکری: ایجاد رابطه صحیـح, اصولی و بلندمـدت با مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی و اسـتفاده از خـدمات مشاوره‌ای تخصصـی, مـدیران شـهری را در اتخاذ تصـمیمات بهینـه یـاری می‌نمایـد. تصـمیم‌گیری در زمینه‌هـای مختلـف و تخصصـی همچـون راهکارهـای جـذب مشـارکت بخش خصوصـی نیازمند تعامل مستمر با مشاوران صاحب‌فکر و پژوهشـگران متخصـص است تا بتوان به راه‌حل‌های خلاقانه و نوآورانه‌ای دست یافت.۷. اطلاع‌رسـانی: اطلاع‌رسـانی شـفاف و مسـتمر از تمـامی اقـدامات انجام‌شـده و فرصت‌های کاری پیش رو, باعث ظهور فضایی عادلانه و منصفانه می‌گردد که ضمن جذب شرکت‌های خصوصی باعث تداوم و پایداری هرچه‌بیشتر همکاری آنان با مـدیریت شـهری خواهـد شـد. روزنـامه (یـا هفته‌نـامه), انواع بروشورها و بولتن‌ها, رادیو و تلویزیون محلی, سایت اینترنتی, تابلوهای تبلیغاتی بزرگ سـطح شهر (بیل‌بوردها) همگی از سازوکارهای این امر می‌باشند.۸. خصوصی‌سازی: کوچک‌سازی بدنه دولت و کـاهش تصـدی‌گری دولـت, سیاست منـاسبی است که طی سالیـان گذشـته به مـورد اجرا گذاشـته شـده است. دولت بایـد نقش

سیاست‌گذار و مدیر ارشد را بازی کند نه مجری و پیمانکار! واگذاری امور به بخش خصوصی (در قالبی صحیح و حساب‌شده) باعث افزایش بهره‌وری و کاهش اتلاف منابع ملی و منطقه‌ای خواهد شد. بعلاوه به مرور زمان باعث جذب بخش خصوصی و مشارکت آن در توسعه شهری خواهد شد.۹.   جذب سرمایه‌های غیردولتی: سرمایه‌های دولت برای توسعه و نوسازی فضاهای شهری با محدودیت‌های جدی مواجه است. ایجاد فضایی مناسب برای جذب سرمایه‌های مردمی, بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران مختلف داخلی و خارجی از مهمترین راهکارهای توسعه شهری محسوب می‌شود: انتشار اوراق مشارکت, ایجاد, تقویت و حضور در بازارهای بورس, ایجاد فضایی جذاب و پربازده برای سرمایه‌گذاران (به‌خصوص سرمایه‌گذاران مخاطره‌پذیر), ایجاد سازوکارهای جذب سرمایه‌های خارجی, ایجاد مناطق ویژه و امثالهم. http://www.sharifthinktank.com/HTML/PrivateSector.htm*

منابع کنکور کارشناسی ارشد مدیریت شهری

________________کتابهای جامع سوالات سالهای گذشته : مجموعه سوالات کنکور کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد همراه با پاسخ تشریحی ۸۵ – ۷۶ ؛ ناشر :نگاه دانش، سیدرضا سیدجوادین زبان عمومی و تخصصی : Management (A Global Perspective) ۱۰th edition – By Koontz and Weihrich Management (۶th Edition) - by: S.P.Robbins & M.Coulter ۵۰۴ Essential Words زبان عمومی ، انتشارات آزاده ، سری راهیان ارشد کتاب بنفش آقایان اصلانی، مجبوری، و غفارزادگان – انتشارات نگاه دانش نظریه های عمومی مدیریت Management (A Global Perspective) ۱۰th edition – By Koontz and Weihrich Management (۶th Edition) - by: S.P.Robbins & M.Coulter مدیریت عمومی، نویسنده: دکتر سید مهدی الوانی سازمان و مدیریت، نویسنده: دکتر علی محمد اقتداری مبانی سازمان ، علی رضاییان ، انتشارات سمت منابع انسانی ، اسفندیار سعادت ، انتشارات سمت کتاب سبز اصلانی، مجبوری و غفارزادگان – انتشارات نگاه دانش مبانی فلسفی و تئوریهای رفتار سازمانی – دکتر افجه دانش مسائل روز در زمینه مدیریت موسسات تولیدی، خدماتی و طرحهای عمرانی دانش مسائل روز ؛ انتشارات نگاه دانش فلش کارتهای موسسه فرهنگی انتشاراتی رهپویان شریف روزنامه ها و مجلات اقتصادی و مدیریتی زبان فارسی زبان و ادبیات فارسی، برای رشته های MBA و مدیریت اجرایی، انتشارات نگاه دانش، محمد جواد زینلی زبان فارسی رشته مدیریت اجرایی و MBA : شامل شرح درس و نکات تستی، تستهای سالهای اخیر آزمون سراسری، نشر کوی کوثر، مصطفی علیزاده سنجش هوش و استعداد تحصیلی رشته مدیریت – GMAT کتاب صورتی اصلانی، مجبوری، و غفارزادگان - انتشارات نگاه دانش ۲ جلد کتاب GMAT احمد صداقت : انتشارات نگاه دانش کنکور کارشناسی ارشد GMAT استعداد و آمادگی تحصیلی ویژه رشته‌های MBA و مدیریت اجرایی ؛ ناشر :آزاد ؛ نویسنده : شهاب بچاری چگونه برای آزمون GMAT آماده شویم؟ ؛ احمد صداقت ؛ انتشارات نگاه دانش توضیح : این آزمون از سه بخش تشکیل شده است: ۱. حل مساله ۲. کفایت داده ها ۳. استدلال منطقی ۱. حل مساله : اگر از دوران راهنمایی یادتان باشد عموما مسائلی داشتیم نظیر یک نقاش دیواری را در مدت ۲ روز و نقاش دیگری در مدت ۴ روز ....، مسائل بخش حل مساله عموما در این حد هستند یعنی ریاضیات عمومی دوره راهنمایی و دبیرستان برای حل آنها کافی است چیزی که قرار است از شما بسنجند نه حل مسائل که حل صحیح آنها در کمترین زمان ممکن است . ۲. کفایت داده ها : به این سوال دقت کنید : آیا x+y زوج است ؟ : ۱. x فرد است ۲. xy زوج است . مسائل کفایت داده ها به این شکل هستند. حال شما باید با توجه به داده ۱و۲ بگویید که آیا با تنها یک داده می توان جواب سوال را پیدا کرد (توجه کنید که پیدا کردن جواب اصلا مهم نیست بلکه تنها باید تشخیص دهید با چه مقدار داده می شود جواب داد) یا با هر دو داده میشود پاسخ داد یا هر کدام از داده ها به تنهایی کافی

است و یا با هر دو داده هم نمی شود به سوال پاسخ داد. که این حالتها معرف گزینه های الف، ب، ج، د هستند. ۳. استدلال منطقی : در این نوع سوال معمولا یک متن به شما می دهند که شما باید آن را بدون توجه به درستی یا غلطی متن و یا تمامی اطلاعات و پیش فرضهای ذهنی قبلی خودتان، با توجه و استدلال از متن بهترین گزینه را بیابید، حتی خود طراحان و اساتید نیز ممکن است جواب غلط را انتخاب کنند بنابر این زیاد نگران جواب نباشید. نکته: این درس نیاز به خواندن به شکل دروس دیگر ندارد تنها کافی است مقداری تمرین کنید. توصیه این است که از اول آبان یا حتی آذر شروع کنید. شرایط لازم برای شرکت در گرایش مدیریت شهری ________________________________ داوطلبان رشته مدیریت شهری باید حداقل ۵ سال سابقه کار ترجیباً در حوزه مطالعات شهری یا خدمات شهری پس از اخذ لیسانس را داشته و گذراندن دروس کمبود و موفقیت در مصاحبه ورودی از شرایط تحصیل در این دوره است. تعداد سوالات و ضرایب دروس برای کنکور مدیریت شهری دانشگاه آزاد ________________________________ درس تعداد سوالات　ضریب زبان عمومی و تخصصی ۱۰ ۱ استعداد و آمادگی تحصیلی ویژه رشته مدیریت ۲۰ ۲ دانش مسائل روز در زمینه موسسات تولیدی ، خدماتی و طریهای عمرانی ۲۰ ۲ نظریه های عمومی مدیریت ۲۰ ۲ زبان فارسی ۲۰ ۱ modir.ir

ساختار اساسی دولت شهر اسلامی

علی تدین – حسین نوایی خلاصه: در این مقاله که مربوط به سخنرانی مشترك جناب آقایان تدین و نوایی در جلسات هفتگی هیات مروجان رهبری و مدیریت اسلامی می باشد، ابتدا تعاریف مختلف از شهر ارائه شده است. سپس سه الگوی مطرح در اداره شهر که شامل سیستم غیر متمرکز درنظام های فدرالی، سیستم غیر متمرکز درنظام های متمرکز، و سیستم فرانسوی (ناپلئونی) می باشد، ارائه شده است. در ادامه تاریخچه و نحوه اداره شهر در ایران در سه مقطع زمانی از آغاز تا انقلاب مشروطیت، بین دو انقلاب (انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی)، و بعد از انقلاب اسلامی تا کنون بیان شده است. یکی از چالش های کنونی اداره شهرها مسئله مدیریت یکپارچه شهری می باشد که در این مقاله الزامات مدیریت یکپارچه شهری در دو سطح ملی و منطقه ای مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پایانی مقاله ساختار دولت شهر اسلامی مبتنی بر نظام ولایت فقیه تشریح شده و راهکارهایی برای پیاده سازی آن ارائه شده است.مفاهیم کلیدی: شهر، مدیریت شهری، دولت شهر اسلامی، نظام ولایت فقیه.تعاریف شهر: در یونان، شهر جایی است که علاوه بر ویژگی های قانونی که یک شهر باید داشته باشد، پارک، ورزشگاه و تالار عام داشته باشد. در هند، معبد، قصر و بازار، در اروپا بازار و حکومت محلی مستقل باید داشته باشد. مسلمانان؛ جایی را شهر می دانستند که مسجد جامع، بازار و مدرسه داشته باشد. اگر بخواهیم تعریفی امروزی از شهر ارائه دهیم می‌توانیم بگوئیم شهر مجموعه‌ی مرکبی از عوامل طبیعی اجتماعی و محیط های انسان ساخت است که درآن جمعیت ساکن، متمرکز شده است. البته در دیدگاه مختلف تعاریف گوناگونی از شهر ارائه شده است به عنوان مثال در جامعه شناسی می گویند شهر می تواند سکونت گاه دائمی انبوه و نسبتاً بزرگی برای افراد اجتماعی باشد یا به لحاظ اقتصادی می گویند شهر جایی است که شغل اکثر آنها غیر کشاورزی است یا جغرافی دانان بیشتر به یک فضای جغرافیایی و فضای شهری تأکید می‌کنند و به موقع جغرافیایی و مکانی که شهر درآن واقع شده تأکید بیشتری دارند. الگوهای اداره شهریمعمولاً سه الگوی اداره شهری ارائه می شود که عبارتند از:الف– الگوی اول سیستم غیر متمرکز درنظام های فدرالی است که در ایالات متحده آلمان و هند ارائه می شود. این شکل حکومت شهری منجر به مدیریت شهری شده که مدیر شهری مدیر اجرایی شهر است.شکل دوم، شکل کمیسیونی است که مردم شهر به جای اینکه افراد را انتخاب کنند کمیسیون هایی را انتخاب می کنند و این کمیسیون های مختلف از بین خودشان یا اینکه مردم از بین خود کمیسیون ها یک نفر دیگر را به عنوان شهردار انتخاب می کنند شهردار فقط رئیس جلسه شورای شهر است وبه آن صورت حالت اجرایی ندارد.این شکل به حالت

شهردار ضعیف شورا است. در این شکل هم مردم اعضای شورای شهر را انتخاب می کنند وقدرت اصلی دست اعضای اصلی شورای شهر است از طریق کمیته هایی که شورای شهر دارد شهر را اداره می کند و در این شکل هم شهردار معمولاً قدرت آنچنانی ندارد.ب- نوع دیگر سیستم غیرمتمرکز درنظام های متمرکز است که به سیستم بریتانیایی هم شهرت دارد.کشورهایی که از این الگو تبعیّت می کنند، انگلستان، استرالیا، کانادا، ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی هستند.در انگلستان به این صورت است که برای شهرستان و بخش هر کدام یک حکومت محلی درنظر گرفته اند. تقریباً مسؤلیت های آنان کاملاً مشخص و جدا از هم است. سلسله مراتب کاملاً مراعات می شود و آن چیزی که در شهرستان است یعنی شورای انتخاب در شهرستان تمام دستورات و قوانینی که در مقیاس شهرستان است رعایت می شود. در قسمت بخش هم تمام قوانینی که مقیاس بخش را دارد بر عهده شورای شهر است. درشهر هم به همین صورت است ولی در انگلستان، لندن یک مدیریت جداگانه دارد که خودش به چند قسمت تقسیم می شود.ج- سیستم سوم سیستم فرانسوی است؛ کشورهای فرانسه و آمریکای لاتین وکشورهای اسکاندیناوی با اکثر کشورهای جهان سوم از سیستم نظارتی فرانسوی که به ناپلئونی هم معروف است پیروی می کنند در این سیستم شهروندان، شورای شهر را انتخاب می کنند. شورای شهر، شهردار انتخاب می کند. شهردار، ریاست جلسات را به عهده دارد تقریباً قوانین اجرایی ، بودجه و همه این ها در اختیار شهردار است، با توجّه به این که قانون اساسی ما ترجمه قانون اساسی فرانسه با کمی تغییر است، سیستم شهری ما هم مثل اکثر کشورهای درحال توسعه از تیم نظارتی فرانسوی تبعیّت می کند. تاریخچه و نحوه اداره شهر در ایران: الف) از آغاز تا انقلاب مشروطیت. در دوران باستان آن چه که مردم اداره شهر سهیم بودند بیش تر شرکت در مراسم مذهبی و معابد بود. در دوران هخامنشی این الگو ادامه داشت تا حمله اسکندر به ایران شهرهایی شکل گرفت که الگو گرفته بود از یونان با همان حکومت محلی که به حالت استقلال اداره می شد که تا دوران سلوکیان ادامه داشت. در دوران سلوکی از بین خود آن ها ۳۰۰ نفر را بر اساس ثروت یا خرج یا همان دارایی و دانایی انتخاب می کردند که وظیفه اداره شهر به عهده این گروه بود. در دوران ساسانیان کم کم شکل حکومت مرکزی اداره شهرها دست خوش تغییر می شود. در دوران پس از اسلام امور به ۴ قسم تقسیم می شد: ۱) امور اداری سیاسی، در عموم حکومت هایی که در ایران شکل گرفت این گونه بود که امور اداری سیاسی و امنیتی به عهده حاکم یا امیر نشین بود. ۲) امور اجتماعی اقتصادی و خدماتی بر عهده رئیس شهر و کدخدا بود. ۳) امور انتظامی بر عهده داروغه، ۴) امور قضایی به عهده قضات گذاشته شد.ب) بین دو انقلاب، انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، آن مواردی که در اداره شهر نقش اصلی داشتند، قوانین و حرکت ها و مواردی که پیش آمد در اداره شهر در حکومت شهری ایران شکل گرفته بود، تأثیر داشت. از اهم موارد یکی تأثیر قانون بلدیه در سال ۱۳۶۰ بودکه بعد از این در سال ۱۳۰۹ تا ۵۲ شهرداری تأسیس شد. در ایران آن چیزی که مهم بود وابستگی مالی و اداری به دولت بود، شهرداری ها با وابستگی هایی که داشتند تقریباً هم در اداره شهر و هم در بقیه مسائل به آن حالت اولیه که بعد ازکمیته بندی به وجود آمده بود را از دست دادند در این دوران اداره شهرداری ها به وزرات کشور سپرده شد و شهرداری ها تا پایان حکومت پهلوی اوّل به ۱۳۶تا رسید. در حکومت پهلوی دوّم تشکیل شهرداری ها و مجامع بود در سال ۱۳۲۸ که قانون مهم این را بنده یک ذره پررنگ تر انتخاب کردم چون مهم ترین قانونی که برای شهرداری ها و اداره شهر تصویب شده است قانونی به اسم قانون شهرداری هاست که در سال ۱۳۳۴ به اسم قانون شهرداری ها تصویب شده است که با گذشت نیم قرن با کمی حذف و تعدیل همین قانون در ایران رایج است. کاهش قیمت نفت باعث شد که تقریباً آن حالت مدیریت شهر از هم بپاشد چرا که تقریباً هر تصمیمی که دولت می توانست و هر تغییری که در شهر لازم بود، می داد قبل از کاهش نفت و مدیریت و آن برنامه ریزی که برای شهر از طریق مالیات عوارض بود تقریباً کم رنگ شد. شهرداری ها به ۴۵۰ تا رسید.ج) بعد از انقلاب اسلامی تا کنون، آن چیزی که در مدیریت شهری یا اداره شهرها تأثیر گذاشت، یکی حد نصاب جمعیت از ۵ هزار نفر رسید به ۱۰ هزار نفر با یک اضافات و کمی که در بعضی شهر ها به وجود آمد، گفتنند در تراکم های مختلف این می تواند

تغییر کند که شورای شهر به جای انجمن شهر با همان اختیارات. این مسئله پررنگ تر شده است، به خاطر این که شورای اسلامی تشکیل شد و تقریباً یک گام بزرگ برای نحوه اداره شهر بود. الزامات مدیریت یکپارچه شهری:در حال حاضر می خواهیم بدانیم که اداره شهر به چه صورت است چه سازمان هایی با اداره شهر ارتباط دارند و آن دغدغه ای که همه دارند به عنوان مدیریت یکپارچه شهری و از آن نام می برند چه سازمان هایی باید با یکدیگر هماهنگ شوند تا این مدیریت یکپارچه شهری از آن شکل بگیرد.۱) در سطح ملی، سازمان هایی هستند که خودشان را مجاب می دانند که در اداره شهر دخالت کنند، یکی وزارت کشور است، با توجه به اختیاراتی که درآن گذاشته شده و با توجه به قوانینی که در این زمینه تصویب شده؛ دیگر شورای عالی شهر سازی و معماری سازمان برنامه و بودجه که البته این ها تغییر کرده و زیر نظر معاونت راهبردی و زیر نظرسازمان شهرداری کشور رفته است و وزارت نیرو است که بر اساس آن قوانینی از جمله تأمین گاز و برق و آب و قطعاً خودش را مخیّر می داند که در شهر دخالت داشته باشد.۲) درسطح منطقه، استانداری، سازمان مسکن و شهر سازی، شورای شهر در سطح محلّی دو قسمت که به صورت رسمی است که شورای اداره شهرستان، شورای تأمین شهرستان، فرمانداری و شورای اسلامی شهر و شهرداری که در واقع عناصر اصلی اداره شهر هستند و قطعاً باید نقش اصلی را داشته باشند و بعداً بحث خواهم کرد که چه وظایفی بر عهده شهرداری گذاشته شده و الان چه مقدار این وظایف ر انجام می دهد و چقدر این وظایف را سایر سازمان ها و وزارتخانه هایی که برای شما عرض کردم عناصر غیر رسمی که گاهی نفوذشان و تصمیماتشان بیشتر از عناصر رسمی در اداره شهر، تأثیر می گذارد همان مجلس شورای اسلامی است که با توجه به جایگاهی که دارند می توانند تأثیر داشته باشند جریان سیاسی حاکم بر شهر یا مدیریت شهری سرمایه داران هستند که با توجّه به آن سرمایه ونفودی که دارند می توانند نقش داشته باشند. در اداره شهر گروه های ذیربط عمران و مدیریت شهری با توجه به آن حالت حرفه ای که دارند، بعضی شهرها هم شرایط ویژه ای دارند به عنوان مثال: مشهد آستان قدس رضوی با توجه به جایگاهی که دارد با توجه به سرمایه ای که در اختیارش هست و خودش را مقید می داند و حق خودش می داند که در اداره شهر دخالت کند و تأثیر بگذارد. در قانون شهرداری ها معروف است که همین الان هم آن قانون دارد در ایران اجرا می شود در آن ۵۳ وظیفه به عهده شهرداری گذاشته شد از آن ۲۱ وظیفه اکنون به عهده شهرداری گذاشته شده و همین الان هم شهرداری دارد آن را انجام می دهد و ۷ تا شهرداری هستند و ادارات دیگر و شهرداری ادارات دیگر، بخش خصوصی ۲ تا و ۲۱ وظیفه کلاً از حیطه شهرداری خارج شده و این نشان می دهد که این مدیریت یکپارچه که دغدغه خیلی ها هست در واقع لزومش حفظ می شود و نشان می دهد که باید برای گام گذاشتن به سمت مدیریت یکپارچه سریع تر حرکت کرد. این آن چیزی بود که من به عنوان مقدّمه عرض کردم تا ایده اصلی که بر آن اساس همین مقدمات شکل گرفته را خدمت شما عرض کنم که ایده مسجد محوری است به صورت شهر و صورت مدیریت اسلامی قرار دادند. دولت شهر اسلامی:در اداره شهر ها باید به این نکته توجه کنیم الگویی که در ساختار اساسی کشور استفاده شده، به دلیل اینکه مبتنی بر نظام ولایت فقیه است، نظامی که اندیشه اساسی و بنیادی و فکری کلیه ساختارهای اداری کشور ما را تشکیل می دهد. بر این مبنا می آییم اول از خود ولایت فقیه شروع می کنیم. ولایت فقیه شکلی از اشکالی است که به حکومت اسلامی مشروعیت می دهد. به طور کلی حکومت ها مشروعیتشان را می توانند از طرق مختلف داشته باشند بعضی ها مشروعیت موروثی دارند، در بعضی حکومت ها مشروعیت بر مبنای غلبه است. این نظریه که خیلی از اهل سنت به آن معتقدند غلبه یکی از مزایای حکومت آن هاست. مشروعیت مردمی حکومت های دموکرات امروز ریاستی پارلمانی مشروعیتشان را از مردم می گیرند. بعضی حکومت ها مشروعیتشان الهی است ولایت فقیه یکی از نظریاتی است که مشروعیت حکومت را الهی می داند این مشروعیت بر پایه ایمان به خدا قرارا دارد حاکمیت مطلق دراین نوع حکومت، حکومتی که ولایت فقیه الگوی اوست، از آن خداست. این حکومت حاکمیتی که به انسان های خاص واگذار شده که همان ولی فقیه باشد و حاکمیت ولی فقیه در طول حاکمیت الهی قرار دارد و متکی بر آن است آن ایده ای که ما

دنبالش هستیم و خدمتتان هم عرض کردم این است که ساختار اساسی از ساختار اساسی کشور گرفته شده است.کشور ما که مبتنی بر نظام جمهوری اسلامی است، در رأس آن رهبری قرار دارد که همان ولی فقیه است و قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه سه قوه ای هستند که زیر نظر رهبری و مشروعیتی که از رهبری می گیرند و مشروعیت الهی که دارند اداره می شود، بر این مبنا ما دنبال این هستیم که در این الگو این ساختار را به تمام کشور تسرّی بدهیم و ساختار اساسی اداری استان اسلامی را طراحی بکنیم که آن نماینده ولی فقیه در استان زیر نظر رهبر و نماینده رهبر است در یک استان شورای استان کار قوه مقننه استان را انجام بدهد و به عنوان قوه مجریه در سطح استان استانداری داریم، دادگستری استان هم قوه قضائیه هست و همین طور این ساختار به سطوح پایین تر تصدی پیدا می کند. در شهر، امام جمعه زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان است و به رهبری ختم می شود شهردار به رئیس جمهور در یک کشور و همین طور می آید پایین شهرداری می شود هیئت دولت در شهر در سطح محله ما این سیستم را یا الگو را تا محله پیگیری می کنیم و به محله محوری در این الگو بیشتر اعتقاد داریم. بر این مبنا که درمحله ها هم همانطور که سازمان یا ساختار شکلی برای محله تعریف شده ساختمان هایی که واحد های خاص داشته باشد مثلاً چند طبقه باشد فاصله بین ساختمان ها چقدر باشد مسجد کجای محله واقع بشود برای اداره هم محله هم برنامه ای در نظر داریم؛ البته این ها همه اش ایده های خاص است که در آینده می تواند پخته شود. صرفاً به عنوان ایده های خام ارائه می شود و ممکن است ایرادهای زیادی داشته باشد.در سطح محله ما می توانیم امام جماعت را مبنای مشروعیت الهی که در سطح کشور ولی فقیه بود در استان نماینده ولی فقیه و امام جمعه بود امام جماعت می شود به مصداق رهبردر محله؛ قوه قضائیه، قاضی محله و محکمه ای می تواند باشد، محله دار مصداق شهردار، استاندار رئیس جمهور، شورا یا هم قوه مقننه در انجا محله را با عنصر بنیادی شهر واداره شهر درنظراین سیستم می گیرد که می تواند منشا بسیاری از حرکت ها باشد ما از محله شروع می کنیم برای اسلامی کردن سازمان شهرمان وکشورمان؛ می توانیم به نتایج بهتری برسیم تا اینکه از بالا با بخش نامه و شکل های عامیانه بخواهیم یک چیزی را پیاده کنیم در مجموع کار کردها و مزاید زیادی برای این سیستم می شود. اما در کلیت این طرح آن چیزی که ما مشاهده می کنیم هر بخش دو قسمت دارد یک بخش ساختار اساسی کشور ارائه می شود، رهبردر سطح کشور یک وظایفی دارد، جایگاهی دارد، شرایطی دارد و یک شکل انتخاب می شود؛ ما آمدیم الگوی همین را در سطوح دیگر استان شهر و مدل سازی کردیم امام جمعه رهبر محله است و اگر مثلاً رهبر در سطح کشور یکی از شرایط این است فقیه جامع الشرایط مدیر و مدبر باشد عادل باشد در سطح محله امام جماعت محله باید که روحانی باشد، شناخته شده که مورد وثوق مردم محله باشد به آن اطمینان داشته باشند. برای حل مسائل مشکلاتشان به او رجوع می کنند یا وظایف و اختیارات رهبر در سطح کشور فرمانده کل قوا هست فرمان همه پرسی با ایشان هست امضای حکم ریاست جمهوری تنفیذ حکم ریاست جمهوری با ایشان هست و خیلی وظایف دیگر امام جماعت هم در محله وظایف مشابهی دارند به نوعی می شود گفت رهبر اگر مشروعیت بخش سایر شورا و ارکان نظام کشور هستش امام جماعت هم درمحله به نوعی کانون حل مسائل است و منبع مشروعیت بخش سایر نهاد ها یا فعالیت هایی که در سطح محله انجام می شود.اگر انتخاب رهبر مثلاً با مجلس خبرگان که به وسیله مردم انتخاب می شوند باشد، می توانیم برای انتخاب امام جماعت هم مدل های مشابه به کار گیریم. مثلاً شورایی از بزرگان محله، ریش سفید های محله امام جماعت را تعیین کنند. یا می شود از الگوهای دیگر استفاد کرد مثلاً امام جمعه امام جماعت محله را به طور مستقیم انتخاب کرد یا اینکه با رای مستقیم مردم انتخاب شود و راههای دیگر هم شاید بشود پیشنهاد داد و همین طور ما آمدیم مدل را به سایر قوا هم تسرّی دادیم، قوه مقننه محله شورایاری هست ساختار اساسی جایگاهش، جایگاه قوه مقننه در ساختار اساسی ایران با شورایاری به مصداق قوه مقننه مقایسه می شود ما شورایاری را به جای قوه مقننه قرار دادیم که آن هم وظایفی دارد نمایندگانی انتخاب می شود برای آن هم که شرایطی دارند مشروعیتشان را از امام جماعت محله می گیرند و در چارچوب خاصی مثلاً اگر قانون کشور چارچوب قانون اساسی و شریعت وضع می شود قوانین هم که برا ی محله گذاشته می

شوند در چارچوب قانون اساسی و شریعت وضع می شود. قوانینی که برای محله گذاشته می شوند، در چارچوب قوانین فوق مثلاً قانون اداری شهر، قانون شهرداری قانون شورا شود را قانون اساسی و شرع وضع خواهند شد و خارج از آنها نمی توانند باشند. قوه مجریه هم همین شکل در محله ما و محله دار به مصادیق رئیس جمهور عمل می کند شرایط و صلاحیت هایی دارد وظایف و اختیاراتی دارد و به شکلی که مانند رئیس جمهور به طور مستقیم انتخاب می شود، انتخاب می شود. قوه قضائیه، محله ما قاضی داریم در محله که انتخاب قاضی بهترین راهی که به ذهنم می رسد مانند رئیس قوه قضائیه هست رهبر انتخاب می کند قاضی محله را هم شاید بهتر باشد امام جماعت محله انتخاب کند که جایگاه رهبری محله را دارد این قاضی شرایط و صلاحیت هایی دارد، وظایف و اختیاراتی دارد. راهکارهای تحقق دولت شهر اسلامی:در پایان، راه کارهایی برای عملیاتی شدن این طرح ارائه می شود که عبارتند از: یک بخش حقوقی است که در آن عنوان می شود در این بخش لازم است که اجزای این ساختار یعنی قوه مقننه محله، قوه مجریه محله، قوه قضائیه و امام جماعت مسجد محله، به مصادیق مثلاً آن مرجع نهاد رهبری در محله متصل باشد یعنی پیوند داشته باشد با مرجع بالاتر. امام جماعت با امام جمعه که امام جمعه هم در شهر با نماینده ولی فقیه در استان آن هم با رهبری در ارتباط باشند. این ها سلسله ای باشند که به هم پیوسته هستند محله دار به شهردار و آن هم به استاندار متصل باشد. این ها به هم وصل باشند یعنی محله یک چیز متکی به خودش نباشد چون که به نتیجه نخواهد رسید. در این زمینه باید قوانین لازم هم وضع بشود به خصوص در پیوند این اجزا این وضع قوانین واقعاً ضروری هست اما مختصر از آن بعد خصوصی ها هستند. بعد فرهنگی این موضوع هست برای عملی شدن مهم ترین نکته باور شهروندان است. منظور در اینجا اهالی شهر است که می توانند شهرشان را به آن شکل که به عنوان ساختار اساسی که اسلامی است و به کل اسلامی اداره می شود به شکل اسلامی اداره کنند و اهالی یک محله هم به همین شکل باید باور داشته باشند و ما می توانیم از طریق آموزش شهروندان این باور را در آن ها ایجاد کنیم که می توانند محله شان را وشهرشان و استانشان وکشورشان را به شکل اسلامی اداره کنند و این تحقیق اولیه است، یعنی خیلی روی آن باید کار شود و ما آن را ارائه می دهیم تا از نظریات دوستان و اساتید بهره ببریم تا آن را کامل کنیم .ممکن است در یک محله چنین شخصیتی وجود نداشته باشد یا در یک محله رهبرانی باشد. آن چیزی که برای این جا در نظر گرفته شده، بحث آموزش است روحانیونی که تربیت می شوند برای تبلیغ چنین سیستمی برای شهرهای مختلف در نظر گرفته بشود، برای رهبری محله آموزش ببینند یا این که بتوانند محله ها را اداره کنند، یک چنین سیستمی درنهادهای مرتبط که روحانی پرورش می دهند باید در نظر گرفته بشود.در مسئله دوم ممکن است افراد محله آن کنترل و آن نظارتی که از بالا- به پایین است خیلی سنگین احساس می کنند؛ فکر کنند حتی در محله خودشان هم آن قوه مجریه آن امام جماعت آن قوه قضائیه آنها را تحت کنترل دارد یعنی فکر کنند دارند تهدید می شوند احساس نا امنی کنند چنین چیزی در شرایطی پیش خواهد آمد که این باور شهروندان و آموزش به وجود نیامده باشد این نکته برای این مهم است بعد فرهنگی اهمیت زیادی پیدا می کند برای اینکه ما در محله احساس تهدید نداشته باشیم از بابت اینکه امام جماعت قوه قضائیه قوه مجریه قوه مقننه ای دارد. به کل بیش تر حس مشارکت ما تقویت بشود. منبع: فصلنامه مجموعه سخنرانی مدیریت اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷، هیأت مروّجان رهبری و مدیریت اسلامی

بررسی و تبیین ابعاد ساختاری و سازمانی مدیریت شهری

دکتر علی نجاتبخش اصفهانی بررسی و تبیین ابعاد ساختاری و سازمانی مدیریت شهری با رویکرد اسلامی: منبع: فصلنامه مجموعه سخنرانی مدیریت اسلامی، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۷، هیأت مروّجان رهبری و مدیریت اسلامی چکیده: در این تحقیق ابتدا به رویکرد علم مدیریت و نظریه‌پردازی های مختلف در آن اشاره شده و با تعریف سازمان، ساختار تخصص وظایف تئوری های سازمانی تفکیک‌های عمودی و افقی، رسمیت، تمرکز، پیچیدگی در سازمان، به ذکر سازمان های تخت و بلند پرداخته شده است.

از آنجا که رویکرد کلی این بحث اسلامی می‌باشد با استفاده از منابع مختلف (ازجمله" مدیریت از منظر کتاب وسنت "نوشته سید صمصاالدین قوامی مدیریت و" نظام اداری از دیدگاه امام علی (ع ")نوشته دکتر محسن باقرالموسوی، قرآن، نهج‌البلاغه و...) به تشریح ابعاد و اجزاء فوق پرداخته و با استفاده و طرح موضوع اتحاد امارت و امامت، نحوه مدیریت شهری را با خصوصیات و ویژگی های اسلامی توصیف شده است. در همین راستا فرضیات مختلفی را پیش‌بینی و موضع آیات و روایات در آن مورد ذکر شده است. محقق در پایان به جمع بندی و نتیجه‌گیری در زمینه رویکرد اسلامی کردن مدیریت شهری پرداخته است.

مفاهیم کلیدی: ساختار سازمانی، مدیریت شهری، مدیریت اسلامی.در این تحقیق بررسی ابعاد ساختاری و سازمانی و نرم افزاری مدیریت شهری که از مباحث اساسی مدیریت کلان کشور است پرداخته شده است. در ابتدا رویکرد های مدیریت کلاسیک و نظریه پردازی های مختلف آن را ذکر می کنم. دکتر حسن دانایی فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس) به صورت مفصل به اجزاء ساختار سازمانی و موضوعات مرتبط با آن نظیر کلیات، تعاریف، تعریف ساختار، تعریف سازمان دهی چگونگی تخصیص وظائف، اجزاء تشکیل دهنده سازمان، پیچیدگی ها (تفکیک های عمودی و افقی) تقسیم کار، رسمیت، تمرکز و عدم تمرکز، تئوری های سازمانی، قرارداد های اجتماعی و خصوصاً موضوع استعاره سازمان ها، تولد، رشد، بلوغ افول مرگ سازمان ها پرداخته اند.در رویکرد اول می توان به دیدگاه های سیستمی (باز و بسته) و چرخه حیات اشاره کرد و سئوال اساسی این است که چه چیزی ساختار سازمانی را تشریح می کند؟ برای پاسخ به این سئوال بایستی به استراتژی، تکنولوژی، شرائط محیطی و... پرداخته شود و در ابعاد ساختار سازمانی به تفکیک عمودی و افقی تقسیم کار، بخش بندی، اندازه سازمان و تأثیر تکنولوژی در سازمان های کوچک و بزرگ را تبیین نمود.رویکرد دوم مدیریت اسلامی است که در کتاب" مدیریت از منظر کتاب سنت "نوشته حضرت حجه الاسلام والمسلمین سید صمصام الدین قوامی مطرح شده است. ایشان از صاحب نظران حوزه ای و دانشگاهی هستند و سال هاست در رابطه با تئوری اتحاد امارت و امامت کار علمی کرده و مجموعه علمی و قابل دفاعی را تهیه کرده و محضر مراجع عظام هم ارائه و بصورت ضمنی نظر مساعد بعضی از آنان را نیز گرفته است. در زمینه ساختار و سازماندهی در فصل دهم این کتاب مفصل بحث شده است. از ویژگی های خوب این کتاب صبغه دینی و الهی داشتن آن است، چرا که از آیات، روایات، احادیث و سیره به طور جامع استفاده شده است.منبع دوم کتاب" مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی (ع ")است که توسط دکتر محسن باقرالموسوی نوشته شده و آقای دکتر سید حسین سیدی از اعضاء هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد آن را ترجمه کرده است. در فصل های مختلف این کتاب از جمله فصل های دوم، سوم و چهارم آن به طور مفصل از احادیث و روایات استفاده شده و به موضوعاتی نظیر سازمان، فرمان بری و اطاعت از مدیریت مرکزی، ادارات محلی، امام، امیر، کارگر و... پرداخته شده است.در این دو منبع ضمن طرح آراء و اندیشه های مختلف، مجموعه آیاتی استخراج گردیده و سعی شده است به صورت تطبیقی در زمینه های سازمان ،ساختار، سلسله مراتب، مدیریت، اتحاد امارت و امامت، هماهنگی، تمرکز و عدم تمرکز، پیچیدگی و... مباحث مفصلی را مطرح کنند.برای تعریف سازمان، به تعاریف مختلفی که در منابع علمی از سازمان شده، استناد شده است. یعنی سازمان را گروهی متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برا ی اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می کنند معرفی کرده است. همچنین سازمان دهی را فرآیند استفاده کردن از همه منابع موجود به طور منظم، تقسیم وظائف، پیش بینی شغل و تعیین نوع روابط کاری، سلسله مراتب سازمانی و... بیان کرده اند و ساختار سازمانی را نیز چهارچوب سازمانی و یا شاکله کار معرفی نموده است. برای نمونه همچنان که در یک ساختمان ستون ها و آهن آلات، شاکله ساختمان را تشکیل می دهند ساختار هم شاکله سازمان می باشد. این ساختار ها می توانند به صورت رسمی و غیررسمی شکل گیرند.درسازمان ها روابط، منظم و تشکیلاتی است، لیکن ما با شرائط محیطی جدید و پیچیده ای روبرو هستیم. آقای الوین تافلر دررابطه با موج سوم و درکتابش تحت عنوان شوک آینده تئوری آشوب را مطرح می کند که در این دوران تحولات انفجار آمیز

باعث از هم پاشیده شدن زندگی خصوصی و به هم ریخته شدن نظم اجتماعی شده که در شیوه های جدید زندگی محیط اجتماعی سرشار از تعارض و تحول شرایط ناپایدار وضعی را به وجودآورده که ما بایستی با توجه به این شرایط سازمان و ساختار خود را طراحی کرده و پاسخگوی اصول حکومتی خود باشیم. با توجه به اصول ساختار حکومتی، پیامبر بزرگوار اسلام(ص) مدینه را ستاد و شهرهای دیگر را صف قراردادند. سیاست های کلی، بخشنامه ها، ابلاغیه ها، اعزام ها و تصمیمات جنگی از درون مساجد به عنوان پایگاه حکومتی، طراحی و برنامه ریزی می شده است.متأسفانه در شرایط فعلی که بایستی مساجد محور باشند، به جز اندکی از وقت برای اقامه نماز استفاده دیگری از مساجد نمی شود. وقتی خداوند متعال در سوره مبارکه اعراف در آیات ۲۹ تا ۳۱ گوشزد می کند که":قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ ? وَأَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ? کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَفَرِیقًا هَدَی ?وَفَرِیقًا حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلَالَةُ ? إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ "با توجه به سیره زندگی رسول خدا(ص) آیا نمی توان نتیجه گرفت که مسجد به عنوان محوریت و مرکزیت برای حکومت باشد؟ آیا موضوع اتحاد امارت و امامت هم بدین مفهوم است که در سیره نبوی و علوی استانداران و فرمانداران موظف به اقامه نماز جمعه و جماعات و اداره ولایت خویش بوده اند؟دو شأن موازی یا طولی امارت و امامت به شکل جدا از هم وجود نداشته است. در آن زمان امام هم قاضی بوده، هم مجری و هم قانونگذار. البته قوانین متکی بر کتاب شریعت و احکامی بوده اند که توسط ائمه اطهار(ع) بیان می شده است . امیرالمومنین(ع) در عهد نامه مالک اشتر ضمن سفارشات مختلف به والی، وظایف استاندار به عنوان نماینده سیاسی حکومت مرکزی را تشریح کرده است. همچنین چگونگی اقامه نماز جماعت نیز در آیات ۹ تا ۱۱ سوره مبارکه جمعه آمده است" :یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاةِ مِن یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَی ?ذِکْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ? ذَ لِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیرًا لَّعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَیْهَا وَتَرَکُوکَ قَائِمًا ? قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَیْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ? وَاللَّهُ خَیْرُ الرَّازِقِینَ "ملا حظه می کنید که امیر، حاکم، و یا امام وقتی نماز جمعه به پا می کند باید همه مردم تجارت و خرید و فروش را رها کنند و به سمت محل برگزاری نماز جمعه بشتابد. در سایر دستور العمل ها که حضرت علی(ع) چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی از طرف خود به کارگزاران و نمایندگان و یا استانداران، ارسال می کردند، آنان طبق حکم حکومتی موظف بوده اندکه مسائل قضائی، اجرایی، ارتش، بیت المال، سازمان اطلاعات و مسائل اقتصادی سیاسی و فرهنگی و سایر ملزوماتی را که بایستی با آن حکومت را اداره کرد فراهم نمایند .در مورد تقسیمات کشوری و حدود و ثغور حکمرانی، محلی، منطقه ای هم اینکه آیا حکومت بصورت مرکزی عمل می کرده و یا به صورت محلی شواهد زیادی وجود دارد. درسیره حضرت علی(ع) هردو نوع حکومت بوده است، یعنی هر دو نوع حکومت محلی و مرکزی که حضرت امیرالمؤمنین(ع) امام این حکومت بوده، وجود داشته است و گاهی با تفویض اختیار و عدم تمرکز به بعضی از افرادی که اعزام می شده اند اختیاراتی داده شده است. در همین جا اگر بخواهیم وضعیت سلسله مراتب ولایتی وحکومتی را بدانیم به آیات ۵۸ و۸۳ سوره مبارکه نساء توجه کنیم که می فرمایند":وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ ? وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَإِلَی ?أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ ? وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّیْطَانَ إِلَّا قَلِیلًا"در این آیه مبارکه ضمن بیان اخبار واصله از امورات امن و خوف از جایگاهی به عنوان اولی الامر (یعنی کسی که صاحب اختیار امر حکومتی است) و اینکه بایستی با اجازه و اذن او وظائف را انجام داد نام برده شده است. در آیات مبارکه ۵۳ تا ۵۷ سوره مائده دقیقاً جهت گیری فرماندهی و فرمانبری را برای ولایت حضرت پیامبر(ص) به صراحت روشن کرده است":إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ"اگر به بررسی معانی ولایت از دیدگاه تفسیر، آیات، روایات مراجعه شود دقیقاً به حقانیت فرمایشات علامه طباطبائی پی خواهیم برد، درآنجا که نقل می کنند": رسول خدا(ص) برهمه شئونات امت اسلامی در جهت سوق دادن آنان به سوی خدا و برای حکمرانی و فرمانروایی بر آنان و قضاوت در میانشان ولایت دارد. این ولایت در طول ولایت

خداوند که ناشی از تفویض الهی است قرار دارد، یعنی چون اطاعت از او اطاعت از خداوند است در نتیجه ولایت او ولایت خدای بزرگ است و باید از او اطاعت کرد".در نظام آفرینشی اصلی است که از مصادیق دیگر اصول مدیریتی در حکومت و مدیریت رحمانی خداوند می باشد و آن وجود هماهنگی در نظام آفرینشی است. در آیات ۲ الی ۴ سوره ملک خداوند می فرماید":الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ? مَّا تَرَی ?فِی خَلْقِ الرَّحْمَ?ـنِ مِن تَفَاوُتٍ ? فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی ?مِن فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ"هفت آسمان را آفرید در آفرینش اش هیچ تفاوتی نمی بینی بار دیگر نگاه کنیم آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی، پس دوباره نگاه کن سرانجام چشمانت در جست و جوی خلل و نقصان ناکام مانده به سوی تو باز می گردد و در حالی که خسته و ناتوان است. اگر به معانی و تفاسیر مربوط به فطور مراجعه کنید ملاحظه خواهید نمود که در نظام حاکم بر جهان هستی همه چیز در جای خودش و دارای نظم خاصی است و با مشیت بالغه الهی و تدبیر خداوند رحمان در حرکت اند و هیچ گونه سستی،کجی، ناروائی و عدم هماهنگی ملاحظه نمی شود.برای تحقق ابعاد ساختاری و سازمانی مدیریت اسلامی از این زاویه، در مدیریت شهری چند فرض را باید در نظر بگیریم و متناسب با آن فرضیات، بایستی شهرها را ساخت و از اصول و ضوابط مربوط به مدیریت اسلامی و با رویکرد دینی کردن شهر در فعالیت های مدیریتی روح معنویت و انتظارات رحمانی را دمید.فرض اول: شهری را از صفر بنا می کنیم و هیچ گونه ساخت و سازی شروع نشده، بنابراین با توجه به مدلی که آقای مهدوی در مرکز مطالعات شهرداری تهران ارائه دادند، مشروط بر اینکه در رابطه با جذب و گزینش نیروی انسانی اصل شایسته سالاری و انتخاب امام جمعه و جماعاتی که دقیقاً ویژگی های مورد نظر امیرمؤمنان در او باشد، امکان وقوع چنین مدیریتی متصور است و باید مسجد محوری بر اساس سیره پیامبر(ص) مبنا قرار گیرد.فرض دوم: برای شهرهایی که ساخته شده اند و خصوصاً کلان شهرهایی مثل تهران، طبیعتاً ما در مقابل وضعیت موجود قرار داریم، لذا بایستی وضع موجود شناسایی شود و پس از بررسی جامع اگر درکلیه سلسله مراتب و تصمیم گیری های وقوع مدیریت شهری فواصلی با اصول مدیریت اسلامی وجود دارد بایستی با تزریق محتوایی مدیریت اسلامی، رویکرد دینی مدیریت شهری را تقویت کرد. البته همان طور که عرض کردم براساس شرایط آشوب و تئوری موج سوم ما شرایط بسیار سختی را داریم.نقد و بررسی:نقد اول: ساختار یعنی داشتن روابط نسبتاً پایدار که اجزاء سیستم را شامل می شود. اینکه ما بگوئیم قانون داریم و قوای سه گانه باید از آن تبعیت کنند، ما یک دولت مرکزی داریم و نه محلی بلکه کارگزارانی برای آن بگماریم و یا اینکه تفکیک قوایی که ما در آنجا انجام داده ایم اسلامی هست یا نه؟ از طرفی امام خمینی(ره) می فرمایند قوانین جمهوری اسلامی در حکم قانون شرع است پس کار ما دینی است و باید در آن تأمل بیشتر بکنیم، پس می توانیم بگوئیم دایره نگاه اسلامی بسیار وسیع تر است و ما باید موارد کاربردی تر متناسب با زمان را گلچین کنیم.نقد دوم: اینکه ما هم اکنون در سازمان ها مشکل داریم شاید تعبیر این باشد که به علت اینکه ساختار آن غربی و با مبانی دینی ما نمی خواند مشکل داریم. اما اینکه ما بخواهیم مسجد را به نحوی وارد ساختارهای اداری حکومت کنیم شاید این خود یک مدل و راهکاری مستقل باشد که بایستی بیشتر روی آن بحث و بررسی صورت پذیرد.نقد سوم: ما باید اول الگوی مدیریت اسلامی خود را طراحی کنیم و بعد آن را با الگوی مدیریتی روز تطبیق دهیم. حتی اگر مبانی آن علوم غربی با مدیریت اسلامی بخواند. این کار ما را از ترس اینکه مبانی مدیریتی جهان را با قرآن مقایسه کنیم و چیزی پیدا نکنیم باز می دارد.نقد چهارم: مبانی هستی شناسی، متدولوژی، پیش فرض ها و درجه شناخت و مطلق بودن یا نبودن را باید در بحث های خود بیاورید تا ارائه شما موفق باشد.نقد پنجم: چون مبنای ما مبنای درستی نیست ما هنوز نتوانسته ایم حتی مدیریت اسلامی را تعریف کنیم، به جز استاد شهید مطهری که در" سخنرانی رشد" خودشان مفهوم مدیریت اسلامی را گفتند، پس ما ابتدائاً باید به مبنا ها بپردازیم.نقد ششم: اگر بخواهیم مدل خود را با مدل غربی ها تطبیق دهیم هرگز این پیوند رخ نمی دهد و به نظر می رسد این مدلی که در طی این چند سال هیأت مروجان رهبری و مدیریت اسلامی طراحی کرده بهترین مدل است و اینکه ما بخواهیم عجله کنیم و به سرعت به تئوری پردازی روی آوریم، فکر می کنم با

همان سرعت هم به زمین خواهیم خورد. پس بهتر است فعلاً آن را به عنوان یک حرکت مطرح کنیم و زود نتیجه گیری نکنیم.دکتر نجاتبخش اصفهانی: در پاسخ به نقد اول باید اشاره کرد که در مباحث علمی و مطالعات اسلامی رویکرد ما نظریه‌پردازی است، طبیعتاً با توجه به مسئولیت‌هایی که دانشمندان و صاحب‌نظران دارند و می گویند که نظریه علمی تولید شده باید به سطحی برسد که قابل دفاع و در جهت مصالح کشور باشد، در جایگاه شورای عالی تحول اداری ساز و کارهایی که پیش‌بینی شده می‌توان تغییر ایجاد کرد. در رابطه با نقد دوم نیز مسجد محوری هم به عنوان یک مدل و راه کار مورد تأکید قرار گرفته است و نظریه پرداز همین مقصود را پیگیری کرده است.نقد کننده سوم هم بیشتر بدنبال تولید مدل و یا الگوی قابل ارائه جهت مدیریت اسلامی است و این حرف درستی است. اما اینکه نظریه پرداز خوف آن را داشته باشد ممکن است نظریه‌اش رد شود موضع درستی نیست. بالاخره در شرایط موجود، علیرغم این گونه چالش‌ها بایستی به نظریه‌پردازی ادامه داد.نقد چهارم هم مطلب درستی است، بایستی مدل قابل ارائه دربرگیرنده ابعاد فوق باشد.نقد پنجم ما را تشویق می‌کند که در مرور بر ادبیات پیشین بدانیم شخصیت‌های فرهیخته و موجهی نیز زحمات زیادی کشیده و باید از مطالب آنان استفاده شود. آخرین نقد هم تذکر به صاحبان اندیشه است که در ارائه مدل اولاً تعجیل نکرده و ثانیاً مدل برخواسته از متن مکتب ارائه شود.

Analyzing and Explaining the Structural& Organizational Dimensions of Urban Management with Islamic ApproachAli Nejatbakhsh Esfahani) PhD., member of the board (Payame Noor University

Abstract: In this lecture, first the management approach & it's different theorizing are addressed & by defining the organization, structure, task assignment, organizational theories, vertical & horizontal separation, formality, centralization, complexity in organization, plain & high organization are dealt with & since the discussions approach is Islamic, using different references (Administrative system from Imam Ali, view point by M.Mosavi. & Management from view point of Islam & sonnat by S.S.GHavami., Quran, Nahjol balagheh), the above-mentioned dimensions are explaining & using the integration of Emarat & Imamat , the urban management is described by Islamic attributes & different hypothesis are predicted & the stance of verses & narration are mentioned.Keywords: Organization, structure, urban management, Islamic approach, Imamat, Emarathttp://system.parsiblog.com/۱۰۸۹۴۱۶.htm

مشارکت مردمی، توسعه، مدیریت شهری

پیچیدگی شهرها بر اساس تعامل دقیق و عمیق ارکان حاکمیت (قوای مجریه،مقننه و قضاییه) و با مشارکت معنی دار شهروندان سازماندهی شود تا تامین ضرورت ها و انتخاب اولویت ها ، پیشگیری از تهدیدها و مقابله با آسیب ها و ارتقای توانمندی ها و جبران کاستی ها بر مبنای همدلی ، همفکری و همکاری جمعی صورت پذیرد.همچنین بر هیچ مسئولی پوشیده نیست که مشکلات ساختاری و فرهنگی در خصوص جایگاه شوراهای اسلامی شهر و روستا و شهرداری ها در نظام سیاسی-اداری کشور ، عدم تعریف صحیح از و علمی از نظام برنامه ریزی شهری و فقدان نظام مدیریت واحد شهری از جمله مهم ترین عواملی است که اداره شهرها را طی سالیان اخیر با چالش های جدی مواجه کرده است.در این راستا توسعه مدیریت شهری و ایجاد مدیریت واحد شهری می تواند

با استمداد از نخبگان و متخصصان به آرمانشهر مطلوب دست یابد. همچنین باید توجه داشت که بخش خصوصی، گروه های فشار و عامه مردم می توانند در بهبود مدیریت شهری سهیم باشند و با استفاده از اینها می توان به بودجه لازم جهت ارتقای وضعیت اقتصادی دستیابی پیدا کرد، این عملکرد ها می توانند شهروانداان، محیط زیست شهری و ظرفیت کارآیی و تولیدات شهر را تحت تاثیر قرار دهد. کلانشهرها در همه نقاط دنیا با مسائل نسبتا پیچیده‌ای روبرو هستند، تهران نیز از این موضوع مستثنی نیست. در سال‌های اخیر گام‌های مثبتی در موضوعات شهری برداشته شده اما نباید فراموش کرد شهر و مردم بسیار سریعتر از تصمیمات مدیران آن در حرکت هستند، از این رو غالبا سیاستگذاری‌ها و راهکارهای گرفته شده در مقابله با مسائل جاری در حکم برخوردهای مقطعی و التیامی به شمار می‌رود. براساس برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور قرار است ایران به قدرت اول اقتصادی منطقه ارتقا یافته و در کنار آن تهران نیز براساس پیش‌بینی‌ها با رشد ۸ درصدی به یکی از ۵ شهر مهم خاورمیانه تبدیل شود. از آنجایی که مدیریت شهری نیز با توجه به اهمیت اثر گذاری سیاست‌ها به عنوان حکومت محلی، نقش مهمی در تعامل روشن و شفاف با بخش دولتی و خصوصی ایفا می کند، باید در برنامه‌ریزی‌های خود برای پایتخت به این موضوع توجه ویژه داشته باشد. پرسش اساسی در این زمینه این است که عملکرد برنامه‌ریزان شهری باید به چه صورت باشد تا هم زمینه‌های پایداری، ایمنی و ارتقای کیفی محیط شهر حفظ شود و هم به شکل گیری اقتصاد شهری بالنده کمک نماید و هم با سیاست‌های کلان کشور و نقش تهران در افق زمانی آینده همسو باشد؟با افزایش جمعیت شهرها و روند رو به رشد شهرنشینی در جامعه، پرداختن به تمامی جوانب زندگی شهرنشینی اعم از امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ، عمرانی و حتی سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و مبحث اقتصاد شهری و توسعه آن به دلیل اثر گذاری بر سایر موارد بیش از پیش تاکید شده است. مدیریت شهری نیازمند یک نظام پایدار درآمدی است. همه سازمانها و نهادها اعم از دولتی و غیردولتی به همراه کلیه شهروندان باید به نسبتی که از خدمات مختلف در سطح شهر استفاده می کنند بهای آن را در قالب عوارض پرداخت کنند و چنانچه نخواهیم مدیریت شهر در تنگناها برای اداره شهر ناچار به اتخاذ سیاست‌های مقطعی برای کسب درآمد شود که غالبا نیز مخالف راهبردهای توسعه پایدار است، همراهی و کمک دولت در تحقق این فرآیند و الزام سازمان‌ها و نهادها به پرداخت سهم خود به عنوان عوارض و بدهی‌های قبلی ضروری است. در این میان اقتصاد شهری و ساز و کار حاکم بر دخل و خرج کلان شهرها موضوعی است که طی سالیان اخیرمدیران شهری و به خصوص کلان شهرها به آن بیشتر از گذشته توجه داشته اند.ایجاد تحول در منابع درآمدی کلان شهرهای کشور اصلی‌ترین رسالت مدیران آینده شهرها خواهد بود.محله محوری اولین گام در راه دستیابی به درآمدهای پایدار در شهرداری ها دانست چرا که در وهله اول مردم سالاری یعنی حذف فاصله بین دستگاه های دولتی و مردم را در پی دارد و در مرحله بعد واحدهای محلی با در دست گرفتن اختیارات بیشتر هم از لحاظ اقتصادی به منابع محلی متکی خواهند بود و هم از نظر اجتماعی ناگزیر از توجه به خواست و در نهایت به مشارکت مردم است.به همین دلیل است که هر گونه نهاد سازی در راستای دموکراتیزه کردن فرایند مدیریت و برنامه ریزی ، تمرکز زدایی در این فرایند و محلی گرایی در هر بخش حداقل سه وجه مدیریتی اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت.از نظر طراحان ناحیه محوری در سطح ناحیه از سه طریق مشخص می توان مشارکت مالی مردم را جلب کرد ساکنان ناحیه ها یا هزینه های آن را می پردازند و با همکاری باعث کاهش هزینه های ناحیه می شوند و یا با انجام فعالیت های معین کوچك با قیمت کمتر باعث صرفه اقتصادی بیشتر عملیات در سطح ناحیه برای شهرداری هستند.بر اساس طرح جدید جامع شهر تهران موضوع دریافت حق سارژ مطرح شده است به گونه ای که در کنار افزایش سطح خدمات رسانی شهرداری به شهروندان، مردم نیز هزینه خدمات دریافتی از سوی مدیریت شهری را بپردازند.به طور کلی یکی از مهمترین چالش های شهرداری در بخش اقتصادی طرح ناحیه محوری تعریف ابعاد، نوع، چگونگی و میزان مشارکت مالی مردم در ناحیه است و در این زمینه باید عملیات احصای دقیق در سطح ناحیه باشد.بخش احساس تعلق شهروندان به کوچه، خیابان محله و ناحیه ای که در آن زندگی می کنند به

عنوان مبنای تمایل آنان به پرداخت هزینه ها نیاز به مطالعات دقیق و گسترده ای در زمینه امکان سنجی استقلال مالی نواحی دارد.سخن آخر آنکه مدیریت شهری با محوریت محله محوری و تدوین برنامه های منطبق با نیاز شهروندان عملا می تواند مقوله فراموش شده حقوق شهروندی و اقتصادشهری را احیا کند.

خبرگزاری موج - گروه اجتماعی http://www.mojnews.com/fa/Miscellaneous/ViewContents.aspx?Contract=cms_Contents_I_News&r=۳۴۱۹۴۲

شهر سازی و ترافیک

در آغاز شهر سازی مدرن در ایران در طرح های شهری، مهندسی ترافیک به عنوان یکی از شاخه های مهم شهرسازی به لحاظ سهم معابر در کالبد شهر و نیاز به گسترش جمعیت شهرها و خصوصا تهران، با پدیده ی ظهور کلان شهرها در کشور عملا جمعیتی بیش از پیش بینی های طرح های جامع حصوصا در کلان شهر تهران را شاهد هستیم.پیچیدگی ترافیک تهران روز به روز گوی سبقت را از تحقیقات و مطالعات کارشنانه و دستاوردهای آن رامی رباید و همواره جلوتر از راه حل های حرکت می کند. مدیران شهری در تکاپوی حل مساله، تدابیرو سیاست های گوناگونی اتخاذ می کنند که غالبا به صورت مسکن های مقطعی، مدت زمانی بیماریرا التیام می بخشد. معضل ترافیک تهران اگرچه ویژگی های خاص خود را داراست، لیکن در کلیت عام خود جدا از مسائل و ویژگی های ترافیک در دیگر کلان شهرها ی جهان و خصوصا جهان سوم نیست.استفاده از تجربیات موفق دیگر کشورها در زمینه ی ترافیک می تواند ریسک های ناشی از آزمون وخطای شیوه های مختلف را به حداقل کاهش دهدبهبود شبکه حمل و نقل عمومی مدیران شهری با مطالعات دقیق و دستیابی به بانک اطلاعاتی قوی و به روز از کمیت و کیفیت سفرهای درون شهری و با توجه به الگوی انتخابی شهروندان برای سفرهای درون شهری که تابعی از زمان، هزینه و آسایش و راحتی سفر است باترسیم الگوی بهینه سفر سعی می کنند ترکیبی مطلوب از وسائل حمل و نقل را در تناسب با معابر شهری و تقاضای سفر به کار گیرند.احداث، گسترش یا تعریض و اصلاح معابراحداث خیابان ها و اتوبان های جدید شهری غالبا در افق طرح های ساختاری بلندمدت و میان مدت در امتداد رشد جمعیت و نیازهای ارتباطی گسترده جامعه ی شهری پیش بینی می شود و به موازات تحقق پیش بینی طرح های بالا دست در بعضی محورهای تردد که به سبب فراتر رفتن نیازها از پیش بینی ها، معابر شهر پاسخگوی مناسبی نیست. اقداماتی از قبیل گسترش، تعریض یا اصلاح معابر با تاکید بر حفظ هویت، منظر و در کل حفظ هماهنگی و توازن در ساختار منطقه ی شهری و مناطق مجاور انجام می پذیرد.محدود کردن استفاده از اتومبیل هادر مقاطعی مدیریت شهر جهت روان کردن ترافیک مراکز عمده ی شهری، طرح های ویژه ای در معابرشهر را طراحی می کند که از جمله می توان طرح های محدوده ممنوعه در مراکز پرترافیک شهر و نوبت بندی اتومبیل ها برای ورود به شهر بر اساس شماره پلاک یا پرداخت حق استفادهاز بزرگراه ها و خیابان های پرتراکم را نام برد.تغییر یا اصلاح قوانین کاربری اراضیاصولا در طرح های نوین شهری الگوی کاربری اراضی متناسب با شبکه حمل و نقل عمومی و در ارتباط با آن پیش بینی می شود. در خصوص سامانده‌ی کاربری های موجود شهری با هدف مدیریت تقاضای حمل و نقل درون شهری و کاهش سفرها، شیوه هایی چون عدم تمرکز خدمات و چند قطبی کردن مراکز عمده ی خدماتی شهر، انعطاف ساعت کار و...به کار می رودکنترل(محدودیت) مالکیت خودرومدیریت کارآمد، تقاضای سفر از طریق مدیریت، مالکیت وسایل نقلیه و استفاده از آن از جمله سیاست های شهرهایی است که عمدتا به سبب مالکیت کنترل نشده ی سواری های شخصی و استفاده ازآنها دارای ترافیک سنگینی هستند. محدودیت مالکیت خودروها از طریق ابزارهای متنوع مالیاتی و دریافت مالیات های سنگین از دارندگان وسایل نقلیه ی شخصی و مالیات های تصاعدی سالانه راه ها انجام می پذیرد و شامل مالیات استفاده از خودروی شخصی در ساعات کاری هفته و نیز خیابان هایمرکزی شهر می شود.البته باید

توجه داشت که در کنار این راهبرد، سیاست های مدیریت شهر علاوه بر عرضه خدمات و حملو نقل عمومی با کیفیت مناسب و راحت، اطلاع رسانی قوی و شفاف از مسایل ترافیک و بیان ضرورتاتخاذ سیاست فوق در جهت کنترل ترافیک و راحتی شهروندان است.http://www.bastam.blogsky.com/۱۳۸۷/۰۱/۱۸/post-۱۱۲/

مدیریت شهری؛ اهداف و راهبردها

هاشم داداش پور

مقدمه: شهر به مثابه بخشی از سلسله مراتب سیستم قضایی و تقسیمات سیاسی - جغرافیایی هر کشور براساس شاخصه‌های مختلفی مانند نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و... شکل می‌گیرد. نظام مدیریت شهری باهدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد. روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد. به‌دلیل گستردگی و میان رشته‌ای بودن سیستم مدیریت شهری به‌مثابه یک سیستم باز، عوامل مختلفی در آن دخالت دارد و بدون شناخت این سیستم نمی‌توان عناصر و روابط را در جهت اهداف آن تغییر شکل داد، زیرا هنر برنامه‌ریزی، شناخت عناصر سیستم و ایجاد روابط بین آن عناصر است، به‌نحوی که این مجموعه عناصر در جهت هدف سیستم عمل کنند. بی‌توجهی به اجزاء همچنین عدم کشف روابط و میزان تاثیر هریک از عناصر در نظام تصمیم‌گیری هرگز به یک نظام تصمیم‌گیری منسجم، موثر و معطوف به اهداف مطلوب منجر نخواهد شد.(۱) شهر مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانائیهای بالقوه انسانی است. تمرکز روزافزون افراد در نواحی شهری و رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین افزایش طبیعی جمعیت شهر، مشکلاتی را در ارائه خدمات متناسب با میزان افزایش جمعیت شهری به‌وجود می‌آورد که خود به‌عنوان یکی از موانع اصلی اجرای وظایف و ارائه خدمات شهری کافی به شهروندان می‌گردد. این امر توام با عدم رغبت مردم برای مشارکت در فعالیتهای عمران شهری، که تا حد زیادی ریشه در شیوه نظام اداری متمرکز دارد، از عواملی هستند که توانایی مسئولان را در تامین نیازهای ساکنان شهری با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین، کارکرد مدیریت شهری کارآمد به‌عنوان یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوعها و پدیده‌های بسیار گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی ضروری است تا نهایتاً دستیابی به توسعه انسانی پایدار در شهر میسر گردد.(۲) این مقاله درصدد است تا با ارائه تعریفی از مدیریت شهری، جایگاه آن را در سیستم مدیریت جامعه مشخص کند و با بیان اهداف و راهبردهای این نوع مدیریت، ویژگیها و معیارهای مطلوب سیستم مدیریت شهری را ارائه کند.۲ - تعریف سیستم مدیریت شهری هدف سیستم مدیریت شهری به‌مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهرهاست. و نقشی که دولت برای این سیستم قایل می‌شود، تعریف این هدف را روشن می‌سازد. تردیدی نیست که این تعریف، هرچه باشد، هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن همسوست و از کلیات آن تبعیت می‌کند. به‌همین دلیل است که برنامه‌های این سیستم برای سازماندهی امور شهر، به‌طور کلی در چارچوب برنامه‌های کلان و قوانین جاری کشور تدوین می‌گردد و اقدامات این سیستم ناقض مقررات قانونی کشور نیست.(۳) تعاریف متعددی از مدیریت شهری ارائه شده است و هرکدام از این تعاریف بیان‌کننده نگرشی نظام‌مند به مقوله مدیریت شهری است: .(۴)و یا (۵) علاوه‌بر دو تعریف عمومی فوق، تعریف تخصصی دیگری عبارت است از (۶)۳ - جایگاه مدیریت شهری در نظام برنامه‌ریزی سیستم مدیریت شهری بنابه تعریف و به‌لحاظ وظایف عملی خود موظف به برنامه‌ریزی توسعه و عمران شهری و اجرای برنامه‌ها، طرحها و پروژه‌های مربوطه است. انجام این وظایف تعیین‌کننده نوعی هویت برنامه‌ریزی اجرایی برای آن است. در واقع مدیریت شهری در قالب نظام برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و قضایی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه‌های توسعه شهری برای شهر می‌کند و سپس آن برنامه را در چارچوب نظام اداری - اجرایی حاکم، به پروژه‌های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می‌رساند. براین اساس وظایف و جایگاه سازمانی و اجرایی مدیریت شهری را می‌توان به‌شرح زیر تعیین کرد:۱-۳ تبیین نقش

سیستم مدیریت شهری بمثابه یک برنامه‌ریز: این نقش را می‌توان در دو قالب روابط برون و درون سیستمی مطالعه کرد، در قالب اول، روابط مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با نظام عمومی برنامه‌ریزی و سطوح بالاتر برنامه‌ریزی بررسی می‌شود. مهم‌ترین موضوع قابل توجه در این سطوح، ضرورت تامین هماهنگی این سطوح با یکدیگر است. در قالب دوم، تهیه برنامه‌های جامع فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و مالی لازم برای توسعه کارآمد شهر به‌عنوان اصلی‌ترین وظیفه سیستم مورد توجه قرار می‌گیرد.۲-۳ تبیین نقش اداری – اجرایی سیستم مدیریت شهری: مدیریت شهری به‌لحاظ اداری – اجرایی یک سازمان بسیار گسترده و مشتمل بر عناصر متعدد و متنوع لازم برای اداره امور یک شهر است. هرچند این عناصر طیف عملکردی گسترده‌ای را شامل می‌شوند، اما به‌هرحال عناصر مرکزی و اصلی سازمان شهرداری است که در تمامی عملکردهای تدوین شده سیستم و به‌ویژه امور اداری و اجرایی دخیل است. درواقع شهرداری از یک سو، جزء عناصر مهم مدیریت سیاسی و اجتماعی شهر محسوب می‌گردد و از طرف دیگر مهمترین عنصر اجرایی سیستم مدیریت شهری است.(۷) براین اساس، می‌بایست ضرورتاً نگرش درون سازمانی مدیریت شهری به سازمانهای جانبی و فعالیتهای آنها تعمیم داده شود. و شهرداری نهادی مستقل و جدا از دیگر سازمانها که برای حفظ منافع درون سازمانی به تقابل با آنها برمی‌خیزد دیده نشود. مدیریت شهری باید بتواند پروژه‌های اجرایی از سوی هر سازمانی را به نفع شهروندان سوق دهد و بدین لحاظ بایست با مفاهیم کلی فنی و جاری تمامی دستگاههای خدماتی آشنایی حاصل کند. چنین دستگاههایی نظیر آب و فاضلاب، برق و مخابرات و گاز و...تماس متقابل کمتری دارند، و لذا مدیریت شهری می‌تواند هماهنگ‌کننده و جهت‌دهنده مناسبی برای این استفاده تلقی شود.(۸)۱-۲-۳ تبیین نقش اجرایی مدیریت شهری در قالب نظام‌های شهرداری: در سطح جهان سه نظام شهرداری شناخته شده است. نوع اول (شورا – شهردار) است که بهترین سیستم شناخته شده جهانی محسوب می‌شود. در این سیستم مردم شهر، عده‌ای را به‌نمایندگی شورای شهر انتخاب می‌کنند و سپس شورای مذکور شخص واجد شرایط را به‌عنوان شهردار استخدام کرده و اداره امور شهر را به‌عهده او واگذار می‌کند و برنامه فعالیتها و عملیات شهرداری و منابع درآمد و مصارف آن را تصویب کرده و سپس بر روند عملیات شهرداری نظارت می‌کند. نوع دوم سیستم (شهردار – شورای شهر) است در این سیستم شهردار و اعضای شورای شهر را جداگانه انتخاب می‌کنند. شهردار ریاست شورای شهر را به‌عهده می‌گیرد و لزوماً دارای تخصص نیست. نوع سوم سیستم (شورایی مطلق) است که اعضای شورا هرکدام مسئول قسمتی از کارهای شهرداری بوده ضمناً با یکدیگر جلسات مشورتی دارند و درباره کلیه امور با اکثریت آراء اتخاذ تصمیم می‌کنند. در این سیستم، معمولاً یکی از اعضای شورا به‌عنوان عضو ارشد برای اداره امور جلسات شورا انتخاب می‌شود و در بعضی از موارد در نقش شهردار و رئیس انجمن شهر انجام‌وظیفه می‌کند.(۹) شکل دیگر تقسیم‌بندی مدیریت شهری بدینگونه بیان شده است: مدیریت شهردار با اختیارات کم، شهردار بااختیارات متوسط و شهردار با اختیارات وسیع. در بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، شهردار اختیارات کمی دارد و معمولاً حکومت مرکزی نقش اساسی را در مدیریت شهری دارد و شهر را مانند یکی از ادارات خود و یا وزارتخانه تابعه اداره می‌کند و مشارکت مردم در اداره امور شهری به حداقل می‌رسد. در حالی که بویژه برای اداره شهرهای بزرگ به شهردار بااختیارات وسیع نیاز است. مدیریت در یک شهر معمولاً نباید به محدوده خود شهر ختم شود، بلکه لازم است برای ایجاد تعادل بین میزان نفوذ حکومت مرکزی و شهرداری این مدیریت در یک محدوده وسیعتری اعمال شود. در این سیستم، استقلال مالی و اداری سیستم شهر و شهرداری برای مدیریت مطلوب و کارآمد ضروری است.(۱۰)۴ – تبیین اهداف و راهبردها چه اهداف و وظایفی بر سیستم مدیریت شهری مترتب است ,و این اهداف چگونه و از چه طریق باید تحقق پیدا کند ,با چه معیارهایی می‌توان تحقق اهداف را اندازه‌گیری و تحلیل کرد ,پاسخ به این سوالها، در وهله اول مستلزم شناسایی و تبیین مسایل مبتلا به سیستم مدیریت شهری و در وهله دوم شناخت مسایل حاکم بر آن است.۱-۴ اهداف مدیریت شهری: هدف تئوریک سیستم مدیریت شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است به‌نحوی که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و

کارآمد شهروندان، به‌تناسب ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. در قالب این هدف کلان می‌توان سه هدف خرد فراگیر برای تمام سیستم‌های مدیریت شهری به‌شرح زیر تعیین کرد: حفاظت از محیط فیزیکی شهر تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار ارتقاء شرایط کار و زندگی کلیه شهروندان باتوجه ویژه به افراد و گروههای کم‌درآمد.(۱۱)۲-۴ راهبردها در مدیریت شهری: برای تحقق اهداف و انجام وظایف مذکور، راهبردهای اساسی ذیل ارائه و تدوین می‌شود:۱-۲-۴ انتقال مسئولیت و وظایف برنامه‌ریزی، مدیریت و گردآوری و تخصیص منابع از سوی دولت و سازمانهای مرکزی به مدیریت شهری(۱۲) جلب مشارکت عموم مردم برای مدیریت شهرها بهبود و توسعه ساختار سازمانی و تشکیلاتی سیستم و امور پرسنلی و قانونی بهبود شیوه‌های مدیریت مالی و اقتصادی تاکید بر مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیك و جامع سیستم بسیج کلیه منابع توسعه شهری با مشارکت فعالانه بخش خصوصی و سازمانهای مربوط به جامعه محلی تاکید بر راهبردهای (توانبخشی) در ارتباط با مسکن و امکانات زیربنایی با کمکهای ویژه برای اقشار کم‌درآمد سازماندهی و بهبود کیفیت محیطی فیزیکی زندگی شهری به‌ویژه برای اکثریت عظیم فقرای شهری.(۱۳)۵ – ویژگیهای مطلوب مباحث مسکن، زمینه نظری لازم برای تعیین شرایط و ویژگیهای مطلوب و ضروری برای موفقیت و کارآیی سیستم مدیریت شهری و به‌عبارت دیگر (بایدهای) لازم برای این موضوع را فراهم ساخته‌اند این بایدها را می‌توان در زمینه ویژگیهای روش شناختی و ویژگیهای سازمانی و شرایط محیطی مناسب، طبقه‌بندی و ارائه کرد. به‌لحاظ روش شناختی موفقیت و کارایی سیستم مدیریت شهری در گرو برخورداری آن از ویژگیها و شرایط زیر است: اتخاذ رویکرد سیستمی: مهمترین شرط روش‌شناسانه و موفقیت سیستم، اتخاذ رویکرد سیستمی و کل‌نگر نسبت به مولفه‌های توسعه شهر و برقراری انسجام نظام‌یافته در هر دو زمینه جغرافیایی و عملکردی است. تحقق چنین شرطی در قالب یك رویکرد استراتژیك به مدیریت شهری قابل حصول است. درطراحی چارچوب سازمانی و تشکیلاتی سیستم مدیریت شهری می‌باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد: در لزوم پوشش کامل همه امور شهری توسط چارچوب سازمانی مدیریت شهری باید به‌نحوی طراحی شود که تمام امور در هر دو زمینه جغرافیایی و عملکردی، را تحت پوشش قرار دهد. در چنین شرایطی هماهنگیها و روابط بین سازمانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که تمام سازمانها و ادارات موثر و مسئول امور شهری باید در قالب یك سیستم هدفمند و هماهنگ عمل کرده و به‌ایفای مسئولیتهایشان بپردازند شمول مدیریت شهری بر برنامه‌ریزی شهری: مطابق بااصول علمی مدیریت، برنامه‌ریزی شهری جزو وظایف و عناصر اصلی سیستم مدیریت شهری محسوب می‌شود. براین اساس برنامه‌ریزی فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی برای یك شهر، تحت نظارت و هدایت سیستم مذکور انجام می‌گیرد. قابلیت انطباق چارچوب سازمانی با ماهیت چند عملکردی مدیریت شهری: چارچوب سازمانی باید به‌نحوی طراحی شود که تمام عناصر و وظایف سیستم از امور اجرایی روزمره و بسیار جزیی تا برنامه‌ریزیها و سیاستگذاری‌های درازمدت و کلان مورد توجه قرار گرفته و از جایگاه متناسب در الگوی طراحی شده برخوردار باشند. لزوم طراحی چارچوب سازمانی و تشکیلاتی چندسطحی و چندلایه‌ای برای سیستم مدیریت شهری و ماهیت متنوع و چند عملکردی مدیریت شهری ایجاب می‌کند که سیستم مدیریتی مربوط به آن به‌صورت چندسطحی طراحی و اجرا شود به‌گونه‌ای که هر سطوح بتواند پاسخگوی ملاحظات و نیازهای ناشی از هریك از گونه‌های عملکردی سیستم باشد. برهمین اساس، سیستم مدیریت شهری را می‌توان متشکل از سه سطح مدیریت دانست:(۱۴)الف: مدیریت سیاسی – اجتماعی و نهادی، که مستلزم افزایش قدرت سیاسی شهروندان و یا نمایندگان انتصابی استب : مدیریت سازمانی که مستلزم انتقال مسئولیت برای برنامه‌ریزی، مدیریت و مالکیت و تخصیص منابع از حکومت مرکزی به سازمان زیربخشی یا سطوح مدیریت شهری است(۱۵)ج : مدیریت اجرایی و فنی.۶ – تعیین معیارهای ارزیابی سیستم علاوه بر معیارهای عمومی مدیریت خوب از قبیل کارآیی، شفافیت، قابلیت محاسبه و مشارکت، ارزیابی سیستم مدیریت شهری به‌صورت نظری به‌شرح مواد پنجگانه زیر تدوین می‌شود: کارآیی در استفاده از منابع مالی انسانی و کالبدی از طریق شیوه‌های مناسب بودجه‌گذاری، ارزیابی پروژه مدیریت پرسنلی و اجرایی طرحها قابلیت ادامه

حیات مالی بر مبنای بهره‌برداری کامل از بنیان درآمدی منابع محلی و مدیریت مالی و منطقی حساسیت نسبت به نیازهای ناشی از رشد روزافزون شهری و برخورداری از توانایی لازم برای برنامه‌ریزی توسعه شهری و تامین خدمات آن، قبل و یا حداقل همگام با ایجاد تقاضا حساسیت نسبت به نیازهای ناشی از فقر شهری و بهادادن به نظرات عمومی برای بهبود و دسترسی آنان به مسکن، خدمات اولیه و اشتغال توجه به حفاظت محیطی از طریق فراهم ساختن خدمات عمومی و تنظیم فعالیت بخش خصوصی.۷ - ویژگیها و شرایط محیطی موفقیت و کارایی مدیریت شهری منوط به توجه جدی به شناسایی و تحلیل عوامل محیطی و برون سیستمی و تاثیرات آنها دارد. برهمین اساس موارد زیر ضروری و قطعی است: لزوم هماهنگی با سطح توسعه یافتگی و ارتباط متقابل توسعه انسانی: سیستم مدیریت شهری باید به‌عنوان ابزاری برای توسعه انسانی پایدار و مشارکتی شهر و کشور طراحی و تدوین شود لزوم حضور عناصر منتخب شهروندان در سیستم: ارتباط مستقیم مدیریت شهری با شهروندان و خواسته‌های آنان و نیز مشارکت آنان در مدیریت شهری ایجاب می‌کند که عناصر تصمیم‌گیری و سیاستگذاری آن به‌وسیله شهروندان انتخاب و تعیین شوند، و از این طریق همسویی و هماهنگی مدیریت شهری با خواسته‌های شهروندان به‌عنوان موکلین مستقیم تضمین شود.(۱۶) دکتر هلن مارتز این نوع مشارکت را بالغ می‌نامد و خاطر نشان می‌سازد که چنین مشارکتی می‌تواند موثرترین نقش را در مدیریت شهری داشته باشد. لزوم تعیین دقیق جایگاه مدیریت شهری در نظام اداری و سیاسی کلان جامعه برای طراحی سیستم مدیریت شهری و افزایش امکان موفقیت آن.۸ - سخن آخر نظام تصمیم‌گیری در هر شهر، بمثابه یک سیستم دارای عملکرد است و عناصر و روابط موجود در آن می‌بایستی به پیروی از کل سیستم عمل کرده و همواره ارتباط آن را با عناصر خارجی سیستم به‌صورت تعاملی حفظ کند و چنانچه هر یک از عناصر یا روابط از حالت معقول خود خارج گردد سیستم را با مشکل مواجه خواهد ساخت. از اینرو، نظام تصمیم‌گیری شهر با هدف اداره امور شهر و تامین محیط مناسب زندگی برای شهروندان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از سیستم حکومتی بوده که باتوجه به ساختار سیاسی کلان کشور نسبت به پیگیری امور اقدام می‌کند. عمده اهداف این سیستم در جهت اهداف کلان حکومت است. باتوجه به موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که نظام تصمیم‌گیری شهری به‌عنوان یک سیستم باز برای خود اهداف، محیط، منابع و شیوه‌های خاص اجرایی را داراست و چنانچه هریک از این عوامل به‌عللی به رکود کشیده شود سیستم دچار اختلال گردیده و نمی‌تواند به عملکرد بهینه خود بپردازد و لذا ضروری است که همواره: دیدگاه سیستمی به نظام مدیریت شهری تسری داده شود شرایط و محیط مورد نیاز برای فعالیت سیستم مدیریت شهری مهیا گردد به نقش مردم و مشارکت آنها در مدیریت شهری اهمیت داده شود ارتباطات درون سیستمی و برون سیستمی به گونه‌ای برقرار گردد که حداکثر بازدهی را برای اهداف سیستم ارائه دهد.(۱۷)

منابع و ماخذ۱ - زاهدی‌فر، محمدحسین پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳، ص ۱۰.۲ - INNOVATIVE URBAN MANAGEMENT PRACTICES, THE URBAN AGE "VOL.۳ N۴" JANUARY ۱۹۹۶.۳ - زاهدی‌فر پیشین صص ۱۵-۱۴.۴ - نقش نوین شهرها و مساله مدیریت، ویژه‌نامه مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران ص ۷.۵ - نوید رضوانی سعید دفتر مطالعات برنامه‌ریزی وزارت کشور ص۴.۶ - کاظمیان شیروان غلامرضا پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۳.۷ - همان ص ۵۵.۸ - بیگی فریدون مجله تدبیر شماره ۵۵ شهریور ۷۳، ص ۲۴.۹ - هاشمی، فضلا... (حقوق شهری و قوانین شهری) وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، چاپ اول ۱۳۶۷ صص ۱۱-۱۰.۱۰ - ابراهیمی، محسن (مجموعه مقالات شهر سالم، مدیریت شهری) ناشر اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران ص ۸۳.۱۱ - کاظمیان، پیشین، ص ۵۶.۱۲ - نقش شهرها و مساله مدیریت، پیشین ص ۷.۱۳ - ELEMENTS OF URBAN MANAGEMENT, - PREPARED BY, ILGS, THE UNIVERSITY OF BIRMINGHAM, UNITED KINGDOM. PP.۱۲,۱۳۱۴ - رضویان، محمد تقی انتشارات شروین، چاپ اول، ۱۳۷۴ ص ۱۶.۱۵ - کاظمیان پیشین صص ۶۲-۶۱.۱۶ - BY. HELEN. E.

MARTZ, CITIZEN PARTICIPATION IN GOVERNMENT WASHINGTON, PUBLIC AFFAIRS
PRESS, ۱۹۸۴. P.۲(۱۷ – زاهدی‌فر، پیشین ص ۱۸.

اسکان غیررسمی و مدیریت شهری

، ۰۸:۳۳ اسکان غیررسمی و مدیریت شهری

جریان توسعه شهری در ایران طی ۲۰ سال گذشته باعث شد جمعیت شهر نشین بالغ بر ۲ برابر شود و پیش‌بینی‌ها حکایت از ادامه سریع این رشد دارند.در حال حاضر سرعت توسعه شهری از ظرفیت و توانایی دولت و شهرداری‌ها در گسترش زیر ساخت‌ها و ارائه خدمات و ایجاد اشتغال پیشی گرفته است. در نتیجه پدیده اسکان غیررسمی به سرعت و به صورتی بی‌قاعده گسترش یافته است.آمارها حکایت از آن دارند که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کلانشهرها و حتی بسیاری از شهرهای متوسط در زیستگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها اسکان یافته‌اند که این مناطق جایگاه فقیرترین گروه‌های جمعیت‌شهری هستند و معمولا سطح زندگی ساکنان این مناطق پایین‌تر از خط فقر یا حداکثر همسطح آن است. جمعیت ساکن این مناطق که اکثریت‌شان را مهاجرانی از مناطق روستایی تشکیل می‌دهند به شدت گرفتار بیکاری هستند.بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اصولا رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و نامنظم و شکل گیری جزیره‌های فقر در حاشیه و درون شهرها به‌دلیل حذف اقشار کم درآمد از نظام برنامه‌ریزی یا لحاظ نکردن آنها به صورت فعال به‌عنوان گروه‌های هدف در سیاست‌گذاری‌هاست. مطالعات بیانگر این موضوع است که اسکان کم درآمدها و ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های نابسامان شهری از موضوعات و مسائل مهم توسعه شهری کشور است.در کشور ما نیز اسکان غیررسمی با رشدی سریع‌تر از رشد شهر نشینی یا به تعبیری رسمی مواجه بوده و در واقع اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که درون یا مجاور شهرها به شکل خودرو فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد. در واقع حاشیه نشینی پدیده‌ای‌است که در طول ۶۰ سال گذشته در شهرهای بزرگ ایران پدیدار شده و خانوارها و افرادی را که در مجاورت شهرها، در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند، در بر می‌گیرد. حاشیه نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصاد شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند.جاذبه‌های شهری و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه‌شان کنده و به سوی قطب‌های صنعتی بازار کار می‌کشاند. این ها اکثرا مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند.بنابراین می‌توان تمامی افرادی را که در جامعه شهری از نظر درآمد یا بهره‌مندی از خدمات در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند، حاشیه نشین به شمار آورده یا تمامی مهاجران روستایی را در این دایره داخل کرد؛ ولی مفهوم پدیده را این چنین وسعت بخشیدن هرگز نمی‌تواند راه‌حلی در برابر مشکلات ارائه کند، زیرا در یک اقتصاد آزاد چگونه می‌توان حد مطلوب رفاه را مشخص کرد؟ این حد مطلوب آمادگی، توانمندسازی، مهارت، فعالیت و توانایی افراد وابسته است ●.حاشیه نشینی قبل از انقلابمطالعات کارشناسان مسائل شهری نشان می‌دهد تا سال ۱۳۲۰ اقتصاد شهر و روستا نسبتا توازن داشت. شروع حرکت‌های مهاجرتی و آغاز توسعه شهرنشینی معاصر ایران مقارن سال‌های ۱۳۲۰ تا ۳۲ است. در این دوره بر اثر نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی، اقتصاد ایران دستخوش رکود و طرح‌های نوسازی و توسعه نیز متوقف می‌شود و روند تحولات اقتصادی و عمرانی کشور از ادامه باز می‌ماند. از آنجا که روند توسعه نوسازی عمدتا روندی شهری بوده، در این دوره به‌طور کلی حیات شهری مختل می‌شود و به‌رغم افزایش بیکاری در روستاها به مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها نمی‌انجامد، زیرا جذب بیکاران روستایی نیازمند وجود قطب‌های اقتصاد شهری است که به علت رکود فعالیت‌های اقتصادی در شهر جاذبه کافی برای مهاجرت بیکاران روستایی پدید نیامده است.با همه اینها مهاجرت آرام روستائیان به سایر نواحی همواره متداول بوده است. هنگامی که عرضه نیروی کار در جامعه روستایی بیش از تقاضای آن بوده، نیروی کار

اضافی روستایی از دیر باز جریان داشته و در واقع جابه‌جایی طبیعی جمعیت بوده است که بنابر شرایط عرضه و تقاضای نیروی کار خودبه‌خود تعادل داشته را برقرار کرده است.مهاجرت روستایی در این دوره الزاما به سوی شهرها نبوده است، بلکه کشاورز از روستایی به روستایی دیگر سفر و با همیاری و مشارکت کشاورزان محلی کار می‌کرد و با محیط اجتماعی جدیدی که همانند محیط زندگی او در زادگاهش بود، آشنایی داشت. به علاوه مهاجرت، فصلی و موقت بود نه دایمی و هنگامی که کار و فعالیت در محیط روستایی تمام می‌شد، مهاجر دوباره به زادگاهش برمی‌گشت. این حرکت پویا همواره در زندگی اقتصادی او ادامه داشت، گاهی نیز گروهی به صورت فصلی و موقت به شهرها روی می‌آوردند، بی‌آنکه از زادگاه خود جدا شوند. هنگامی که آنان در روستا کاری برای انجام نداشتند به شهرها و روستاهای دیگر می‌رفتند و سپس در فصل کشت و زرع راهی روستاها می‌شدند.از این دوره به بعد راب طه نسبتا مقابل و موزون شهر و روستا که با جذب مازاد اقتصادی روستا توسط شهر به پیدایش شبکه منسجمی از شهر و روستا انجامیده بود، بر هم خورد.از سال ۱۳۳۲ به بعد با اجرای برنامه‌های عمرانی، دوباره روند نوسازی در شهرها پاگرفت و به اتکای درآمد نفت به‌عنوان مهم‌ترین منبع ورود مازاد اقتصادی به شهرها، طرح‌های زیربنایی شهری و توسعه صنعتی به اجرا درآمد. از این دوره به بعد، روند در حاشیه ماندن کشاورزی و روستائیان آغاز شد و آنان دیگر چاره‌ای جز مهاجرت به شهرها نداشتند. با وجود اصلاحات ارضی، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، صنعتی و زیر بنایی و خدمات اجتماعی در شهرها گسترش یافت.به تدریج شهرهای بزرگ و پایتخت کشور به مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی یا فراگیر و تمرکز سرمایه و امکانات و تسهیلات عمومی و رفاهی تبدیل شد. پیداست که در دهه ۴۰ با کاهش نقش کشاورزی در اقتصاد ملی و رکود شدید اقتصادی در روستاها و بی‌زمین شدن میلیون‌ها کشاورز و تبدیل شدن آنها به خوش نشین و از سوی دیگر رشد همه جانبه اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی ، زندگی شهری، روند مهاجرت نیروی کار از روستاها به شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و پایتخت، شتاب گرفت.از این زمان به بعد روستائیان تهیدست، بی‌زمین یا کم زمین از روستاها به شهرهای بزرگ، یعنی به مراکز اصلی تولید و خدمات سرازیر شدند و عرضه نیروی کار بر تقاضای آن فزونی گرفت و به تدریج از سال‌های ۱۳۳۵ به بعد مهاجران تهیدست روستایی در محدوده شهرها، در اراضی بایر یا غصبی با مواد و مصالح نامناسب از قبیل حلب، چوب، حصیر، لاستیک فرسوده و خشت و گل و آجرهای فرسوده و با همیاری یکدیگر سکونت‌گاه‌های محقر و فاقد خدمات زیربنایی و رفاهی در محیطی آلوده و غیربهداشتی برپا می‌کردند و در آنجا سکنی می‌گزیدند. نخستین زاغه‌ها در سال‌های ۲۰ تا ۲۵ در جنوب شهر تهران و در ویرانه‌های سابق کوره‌های آجرپزی جنوب شهر به وجود آمدند . کسانی که در این زاغه‌ها و گودها زندگی می‌کردند، هم تهیدستان شهری و هم مهاجران روستایی و کارگران ساده ساختمانی بودند.در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ آلونک‌های بهجت آباد در اراضی بایر خارج از محدوده شهر تهران در شمال شهر بوستان و بعد آلونک‌های منطقه جنوبی فرودگاه مهرآباد و حلبی‌آباد منطقه راه‌آهن و سایر حلبی آبادهای داخل محدوده و خارج از محدوده شهری در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ در تهران به وجود آمد. از سال ۴۵ تا ۵۰ نیز مهاجرت بی‌رویه از مناطق مختلف به شهرهای بزرگ و پایتخت شتاب بیشتری گرفت و از این زمان شکل حاشیه نشینی شهری به‌عنوان یک شکل اجتماعی شهری و ساختاری خودنمایی کرد ●.حاشیه نشینی بعد از انقلابانقلاب اسلامی موجب در هم شکستن مقاومت‌های اداری در مقابل رشد حاشیه‌های شهری و ادغام نواحی حاشیه‌ای در شهر شد، حتی در بخش عمده تصرف اراضی، در سال‌های اولیه پس از انقلاب روی داد. با از میان رفتن نظام کنترل و نظارت بر توسعه شهری و افزایش قدرت اجتماعی اقشار کارگری و کم درآمد محله‌های حاشیه‌ای مجاور شهر دوباره به درون مرزهای رسمی آن خزید. مساحت شهر طی این سال‌ها ۲ برابر شد اقشار کم درآمد برای تملک زمین و ساخت سریع مسکن به نواحی شرقی و جنوبی شهرها هجوم آوردند. میزان مالکیت مسکن در شهر تهران در فاصله این سال‌ها از ۵۳ درصد به ۶۲ درصد خانوراهای شهری افزایش یافت که حدود نیمی از واحدهای مسکونی شناخته شده طی این سال‌ها بدون جواز شهرداری بود. رکود اقتصاد ناشی از انقلاب در سراسر کشور و کاهش کنترل مدیریت شهری، به

علاوه برخی سیاست‌های اعلام شده در حمایت از مستضعفان، مجددا تهران را به مرکز مهاجرت‌های کشور تبدیل کرد.حدود ۳۵ درصد از مهاجرت‌های بین استانی در فاصله سال‌های ۵۶-۱۳۵۵ به استان تهران صورت گرفت که در مقایسه با دهه قبل بسیار بالاست، اما با پایان جنگ و تقویت نظارت‌ها و کنترل‌های رسمی بر ساخت و ساز در شهری مثل تهران و شروع برخی طرح‌های عمرانی در این استان کم‌کم از روند مهاجرت کاسته شده و سهم منطقه کلان شهری از مهاجرت‌های بین استانی دوباره به حدود ۲۷ درصد کاهش یافت. چنانچه رابطه شهر و حاشیه را در دوره پس از انقلاب مورد توجه قرار دهیم می‌توان به این نتیجه رسید که به‌رغم رشد و ادغام محله‌های حاشیه‌ای تهران در سال‌های اولیه انقلاب درون شهر فاصله شهر و حاشیه طی دهه دوم پس از انقلاب رشد کرده است. http://ahwaznews.com/archive/۰۰۶۹.php

ابزاری برای حل مشکلات مدیریت حمل و نقل شهری

RFID ابزاری برای حل مشکلات مدیریت حمل و نقل شهری

وحید برادران – علی هزاوه

چکیده: رشد روزافزون وسائط نقلیه عمومی و افزایش سریع خودروهای شخصی در کلانشهرها هر روز بیش از پیش وضعیت ترافیکی شهر را پیچیده تر و زندگی در آنها را مشکلتر می کند، نیاز به سیستمهای هوشمند کنترلی و راهبردی که امکانات آن در داخل کشور

تولید شود بیش از گذشته لازم و ضروری بوده و نیازی مبرم و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. استفاده از تکنولوژی روبه گسترش RFID راه حل مناسبی برای حل مشکلات ترافیکی و مدیریت حمل و نقل شهری بخصوص در کشورهای در حال توسعه است. در این مقاله استفاده از RFID در مدیریت حمل و نقل شهری پیشنهاد شده و کاربردها و مزایای بالقوه ی راه حل پیشنهادی بیان می شود. کلمات کلیدی: RFID، مدیریت حمل و نقل شهری، ترافیک، حمل و نقل عمومی، ردیابی وسایل نقلیه ۱- مقدمه فنآوری RFID باعث بوجود آوردن جو متشنج و هیجان‌زده‌ای در چند سال اخیر در عرصه تولید و خدمات شده‌است. در حالیکه این فنآوری در چند دهه قابل دسترسی بوده، اما در قرن ۲۱ ، یک عصر و دورهٔ جدیدی در گسترش استفاده از RFID بوجود آمده است. بطوری که یک شر کت تولید کننده تجهیزات این تکنولوژی به تنهایی در سال ۲۰۰۶ نزدیک ۱.۳ میلیارد برچسب RFID فروخته است. [۱] از طرفی حمل و نقل و مسائل مرتبط به آن همراه یکی از مشکلات زندگی شهری به شمار می رود. مدیریت و برنامه ریزی حمل و نقل و ترافیک شهری راهکاری است برای حل معضلات ترافیک شهرها, که در اکثر جوامع مورد توجه بوده است. ردیابی وسایل نقلیه و تعیین موقعیت آنها و پی آیند آن راهبری و کنترل حرکت وسایل نقلیه در محیطهای شهری از اصول برنامه ریزی و مدیریت شهری است. از نظر ابعاد امنیتی و اجتماعی, همواره کنترل و ردیابی وسائل نقلیه در مدیریت شهری موسوم به AVL سبب شده است که سیستمهای مختلفی جهت این منظور, آزمایش و به اجراء درآیند, مرسوم‌ترین آنها GPS است که از طریق شبکه ماهواره‌ای موقعیت وسایل نقلیه تعیین و به سیستم کنترل حمل و نقل ارسال می‌شود. کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که خودشان این تکنولوژی را در اختیار ندارند می‌بایست خدمات مورد نظر را از کشورهای صاحب تکنولوژی خریداری نمایند که خود هزینه‌های بسیاری را بر آن کشورها تحمیل خواهد نمود و متعاقب آن سیستمهای مدیریت حمل و نقل شهری بر پایه این تکنولوژی نیز عملکرد مناسبی نخواهند داشت. همچنین امروزه نظارت، کنترل و برنامه‌ریزی جهت مسائل ترافیکی و مدیریت شهری, استفاده از ابزاری دقیق و تکنولوژیهای پیشرفته را طلب می‌کند. با عنایت به دقت بالا و هزینه پایین تکنولوژی RFID و عدم پیچیدگی دستیابی به این تکنولوژی می توان از آن در ردیابی و کنترل وسایل نقلیه در سیستمهای موقعیت سنج خودکار استفاده نمود. در این مقاله فنآوری RFID بعنوان ابزاری در ردیابی وسائل حمل و نقل در داخل محیطهای شهری معرفی

شده و کاربردهای بالقوه ای که از استفاده این تکنولوژی در مدیریت حمل و نقل شهری قابل دستیابی است به تفسیر بیان می شود. در بخش دوم مروری بر کاربردهای RFID در صنعت حمل و نقل خواهد شد و در بخش سوم ماهیت و اجزاء این تکنولوژی به اختصار بیان می شود. بخش چهارم به مزیت های استفاده از این تکنولوژی در مدیریت حمل و نقل شهری اختصاص یافته است و در بخش پنجم نتیجه گیری و راهکارهای حل مسئله بیان شده است. ۲- مرور ادبیات کاربردهای RFIDها تکنولوژی RFID برای اوّلین بار در دهه ۱۹۴۰ در جنگ جهانی دوم برای تشخیص جنگنده‌های نظامی خودی و دشمن از یکدیگر استفاده شده‌است. [۲] با پیشرفت تکنولوژی ، RFID ها نیز بطور سرسام‌آوری در حال رشد و تکامل هستند هر چند بعد از جنگ جهانی دوم از RFID ها برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می شده , ولی رشد آن در دهه ۱۹۹۰ به کندی پیش رفته است، اما تکنولوژیهای اخیر زمینه کاربردهای زیادی از RFID ها را فراهم آورده است. [۳] هر چند اکثر استفاده های RFIDها در محیطهای غیر از صنعت حمل و نقل بوده به عنوان مثال استفاده از RFID در حفظ امنیت خودروها در برابر سرقت, حفاظت از دارایی های افراد و موارد بسیاری که بعضی از آنها را می توان در [۲] و [۸] مشاهده کرد ولی می توان در ادبیات موضوع مواردی از کاربردهای RFID در صنعت حمل و نقل نظیر؛ پرداخت عوارض جاده‌ها، دسترسی به فضای پارکینگ‌ها، ردیابی پالتها، ردیابی کامیونها و واگنهای قطار، شناسایی و ردیابی حیوانات در باغ‌وحش‌ها و مناطق حفاظت‌شده زیست محیطی، انطباق چمدانها به مسافران در فرودگاهها و مدیریت زنجیره تأمین را مشاهده نمود.[۳] همانطور که قبلاً "بیان شد ردیابی وسایل نقلیه یکی از اجزای سیستم مدیریت حمل و نقل شهری است. مقالات متعددی در زمینه ردیابی نهادهای شناور در محیطهای مختلف با استفاده از تکنولوژی RFID ارائه شده است که با مقوله حمل و نقل بی ارتباط نیست.[۴] در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره می شود \ :کاربرد RFID در زنجیره تأمین و مدیریت موجودیها در انبارها. [۵], [۶] و [۱ \]استفاده از RFID در ردیابی بیماران و تجهیزات در بیمارستانها.[۷ \]ردیابی حیوانات خانگی با استفاده از [۸ . RFID \]ردیابی خودروهای تولیدی یک شرکت اتومبیل سازی در محوطه تولید و پارکینگ. [۹ \]ردیابی مسافران و چمدانهای آنها در محیطهای فرودگاهی با استفاده از برچسب های . RFID [۱۰ \]استفاده از RFID ردیابی کانتینرها در بارگیری کشتی ها. [۱۱ . . . \]۳- معرفی RFID RFIDدر لغت به معنای شناسایی از طریق بسامد رادیویی است. RFID در شکل ساده آن اشاره به یک وسیله الکترونیکی کوچکی دارد که مرکب از یک تراشه کوچک و یک آنتن است. سیستمهای RFID عموماً از سه جزء اصلی، Reader و دیگری برچسب و یک کامپیوتر که اطلاعات دریافتی از Reader را ثبت و پردازش می‌کند, تشکیل شده‌اند. فرایند عمل بدین‌صورت است که برچسب ها اطلاعاتی را دارند که باید توسط Readerبدون تماس از طریق هوا خوانده شوند و اطلاعات خوانده شده توسط Reader به کامپیوتر جهت پردازش ارسال می گردد که در شکل۱ جزئیات این تکنولوژی نشان داده شده است. RFID ها برخلاف روشهای دیگر مثل وسائل ارتباط نوری (مانند : Bar Code ها و تکنولوژی Infrared) قابلیت عبور اطلاعات را از هر مانعی که وجود داشته باشد, دارند و حتی می‌توان، برچسب ها را از چشم افراد پنهان کرد و یا در محیطهای آلوده نیز اطلاعات آنها را فراخوانی کرد. [۳] برچسبهای RFID ها بطور کلی در دو نوع مختلف وجود دارند, یکی برچسب هایی که در درون خود یک منبع تغذیه الکتریکی مثل باتری دارند و دیگری برچسب هایی که منبع تغذیه ای در خودشان ندارند. هر برچسب حاوی یک شماره شناسایی منحصر بفردی است که بوسیله یک بسامد رادیویی که عموما "در چهار فرکانس GHz ۲.۴۵ , MHz ۱۳.۵۶, KHz ۱۲۴ و MHz ۹۰۰۰ می باشد به Reader ارسال می شود. ظرفیت ذخیره سازی اطلاعات روی برچسب های RFID بسته به نوع آن متغیر است که روی برخی از آن می توان اطلاعات بیشتری ذخیره و یا بازیابی کرد. [۱۲] ۴- نقش استفاده از RFID در حمل و نقل شهری : با توجه به رشد روزافزون وسائط نقلیه عمومی و افزایش سریع خودروهای شخصی و با عنایت به اینکه هر روز شکل ترابری و ترافیک در کلانشهرها علی الخصوص تهران بیش از پیش رو به وخامت می‌رود و مشکلات مترتب برآن روز به روز دامنهٔ

وسیع‌تری می گیرد، نیاز به سیستمهای هوشمند کنترلی و راهبردی بیش از گذشته لازم و ضروری بوده و نیازی مبرم و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در اغلب کشورها با استفاده از سیستم‌های هوشـمند حمل و نقل(ITS)[۷] بر رفتـار حمل و نقل نظارت می کننـد. مرسوم ترین اجزاء سیسـتمهای هوشـمند حمـل و نقـل در ردیابی, GPS است که توسـط این تکنولوژی مختصـات جغرافیـائی وسـیله نقلیه بوسیله دستگاههای مخصوص از ماهواره‌های مربوطه دریافت و با استفاده از سیستمهای ارتباطی, موقعیت وسیله نقلیه جهت کنترل به مرکز راهبری سیسـتم ارسـال می شـود. نظر به آنکه متأسـفانه کشور مـا در حـال حاضـر فاقـد چنین تجهیزاتی است, لـذا می‌بایسـت خـدمات مورد نظر را از کشورهای دارنده تجهیزات و تکنولوژی مذکور خریداری نماید و بدیهی است که تدارک چنین خدمات و تجهیزاتی به ناچـار و خود بخود هزینه‌های هنگفتی را به اقتصاد کشور تحمیل خواهـد کرد. علاوه بر هزینه و نداشـتن تکنولوژی در داخـل کشور امنیت این سیسـتم نیز بوسـیله دسـتگاههای کوچکی به خطر می‌افتـد و باعث می‌شود که دسـتگاه GPS از کار بیفتـد. RFID مـا را قـادر می سازد تا با صـرف هزینه ای ناچیز سیسـتم حمل و نقل را با برچسب های حاوی ریز پردازنـده‌هائی مشـتمل بر طیف وسـیعی از اطلاعـات نظیر شـماره پلاک خودرو مجهز نموده و با اسـتفاده از آنتن‌هائی در مکان‌های از پیش تعیین شـده از آن طریق بر رفتـار آنـان نظارت و مـدیریت نمود. به عنوان نمونه براحتی می‌توان تابع توزیع تعـداد ترددها و زمان سـفر در بزرگراهها و خیابانها را بـدست آورد، همچنین به سـهولت ساعات ومعابر پیک‌های ترافیکی در سـطح شـهرها و بزرگراههای خارج از شـهرها را مورد شـناسائی قرارداده و بمنظور رفع مشکلات ناشی از آن برنامه‌ریزی نمود، حتی می‌توان فاکتورهای مختلف ترافیکی را بصورت علمی و دقیق مورد محاسبه قرارداده و راه‌حل‌های مربوط به بهبود آنها را ارائه داد. با الصاق برچسـبهای اشاره شـده بر روی ناوگان اتوبوسـرانی و نصب مانیتورهایی مناسب در ایسـتگاهها زمان ورود اتوبوس به ایسـتگاه بطور دقیق قابل پیش بینی خواهد بود. توسـعه این تکنولـوژی در اتوبوسـرانی کـار زمـان بنـدی و کنـترل حرکت اتوبوسـها و به دنبـال آن افزایش سـرعت خـدمت دهی و کـاهش معضـلات ترافیکی را به همراه خواهد داشت. توضیح اینکه ایالت تگزاس ایالات متحده هم اکنون مجهز به سیستم فوق الاشاره بوده و از مزایـای آن بهره منـد میگردد. [۱۳] ترافیـک شـهری شامل فاکتورهای مختلفی است که انـدازه گیری دقیق آنها می‌تواننـد تا حد زیادی نهادهای ذیربط در امور مربوط به ترافیک را یاری داده و آنانرا در بهبود شـرایط کمک نماید. Readerبرچسبا استفاده از سیستم RFID علاوه برآنکه می‌توان محـدوده‌های تعریف شده ترافیکی را براحتی کنترل و نظارت نمود، همچنین قادر خواهیم بود که سـرعت حرکت وسائط نقلیه را محاسبه و کنترل نمائیم و پایگاه مرکزی نظارت بر ترافیك با اسـتفاده از برچسب‌های نصب شده بر روی هر خودرو همزمان سرعت یکایک آنان را تشخیص داده و در صورت وجود تخلف مستند به اطلاعات موثق موجود با آنان برخـورد نمایـد. از دیگر مزایـای سیسـتم مـورد نظر تشـخیص مـدت زمـان دقیـق ورود وسائـط نقلیه مختلف به محـدوده‌های ممنوعه ترافیکی و نیز عمق ورود آنان به محدوده مذکور بوده و اطلاعات بدست آمده از برچسب‌ها راه برخورد عادلانه و در خور هر گونه تخلفی را هموار خواهد ساخت. همچنین ردیابی وسائط نقلیه عمومی ملزم به ارائه خدمات به شـهروندان نظیر اتوبوسـها، تاکسـی‌ها ، مینی‌بوس‌ها و سواری‌های خطی و حضور و عـدم حضور آنان میسـر گردیـده و مبالغ قابل توجهی در زمینه بازرسـی خطوط مذکور صرفه‌جوئی صورت خواهد گرفت. شـکل۲- ثبت سـرعت در خیابانهـابطور کلی می‌توان گفت که بکارگیری سیسـتم RFID برای ارگانها و مؤسساتی که بطور مستقیم و غیر مستقیم با صنعت حمل و نقل سروکار دارند موجب سهولت کنترل وسائط نقلیه، ردیابی، نظـارت، برنـامه‌ریزی و اعمـال تـام و تمـام جوانب قـانون خواهـد بود. ارگانهـا و سازمانهـایی نظیر وزارت راه و ترابری، راهنمـائی و راننـدگی نیروی انتظـامی، سازمانهـای حمـل و نقـل و کنترل ترافیـک، تاکسیرانی، اتوبوس‌رانی و سازمـان حمـل و نقل و پایانه‌های کشـور می‌تواننـد از مزایـای ایـن سیســتم بـه حـد کـافی بهره‌برداری نماینـد. بصـورت خلاـصه و بـه شـکل اجمـال می‌تـوان مزایـا و کارکردهای سیستم RFID در صـنعت حمـل و نقـل را بصورت ذیل بر شـمرد : ۷ مدیریت ترافیك شـهری. ۷ جمع‌آوری اطلاعـات دقیق نسـبت به رفتـار حمل و نقل . ۷ ردیـابی وسائط نقلیه عمومی ملزم به ارائه خـدمات حمـل و نقل . ۷ کنترل

سرعت وسائط نقلیه. ٧ کنترل محدوده‌های طرح ترافیک. ٧ حذف جایگاههای عوارضی. ٧ رعایت عدالت در زمینه برخورد متناسب با تخلفات دارندگان وسائط نقلیه. ٧ شناسائی وسائل نقلیه پر تردد شخصی ٧ شناسائی نقاط حادثه خیز و بطور کلی شناسائی نقاط تصادف و برخورد وسائط نقلیه . ٧ ارائه طرح پرداخت مقدار مالیات براساس میزان سفر. ٧ استفاده از اهرم سوخت علیه وسائط نقلیه فاقد برچسب شناسائی و دیگر وسائط نقلیه‌ایی که به پرداخت جرائم و عوارض سالیانه اقدام نمی‌نمایند.و سرانجام اینکه امروزه در تمامی کشورهای پیشرفته جهان کاهش هزینه و استفاده از تکنولوژیهای جدید در جهت امور فوق الذکر مدّنظر بوده و مورد عنایت است. سیستم RFID هزینه‌ای در حدود ۳.۰۰۰ ریالی برای هر خودرو خواهد داشت که هزینه تراشه و برچسب مورد اشاره است که در مقایسه با هزینه‌های سرسام‌آور دیگر سامانه‌های مشابه حقیقتاً هزینه‌ایی ناچیز است . با نصب برچسب‌های مورد بحث برروی هر وسیله نقلیه می‌توان براحتی رفتار آنان را زیر نظر گرفت و با توجه به اینکه برچسب‌ها غیر قابل کپی‌برداری توسط اشخاص می‌باشند از ایمنی بالائی برخودار خواهند بود و در صورت موافقت سازمانها و نهادهای ذیربط می‌توان تمامی اجزاء آنها را در داخل کشور تولید و زمینه های اشتغال زایی را در کشور ایجاد نمود. ۵- نتیجه گیری همانگونه که گفته شد استفاده از RFID در صنعت حمل و نقل باعث نظارت ، کنترل و برنامه‌ریزی بهتری در این زمینه می گردد. چرا که به کارگیری چنین تکنولوژی با توجه به عدم پیچیدگی زیاد و با عنایت به کاربردهای فراوان در آینده ای نه چندان دور سبب پیشرفتهای چشم‌گیری خواهدشد. مزایا و کاربردهای عنوان شده تکنولوژی RFID در صنعت حمل ونقل را می‌توان بصورت شکل ۳ خلاصه نمود. محاسبه فاکتوری ترافیکی مدیریت آسان شهری ردیابی وسائل نقلیه عمومی و خصوصی ایمنی فراوان کنترل سرعت کاهش هزینه‌های نیروی انسانی عدالت RFID در صنعت حمل و نقل شکل۳- مزایای راهکار پیشنهادی راهکار اجرایی که به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از آن تمامی وسائط نقلیه را به برچسبهای مورد نظر مجهز نمود، ارائه در جایگاههای مصرف سوخت می‌باشد چرا که هر وسیله نقلیه می‌بایست از سوخت استفاده نماید, پس بنابراین به این جایگاهها مراجعه می‌نماید ومی‌توان در آن مکان برچسب مورد اشاره RFID را نصب و مشخصات خودرو را در نرم‌افزار تهیه شده وارد نمود. علی‌ایحال با توجه به موارد ذکر شده, مشکلاتی نیز جهت استقرار تکنولوژی RFID در کشور وجود دارد که بطور خلاصه می‌توان: نبود زیر ساخت‌ها (آنتن‌ها) در مکان‌های مورد نظر، نبود سیستم نرم‌افزاری رایانه‌ای جهت تحلیل و کنترل وسایل حمل و نقل و ناهماهنگی بین متولیان و استفاده کنندگان از اطلاعات جمع آوری شده توسط اینگونه تکنولوژیها را عنوان نمود که برای استفاده از تکنولوژی RFID در آینده می‌بایست از هم‌اکنون به ایجاد موارد مطرح شده اقدام نمائیم. ۶- مراجع

[۱]- Chang, Y. S. Oh, C. H. Whang, Y.S. Lee, J.J. Kwon, J. A. Kang, M.S. Park, J.S. Park, U.Y. “Development of RFID Enabled Aircraft Maintenance System” ,In Proceeding of International Conference on Industrial Information, pp. ۲۲۴-۲۲۹, ۲۰۰۶.[۲]-Ollivie, M.M. “RFID - A Practical Solution For Problems You Didn’t Even Know You Had!”, The Institution of Electrical Engineers, ۱۹۹۶.[۳]-Tuttle, J.R. “Traditional And Emerging Technologies And Applications In The Radio Frequency Identification (RFID) Industry”, Radio Frequency Integrated Circuits Symposium, ۱۹۹۷.[۴]-Pradip, D., Kalyan, B. Sajal, K. D. “An Ubiquitous Architectural Framework and Protocol for Object Tracking using RFID Tags” In Proceedings of the First Annual International Conference on Mobile and Ubiquitous Systems: Networking and Services (MobiQuitous’۰۴),۲۰۰۴[۵]-Lei, Ye Henry, C. B. Chan “RFID-based Logistics Control System for Business-to-Business E-commerce“, In

Proceedings of the International Conference on Mobile Business, ۲۰۰۵.[۶]- Glidden, R. “Design of ultra-low-cost UHF RFID tags for supply chain applications”, Communications, Vol. ۴۲, No. ۸, pp. ۱۴۰-۱۵۱, Aug. ۲۰۰۴.[۷]- Sangwan, R. S. “Using RFID Tags for Tracking Patients, Charts and Medical Equipment within an Integrated Health Delivery Network” , In Proceeding of Networking, Sensing and pp. ۱۰۷۰- ۱۰۷۴, ۲۰۰۵.[۸]-Garfinkel, S. Juls, A. Pappu R. “RFID Privacy: An Overview of Problems and Proposed Solutions”, Proceeding of Security & Privacy, MAY/JUNE ۲۰۰۵.[۹]-Kim, J. Kumara S. R. T. Yee S. Tew J. “Dynamic Shipment Planning in an Automobile Shipment Yard using Real-Time Radio Frequency Identification (RFID) Information” Proceedings of the ۲۰۰۵ IEEE International Conference on Automation Science and Engineering Edmonton, Canada, August ۲۰۰۵.[۱۰]-McCoy, T. Bullock, R.J. Brennan, P.V. “RFID for Airport Security and Efficiency”, In Proceeding of Professional Network, ۲۰۰۵.[۱۱]-Park, J.S. Oh, S. Cheong, T. Lee, Y. “Freight Container Yard Management System with Electronic Seal Technology” International Conference on Industrial Informatics, ۲۰۰۶[۱۲]-Mudigondal, M. Ramani, A. Subramanian V.” Applications of RFiD in Public Transport Sygtem to Aid the Visually Challenged”, IEEE Indicon ۲۰۰۵ Conference, Chennai, India, Dec. ۲۰۰۵. [۱۳]- Swedberg, C. “RFID Improves ETA Info for Bus Passengers”, RFID Journal, Sept. ۲۰۰۶.

بررسی دلایل رفتار قانونگریزی شهروندی

علیرضا فتحعلی- میثم نادری

چکیده: هدف از این مقاله بررسی میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون گریزی شهروندان در جامعه و سازمانها می باشد.همانطور که میدانیم،یکی از معضلات مهم جامعه امروز،فرار از قانون در هر زمینه ای است که متاسفانه مشکلات زیادی را برای خود مردم ایجاد کرده

است.در این مقاله سعی میشود به روش مطاعات کتابخانه ای عوامل اجتماعی مهمی که باعث قانون گریزی افراد جامعه میشود را مورد بحث قرار دهیم وسپس با استفاده از یک تحقیق میدانی، هر یک از عوامل فوق را در جامعه آماری سازمان های ایرانی مورد سنجش قرار دهیم.مقدمه:بر اساس سیاست های مدیریت دولتی نوین و بر خلاف اصل رفاه عمومی همگانی یا رفاه همه شهروندان، برنامه های طراحی شده برای افراد کم درآمد در بیشتر کشورها محدود شده است و گاه شهروندان عادی از جرگه تدارک خدمات دولت محروم شده اند. این بازنگری در ترکیب دریافت کنندگان خدمات بیانگر کاهش مردم سالاری در مدیریت دولتی نوین است.تضعیف بخش دولتی/ تضعیف نقش موثر اجتماعی/ اقتصادی فعالیت های مدیریت دولتی جامعه یکی از روندهای مدیریت دولتی نوین است که به افول مردم سالاری و مخدوش شدن رفاه عمومی می انجامد. در واقع با انتقال بخش عظیمی از دارایی های عمومی به بخش خصوصی و فروش بنگاه های عمومی سودآور دولت، ظرفیت خدمات عمومی دولت نیز کاهش می یابد.تضعیف پاسخگویی عمومی، با حاکمیت منطق بازار به شیوه مدیریت دولتی نوین، چالش های جدیدی در زمینه های مختلف جامعه ایجاد کرده است.که یکی از مهمترین این چالشها،مسئله قانون گریزی است.اغلب نظر سنجی ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون

گرایی در بین ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی شود. این تحقیقات را که اغلب نگاهی تاریخی به چرایی عدم نهادمندی قانون در جامعه ی شرقی و ایران دارند می توان به دو دستهٔ کلی تحقیقات سیاست بنیاد و اقتصاد بنیاد تقسیم کرد. تحلیل «سیاست بنیاد» از غیبت قرارداد اجتماعی و جامعهٔ مدنی در شرق بر ماهیت و ساختار قدرت و دولت در مشرق زمین تاکید دارد. در این شیوهٔ تحلیل، قدرت در مشرق زمین ذاتاً مطلق ، یکپارچه و غیر قابل تقسیم است و همین امر مانع از شکل گیری گسترهٔ عمومی، نهادها، روابط اجتماعی و اقتصادی بوده که می توانست بین حاکمیت و دولت نقشی میانجی داشته باشد. این درحالی است که حاکمیت و دولت غیر متمرکز در غرب عامل ظهور نهادهای واسط و عمومی بین مردم و دولت و شکل گیری تدریجی قانون و قرارداد اجتماعی بوده است. تحلیل « اقتصاد بنیاد» از غیبت قرارداد اجتماعی، قانون و جامعهٔ مدنی در شرق، بر ماهیت مادی شرق و تفاوت آن با شرایط مادی غرب تأکید دارد. در این شیوهٔ تحلیل، شرایط مادی، که معمولاً با شرایط اقتصادی یکسان انگاشته می شود، اصالت داشته و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نسبت به آن « عرضی» قلمداد می گردد. به عبارتی صحیح تر، ساختارهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی (ایدئولوژی) تماماً بر روی ساختار اقتصادی (مادی) قرار می گیرند و لذا این ساختار مادی است که در تحلیل نهایی مشخص کنندهٔ ویژ گی های ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.بنابراین، ویژ گی مادی شرق و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن علت اصلی و محور غیبت قرارداد اجتماعی، قانون و جامعهٔ مدنی در شرق تلقی می شود (آبراهامیان، ۱۳۷۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷؛ رامتین، ۱۹۷۱).در تمامی این تحقیقات،میل به ارائه این موضوع مطرح است که مردم ایران هیچگونه تآثیری بر روند جامعه خویش ندارند. در اصل،در تمامی این تحقیقات، به دلیل تأکید یک سویه بر تاریخ اجتماعی ایران از پرداختن به زندگی روزمرهٔ مردم در وضع کنونی غافل مانده اند. آن چه در این تحلیل ها بر آن تأکید نشده است، نقش نظام های مدرن در رواج قانون و عمل به آن در جامعهٔامروز ایران است. نهادهای جامعه پذیری قانون به طور عام و نهادهای نظارتی به طور خاص از جمله این نظام ها هستند. می توان این دو نظام اساسی را در نهادمندی قانون نظام های نظارت و تنبیه نامید.در این مقاله ابتدا عوامل قانون گریزی در جامعه مورد بحث قرار میگیرد و سپس این عوامل بوسیله یک تحقیق مختصر میدانی در جامعه کنونی مورد بررسی قرار میگیردودر پایان نیز نظارت و بازرسی بعنوان و یکی از نظام های مدرن در رواج قانون مورد بحث قرار میگیرد.قانون گریزی به مثابهٔ رفتار نظام(مبانی نظری)قانون گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد. در این صورت، تحلیل چنین رفتاری را می توان به شیوهٔ کلمن (۱۳۷۷) « تحلیل درونی رفتار سیستم» نامید. در این شیوه، « تبیین رفتار نظام های اجتماعی مستلزم بررسی فرآیندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل دهنده یا واحدهای آن را در سطحی پایین تر از سطح نظام در بر می گیرد.» پیش فرض این شیوهٔ تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی، امکان مداخلات اجتماعی و بهبود اوضاع بیشتر می شود. چنین رویکردی به ویژه در مورد نظام های کم شمار و در وضعیت نبود داده های کافی کاربردی است، و در نهایت، تبیین در سطح اجزا رفتار آنها را قابل مطالعه و پیش بینی پذیر ساخته و تحلیل نظام را پایدار می کند.براساس چنین تحلیلی، قانون گریزی را میتوان به سه دسته ابزاری، اعتراضی(ناهمنوایی) و اخلاقی تقسیم کرد که ذیلاّ مورد بحث قرار میگیرند.۱. قانون گریزی ابزاریدر قانون گریزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبهٔ سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می پردازد و به این نکته آگاه می شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددیشرایط شکل گیری این نوع کنش را فراهم میسازد:۱-۱- ناکارآمدی نهادهای تشخیصیزندگی در اجتماع هر کنشگری را در مقام تجربه کارآمدی یا ناکارآمدی نهادهای کنترل اجتماعی قرار می دهد. به عنوان مثال، چند بار عبور غیرمجاز از خیابان یک طرفه یا چراغ قرمز بدون آن که کنشگر شناسایی و در نهایت تنبیه شود، امکان تکرار عمل را افزون می کند. در چنین موقعیتی نه فقط تنبیهی متوجه فرد قانون گریز نیست، بلکه پیامد مثبت و سودمندی هم برای وی به بار می آورد. گاهی اوقات ناکارآمدی نهادهای تشخیصی با کارآمدی شیوه های به کار رفته و توانایی کنشگر در پنهان

سازی کنش خویش تکمیل می شود.۱-۲- ناکارآمدی نهادهای قضایی و تنبیهیه نظر می رسد دو عامل قطعیت تنبیه و میزان (شدت) آن در درونی سازی امر قانونی تأثیر بسیاری دارد. صرف تشخیص امر غیر قانونی کافی نیست. کارآمدی نهادهای قضایی قدرت چانه زنی قانون گریزان را تقلیل می دهد. کنشگرانی که احساس کنند پس از شناسایی به طور قطع تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و پس از آن در تغییر وضعیت چندان موفق نیستند، التزام بیشتری به امر قانونی خواهند داشت.۱-۳- نابسامانی (آنومی)از نظر دورکیم ، آنومی معادل ضعف هنجارهای سنتی است بدون این که توسط هنجارهای جدیدی جایگزین شوند. در وضعیت بی هنجاری نیروهای اجتماعی آزاد هستند، مقررات اجتماعی ناقص، مرز بین ممکن و ناممکن ناشناخته است، موجه و ناموجه نامعلوم، و مرز مشخص ندارند. به این ترتیب ، بی هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی فرد در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود ندارد. از نظر مرتن، آنومی به « فشاری اطلاق می شود که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می شود» ۲. قانون گریزی اعتراضی (ناهمنوایی)چه بسا، تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی باشد. در این حالت، مبنای اطلاعات شخصی از قانون ارزیابی وی از قانون به عنوان امری درست و منصفانه است. تعهد هنجاری از طریق مشروعیت هم به اطاعت از قانون منجر می شود. در این حالت شخص احساس می کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع و حفظ می کنند حقِ مشروعِ اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت گیری قانون گریزانه را شکل می دهد. در این حالت، هنجارها و الزام های درونی شدهٔ مقوم اطاعت از بین می روند. داده های تحقیقی نشان می دهند که مشروعیت سرآمدان و نهادهای سیاسی در جامعهٔ ایران افق چندان روشنی ندارد. عدم مشروعیت قانون گذار تحت تأثیر عوامل ساختاری مختلف شکل می گیرد. رشد آگاهی های مردم، پیدایش زنان فعال و تحصیل کرده، پیدایش نسل جدیدی که در فضاهای رایانه ای و رسانه ای با گزینه های دیگری از زندگی سیاسی آشنا شده است و، در مجموع، گروه هایی از جامعه که خواستار مشارکت در عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی هستند، زمینه ای را فراهم ساخته است تا مشروعیت قانون و قانون گذاران به چالش کشیده شود.۳. قانون گریزی اخلاقیقانون گرایی اخلاقی وضعیتی است که در آن شخص به قوانین گردن می نهد چون با ارزش های اخلاقی و درونی وی همخوانی داد. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی رغم پیوستگی اش با ارزش های درونی وی با ارزش های جمعی همخوانی نداشته باشد. یک حالت از این وضعیت زمانی است که شخص عامدانه کنش اعتراضی خود را سامان می دهد که ذیل قانون گریزی اعتراضی بحث شد. اما، در حالتی دیگر، شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی حاکم یا هنجارهای اجتماعی موضع نمی گیرد. او صرفاً براساس آنچه خود درست می پندارد عمل می کند. در چنین وضعیتی ، از نظر عامل کنش حاصل از چنین جهت گیری قانون گریزانه نیست، بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون گریزی محسوب می شود. شخصی که در استخدام نیروی مورد نظر خود به جای معیارهای عام در جامعه معیارهایی خاص نظیر معیارهای خانوادگی را دخالت می دهد، براساس ارزش های درونی شدهٔ خانوادگی و قومی عمل می کند. چنین عملی ضرورتاً حاصل جهت گیری عامدانه و در جهت بهینه سازی پیامد عمل برای کنشگر (قانون گریزی ابزاری)، یا در جهت طرد قانون عمومی (قانون گریزی اعتراضی) صورت نمی گیرد. مهم ترین عامل در شکل گیری این نوع قانون گریزی حاکمیت معیارهای خاص به جای معیارهای عام است.حال با توجه به سه نوع قانون گرایی بیان شده،ذیلاً با انجام تحقیقی این سه نوع قانون گرایی در جامعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.تحقیق میدانی قانون گریزیجامعه آماریجامعه آماری ما ، شرکتهای عضو انفورماتیک استان اصفهان را تشکیل میدهد.تعداد شرکتهای انفورماتیک استان اصفهان حدود ۴۵ شرکت است که از بین این شرکتها،۱۰ شرکت بطور تصادفی در نظر گرفته شده ،وحدود ۵۰ پرسشنامه در این شرکتها توزیع شده است.با توجه به اینکه تعداد کل کارمندان این شرکتها بطور تقریبی حدود ۳۵۰کارمند است،نمونه ۵۰تایی میتواند پاسخگوی جامعه آماری ما باشد.نکته قابل تآمل در انتخاب جامعه آماری این است که جامعه آماری باید کاملآ متوازن باشد.یعنی

گروههایی انتخاب شوند که نسبت به قانون دید خیلی مثبت یا خیلی منفی نداشته باشند(بعنوان نمونه جامعه پلیسها و خلاف کارها برای این تحقیق متناسب نیستند) .پرسشنامهدر پرسشنامه تهییه شده سعی شده است با توجه به سه نوع قانون گریزی مطرح شده سوالات تهیه شود.سه سوال اول مربوط به قانون گریزی ابزاری است.سه پرسش بعد مربوط به قانون گریزی اعتراضی است و چهار پرسش پایانی مختص قانون گریزی اخلاقی است.یافته ها و نتایج تحقیققانون گریزی ابزاری .سوالات کاملاً مخالفم مخالفم نظری ندارم موافقم کاملاً موافقمدر مجموع آدمهایی که قانون را رعایت نمی کنند، موفق تر هستند. ۱۰.۷ ۸.۲ ۱۸.۳ ۳۳.۶ ۲۹.۲تا کسی بالای سرمان نباشد قانون را رعایت نمی کنیم. ۹ ۱۸.۳ ۲۵.۵ ۳۹.۸ ۷.۴به تجربه فهمیدم هرگاه قانون را رعایت نمی کنم، کارها راحت تر انجام می شود. ۵.۶ ۳۰.۵ ۲۰.۶ ۳۵.۵ ۷.۸با توجه به یافته ها،مشخص شده که حدود نیمی از نمونه مورد مطالعه قانونگریزی ابزاری بالایی دارند.۵۱.۱ درصد افراد قانون گریزی ابزاری بالا دارند،۲۷.۴۳ درصد افراد قانون گریزی ابزاری پایین دارند و ۲۱.۴۶ درصد افراد نسبت به قانون گریزی ابزاری بی نظر هستند یعنی قانون گریزی ابزاری متوسط دارند.با توجه به یافته ها،نیمی از اافراد مورد مطالعه،عدم رعایت قانون را عاملی برای موفقیت قلمداد میکنند. قانون گریزی اعتراضی .سوالات کاملاً مخالفم مخالفم نظری ندارم موافقم کاملاً موافقمچرا باید از قانون اطاعت کنیم درحالی که مجریان قانون خود از آن اطاعت نمی کنند. ۳۰.۷ ۵.۵ ۶.۴ ۵۲.۲ ۵.۲درجامعهٔ ما، قانون از آن جهت وضع شده که فقط عدهٔ خاصی نفع ببرند. ۹.۶ ۱۰.۳ ۲۳.۶ ۲۴.۴ ۳۲.۱گاهی اوقات لازم است که شهروندان(مثلاً از طریق تجمعات) سعی کنند که برخی قوانین را تغییر دهند. ۵۴.۷ ۲۲.۵ ۵.۵ ۲.۲ ۱۵.۱با توجه به یافته ها،مشخص شده که حدود ۴۴.۴۳ درصد افراد قانون گریزی اعتراضی پایین دارند،۴۳.۷ درصد افراد، قانون گریزی اعتراضی بالا دارند، و ۱۱.۸ درصد افراد قانون گریزی اعتراضی متوسط دارند.در تحلیل این یافته ها در میابیم که در دو سوال نخست، قانون گریزی اعتراضی بالا حدود ۵۷ درصد است و قانون گریزی اعتراضی پایین حدود ۲۸ درصد است.بهم خوردن این توازن را ما در سوال سوم شاهد هستیم و تحلیل این موضوع (به نظر من) شاید بخاطر اتفاقات اخیر و شورشهای خیابانی بوده که این موضوع بتعث شده است که ذهنیت خیلی از افراد نسبت به تجمعات و اعتراض را منفی کرده باشد.قانون گریزی اخلاقی.سوالات کاملاً مخالفم مخالفم نظری ندارم موافقم کاملاً موافقمباید از قوانین اطاعت کرد، حتی اگر مغایر با چیزی باشد که فکرمی کنیم درست است. ۲.۵ ۳.۶ ۱۷.۵ ۵۴.۱ ۲۲.۳تخلف از قوانین هیچ توجیهی ندارد. ۶.۳ ۱۲.۶ ۲۱.۹ ۴۵.۵ ۱۳.۷درست است که قانون در جامعه مهم است ولی نمیتوان به خاطر خانواده و دوستان نزدیک از آن چشم پوشی کرد. ۱.۲ ۷.۸ ۱۴.۷ ۵۳ ۲۳.۳شاید قوانین با برخی ارزش های ما ناسازگار باشند ولی همه باید از آن اطاعت کنند. ۵ ۱۲.۹ ۱۵.۴ ۴۹.۱ ۱۷.۶با توجه به یافته ها،مشخص شده که حدود۶۹.۶درصد افراد،قانون گریزی اخلاقیپایین ، ۱۲.۹ درصد افراد قانون گریزی اخلاقی بالا و ۱۷.۳۷ درصد افراد قانون گریزی اخلاقی متوسط دارند.تحلیل این بخش این است که این افراد قوانین را مهم می پندارند و حاضر نیستند به خاطر برخی ارزشهای دیگر و با آشنایان از آن چشم پوشی کنند. حداقل، براساس نتایج این تحقیق ، قانون گریزی اخلاقی وجه غالب قانون گریزی در جامعهٔ ما نیست چون میزان آن پایین است. روایی و پایایی ابزار سنجشابزار سنجش ما،پرسشنامه ۱۰ سوالی است.چون در تهیه این پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است،از فرمول آلفای کروم باخ برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه استفاده شده است که نتایج آن که با استفاده از نرم افزار spss استخراج شده است بشرح زیر است:Reliability StatisticsCronbach"s Alpha N of Items.۹۳۱ ۵۰Scale StatisticsMean Variance Std. Deviation N of Items۱۶۶.۷۰۰ ۷۴۹.۳۴۴ ۲۷.۳۷۴۱۶ ۵۰همان گونه که از نتایج بر می آید،آلفای کروم باخ پرسشنامه ۰.۹۳۱ بدست آمد که نمایانگر روایی و پایایی بالای پرسشنامه است.این نشانه گر آن است که پرسشنامه بخوبی توانسته است،تا حدود زیادی انتظارات مارا از تحقیق برآورده سازد.نتیجه گیری این بخش:با توجه به یافته ها،نتیجه گیری میشود که در گروه یاد شده ، قانون گریزی ابزاری در سطح بالایی است.قانون گریزی اعتراضی در سطح متوسط،و قانون گریزی اخلاقی در سطح بسیار پایینی است.نتیجه

اینکه افراد جامعه آماری ما،هر گاه قانون را به نفع خود نبینند،آنرا نادیده میگیرند.ضمن اینکه (به اعتقاد من)قانون گریزی اعتراضی نیز اگر مورد توجه قرار نگیرد،در آینده نزدیک آمار آن نیز بیشتر از این خواهد شد.کمااینکه فکر میکنم آمار قانون گریزی اعتراضی خیلی بیشتر از آن چیزی است که آما و ارقام نشان میدهد.از طرفی،با توجه به آمار پایین قانون گریزی اخلاقی،افراد جامعه آماری ما قوانین را مهم می پندارند و حاضر نیستند به خاطر برخی ارزشهای دیگر و با آشنایان از آن چشم پوشی کنند.اما یک سری راهکارهایی نیز میتوان برای کم کردن قانون گریزی ابزاری و اعتراضی یافت که یکی از این راهکارها، نقش مراکز نظارت و بازرسی است که ذیلآمورد بحث قرار میگیرد.نظارت و بازرسی راهکار علاج قانون گریزیامر نظارت و بازرسی در سازمانها، یکی از وظایف اصلی مدیریت محسوب می شود که تاریخ آن نیز بسیار طولانی بوده و نشان از اهمیت آن در حفظ دوام و بقاء سازمانهای بشری در ادوار مختلف تاریخی دارد. نظارت فعالیتی است که «بایدها» را با « هست‌ها»، «مطلوبها» را با «موجودها» و «پیش بینی‌ها» را با «عملکردها» مقایسه می کند و نتیجه این مقایسه، تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می گیرد. تعاریف گوناگونی از نظارت و کنترل ارائه شده است که در همه آنها یک نقطه اشتراک وجود دارد و آن اینکه، نظارت عبارت است از مقایسه بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد.فرایند نظارت و کنترل دارای چهار مرحله اساسی است:تعیین استانداردها و معیارهایی برای اندازه گیریاندازه گیری عملیات و عملکردمقایسه عملکرد با استانداردهااقدامات اصلاحیاقدامات چهارگانه مزبور در مورد نظارت، در نمودار ذیل نشان داده شده است: آسیب شناسی نظارت و بازرسی در سازمانهاموانع اجرائی نظارت و بازرسی۱- ناکار آمدی مکانیسمهای سنتی نظارت و عدم توجه به سیستم‌های جدید نظارتی۲- نبود معیارهای شفاف و مشخص برای سنجش و نظارت سازمانها علی‌الخصوص بخش خدمات دولتی۳- نبودن رابطه مشخص بین نتایج بازرسیها و تشویق و تنبیه و یا جبران خدمات افراد و سازمانها۴- بالا ـ بودن هزینه‌های نظارتی و عدم توجه به تحلیل هزینه فایده۵- عدم تفویض اختیارات لازم به بازرسانموانع ساختاری نظارت و بازرسی۱- انجام ارزیابی‌های موازی توسط نهادها و سازمانهای مختلف و عدم هماهنگی میان آنها۲- عدم توجه به بازرسی سازمانهای کشور به عنوان یک کل(نگرش سیستمی)۳- عدم وجود ساختارهای اطلاعاتی صحیح و جامع۴- عدم وجود یک سازمان کنترل و هماهنگ کننده در مورد خود سازمانهای بازرسیموانع فرهنگی۱- عدم اعتقاد و باور مدیران سازمانها نسبت به اهمیت و فایده بازرسی۲- عدم شایستگی مدیران برخی از سازمانها و ناخشنودی آنها از بازرسی و نظارت۳- منفی نگری در امر بازرسی و توجه صرف به نقاط ضعف۴- تلقی بازرسی مساوی با بی احترامی و بی اعتمادی۵- فقدان یا کمبود حس خود نظارتی در بین مدیرانراهکارهای غلبه بر موانع نظارت و ارزیابیبه منظور غلبه بر موانع نظارت و ارزیابی در سازمانها راهکارهایی پیش بینی شده است که برخی از این راهکارها به شکل زیر بیان می شوند:۱- خودنظارتی را در افراد و سازمانها توسعه دهیم: در سازمانهای اجتماعی، بهترین نوع نظارت آن است که فرد نظارت را از خودش شروع کند و خودنظارتی معمولی گردد. منظور از خود نظارتی این است که فرد تقریبا آزاد است و آزادی فرد تا جایی است که به آزادی حقوق و اموال دیگر افراد لطمه نزند. نظارتی که درباره خود اجرا می کنیم ساخته خودمان است.۲- شناخت روشنی از مسئولیتها به افراد و سازمانها بدهیم: چنانچه کارکنان و مدیران سازمان شناخت روشنی از مسئولیتهای خود برای انجام تعهدات داشته باشند، می توان انتظار داشت تا خودنظارتی به بهترین نحو بر رفتار آنان در سازمان اثر گذاشته و از بروز ناهنجاری و فساد جلوگیری نماید.۳- در تدوین استانداردهای نظارتی، افراد و سازمانهای مورد نظارت را دخالت دهیم: در صورتی که هنگام وضع استانداردهای نظارتی، نظر افراد، گروهها و یا سازمانهای مورد نظارت را نیز جویا شویم، به میزان زیادی مقاومتهایی را که در مورد فرایند نظارت به وجود خواهد آمد از بین می بریم. به افراد و سازمانهایی که مورد نظارت قرار می گیرند بطور مستمر بازخورد بدهیم: افراد و سازمانهای تحت نظارت حق دارند تا بطور مستمر در مورد عملکرد خود بازخورد بگیرند و سازمانهای نظارتی نیز در حقیقت موظف به ارائه چنین بازخوردی هستند. بعلاوه ما نمی توانیم از افراد، گروهها و

سازمانهایی که در مورد عملکردشان بازخوردی دریافت ننموده اند، انتظار۴- پیشرفت و بهبود داشته باشیم. پس باید بطور مستمر به نظارت شوندگان بازخورد داده شود تا موجب بهبود و اثربخشی نظارت گردد.۵- به وضع قوانین و تعیین ضوابط صریح و روشن همراه با ضمانت اجرائی قوی بپردازیم: به منظور حل مسائل و مشکلات مبتلابه سازمان ها از نظر فساد و تبعیض و موارد دیگر می بایست قوانین و ضوابط صریح و روشنی تصویب گردند که راه را برای نظارت شفاف هموار نمایند و از طریق وضع قوانین و تعیین ضوابط و ضمانت اجرائی محکم وسیله نظارت کمی و کیفی و همچنین نظارت مالی و فنی و اجرائی در سازمانها فراهم گردد.۶- به تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد برای نظارت و ارزیابی بپردازیم: سازمانهای نظارتی در کشور بایستی به تربیت نیروی انسانی ورزیده، مومن و کارشناس بپردازد تا بتوانند با دقت کامل به اعمال نظارت بر یکایک سازمانهای کشور بپردازند و موجب اثربخشی نظارت در کشور شوند.۷- بازبینی در ساختار نظارتی کشور و ایجاد هماهنگی بین سازمانهای نظارتی کشور: همانطور که در بخش موانع ساختاری مطرح گردید، در حال حاضر سازمانهای نظارتی فراوانی در کشور ما به امر نظارت و بازرسی مشغولند اما در میان این سازمانها هماهنگی لازم وجود ندارد. لذا بایستی به منظور ایجاد هماهنگی بین این نهادهای نظارتی، نوعی تشکیلات هماهنگ کننده ایجاد شود و شرح وظایف هر یک از بخشهای نظارتی کشور را دقیقا مشخص نماید تا از دوباره کاری و همچنین عدم نظارت در برخی از موارد جلوگیری بعمل آید.۸- توجه به نظارت پیش نگر: آنچه که در امر بازرسی و نظارت از اهمیت زیادی برخوردار است این است که پیشگیری همیشه بهتر از درمان است. در صورتی که ما در امر انتصاب و انتخاب مدیران سازمانها دقت لازم را نموده و افراد امین و کارآمد را در پستهای مدیریتی منصوب نماییم، تا حد زیادی از نیاز به نظارتهای بعدی و همچنین نیاز به تلاش برای کشف فساد و جرم در مراحل بعدی نظارت کاسته خواهد شد. بدین منظور مکانیسمهای انتخاب و انتصاب مدیران دولتی باید به گونه ای تغییر نماید که شایسته سالاری و به گزینی، جایگزین رابطه مداری گردد.آنچه در این قسمت بدان اشاره شد تعدادی از راهکارهایی است که می تواند در بهبود نظارت و بازرسی در کشور نقش تعیین کننده ای داشته باشد. در راستای تحقق این موارد یکی از بهترین مکانیزمهایی که می‌توان پیشنهاد نمود مکانیزم مراکز ارزیابی است. با استفاده از فرایند مراکز ارزیابی یا کانون ارزیابی می توانیم بسیاری از راهکارهای ارائه شده را عملی نماییم زیرا این فرایند به دنبال انتخاب مدیران شایسته و توانمند بوده و منجر به افزایش خودکنترلی، ارائه بازخورد مستمر، مشارکت مدیران در تدوین شاخصهای ارزیابی و شایسته سالاری و توجه به نظارت پیش نگر می گردد. لذا در این مقاله بر آن شدیم تا به توضیح این فرایند پرداخته و کاربرد آن را در امر گزینش مدیران دولتی بیان نماییم.منابع۱. دکتر محمد رضایی،مقاله میزان،نوع و عوامل موثر بر قانون گریزی۲. دکتر اصغر مشبکی و سید مجتبی محمودزاده،مقاله بررسی نقش مراکز ارزیابی در ترویج فرهنگ نظارت و بازرسی۳. کونتز و همکاران، اصول مدیریت، ترجمه طوسی و همکاران، جلد دوم، ص ۳۸۸۴. مخلص الائمه، فرزاد، نقد قانون تشکیل سازمان نظارت و بازرسی کل کشور، ص ۵۸۵. Stoner. J.A.F, Freeman R.E & Gilbert., Management, New Jersey. Prentice Hall(۱۹۹۵). P. ۶۰۰با تشکر از دکتر محمد رضایی ، دکتر اصغر مشبکی و سید مجتبی محمودزاده

http://system.parsiblog.com/۱۲۱۰۵۶۲.htm

حقوق شهروندی در مکتب حقوقی اسلام

محمد ابراهیم حسینی‌فر رکن اساسی آئین اسلام، و حقوق شهروندی آن که در تمامی عرصه ها اثر خود را می گذارد، اندیشه ناب و کامل توحید است. از دیدگاه اسلام، نه تنها خداوند متعال خالق هستی است (توحید در خالقیت) بلکه همو به تنهایی و بدون هیچ شریکی جهان را تدبیر می کند (توحید در ربوبیت تکوینی) و نیز قوانین حاکم بر شهروندان و جوامع

بشری را وضع می کند(توحید در ربوبیت تشریعی) و شهروند مکلف است که تنها از دستورات و قوانین او اطاعت کند (توحید در

عبودیت) . تـا بتوانـد شـهروندی نمونه برای بـاری تعـالی بوده و بـا عمـل به حقوق شـهروندی که از طرف شارع مقـدس وضع شـده سعادت دنیا و آخرت خود را تضـمین نمایدسیسـتم حقوقی اسـلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و بنابراین قواعد حقوق شهروندی، همه به جعـل و اعتبـار الهی، اعتبـار و مشـروعیت پیـدا می کننـد، البته در جـای خود ثابت شـده است که جعل حکم و قانون توسـط خداونـد حکیم, علیم، هرگز گزاف نبوده و دسـتورات او بر اسـاس واقعیـات جهان هستی و واقعیات انسان و شـناخت کامل از حق و حقوق شهروند و نیز مصالح و مفاسد نفس الامری در جهت رسیدن به کمال مطلوب و حقیقی او است. واقعیات، مصالح و مفاسدی که جز خداوند، کسی بر آنها آگاهی کامل ندارد چرا که او خالق هستی و انسان است و به همین جهت جعل قانون هم اختصاص به او دارد. تـا بـا جعـل قوانین و مقررات شـهروندی توسـط قـادر متعـال و عمل نمودن به این قوانین توسط مخلوق هـدف خلقت انسان محقـق تـا شـهروندان بتواننـد بـا کمـال آرامش و رفـاه و برابری در دنیـا زنـدگی کرده و آخرت خود را نیز در سـایه عمـل به همین دسـتورات که دنیایشـان آبـاد شـده آخرتشـان نیز آبـاد گردد گفتـار اول: مقـایسه اسـلام بـا مکاتب دیگرتبیین حقوق شـهروندی در اسـلام:نظر اسلام، نه همچون مکتب حقوق طبیعی است، که ملاک قوانین و قواعد حقوق شهروندی را تنها واقعیات عینی بداند و نه ماننـد مکتب حقوق عقلی محض است که تنها دسـتورات عقل عملی را ملاک حقوق و قانون قرار دهـد، و نه هماننـد مکتب حقوق پوزیتویبیسـتی است , که قـانون و حقوق شـهروندی را دارای مـاهیتی صـرفاً قراردادی و اعتبـاری بدانـد، بلکه قواعـد حقوقی اسـلام، مـاهیتی دو رویه و مزدوج دارد، یعنی دارای مـاهیتی «اعتبـاری – واقعی» است اعتبـاری است از آن جهت که متعلق جعـل و ارادهٔ خداوند قرار گرفته است و واقعی است از آن جهت که ارادهٔ تشـریعی الهی همسوی با ارادهٔ تکوینی اوست و در نتیجه قوانین اسـلام در تبین حقوق شـهروندی مبتنی بر واقعیات و مصالح و مفاسد نفس الامری است.بنابراین می توان گفت:((قواعد حقوقی اسـلام، نه صرفاً واقعیتی مکشوف است و نه صـرفاً اعتبـاری مجعول، بلکه اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات، اعتباراتی که اعتبار کننـده و جاعل آن خداونـد علیـم و حکیـم اسـت و برای شـهروندان قـوانینی بر اسـاس عـدالت و برابری وضـع نمایـد. مبنـای مشـروعیت قـوانین شهروندی:نگاه اسلام نسبت به معیار مشروعیت قواعد حقوقی با نگاه دیگر مکاتب حقوقی متفاوت است. چرا که از یک سو از نگاه مکـاتب طبیعی و عقلی مبنـای مشـروعیت، انطباق قاعـدهٔ حقوقی با طبیعت و حکم عقل است هر قاعـده حقوق شـهروندی که از این وصف برخوردار باشد مشروع است، اگر چه دولت و مردم آنرا نپذیرد و هر قاعده ای که فاقد این وصف باشد، نامشـروع است اگر چه مورد قبول دولت و مردم باشد و از سوی دیگر از نگاه مکاتب حقوق پوزیتویستی برعکس نگاه مکاتب حقوق طبیعی و عقلی– مبنای مشـروعیت، امری اعتباری است. هر قاعـده ای را که دولت یا مردم الزام بدانند قاعده ای حقوقی و مشـروع محسوب می شود، اگر چه مخـالف قوانین طبیعت و عقل باشـد، و بر عکس هر قانونی را که دولت و یا مردم، الزامی نپندارنـد، قاعـده ای غیر حقوقی و احیاناً نامشـروع تلقی خواهـد شـد، هر چنـد منطبق بر واقعیات و داده های عقلی باشـد از همین رو قواعد حقوقی شـهروندی در آنجا دسـتخوش تغییرات فاحشـی می شود.اما از نگاه اسلام، مبنای مشروعیت، انطباق قاعدهٔ حقوقی با اراده الهی است. هر قاعده و قانونی که منطبق بر اراده مطلق حـاکم بر جهان و انسان، یعنی اراده خداونـد باشـد مشـروع محسوب می گردد، اگر چه مورد قبول دولت و مردم قرار نگیرد و برعکس قاعده و قانونی که با اراده الهی ناسازگار باشد از مشـروعیت ساقط است، هر چند مورد پذیرش دولت و مردم باشـد. کیستی قانونگـذار در حقوق شـهروندیدر همه مکـاتب حقوق طبیعی، عقلی و پوزیتویستی، این انسـان است که به گونه کشـفی و یـا جعلی قانونگـذاری می کنـد. اما در مکتب حقوق اسـلام، قانونگـذار واقعی فقط خداونـد متعال است. البته انحصار حق قانونگـذاری به خداونـد نتیجه طبیعی جهان بینی توحیدی اسـلام است. بر اساس دیدگاه توحیدی و خدا محوری اسـلام، پذیرش هر قـانونی، بجز قـانون الهی، شـرکت محسوب می شود همـان سان که اطاعت و پرسـتش هر کسـی جز او، شـرک تلقی می گردد.البته ممکن است خداونـد، خـود به پیـامبران و ائمه و یـا گماشـتگان و جانشـینان ایشـان اجـازهٔ وضع برخی از قوانین و مقررات اجرائی را بدهد. همانطور که دستور اطاعت از آنان را داده است و روشن است که در چنین مواردی نه جعل قانون شرکت محسوب می گردد

و نه اطاعت از غیر خـدا چرا که این دو نیز در واقع تجلی دیگری از توحیـد عملی انسان است.پس تنها خداونـد است که اولاً قدرت بر قانونگـذاری دارد ثانیاً حق قانونگـذاری دارد و جز او کس دیگری نمی توانـد و نه حق دارد به این کار دست بزنـد. مگر آنکه او اجازه دهد.در این زمینه قرآن با تعابیر مختلف این حقیقت را به انسان می آموزد که به بعضی از بیانات قرآنی اشاره می کنیم:بعضی از آیـات دلالـت دارنـد که مردم در موارد اختلافـات میـان اعضـاء جامعه بایـد به کتاب های آسـمانی رجوع کرده آن را حکم قرار دهنـد.مثل اینکه می فرماید:« کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشـرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه»] مردم است واحدی بودند خداوند پیامبران را برانگیخت و کتاب خود را همراه ایشان بحق فرستاد تا در میان مردم در مواردی که اختلاف می کنند حکم کند[این آیه به روشـنی نشان می دهد که علت و فلسفه وجود دین و فرستادن کتاب آسمانی اینست که بر جامعه حاکمیت پیـدا کند و در اختلافات داوری کند.از این آیه اسـتفاده می شود که قبل از پیامبر اسـلام و قرآن کریم پیـامبران دیگری نیز مبعوث شـده انـد که کتابهـائی حـاوی احکـام حقوقی به منظور رفع اختلافـات در جامعه با خود داشـته انـد. آیه دیگری نیز این حقیقت را تأکید می کند که خداوند در آن می فرماید:« شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک و ما وصـینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الذین و لا تتفرقوا فیه »]خداوند آنچه از (قوانین) دین به نوح وصیت کرد و آنچه که بـه تـو وحی کردیـم و آنچـه را کـه به ابراهیم و موسـی و عیسـی وصـیت نمـودیم برای شـما مقرر کرد که دین را بپاداریـد و در آن اختلاف نکنید[در بعضـی از آیات کسـی را که از جانب خود احکامی را وضع کرده و به جعل قانون پرداخته اند. مذمت می کند و می فرمایـد:« و لا تقولوا لما تصف السـنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون»] با آنچه که زبانتان توصـیف می کند به دروغ نگوئید که این حلال و آن حرام است تا به خدا کذب و افتراء ببندید که هر کس بر خداونـد دروغ و افتراء بنـدد رسـتگار نمی شود[در تعـدادی از آیات به پیامبر فرمان می دهـد و تنها و تنها از وحی الهی پیروی کند و از پیروی آراء و هواهای نفسانی دیگران به شدت بپرهیزد.در یک مورد می فرماید:« و لن ترضـی عنک الیهود و لاـ النصـاری حتی تتبع ملتهم قل ان هـدی الله هو الهـدی و لئن اتبعت اهوائهم بعـد الـذی جاءک من العلم مالک من الله من ولی و لا نصـیر»] جهودان و ترسایان هیچگاه از تو راضـی و خشنود نشوند مگر آنکه آئین آنان را پیروی کنی بگو هدایت فقط هدایت الهی است و اگر، پس از آنچه از علم به تو نـازل گشـته است، هواهـا و خواسـته های آنان را پیروی کنی از سوی خداونـد هیـچ ولایت و نصـرتی برای تو نیست[آیـات در این زمینه فراوان است که مـا از ذکر آنهـا صـرف نظر می کنیم. از طرف دیگر در بعضـی از آیات خداونـد پیامبر را به صبر و اسـتقامت و پایـداری در برابر خواسـته های نامعقول و به پیروی از حق و حقیقت فرمان داده می گویـد:« فللـذلک فـادع واسـتقم کمـا امرت و لا تتبع اهوائهم و قل امنت بما انزل الله من کتاب و امرت لاعـدل بیتکم»] پس مردم را به سوی خدا دعوت کن و چنانکه مأمور گشته ای پایدار باش از خواسته هایشان پیروی مکن و بگو به کتابی که خدا فرستاده ایمان آوردم و مأمورم در میان شـما عـدل و داد برقرار کنم [در آیات دیگری کسانی که خلاف خـدا حکم کننـد فاسق، ظالم و کافر شـمرده شـده انـد.در تعـدادی از آیات حکم منحصـر به خـدا و مخصوص خداونـد ذکر شده می فرماید:« ان الحکم الا لله امر ان لا تعبدوا الا ایاه ذلک الدین القیم»] حکم و فرمان مخصوص خداست اوست که فرمان داد جز او را نپرستید که این دین محکم است[یا می گوید:« ان الحکم الا لله یقص الحق و هو خیر الفاصـلین»] فرمان جز خـدا را نیست که به حق دسـتور می دهـد و بهترین حکم کنندگانست[نتیجه گیریآیاتی را که در بالا گفتیم نمونه هائی بود از آیات فراوان دیگری که با بیانات مختلف نشان می دهنـد که جز خـدا کسـی حق قانونگـذاری نـدارد او دانا و عادل و بهترین حکم کنندگان است او مالک حقیقی، ولی نعمت و صاحب اختیار انسان است و او دستور زندگی انسان را توسط پیامبران الهی و قوانین اجتماعی را بوسیله کتب آسمانی بر انسان نازل کرده و عقل به انسان فرمان می دهد که مطیع و فرمانبردار او باشد.همهٔ پیامبران از جانب خدای یگانه آمده اند تا به هدایت انسان و اصـلاح جامعه بپردازند و با ظلم و سـتم و خود محوری و طاغوت مبارزه کننـد و دین خدا را حاکم بدانند. هیچکس حق ندارد از جانب خود چیزی را حلال یا حرام

کند و اوست که حقوق شهروندان را تبیین و حد و مرز آن را اعلام می کند و انواع حقوق را برای شهروند تعریف می نماید و هر کس که چنین نکند خواه بر اساس دیکتاتوری و پیروی از هواهای نفسانی خود باشد و یا بر اساس دموکراسی و پیروی از هواها و تمایلات نفسانی مردم، از چارچوب آئین اسلام خارج شده و در واقع، خود یا جامعه را به جای خداوند، رب، مطاع و فرمانروا قرار داده است. نقش انسان در قانونگذاری قوانین ثابت و پایدارپیشتر گفتیم که قوانین و قواعد حقوقی اسلام، اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات و این واقعیات خود واجد ابعاد گوناگون دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و بالاخره ثابت و متغیر می باشد. بر این اساس، بدیهی است که واگذاری حق قانونگذاری به انسان، در ابعاد آن جهانی، ثابت و جاوید – به دلیل عدم اطلاع و علم بشر – منطقی به نظر نمی رسد و به همین جهت هم هست که در نظام حقوقی اسلام، برای وضع این دسته از قوانین، که خارج از حیطه علم بشری است، به انسان عادی اجازه قانونگذاری داده نشده است و تنها در مواردی به پیامبر گرامی اسلام (ص) و نیز ائمه (ع) اجازه داده شده است. دلیل منطقی بودن این استثناء هم رابطه خاصی است که بین این بزرگواران و خداوند وجود دارد که در پرتو آن از مقام عصمت و علم فوق بشری برخوردار گردیده اند. بهمین جهت است که دستورات و اوامر ثابت صادره از جانب پیامبر و ائمه معصومین، همانند اوامر الهی، به عنوان قانون ثابت اسلام تلقی می شود. خداوند متعال در قرآن کریم، صریحاً فرمان می دهد که باید مسلمین هر آنچه را که پیامبر به آنها دستور می دهد بپذیرند و او را الگوی مردم قرار می دهد که بر اساس رفتار او، رفتار خود را تنظیم نمایند.پیامبر گرامی اسلام هم به موجب روایات فراوان – از جمله حدیث معروف و متواتر ثقلین – ائمه معصومین را به جای خویش در کنار قرآن معرفی کرده است.به غیر از دو مورد استثنایی یاد شده، هیچ انسانی حق قانونگذاری ندارد، بلکه نقش انسان تنها و تنها، کشف اراده الهی است و نه جعل و وضع قانون، بنابراین به صورت قاعدهٔ کلی می توان چنین نتیجه گرفت که نسبت به قوانین ثابت و پایدار، انسان حق قانونگذاری ندارد، بلکه وظیفه کشف قانون الهی را دارد، کشفی مضبوط و روشمند که علم اصول الفقه بیانگر چگونگی آن است.نقش انسان در قانونگذاری قوانین شهروندی متغیرو غیر دائمیاز آنجا که وضع قانون ثابت نیست به موضوعات متحول و متغیر منطقی به نظر نمی رسد و وضع قوانین گوناگون هم برای همه موضوعات متغیر نیست، اختیار وضع قانون در این موارد به انسان واگذار شده است بدین معینی که دولت اسلامی مشروع، در این موارد حق دارد که متناسب با موضوع و در راستای فلسفه اصلی احکام الهی، به وضع قانون مبادرت ورزد. این نوع احکام را که دولت اسلامی در هنگام خلاء قانون ثابت وضع می کند، احکام حکومتی و یا احکام سلطانیه می نامند.بنابراین احکام حکومتی آن دسته از قوانین اسلام و مقررات حقوقی است که از ویژگی ثبات برخوردار نبوده و در جایی که نقص قانونی وجود نداشته باشد، توسط دولت اسلامی وضع می گردد.این نوع از قواعد، بر حسب مورد، ممکن است مستقیماً توسط شخص حاکم (امام یا رهبر دولت اسلامی) و یا افراد و یا نهادهایی که از طرف او مأذون هستند مانند پارلمان یا هیئت دولت یا مجمع تشخص مصلحت نظام – وضع شود. نظامهای مهم حقوق شهروندی۱- نظام حقوق شهروندی سکو لار و بشری۲- نظام حقوق شهروندی دینی و الهی جوامع بشری از آغاز تا به امروز هیچ گاه با نظام حقوقی واحدی اداره نشده اند و اگرچه حاکمیت نظام واحد حقوقی برای کلیه جوامع انسانی مطلوبیت داشته ولی هیچ زمانی این آرمان واقعیت پیدا نکرده است.این نظام های متعدد حقوقی به هر دلیل که بوجود آمده باشند دارای نقاط اشتراك و افتراق هستند و براساس همین معیار طبقه بندی می شوند. و چون این نقاط اشتراك و افتراق دارای ابعاد مختلفی است و ازجهات گوناگونی قابل بررسی است در نتیجه طبقه بندی های متعددی هم از نظام های حقوقی بدست داده اند طبقه بندی هایی که لزوماً با یکدیگر در تعارض نبوده بلکه هر کدام بیانگر بخشی از واقعیت است. برای طبقه بندی نظام های حقوقی گاه ساخت مفاهیم حقوقی معیار قرار می گیرد و گاه منابع حقوق و گاه مکاتب حقوقی و... نظام ها ی مختلف حقوقی براساس نوع رابطه شان با دین و مذهب طبقه بندی شده در دو دسته جای می گیرند یك دسته نظامهای حقوقی غیر مرتبط و غیر مر مبتنی برمذهب است که می توان از آن تحت عنوان نظامهای حقوقی بشری یا نظام های حقوقی سکولار یاد کرد. در برابر دسته

دیگر نظام های حقوقی مرتبط با مـذهب و حتی مبتنی برمـذهب است که می توان با عبارت نظامهای حقوقی دینی یا مذهبی از آنها نـام برد.مهمـترین نظامهـای موجـود دردسـته حقـوق سـکولار نظـام حقـوقی (رومی– ژرمنی)(کـامن لا ـ) و (سوسـیالیستی) است و مهمترین نظامهای موجود در دسته حقوق مذهبی نظام حقوقی)یهود (« مسیحی و کلیسا » و « اسلام » است. البته در هریک از دو دسـته نظـام هـای حقـوقی دیگری نیز در گذشـته وجود داشـته ویـا هم اکنون وجود دارد که فرصت پرداختن به آنها نیست. و تنها به توضـیح مختصـری پیرامون نظام های فوق الذکر بسـنده می نمائیم. نظام حقوق شهروندی سکولار و بشرینظام های حقوقی ساخته و پرداخته فکر و انـدیشه بشـر هر کـدام دارای ویژ گیهای خاص خود است وجود همین ویژگیها در کنار وجوه مشترک موجب پـدید آمـدن نظامهـای مختلف حقوقی شـده است ملاـک تقسـیم بنـدی انواع مختلف حقوق به نظـام هـای مختلف توجه به محتوی قواعد حقوقی منـابع حقوق و بویژه درجه اهمیت آنهـا و شـیوه تفسـیر قواعـد حقوقی است. درعین حـال ممکن است حقوقهائی که دریک نظام حقوقی قرار گرفته اند دارای تفاوتهای قابل توجهی باشند که ناشی از تاثیر عرفهای محلی و ویژگیهای فرهنگی و جغرافیائی هر یک از این حقوقهای هم خانواده می باشد. نظام حقوق شهروندی رومی– ژرمنیخانواده حقوقی رومی – ژرمنی سابقه تاریخی بسیار طولانی دارد و پیشـینه آن به حقوق رم قـدیم می رسد . لکن تحولی که طی بیش از هزار سال در آن رخ داده است نه تنها از لحاظ قواعـد ظاهری و شـکلی بلکه حتی از نظر مفهوم حقوق و قاعـده حقوقی آن را از حقوق رم قـدیم به طور قابل ملاحظه ای دورکرده است. حقـوق رومی– ژرمنی ادامه دهنـده حقوق رم و نقطه کمـال تحول آن است. امـا به هیـچ وجه رونوشت آن نیست بویژه آنکه بسـیاری از عناصـر آن از منابعی بجز حقوق رم سرچشـمه گرفته است. عصر پیدائی حقوق رومی– ژرمنی از نظر علمی قرن سیزدهم میلادی و به دنبال تجدیـد حیاتی بود که از همه زمینه ها ظهور کرد و یکی از جنبه های مهم آن جنبه حقوقی بود. جامعه با تجـدید حیات شهرها و توسعه تجارت به این فکر رسید که تنها حقوق می تواند نظم و امنیت و در نتیجه امکان پیشرفت را فراهم کند آرمان ایجاد جامعه ای مسـیحی مبتنی بر احسان کنار کذاشـته شد از بوجود آمدن شهر خدا برروی زمین صرف نظر شد و مذهب و اخلاق از نظام مدنی وحقوق تمیز داده شده اند. برای حقوق شـهروندی وظیفه ای خاص و نوعی استقلال نسبت به مذهب و اخلاق در نظر گرفته شـد که از آن پس ویژه طرز فکر و نوعی اسـتقلال نسبت به مذهب و اخلاق درنظر گرفته شد که از آن پس ویژه طرز فکر و تمـدن غربی گردیـد. البته این به معنای عـدم تاثیر مـذهب (مسیحیت) در اصول و قواعد شـهروندی در این نظام حقوقی نیست و به اعتقـاد و محققین مبنـای این نظام حقوقی را بایـد قواعـد رم و تعلیمات اخلاقی مـذهب مسـیح و افکار آزادیخواهانه حکیمان مغرب زمین دانست. این نظـام حقـوقی دارای ویژگیهـائی است که مهمـترین آنهـا اهمیت دادن به قـانون نوشـته به عنون منبع اصـلی حقوق است. در کشورهای خانواده رومی– ژرمنی نظر بر این است که بهترین روش برای رسیدن به راه حلهای عادلانه حقوقی استناد حقو قـدان بـه مقررات قـانون اسـت. دراین کشورهـا قـانون دارای سلسـله مراتـبی است و در راس این سـلسه قـانون اساسـی قرار دارد که مقررات آن دارای اعتبـار خاصـی است و بـا تشـریفات خاصـی پـذیرفته و یا اصـلاح می شود. ولی در عین حال می توان در بین این کشورها درمورد آنچه مربوط به قانون است تفاوتهائی را مشاهده نمود از جمله مطابقت قانون عادی با قانون اساسـی قانون نویسـی، فرق بین قانون و آئین نامه و تفسیر قانون. تاکید بر قانون نوشـته نقش قضات وتصمیمات قضائی در تکامل این نظام حقوقی را ناچیز نموده است.از طرف دیگر دکتر ین (نظریات حقوقی دانشـمندان حقوق) که روشهای کشف حقوق و تفسیر قانون را ایجاد می کند از طریق تـاثیری که برقانونگـذار داشـته است یکی دیگر از منـابع غیر مسـتقیم این نظـام حقوقی شـناخته می شود. در اینجـا قوانین و مقررات شـهروندی فرایند فکر و اندیشه بشـری به رشـته تحریر در آمده که مشـکلات آن را در مکتب طبیعی متذکر شدیم.این نظام حقوقی در اروپـای بری (اوریای منهای انگلسـتان) شـکل گرفت و مرکز اصـلی آن نیز امروزه هامنجا می باشـد هرچنـد که درنتیجه پدیده های توسعه طلبی و استعمار یا عوامل دیگری کشورهای متعددی در خارج اروپا به این نظام پیوسته یا پاره ای از عناصر آن را جذب کرده اند. نظام حقوقی کامن لا انگلیس و آمریکا و حقوق شـهروندی در آنکامن لا (common law) نظام حقوقی است

که درانگلستان پس از غلبه نورمان ها بر این کشور به طور عمده درنتیجه فعالیت دادگاههای شاهی ساخته شده است خانواده حقوقی کامن لا- علاوه بر حقوق انگلیس که منشأ آن بوده است انواع حقوق خانواده حقوقی کامن لا علاوه برحقوق انگلیس که منشاآن بوده است انواع حقوق همه کشورها ی انگلیسی زبان را با پاره ای استثنائات در بر می گیرد. در خارج از کشورهای انگلیسی زبان نفوذ کامن لا در اغلب وشاید همه کشورهائی که از نظر سیاسی به انگلستان وابسته بوده اند قابل ملاحظه است. مهد این نظام حقوقی انگلستان است.تفاوت اصلی این نظام حقوقی با نظام حقوقی رومی –ژرمنی درمنابعی است که این نظام براساس آنها شکل گرفته و تکامل یافته است. در حالی که درخانواده رومی–ژرمنی مهم ترین منبع حقوق قانون است در حقوق انگلیس و آمریکا منبع اصلی قواعدی است که قضاوت در دادگاههای مرسوم نموده اند و وظیفه قانون تنها اصلاح یا تکمیل قواعد ناشی از آراء قضاوت است. بنابراین برای مطالعه حقوق کشورهائی مانند انگلیس و آمریکا بجای مراجعه به مجوعه های قانون رویه دادگاه ها را بررسی کرد. یعنی هر دادگاهی نسبت به حقوق شهروندی رای صادر نمود این رویه می شود و برای تمامی شهروندان قابل اجرا می باشد.البته از حدود صد سال پیش با توجه به رشد و توسعه جوامع پیرو این نظام حقوقی یک جنبش قانونگذاری در این کشورها و بویژه در انگلستان پدید آمده که طی آن قوانین بسیاری وضع گردیده و حقوق کامن لا- را عمیقاً دگرگون ساخته و بخش نوینی دراین نظام حقوقی پدید آورده است. بنابراین امروزه درقانون چیزی بیش از تصحیح کامن لا یافت می شود. بخشهای وسیعی از زندگی اجتماعی وجود دارند که در آنها حتی اصول نظام حقوقی را باید در کار قانونگذار جستجو کرد. نظام حقوقی سیالیستیجمهوریهای متحده شوروی سابق و پاره ای از کشورهای اروپای شرقی و کوبا و چین از اعضای این خانواده حقوقی هستند و مبنای اصلی آن عقاید فلسفی کارل مارکس و انگلس بوده است که توسط لنین با شرایط خارجی منطبق شده و بنام مارکسیسم- لنینیسم مشهور گردیده است. هدف حقوق دراین نظام تامین عدالت اجتماعی وهدایت جامعه بسوی حکومت کمونیستی کامل معرفی شده است و نظری به حفظ حقوق و آزادیهای فردی ندارد. جدائی قوای مجریه ومقننه و قضائیه که از اصول علم و حقوق سرمایه داری است رعایت نشده و حکومت حزبی و جمعی همه آنها را به خود اختصاص داده است. در این نظام قانون پشتیبان و ضامن حفظ آزادیهای فردی در برابر حکومت نیست بلکه قواعدی است که دولت برای تامین آسایش عمومی وضع می کند.خصوصیت این خانواده حقوقی ملی کردن اکثر وسائل تولید است.چنانکه لنین دریکی از نامه های خود بصراحت اعلام می کند که دیگر حقوق خصوصی وجود ندارد و همه امور جزو حقوق عمومی شده است. دراین نظام حقوق شهروندی و تامین آن زیر سایه سنگین دولت است و اکثر آزادیها لغو می شودمانند آزادی بیان و حق مالکیت نیز بسیار کمرنگ می باشد دراین نظام شهروندی این حق فعالیتهای اقتصادی بزرگ ندارند و نظام خصوصی سازی کلاً منتفی می باشد.بنا براین منبع حقوق قبل از هر چیز زیز بنای اقتصادی است که نظام حقوقی یک کشور را مشخص کند. و قانون نه از آن جهت که طبیعی ترین شیوه خلق و ایجاد حقوق که چیزی جز خواست و اراده هیئت حاکمه نیست – تلقی می شود.نظام حقوق شهروندی دینی و الهینظام حقوقی یهود(حقوق تلمود)هر چند آئین یهود از آغاز و در متن تورات مکتوب اولیه مشتمل بر شریعت و قوانین اجتماعی بود اما آنچه امروزه به عنوان حقوق یهودی وجود دارد چیزی است که تحت عنوان نظام حقوقی تلمود خوانده می شود که براساس برداشتهای دانشمندان یهودی از کتاب تورات تدوین گردیده است.تلمود تا امروز مورد قبول دانشمندان وهمه پیرامون آیین تورات بوده است. ومتن آن را ربی یهودا اهناسی (۱۳۵-۲۲۰م) از دانشمندان بزرگ یهود تکمیل ومدون کرده است. هدف او تسهیل مطالعه و آموزش تورات منقول یا تورات شفاهی بود و به همین جهت نظرهای متضاد دانشمندان مختلف را نیز ذکر کرده و هرگاه به فتوا و رای پذیرفته شده اس رسیده بدان اشاره نموده است. روش او در تدوین احکام دینی به جای آنکه دامنه تحقیق و پژوهش را محدود کند سبب گسترش آن شد. این کتاب دارای دو شرح است۱- شرح فلسطینی ۲- شرح بابلی که تقریباً ۷یا ۸ برابر گمارای فلسطینی است. البته آثاز دیگری نیز شبیه میشنا که به نام توسیفتا (به معنای ضمیمه و متمم) خوانده می شود وجود دارد که هسته اصلی آن به دست دو

احتمال می رود که توسیفتا به صورت کنونی خود در قرن پنجم میلادی تدوین شده باشدهر چند حقوقدانان یهود بودند که تمام اموراجتماعی باید از وحی استخراج شود ولی چون احکام تورات شامل همه امور نمی شود و نیاز قانونگذاری را آنطور که باید تامین نمی کند دست روحانیان یهود برای تغییر و تفسیر متن تورات عملا باز بود. به این ترتیب علاوه بر آنچه در متن تورات آمده است قوانینی از طریق تفسیر آن اضافه شده است. در تلمود این عبارت را به خدا نسبت می دهند که درمقابل یکی از قضات بنی اسرائیل به نام الیجاح دوبار تکرار کرد فرزندان من مرا شکست دادند (یعنی در استدلال بر من غالب شدند.) بدین ترتیب خدا از عقل این قاضی و قدرت استعدلال او اظهار خشنودی کرده است.تلمود در طی هزار و چهار صد سال اساس تعلیم و تربیت یهود بود. هر محصل عبرانی مدت هفت سال تمام هر روز ۷ ساعت در بحر مطالعه آن فرو می رفت. آن را به صدای بلند قرائت می کرد واز راه گوش و چشم به حافظه می سپرد . روش تعلیم صرفاً عبارت از قرائت و تکرار نبود بلکه مناظره میان شاگرد و معلم ... به این مقصود کمک می کرد. درک تلمود جز به معیار تاریخ میسر نمی شود. ۲- نظام حقوق شهروندی مسیحی و کلیساییحضرت مسیح براساس نقل و تایید قرآن از نظر حقوقی نظام جدیدی را معرفی نکرد بلکه تا حدود زیادی شریعت حضرت موسی را امضاء و تایید نمود. او در احکام و دستورات دینی و اجتماعی یهود تغییر چندانی نداد و تنها بخشی از احکام و مقرراتی را که بخاطر عقوبت بریهود حرام شده بود. منسوخ کرد. آیاتی از قرآن مؤید این مدعی است:- خداوند در وصف حضرت عیسی می فرماید:ورسولا الی بنی اسرائیل.. و مصدقا لما بین یدی من التوراه ولا حل لکم بعض الذی حرم علیکم...وعیسی پیامبری به سوی بنی اسرائیل .. به آنان گفت و آنچه را پیش ازمن از تورات بوده تصدیق می کنم و آمده ام تا پاره ای از چیزهایی را که بر اثر ظلم و گناه بر شما حرام شده حلال کنم ...- ونیز:وعلی الذین هادو حرمنا کل ذی ظفرو من البقر و الغنم حرمنا علیهم شحومهماالا ماحملت ظهورها او الحوایا او مااختلط بعظم ذلک جزینا هم ببغیهم و انا لصادقونو بر یهودیان هر حیوان ناخن دار = حیواناتی که سم یکپارچه دارند را حرام کردیم و از گاوه و گوسفند پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم مگر چربیهایی که بر پشت آنها قرار دارد ویا در دو طرف پهلوها و یا آنها که با استخوان آمیخته است این را بخاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم و ما راست می گوییم.از این دو آیه مستفاد می گردد که حضرت عیسی همان نظام حقوقی یهود را مطرح کرده و تنها برخی از امور را که بخاطر عقوبت و مجازات یهود حرام شده بود نسخ کرد. پس می توان گفت برای مسیحیت حقوقی غیر از حقوق یهود نبود ولی دشمنیهای یهود با پیروان حضرت عیسی از یک سو و تصور مسیحیان مبنی بر اینکه آن حضرت به دست یهودیان به قتل رسیده و عواملی دیگر موجب شد که یهودیان و مسیحیان در طول تاریخ هیچگاه در صف واحدی قرار نگیرند به همین جهت دانشمندان مسیحی در زمینه حقوق و احکام برداشتهای مستقلی از کتاب مقدس و حقوق روم داشته اند این برداشتهای پس از چند قرن به صورت نخستین مجموعه حقوقی کلیسا در حدود سال ۱۱۵۰ م . به دست گراسیانوس تدوین گردید. این مجموعه مواد مختلفی نظیر احکام و مقررات پاپها و شوراهای کلیسائی ونیز عقاید و اصول دینی مراسم و آداب آئین دادرسی عقد و ازدواج احکام مربوط به همه وغیره رانظم بخشید و در سال ۱۲۳۴ نخستین مجموعه حقوق رسمی مسیحیان تدوین گردید و دو مجموعه دیگر نیز در زمانهای متاخر تدوین شد این مجموعه با مجموعه حقوقی گراسیانوس که در بالا ـ ذکر شد پایه و اساس حقوقی کلیسا را تشکیل می داد.باید توجه داشت که حقوق کلیسا در برهه ای از زمان صرفا در محدوده کلیسا قابل اجرا بوده وکلیسا درخارج از محدوده داخلی تابع قوانین دولتهای متبوع خود بوده است و دولتها چون مسولیتی در اجرای قوانین کلیسا نداشتند لذا معمولاً میان حقوق کلیسا و مقررات دولتی وقوانین کشوری تعارضهائی پدید آمد ولی بخاطر شرکت برخی از کشیشها در حرکتهای انقلابی و مبارزات ملی که در صدد اصلاح قوانین حاکم بر کشورها بودند بتدریج موجب نفوذ هر چه بیشتر معیارهای دینی و درنظام حقوقی گردید. جنگها ی صلیبی نیز که قدرت بزرگی را دراختیار پاپ قرار داد خود از عوامل مهم نفوذ حقوق کلیسا در حقوق روم بوده است.درهر صورت حقوق مسیحیت ویا به تعبیر دقیقتر حقوق کلیسا در طول تاریخ از ویژگی یک نظام کامل حقوقی بی بهره بود و بهمین جهت مسئولیت بسیاری از

شکستهای اجتماعی و سیاسی و انحطاط قدرت روم برعهده کلیسا ئیان قرار گرفت و تبلیغات فراوانی راعلیه مسیحیت موجب گشت. سپس سنت اگوستین برای خنثی کردن تبلیغات ضد مسیحیت فلسفه رواقیون راوارد حقوق برخاسته از انجیل و تورات کرد بهمین خاطر کلیسا ئیان توانستند علاوه بر استفاده از متون دینی خویش از فلسفه رواقیون در استنتاجات حقوقی و فلسفی بهره گیرند.نو آوری اگوستین به منزله انقلاب و تحولی بودکه به عقل بشری اجازه داد که به عنوان سایه ای از عقل الهی احکام الهی را تفسیر کند. توجیه سنت اگوستین دراین نو آوری آنست که خداوند علاوه بر اراده اش که در کتب دینی بیان شده در نظام بخشیدن به امور اجتماعی از عقل خود که حاکم بر جهان هستی است نیز استفاده کرده و انسان نیز به کمک عقل و دل که خداوند به او داده است می تواند احکام الهی را تفسیر کند.حرکت انقلابی سنت آگوستین پس از او تقریباً در طول قرون متمادی متوقف شد تا آنکه سن توماس دیدگاه وی را تعقیب کرد وانقلاب جدیدی در حقوق مسیحیت به وجود آورد اویک قدم جلوتر رفت و گفت: عقل بشری علاوه بر تفسیر احکام الهی و شکل دهی به آن می تواند همانند کتاب مقدس کاشف از اراده الهی باشد. نظام حقوق شهروندی در اسلامآخرین نظام حقوقی دینی و الهی که سایر نظامهای حقوقی جهان را تحت الشعاع خود قرار داد و ملل مختلف از آن استقبال کردند نظام حقوقی اسلام است. این نظام حقوقی که برخاسته از کتاب سنت و عقل است درکمتر از یک قرن بر نیمی از جهان آن روز حاکم گردید. این استقبال بخاطر امتیازها و برتری هایی بود که دراین نظام حقوقی در مقایسه با سایر نظامها وجود داشت.دراین قسمت پس از اشاره ای کوتاه به این امتیازات محتوایی به ویژگی های نظام حقوقی اسلام می پردازیم و پس از آن از منابع حقوق اسلام سخن می گوییم و بالاخره با بحثی از اهداف و مبانی حقوق اسلامی مطلب را به پایان می بریم.نظام معرفتی اسلام براصولی استوار است که به چند اصل مهم آن اشاره می کنیم:۱- عالم غیب و شهود در اندیشه ی اسلامی جهان هستی به دو بخش غیب وشهود تقسیم شده است مقصود از عالم شهود جهان مادی است که با حواس انسان قابل درک می باشد و مقصود از جهان غیب جهان موجوداتی است که با حواس بشری قابل درک نیست.براین اساس ایمان به جهان غیب از اوصاف متقیان شمرده شده است:الذین یؤمنون بالغیب: آنان که به غیب ایمان دارند.۲- هستی مخلوق الله: دراندیشه ی دینی مجموعه ی هستی یعنی موجودات مجرد ومادی از جمله انسان همه مخلوق و آفریده ی موجودی غیر مادی به نام الله می باشند:الله خلق کل شی وهو علی کل شی وکیل: خدا آفریننده ی هرچیز است و او برهمه چیز نگهبان است.۳- هدفداربودن خلقت: درنظام معرفتی اسلام مجوعه ی نظام هستی از جمله انسان برا ی هدفی خاص آفریده شده است وتمام هستی بدون استثنا به سوی آن هدف در حرکت می باشند.وما خلقنا السماء والارض ومابینهما بطلا ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفرو امن النار:وما آسمان و زمین و آنچه بین آن دواست را بیهوده نیافریدیم این گمان کسانی است ک کفر ورزیده اند پس وای برکافران از آتش دورخ .و یاولله مللک السموات والارض والی الله المصیرملک آسمانها وزمین از خداست بازگشت همه به سوی اوست.۴- تدبیر و نظارت برهستی دراندیشه ی اسلامی خداوند تنها خالق موجودات نیست که گونه ای که پس از آفرینش آنها را رها کرده درزندگی آنها نقشی نداشته باشد بلکه خداوند خالق ورب هستی است که موجودات ازجمله انسان راتدبیر و نظارت می کند و براساس عملکر آنان چه رفتار ظاهری و چه رفتار باطنی یعنی اندیشه و فکر آنارا بازخواست خواهد کرد .لله مافی السموات ومافی الارض وان تبدوا ما فی انفسکم اوتخفوه یحاسبکم به الله فیعفر لمن یشاء ویعذب من یشا ء والله علی کل شی قدیر آسمانها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه در دل دارید آشکارا یا همه را خدادر محاسبه ی شما خواهد آورد آنگاه هرکس رابخواهد عذاب کند.۵- زندگی چند مرحله ای انسان: در اندیشه ی اسلامی برای انسان چند مرحله زندگی تصویر شده است که دراینجا از دو مرحله ی به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر آن یاد می کنیم .الف – زندگی دنیوی: این مرحله از زندگی انسان با تولد او آغاز می شود و با مرگ او پایان می پذیرد دراین جهان انسان از آزادی عمل نسبی برخوردار می باشد کیفیت و کمیت رفتار او درسرنوشت او درجهان و جهان بعدی اثر دارد:وان لیس للا نسان الا ماسعی وان سعیه سوف یریوبرای انسان جز آنچه به سعی خود انجام داده است نخواهد بود و

این که سعیش به زودی دیده می شود.ب–زندگی اخروی – زندگی اخروی انسان بامرگ آغاز می شود و ابدی است با این تفاوت که سعادت وخوشبختی انسان دردنیا بسته به سعی و تلاش او دردنیاست ولی سعادت و خوشبختی اودرآخرت معلول سعی وتلاش اودردنیا ست به تعبیر دیگر جهان آخرت بازتاب عملکر انسان دردنیاست.ان المتقین فی ظلل وعیون وفواکه ممایشتهون کلو واشربو هنیا بما کنتم تعملونبراستی که پرهیز کاران درسایه ها وچشمه ها قرار دارند و هرمیوه ای که میل داشته باشند مهیاست خطاب شود بخورید و بیاشامید برشما گوارا باد اینها در مقابل اعمالی است که انجام می دادید.۶- پذیرش عقل به عنوان منبع شناخت: گرچهه واژه ی عقل درمتون دینی به معانی متعددی به کار رفته است ولی در تمام متون ازعقل به عنوان منبع شناخت جهان از جمله انسان یادشدهاست براین اساس در آیات بسیاری کافران به سبب بهر ه نگرفتن از عقل خود با جملاتی همانند افلا تعقلون سرزنش شده اند با این حال د رمتون دینی بر کارایی نداشتن عقل درتمام موارد تاکید شده است به ویژه دربحث باید ها و نبایدها ی فقهی که بخشی از آن مربوط به حقوق می باشد . این عدم کارایی عقل مورد تاکید قرارگرفته است چنان که امام صادق می فرماید:ان دین الله لا یصاب بالقیاسبدون تردید دین خدا را باقیاس نمی توان شناخت.۷- پذیرش حواس به عنوان منبع شناخت: انسان در ابتدای تولدو آغاز زندگی دردنیا از طریق حواس با دنیای خارج ارتباط برقرار می کند و آن را می شناسد ولی همه می دانند حواس انسان برای شناخت همه ی پدیده های جهانه به خصوص جهان غیب کارایی ندارد حتی برای شناخت جهان مادی نیز با محدودیتهای بسیاری روبرو می باشد به گونه ای که کوچک ترین اشتباه انسان در استفاده از حواس موجب اشتباه در شناخت انسان از پدیده های جهان می شودوالله اخر جکم من بطون امهتکم لاتعلمون شیاوجعل لکم السمع والابصر و الافده لعلکم تشکرونوخدا شمارا از شکم مادرتان بیرون آورد درحالی که چیزی نمی دانستید و برای شما گوش وچشم و قلب قرارداد شاید که سپاس گزار باشید.ودرآیاتی نیز انسانها برعدم بهره گیری درست ازحواس خود سرزنش شده اند.افلاینظرون الی الابل کیف خلقت والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحتودر آیه ای ضمن پذیرش عقل و حس به عنوان منبع شناخت از اینکه عده ای از آنها به درستی استفاده نکرده اند وگمراه شده ا ند گزارش می کند:وقالو الو کنانسمع او نعقل ماکنا فی اصحاب السعیرو گویند اگر شنوایی داشتیم یا تعقیل کرده بودیم امروز اهل آتش سوزان نبودیم .۸- ضرورت راهنمایی انسان به وسیله ی وحی: باتوجه به هدفمند بودن خلقت انسان و نارسایی عقل وحس برای هدایت انسان به ناچار خداوند به وسیله دیگری انسان راهدایت می کند و آن وسیله چیزی جز وحی نیست. برای این کار افرادی از سنخ بشر از میان آنان برگزیده می شوند تا به عنوان واسطه ی میان خداوخلق به وسیله کتاب خدا عهده ار هدایت خلق گردند. دردیدگاه اسلامی آخرین کتاب الهی قرآن و آخرین فرستاده اش حضرت محمد (ص) می باشد:بدون تردید مابه تو وحی کردیم همانگونه که به نوح وپیامبران بعداز اووحی کردیم رسولان بشارت دهنده و بیم دهنده تا آنکه پس از فرستادن رسولان مردم حجتی برخدا نداشته باشند خدا همیشه مقتدر و حکیم است.۹- جعل قوانین یا بایدها و نبایدها: برای رسیدن به هر هدفی نیازمند مجموعه ای از باید ها ونباید ها هستیم یعنی باید کارهایی را انجام داد تاانسان رابه هدف نزدیک کند واز طرفی انجام بعضی کارها انسان را از هدف دور می کند که نباید انجام دهد:و جاهدو فی الله حق جهاده هواجتبتکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرجو در راه خدا جهاد کنید آن چنان که حق جهاد است او شما را برگزید و درکاردین برای شما رنج ومشقتی قرار نداد.۱۰- هدف خلقت انسان: در متون اسلامی برای خلقت انسان اهداف مقدماتی متوسط و نهایی در نظر گرفته شده است که هدف نهایی قرب الهی الله می باشد که این کار جز با شناخت خداوند وتسلیم شدن در برابر بایدها و نبایدهای او امکان ندارد.وما خلقت الجن و الانس الالیعبدونوجن وانس را بیا فریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند.آنچه بیان شدبخشی ازاصول معرفتی اسلام بود در تبیین نظام حقوقی آن نقش دارد گرچه اصول دیگری رانیز می توان درنظر گرفت.اکنون با توجه به نکات یاد شده می توان به پاسخ آن سه سوال پیش گفته پرداخت.درپاسخ به سوال اول باید گفت ماهیت قوانین حقوقی در مکتب حقوقی اسلام جعلی است نه ذاتی البته جعلی صرف هم نیست به این معنی که

این جعل تـابع مصالـح ومفاسـد نفس الامـر ی است به تعبیر دیگر می توان گفت جعلی–عینی است که ازیک سو جعل ای و قابل نسـخ می باشـد و از سـوی دیگر عینی است که از وجود مصالـح و مفاسـدی در خـارج حکـایت می کنـد.درپاسـخ به سوال دوم که قانونگـذار کیست بایـد گفت: باتوجه به نکات یاد شـده از جمله اینکه بخشـی ازجهان هستی جهان غیبت است وبخشـی از زنـدگی انسـان در جهـان غیبـت انجـام خواهـد گرفت ونقش رفتـار انسـان در سـرنوشت اودراین دو جهـان وناکارآمـدی عقـل و حس برای قانونگـذاری نسبت به موجودی بـا این پیچیـدگی که نیازمنـد اطاعاتی گسترده درباره ی انسان و جهان ومفاسـد ومصالـح و ... می باشـد بشـر برای چنین کاری ناتوان بوده تنها قانوگذار اصـلی خداوند است که از یک سوهمه ی هستی را آفریده است پس او عالم الغیب والشهاده است و از سوی دیگر اوانسان را آفریده است و به همه ی ابعاد وجودی و نیازمندیهای او آگاهی دارد:ولقد خلقنا الا نسن ونعلم مـا توسوس به نفسه ونحن اقرب الیه من حبـل الوریـدومااانسان را آفریـدیم و وسوسه هـای دل او را می دانیم و ما از رگ گردن به او نزدیـک تریم .بنـابراین قانونگـذار اولاـ و بالـذات تنها در اختیار خـداست:ان الحکم الا ایاه ذلک الـدین اقیم ولکن اکثر الناس لایعلمونحکم فقط از خداونـد دانش لازم برا ی قانونگذاری را دراختیار عده ای از انبیا و امامان گذاشـته وآنان با توجه به آن دانش و اذن خداونـد درمحـدوده ای که به آنان واگـذار کرده است این حق را دارنـد:انا انزلنا الیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بمـا ارئـک الله ولا تکن للخائنین خصـیماما کتاب قرآن را به حق به سوی تو فرسـتادیم تا بین مردم آن طور که خـدا نشانت می دهد قضـاوت کنی و به سود خـائنین بامومنـان وفقیران به خصومت نپردازدر پاسـخ سوال سوم بایـد گفت بـا توجه به اینکه قانونگـذار در اسلام خداوند می باشدودین اسلام آخرین دین است دین اسلام از نظر زمانی ابدی و جاودانه و ازنظر مکانی جهانی می باشد براین اسـا اعتبـار این قوانین نیز ابـدی خواهـدبود.عن زراره قال سالت اباعبـدالله عن الحلال و الحرام فقال حلال محمـد حلال ابـدا ای یوم القیـامه حرامه حرام ابـدا الی یوم اقیـامع لاـ یکون غیره و لاـ یحی غیرهزرا ه می گویـد از امـام صادق درباره ی حلال و حرام پرسـید فرمود حلال محمـد همیشه تاروز قیامت حلا است و حرامش همیشه تاروز قیامت حرام خواهد بود غیر از حکم او حتمی نیست و جز او پیامبری نیاید.

http://shahrebehesht.ir/tabid/۶۱/View/Detail/id/۱۵۳۳/Default.aspx

مدیریت شهری و رسانه

مهرداد ملایی

طرح مساله: مدیریت شهری به واسطه پیچیدگی‌هایی که به سبب گسترش روزافزون شهرها با آنها مواجه است نیازمند ابزار جامع تر و منطبق با شکلهای نوین مسائل شـهری است که این ابزار هم جنبه نرم‌افزاری و هم سخت‌افزاری دارند. ازآنجا که پیشرفت فناوری های نوین دست مدیریت شهری را برای کاربرد ابزار مختلف سخت افزاری

به حد کافی باز گذاشـته است مساله مهمی که در ارتقای مدیریت شـهری باید موردتوجه قرار گیرد ابزار نرم‌افزاری هستند که دامنه ای از نیروی انسـانی تا برنامه‌هـای کامپیوتری را شامل می‌شود. در مقـاله حاضـر نگاهی خواهیم داشت به یکی از کلیـدی‌ترین ابزار نرم‌افزاری دراختیار مدیران شـهری که می‌تواند نقش بسـزایی در حل‌وفصل مساله‌های پیچیده پیش‌رو داشـته باشد و آن رسانه‌های ارتباطی است. مقدمه و طرح بحث:شهردار یک کلان‌شهر مدرن، در نحوه مدیریتی که باید اعمال کند تفاوتهای زیادی با شهرداران شهرها در دوره‌های زمانی پیشـین دارد چراکه هم مشکلاتی که پیش‌رو دارد بـا آنها تفاوت خواهـد داشت و هم امکاناتی که برای مواجهه مناسب با این مشـکلات در دست دارد. مـدیریت یک کلانشـهر مدرن، نیازمند برخورد سـنجیده با شـهروندانی است که در ایفای وظایف و حقوق شهروندی خود، دسترسی بیشتری به منابع آگاهی‌دهنده دارند و دیگر نمی‌توان برای دریافت عوارض جدید یا اجرای یک پروژه محدودکننده آنها را صـرفا با ابزار قهری یا تشویقی قانع کرد. شهرنشـینی مدرن، مدیریت شـهری مدرن را طلب

می‌کند و این به ابزار مدرن احتیاج دارد.در سنجش موفقیت مدیران شهری، دیگر ارایه آمار صرف درباره ساخت‌وساز فیزیکی شهر و اتوبان‌ها و پروژه‌ها کافی نیست و امروزه وجه‌مشخصه یک مدیر موفق، اثبات تداوم «توسعه پایدار و همه‌جانبه شهر» است که لازمه آن برخورداری از درآمد پایدار و منظم حاصل از عوارض شهری است. تصمیم‌گیری درباره امور شهری دیگر از حالت روزمره خارج شده و شکلی نظام‌مند پیدا کرده است که این یعنی نیروی انسانی باید نیرویی آگاه و کارآزموده باشد. اما نقش رسانه‌ها در چنین فرایند روبه‌جلویی چیست؟وقتی شهروندی در رسانه‌هایی که با آنها سروکار دارد درباره یک پروژه عظیم شهری که در شهر محل سکونتش درحال ساخت است آگاه می‌شود و از فواید آن بر زندگی روزمره خود کسب اطلاع می‌کند، وقتی در رسانه‌ها الگویی برای شهروندی ارایه می‌شود که عمل منطبق با آن باعث مشارکت هرچه بیشتر او در اداره شهر خواهد شد، وقتی او در گروههای اجتماعی که به کمک رسانه‌ها گردهم آمده‌اند تا مثلا- کمپینی را درجهت رسیدن به هدفی مثل بهبود وضعیت بهداشتی شهر سروسامان دهند احساس هویت جمعی کند مطمئنا همکاری بیشتری با مدیران شهر خواهد کرد و عوارض خود را به موقع پرداخت می‌کند چون می‌داند سهمی که او می‌پردازد در کنار سهم دیگران، به‌درستی خرج بهبود وضعیت محیطی خواهد شد. همین ایجاد حس همکاری و اعتمادسازی در میان شهروندان از فاکتورهای مهم برای رسیدن به درآمد پایدار و نظام‌مند است که استفاده درست از رسانه‌هابه فرآیند آن شتاب بیشتری خواهد بخشید. اما تحقق این مهم باشرایطی همراه است: * باید تدریجی اما مرتب و بی‌وقفه باشد و در پاسخ به نیازجمعی که شهروندان احساس کرده‌اند صورت گیرد. درواقع باید نقطه آغازی برای سایر اقدامات جمعی مفید باشد. * باید گروه هدف آن به روشنی تعریف و مشخص شده باشد تا این اطمینان ایجاد شود که آنها برای تحقق منافع خودشان هم که شده ملزومات این همکاری و مشارکت را برآورده خواهند کرد و روند کسب آگاهی هرچه بیشتر را به تعویق نخواهند انداخت. * آگاه کردن گروه هدف از اهداف و چشم‌اندازهای پروژه‌های شهری ازطریق تنوع در انتخاب رسانه‌ها بسیار مهم است. همچنین باید موضع انتقادی رسانه‌ها را در نحوه هزینه‌کرد عوارض شهری تقویت کرد و امکانات نظارت هرچه جامع‌تر را برای آنان فراهم نمود که از همه مهمتر ایجاد نهادهایی برای واسطه شدن میان سازمان مدیریت شهری و رسانه‌ها است. * برای آنکه ارتباط میان مسو.لین و شهروندان حفظ شود باید رسانه‌ها بخشی از برنامه خود را به انعکاس فعالیتهای نهادهای مردم‌نهاد از یکسو و نهادهای دولتی ازسوی دیگر اختصاص دهند و در فواصل زمانی معین، گزارش عملکرد مسوولین را به اطلاع شهروندان برسانند. * نمایندگان نهادهای مردمی(به‌ویژه در کشور ما شوراهای اسلامی) باید امکان به‌چالش کشیدن تصمیمات مدیران را داشته باشند و باید بتوانند نقدهای خود را در رسانه‌ها مطرح کرده و پیگیری نمایند. * آموزش نمایندگان انجمن‌ها و نهادها در زمینه شگردهای مدیریتی، ملزومات رسیدن به اجماع در تصمیم‌گیری و نحوه محاسبه مالی فعالیتهای اقتصادی شرکتهای خصوصی فعال در شهر از ملزومات مشارکت آگاهانه آنها در فرایند مدیریت شهری است. این می‌تواند هم ازطریق نهادهای رسمی آموزشی و هم ازطریق رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های تصویری صورت گیرد.در تسهیل فرایندهای مشارکت شهروندان و مسوولیت‌پذیر کردن آنان دربرابر تعهداتی که به‌عنوان شهروندان جوامع شهری برعهده دارند(به‌ویژه بحث پرداخت بهنگام عوارض شهری که اهمیت زیادی برای مدیران شهری دارد)، اطلاعات عنصر اساسی است. اطلاعاتی که باید در رسانه‌ها ارایه شود چند خصوصیت مهم دارد که اگر به آنها توجه مناسب نشود ممکن است این فرایند را به فرایندی صوری و ظاهری مبدل کند. برخی از این خصوصیات عبارتند از: * کمیت: اطلاعات ارایه شده باید ازنظر میزان و دامنه کافی باشد تا روند مشارکت مثبت با آگاهی بیشتری صورت پذیرد. البته نباید آنقدر اطلاعات تخصصی و دیرفهم ارایه داد که پدیده اضافه‌بار اطلاعاتی روی دهد و شهروند به‌دلیل ناتوانی از درک همه آنها، به توانایی خود در مشارکت شک کند و دلسرد شود. همچنین دامنه اطلاعات ارایه‌شده باید متناسب با هدف مدیریت از جامعه هدف خود باشد. * مرتبط‌بودن: نباید اطلاعات نامرتبط با آنچه شهروندان و نهادهای متشکل از آنان می‌خواهند ارایه داد و مرتبط‌بودن آنچه ارایه می‌شود و آنچه خواسته می‌شود کلید موفقیت در این فرایند است. * دقت: برای برخی از نهادهای

مردمی و مردم عادی مهم است که آمار ارایه‌شده دقیق باشند چراکه طبق آنها میزان و نحوه مشارکت خود را تعیین می کنند و ارایه اطلاعات دقیق می‌تواند وجهه مدیریت‌شهری را ارتقا داده و زمینه‌ساز اعتمادآفرینی بین شهروندان و مسوولین باشد. یک جنبه از دقت به توجه به رویکرد کارشناسی در بررسی مسایل مربوط می‌شود و اینکه گزارش فعالیتهای نهادهای وابسته به مدیریت شهری تاچه‌حد منطبق بر واقعیت است. * به‌روزبودن: تازگی اطلاعات هم نیاز رسانه‌ها به عنصر تازگی(به‌عنوان یکی از ارزشهای مهم خبری) را برآورده می کند و هم انگیزه شهروندان را در استفاده منظم از رسانه‌ها برای کسب اطلاعات را تقویت نموده و تاثیرگذاری عملیاتی این ابزار مفید را بالا می‌برد. * توجه به جلوه‌های ظاهری جذاب و گیرا: اطلاعات را می‌توان به‌گونه‌ای شکیل و گیرا ارایه کرد تا افراد بیشتری علاقه‌مند آگاهی از آن شوند. حتی این مورد را می‌توان در تولید برنامه‌هایی که قرار است ازطرف سازمان مدیریت شهری از رسانه‌ها پخش شود رعایت کرد.در اینجا بد نیست اشاره کنیم که امروزه از میان همه رسانه‌هایی که مدیران شهری دراختیار دارند، رسانه‌های آنلاین بهترین ابزار برای رسیدن به اهداف فوق‌الذکر هستند چرا که انعطاف‌پذیری بیشتری دربرابر تغییرات دارند، خصلت دوجانبه بودن آنها بالاتر است و گرایش افراد به آنها پرشتاب‌تر از گرایش به سایر رسانه هاست. بازخوردی که در اینگونه رسانه‌ها ایجاد می‌شود بهترین فرصت را برای مدیران شهری فراهم می کند تا از نظرات شهروندان آگاه شده و زمینه مشارکت فعال آنان را به‌شکل بهتری فراهم نمایند. «رسانه‌های کاربرسازنده» مثل سایتهایی که امکان درج مطلب را برای کاربران فراهم می کنند و کاربران خالقین اصلی محتوای سایتها هستند و عکسها و پستهای تولیدی خود را در آنها بارگذاری می کنند، بهترین واسطه برای بیان مشکلات توسط شهروندان هستند و رسانه‌های جریان‌اصلی مثل رادیو و تلویزیون می توانند پیگیر توجه مسوولین به مشکلات مطرح‌شده باشند و این یک چرخه مکمل می‌سازد که چشم‌انداز تازه‌ای از همکاری شهروندان و مدیران شهری پیش‌روی ما خواهد گشود.موضوعات مرتبط با مشارکت شهروندی:حال که بحث درباره برخی از عوامل مرتبط با مشارکت شهروندی و نقش رسانه‌ها در آن به اینجا رسید ضرورت دارد نگاهی به موضوعاتی داشته باشیم که در بررسی مشارکت شهروندی مدنظر هستند. طبیعتا منطبق با موضوعی که برای مقاله انتخاب شده، تمرکز ما بر جنبه‌های رسانه‌ای خواهد بود. در بحث درباره مشارکت شهروندی می‌توان سه موضوع را مورد توجه ویژه قرار داد: ۱) اهمیت مشارکت ۲) شرایطی که طبق آن شهروندان مشارکت خواهند کرد ۳) رویکردهای دخالت‌دادن شهروندان برای ارتقای فعالیتهای اجتماعی در سطح شهری.مورد اول یعنی اهمیت مشارکت را باید با تحلیل هزینه- فایده صورت داد. اینکه دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و انگیزه آنان برای همکاری با نهادهای شهری تا چه حد برای شهر فایده دارد و تاچه‌حد برای مدیران شهری دست‌وپاگیر است. همچنین این امر مرتبط با میزان استحکام رابطه فرد و جامعه است. گروههای اجتماعی- رسانه‌ای که در این بین شکل می گیرند رابط میان «افراد» و نهادهای کلان خواهند بود. شاید عمده‌ترین فایده مشارکت شهروندان، افزایش زمینه پذیرش تصمیمات توسط عموم باشد یعنی حس مالکیت به شهر و درنتیجه انجام هرگونه همکاری برای بهبود اوضاع آن. لذا برای پی‌بردن به اهمیت مشارکت شهروندان باید هزینه‌های احتمالی این فرایند را در کنار منافع آن قرار داد و به نتیجه رسید.درباره شرایط لازم برای مشارکت، باید به ساختار مناسب سازمان شهری و میزان استقبال عملی آن از مشارکتها اشاره کرد. همچنین ایجاد نهادهای روابط عمومی و رسانه‌ای که بتوانند به‌خوبی کار هماهنگی و اطلاع‌رسانی متقابل را انجام دهند. اصولا شهروندان زمانی با رغبت دست به مشارکت می‌زنند که ببینند حرفها و اقدامات آنان مهم است و موردتوجه قرار می گیرد.رویکردهای مشارکت هم به روشهایی اطلاق می‌شود که مدیریت شهری برای عملی کردن جنبه‌های نظری مشارکت شهروندان در پیش می گیرد مثل شیوه نظرخواهی از آنان، سازماندهی فعالیتهای داوطلبانه شهروندان، چگونگی تعامل با رسانه‌ها برای انعکاس فعالیتها و مسایلی از این قبیل که نقش بسزایی در مدیریت شهری موفق دارند. برخی شهروندان درصورتی تن به همکاری با مدیریت شهری در اداره شهر می‌دهند که بدانند منافع آنها هم در روند تعاملل همکاریها تامین خواهد شد که لازمه آن، ایجاد سازمانهای مجهز به رسانه است که محل دفاع

از منافع قانونی آنان شوند. این سازماندهی می‌تواند به با تفکیک شهروندان به گروههای مختلف سنی، جنسیتی و مهارتی صورت گیرد.در ایجاد طرح جامع شهری کلانشهرها می‌توان و باید به این نکات توجه کرد. طرح جامعی که همه اجزای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدنی را لحاظ کرده باشد درصورتی قابل دسترس است که مردم به‌عنوان مخاطبین اصلی آن درباره اجزای آن نظر بدهند و تصمیم‌گیران بتوانند با اتکا به قدرت تاثیرگذاری رسانه‌ها، روی مشارکت شهروندان حساب کنند و طرحها را با نگاهی خوش‌بینانه به حضور شهروندان آگاه دوشادوش سازمانهای رسمی مسوول بازآفرینی نمایند. نتیجه‌گیری: رسانه‌ها ابزاری برای تقویت مدیران شهری در ایفای وظایف خود هستند. مقابله با مشکلات مدرن به ابزار مدرن احتیاج دارد و رسانه‌ها ابزاری کارآمد و امتحان پس‌داده هستند که به‌طرق گوناگون می‌توانند زمینه تسهیل مشارکت شهروندان و همکاری آنها برای اداره بهتر شهر را فراهم کنند.مشارکت تسهیل نمی‌شود مگر با ذکر منافعی که برای شهروندان خواهد داشت و در رسانه‌ها باید بر فواید ملموس و ناملموس آن تاکید شود. مشارکت تسهیل نمی‌شود مگر با ایجاد ساختارهای نهادی مردمی و رسانه‌ای که پیگیر منافع تک‌تک شهروندان باشند و درباره میزان تامین این منافع به آنها گزارش دهند.مشارکت تسهیل نمی‌شود مگر با کمک به شهروندان تا برای حل مشکلات خود در محیط شهری بتوانند واکنش مثبت و موثر نشان دهند کاری که اکثر مردم به آن تمایل دارند و اگر شرایطش فراهم شود هیچ مشکلی در نقش‌آفرینی در این زمینه نخواهند داشت.مشارکت تسهیل نمی‌شود مگر با یادآوری الزام و تعهدی که هرکس نسبت به جامعه شهری خود دارد و مسوولیتهایی که باید برای زندگی در شهر و بهره‌گیری از امکانات آن تقبل کند.سرانجام اینکه موثرترین راه برای تسهیل مشارکت شهروندان، آگاه کردن آنان از مسایل و ارایه اطلاعات به‌روز، بادقت، متناسب و جامع ازطریق رسانه‌ها است.

http://shahrebehesht.ir/tabid/۶۱/View/Detail/id/۱۵۶۲/Default.aspx

بازآفرینی هویت شهری در محلات

شهر بهشت

هویت یکی از مهمترین مسائل و چالش های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است: حقیقت شي یا شخص که مشتمل برصفات جوهری او باشد, شخصیت, ذات, هستی و وجود, منسوب به‌هو, شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی.اما طبق تعریف متداول، "هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند."هویت در انسان شناسی، به معنای نوعی از خودآگاهی فردی یا جمعی نسبت به وجود مجموعه ای از خصوصیات فرهنگی - اجتماعی که فرد یا گروه مزبور را از فرد، افراد یا گروه های دیگر که به مثابه هویت های دیگری طبقه بندی می شوند، متمایز می کند و عموما خود را با یک نام و یا لااقل با ضمیر ما مشخص می کند.در خصوص واژه لاتین هویت (identity) گفته اند که از قرن چهاردهم در زبان های اروپایی رایج شده و ریشه آن به دو واژه لاتین identitas به معنی خصوصیت چیزی همانند و idem به معنی همان و معادل قدیمی تر یونانی آنها می رسد.علی اکبر علیخانی در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت دو پسوند واقعی و تقلیدی را به هویت افزوده است. وی برون رفت از چالش های امروز را در تعریفی سیال از هویت و دوری از هویت های تقلیدی می داند و می گوید: « هویت ما نه در گرو میراث گذشته و نه در گرو میراث دیگران -به عنوان دیگری- بلکه در گرو حقیقت طلبی و روش اصیل ما خواهد بود.با این توصیف بدیهی است که در شرایط مکانی و زمانی مختلف، زمینه های متفاوتی برای هویت منظور گردد که هرکدام نیز دارای تعاریف و ابعاد خود باشند؛ نظیر هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت شهری.از آنجایی که هویت، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث تشخص یک فرد یا اجتماع از

افراد و جوامع دیگر می گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد.هویت شهری را باید نوعی هویت جمعی به حساب آورد که البته با عنوان هویت محله ای و شهری زمانی معنی دار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر داشته باشد؛ به شرطی که هنجار هویت درست فهمیده شود. هویت معیار رشد است. به عبارتی دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می کند و ساماندهی جدیدی می یابد. در این ساختار باید هویت شهری به عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند. هویت محله ای و فرهنگ ایرانی شهر حاصل تکامل تاریخی و طبیعی جوامع زیستی انسان است . و در مکانی طبیعی قرار دارد . از این رو هویت یک شهر با پیرامون آن آمیخته است .از پیدایش نخستین شهرها در جهان حدود ده هزار سال می گذرد . این شهرها با آغاز انقلاب کشاورزی ایجاد شدند . در پی تحولات فناوری و سازماندهی تولید کشاورزی ، انقلاب شهری دوم از حدود پنج هزار سال پیش ایجاد گردید . بطوریکه دولت ها شکل گرفتند و دولت شهرها و امپراتوری ها پدید آمدند و بدین ترتیب انواع حقوق شهروندی نیز تعریف شد ، که البته در تمامی آنها شهروند به عنوان تابع دولت محسوب می شد و به هیچ وجه معنای امروزی جامعه وجود نداشت .در جامعه امروز شهری، برای دستیابی به توسعه پایدار شهر ، محلات بنیادی ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان می باشند . از گذشته های دور محله های شهرها در شکل دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند . هر محله با ارایه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله ای و ویژ گی های خاص موجب می شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند تا جایی که هر شهروند با نام محله ای که در آن می زیسته شناخته می شد .با تحولات سریع دوران معاصر ورود به مرحله گذار و تغییر زیربناهای معیشتی و روابط اجتماعی ، این فعالیت به هم ریخت . در گذشته جهت مدیریت آبادانی ، پاکسازی و ایجاد امنیت و ... از اهالی محله مشارکت می خواستند و در تمام مسایل مربوط به محله ، نقش شهروندان حایز اهمیت بود .ولی به مرور این نقش از مردم برداشته شد و ساکنان محله ها از هویت خاص محله خود تهی شدند . در چین وضعیتی شهروندان خود را منفعل و جدا از محله و شهر احساس می کردند و همچنین مسایل شهر در غیبت شهروندان اداره می شد .در این بین محله ها و شهر وضعیت نا پایداری می یابند و تعهد در این جامعه به عنوان فرصتی برای با فضیلت شدن و خدمت به جامعه تلقی نمی گردد.بنابراین محله رکنی است مابین خانواده و شهر . محله از خانه های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می شود و خانواده نسبت به محله مسکونی خود احساسی مشابه خانه مسکونی خود را دارد و با ورود به محله خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه می بیند. محله از تجمع و به هم پیوستگی ، معاشرت نزدیک ، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید. به طور کلی باید گفت زیست شهری ایرانیان در سه لایه متقاطع صورت می گیرد . خانه مسکونی ، محله شهری ، شهر . یافته ها ، آموزه ها و تجربه های علمی نشان می دهد استوار ترین و پرشور ترین فضای زیستی شهروندان محله ها می باشند.چرا که بررسی ها نشان می دهد انسان ایرانی بیش از آن که در گستره خانه یا گستره بازار و پهنه فراگیر شهر حضور داشته باشد ، در محله خود حضور و عینیت داشته است .پیش از این جمعیت محله ها از کسانی تشکیل می شد که از جهت شغل یا اعتقادات دینی و یا سابقه قومی بسیار به یکدیگر شبیه بودند و به اصطلاح به فرهنگ مشترکی خو گرفته و از هنجارهای آن پیروی می کردند.بطور کلی ویژ گی مهم و مثبت محله داشتن نوعی روح جمعی بود که مظاهر آن وحدت و پیوستگی افراد به یکدیگر و احساس یگانگی و نیز آمادگی برای مساعدت و همکاری در راه حفظ شعار محله و بهبود اوضاع آن بود .متأسفانه برای تحولات

سیاسی دو قرن اخیر و پدید آمدن ملت در برابر دولت و مرکزیت آن و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی مانند : مهاجرت ، به وجود آمدن شهرهای بزرگ و نفوذ پذیری فرهنگ غربی و ... محله رفته رفته ساختار و کارکرد های دیرینه خود را از دست داد و به « منطقه » یعنی واحدی که دولت برای اجرای برنامه های خود بر ساخته است ، تبدیل شد .در چنین جمعی افراد با داشتن فرهنگ ها و عادات و آداب گوناگون و ... برحسب اتفاق در کنار یکدیگر سکنی گزیده و خود را در برابر دولت و نسبت به آن طلبکار می دیدند . در واقع ساکنان مناطق جدید به جای آنکه مانند محله قدیم ، خود را در امور آن سهیم و در برابر پیشامدها مسؤول بدانند ، از دولت می خواهند که همه مشکلات را حل کند از آنجا که خانواده نخستین نهاد و کانون فرهنگ ساز و منش آفرین در هر جامعه ای محسوب می شود لذا .انسانها خواه ناخواه به این مرزها و رده ها وابسته و پایبند می باشند . این وابستگی هنگامی بیشتر نمایان می گردد که هر یک از این عرصه ها مورد تعدی و تازش بیرونی قرار گیرد .البته وابستگی به این عرصه ها با افزایش راه و وسعت آن در تقسیم رده بندیها پیوندی عکس دارد . بر پایه این نظریه انسانها به خانواده و پس از آن به محله ، شهر ، کشور و ... بیشترین وابستگی را دارند . این وابستگی به محله در گذشته بسیار عمیق تر و کارساز تر بوده است ، بطوریکه ساکنین یک محله در صورت مشاهده تخریب و یا از بین رفتن منابع محلی به جنگ و ستیز یا مقاومت می پرداختند . به واقع، محله همیشه تداعی گر وجود زنجیره ای از خانواده ها با بسیاری از ویژگی ها و بازخوردها و ارزش های فرهنگی نسبتاً مشابه در حیطه جغرافیایی با بافت و محدوده مشخص است. از یک نگاه، محله می تواند خود یک شهرک باشد. زمانی که وسعت یک محله به طور قابل توجهی افزایش می یابد، شاهد پدید آمدن و تولد واژهها و مفاهیمی همچون پایین محله، بالامحله، محله اصلی، محله جدید و نظایر آن می شویم. بیشتر مقوله های مربوط به هویت در محله ها بازسازی می شود، مفهوم محله به عنوان واحد پایه و اولیه سازمان، کالبدی از فضای ساختاری شهر است. این واحد از تجمع پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد رسمی میان گروهی از مردم به وجود می آید. اغلب در محله های شهری کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی بوده و از این رو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محله های شهری دارد. محلات در گذشته صرف نظر از حجم و وسعت محله حدود عرفی خاصی داشته که برای ساکنان آن مشخص و قابل شناسایی بوده است و هویت اکثر افراد با محلات شناخته می شده و اهالی آن نسبت به محله و متعلقات آن تعصب داشته اند. شالوده سازماندهی کالبدی- اجتماعی در شهرهای قدیم بر نظام محله بندی و سلسله مراتب تقسیمات آن بازار و مرکز شهر ، محله ، کوی و... استوار بوده که هم به روابط اجتماعی و اقتصادی شهر و هم به روابط اداری، ارتباطی و خدماتی شهر، سازمان می داده است.از طرفی در محله های قدیمی به ویژه محله های طبقه کم درآمد، ارتباط همسایگان با حس تعاون و همیاری بیشتر بوده و ارتباط در چنین محله هایی از طریق مراکز مذهبی، باشگاه های ورزشی، قهوه خانه ها و کوچه ها صورت می گیرد، اما در محله های مختص سکونت طبقه پر درآمد، روابط همسایگان تضعیف شده و کمتر به آن احساس نیاز می شود. در محله های قدیم عمده زمان ساکنان محل، در کوچه و خیابان می گذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایتبخش بوده است ولی امروزه خیلی از ساکنان در چارچوب خانه خود محصور شده و دیگر از آن محله های قدیمی خبری نیست.

هویت فرهنگی و اجتماعیهویت فرهنگی و اجتماعی در تداوم حیات اجتماعی انسان نقش مهمی را در انجام وظایف و مسئولیتهای اجتماعی و شهروندی ایفا می کند . هویت فرد در گرو برایند متناسب و مناسبی از سایر هویتهای وی از جمله هویت فرهنگی و اجتماعی است . هویت اجتماعی و فرهنگی نیز در گرو برخورداری از شرایط مناسب زیستی به ویژه زندگی اجتماعی و فرهنگی محله ای است . به گونه ای که بتواند منشاء خاطره برای فرد گردد.احساس تعلق اجتماعی نیز مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه شهری و منطقه ای است. به طور کلی عوامل محیطی نه تنها در زندگی مادی انسان ها اثر می گذارند، بلکه در طرز تفکر و نگرش های آنها نیز مثر واقع می شوند و زمینه شکل گیری فرهنگ ها را در این رابطه به وجود می آورند که از

محیطی به محیط دیگر متفاوت است. محله و تعلق اجتماعیمحله های شـهری یکی از کانون های خرد و ملموس شـکل گیری هویت های فرهنگی و تعلق اجتماعی هسـتند . ارزش ها و هنجارهای محله ای نخستین برخورد ملموس افراد با هویت فرهنگی را شـکل می دهند و اغلب به صورت مناسـبات رویاروی ، حس تعلق اجتماعی را تقویت می کنند .در محله عمده زمان ساکنان محل در کوچه و خیابان می گذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش است .اغلب در محله های شهری کیفیت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی است . از این رو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محله های شهری است .استفاده از مؤسـسات محله مثـل مراکز مـذهبی ، باشـگاه ، قهوه خانه به مردم امکان می دهـد که خود را در یک محـدوده کاملاً مقیـد احساس کرده و در نتیجه تعلق بیشتری نسبت به محله مسـکونی خویش پیـدا کننـد؛ چرا که اجتماع شـهری باعث می گردد که کنش متقابل اجتماعی و جامعه مدنی شـکل گیرد و واحد مکانی که این کنش ها عمدتاً در آن شـکل می گیرد محله می باشد.. بنا بر آنچه گفته شد پس می توان محله را یک واحد فیزیکی و اجتماعی به شـمار آورد .در میزان احساس تعلق محله ای عامل وسـعت نقش اساسـی دارد . هر انـدازه سـهولت دسترسـی به مؤسـسات عمومی و تجهیزات محله ای با پیاده روی امکان پذیر باشد ، در این فرایند احساس تعلق به محله افزایش می یابـدهر انـدازه که دسترسـی به نیازهـای روزانه و تغییرات شـهری با اتومبیل صورت گیرد و فاصـله حرکت بیشتر باشـد به همـان انـدازه احسـاس هویت و تعلق اجتمـاعی به شـهر کـاهش می یابـد . بنـابراین توجه به بعـد اجتماعی محله قلمروهـای اجتمـاعی و غیرکالبـدی یکی از ضـروریات محیط قابل زیست شـهری است و ایجاد عناصـر کالبـدی که بتواننـد مرزهای قلمرویی اجتمـاعی را هر چه بیشتر متبلور سـازد، می توانـد به سامانـدهی بیشتر کنش هـای متقابل در اجتماع انسانی منجر شودبا این حال هر چند که احیای مراکز هویت محله ای از نیازهای اجتماعی یک شـهر است و برای جذب مردم به فضای اجتماعی محله باید شاخص های امنیتی، دسترسـی، پیاده، نظارت و انجام مراسم جمعی و آیینی در فضای شهری وجود داشته باشد ولی امروزه متاسفانه گسترش شهرنشـینی و عـدم سامانـدهی معابر و شـبکه بزرگراه ها موجب گسـست محله های فرهنگی مشابه شـده و در نتیجه به قطع ارتبـاط محله هـا منجر گشـته است. بـدون تردیـد هویت و مشـارکت بخشـی اجتماعی محلـه ای به عنـوان یکی از زیرسـاخت هـای ساختـاری- کالبـدی دارای اهمیت است. ادامه حیـات شـهری دلیـل بر اهمیت محله در تکامـل اجتمـاعی-روانی شهرنشـینان اسـت، بنـابراین محلـه تبلـور کالبـدی اجتمـاع ومرز هـای آن تبلـور حریـم هـا و قلمروها است.شـهرگرایی جدید در پی تلاش به آمیختگی اجتماعی، محیطی و مکانی است و یکی از عناصـر مهم شـهرگرایی جدید محله و محله گرایی است. به طـوری که اصـول به کـار رفته در طراحی یـک محله شـهری بایـد برای کـل شـهر به کـار گرفته شود. مقایسـه شهرهـای گذشـته بـا امروز نشـان می دهـد که شـهرهای گذشـته دارای ساختاری بسامان بوده و هویت محله ای را تقویت می کرده است، اما شهر های جدید ابتدا ساختار شهر را با شهرک های مسکونی، برج ها و آپارتمان ها که جمعیت را از اقصی نقاط ایران در آن ساکن کرده است، تعریف می کند.همین موضوع باعث از بین رفتن محلاتی که شهروندان در سایه آن احساس امنیت و آرامش می کردند، شده است. http://shahrebehesht.ir/tabid/۶۱/View/Detail/id/۱۵۶۳/Default.aspx

مبانی حقوق شهروندی در اسلام و غرب

ابراهیم حسـینی‌فر گروهی که تقریبا اکثریت حقوق‌دانان غربی را تشکیل می‌دهند عقیده دارند همان‌طوری که انسانها به راهنمایی و به وجدان و عقل، خوب و بد کارهای شخصـی خود را از هم تشـخیص می‌دهند و به طور کلی همه نیازمندیهای شخصی خود را به وسیله همین وجـدان وعقل حل می‌کننـد و همچنین با ارشاد و راهنمایی همین دو عنصـر قادرند حق و حقوق ومقرارت حکومتی را جهت حفظ نظامات مردم بوجود آورند تا آنجا که روسو از دانشمندان علم حقوق در کتاب (امیل) می‌گوید:

مقدمه: فلاسـفه و دانشـمندان علم حقوق منشاء و سرچشـمه حقوق شهروندی را در دو گروه کاملا متفاوت بررسی می‌نمایند. بخش

اول : حقوقی که از وجدان و عقل سرچشمه می گیرد گروهی که تقریبا اکثریت حقوق‌دانان غربی را تشکیل می‌دهند عقیده دارند همان‌طوری که انسانها به راهنمایی و به وجدان و عقل، خوب و بد کارهای شخصی خود را از هم تشخیص می‌دهند و به طور کلی همه نیازمندیهای شخصی خود را به وسیله همین وجدان وعقل حل می کنند و همچنین با ارشاد و راهنمایی همین دو عنصر قادرند حق و حقوق ومقرارت حکومتی را جهت حفظ نظامات مردم بوجود آورند تا آنجا که روسو از دانشمندان علم حقوق در کتاب (امیل) می گوید:«وجدان غریزه فناناپذیر خدایی، ندای آسمانی، راهنمای مطمئن افراد نادان، اما هوشیار و آزاد، داور درستکار و نیک‌اندیش و ممیز نیک و بد قادر است آدمی را همانند خدا سازد.» بخش دوم: حقوقی که از ناحیه شارع مقدس و خداوند متعال سرچشمه می گیرددرمقابل گروه یاد شده، عده زیادی از حقوقدانان و فلاسفه الهی و علمای اسلام براین عقیده‌اند که حق و حقوق و قوانین و حدود مسئولیتها و وظایف افراد جامعه بایستی از ناحیه خداوند متعال تعیین و به وسیله انبیاء الهی به مردم ابلاغ گردد؛ چرا که خداوند خالق کلیه موجودات است و از خوب و بد جهان مادی کاملا مطلع و خود نیز ذی‌نفع وضع این قوانین نمی‌باشد. در غیر این صورت عدالت اجتماعی به معنای واقعی کلمه به ظهور نخواهد رسید. البته در مکتب اسلام و عقیده شیعه در پاره‌ای امور منکر عقل نیست و قائل به «ما حکم به العقل حکم به الشرع» نیز هستند. دلائل زیر جهت اثبات نظریه حقوقی اسلام و نفی نظریه تمسک صرف به وجدان و عقل اقامه شده است. ۱- خاصیت رنگ‌پذیری عقل و وجدانعواملی همچون عادات و رسوم، طرز تعلیم و تربیت، شرایط و خصوصیات زندگی، اقتصاد و طرز تولید و بالاخره معتقدات و آداب ملی در چگونگی تشخیص فرد تاثیر قطعی دارند و چه بسا در اثر عوامل یاد شده عقل، وجدان خاصیت رئالیستی و واقع‌بینی خود از دست بدهد و به انحراف کشیده شود مانند:الف – رسوم ناپسند و غلط زنده به گور کردن بستگان و دختران که در عصر جاهلی در بعضی جوامع رسمی پسندیده و نیکو بود.ب- رسم ناپسند و زشت روابط آزاد جنسی و هم‌جنس‌بازی که به واسطه آن حقوق شهروندان آزاداندیش و مذهبی از بین می‌رود که در میان بشر واقوام و ملل جهان نیز امری زشت و ناگوار است. ولی هم اکنون در بعضی از کشورهای غربی و در بعضی از ایالات آمریکا این روابط صورت قانونی پیدا کرده است تا جایی که ریاست‌جمهور وقت آمریکا آقای اوباما با دیدار با این اعضاء به آنان قول ثبت و رفع مشکلاتشان را می‌دهد و در ایالات متحده و در اروپا رابطهٔ منحط هم‌جنس‌بازی به صورت رسمی ثبت می‌شود و طرفین دارای حق و حقوق می‌باشند. البته نمونه این انحرافات بقدری در جهان زیاد است که از حوصله این تحقیق خارج می‌باشد، بلکه خود این امر تحقیقی مستقل را می‌طلبد. وصد البته که با این تفکر و نگرش به حق و حقوق نمی‌توان حقوق شهروندی معتدل و عدالت‌محوری را وضع و اجرا نمود. ۲- محدویت علم بشرآیا دانش و معلومات محدود بشری و مجهولات فرا روی بشر به او اجازه و امکان طراحی و مدل‌سازی نقشه مدینه فاضله را میدهد که در خارج آن را پیاده کند و بتواند یک برنامه کامل و سعادت‌بخش جهت تبیین و تقرب حقوق شهروندان را برای خود و جامعه وضع نماید. البته که نمی‌تواند، چراکه تاکنون قوانین ساخته دست بشر همگی باعث زجر و ظلم به عده‌ای شده است و عده‌ای را صاحب مقام و ثروت فراوان کرده است، و جوامع را درگیر جنگ و خشونت نموده است. آفریدگار بشر با علم وسیع و جهان‌بینانه‌اش بهترین آیین زندگی و نظامات شهروندی را وضع می کند و عالی‌ترین راه و رسم زندگی را بر پایه قوانین و حقوق شهروندی تبیین می‌نماید. ۳- خودخواهی و منافع شخصی در تعیین حق و حقوق شهروندی به دست بشراگر بر فرض محالی قبول کنیم که قانون گذاری بشر از دو مرحله قبل سالم عبور کرده است، یعنی نه وجدان و عقل آنان تحت تاثیر عوامل مختلف قرار میگیرد و خاصیت رئالیستی خود را از دست می‌دهد و نه علم و دانش آنان محدود است که از عهده درک مصالح و مفاسد واقعی بر نیاید، اما درعین حال مرحله خطرناکی به نام هوا و هوس، و منافع شخصی، و قومی و نژادی، و حس منفعت‌جویی و خودخواهی برای قانون گذاری که از منبع وحی و سرچشمه فیض الهی جدا شده است وجود دارد، تا جایی که منتسکیو حقوقدان و متفکر معروف فرانسوی می گوید:«علتش این است که هر قانون گذاری دارای عواطف و افکار مخصوص است و در عین وضع قانون می‌خواهد نظرات خود را در آن بگنجاند.»ژان ژاک روسو، دانشمند

وحقوقدان فرانسوی می گوید:«برای کشف بهترین قوانینی که به درد ملل بخورد یک عقل کل لازم است، که تمام شهوات انسانی را ببیند، ولی خود هیچ حس نکند: با طبیعت هیچ رابطه‌ای نداشته باشد ولی آن را کاملا بشناسد.سعادت او مربوط به ما نباشد، ولی حاضر باشد به سعادت ما کمک و بالاخره به افتخاراتی اکتفا نماید که به مرور زمان علنی گردد. یعنی در یک قرن خدمت کند در قرن دیگر نتیجه بگیرد.» ۴- مشکل ضمانت اجرایی حقوق و قوانین شهروندیمشکل چهارم وضع قوانین به دست بشر و از روی عقل و فطرت، مشکل ضمانت اجرا می‌باشد که این امر از عمده ایرادات این نوع وضع قوانین بشریت تا به امروز مطرح است، که آیا تمام دولتها مایل به اجرای عدالت بوده ومنافع مادی خود را در نظر نمی گیرند؟ تمام بی‌عدالتی‌ها در تمام ممالک دنیا، گویای این مطلب است که بسیاری از دولتها جهت کسب منافع خود از اجرای قوانین انسانی سر باز زده و قوانین را به سمت و سوی منافع خود سوق می‌دهند.مارتی عقیده دارد که «تمام قواعدی که ضمانت اجرا دارد از قواعد حقوق است، ولی به عکس تمام قواعد حقوق از طرف قوای عمومی تضمین نشده است.»قواعد و حقوق شهروندی و بشری در جهان براساس تمایلات عاطفی و از سر احساسات انسانی شکل گرفته می‌شود و تمامی قوانین در اجرا و عمل به نفع مصالح دولتها تعیین، وضع و اجرا می گردد و به همین دلیل است که دنیای امروز بشری بر تضییع حقوق شهروندان، بی‌عدالتی و بی‌نظمی خاصی استوار شده است؛ چرا که تمامی حاکمان و مراکز قدرت از آزادی بشر و دموکراسی و آزادی بیان سخن می‌رانند، ولی در عمل مطالبی که برخلاف عقاید آنان و یا منافعشان باشد را سریعاً سرکوب می کنند. مفهوم حقوق شهروندیدر راستای تبیین و بررسی حقوق شهروندی ناگزیریم معنای حقوق و مفاهیم و انواع مکاتب آن را بررسی کنیم، چرا که هر مکتبی و هر دیدگاهی در موضوع حقوق شهروندی تعریف مجزا و جداگانه‌ای دارد و قوانین و مقررات آن به تبع تعریف و منشاء حقوق فرق می کند و باید براساس جهان بینی و ایدئولوژی همان مکتب بررسی شود. بخش اول تعریف حقوق شهروندیارائه تعریفی جامع وکامل از حقوق شهروندی کمال مطلوب است. ولی باید دانست که دست یافتن به آن در مفهومی مانند «حقوق» کاری است دشوار و همیشه امکان دارد که پاره ای از قواعد استثنایی از شمول تعریف بیرون بماند. برای مثال: اگرحقوق به قواعدی تعریف شود که ضمانت اجرای دولتی و مادی یافته است، این خصوصیت یکی از اوصاف بارز حقوق را می رساند ولی گاه دیده می شود که قاعده ای درحقوق عمومی یا بین المللی ضمانت اجرای قاطع و روشن ندارد. این قواعد هنوز به مرحله کامل خود نرسیده است لیکن وجود آن نیز انکار ناپذیر است. پس، نمی توان به خاطر انحراف ناچیز از وصف عمومی قاعده حقوقی گذشت یا تعرف را به باد انتقاد گرفت.هیچ کس انتظار ندارد که دریک یا چند سطر از همه اوصاف حقوق واستثناها و زیر و بم های مفهوم پیچیده و مهمی که از دیر باز و همراه با تمدن بشریت مورد گفتگو بوده وعمر صدها اندیشمند و حکیم را به خود مشغول داشته است آگاه شود. شناخت ماهیت حقوق شهروندیجهت شناخت ماهیت حقوق شهروندی به طور معمول از چند عامل می توان استفاده کرد:۱- از مبنا و منبع ایجاد کنندهٔ حقوق شهروندی: بدین ترتیب که بگوییم «حقوق شهروندی را ارادهٔ دولت یا رسوب تاریخی عادات و رسوم یا نیازهای اجتماعی به وجود می آورد» و یا بهتر بگویم، قاعده حقوقی است که به وسیله دولت حمایت و تضمین گردد.۲- هدف و وظیفه حقوق شهروندی: حقوق شهروندی قاعده ای است که هدف آن ایجاد نظم است یا «قاعده ای است که بر روابط اجتماعی شهروندان، حکومت واقعی یافته است.»۳- قلمرو و موضوع حقوق شهروندی: بدین ترتیب که ادعا شود حقوق شهروندی تنها به مظاهر خارجی اعمال و پدیده های اجتماعی نظر دارد و به درون اشخاص و نیت واقعی آنان بی اعتنا است. برای فهم بهتر مفهوم واژه حقوق شهروندی باید ابتدا به تفکیک، معنای کلمات «حقوق» و «شهروندی» را دریابیم. انواع تعاریف حقوقآقای دکتر کاتوزیان در تعریف حقوق می گوید :۱- «مجموعه ای از قواعد الزام آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود».وظیفه دولت قانونگذار نیز در این جمله خلاصه می شود:«تأمین صلح از راه اجرای عدالت» شعاری که از دیرباز، آرمان اصلاح طلبان بوده و هم اکنون نیز باید برنامهٔ دولتمردان باشد.۲- حقوق برای تنظیم روابط اجتماعی برای هرکسی امتیازی

قرار داده است که به آن حق می گوینـد و جمع آن حقوق است، ماننـد حق حیات، حق مالکیت و حق آزادی شـغل.۳- علامه شهیر جنـاب آقـای جـوادی آملی در تعریـف حقـوق می فرمایـد:«حقـوق عبـارت است از مجموعه قوانین ومقررات اجتمـاعی که از سوی خـدای انسـان و جهـان برای برقراری نظم، قسط و عـدل در جامعه تـدوین می شود تا سـعادت جامعه را تامین سازد.فلاسـفه سیاسـی متقـدم ماننـد گرسیوی و هربز و نیز کلیسـای قرون وسـطی می گوینـد:«حقـوق رابطه یـک سـویه دارد، یعنی حقـوق تنهـا در نـاحیه حکومت متصور است. حکومت ماننـد خداونـد حقوق متعـدد بر مردم دارد و خـدا در مقابل مردم از تکلیف و مسـئولیتی بر خوردار است و مردم هیچ حقوقی ندارند». انواع تعاریف شهروندیشـهروندی همان گونه که از کلمه آن روشن است از مشـتقات شـهر است که به علت تـازگی این واژه وکثرت اسـتعمال آن معـانی متعـددی از آن شـده است.شـهر در لغت به معنی آبـادی بزرگ که دارای خیابانها، کوچه‌ها، خانه ها، و مغازه‌ها و ساکنین بسیار باشد گفته می شود.شـهری به کسـی گفته می شود : که در شـهر زندگی می کند و منسوب به شـهر است. اما شـهروند یعنی : «انسانی مدنی، که توانسته معیارها وملاکهای یک شهروند را به طور کامل در خود نهادینه کند و به همه وظایف و اختیاراتی که یک شـهروند باید داشـته باشد آگاهی داشـته و خود را ملزم به رعایت آنها بداند، اگر چه در شـهر هم سـاکن نباشـد.»در تعریـف حقـوق شـهروندی آمـده است : «حقـوق شـهروندی آمیخته ای از وظـایف و مسـئولتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شـهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شـهری (شهرداری) دولت و یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیتها حقوق شهروندی اطلاق می شود». انواع مکـاتب حقوقیبرای بررسـی حقوق شـهروندی در مکـاتب مختلف ابتـدا بایـد از مبـانی مکاتب مختلف حقوقی آگاه شویم. الف – مکتب حقوق طبیعی دراین حقوق منشـاء حق طبیعت می باشـد، و این طبیعت است که چنین حقوقی را برای انسان در نظر گرفته است. این مکتب از قدیمی ترین مکاتب حقوق می باشد که بعضی سابقه آن را به فیثاغورس حکیم معروف یونانی نسبت می دهنـد و دانشـمندان زیـادی از آن سـخن گفته انـد و بر اسـاس همین مکتب و نظر حقوق اجتماعی ونظام سیاسـی شـهروندی را بنیانگـذاری کرده انـد.الـف- دراین مکتب مـاهیت حقـوق وقوانین مرتبطه، واقعیتهـای نفس الامـری است وقوانین حقوقی در خـارج وجود دارنـد.ب – اینـان معتقدنـد قوانین حقوقی قانگـذار نـدارد بلکه کاشف دارد و حقوقـدان کسـی است که بتوانـد این قوانین را کشف کند.ج- این گروه می گویند: اعتبار این قوانین ذاتی است از این رو نه قابل جعل می باشند و نه قابل فهم واز بین بردن.د- از نگاه این گروه؛ قوانین حقوقی همانند قوانین طب می باشد یعنی همان گونه که وجود یک میکروب واقعیت عینی است و راه مبارزه بـا آن واقعیت عینی دیگری دارد قوانین حقوقی نیز چنین است. در طب طبیب قـانون گـذار نیست و نمی توانـد تـاثیری به پدیـده ای بدهـد و یا تاثیری را از پدیده بگیرد بلکه طبیب، کاشف تاثیر اشیاء وقانون طبیعت است و هرچه تلاش بیشتری کند این کشف دقیق تر و تاثیر آن روشن تر می باشد.ج- این گروه بر این باورند که هریك از انسانها در آغاز تولد برای کاری مشخص آفریده شده اند و نباید کاری دیگری انجام دهد پس نژاد انسانها متفاوت است بعضـی نژاد برتر بعضـی پست تر و بعضی متوسط و حقوق شهروندی آنان نیز براساس طبقه و نژاد شان تقسیم می شود براساس این مکتب ما شـهروند را درجه بندی می کنیم و شهروند درجه یک و دو و سه داریم. نظریه افلاطون در مکتب حقوق طبیعیافلاطون که از بزرگترین فلاسـفه یونان و از پیروان مکتب طبیعی می باشـد و در کتاب جمهوریت بر همین اساس و دیدگاه ارائه نظر می نماید و می گوید اگر بخواهیم جامعه ای سـعادتمند داشـته باشـیم، باید فرد انسـان را که الگوی طبیعی است الگو قرار داد و تقسـیم کـار اجتمـاعی بر همـان اساس باشـد. نظریه مونتسـکیو درباره مکتب حقوق طبیعیبزرگترین نظریه پرداز دموکراسـی و آزادی بشـر و حقوق شـهروندی یعنی مونتسکیو که نظریات او منجر به انقلاب کبیر فرانسه شد و آن همه شـعارهای آزادی از او نقل است در خصوص برده داری می گوید:این موجودات که یکسـره به رنگ سـیاه هسـتند با چنان بینی پهن کمتر می تواننـد مورد ترحم قرار گیرند، بسـیار سـخت است که بدان باور شویم که خدا که موجودی خردمند اسـت بایـد در چنین انـدام سیاه و درشتی روان به ویژه روان پـاکی دمیـده باشـد ...برای مـا محـال است که فرض کنیم که این موجودات

انسان هستند زیرا که اگر آنها را انسان بدانیم این سوء ظن پدید می آید که پس ما دودمان مسیحی نیستیم. نقد و رد مکتب حقوق طبیعی ۱- نامفهوم بودن واژه طبیعتالف – مقصود از واژه طبیعت خداوند است که کاربرد این اصطلاح برای خداوند رایج نمی باشد و نمی توان مقصود این گروه از این واژه باشد چرا که اگر مقصود از طبیعت خداوند باشد با این برداشت از طبیعت که، در طبیعت انسانها تفاوت نژادی دارند ناسازگار خواهد بود.ب- اگر منظور از طبیعت جدا و فرای موجودات جهان هستی است مانند انسان یا حیوان و جماد که درگذشته بود و خواهد بود این اندیشه را هیچ انسان خردمندی نمی پذیرد و هیچ دلیلی هم بر اثبات این ادعا وجود ندارد و از لحاظ علمی نیز اثبات پذیر نمی باشد. ۲- توصیه ای بودن مکتب طبیعیا توجه به اینکه پیروان این مکتب ماهیت قوانین حقوقی را اموری نفس الامر واقعیتهای خارجی می دانند تاکنون قواعد حقوقی به گونه ای که در همه ی مقررات اجتماعی رهگشا باشد از سوی یکی از طرفداران این مکتب تبیین و دسته بندی نشده است. وتنها به این توصیه اکتفا می کنند که حقوقدانان و قانوگذاران باید با مطالعه طبیعت اشیاء قوانین موضوعه را وضع و اجرا نمایند. ۳- اعتباری بودن این حقوقپیروان این مکتب براین باورند که حقوق واقعیتهای خارجی هستند در حالی که اصولی را مطرح می کنند همانند آزادی برابری و مالکیت که جز اعتبار واقعیت خارجی استناح کرد .با بررسی دلائل و نظرات این مکتب آگاه می شویم که منشاء حق و حقوق شهروندی ونگاه به انسان در این مکتب طبیعت است یعنی اگر کسی با ظاهری مندرس بود حقش باید ضایع گردد و شهروندان دراین مکتب طبقه بندی شده و اصل عدالت اجتماعی نقض گردد و اصل تساوی درمقابل قانون نیز زیر پا گذاشته می شود و معلوم نیست منشاء قوانین و مقررات کجاست که حقوقدان باید آن را کشف کنند. این مکتب حقوقی در حال حاضر به نحوی جدید در بعضی از کشورها درحال اجرا می باشد که قانون مدرن ندارند در صورتی که در مکتب متعالی اسلامی اینگونه نیست که تفصیلا در مقاله بعدی بررسی می شود. ب- مکتب حقوق پوزیتیویسمیکی از مکاتب مشهور حقوق پوزیتیویسم است . ۱- واژه پوزیتیویسمبرگرفته از واژه positivic به معانی مختلفی از جمله مثبت و واقعی به کار می رود.پوزیتیویسم یکی از بحث انگیزترین رهیافتهای فکری و فلسفی درقرن نوزدهم و بیستم بوده است با این تفاوت که پوزیتیویسم قرن نوزدهمی – عبارت از یک رهیافت یا نظام بود که یگانه مبدا معرفتهای معتبر درعلوم (علوم اجتماعی و طبیعی) را تجزیه های حسی می دانست اما پوزیتیویسم قرن بیستمی علاوه بر این دیدگاه معتقد به اصل تحقیق پذیر، اثبات پذیر یا درستی آزمایی است که بعدا به جای اصل اثبات پذیری، ابطال پذیری را نهاده اند. خاستگاه این مکتب در غرب محصول تحولات مغرب زمین می باشد. زمینه های تاریخی پوزیتیویسمعوامل و زمینه های تاریخی اجتماعی وفکری زیادی دست دردست هم گذاشته تا شیوه زندگی مدرن و مدرنیته درغرب به وجود آید وتمام عرصه های زندگی بشری از جمله حقوق را تحت الشعاع خود قرار دهد فهم این عوامل مستلزم بررسی تاریخی تحولات اجتماعی و فکری مغرب زمین به ویژه از دوره رنسانس به این طرف می باشد . گرچه این عوامل بسیار می باشند ولی چند عامل دراین زمینه نقش برجسته ای داشته اند. این عوامل عبارتند از:۱- دوران قرون وسطی : غربیان این واژه را بسیار به کار می برند و مقصود آنان از این دوران دوره مالکیت کلیسا برهم شئون غربیان می باشد. این دوره از سال ۳۹۵ م سال تجزیه روم باستان آغاز و در سال ۱۴۵۳ م باسقوط قسطنطیه توسط سلطان محمد فاتح پایان می رسد. در این دوران عملکرد کلیسا زمینه نفرت عمومی مردم را ازکلیسا و دین مسیحیت فراهم کرده بود. تنها در ۱۸ سال ۱۰۲۲۰ نفر را زنده زنده سوزاندند و ۶۷۶۰ نفر را تکه تکه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را شکنجه کردند که نابود شدند.حال غربیان و اروپاییان مسلمان را به تعصب و کوته نظری متهم می کنند و هیچ، آن زمانه شان را بخاطر نمی آورند که اشخاص به خاطر اندک آزادی و استفاده از حق مسلم شهروندیشان زنده سوزانده می شدند و حتی مخترع دوربین نیز از این بلیه محفوظ نماند.۲- دوره رنسانس : دوره ی رنسانس را از قرن چهاردهم تا قرن شانزدهم می دانند. رنسانس را می توان از آثار مثبت جنگهای صلیبی برای مغرب زمین برشمرد. زیرا در دوران جنگهای صلیبی که از سال ۱۰۹۶ م آغاز شد ودر سال ۱۲۹۱ م پایان یافت، غربیان با مشرق زمین و کتابخانه ها و کتب و سرزمینهای متمدن آنان آشنا شدند و از عقب ماندگی خود آگاه گشتند. از

طرفی تاکیـد و افراط مسیحیت کلیسـایی بر آخرت گرایی دیگر توانـایی خرسـند ساختن روح و ذهن مردم مغرب زمین را از دسـت داده بود و جـامعه نیاز به ادب فرهنگی نو و دنیاساز را احساس می کرد. دراین برهه فرهنگ کلاسـیک باسـتانی یونان و روم خود به عنوان فرهنگی آرمانی و همیشه جدید عرضه کرد و بدین جهت به این دوره رنسانس می گویند. فرهنگ باستانی یونان در اثر پیوند با دین مسیـحی با رنگ وبوی اولیه نه کلیسایی، فرهنگی نو پدیـد آورد و از آنجا دامن خود را به سراسـر اروپا گسترانـد. پیشاهنگان این حرکت که به پیروی از فرهنگ یونان انسان را در مرکز تاملات خود قرار دادنـد عنوان اومانیست یافتند.۳- جنبش اصلاح دینی: درقرن شـانزدهم آثـار اومـانیست هـای مـذهبی دوره ی رنسـانس هماننـد آراسـموس و ترادمی و تحولاـت آن دوره الهام بخش این جنبش بود. دوره ی اصلاح دینی به رهبری مارتین لوتر آغاز شد و به شکل یکی از رویدادهای مهم در تدوین و شکل گیری تاریخ جدیـد غرب درآمـد . درسال ۱۵۱۷ لـوتر در رسـاله معرفت خـود فروش عفـو و بخشـایش الهی و فروش غرفه هـای بهشت از سـوی اصـحاب کلیسا را به شدت مورد حمله و انتقاد قرار داد و بدین ترتیب جنبش اصـلاح و نواندیشی دینی با هدف پیرایش و تصفیه ی کلیسا مسـیحیت به لحاظ اعتقادی ، اخلاقی آیینی و رفتاری آغاز شد و به تاسیس مذهب پروتستانیسم انجامید.۴- دوره روشنگری یا عصـر خرد (اواخر قرن هفدهم و هجدهم)دوره ی روشـنگری را باید ادامه منطقی دسـتاورد های دو جنبش رنسانس و اصـلاح دینی دانست که بر دو اصـل خردگویی و پیشـرفت بـاوری اسـتوار است برخی از آرمانهـا و باورهـا این دوره عبارت انـد از: ایمان و خرد، پیشـرفت آدمی، نقـد و بـازجویی از باورهـا وهنجارهـای متـدوال، تلاـش برای آزادی، تلاش برای رواج تساهل در نهادهای دینی و سیاسـی و اجتمـاعی، گرایش به اصـلاحات حقوقی و قـانونی، اعتقـاد به خود مختاری انسان و حرمت فرد انسانی، مخالفت با کلیسا، جـدا انگـاری دین از دنیـا (سـکولاریم)، مخـالفت با هرنوع جمود و جزم گرایی و اهتمام فراوان به دانش تجربی. عقل گرایی دراین دوره به معنای ایمان و اطمینان به توانمنـدی عقل درهمه ی حوزه ها و شـئون زیست انسان از قبیل علم ، دین ، سـیاست اقتصاد و... می باشد. عقل گرایان دراین دوره گرچه همگی با کلیسا و سـنتها در ستیز می شدند اما به ویژه در نسـلهای اولیه به ندرت دین ستیز بودنـد. اعتقاد آنان به خدا در چارچوب عقل صورت می گرفت، نه بر گرفته از کتاب مقدس و تعالیم کلیسا چنان که الهیات طبیعی یـا عقلاـنی در برابر الهیات وحیانی همین مفهوم را می رسانـد. اما به مرور ماده گرایان این دوره به خصوص در فرانسه به کلی لزوم وجود خداونـد و عوامل غیرطبیعی را از منظومه معرفتی خود حـذف کردند.۵- انقلاب صنعتی (۱۷۵۰-۱۸۰۰م) این پدیده نیز یکی از عوامل مهم تحولات مغرب زمین می باشـد که به طور غیر مسـتقیم بر تحولات فکری اجتماعی و ...اثر گذاشت. تحولات معرفتی مغرب زمینبا توجه به آنچه درباره ی عوامل و زمینه های تاریخی تحولات مغرب زمین گفته شـد می توان تحولات معرفتی غرب را در دوره هـای مزبور این گونه خلاصه کرد.۱- نص گرایی : دراین دوره که هم زمان با قرون وسطی است تنها منبع شـناخت جهان نص کتاب مقـدس و آموزه های کلیسا بود. کلیسا دراین دوران دراین زمینه مرتکب چنـد اشـتباه شـد که آثار جبران ناپـذیری برای دیانت به معنای عام و مسیحیت به طور خاص در پی داشت.۲- عقل گرایی: با پیدایش رنسانس و رشد علوم تجربی وتعارض آنها با آموزه های کتاب مقـدس و جبهه گیری کلیسا در برابر علم و دانشـمندان عده ای که ازیک سو نمی خواسـتند از خدا دیانت دسـت بردارند و از سوی دیگر نیز نمی توانسـتند پیشرفت و اختراع و اکتشافات را انکارکنند به عقل گرایش پیدا کردند وتنها منبع شناخت جهان وانسان راعقل دانسـتند و نصوص کتاب مقدس را نیز تا آنجا که باعقل مخالفتی نداشت می پذیرفتند.اشـتباه این گروه هم این بود که به عقل بیش از توان آن اعتماد کردنـد ودرصدد بر آمدند تمام پدیده های جهان از جمله مسائل ماورا الطبیعی کتاب مقدس را نیز با عقل حل کننـد درحالی که عقل چنین توانایی را به خصوص در مسائل جزئی نداشت.۳- حس گرایی : پافشاری بر توانایی عقـل در کشف همه هستی از جمله ابعـاد و جودی انسان و شـکست این دانشـمندان این انـدیشه در غرب به وجود آمـد که تنها راه شنـاخت واقعیتها حواس انسان می باشـد یعنی چیزی قابل اعتماد و پـذیرش است که با حواس انسان قابل ذکر باشـد و پوزیتیویسم به همین معنی می باشـد یعنی آنچه درخـارج تحقق درد محصل است وبقیه هرچه بایـد خیال می باشـد.گرچه حواس یکی از کانالهای

ادراک بشر می باشد ولی اشتباه حس گرایان نیز همانند عقل گرایان پا فشاری بیش از حد بر توانایی حس بود. این گروه به جای اینکه اگر چیزی با حواس انسان قابل درک نبود بگویند ما آن را نمی شناسیم گفتند چیزی که با حواس انسان قابل درک نباشد اصلا وجود ندارد براین اساس انسان محوری درغرب مطرح شد. از طریقی به دلیل تفاوت درک حواس انسانها و اینکه هر کس با حواس خود بخشی از حقیقت را درک می کرد نه همه ی آن را هم با تفاوت نسبت به دیگران نسبت شناخت مطرح شد تا آنجا که گفتند واقعیتی غیر از آنچه با حواس به دست می آید وجود ندارد. http://shahrebehesht.ir/tabid/۶۱/View/Detail/id/۱۴۸۳/Default.aspx

نسبت هویت با سیمای شهر

محبوبه غفوری

رنگ یکی از جنبه های مهم زندگی شهری است. رنگ از جمله خصوصیاتی است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیء، حجم یا فضای آن را به ما می شناساند. در بیشتر موارد نخستین چیزی که بیننده در مورد یک شکل شناسایی می کند، رنگ است. تصور دنیایی بدون رنگ برای هیچ یک از ما ممکن نیست. در محیط

شهری رنگ را همه جا می توان دید؛ در بدنه و نمای ساختمانها، پوشش بام، کف سازی ها، مبلمان شهری، فضا ی سبز، خودروها و حتی آسمان شهر و نیز رنگ آمیزی لباس افراد که همگی نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند. برای مثال در جامعه ما رنگ های تیره و کدر، رنگ های غالب هستند که مسلما شهرهای ما را متفاوت از شهرهایی می کند که مردم آن تمایل به رنگ آمیزی های تند و شاد دارند. رنگ ها نه فقط از نظر زیبایی بخشیدن به دنیای اطراف ما اهمیت دارند، بلکه تاثیرات عاطفی - روانی قوی نیز بر اشخاص می گذارند. رنگها تعابیر روانی مختلفی دارند و همان طور که گفته شد، می توان خصوصیات افراد یا جامعه را از روی رنگهایی که استفاده می کنند و دوست دارند، شناسایی کرد. از این جهت رنگ ابزار مهمی در جهت هدایت و القای حالات روانی خاص به افراد و جوامع است. فضاهای تیره و ناهمگون، افراد را دچار افسردگی و فشارهای روانی ناخواسته می کند، در حالی که خود افراد نیز از دلایل واقعی آن با خبر نیستند. از رنگ می توان در طراحی فضا بهره فراون برد. رنگ به کاهش خستگی و برانگیختن چشم کمک می کند. رنگها زمینه متنوعی از فضاها کنتراست ها را در ساعات مختلف روز پدید آورده و در هر ساعت، سایه روشنهای جدیدی به وجود می آورند و فضا را متنوع و سرزنده می کند. ضمن این که با استفاده از رنگ می توان به فضا یکپارچگی و وحدت بخشید یا آن را متمایز و قابل شناسایی نمود. جالب این که این استفاده معمولا هزینه خاصی را به سازنده و استفاده کننده تحمیل نمی کند. رنگها معانی نمادین دارند و حتی در تصورات ذهنی ما نیز هر بنا با رنگهای خاصی تداعی می شود. مثلاـ رنگهای فیروزه ای و آبی یاد آور بناهای مذهبی و مساجد هستندو یا با دیدن رنگهای تند و شاد به یاد فضاهای کودکانه می افتیم. رنگهای مختلف می توانند یاد آور آرمانها، معانی و وقایع خاص باشند. برای مثال رنگهای سبز تیره و سیاه برای مراسم عاشورا و رنگهای زرد، سرخ، نارنجی یاد آور فصل پاییز و آغاز مدارس است که هر یک چهره متفاوتی به فضای شهر می دهند.توسعه زندگی شهری در ربع قرن گذشته چنان ولوله ای در تمامی ارکان زندگی ما انداخته است که مدیریت فضای شهری در آرایش و پیرایش دیرهنگام و عجولانه هنوز هم آثار ناپختگی خود را برای هر شهروند تماشاگری به ادراک درمی آورد. از جمله این آثار ترکیب و کیفیت رنگی است که در رنگ آمیزی سطوح پیاده رو ها، نرده ها، پلکان ها، پل های هوایی، تیر چراغ برق ها، جدول های کنار خیابان ها، صندلی ها، دیواره زیر پل ها در اتوبان ها و... به کار رفته است. هر چند مسوولان مدیریت شهری به دنبال انداختن طرحی نو در این باره هستند ولی مسوولیت من شهروند در این باره چیست؟ انسان به عنوان موجودی ادراک کننده رنگ های پیرامون خود در طبیعت و محیط زندگی را براساس قوانینی از روانشناسی فیزیولوژیک، اصول رنگ ها و

روانشناسی آن در بستر فرهنگی بی واسطه اش دریافت می کند. در سلسله مراتب نیازهای انسانی می توان به نیاز به زیبایی و آرامش اشاره کرد. اگر نیازهای پایه ای چون نیازهای فیزیولوژیک نیاز به امنیت، نیاز به تعلق خاطر و حمایت اجتماعی در انسان تشفی یابند، ارضای نیازهای سطح بالاتر انسان چون زیبایی، احترام، عدالت و معنویت ضرورت خواهد یافت. فضای شهری در زندگی امروزه شهروندان پتانسیلی چند منظوره جهت تشفی نیازهای متنوع انسانی را در خود دارد. اگر از کودکی که در خانواده ای گرم، شاد، آزاد و مسوول به سر می برد خواسته شود که شهری را ترسیم کند و آ ن را رنگ آمیزی کند یعنی نقاشی کند به احتمال زیاد از رنگ هایی متنوع، شاد و روشن و گرم استفاده خواهد کرد و خرسندی اش را با چشمانی که از شوق برق می زند نشان خواهد داد. رنگ ها در محیط زندگی انسانی بازتاب لایه هایی عمیق از تاثر است. تمایلات، خواسته ها، احساس ها، آرزوها، اندیشه ها و خاطرات کهن آدمی را گزارش می دهد. استفاده از رنگ در شهر را از دریچه های مختلفی می توان نگریست و بررسی کرد. ما می توانیم از رنگ آمیزی با استفاده از مواد، مصالح، اشکال و حجم ها در فضای شهری به عنوان عاملی در هماهنگی با نیازهای متعالی شهروندان چون شادابی، توازن و تازگی توام با ضرورت های زندگی شهری مانند پیام رسانی، آشناسازی، آسان سازی و نمادسازی که آن هم نگاه و زندگی شهروندان را هدف می گیرد، بنگریم. چیزی که بیش از همه خود را در این میان نمایان می سازد چگونگی تحقق چنین کیفیتی با بهره گیری از رنگ در موقعیت های متنوع شهری است. اگر نهادها و فرآیند جامعه مدنی به شکل مطلوب تری در عرصه عمومی فعال شوند و اعضای شورای شهر و شهرداری نمایندگی افکار عمومی را داشته باشند و شهروندان با حضور فعال خود در روال های دموکراتیک تغییر وضعیت زندگی خود مشارکت کنند شاید بتوان برای چنان کیفیتی راه هایی جست. بهره گیری از هنر و تجربه هنرمندان و درایت و هوشمندی متخصصان در رنگ آمیزی ظاهر شهر می تواند شرایط بهتری را برای تامین بهداشت روانی شهروندان فراهم سازد. سنتی که از دیرباز خود را در معماری بناهای تاریخی و نمادهای دینی و ملی چون رنگ فیروزه ای گلدسته ها و گنبدها و رنگ نیلگون طاق ها و شبستان ها و رنگ خاکی ستون های سنگی و آجرنماها و... به دست هنرمندان، دانشمندان و معمارانی بنام و گمنام بر خاطره کهن ما ردپایی گذارده است. کاشی کاری سبزرنگ خیابان، نقاشی های شهر و... همگی بر این روش بازسازی شده اند. چنین کیفیتی در شهر احساس همدلی، ستایشگری و خرسندی ناشی از تماشاگری شهروندان احساس تعلق اجتماعی و ملی را تامین خواهد کرد. طراحی نرده ها، فضاهای سبز، به کارگیری مواد و مصالح نوآوری شده، نورپردازی ها با رنگ آمیزی مشاطه گران شهری می تواند نویددهنده شرایطی مدرن و مطلوب در گستره هزار توی فرهنگ ایرانی و آیینی باشد و در غیر این صورت هشداردهنده نسبت به استفاده های نامناسب از امکانات بومی و غیربومی است. اگر از شما خواسته شود شهر خود را دگرباره نقاشی کنید، از چه مواد، اشکال و رنگ هایی بهره خواهید برد؟ اگر این رنگ ها بخواهد ما را به راستی، سلامت و صلح فرا بخواند و ما را به ازل و ابد بکشاند، چه رنگ هایی را انتخاب خواهید کرد. راستی رنگ خدایی که بهترین رنگ هاست، کدام است؟ رنگ در شهرهای قدیمدر بناها و فضاهای قدیم، رنگهای طبیعی مصالح محلی که بناها به وسیله آنها ساخته می شد، به شهر چهره ای هماهنگ و همگون می داد و با روحیه، اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر مطابقت می کرد به این ترتیب رنگ هر شهر تثبیت شده بود و جنبه ای از هویت آن محسوب می شد. بنابراین، با وجود تفاوت در مقیاس و عملکردها، نوعی وحدت کلی بر سراسر شهر حاکم بود. هر شهر هویت رنگی خاص داشت. در این شهرها، بناهای شاخص شهری به ویژه بناهای مذهبی با تزئینات کاشی فیروزه ای رنگ در زمینه خاکی خود می درخشیدند و خود را متمایز می کردند. شهرهای کویری، با آسمان آبی، درختان سبز و بناهای خاکی و گنبدهای فیروزه ای رنگ، تصویری چشم نواز در ذهن وخاطر هر بیننده ای حک می نمودند. تجربه حرکت در چنین فضاهای شهری به دلیل وحدت آن، آرامش بخش و به دلیل تنوع رنگی به جا و حساب شده سرزنده و متنوع بود. رنگ در شهر های امروز...بر عکس در شهرهای امروز ما، استفاده از رنگ به معضلی بدون پاسخ تبدیل شده که سازندگان، معماران و طراحان ومردم عادی را به استفاده بی فکر و کورکورانه از

رنگ کشانده است. شهرهای ما یک بوم رنگی بی هویت و مغشوش هستند که تنها موجب افسردگی روان پریشی و عصبیت افراد جامعه می شوند. در جامعه ما حساسیت افراد نسبت به فضا از میان رفته و افراد فاقد نگرشی منسجم در مورد چگونگی نمود فضاها هستند. در نتیجه با فضاها به صورت انفعالی برخورد شده و اجازه داده می شود که سرعت زندگی روزمره و وقایع، ما را به دنبال خود بکشد ! ما با مسائل مهم فضاهایمان از جمله رنگ به صورت مقطعی و موردی برخود می کنیم.شهرهای امروزی غالبا خاکستری هستند عناصر رنگی در آنها بیشتر سیمای رنگارنگ زباله هایی است که در همه محیط های شهر خودنمایی می کنند؛ پل ها، ساختمانهای سیمانی، سنگی و درختانی که از فرط آلودگی هوا سبزی شان رنگ باخته دیگر مجالی برای عرض اندام رنگ در آنها باقی نگذاشته است بطوری که متاسفانه شهروندان در برخورد با این نمادهای خشک و خشن تنها با آشفتگی بصری مواجه می شوند و آنچه باید در خدمت آرامش روانی شهروندان باشد برعکس عمل می کند، از طرفی هم در این رابطه هیچ گونه اصول و مبانی مدونی برای محیط های شهری تعریف نشده، تا بتوان بر اساس آن مدیران و طراحان و حتی مردم را در انتخاب رنگهای مناسب برای محیط زندگی شان هدایت کرد. رنگ به عنوان یکی از مهم ترین عناصر بصری می تواند نمودی فعال و تاثیرگذار در منظر عمومی یک شهر داشته باشد. که با این همه در حال حاضر ضوابط و اصول مرتبط با کاربرد رنگ در شهر مدون نشده و این بخش از زیباسازی شهرها بر پایه سلیقه های مدیران و کارشناسان هدایت می شود.علاوه بر این امروزه متاسفانه رنگ به وسیله ای برای خودنمایی تبدیل شده است، توجه به جنبه های عملکردی و فیزیکی رنگ بدون توجه به ابعاد و تاثیرات روانی آن باعث آزاردهنده بودن رنگهای به کار رفته در محیط می شود. مدیران از افراد غیر متخصص در طراحی و تجهیز فضاهای شهری استفاده می کنند و سپس با وجود صرف هزینه وانرژی زیاد با تعجب به نتایج تاسف بار به وجود آمده می نگرند. در معماری تک بناها نیز افراد غیر متخصص و گاه حتی متخصص تنها برای خودنمایی، جلوه فروشی و متمایز کردن بنا از سایر بناهای مجاور از رنگ های ناهمگون و نامتجانس با زمینه، عملکردو شخصیت بنا و محیط اطراف استفاده می کنند که با گذشت زمان، نادرستی این انتخاب ها آشکار می شود. استفاده از رنگهای طبیعی در شهرهمان طور که مبلمان منزل و فضای محیط مسکونی باید از هماهنگی و نظم در انتخاب رنگها برخوردار باشد، اجزاء تشکیل دهنده شهر نیز در صورت تبعیت از اصول ترکیب و هماهنگی در رنگها فضایی مطلوب و آرامش بخش را برای شهروندان خواهد ساخت. فضاهای سبز شهری مهمترین عنصر تامین کننده تنوع رنگ هستند، و در شکل دهی به سیمای رنگی شهر نقش اساسی دارند.رنگ مهمترین عامل در جذابیت پارک ها و فضاهای سبز شهری است و آگاهی از کاربرد متناسب رنگها موجب نیل به مقصود خواهد شد. یکی از وظایف طراحان چشم انداز، آگاهی از دانش ترکیب رنگ، روانشناسی رنگها و آشنایی با گونه های گیاهی تامین کننده آن است. درختان و درختچه ها و پوشش گیاهی بسیاری را در طبیعت می توان یافت که با تغییر رنگ در فصول مختلف موجب تنوع در چشم اندازهای شهری می شوند. در ترکیب رنگ گیاهان در هر منظره می توان از دو روش کلی تبعیت نمود؛ روش اول ترکیب رنگهایی است که در چرخه طیف رنگهای مجاور یکدیگرند، مثل ترکیب رنگهای قرمز، قرمز – بنفش و بنفش. در این روش ترکیب رنگ هر اندازه محیط مورد نظر وسیع تر باشد، طیف رنگی و رنگهای مجاور انتخابی بیشتر است. برعکس با کوچک شدن محیط، رنگهای انتخابی محدود خواهد شد.روش دوم، در ترکیب رنگها، نقطه مقابل روش اول است. دراین شیوه از رنگهای مکمل و رنگهای مقابل یکدیگر استفاده می شود، به عنوان مثال طراح از گیاهانی با رنگهای بنفش- زرد و یا قرمز – سبز در مجاورت یکدیگر استفاده می کند. این شیوه بیشتر در مواردی استفاده می شود که هدف طراح جلب توجه و نظر بینندگان به چشم انداز است. دیدگاه طراحی شهریاستفاده فراوان از رنگهای تند و متفاوت در پروفیل در و پنجره تا شیشه های رفلکس با رنگهای تند و خیره کننده برای تک تک ما ملموس و آشنا اند. این رنگها بر سردرگمی فرد در فضا می افزایند، چرا که هر رنگ دارای پیام و دارای بار معنایی خاصی است. زمانی که بدون توجه به معانی نهفته در رنگها از آنها استفاده شود، محیط به مکانی ناراحت کننده و ناخوشایند برای فرد بدل می گردد.رنگ که

خود عنصری هویتی و عاملی برای تقویت خوانایی است، امروزه چنان در شهرها و محله ها به صورت تصادفی و سلیقه ای به کار گرفته می شود که بخشهای تازه ساز شهرهای ایران، تفاوت چندانی با شهر مشهد ندارند. این اغتشاش و بی نظمی و بی هویتی در همه جا یکسان است و تنها از همین جهت می توان میان شهرها تجانس و تشابه یافت.این در حالی است که هر شهر، بسته به اقلیم، مصالح بومی، فناوری و منابع سلیقه و فرهنگ افراد، رنگ نماها، در و پنجره ها، مبلمان شهری، کف سازی، سقف و بام اصولا تمامی عناصر شهری به رنگهای خاصی محدود می شود که به نوعی شناسنامه رنگ شهر به شمار می آیند. از کنار هم گذاشتن این نمونه های رنگی می توان پالت رنگی شهر را کرد. رنگهای پالت رنگی شهر مطلوب در دامنه های مشخص و هماهنگ قرار دارند و اکثرا تناسبات رنگی با یکدیگر هستند.رنگ یکی از عناصری است که در کنار نور، بافت، فرم و شکل بر ادراک بصری افراد از محیط تاثیر می گذارد؛ اما در عین حال شاید بیش از هر مقوله دیگری در طراحی، با آن به صورت تصادفی برخورد شود. رنگها دارای وزن ادراکی اند : رنگهای روشن سبک ترند و رنگهای تیره سنگین تر. رنگ سیاه در این مورد استثناست وخالی بودن را القا می کند. رنگهای متفاوت القاء کننده مسافت و فاصله نیز هستند. رنگهای گرم نزدیک تر حس می شوند و فضا را تنگ تر می کنند، در حالی که رنگهای سرد دورترند و فضا را وسیع تر نشان می دهند. در ضمن باید توجه داشت که چگونگی قرار گیری رنگها در کنار هم و نقشهای زمینه نیز بر این ابعاد تاثیر می گذارند. ادراک رنگی در مجموع به سه عامل بستگی داردشرایط محیطی که رنگ در آن دیده می شود خصوصیات سطح جسم منعکس کننده مانند بافت و توانایی آن برای جذب یا انعکاس نور،توانایی فرد برای ادراک رنگها.روان شناسان مطالعات زیادی بر روی تاثیر رنگ و نور بر ادارک ما از فضا و زمان انجام داده اند. همگان از تاثیر رنگ بر حس وزن سبکی و سنگینی ، دما گرمی و سردی فاصله دوری و نزدیکی و ابعاد بزرگی و کوچکی آگاه اند. حتی مقیاس زمان نیز در فضاهای دارای رنگهای مختلف، متفاوت است. برای مثال، شنوندگان سخنرانی در یک سالن آبی رنگ، آن را طولانی و کسل کننده می یابند، در حالی که همان سخنرانی در یک سالن سرخ رنگ، هیجان انگیز و کوتاه تر ارزیابی می گردد.مجموعه این عوامل باعث می شود تا صرف نظر از سایر عوامل محیطی و خصوصیات فضایی، دو فضای یکسان با ترکیبات رنگی مختلف تاثیرات کاملا متفاوتی را بر ادراک انسان بگذارند. رنگ آمیزی مبلمان شهریشهرهای امروزی با پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی همراه شده ولی در راستای این پیشرفت هنوز به صورت گذشته سرزندگی و هویت دیده نمی شود.یکی از عناصری که میتواند هویت سرزندگی و به طور کلی سامان بخشی به فضای شهری را به عهده داشته باشد و کیفیت و کارایی زندگی را در شهر ارتقاء دهد مبلمان شهری است که در واقع مجموعه وسیعی از وسایل، اشیا، دستگاه ها، نمادها، خرده بناها، فضاها و عناصری تلقی می شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده اند و استفاده عمومی دارند، به این اصطلاح معروف شده اند. نحوه چیدمان فضای سبز، آرایش ساختمان ها با نمای سنتی یا یکسان، وجود درختان مناسب در یک خیابان، نحوه قرار گرفتن تیرهای چراغ برق، باجه های تلفن، کیوسک های فروش روزنامه، ایستگاه های اتوبوس و مهم تر از آن حفظ نمادهای قدیمی و سنتی یک شهر که نقش موثری در افزایش روحیه اجتماعی ایفا می کنند. در قدیم هویت سنتی و قدیمی شهر همواره باعث لذت بخش بودن کیفیت بصری میشدند. مبلمان شهری نیز یکی از عناصری است که میتوان بوسیله ی آن هویت شهر و خوانایی شهر را بخوبی در شهرهای امروزی تعریف کرد. البته در صورتی که با توجه به ویژگیهای آن بخوبی به کار برده شود. مبلمان شهری را میتوان دارای ویژگیهایی دانست. با رعایت این ویژگیها میتوان به اهداف اصلی استفاده از مبلمان شهری رسید. یکی از ویژگیها رنگ است. رنگها امروزه در شهرهای ما به صورت گسترده به کار برده شده اند و انواع و اقسام رنگها را میتوان در شهرها دید. اما از رنگها در اکثر شهرهای ایران از جمله مشهد بدون هیچ گونه برنامه ریزی استفاده شده و اصلا توجهی به همنشینی، هماهنگی، تضادها، و ترکیب رنگی عناصر شهرها نشده است.به طور خاص نیز میتوان گفت که رنگ در مبلمان شهری، شهرهای ما بدون هیچ ضابطه و استانداردی و بدون هیچ برنامه ی تدوین شده ی مناسبی به کار برده شده است که نشئت

گرفته از عدم توجه به رنگ آمیزی مبلمان شهری است.در کنار بدون برنامه بودن ونداشتن ضابطه و استاندارد، رنگها در مبلمان شهری بدون توجه به تأثیرات بصری و روانی آنها به کار برده میشوند. همچنین رنگهای مختلف و ناهماهنگی را در کنار یکدیگر، که پیامد آن سردرگمی در فضا و عدم خوانایی است میتوان مشاهده کرد و به طور کلی به کار بردن رنگهای متفاوت و ناهماهنگ با زمینه و پالت شهر به صورت سلیقه ای توسط افراد و مسئولان که تأثیر نامطلوبی بر هویت و خوانایی شهر دارد، مسائل عمده و اساسی در مواجهه با مبلمان شهری و رنگ آمیزی دانست.اهمیت رنگ در تقویت هویت شهری و خوانایی محیط و در ایجاد فضاهای شهری سرزنده و شاداب و القای حس مکان و فضا و حس وحدت در کنار مبلمان شهری در شهر حائز اهمیت است و همچنین تأثیرات روانی بر روی افراد و ایجاد کیفیتهای فضایی نیز از ضرورتهای استفاده از رنگ در مبلمان شهری است. از نظر کارشناسان شهرسازی و معماری: رنگ به عنوان یکی از عناصر تلطیف کننده محیط می تواند تاثیرات بسیاری در هویت بخشی و خوانایی محیط به وجود آورد. باید توجه داشت که نمی توان همه جای شهر را به شکل یکسان و یکدست رنگ آمیزی کرد. با توجه به اینکه مبلمان شهری در بیشتر کشورهای دنیا از عناصر خوانای محیط محسوب می شود، رنگ این عناصر هم می تواند جزئی از هویت و خوانایی محیط شوند. گاهی باید برخی از عناصر مبلمان مانند سطل های زباله، صندوق های پست و کیوسک های تلفن به شکل واحد رنگ شوند اما الزامی برای متحد بودن رنگ بقیه عناصر وجود ندارد و شرایط فرهنگی و بافتی هر منطقه در تعیین نوع و جنس رنگ تعیین کننده است.گفتنی در مورد انتخاب رنگ مناسب برای مبلمان شهر، بسیار است. به گفته بسیاری از کارشناسان رنگ پیش از بافت، فرم و مواد مصرفی دریافت میشود و به همین دلیل اثرش بیشتر است. ولی در این میان آنچه که ضروری است، حرکت منسجم تمامی عناصر یک طرح به سوی هماهنگی با محیط است. رنگ باید جزئی از کل فرض شود، کلی که به سوی وحدت و یکانگی رو دارد. همچنین عامل دیگر، در گزینش رنگ، کاربرد محصول است. رنگ نباید برای دوره‌ای کوتاه و تنها به قصد جلب نظر رهگذاران به کار رود. به طور مثال، ممکن است گزینش زباله‌دان‌هایی به رنگ زرد روشن در ابتدا حتی با محیط هم هماهنگ باشد و انتخاب جالب وجسورانه‌ای به نظر برسد، اما به طور یقین بعد از شش ماه که زباله‌دان بارها از آدامس‌های جویده، کاغذهای چسبناک شکلات و از این قبیل خوراکیها پر و خالی شد و لکه‌های مختلف رنگی گرد تا گرد آن را فرا گرفت، در آن انتخاب تجدید نظر میشود. در این باره برخی معتقدند که وجود رنگهای روشن بر پیکر مبلمان شهر در بسیاری موارد باعث تشخیص سریع آنها از محیط میشود و کیفیت و کمیت استفاده از آنها را افزایش میدهد. این تفکری است که بسیاری را به گمراهی کشانده است. شهروند وظیفه‌شناس و مسئوولی که تکلیف خود را دربرابر محیط زندگی خویش می‌داند، رنگ برایش تعیین کننده نیست. در عوض حتی با برجسته‌ترین رنگها و ترفندهای رنگارنگ نیز نمی‌توان از پرتاب زباله توسط آن که مقید به چیزی نیست در میان سبزه‌ها، خیابان و پیاده رو جلوگیری کرد. شاید یکی از راه‌های برخورد با این معضل، اجرای قوانین موثرتر و ترویج فرهنگ شهرنشینی باشد، به جای پیش افتاده‌ترین راه، یعنی تنوع رنگ محصول؛ در کنار رنگ عناصر، خود فضا نیز قابلیت‌های بالایی برای ترکیب‌های رنگی دارد. تشخیص یک رنگ در محیط به عواملی از جمله زمان دیدن، رنگ زمینه رنگهای ثابت و منابع نور طبیعی و مصنوعی بستگی دارد، قرمز و نارنجی رنگهایی هستند که بیش از همه جلو می‌آیند و به اصطلاح پیش‌آمدگی دارند. پرتوهای ساطع شده از این رنگها بر تمرکز عدسی چشم تاثیر می‌گذارند و در شخص دوربینی ایجاد می‌کنند. رنگهای سبز و آبی، بر عکس چشم را نزدیک بین می‌کنند، چرا که این دو رنگ به عقب رفتن و عمیق شدن تمایل دارند. زرد و ارغوانی در این خصوص خنثی هستند، نه پیش می‌آیند و نه عقب می‌نشینند. به طور کلی رنگهای گرم قرمز، صورتی، زرد و نارنجی در نخستین سالهای زندگی انسان برای وی بسیار مهم هستند. در حالی که در دوران بلوغ، آبی، قرمز و سبز غالب هستند. برای چیدمان‌هایی جسورانه و پویا، محیط‌های روشن، بهترین هستند و رنگهای اصلی و غنی در چنین فضاهای درخشانی، بیشتر رایجند.برای محل‌هایی که کارهای فیزیکی و فکری در آن جا انجام میشود، رنگهای عمیق و ملایم، انتخاب‌های بهینه هستند. از

تونالیته بیشتر بایـد در مناطق معتـدل اسـتفاده کرد. در مناطق اسـتوایی، این تـدبیر توفیقی به دنبال نخواهـد داشت. سـفید خیره کننده است وبه سادگی کثیف میشود. رنگ بسیار سـفید برای سطوح نباید به کاررود. خاکستری با هر رنگی هماهنگی دارد. رنگهایی با رنگمایه کم برای محیط‌های فعال و پر جنب و جوش مناسب ترند. رنگهای قوی‌تر به منظور تاکید و بر انگیختن به کار میروند. میان ۱۶ تا ۳۵ سـالگی، رنگهـا دربهترین و دقیق‌ترین وضع خود درک میشونـد. خردسالان و سالخوردگان مهارت کمتری در تفکیک و تشـخیص رنگها دارند و برای سنین بالای ۵۵، سـرعت تفکیک رنگها رو به وخامت می‌گـذارد. توجه به شـرایط اقلیمی منطقه مورد نظر برای طراحی و درک رنگهای غالب، در گزینش رنگ بسـیار موثر است. برخی از مبلمان شهری مانند کیوسک تلفن و صندوق پست از اسـتانداردهایی برای رنگ پیروی می‌کننـد که رعایت آنها الزامی است.یکی از عناصـری که میتواند هویت سـرزندگی و به طور کلی سامان بخشـی به فضای شـهری را به عهـده داشـته باشـد و کیفیت و کارایی زندگی را در شـهر ارتقاء دهد مبلمان شـهری است که در واقع مجموعه وسیعی از وسایل، اشیا، دستگاه ها، نمادها، خرده بناها، فضاها و عناصری تلقی می شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده اند و اسـتفاده عمومی دارند، به این اصطلاح معروف شده اند. نحوه چیدمان فضای سبز، آرایش ساختمـان هـا با نمای سـنتی یا یکسان، وجود درختان مناسب در یک خیابان، نحوه قرار گرفتن تیرهای چراغ برق، باجه های تلفن، کیوسک های فروش روزنامه، ایستگاه های اتوبوس و مهم تر از آن حفظ نمادهای قدیمی و سنتی یک شهر که نقش موثری در افزایش روحیه اجتماعی ایفا می کنند.تصور دنیایی بدون رنگ برای هیچ یک از ما ممکن نیست. در محیط شـهری رنگ را همه جا می توان دید؛ در بدنه و نمای ساختمانها، پوشش بام، کف سازی ها، مبلمان شهری، فضا ی سبز، خودروها و حتی آسمان شهر و نیز رنگ آمیزی لباس افراد که همگی نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند. در جامعه ما رنگ های تیره و کدر، رنگ های غالب هسـتند که مسلما شـهرهای ما را متفاوت از شـهرهایی می کنـد که مردم آن تمایل به رنگ آمیزی های تنـد و شاد دارند. که قطعا نیازمند بازنگری اساسی مبلمان شهری و رنگ آمیزی شهری است.

http://shahrebehesht.ir/tabid/۶۱/View/Detail/id/۱۵۶۰/Default.aspx

مدیریت در شورا ها

نویسنده : نقی وحید نیا تلخیص: سروش شیدایی – جواد کرمی

تلخیص: سـروش شـیدایی – جواد کرمی- از انتشـارات جهـاد دانشـگاهی - فصـل یـک : مـدیریت تطبیقی شورا هـا- در نظام های حکومتی مختلف عوامل متعـددی وجود دارنـد که نشان دهنده تمرکز و یا عدم تمرکز می باشـند سیسـتم های حکومتی غیر متمرکز در تمام کشورها مسـیر تاریخی و قانونی متفاوتی را طی نموده انـد و در این مسـیر عوامل مختلفی موثر واقع شـده انـد . از جمله این عوامل می توان به موارد زیر اشاره نمود : ۱. ویژگی های اداری و مالی ۲. تنظیم بودجه ۳. تخصیص اعتبار ۴. برنامه ریزی عمرانی (مرکزی و محلی)ساختـار حکومت هـای مرکزی و محلی بر اساس یک ارتباط متقابل و موثر بر تصـمیم گیری ، تعیین کننـده شـکل تمرکز و عدم تمرکز می باشـند و محتوای این ارتباط تابع شـرایط زمانی و مکانی مشـخص می باشـند . اشکال واگذاری اختیار : در نظـام هـای سیاسـی مختلف جهـان عمـدتا سه شـکل زیر مبنـای تفویض اختیار قرار می گیرد : ۱.   واگـذاری اختیـار مبتنی بر قانون اساسی ۲.   واگذاری اختیار مبتنی بر قوانین ویژه۳.   واگذاری اختیار مبتنی بر دسـتورات ، احکام و بخشنامه های دولتاین اشکال با توجه به سـطح آگاهی ، ساختار قـدرت ، رشد سیاسـی ، رشد اقتصادی و ظرفیت های فرهنگی مردم کارکرد خود را نشان می دهند .۱. واگـذاری اختیـار مبتنی بر قـانون اساسـی : یکی از ویژگی های عمـده اغلب کشورهای قانونمنـد جهان را می توان تـدوین یک قانون مادر و پایه جهت ایجاد بنیان های اساسـی حکومت تحت عنوان « قانون اساسی » نامید. در اغلب این قوانین به نوعی مشارکت واحد های محلی در اداره امور اجتماعی و سیاسـی مشاهده می شود . ۲. واگذاری اختیار مبتنی بر قوانین ویژه :در نظام های سیاسـی

واگذاری اختیارات و قدرت تصمیم گیری به واحد های محلی بر اساس قوانین ملی و کشور صورت می پذیرد . این واگذاری بسته به نوع فعالیت و اهمیت آن برای دولت ها ممکن است در سطوح خاصی محدود شود . برای مثال در کشور ما سازمان برنامه و بودجه در سطح استانی ، ادارات بازرگانی در سطح شهرستان ها و ادارات وابسته به وزارت کشور در سطح روستا ها نیز حضور دارند و تا حدی عدم تمرکز تلقی می شوند (این نوع قوانین بیشتر در حیطه سازمان ها و واحد های دولتی قابل بررسی است .۳. واگذاری اختیار مبتنی بر دستورات ، احکام و بخشنامه های دولت : در اشکالی از عدم تمرکز برخی وظایف و اختیارات از طرف دولت مرکزی بصورت دستورالعمل ، احکام ، و ابلاغیه های رسمی بر عهده واحد های محلی انتقال می یابد . برای مثال در کشور ما کمیته های برنامه ریزی ، شورای اشتغال و شورای جوانان همگی بر اساس دستورات و ابلاغیه های دولت در سطح استان ها نیز حضور دارند .فصل ۲ : مدیریت بودجه در شوراها عمده ابزار اصلی نظارت شورا ها ، بودجه بندی عملیات مورد نظر در محدوده وظایف قانونی آنها است . بودجه به یک برنامه مالی مدون در طی زمان مشخص اطلاق می شود که عمدتا شامل مشخصات ذیل است : ۱. واحد اصلی بودجه بر حسب پول بیان می شود ۲. بودجه عمدتا بصورت سالیانه تنظیم می شود ۳. بودجه حاوی عهد مدیران و مجموعه مورد نظر جهت تحقق اهداف بودجه ای است۴. بودجه وسط یک مجموعه تهیه و توسط یک رده مافوق مورد تصویب قرار می گیرد .۵. بودجه قابلیت اصلاح و تغییر را دارد۶. درآمد ها بر مخارج بودجه تقدم دارندبودجه از دیدگاه های مختلف : افراد در موقعیت های مختلف بر حسب شخصیت کاری و فکری خود دیدگاه های متفاوتی را زا بودجه ارائه می دهند که برخی را به طور خلاصه بررسی مینمائیم.بودجه از دیدگاه کارشناسی مجموعه ای از برنامه های طراحی شده جهت تحقق اهداف مورد نظر است.بودجه از دیدگاه سیاسی تعارض زا است تلقی می شود زیرا هر سازمان تمایل دارد جهت اجرای برنامه های خود اعتبار بیشتری اختصاص دهد.بودجه از دیدگاه اقتصادی ابزار تحقق کارائی و رشد اقتصادی است .بودجه از دیدگاه نظارتی مکانیسم تخصیص منابع است . این مکانیسم مشخص می سازد که هر کدام از سازمان ها و برنامه ها چه اهمیتی برای واحد صویب کننده دارند .بودجه از دیدگاه مدیریتی ابزار قدرت می باشد مدیران می توانند با کنترل اعتبار سازمان ها و واحد های تحت پوشش فعالیت های آنها را کنترل داشته باشند و در صورت نیاز فعالیت های مشخصی را تشدید یا موقف نمایند .اغلب مدبران رشد مالی سازمان (بودجه) را نشانه موفقیت و ترقی می شمارند و همواره از کمبود بودجه ناراضی هستند .نقش بودجه :بودجه در اصطلاح عمومی یک ابزار با کاربرد های گوناگون تلقی می شود . در جوامع رو به توسعه و پیشرفته نقش های مختلفی از بودجه انتظار می رود که عمدتا شامل موارد زیر می باشد : الف) نقش نظارتی بودجه : دولت ها و صاحبان قدرت همواره تمایل دارند اهداف و سیاست های خاص را اولویت دهند و جریان درآمد های بدست آمده را در این جهت هزینه نمایند . این امر در نظام های مردم سالار به علت ضرورت کنترل درآمد ها و مخارج دولت و سازمان های عمومی اهمی بیشتری دارد زیرا مردم می توانند با کنترل بودجه دولت از سیاست های دولت آگاه شده و عکس العمل مناسبی نشان دهند . تنظیم و تصویب بودجه نوعی کنترل « پیش از اجرا » است که اهمیت و جایگاه خاصی در مسایل اقتصاد عمومی دارد .ب) نقش برنامه ریزی بودجه : در یک دید کلی می توان گفت در سطح ملی علاوه بر آن که کشور دارای خط مشیهای توسعه متفاوتی هستند در سطح شهر ها و روستا ها نیز سیاست های اقتصادی و اجتماعی خاص و مفاوت قابل شناسایی هستند ، تحقق این پتانسیل ها و اهداف توسعه نیازمند دوین برنامه های مختلفی است که از طریق بودجه قابل اعمال است .فرایند بودجه بندی شوراها : بودجه در عمل می توان دارای یک ماهیت اقتصادی با آثار اجتماعی دانست که عمدتا بشکل پیش بینی تنظیم می شود . بودجه را نمی توان یک برنامه قطعی دانست زیرا ارتباط بسیار گسترده ای با شرایط متغیر محیطی غیر قابل کنترل دارد . مخارج و درآمد های پیش بینی شده بودجه ممکن است تحت تاثیر متغیر های خارجی کمتر یا بیشتر از آنچه تنظیم شده اند حاصل شوند به همین دلیل مدیران و مسئولان بودجه بندی مجبور به تدوین یک برنامه بودجه پویا هستند.اساسی ترین مرحله بودجه بندی را می توان تدوین ساختار بودجه اطلاق نمود. این مرحله در شکل گیری

اولیه بودجه در شورا ها اهمیت بالایی دارد و با توجه به متغیرهای اقتصادی و اجتماعی شهر ها و روستاهای مختلف می تواند تفاوت داشته باشد .اولین گام جهت طراحی و تدوین ساختار بودجه ای شوراها را می توان « تدوین راهبرد های اصلی » نامید .دومین گام « تدوین برنامه ها و اهداف کلان » بر اساس این مرحله شکل بندی اولیه مورد نیاز بودجه آماده می شود .سومین گام ، براساس برنامه ها و اهداف کلان تعیین شده از طریق تدوین « وظایف اجرایی و ابزار های مورد نیاز » اجرا میشود. مسلما شورا ها نیاز خواهند داشت که جهت تحقق اهداف کلان و برنامه ها خود برخی اصلاحات را در این ابزار ها ارائه دهند. این اصلاحات ممکن است به حذف ، تقویت یا ایجاد برخی ابزار ها منجر شود . بعد از تدوین ابزار های اجرایی ،شورا ها در گام چهارم « ابعاد درآمدی و هزینه ای » این ابزار ها را مشخص و تفکیک خواهند داشت . بر اساس ساختار بودجه ای تدوین شده شورا ها می توانند فرآیند تهیه و تنظیم بودجه را شروع نمایند . در اولین مرحله بودجه بندی شوراها ساختار بودجه را تعیین می کنند . پس از تنظیم بودجه به مرحله بعد که « تصویب بودجه » باشد قار می گیرند . تصویب بودجه توسط شورا را به عبارتی می توان تعهد مردم و مسئولین نسبت به برنامه های تعیین شده تلقی کرد . در مرحله سوم که « اجرای بودجه » نامیده می شود . بودجه عیین شده به سازمان های ذیربط اعلام می شود. تمام مراحل قبلی در جهت افزایش کارایی و اثر بخشی بودجه در حین اجرا شکل می گیرد از این رو اهمیت خاصی در فرآیند بودجه بندی دارد.در اجرای بودجه باید توجه داشت که توازن بودجه به تعادل بین درآمدها و هزینه ها بستگی دارد . و حفظ این عادل در اجرای بودجه نیز می تواند در توازن بودجه موثر باشد . مرحله نهایی فرآیند تنظیم بودجه را « کنترل بودجه » می نامند . کنترل بودجه شوراها را در دو شیوه مکمل می توان پیاده نمود :الف) کنترل مالی این نوع کنترل از طریق محدودیت سقف هزینه های ارائه شده در حد درآمد های پیش بینی شده و تامین هزینه ها بر اساس درآمد های تحقق یافته قابل اعمال است . ب) کنترل عملیاتی این جنبه کنترل با لحاظ قدرت نظارتی شوراها از اهمیت خاصی برخوردار است. اعضا شوراها می وانند به صورت مستمر در طول عملیات بشکل مستقیم یا غیرمستقیم (گزارش ارائه شده) از نحوه هزینه هزینه کرد عملیات تدوین شده در بودجه آگاهی یافته و اقدامات لازم در خصوص اصلاح بودجه یا عملیات را ارائه نمایند .روش های پیش بینی بودجه : عمدتا بودجه در دو بخش قابل قابل بررسی است :الف) روشهای پیش بینی درآمد ها - ب) روشهای پیش بینی و برآورد هزینه ها الف) روش های پیش بینی درآمد ها : باید توجه داشت دقت در پیش بینی درآمد ها در دقیق بودن بودجه مصوب تاثیر زیادی خواهد داشت . روش های متداول برآورد درآمد ها به شرح زیر است :۱- روند سال های قبل : در مواقعی که نوسنات اقتصادی مانند گرایش رکود یا تورم در حداقل باشد یا وضعیت عمومی اقتصاد در حالت تعادل باشد در این گونه موارد استفاده از روند سال های قبل می تواند موثر باشد . در شرایط رکود یا ورم حاد این شیوه موثر نمی باشد .۲- تجزیه و تحلیل سری های زمانی : در این شیوه بصورت استفاده از میانگین ساده سال های گذشته و میانگین متحرک دوره های پیشین استفاده می شود. ۳- نرخ رشد : در این روش بر اساس بودجه سال های گذشته ابتدا نرخ رشد سال های گذشته (معمولا ۱۰ سال) محاسبه می شود سپس بر اساس میانگین نرخ ها بدست آمده در سالهای مختلف نرخ رشد نهایی دوره مورد بررسی مشخص می شود سپس بر اساس آن بودجه سال آینده پیش بینی می شود . n: تعداد سالها ، B : درآمءِ سال مورد نظر = نرخ رشد ۴- تجزیه و تحلیل همبستگی ها : می توان از طریق معادلات ریاضی بین درآمد های مربوطه و تولید ناخالص داخلی تعداد جمعیت فعال و ... یک رابطه همبستگی مثبت یا معکوس را پیش بینی نمود . ۵- ارزیابی های کارشناسی : در مواردی که امکان دسترسی به کارشناسان با تجربه و کارآمد میسر باشد از طریق بررسی عوامل خارجی و داخلی موثر بر درآمدهای مورد نظر می توان تا حدودی در آمدها را پیش بینی نمود . ب) روش های پیش بینی هزینه ها :در این مرحله بر اساس درآ»د های پیش بینی شده در مرحله قبلی هزینه های مختلف در چارچوب دو گروه هزینه های پیش بینی می شود . الف: هزینه های جاری و مستمر : این دسته هزینه نیروی انسانی و هزینه خدمات پشیبانی و فعالیت های ستادی شکل می گیرد . ب: هزینه های عمرانی و سرمایه ای جهت پیش بینی و برآورد هزینه

ها می توان از روش های زیر استفاده نمود ۱. روند سال های قبل : این شیوه در زمینه هزینه های جاری و مستمر از قبیل هزینه های نیروی انسانی ، هزینه های ستادی ، خدمات عمومی و ... که بیشتر جنبه مداوم دارند قابل اعمال است . ۲. شاخص بندی سرانه : در این روش بر اساس سرانه هزینه های جاری شاخص مورد نظر تهیه می شود و سپس مطابق تغییرات همبستگی شاخص های کلان کشور از جمله شاخص های عمده فروشی و خرده فروشی ، سرانه هزینه های جاری نیز تغییر می یابد . ۳. هزینه های عملیاتی : در خصوص فعالیت های عمرانی و سرمایه گذاری بایستی توجه داشت که هزینه تفکیک شده این فعالیت ها را که هدف مشخص و معینی را دنبال می کنند ضرورتا از طریق ارزیابی و توجیه اقتصادی – اجتماعی و طراحی پروژه می توان فراهم نمود. ۴. ارزیابی تطبیقی : در مواردی که به دلایلی امکان برآورد دقیق هزینه ها میسر نباشد از ارزیابی هزینه پروژه های مشابه در سالهای گذشته استفاده نمود . انواع بودجه :از بعد فنی بودجه انواع مختلفی با توجه به موقعیت بودجه بندی دارد که در ادامه برخی از بودجه بندی ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد . بودجه سنتی یا متداول این نوع بودجه بندی بدون توجه به نوع و تعداد فعالیت های دستگاه تنظیم می شود که امروزه به لحاظ گسترش و یا پیچیدگی فعالیت های دولت کاربرد ندارد . این نوع بودجه بندی در سطح شهر ها به دلیل تنوع فعالیت ها قابل استفاده نمی باشد . بودجه افزایشی در این شیوه بودجه بندی ، میزان هزینه ها بر اساس حجم عملیات تعیین می گردد . در تنظیم بودجه با استفاده از این روش برای برآورد هزینه ها عمدتا یکی از اشکال زیر را بکار می گیرند :۱. عملیات ثابت : اگر عملیات سال اینده نسبت به سال فعلی تغییر نداشته باشد در این حالت صرفا تغییرات ناشی از تعدیل نرخ تورم در بودجه اعمال می شود . ۲. توسعه عملیات : در شرایطی که عملیات و برنامه های سال آتی به صورت کمی یا کیفی افزایش شابد در این حالت این نوع تغییرات بایستی در پیش بینی بودجه سال آتی لحاظ شود . ۳. عملیات جدید : در شرایط اجرایی ممکن است برخی فعالیت های جدید ناشی از برنامه ها یا اهداف جدید بر عهده موسسه یا دستگاه اجرایی مورد نظر بشکل خدماتی یا عمرانی گذاشته شود بودجه برنامه ای در این روش ، بودجه بر اساس برنامه های مختلف نظیم می شود . در این شیوه لزوما یک متولی برای تمام برنامه ها ضرورت ندارد و ممکن است موسسات مختلفی این وظیفه را بر عهده گیرند ، که برای هر برنامه بو دجه ای مشخص تهیه و تنظیم می شود . بودجه عملیاتیاین بودجه بندی بیشتر در واحد های عملیاتی مانند پیمانکاران موسسات انتفاعی و تولیدی قابل استفاده است . در این روش عملیات بصورت هزینه و فایده تحلیل و بر اساس اندازه گیری کار ، قیمت تمام شده مشخص و با استفاده از شاخصهای کاری و استاندارد های عملیاتی این ارقام تعیین و تعدیل می شود . بودجه بر مبنای واحد های عملیاتی (P.P.B.S) در این بودجه بندی که بودجه بر مبنای P.P.B.S اطلاق می شود بر اساس ارزیابی اجرائی دستگاه و موسسه حجم عملیات قابل اجرا وسط واحد های عملیاتی به لحاظ نیروی تخصصی ، تجهیزات و امکانات اجرائی مشخص و براساس آن بودجه هر واحد تنظیم می گردد . (P.P.B.S : PLANING'PROGRAMING AND BUDGETING SYSTEM)بودجه بر مبنای صفر در این روش هدف ایجاد یک تناسب بین وان اجرایی دستگاه و عملیات محوله است . برای تعیین بودجه از پایین ترین سطح عملیاتی حرکت و نهایتا در راس هرم بودجه نهایی تنظیم می شود حسن عمده این بودجه آن است که همواره شکل غلتان داشته و هر ساله مورد بازبینی قرار می گیرد با این حال تنظیم آن نیروی کارشناسی زیادی می خواهد . فصل سوم برنامه ریزی در شوراها آنچه در این جهت هر شورا نیازمند است ابزار مناسبی جهت تدوین این اهداف و راه های تحقق اهداف می باشد . این ابزار از مجموعه ای فعالیت های مرتبط تشکیل می شود که عموما برنامه ریزی اطلاق می شود . تعریف برنامه ریزی برنامه را شاید بتوان یکی از پر استفاده ترین اصلاحات سازمانی و عمومی اطلاق کرد . ولی آنکه برنامه واقعا چه عریفی دارد مستلزم کنکاش بیشتری است . به اعتقاد ما « برنامه یک تصویر آگاهانه و قابل اجرا از مجموعه فعالیت هایی است که اجرای ان ها منجر به نتایج مورد انتظار می شود » . این تعریف در تمام سطوح برنامه ریزی صادق است ولی پیچیدگی و متغیر های اثرگذار آن متفاوت می باشد . هر برنامه لزوما دارای هدف و نتایج مورد انتظار است و مسلما بدون وجود هدف اجرا یا عدم اجرای

آن بی تفاوت خواهد بود . هر برنامه ای ارتباط فعالیت های مرتبط و مختلفی را رد رابطه با همدیگر و تحت تاثیر عوامل خارجی جهت تحقق اهداف نهایی مشخص می سازد و هر چقدر اهداف گستر بیشتری را شامل شوند فعالیت ها نیز پیچیده تر خواهند شد . ضرورت برنامه ریزی آنچه که برنامه ریزی را مهم . ضروری می سازد محدودیت های مالی ، زمانی و سایر منابع مورد نیاز جهت تحقق اهداف مسئولان است . عناصر اصلی برنامه ریزی برنامه ریزی ممکن است در سطوح و انواع مختلفی فراهم شود با این حال هر نوع برنامه ریزی عموما از یکسری عناصر مشترك استفاده می نمایند . این عناصر را در سطوح مختلف صرف نظر از ضریب اهمیت آنها می توان در موارد زیر خلاصه کرد :الف) هدف یا مجموعه اهداف : اولین رکن اساسی تمام برنامه ها داشتن هدف است . به عبارتی برنامه ریزی بعنوان ابزاری جهت تحقق اهداف مورد نظر طراحی و اجرا می شود . اهداف را می توان در دو دسته اهداف کلان (با حیطه تاثیر گذاری گسترده) و اهداف خرد (با حیطه تاثیر گذاری محدود) طبقه بندی کرد . ب) منابع تامین کننده برنامه : وقتی برنامه ریزی طراحی شد و اهداف برنامه مشخص شد لازم است منابعی که از محل آنها هزینه اجرایی برنامه باید تامین شود در متن برنامه ریزی مشخص و تعیین گردد. بدون وجود منابع انسانی و مادی هیچ برنامه ای به مرحله اجرا وارد نخواهد شد و صرفا به یک امر صوری و کاغذی تبدیل می شود . هر چقدر تعداد برنامه ها بیشتر و نیاز مالی پروژه ها بیشتر باشد تنوع منابع تامین کننده نیز ضرورت بیشتری خواهد یافت .ج) امکانت اجرایی برنامه : مشخص ترین مرحله هر سیستم برنامه ریزی را می توان مرحله اجرای آن نامید . مام برنامه ها در این مرحله نیازمند داشتن ابزار ها ، نیروی انسانی و ساختار مناسب جهت اجرای کارآمد برنامه می باشند . د) نظام ارزشیابی برنامه : یکی از مسایل عمده برنامه ریزی وجود متغیر های تاثیر گذار خارج از کنترل است که منجر می شود که برنامه از مسیر از پیش طراحی شده خارج شود . برای جلوگیری یا حداقل ، کاهش این تاثیرات بر نظام برنامه ریزی ، وجود یک بازنگری دوره ای و ارزیابی اهداف بدست آمده برای هر نوع برنامه ریزی ضرورت دارد . ارتباط عناصر برنامه ریزیدر ارتباط با این عناصر ، شوراها نیازمند استفاده از ۴ دسته سازمان مختلف می باشند این سازمان ها عبارتند از : ۱) سازمان برنامه ریزی ۲) سازمان تامین کننده برنامه۳) سازمان های اجرایی ۴) سازمان های نظارت کننده ۱) سازمان برنامه ریزی :این نوع سازمان ها مانند یک مجموعه ستادی و دفاتر مشاوران برنامه ریزی جهت جمع آوری اطلاعات ، پردازش ، تحلیل و تدوین برنامه های مورد نیاز عمل می کنند . ۲) سازمان های تامین کننده برنامه :این دسته سازمان ها برنامه های مصوب شورا ها را جهت پوشش مالی و نیروی انسانی و امکانت اجرایی ، از طرق مختلف بررسی و راهکار های عملی تامین برنامه آماده می کنند .۳) سازمان های اجرایی : این نوع سازمان ها برنامه های تهیه شده را بر اساس منابع و اهداف تعیین شده به مرحله اجرا رسانیده و متحقق می سازند این سازمان ها ممکن است به شکل شهرداری ها سازمان های انتفاعی موسسات خیریه تعاونی های وابسته شرکت های خدمات عمومی و یا سازمان های موقت باشند. ۴) سازمان های نظارت کننده :این نوع سازمان ها برنامه های در حال اجرا یا اجرا شده را بررسی و نتایج بدست آمده را بر اساس نظر سنجی از مردم ارزشیابی اهداف منابع مصرف شده و ... بررسی و اصلاحات لازم را ارئه می نمایند . سطوح برنامه ریزی : برنامه ریزی را می توان از نظر سطح جغرافیایی به سطوح مختلفی تفکیک نمود این سطوح مختلف عبارتند از : برنامه ریزی در سطح ملی برنامه ریزی در سطح منطقه ای برنامه ریزی در سطح استان برنامه ریزی در سطح شهرستان برنامه ریزی در سطح شهر برنامه ریزی در سطح دهستان برنامه ریزی در سطح روستا هر کدام از این سطوح علیرغم آنکه از یک سری اصول مشابه جهت برنامه ریزی استفاده می کنند ولی به علت حجم متغیر های اثر گذار محتوای برنامه های این سطوح به لحاظ پیچیدگی متفاوت خواهد بود . فرآیند برنامه ریزی بررسی تکنیک ها و روش های مختلف برنامه ریزی حاکی از آن است که مدل های مختلفی را جهت تدوین یک نظام برنامه ریزی مناسب و قابل استفاده در شورا ها می توان ارائه نمود . این مدل ها علیرغم آنکه در برخی موارد اثر بخش می باشند ولی به تنهایی یک مدل عمومی و تعمیم پذیر نمی باشند . به همین لحاظ تلاش شده است یک مدل عمومی و تعمیم پذیر نمی باشند به همین لحاظ تلاش

شده است یک مدل عمومی از فرآیند برنامه ریزی جهت کاربرد در شورا ها ارئه شود اولین مبحث قابل توجه برنامه ریزی ان است که مهمترین قدم برنامه ریزی با مشکل و عدم اثر بخشی مواجه خواهد شد بعبارتی بعنوان اولین خشت برنامه ریزی شناسایی مساله اهمیت زیادی برای برنامه ریزان و مسئولین دارد . چه بسا هزینه های عمرانی و سرمایه گذاری عمومی بسیاری که به علت عدم توجه به شناخت نیاز ها و اهداف اصلی منجر به اتلاف منابع ملی و منطقه ای شده است . به همین خاطر برای شورا ها ضرورت توجه به این مرحله اهمیت وافری دارد . مراحل اصلی فرآیند برنامه ریزی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد : شناسایی مسئله تدوین برنامه انتخاب برنامه اجرای برنامه مراحل ۱۲ گانه فوق در خصوص برنامه ریزی های مختلف قابل بررسی است ولی مسلما قابل ذکر است که برخی مواقع مراحلی پررنگ تر و یا کم اهمیت تر تلقی می شوند که این خود وابسته به عمق مساله و گستردگی محدود برنامه می باشد . البته بررسی مراحل برنامه ریزی نباید این تلقی را ایجاد کند که برنامه ریزی یک روند خطی دارد که به صورت متوالی قابل اجرا است بلکه باید توجه داشت که مراحل مختلف برنامه ریزی تحت تاثیر یک سیستم مرتبط با هم قابلیت انعطاف پذیری باید داشته باشد . اگر بتوان این ارتباط را بین مراحل عمده برنامه ریزی فراهم نمود مسلما یک سیتم برنامه ریزی غلتان فراهم می شود که تداوم آن آثار مثبتی خواهد داشت . برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک)یکی از عمده مسایل برنامه ریزی شورا ها در ابتدای فعالیت های خود توجه به رسالت شورا ها و تمرکز روی برنامه ریزی راهبردی است به همین لحاظ در ادامه تلاش خواهد شد یک سیستم برنامه ریزی راهبردی را بررسی نمائیم . برای هر نوع برنامه ریزی راهبردی به ۴ سوال اساسی زیر باید به صورت گسترده پاسخ دهیم و سپس بر اساس بررسی و ترکیب آن ها گزینه های ممکن را مشخص و نهایتا تصمیم گیری نمائیم . الف) چه فرصت های عمده ای برای ما وجود دارد ؟ب) با چه تهدید های عمده خارجی مواجه هستیم ؟ج) نقاط قوت عمده داخلی ما چه مواردی هستند ؟د) ضعف های عمده داخلی ما چه مواردی هستند ؟ نتایج این بررسی ها می توان نوعی تحلیل داخلی و خارجی تلقی کرد که آثار متعددی برای شورا ها در برخواهد داشت .با بررسی این موارد شورا می تواند نسبت به طراحی گزینه های ممکن جهت تدوین برنامه آینده اقدام نماید و نهایتا منجر به انتخاب و گزینش راهبرد مناسب جهت تدوین فعالیت های شورا شود . ارزیابی مستمر و دوره ای راهبرد های اجرا شده می تواند در اصلاح برنامه های آینده موثر باشد . علاوه بر برنامه ریزی راهبردی ، شورا ها ضرورتا نیازمند استفاده از برنامه های بلند مدت ، میان مدت و کوتاه مدت جهت تحقق نیازها و انتظارات مردم می باشند که در قالب برنامه ریزی راهبردی قابل اجرا خواهند بود . شاخص های ارزیابی برنامه ها یکی از مراحل اصلی هر نوع برنامه ریزی مرحله کنترل و ارزیابی برنامه ها است . در خصوص طرح ها و پروژه های تدوین شده کنترل تک تک پروژه ها می تواند در ارزیابی موثر باشد .کنترل مجموعه طرح ها از پنج مرحله عمده تشکیل می شود که عبارتند از : - صدور مجوز شروع کار برای طرح ها و پروژه ها - جمع آوری و پردازش اطلاعات - تحلیل و ارزیابی عملکرد طرح ها و پروژه ها - گزارش دهی به شورای ناظر توسط مجری- انجام اقدامات اصلاحی این سیستم کنترل شورا ها را از تمرکز روی عملیات مربوط به طرح ها و پروژه به سمت نتایج عملیات سوق می دهد . اجرای این سیستم مستلزم تهیه شاخص های اندازه گیری مناسبی است که معرف کیفیت و کمیت عملکرد مجموعه طرح ها و پروژه ها باشند . با شروع عملیات اجرایی طرح ها و پروژه های مورد نظر بر اساس برنامه های عیین شده ، بصورت دوره ای اطلاعات مربوط به پیشرفت فیزیکی و عملکرد هزینه ای و زمانی پروژه ها جمع آوری می شود . پیشرفت فیزیکی پروژه ها در پایان هر دوره تعیین و میانگین مجموعه پروژه ها حت عنوان پیشرفت فیزیکی طرح مشخص می شود . شکاف بین پیشرفت فیزیکی برنامه ریزی شده و پیشرفت فیزیکی واقعی پروژه ها عملکرد کمی مجموعه پروژه ها را نشان می دهد . عملکرد کیفی پروژه ها را نیز می توان بر اساس استاندارد های تعیین شده مورد ارزیابی قرار داد. در کنار این عملکرد ها یعنی عملکرد کمی و کیفی پروژه ها عملکرد هزینه ای پروژه نقش مکملی بر عهده دارد . عملکرد هزینه ای پروژه ها را می توان با استفاده از ارزیابی دوره ای متغیر های زیر بدست آورد .الف) بودجه مصوب به میزان اعتبار مشخص شده مطابق پیشرفت فیزیکی

برنامه ریزی شده اطلاق می شود .ب) بودجه تخصیص یافته : به میزان اعتباری که از محل درآمد های مورد نظر برای پروژه مربوطه اختصاص می یابد اطلاق می شود . ج) هزینه صرف شده :به میزان اعتباری که بر اساس اسناد مثبته از محل بودجه تخصیص یافته پرداخت می شود اطلاق می شود . د) ارزش کار انجام شده :به میزان ارزش ریالی کار انجام شده صرف نظر از هزینه ای که عملا پرداخت شده است اطلاق می شود بر اساس متغیر های فوق و پردازش اطلاعات بدست آمده می توان شاخص های ارزیابی مجموعه را بشرح زیر بدست آورد .شاخص های ارزیابی برنامه ها یکی از مراحل اصلی هر نوع برنامه ریزی مرحله کنترل و ارزیابی برنامه ها است . در خصوص طرح ها و پروژه های تدوین شده کنترل تک تک پروژه ها می تواند در ارزیابی موثر باشد . شورا ها در مواردی که با پروژه ها ی زیاد و مختلف رو به رو هستند برای ایجاد هماهنگی و جلوگیری از انحرافات بودجه ای و زمانی نیازمند کنترل مجموعه طرح ها هستند . این سیستم کنترل شورا ها را از تمرکز روی عملیات مربوط به طرح ها و پروژه به سمت نتایج عملیات سوق می دهد . اجرای این سیستم مستلزم تهیه شاخص های اندازه گیری مناسبی است که معرف کیفیت و کمیت عملکرد مجموعه طرح ها و پروژه ها باشند . با شروع عملیات اجرایی طرح ها و پروژه های مورد نظر بر اساس برنامه های تعیین شده ، بصورت دوره ای اطلاعات مربوط به پیشرفت فیزیکی و عملکرد هزینه ای و زمانی پروژه ها جمع آوری می شود .شکاف بین پیشرفت فیزیکی برنامه ریزی شده و پیشرفت فیزیکی واقعی پروژه ها عملکرد کمی مجموعه پروژه ها را نشان می دهد . عملکرد کیفی پروژه ها را نیز می توان بر اساس استاندارد های تعیین شده مورد ارزیابی قرار داد . در کنار این عملکرد ها ، عملکرد هزینه ای نقش مکملی بر عهده دارد . عملکرد هزینه ای پروژه ها را می توان با استفاده از ارزیابی دوره ای متغیر های زیر به دست آورد . الف) بودجه مصوب : به میزان اعتبار مشخص شده مطابق پیشرفت فیزیکی برنامه ریزی شده اطلاق می شود . ب) بودجه تخصیص یافته : به میزان اعتباری که از محل در آمد های مورد نظر برای پروژه مربوطه اختصاص می یابد اطلاق می شود . ج) هزینه صرف شده : به میزان اعتباری که بر اساس اسناد مثبته از محل بودجه تخصیص یافته پرداخت می شود اطلاق می شود . د) ارزش کار انجام شده : به میزان ارزش ریالی کار انجام شده صرف نظر از هزینه ای که عملاـ پرداخت نشده است اطلاق می شود . بر اساسمتغیر های فوق پردازش اطلاعات بدست آمده می توان شاخص های ارزیابی مجموعه را بشرح زیر بدست آورد.۱- بودجه تخصیص نشده : تفاوت بودجه مصوب و بودجه تخصیص یافته را بودجه تخصیص نشده می نامند . بودجه تخصیص یافته – بودجه مصوب = بودجه تخصیص نشده ۲- بودجه جذب نشده : تفاوت بودجه تخصیص یافته و هزینه صرف شده هزینه صرف شده– بودجه تخصیص یافته = بودجه جذب نشده ۳- انحراف از بودجه : مجموع تفاوت بودجه تخصیص نشده و بودجه جذب نشده بودجه جذب نشده + بودجه تخصیص نشده = انحراف از بودجه ۴- انحراف هزینه ای : تفاوت ارزش کار انجام شده را با هزینه های صرف شده هزینه صرف شده – ارزش کار انجام شده = انحراف هزینه ای ۵- شاخص عملکرد هزینه ای : این شاخص هرچقدر از یک بزرگتر باشد نشانگر صرفه جویی است و هرجقدر کوچکتر باشد نشانگر اتلاف هزینه ها است . هزینه صرف شده : ارزش کار انجام شده = شاخص عملکرد هزینه ای عملکرد زمانی پروژه ها و مجموعه برنامه ریزی شده را تحت عنوان انحراف زمانی می توان بدست آورد .۱) انحراف زمانی : این متغیر میزان عقب یا جلو افتادگی پروژه از برنامه تعیین شده را نشان می دهدزمان برنامه ریزی شده – زمان بررسی = انحراف زمانی ۲) شاخص عملکرد زمانی : این شاخص هر جقدر از یک بیشتر باشد نشانگر جلو بودن کار اس و هر چقدر از یک کوچکتر باشد نشانگر عقب بودن کار انجام شده از برنامه است .ارزش کار انجام شده : بودجه مصوب = شاخص عملکرد زمانیبر اساس شاخص های بدست آمده و انحرافات تعیین شده در هر سه سطح پروژه ها ، طرح ها و مجموعه برنامه می توان ارزیابی عملکرد مجموعه را ارائه نمود . پایان – ۱۰۰ صفحه نخست-

سروش شیداییفصل چهارمتصمیم گیری در شوراهاتصور کنید:«... بعد از بررسیها و اقدامات کارشناسی به این نتیجه رسیده اید که پروژه های اب و فاضلاب، بهسازی خیابانها، اصلاح سیستم حمل و نقل از جمله اولویتهای شورای شهری است، حال اکنون شما

کـدام یک از اولویتهای را با توجه به منابع مالی موجود انتخاب خواهیـد کرد؟ یا در سـطح شورای روسـتا احـداث مدرسه را بعنوان اولویت می پذیرد یا اب مشروب روستاییان را؟هر کدام از این پروژه ها را که انتخاب کنید مسلما در مورد ان را تصمیم گیری کرده ایـد .حال اگر این تصـمیم با برخی نظرات مردم هماهنگ نباشـد چه خواهیـد کرد؟به نظرشـما از کجا می توانید یک تصـمیم گیری مساعد و مطلوب داشته باشید ؟ ازطرفی اگرشما با یک عارضه طبیعی مانند سیل یا زلزله مواجه شوید تصور میکنیدچه تصمیماتی را باید بررسی واعمال کنید؟...»تمام این مسائل وموارد مشابه مشتی از خروارها تصمیمات شوراها می تواند باشد.بعنوان عضو یا مرتبط شوراهـا همواره نیـاز خواهیـد داشت در جلسـات تصـمیم گیری چه درحیطه مسائـل شورا یـا ارتباطـات با سایر ارگانها بصورت فعال برخود خواهید داشت .در این فصل تلاش خواهید کرد بینش شـما را نسبت به تصمیم گیری اثر بخش ،ارتقاء بخشیم.تعریف تصمیم گیری:تصـمیم گیری را می توان «انتخـاب آگاهـانه ی راه حـل مورد نظراز میان راههای مختلف جهت تحقق اهـداف تعیین شـده » نامید. بر اساس این تعریف تصـمیم گیری را می توان در سطوح مختلف زیر طبقه بندی کرد:الف) تصمیم گیری فردی : تصمیمات فردی را به مجموعه تصـمیم گیریهـایی اطلاـق می کننـد که علیرغم متغیرهـای بیرونی توسـط یـک فرد انتخاب می شونـد. این نوع تصـمیمات در مواقعی که مسائل بیش از حد ساده و گستره ی آثار تصمیم بسیار محدود و فردی است ممکن است آثار مثبت داشته باشد. همچنین در مواردی که با محدودیت زمانی مواجه هستیم و یا شـرایط غیرعادی باشد برخی تصمیمات عمومی نیز ممکن است به شـکل فردی اتخـاذ گردد.ب) تصـمیم گیری گروهی : یکی از ضـرورتهای ایجـاد شـده در جوامع در حـال توسـعه و توسـعه یافته تـداخل منـافع افراد و تـاثیر پـذیری متغیرهـای گونـا گـون بر این رونـد است به گونه ای که بسیاری از تصـمیمات مـا به نوعی از تصـمیمات دیگران تاثیر می پذیرد، به همین لحاظ افراد تمایل بیشتری به فعالیتها و تصمیم گیری جمعی پیدا کرده اند و روز به روز در مسائـل اجتماعی مزایای این شـکل تصـمیم گیری بیشتر نمایان می شود.ج) تصـمیم گیری سازمانی :تصـمیم گیری می توانـد در محیط های مختلفی آغاز گردد و اگر این تصـمیم گیری ها در چارچوب فعالیتهای سازمانی شکل گیرد می توان آنرا تصمیم گیری سازمانی تلقی کرد. بررسی این طبقه تصمیمات نشان می دهد که هردو حالت تصمیما ت فردی و گروهی در سازمانها قابل اجرا می باشند ولی مسلما هر سازمان معیارهای قانونی و خاصی را دارد که افراد و گروهها حق خروج از آنها را ندارند.فرآیند تصمیم گیری : اگر بخواهیم شـکل عمومی تصـمیم گیری را برای بـاز شـدن مفهوم کاربردی آن بررسـی کنیم متوجه می شویم که تمام فعالیتهای درگیر در امر تصـمیم گیری را می توان در یکی از مراحل چهارگانه ی زیر دسـته بنـدی کرد: شـناسایی مساله یا مشکل نیازمند تصمیم گیری تصمیم سازی یا فراهم ساختن زمینه تصمیم گیری تصمیم گیری یا انتخاب گزینه مطلوب ارزیابی تصمیم یـا بررسـی آثـار تصـمیم گیری عوامـل موثر در تصـمیم گیری :در بحث علمی تصـمیم گیری عوامل متعـددی وجود دارنـد که در سطوح مختلف تصـمیم گیری می تواننـد موثر واقع شوند. این عوامل در دو دسـته ی عوامل داخلی و عوامل خارجی طبقه بندی می شونـد.عوامل داخلی:این دسـته عوامل به مواردی اطلاق می شود که در حیطه ی تا ثیرگـذاری سازمان و یا نهاد مربوطه قرار دارند و افراد می تواننـد آنهـا را تغییر دهنـد.نوع تصـمیمات:بیشتر زمان کاری مـدیران در سازمانهای اجرایی به امر تصـمیم گیری اختصاص دارد.این تصمیمات عموما در دو شکل متفاوت قابل تفکیک هستند، یک دسته از تصمیمات بر اساس آیین نامه ها ، قوانین و عادت های رفتاری افراد گرفته می شوند، این دسـته را عموما تصـمیمات عادی اطلاق می نمایند. دسـته ی دوم به مواردی اطلاق می شوند که در زمینه مسائل یا شرایط غیرمعمول اتخاذ می شوند. این دسته تصمیمات که عمدتا تصمیمات غیر عادی تلقی می شوند بیشتر به خلاقیت و قـدرت تحلیل افراد وابسته است.ماهیت بحرانی مساله: یکی از عمـده عوامل موثر بر فرآیند تصـمیم گیری ماهیت بحرانی مساله می باشـد، تمام تصـمیمات شـما می تواند در حد فاصل دو گروه تصـمیمات بحرانی و غیر بحرانی قرار بگیرند. در این حالت بعـد زمـان نیز بر مساله تاثیر زیادی دارد. یعنی ممکن است شـما با یک مساله بحرانی مواجه شویـد ولی فرصت کافی برای حل آنرا داشـته باشیـد و یا برعکس ممکن است شـما با یک مساله بحرانی مواجه باشید که به علت کمبود زمان برای بررسی و حل مساله به

مشکل حاد تبدیل شده است. اگر شما به عنوان عضو شورا نیمه شب اطلاع پیدا کنید که کارخانه ی شیمیایی نزدیک شهر شما دچار حادثه ی آتش سوزی شده و احتمال آلودگی محیط زیست بسیار بالا باشد چه تصمیمی خواهید گرفت؟ در این حالت علاوه بر آنکه ماهیت مساله بسیار بحرانی است فرصت زمانی بسیار کمی نیز برای تصمیم گیری دارید که باید راه حلی را انتخاب کنید. این راه حل می تواند یکی از موارد زیر باشد: ارجاء مسئله به آتش نشانی یا شهرداری اعلام جلسه ی اضطراری شورای شهر در اولین فرصت اعلام به کمیته حوادث غیر مترقبه شهرسیستم های اطلاع رسانی:عنصر اصلی هر نوع فرآیند تصمیم گیری، داده ها و اطلاعات حاصل از منابع مختلف می باشد. فرآیند تصمیم گیری در شورا ها نیز وابستگی شدیدی به این سیستم ها دارد. به عبارتی باید اذعان داشت اثربخشی تصمیمات گرفته شده ارتباط زیادی با دقت اطلاعات جمع آوری شده دارد به گونه ای که هر چقدر اطلاعات دقیق تر باشد اثربخشی تصمیم بالاتر خواهد بود.توانایی و شخصیت اعضا: ویژگی اصلی تمام انسانها داشتن عواطف و احساسات خاصی است که همواره هر نوع تصمیم گیری آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. به همین لحاظ به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار فرآیند تصمیم گیری، بویژه تصمیمات اجتماعی و رفتاری که جنبه ی کیفی آنها بیشتر است، شخصیت و توانایی های افراد است.نوع نگرش افراد به مساله: برخی از افراد تمایل دارند اولین راه حل را در خصوص مساله انتخاب کنند، برخی دیگر نیز بر اساس تمایل درونی خود راه حل های کوتاه مدت را ترجیح می دهند.تمام این تمایلها ناشی از نوع نگرش افراد به مساله است. افراد عموما در قبال مسائل مختلف در دو دسته ی ریسک پذیر و ریسک گریز قابل تفکیک می باشند.اعضا شورا به صورت انفرادی ممکن است نگرشی متفاوت از مجموع اعضا داشته باشند و این امر یعنی تفاوت نگرش ها در گزینش تصمیمات صحیح تر موثر خواهد بود.ب)عوامل خارجی:این دسته عوامل به مسائلی اشاره دارند که فراتر از حیطه کنترل سازمان و یا شورا به عنوان یک نهاد موثر و تصمیم گیر می باشند. نظام اقتصادی: یکی از عمده مشکلات اقتصادی کشور ما عدم هماهنگی در توزیع امکانات اقتصادی است به گونه ای که برخی مناطق از لحاظ اقتصادی به اقتصاد سنتی و بومی خود متکی هستند و رابطه ی مطلوبی با اقتصاد ملی و صنعتی ندارند.به همین لحاظ هرچقدر اقتصاد محلی با تاثیرات اقتصاد ملی و منطقه ای ارتباط داشته باشد نظام اقتصادی و درآمدی قوی تری خواهد داشت.این امر خود موجب تقویت برنامه ها و کارایی تصمیم گیری آنها می شود.نظام ارزشی:در نظام ها و جوامع غربی ارزشهای اعتقادی و رفتاری تحت تاثیر قانون شکل می گیرد و قانون میزان و حدود اعتقادات افراد را در مسائل اجتماعی مشخص می سازد. در صورتی که در جوامع شرقی ارزشهای اعتقادی قانون را تحت تاثیر قرار می دهند و از پشتیبانی عمومی برخوردار هستند. به همین لحاظ می توان نظام ارزشی و اعتقادی را از جمله متغیرهای مهم و موثر بر فرآیند تصمیم گیری به شمار آورد. قوانین و مقررات کشور: در هر نظامی یک سری قوانین و مقررات بر اساس ضرورتها و نیازهای عمومی وضع شده است که تمام حرکت های شوراها بویژه تصمیمات آنها در مسیر این قوانین قرار خواهد داشت و تخلف از آن ممکن نیست مگر آنکه در مسیر اصلاحی این قوانین و مقررات از طریق مراجع ذیربط تغییر یابند. به همین لحاظ از مهمترین عوامل خارجی موثر بر تصمیم گیری شوراها بایستی به قوانین و مقررات کشور از جمله قانون شوراهای اسلامی اشره نمود. فرهنگ عمومی و محلی: جوامع و اجتماعات مختلف انسانی بر اساس ویژگی های جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی دارای فرهنگ های گوناگونی می باشند. در برخی جوامع مشارکت اهمیت دارد و در برخی جوامع رقابت بیشتر مورد پذیرش است. به همین لحاظ شوراهای محلی در مناطق مختلف کشور با فرهنگ های بومی متفاوتی روبرو هستند.این فرهنگ های محلی فضای عمومی تصمیم گیری را تحت تاثیر قرار می دهند و نهایتا منجر به تاثیر گذاری روی فرآیند تصمیم گیری می شوند.فصل پنجممدیریت تعارض در شوراها تصور کنید:«... شورا جهت تصمیم گیری یا انتخاب اولویت پروژه ای جلسات مکرری را تشکیل داده است ولی همواره به علت مخالفت رئیس و دو نفراز اعضا شورا این جلسات بی ثمر بوده است. شما به عنوان شهروند یا عضو شورا نیازمند شناسایی پدیده ی تعارض برای برخورد آگاهانه با این گونه موارد هستید. نگرش شما نسبت به تعارض در چگونگی برخور با آن موثر

است و به همین دلیل شما باید بتوانید رفتار شورا را در این مورد ارزیابی نمایید...»یکی از موضوعات گسترده در سازمانها و ادارات عمومی کشور ما بحث پدیده ی تعارض است. به اعتقاد ما تعارض عبارت است از: « فرآیندی که در آن یک یا چند نفر آگاهانه تلاش می کنند تا فعالیتهای یک یا چند نفر دیگر را تحت تاثیر قرار دهند به گونه ای که منجر به کاهش امتیازات یا منافع آنها شود.» امروزه نسبت به تعارض دیدگاههای مختلفی وجود دارد که عموما جهت گیری افراد را نشان می دهد. این دید گاهها عبارتند از :الف) دیدگاه سنتی: در گذشته فرض بر آن گذاشته می شد که تعارض بد است وهمواره تلاش می شد از آن اجتناب شود. بر اساس این دیدگاه، تعارض ناشی از عدم وجود ارتباطات مناسب و اعتماد بین اعضا می باشد. معتقدان این دیدگاه تلاش می کنند علت های تعارض را مورد شناسایی قرار داده و از آنها اجتناب کنند. ب) دیدگاه روابط انسانی: طرفداران این دیدگاه اعتقاد دارند که تعارض یک امر طبیعی و غیر قابل اجتناب است و نمی توان از آن بطور کامل فاصله گرفت و یا آن را بطور کامل از بین برد. این افراد همواره تلاش می کنند فرآیند آنرا مورد شناسایی و استفاده قرار دهند. به عبارتی به عقیده ی آنها تعارض می تواند جنبه ی کاربردی و مثبتی برای بهبود عملکرد افراد داشته باشد. ج) دیدگاه تعامل: از نظر معتقدان این دیدگاه می توان اذعان داشت که تعارض صرفا بد و یا خوب نمی باشد و مهم آن است که تعارض افراد را در برابر تغییرات، تحول و نوآوری به چالش برانگیزد. به عبارتی تعارض به شکل تعامل بین اعضا منجر به افزایش کیفیت کار جمعی افراد می شود. با بررسی این دیدگاهها دو دسته تعارض عمده مشخص می شود که اعضا شوراها و گروههای کاری وابسته، نیازمند آشنایی با آن دو دسته هستند. نوعا برخی تعارضها منجر به تقویت عملکرد گروه و اهداف شوراها می شوند که این نوع تعارضها را سازنده می نامند. از سوی دیگر تعارضهایی هم هستند که مانع تقویت عملکرد گروه می شوند که این نوع تعارضها را مخرب گویند. هدف از مدیریت تعارض در شوراها نیز شناسایی این تعارضها و تقویت مبانی تعارضهای سازنده و کاهش عوامل تعارضهای مخرب است. تعارض در فرهنگ ایرانی: یکی از مشکلات اصلی و فرهنگی جامعه ی رو به توسعه ما وجود اختلافاتی بین رفتارهای سنتی و جدید است.همواره در رفتارهای سنتی جامعه ما تعارض یک امر ذاتا نامطلوب تلقی شده و بزرگان عموما بر اجتناب از آن توصیه می کردند.فرآیند شکل گیری تعارض: مطالعات و بررسی محققان عموما حاکی ازان است که تعارض از ۳ مرحله تشکیل شده است. این مراحل شامل موارد زیر است: وجود مخالفتهای بالقوه بروز رفتارهای تعارض آثار و نتایج تعارض ارتباطات:اگر اعضا شورا نتوانند یک ارتباط موثر درونی و بیرونی فراهم سازند زمینه ای مناسب برای بروز تعارض را ایجاد کرده اند. البته باید توجه داشت که ارتباطات بسیار زیاد مانند برگزاری جلسات مداوم غیر ضروری به این امر یعنی تعارض کمک می کند. به همین دلیل وجود جریان ارتباطاتی موثر و در حد نیاز برای اثربخشی شوراها ضرورت دارد. اهداف: هریک از اعضاء شوراها معمولا با یک سری اهداف و مقاصد در این شوراها حضور پیدا می کنند و تنوع این افراد عموما تنوع اهداف را نیزدر بر دارد. محدودیت مالی شوراها در این جهت می تواند موجب بروز تعارض بین اهداف و هدفگذاری شوراها شود. به همین لحاظ تثبیت اهداف کلان و اهداف خرد از جمله مسائلی هستند که شوراها نیازمند دقت و توجه بیشتری می باشند. ساختار: این عامل در شوراها براساس متغیرهایی چون تعداد اعضا، میزان تخصص اعضا، نوع وظایف هر کدام از اعضا، پاداشهای پرداختی، شیوه ی تصمیم گیری و اهداف فردی و جمعی اعضا قابل بررسی است. هر چقدر تعداد اعضا بیشتر باشد زمینه های ایجاد تعارض نیز گسترده تر است. تفاوت بین تخصص اعضا می تواند منجر به افزایش تعارض آنها شود. نوع وظایف محوله به اعضا، پاداش های پرداختی به اعضا نیز در بروز زمینه های تعارض موثر است. بروز رفتارهای تعارض: وقتی تعارض شکل گرفت اعضا ممکن است این تعارض را محسوس و آشکار تلقی کنند و یا آنکه آنرا غیرمحسوس بدانند. در این حالت اگر اعضا به صورت عاطفی با مساله درگیر شوند منجر به ظهور پدیده تعارض و عوامل تعارض می شود. نفی تعارض بین افراد دلیل نبود تعارض نمی تواند باشد و آنچه مهم است شناخت و برخورد آگاهانه با تعارض وعوامل تعارض زا است. هیچ گاه نمی توان گفت کدام شکل رفتارهای تعارض مطلوب است و کدام یک

نـامطلوب، زیرا شـکل تعـارض وابسـتگی زیـادی به موقعیت اقتضـائی شوراها واعضا دارد. با این حال نظر بر آن است که هر چقـدر تعارض آشـکارتر باشـد، همکاری اعضا در سازنـده بودن آن بیشتر موثر خواهـد بود. نتایـج تعارض: تعارض در نهایت دو نوع تاثیر مشـخص میتواند داشته باشد. این نتیجه ممکن است منجر به افزایش عملکرد شود که شکل تعارض سازنده را خواهد داشت و یـا منجر به کـاهش عملکرد شود که نهایتـا شـکل مخرب تعـارض را نشـان خواهـد داد. به اعتقـاد مـا تعارض سازنـده منجر به بهبود کیفیت تصـمیمات و نیز کاهش تنش های درون گروهی می شود و هر چقـدر تعارض در این راسـتا موثر باشـد شـکل سازنـده تری خواهد داشت. در مقابل تعارضـهای مخرب علاوه بر تخریب ارتباطات سالم، هزینه ی تصـمیم گیریهای شورا را افزایش میدهند که نهایتا می تواند به سلب اعتماد عمومی منجر شود.اشکال تعارض: برای شناسایی شکل تعارض دو شاخص عمده وجود دارد، آشکار یـا پنهان بودن تعارض و تمایل به همکاری یا عـدم همکاری، بر اساس این شاخص ها می توان اشـکال مختلفی را در مورد تعارض بررسـی کرد. الف) بی تفاوتی:یکی از اشـکال منفی تعارض که در حالت حـداقل تمایل به همکاری و پنهان بودن تعارض بروز می یابد بی تفاوتی اعضا است. اگر افراد اختلافات و تعارض بین خود را پنهان کنند و هیچ تمایلی به همکاری با یکدیگر نداشته باشند این شـکل تعارض به صورت بی تفاوتی بین آنها بروز می نماید. در این حالت مسـئولیت پذیری اعضا به حداقل خود می رسد.ب) رقابت:اگر بین افراد و اعضا تعارض آشـکاری وجود داشـته باشـد و آنها تعارض خود را در جلسات و فعالیتها آشـکارا بیان کنند در صورتی که افراد علاـقه منـد به همکـاری نباشـند شـکل رقـابتی تعـارض بوجود خواهـد آمـد. در این حـالت اعضا در جهت کسـب حداکثر امتیازات به نفع خود و استفاده از پایگاههای قدرت خود تلاش می کنند که تداوم آن نهایتا اثربخشی برنامه های شورا را از بین خواهـد برد. پ) ایثـار: در شـرایطی که بین اعضـا یـا کـادر اجرایی تمایـل به همکـاری وجود دارد ولی افراد از آشـکار سـاختن تعارض های بین خود پرهیز می کننـد شـکل تعارض به سـمت ایثار و یا گـذشت سوق می یابد. در این حالت برخی افراد در جهت منـافع جمع و اهـداف کلاـن مجبور به قبول حـداقل منـافع خواهنـد شـد.ت) تشـریک مساعی: اگر اعضای شورا هم تمایل زیادی به همکـاری داشـته باشـند و هم اختلافـات آشـکاری بین آنها وجود داشـته باشـد شـکل تعارض در قالب تشـریک مساعی و مشارکت آگاهانه ظهور می یابد که می توان آن را در مجموعه ی تعارض های سازنده جای داد.در این حالت افراد ضـمن پذیرش اختلافات و تعارض های خود در صدد می باشـند حداکثر منافع را برای گروه و شورا بدست آورند.ث) مصالحه: در وضـعیتی که تعارض هم از لحاظ همکاری و هم از بعد آشـکار بودن در حد وسط قرار داشته باشد در این حالت اعضا تمایل خواهند داشت نسبت به منافع و اهـداف موردنظر یـک توافق و مصـالحه داشـته باشـند. راههـای مقـابله بـا تعـارض: تمـام کسانی که با گروههای مختلف با اهـداف متفـاوت ارتبـاط دارنـد بایـد در نظر داشـته باشـند که پدیـده ی تعـارض در گروهها قابل حـذف کردن نیست ولی ممکن است آنرا آشـکار یا پنهان نمود و هر چقدر پدیده ی تعارض درون گروهها آشـکار و شفاف باشد در موضع گیری افراد موثر خواهد بود.این امر نهایتا منجر به بروز عقاید و پیشـنهادات مختلف و امکان استفاده ی مطلوب از خلاقیت اعضا خواهد شد. در این راستا باید توجه داشت که نوعـا تعـارض می توانـد شخصـی، بین دو عضو یـا بین گروههـای رقیب، بین سازمانهـای مشـابه و یـا ائتلاـف هـای حاکم باشد.فصل ششمآسیب شناسی شوراها تصور کنید:«... شورای حوزه ی شهر یا روستای شما علی رغم جلسات و تلاش های فراوان از یـک تشـریک مسـاعی در جهت رضـایت مردم برخوردار نیست. از طرفی بین شورا و سازمانهای عمومی یک سـری مشـکلات حاد بوجود آمـده است که منجر به توقف پروژه های موردنظر شورا در ارائه خـدمات به مردم شـده است. تمام این مسائل و موارد مشابه را بایـد از آسـیب هـا و بیماریهای شورا دانست که عـدم برخورد آگاهانه با آنها اثر بخشـی و پویایی شوراها را از بین می برد. برای هدایت شورا در یک روند منطقی و مسـئولیت پذیر و جلوگیری از بروز برخی مشـکلات ساختاری و رفتاری در درون شوراها شـما نیازمند شـناسائی آسـیب های احتمالی شوراها هستید ... »آسیب شناسی در شوراها: از دیدگاه مدیریت انسان یک موجود اجتماعی هـدف گرا است که همواره تلاش می کنـد از طریق نهادهای سازمانی و غیرسازمانی به اهداف خود تحقق بخشد. از جمله نهادهای

سازمانی در سطح خرد می توان به موسسات و شرکتها و در سطح کلان به دولتها اشره نمود. این دسته نهادها از یک سری قوانین و معیارهای مشخص تشکیل و در جهت تحقق اهداف تعیین شده خود فعالیت می کنند.نهادهای غیرسازمانی نیز نوعی مجموعه های اجتماعی تلقی می شوند که ضرورتا شکل رسمی وسازمانی ندارند و بیشتربراساس قراردادها وتحت تاثیرمتغیرهای اجتماعی شکل میگیرند. از جمله این نهادهای غیر سازمانی در سطح خرد می توان به خانواده ها و در سطح کلان به احزاب و مجالس قانون گذاری و شوراها اشاره نمود.مهمترین وجه تمایز این دو دسته نهاد این است که در نهادهای سازمانی جایگاه انسان توسط سازمان تعیین می شود، ولی در نهادهای غیرسازمانی جایگاه نهاد توسط مجموعه انسانهای موثر تعریف میشود.برای روشن تر شدن موضوع می توان گفت اگر فردی وارد یک شرکت تولیدی یا یک سازمان عمومی شود جایگاه او در سازمان تحت عناوینی چون کارمند، کارشناس، کارگزینی، مدیر فروش و... تعریف شده است و رفتار او بر اساس این جایگاه شکل می گیرد. اما در نهادهای غیر سازمانی افراد بر اساس رفتار خود جایگاه نهاد را شکل می دهند.وجه مشترک هر دو نهاد در ان می باشد که انسان می تواند با استفاده از قدرت تفکرخود نهاد را تغییر و رفتار ان را اصلاح نماید ،بعبارتی یک رابطه متقابل بین انسان و نهاد وجود دارد.در این میان هر عاملی که این ارتباط متقابل را تحت تاثیر قرار دهد واز حالت مطلوب خارج نمایید نوعی عامل آسیب رسان تلقی می شود. این آسیب بعلت روند تدریجی عمدتا قابل مشاهده نمی باشد و با توجه به جایگاه شوراها در سیستم سیاسی کشورنیازمند توجه گسترده ای هستند.انواع آسیب های شوراهاشوراها از بعد مدیریتی یک نهاد غیر سازمانی تلقی می شوند . به بیانی دیگرشوراها را می توان«یک مجموعه اجتماعی دانست که مجموعه ای از مسئولیت ها و وظایف را درراستای تحقق مجموعه ای از اهداف اجتماعی و اقتصادی بر عهده می گیرد ». شوراها بعنوان نهاد های اجتماعی از طریق اشکالی چون انتصاب،انتخاب یا وراثت قابل تشکیل هستند که انسان به تحاظ تجربه تاریخی خود و شرایط متغیر اجتماع شکل انتخابی آنرا بیشتر پذیرفته است. این شوراها به دلایل متغیر و پیچیده بودن روابط اجتماعی با مسائل و مشکلات متعددی روبرو هستند که عدم توجه و دقت نسبت به آنها می تواند به پایه های اصلی نهاد شوراها آسیب های غیر قابل جبرانی وارد سازد. در ادامه برخی از این مسائل و آسیب ها را بررسی خواهیم داشت.سیاست زدگی: یکی از عمده نقش های اجتماعی و اصلی شوراها، نقش نظارتی می باشد. به عبارت دیگر می توان گفت شورا تبلور مسئولیت اجتماعی مردم است که به شکل نهادی توسط افرادی منتخب مردم اعمال می شود. این افراد منتخب از زمان شروع فعالیت تا پایان دوران تصدی شورا در جهت تقویت خدمات و مدیریت شهری در شهرها و خدمات روستایی در سطح روستاها تلاش می کنند.ممکن است گاها به لحاظ تمایلات گروهی به تقویت قدرت خود در شوراها جهت گیری کنند که نهایتا در صورت تشدید این رفتارها نوعی جو سیاسی بر شوراها غلبه می کند که ابعاد اقتصادی و اجتماعی شوراها را تحت تاثیر قرار می دهد. در این حالت شورا به جای تبیین تفکر« چه چیزی » ، تفکر « چه کسی » را اولویت می دهد. این جو سیاسی یا نوعی سیاست زدگی در صورت غلبه بر رفتارهای مردم همانند بوی کارخانجات شیمیایی یا بیمارستانها حالت عادی پیدا می کند حالتی که افراد پس از مدتی متوجه آن نمی شوند و در نتیجه آن انرژی و منابع عمومی اتلاف می شود و مردم و مردم و شوراها به جای حل مسائل و مشکلات شهری به حل تعارضات سیاسی مشغول می شوند. نتایج این وضعیت به روابط اجتماعی مردم و شورا از یک طرف و سازمان های دولتی و محلی از طرف دیگر آسیب می رساند و منجر به کاهش اثربخشی شوراهای محلی می گردد. عمده ابزار مدیریتی جهت جلو گیری از این اسیب در شوراها تدوین یک آرمان مشترک علاوه برایجاد یک جهت گیری فکری و هماهنگی بلند مدت بین فعالیت ها ، یک همبستگی عمومی بین مردم و نسل های آینده را فراهم می سازد و از تبدیل شدن اختلاف نظرها به تضاد های سیاسی بین احزاب و جناح ها و آسیب های احتمالی آن می کاهد.وقتی شورا به این آسیب دچار شود و سیاست زدگی در آن ریشه یابد، شورا به مانند ماشین پر سر و صدایی در می آید که شعارهای فراوانی می دهد ولی در عمل حرکت و تحولات عمده ای را ایجاد نمی کند. تداوم این روند در شورا به بی تفاوتی و سر خوردگی مردم منتهی می شود که نهایتا روند رشد و

توسعه منطقه ای را مختل می کند. عملزدگی: شوراها چه در سطح شهرها و چه در سطح روستاها وظایف متعددی را بر اساس قانون بر عهده دارند. در کنار این وظایف مسئولیت برخی اهداف را نیز بعنوان وعده ی انتخاباتی در برابر مردم بر عهده گرفته اند. تمام این وظایف و مسئولیت ها ، یک مجموعه ی گسترده ای از فعالیت های مختلف را ایجاب می کند. در این شرایط توجه بیش از اندازه به مسائل اجرایی و جزئیات برنامه ها و طرح ها را می توان از جمله آسیب های جدی شوراها دانست که عموما عملزدگی اطلاق می شود. این امر گاها موجب می شود که برخی مسائل پیش و پا افتاده و ساده به مسائلی پیچیده و مهم تبدیل شوند و هم انرژی و تلاش اعضا و هم منابع مردم در حد همان مسائل ساده و غیر ضروری و صرف شود. تداوم این روند به کاهش کارایی و پویایی شورا منجر خواهد گردید.برای پرهیز از این مساله ، شوراها و مسلما اعضای آنها نیازمند داشتن یک نگرش سیستمی به مسائل از طریق ایجاد یک نظام جامع ارزیابی، کنترل مستمر برنامه ها ، ارتباط با مردم و نظرسنجی افراد هستند.تحقق این نگرش مستلزم توجه گسترده به امر برنامه ریزی و طراحی برنامه ها و پروژه های مختلف خدماتی و اجرایی است. بدون این امر و صرفا تکیه بر دیدگاه حسی و نظری ممکن است شوراها در یک مسیر توسعه ی غیر واقعی هدایت شوند که نهایتا منجر به صرف منابع ، اعتبارات و بودجه های متعدد بدون کسب اهداف واقعی و موثر میشود.تضاد قانونی: در یک نظام غیر متمرکز بین اهداف ملی و اهداف محلی یک مجموعه گسترده و متنوعی وجود دارد که تفکیک دقیق این اهداف به لحاظ ارتباط سیستمی آنها میسر نمی باشد.از طرفی علیرغم پیش بینی های قانونی در قانون اساسی، دولت ها قبل از تشکیل شوراها ایجاد شده اند و بسیاری از وظایف محلی را بر عهده دارند که با ایجاد و شروع به فعالیت شوراها به علت عدم تفکیک دقیق مسائل ملی و محلی در برخی وظایف بین حکومت مرکزی و محلی یا به عبارتی بین دولت و شوراها و تضادهای قانونی ایجاد می شود.از جمله این تضادهای احتمالی می توان به مالیات های ملی و محلی ، برنامه های آموزشی و خریدهای خارجی اشاره نمود. شوراها برای پرهیز از این تضاد نیازمند یک اولویت بندی مسائل در مسیر توسعه ی منطقه ی خود هستند که این اولویت بندی در سه دسته قابل دسته بندی است:دسته ی اول به مواردی اشاره دارد که بیشتر آثار محلی داشته و کمتر به عنوان یک متغیر ملی تلقی می شوند. از جمله این موارد می توان به مدیریت خدمات شهری یا روستایی اشاره نمود. دسته دوم به مواردی اطلاق می شود که هم آثار محلی داشته و هم آثار ملی دارد ، این دسته مسائل مانند مالیات ملی و مالیات محلی می تواند موجب جابجایی گسترده ی بین مناطق مختلف در زمینه هایی چون سرمایه و نیروی کار و... شود و یا می تواند موجب کاهش آثار برنامه های ملی در مناطق خاصی شود.دسته ی سوم به مسائلی اطلاق می شود که آثار ملی آن بیشتر از آثار محلی آن است. از جمله ی این مسائل می توان به حمل و نقل، بانکداری، مبادلات خارجی و آموزش عالی اشاره کرد که دولت های ملی در نظام های توسعه نیافته درچنین مواردی نیازمند تمرکز در سیاست های مربوطه هستند ولی با توسعه ی نظام های محلی و تقویت مبانی عدم تمرکز می توان بخشی از این مسائل را به شوراهای محلی انتقال داد.شوراهای محلی برای انجام موثر وظایف خود نیازمند توجه به این اولویت بندی با تمرکز روی موضوعات دسته ی اول به لحاظ مراحل اولیه اجرای قانون شوراهای شهر و روستا و توسعه سیاست عدم تمرکز می باشند. در مراحل بعدی با گسترش و تقویت مبانی و پایه های توسعه منطقه ای می توان موضوعات دسته ی دوم را مورد توجه قرار داد. این امر موجب می شود که تضاد قانونی بین حکومت مرکزی و شوراهای محلی در حداقل قرار گیرد و آثار جانبی آن قابل کنترل باشد. مسائل دسته سوم به لحاظ حیطه ی تاثیرگذاری آنها عمدتا در اختیار دولت های مرکزی قرار دارد مگر آنکه توافق خاصی بین حکومت مرکزی و شوراهای محلی به عمل آید.تداخل وظایف و تعدد مراکز تصمیم گیری: یکی دیگر از آسیب های موثر شوراهای محلی در سطح روستاها و شهرها را می توان وجود مراکز تصمیم گیری متعدد و تداخل وظایف برخی نهادها و مراکز اجرایی دانست. این مشکل عمدتا از آنجا ناشی می شود که دولت وظایف تعیین شده و قانونی شوراها را در غیاب آنها خود بر عهده داشته است و تشکیلات خاصی را در این خصوص ایجاد نموده است که با تفکیک فعالیت های محلی از مجموعه برنامه های دولت و تفویض آن بر عهده ی

شوراهـای محلی زمینه را برای امکـان تـداخل وظایف بین دسـتگاههای اجرایی و شوراهای محلی را آماده می سازد. این مساله می توانـد منجر به برگشت سیاست توسعه شوراهـای محلی و عـدم تمرکز دولت شود. برای جلوگیری از این وضـعیت شوراهای محلی نیازمند افزایش مشارکت مردم در فعالیت ها و برنامه ها هسـتند زیرا دولت با توسعه سیاست عدم تمرکز حمایت خود را از شوراهای محلی کاهش خواهد داد و این کاهش بدون حمایت مردمی قابل جبران نمی باشد.از طرفی در مورد برنامه ها و سـیاست های محلی تصمیمات متعددی مورد نیاز است که در سطح شهرها و روستاها با مراکز تصمیم گیری متعدد دولتی و غیر دولتی مواجه می باشند. برای مثال در شـهرها برای مشکل مسکن علاوه بر شرکت های ساختمانی ، سازمان زمین شهری، مسکن و شهرسازی و شهرداری ها نیز در تصـمیم گیری ها دخالت دارند که مشـکل عمده ای برای مدیریت شوراهای شـهری محسوب می شوند.در روستاها نیز علاوه بر وزارت کشور، سازمـان هـایی نظیر جهاد سازنـدگی ، کشاورزی نیز در تصـمیمات موثر هسـتند و یک مجموعه ی تصـمیم گیری متعـددی ایجاد می کنند که مسـلما عدم توجه به آنها آسـیب های جدی به شوراهای محلی در سـطح روسـتا می رساند.برای پرهیزو دوری از این مساله شوراهای محلی به جای ایجاد سازمان ها ، موسـسات و عناصـر خدماتی جدید باید به تعریف و تنظیم روابط بین عناصـر و سازمان های محلی و دولتی توجه داشته باشند به گونه ای که بتوانند محدودیت های رشد و توسعه منطقه ای را به حداقل برساننـد. کمبودهـای نرم افزاری: شوراهـا را می بایـد یکی از آرزوهـای دیرین ملت ایران دانست ، آرزویی که تحقـق آن مبـارزات فراوانی را به همراه داشـته است. به همین خـاطر در کشور مـا می توان شوراها را پدیـده ای نو به شـمار آورد که اثار گسترده ای در زمینه هـای سیاسـی ، اقتصادی و اجتماعی ایجاد خواهـد کرد.این پدیـده می توانـد به عنوان عامل و یا مانع توسـعه در مسیر حرکت جامعه موثر باشـد ، آنچه که در این میان ضـرورت دارد چگونگی برخورد با این پدیـده ی اجتماعی است. یکی از راههای هـدایت شوراها به یک جایگاه مناسب در نظام سیاسـی و اجتماعی کشور توجه به مسائل آموزشی ، پژوهشی و قانونی است آنچه که در این کتاب مجموعا کمبودهای نرم افزاری نامیـده شـده است. اگر ما به شوراهای محلی به عنوان پدیده نگاه کنیم همانند تمام پدیده ها ملزومات خودش را خواهد داشت ، این ملزومات را در مورد شوراها می توان در موارد زیر مورد بررسـی قرار داد:الف) آموزش: برای برخورد با هر پدیده ای انسان نیازمند یادگیری است که عمدتا از دو طریق تجربه و آموزش مبانی میسـر است. شوراها به لحاظ نو پا بودن در سه بعـد نیازمند آموزش هسـتند: منتخبین شوراها ، مردم و مسئولان دولتی و هر چقدر در مراحل اولیه به این آموزش هـا اهمیت بیشـتری داده شـود حرکت شوراهـا چه در سـطح روسـتاها و چه در سـطح روسـتاها روان تر ، آسـان تر خواهـد بود.ب) پژوهش: شوراهـای محلی در کشور ما با متغیرهای سیاسـی و اجتماعی بسـیاری روبرو هسـتند و آثار متقابلی را در این زمینه خواهند داشت. برای بررسـی این آثار و تدوین یک نظام غیر متمرکز مبتنی بر شوراهای محلی از یک طرف و توسـعه و تطابق آنها با شرایط متغیر اجتمـاعی و سیاسـی از طرف دیگر ، دولت نیازمنـد توجه به امر تحقیقـات و انجـام مطالعـات مختلف در زمینه ابعاد پیچیـده ی شوراهـا است. این پژوهش هـا می توانـد راه را برای توسـعه فعـالیت هـا و جایگاه شوراها در سـطح کلان تسـهیل نمایـد.ج) قانون: شوراهـا توسـط قـانون ایجاد و در یک چارچوب قانونی فعالیت خواهنـد داشت. به همین لحاظ ضـروری ترین عامل تحرک شوراها قـانون است؛ بایـدها و نبایـدهای حکومت از طریق قـانون و مقررات برای شوراهـا تعریف می شود . این قانون همواره در برخورد با مسائل ، موضوعات و شـرایط جدید نیازمند رفع نواقص و اشـکالات موردی است و بدون آن شوراهای محلی جایگاه تضـعیف شده ای خواهند داشت.عدم توجه به این سه دسـته ابزار هدایتی می تواند اثربخشـی شوراها را از بین ببرد. و به شـکل بی ثمر تبدیل سازد که نهایتـا هم دولت و هم ملت از آن اسیب خواهنـد دیـد .انتظارات غیرواقعی: شوراها بین دو مفهوم کلان اجتماعی « دولت » و « مردم » قرارداشـته و رابطه متقابل و پیچیده ای با هرکدام دارند. شوراها علاوه بر آنکه در ارتباط مسـتقیم با مردم هسـتند با دولت نیز ارتباط گسترده ای دارند و بدون آنها جایگاهی موثر نخواهند داشت که این ارتباط متقابل یکسـری انتظارات مشخصی را نیز بوجود می آورد. رابطه ی دولت و شوراهـا ماهیتـا از رابطه ی مردم و شوراهـا متفـاوت می باشـد زیرا هم دولت و هم شوراها ذاتا در مقابل

مردم پاسخگو می باشند و این باعث می شود انتظارات متقابل دولت و شوراها یک حالت مکمل داشته باشد.کمبود منابع مالی: به عنوان یکی از مشکلات رایج شوراها به ویژه در سطح روستاها می توان به کمبود منابع مالی جهت تامین اعتبار پروژه ها و طرح های موردنظر اشاره نمود. عدم توجه به این مساله و ایجاد مخارج و سرمایه گذاری های بیش از توان درآمدی شورا می تواند آسیب های جدی و موثری بر توسعه شهری یا روستایی وارد سازد.برای پرهیز از این آسیب، شوراها می توانند از راهکارهای زیر استفاده کنند:الف) کنترل هزینه ها ب) افزایش دقت در خصوص توجیه اقتصادی و اجتماعی پروژه ها ج) ایجاد درامدهای جدید و خلاقانهد) افزایش بهره وری امکانات و سرمایه های عمومی ه) ایجاد یک برنامه مالی مدون و تهیه بودجه بندی برنامه ای عدم تمایل سیاسی: از دیدگاه سیاسی شوراها نوعی توزیع قدرت در سطوح پائین جامعه تلقی می شوند . این توزیع قدرت در مسیرحرکت و رشد مسلما نیازمند افزایش اختیارات، انتقال امکانات و فراهم شدن ابزارهای تصمیم گیری و اجرائی در سطح شهرها و روستاها است. دراین حالت اگر تمایل سیاسی برای تامین این نیازها وجود نداشته باشد ،شوراها به یک شکل کلیشه ای و دستوری تبدیل می شوند و فرایند مشارکت مردم را مختل می سازند . این تمایل نه تنها در سطوح مسئولان حکومتی و قانون گذاری باید باشد بلکه در سطوح سازمانهای محلی دولت نیز باید فراهم باشد و کمبود آن می توان منجربه کاهش کارائی برنامه ها و فعالیتهای شوراها شود. برای پرهیز ازاین مساله دولت و شوراها باید نسبت به اهداف ملی و کلان نظام هماهنگی و تعهد مشترکی داشته باشند ازایجاد تضادها بین اهداف ملی و اهداف محلی اجتناب نمایند.

بازیابی عناصر هویت شهری

سایت شهر بهشت

شهر جایی است که تعاملات شهری در آن به وقوع می پیوندد و مردم حس شهروندی نسبت به شهر خود دارا می باشند. بعبارتی آنچه شهر را می سازد، ساختمانهای عظیم و پارکها نیستند بلکه مردم خود شهرند با تمام سلایق و ویژگیهای منحصر بفردشان و در حقیقت هویت شهری و شهروندیشان.بنابراین آن چیزی که از آن به عنوان هویت شهری نام می‌بریم در حقیقت یافتن تناسب یا معیارهایی از آن میان نظام شهرسازی و معماری با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان است و البته ابعاد گوناگونی از هویت که بدان خواهیم پرداخت.۱- تعریف هویت «هویت»، یکی از مهمترین مسائل و چالش های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است:حقیقت شی یا شخص که مشتمل برصفات جوهری او باشد, شخصیت, ذات, هستی و وجود, منسوب به‌هو, شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی.اما طبق تعریف متداول، "هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند." هویت در انسان شناسی، به معنای نوعی از خودآگاهی فردی یا جمعی نسبت به وجود مجموعه ای از خصوصیات فرهنگی - اجتماعی که فرد یا گروه مزبور را از فرد، افراد یا گروه های «دیگر» که به مثابه هویت های «دیگری» طبقه بندی می شوند، متمایز می کند و عموما خود را با یک نام و یا لااقل با ضمیر «ما» مشخص می کند.در خصوص واژه لاتین هویت (identity) گفته اند که از قرن چهاردهم در زبان های اروپایی رایج شده و ریشه آن به دو واژه لاتین identitas به معنی «خصوصیت چیزی همانند» و idem به معنی «همان» و معادل قدیمی تر یونانی آنها می رسد.علی اکبر علیخانی در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت دو پسوند واقعی و تقلیدی را به هویت افزوده است. وی برون رفت از چالش های امروز را در تعریفی سیال از هویت و دوری از هویت های تقلیدی می داند و می گوید: « هویت ما نه در گرو میراث گذشته و نه در گرو میراث دیگران - به عنوان دیگری- بلکه در گرو حقیقت طلبی و روش اصیل ما خواهد بود».با این توصیف بدیهی است که در شرایط مکانی و زمانی مختلف، زمینه های متفاوتی برای هویت منظور گردد که

هر کدام نیز دارای تعاریف و ابعاد خود باشند؛ نظیر هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت شهری.۱-۱- هویت شهریاز آنجایی که «هویت»، مجموعه‌ایی از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد.هویت یک معیار رشد برای شهر است؛ به عبارتی دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می کند و ساماندهی جدیدی می یابد. در این ساختار باید هویت شهری به عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند. هویت شهری را باید نوعی هویت جمعی به حساب آورد که البته با عنوان هویت محله ای و شهری زمانی معنی دار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر داشته باشد؛ به شرطی که هنجار هویت درست فهمیده شود.کیومرث مسعودی پژوهشگر و جامعه‌شناس شهری معتقد است «اگر درمورد هویت شهری یا هویت معماری صحبت می‌کنیم، منظور در واقع یک نظام یافتگی ساختاری و کاربردی در شهر و یک انتظام در معماری شهر است»؛ بنابراین بدیهی است که این انتظام یا سازمان دارای ابعاد درونی خود باشد که در اینجا با عنوان عناصر هویتی شهر بدانها پرداخته می شود

.۲-۱- عناصر هویتی یک شهراز آنجا که هر شهر دارای دو بعد کارکردی و کالبدی است، لذا ابعاد مختلف هویت وابسته به آن نیز دارای دو وجه مذکور خواهد بود. بنابراین در یک تقسیم بندی کلی ابعاد هویت شهری را می توان در قالب همین دو بعد مجزا ساخت:

۱-۲-۱- عناصرکالبدی یا سیمای شهربدیهی است که اولین برخورد با هر شی، پدیده یا موجودی، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجهه ای قابل ادراک که با حواس پنجگانه براحتی قابل تشخیص و بازشناسی است. بنابراین اولین تفاوت میان دو موجود عینی نیز از طریق ظاهر آن معین می گردد. با این توضیح حال اگر در تعریفی اولیه، شهر را مجموعه ای از ساختمانها، عناصر و مراکز شهری بدانیم، بی شک می بایست ظاهری برای آن متصور گردیم که در صورت هویت دار بودن یا ساخته شدن و هر فعل دیگری بتواند منحصر به خود باشد. الف) عناصر طبیعی و بستر مکانی یک شهرنمود ظاهری از یک شهر در نگاه نخست می تواند شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد که اغلب به عنوان عناصر و میراث طبیعی در نظر عامه مردم خود نمایی می کنند. زاینده رود اصفهان، عون بن علی تبریز، مثالهایی از عناصر هویت بخش شهرهای ما هستند که امروزه برخی از آنها بدلیل عدم توجهات بصری و شتابزدگی طرحهای توسعه کمرنگ تر شده اند.ساختار طبیعی یک منطقه به عنوان نخستین بستر فعالیتهای اولیه تلقی می شود. تمامی معماران، طراحان و برنامه ریزان با واژگان تجزیه و تحلیل سایت که در وهله اول مربوط به ساختار طبیعی آن است، آشنایی دارند، اما در اغلب موارد برداشتی غیرکارکردی از آنها به عمل می آید. مثالی ساده از این برداشت آنکه ارائه طرحی برای منطقه ای کوهستانی با اقلیمی سرد و فاقد پوشش گیاهی خاص، چندان متفاوت از منطقه ای ساحلی منظور نمی شود؟! و یا آنکه در اغلب موارد، ابعاد توپوگرافیک و عوارض زمین جایگاهی در طراحی ندارند؟!با این مقدمه باید اذعان نمود که شناخت عناصر محیطی به عنوان بستر فعالیت های انسانی می تواند به درک و تحلیل بهتر اشکال مختلف زندگی و فعالیت های انسانی بینجامد. بنابراین فاکتورهای طبیعی، اکولوژیکی و جغرافیایی اولین عناصر هویت بخش به یک شهر و عناصر درون آن تلقی می شوند.این فاکتورها می توانند شامل عناصر زیر باشند:

- رودها و نوار ساحلی- ویژگی های اقلیمی(شامل: بارش، دما، رطوبت، باد و غیره)- منابع آبهای سطحی و زیرزمینی- ساختار

زمین شناسی و توپوگرافیک- پوشش گیاهی و جانوری- منابع و سایر جاذبه های طبیعی ب) عناصر مصنوع یا ساخته شده یک شهرشکل و ساختار ظاهری یک شهر علاوه بر ساختار طبیعی، توسط عناصر و سازندهایی مصنوع به دست انسان شکل می گیرد.هویت کالبدی، آن عامل غالب هویتی است که بافت و ساختار و شکل شهر به آن هویت وابسته است. از دیدگاه کوئین لینچ عناصر هویت بخشی شهر عبارتند از :

۱- راهها و شبکه ارتباطی۲- لبه ها۳- محله ها۴- گره ها۵- نشانه ها

به تعبیری بافت کالبدی و ساختار مکانی شهرها یکی از مهمترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می دهد. از طرفی همین محیط مصنوع است که بعنوان آیینه ای تمام نما از تاریخ و رویدادهای آن مطرح می گردد. از این روی وجه حاضر از شهر مهمترین وجه تمایز میان شهرهای نو و کهن تلقی شده و در طراحی یا توسعه یک شهر می بایست مدنظر باشد. از نگاهی دیگر بافت کالبدی را می توان به دو گروه زیر تقسیم بندی نمود:

الف) عناصر باستانی و کهن (معمولا بعنوان بافت تاریخی مطرح می گردد)ب) عناصر جدید

هرکدام از این عناصر نیز براساس عملکرد خود می توانند به عناصر عرصه های عمومی و باز شهری و فضاهای کارکردی و بعبارتی بسته شهری (فضاهای مسکونی، خدماتی، تجاری و ...) تفکیک شوند که از این میان نماهای شهری و فضاهای شهری براساس ویژگیهای کالبدی و نقش کارکردی ویژه خود بعنوان اولین رکن هویت بخش این بخش از عناصر شهرهای امروزی مطرح می گردند.

۲-۲-۱- عناصر کارکردی یا محتوای شهربا قبول شهر بعنوان موجودی زنده دیگر نمی توان تنها به بعد ظاهری آن نگریست. حال اگر بعد محتوایی یک شهر را منبعث از ابعاد هویتی انسانهای آن بدانیم، می توانیم شاخصه های محتوایی یا کارکردی هویت شهر را بصورت زیر طبقه بندی نماییم:

الف) عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) شهراین عناصر که غالباً با عنوان جغرافیای انسانی شناخته می شوند شامل جمعیت (کمی و کیفی) و فرهنگ شهر یا شهروندان (نژاد، زبان، هنر، پوشش و ...) می گردند؛ بنابراین در این بعد انسان بعنوان محوریت اصلی تلقی می شود.علوم، فنون، مهارت ها، اندیشه ها و تجارب باارزش و سودمندی که از دیگران یا از گذشته می گیریم و یا بدست می آوریم در تحلیل نهایی در این بعد از هویت قرار خواهند گرفت؛ همان گونه که خط، لباس، روشهای تولید، آداب و رسوم و عقاید، جشنها و اعیاد و بسیاری از چیزهای دیگر که از مولفه های ملی و عناصر هویت و متعلقات فرهنگی خویش می دانیم نیز در میان این عناصر طبقه بندی می شوند. بر این اساس توجه به هویت اجتماعی (فرهنگی- سیاسی) در راستای شناخت هویت واقعی شهری گریزناپذیر است.

ب) عناصر اقتصادی شهرآخرین بعد از ابعاد هویت بخش در فضاهای شهری فعالیت هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه های اقتصاد شهری را تشکیل می دهد. این فعالیتها را می توان با عنوان عناصر اقتصادی مطرح نمود. برخی از این فعالیت ها که به طور ویژه در مکانها و یا شهرهای خاصی وجود دارند و به یک مکان ویژه جغرافیایی اختصاص دارند، به عنوان یکی از مهمترین ارکان هویتی شهر یا مکان خود نمایی می کنند که از آن میان می توان به فعالیتهای گردشگری، صنایع دستی و فعالیت های ویژه و یا بومی موجود در هر مکان یا شهر اشاره نمود.

مدیریت شهری و شهروند مداری

حمید هنرمند

شهروند و شهروندمداری (Citizen) به معنی شهروند یک کشور بودن که با در نظر گرفتن حقوق و وظایفی که در تابعیت

شهرنشـینی و شـهری گری وجـود دارد، و همراه بـا خـود تعهـداتی کـه برابری و عـدالت و اسـتقلال را دارا می باشـد. و زمـانی این شهروندی می تواند حالت رسمیتی داشته باشد که حقوق فردی افراد و شرافت فرد را به رسمیت شناخته و در
همان حال در بستری اجتماعی آن فرد را مورد تایید قرار دهد و این نشان از آن دارد که فرد و جامعه به یکدیگر وابسته و تعهداتی، شرایط ضـروری شـهروندی را بازتولید می کند. پس شهروندان از هویتی پویا برخوردارند و راه های تازه و خلاقیت هایی برای بیان شهرونـدیشان ارائه می دهنـد و برای شـکل دادن به ارزوهـا و نیازهایشـان دسـتخوش تغییر می شونـد. شـهروند و جـامعه به حقوق و وظایف و نهادهای تازه نیاز دارند. زمانی که یک فرد ساکن یک شـهری می شود شـهروند آن شهر بوده و مالکیت از آن او است و به نسـبه بین تمام ساکنان آن شـهر مالکیت شهری تقسیم می شود و همچنین بر حسب شرایط و موقعیت و استفاده از امکانات دارای وظایفی بوده و مدیران شـهرها و تصـمیم گیرندگان و نمایندگان فقط مجریان تصـمیمات مردم هستند، نه روسا و سرپرستان مردم، و موظف به اجرای اوامر مردم می باشـند.روابط میان جامعه سیاسـی و شـهروندان یک رابطه میان خود شهروندان است که افراد زمانی این موضوع را درک می کنند که پیوند نزدیک میان حقوق و مسـئولیت های شهروندی وجود داشته باشد. حقوق زمانی به رسمیت شناخته می شود که حقوق ما را به رسـمیت بشناسـند و ما هم مسـئولیم حقوق آنها را پاس بـداریم. حفظ شدن حقوق در گرو حفظ شدن جامعه سیاسـی است و جامعه سیاسی سالم نیازمند شهروندان پویاست و شهروندی پویا با فرد آغاز می شود. بنابراین اصلاحات سیاسـی باید با هدف بهبود فرصت های شـهروندی برای اعمال حقوق و ایفای وظایف در راه ترویج روح مشارکتی صورت گیرد و این پویایی شـهروندی است که تقابل میان حقوق و مسولیت ها را از میان می برد.مدیریت شـهری و سازماندهی شـهرهای بزرگ بر مبنـای الگوهـا و روش هـای سـنتی جوابگو نبوده بلکه بایـد بر کـاربرد تکنولوژی هـای جدیـد و اسـتفاده از عرصه هـای اطلاعاتی و ارتبـاطی اقـدام و همگام با رشـد و توسـعه شـهرها با جمعیت و مهاجرت های بی رویه و ساخت و سازهای کلان .... بر حسب برنامه ریزی استراتژیکی در مقابل مشـکلاتی که ممکن است در آینده ایجاد شوند پیشـگیری و حتی مدیریت بحران برای شرایط ناگوار و غیرمترقبه داشت، تا بتوان بهترین عملکرد و روش را در زمان و مکان خاص اعمال کرد.در یونان قـدیم تفکر بر این وجود داشـته که انسـان هـا در کشورهای کوچک (شـهر) می تواننـد ویژگی های انسانی و آزادگی خود را حفظ کننـد و به عنوان شـهروند شـناخته شونـد. زیرا یونانیان معتقـد بودنـد که در کشورهای بزرگ حکومت مرکزی به همه جای فرمان می رانـد و انسان تبدیل به برده می شود و تنها راه دولت، شـهرها هسـتند که به انسان ها به عنوان شـهروند هویت می بخشـند. ارسـطو و افلاطون بر این عقیده هستندکه هـدف اصـلی جـامعه را اقتصـاد نمی داننـد بلکه روح جامعه عـدل است و عـدل امری انسانی است و هـدف تامین زنـدگی خوب و سعادت شـهروندان می باشـد و همچنین ارسـطو معتقد است که (برای پایداری جامعه و حکومت لازم است که شـهروندان به تناوب حکومت کنند و این نیاز به پاسخگویی و شفافیت برنامه ها از طرف حکمرانان در میان شهروندان است).مشکلات بزرگ شهری در ایران:در دهه های گذشـته با شـکافی که میان نیازها و امکانات و نیز بین انتظارات و واقعیتها وجود داشته باعث گردیده تزریق ها از سوی حکومت بیشتر و تلاش های شـهروندان و اقـدامات جامعه مـدنی انـدک باشـد زیرا با درآمـدهای نفتی که به جامعه ای پیشـا صنعتی، وارد گردیده شهرنشـینی برون زایی پدید و رشد آن نسبت به توسعه فزونی یافته و همین باعث بیکاری، فقر، کمبود مسکن، آلودگی زیست محیطی، نارسـایی خـدماتی، کمبود زیرسـاخت هـا و ناکـارآیی اقتصادی و آسیب های اجتماعی را به همراه آورده است که کل ریشه همه مشـکلات شهرهای ایران دو مسئله بزرگ است.۱- چگونگی اداره شـهرها و نظام مدیریت شهری: که بیشتر یـک سویه و برنـامه ریزی هـا برای مردمـان (نه با مردمان) و شـهروندان از نظام برنامه ریزی ها کنار گذاشـته شـده انـد و این نیاز به حکومتی که خود را پاسـخگو و مشـارکت جو و در اداره شـهرها خواست اقتـدار مردم سالاـری و آزادگی را جایگزین نمایـد و این یک حکمروایی خوب که فراینـدی برای توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی پایـدار را در پی دارد و زمانی این حکمرانی خوب ایجاد می گردد که مدیریت شـهری به جای حکمرانی شهری قرار گیرد. مدیریت شهری دارای ویژگی هایی از قبیل همرائی،

برابری طلبی و فراگیر بودن اثربخشی و کارایی، پاسخگو بودن، قانون مداری، مشارکت و شفافیت را می توان برشمرد.۲- یکی دیگر از مشکلات اداره شهرها، خود شهروندان و ساکنان شهرها هستند چون در طول تاریخ ایران نظام استبدادی و یکسویه وجود داشته و آن حقوق و مسئولیت ها رعایت نگردیده و مفهوم مشارکت معنا نداشته و با تغییر حاکمیت ها چون نهادهای مدنی در ایران رشد نکرده تغییری حاصل نشده، در نتیجه جامعه همواره به صورت توده ای به حرکت خود ادامه و شهر و شهروندی در هیچ دوره ای پدید نیامده است و این شاید به دلیل خود مفهوم نبودن شهروندی و ناآگاه بودن و آموزش ندادن آن است. یک شهر خوب به چه معناست؟آیا معنی آن این است که یک شهر باید یک هدف نهایی و تامین زندگی خوب و با سعادت برای شهروندان آن نه تنها به ساختمان ها و محیط و کالبد زیبای آن بلکه به روابط شهروندان خوب و حکمرانی خوب مایه می گیرد که همان مفهوم شهر خوب از الگوی واژه (paradiym) توسعه، اثرپذیر می باشد.در هر جامعه توسعه برحسب فرهنگ و مفاهیم آن سرزمین می توان آن را مورد بررسی قرار داد و آن را در چارچوب بوم شناختی هر جامعه تحقق بخشید که متاسفانه در جامعه ایران از زمانی که شهرنشینی گسترش یافته و همراه با رشد و توسعه صنعتی و تغییر و تحول در بافت اجتماعی و باورهای ذهنی جامعه همراه با رشد و نفوذ سرمایه داری، ارتباطات تکنولوژی و فرهنگ باعث گردیده زندگی ایرانیان به طرف بافت و الگوی یک زندگی سرمایه داری گرایش و هجوم و گسترشزندگی شهرنشینی حاصل آید. لیکن چون این تغییر و تحول بنیادی و از درون خود جامعه ایران صورت نگرفته بلکه به صورت وارداتی و الگوبرداری از جوامع صنعتی و با تزریق درآمدهای نفتی به صورت رانتی باعث گردیده شهرها گسترش و بزرگ شده اما نه با آن همگونی و ساختار مناسب شهری و شهروند مداری، بلکه بیشتر به صورت نمادی از زندگی شهری و شهروند حاصل آمده که به دنبال آن خود بحران ها و نابسامانی هایی به همراه داشته که نمودهای آن را در رشد بیکاری، نبود سازمان ها و ارگانی های مستقل، آلودگی محیط زیست، آسیب های اجتماعی، کمبود مسکن و غیره دید.حال با این بحران های حاصله چگونه می توان برخورد کرد و راه چاره جست؟۱- دادن آموزش در سطح ابتدایی و به دانش آموزان در امر زندگی شهری و شهروندمداری ۲- از طریق ارتباط جمعی آ"گاه کردن مسئولین و شهروندان به حقوق و مسئولیت های خود ۳- ایجاد روح مشارکتی و پاسخگو بودن مسئولین و ایجاد تساهل و تعامل میان مردم و مسئولین ۴- ایجاد نهادها و سازمان ها و ارگانی های مستقل (NGO) ها ۵- برقراری قوانین و مقرراتی که در امر اجرا کارساز و اثرپذیر باشند. ۶- سهیم نمودن مردم در کلیه سرمایه های عمومی که اگر سود و زیانی حاصل شود مردم به خوبی اثرات آن را لمس کنند. ۷- ایجاد عرصه های عمومی و دخیل نمودن مردم در امر راه چاره در کاهش بیکاری، امکانات رفاهی و زیست محیطی ۸- تقویت روح تعاون و همکاری و ترغیب مردم به سرمایه گذاری در بخش های تولیدی و خدماتی ۹- فراهم اوردن روح انتقادگری و انتقاد پذیری میان مردم و مسئولین و ارائه پیشنهادها در حل مشکلات ۱۰- ایجاد یک شبکه واحد امنیتی که تمام موقعیت های شخصی و مادی هر شهروند در آن بایگانی و در صورت لزوم بتوان سریعا در تخلفات مادی و فردی به ان دسترسی داشت. ۱۱- مستقل کردن شهرها بر حسب منطقه جغرافیایی و ممانعت کردن از تمرکز گرایی به کلانشهرها که در امر حل مشکلات و فعالیت های خدماتی و تولیدی موثر می باشد.در نتیجه می توان گفت در یک جامعه زمانی شهروند و شهروندمداری واقعی ایجاد می گردد که مردم و مسئولین نسبت به حقوق و مسئولیت های خود متعهد و آگاه بوده و این بازمی گردد به رشد و توسعه فکری یک جامعه به صورت تکثرگرایی، و هر گاه جامعه را در بعد جمود فکری نسبت به حقوق متعلقه به آن جامعه نگه داشت، در نتیجه جامعه ای حاصل خواهد امد که در یک باتلاق زندگی شهری گرفتار و هر چه تقلا و تلاش می نماید بیشتر در آن فرو می رود و ان الگوی زندگی سرمایه داری شهری را انتخاب کرده به صورت تفیلی گری و دلالی به پیش می رود و هیچگاه به آن رشد و توسعه واقعی خود نخواهد رسید.

منبع: مقاله شهروندمداری: راهکارهایی برای حل مسائل شهری ایران دکتر مظفر صرافی و حسن اسماعیل زاده مجله ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۲۱۷-۲۱۸) http://shoray۳n.parsiblog.com/-۷۸۶۵۹۲.htm

موانع ساختاری مدیریت توسعه شهری در ایران

موسی کمانرودی کجوری

این مقاله بر آن است تا با رویکرد ساختارگرائی به بررسی ویژگی های ساختاری کلان مدیریت توسعه شهری ایران بپردازد. در این جهت، ویژگی های ساختاری مدیریت کلان برنامه ریزی توسعه شهری کشور از بررسی ترکیب و روابط بین اجزاء آن در فرآیند تصمیم گیری و اجراء طرح های توسعه استخراج می گردد. شاخص های مورد استفاده در این خصوص، اجزاء و عناصر ساختار مدیریت، انواع و فرآیند تهیه برنامه های توسعه شهری کشور است●●.مقدمهدوران حکومت پهلوی نقطه عطف مهمی در تاریخ تحولات اجتماعی ایران به شمار می آید. "این دوره را از نظر تحول در روابط تولیدی می توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول ۱۳۴۱ ۱۳۰۴، مرحله گذار از روابط ارباب رعیتی به روابط سرمایه داری، و دوره دوم ۱۳۵۷ ۱۳۴۲، مرحله رشد و گسترش روابط سرمایه داری و تبدیل آن به روابط مسلط تولیدی" (سوداگر ۱۳۶۹ ۱۱۲). دوره ۱۳۲۰ ۱۳۰۰ که با ظهور رضاشاه آغاز و با سقوط او به پایان می رسد، نخستین مرحله از چرخه درازمدت احیاء استبداد و ترکیب آن با روش ها و آرمان های شبه مدرنیستی و شبه ناسیونالیستی است (کاتوزیان ۴۴:۱۳۷۲). در این نظام مدیریت شهری به تبع ساختاری کلان سیاسی کشور، دولتی و متمرکز بود و شهرداری نقش کارگزار دولت را در خدمات رسانی شهری ایفاء می کرد (مدنی پور ۱۱۳:۱۳۸۱). الگوهای برنامه ریزی شهری بر اساس تمایلات تجددگرایانه و مدرنیستی حاکمان دولت به نظام مدیریت شهری تحمیل شد. وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل شوراهای اسلامی نیز در عمل تغییر اساسی در نظام مدیریت شهری کشور تحمیل شد. وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل شوراهای اسلامی نیز در عمل تغییر اساسی در نظام مدیریت شهری کشور به وجود نیاورده اند.این مقاله بر آن است تا ویژگی های ساختاری کلان مدیریت توسعه شهری کشور را با پاسخگوئی به سؤالات ذیل استخراج نماید:ویژگی های عمومی ساخت سیاسی مدیریتی و تأثیر آن بر ساخت فضائی شهر در ایران چیست؟محدودیت های ساختاری نظام مدیریت و برنامه ریزی توسعه شهری کشور کدام است؟۱. ساختار کلان مدیریت و توسعه کشورویژگی های عمومی، جایگاه و نقش خرده ساخت سیاسی مدیریت در نظام اجتماعی ایران و تأثیر آن بر توسعه عمومی و ساخت فضای شهری کشور را می توان در دو نوع نظام سنتی و شبه مدرنیستی یا شبه سرمایه داری خلاصه کرد:۱ ۱. نظام سنتی، ماقبل سرمایه داریبه طور کلی، نظام سنتی اجتماعی سیاسی ایران از دو بخش طبقه حاکم و دستگاه دیوانی (دولت) از یک سو و عموم اقشار مردم و گاه یک قشر بینابینی از سوی دیگر تشکیل می شده است . در این نظام، دولت نماینده هیچ طبقه ای نبوده است. کلیه طبقات تحت سلطه دولت قرار داشتند و هیچ یک از طبقات در برابر دولت حقوقی نداشته است. به این ترتیب، دولت نه در رأس، بلکه در فوق طبقات (یعنی در فوق جامعه) قرار داشت. قانون، یعنی چارچوبی که تصمیمات دولت را محدود و قابل پیش بینی کند، وجود نداشت. قانون عبارت از رأی دولت بود که می توانست هر لحظه تغییر کند. چون همه حقوق اساساً در انحصار و همه وظایف بر عهده دولت بود و مردم اصولاً حقی نداشتند، وظیفه ای نیز در برابر دولت برای خود قائل نبودند (کاتوزیان ۷:۱۳۷۲،۱۴۷:۱۳۷۵؛ ۱۳۸۰ الف: ۷، ۱۰).در جامعه سنتی ایران، همانند سایر جوامعی شرقی و خاورمیانه، اگرچه عوامل مختلفی در ظهور شهرها دخالت داشته اند، اما وجود خرده ساخت سیاسی فردمدارانه، متمرکز و زورمدارانه، مهم ترین عامل بوده است. شهرها وابسته به جذب مازاد روستاهای پیرامون بوده اند خود فرمان به حساب نمی آمدند. قوانین جای در شهر و روستا، از مراکز دیگری صادر می شدند که مقتضیات مربوط به تداوم نظام سیاسی را مدنظر داشتند و توسط نظام سیاسی تدوین و زورمدارانه به اجراء درمی آمدند ، (پیران ۱۳۶۸ ب: ۴۵ ۴۳). توسعه شهری در این دوره تحت قدرت عوامل حکومت محلی و مرکزی و بیشتر تحت تأثیر دو عامل مالکیت و نیازهای روزانه زندگی شکل می گرفت. بر این اساس، نظام فضائی گسسته بر محور دو حوزه روستائی تولیدکننده محصولات کشاورزی و شهری به عنوان محل استقرار حاکم و بزرگ مالکان و گاه

تولیدکننده ابزار کشاورزی و جذب مازاد کشاورزی به صورت محلی بوده است. از این رو نظام یا شبکه شهری مبتنی بر اهداف برنامه ریزی شده و برنامه های توسعه شهری وجود نداشته است. در این نظام، اراده و خواست حاکم محلی در تخصیص و کاربری ارضی شهری در جهت تأمین حداکثر منافع شخصی و حاکمیت مرکزی از طریق اخذ مالیات و بهره بیشتر تعیین کننده بوده است.۲. ۱. نظام شبه مدرنیستی شبه سرمایه داریروند تحول نظام اجتماعی سیاسی ایران به سمت نظام سرمایه داری که از دوره صفویه، خصوصاً قاجاریه آغاز شده بود، در زمان پهلوی تشدید شد. نظام سنتی ایران با تلفیقی از مؤلفه های مدرنیسم (سرمایه داری) در دوره پهلوی، منتهی به نظام جدید شبه مدرنیستی دولتی با تحکیم استبداد سنتی بر پایه های درآمدهای عظیم نفتی، ارتش مدرن و دستگاه دیوانسالاری گسترده گردید. به طور کلی، عدم پایگاه (مشروعیت) مردمی، استبداد سلطنتی نوگرا، گسترش سرطانی نهادهای سرکوب گر دولتی، سرمایه داری دولتی و وابستگی به امپریالیسم از ویژگی های سرمایه داری ایران در این دوره است (سوداگر ۱۱۷:۱۳۶۹ ۱۱۴).در شکل گیری نظام شبه مدرنیستی در ایران، با تأثیر از جوامع غربی، ضرورت برنامه ریزی و تهیه برنامه به عنوان ابزار و محل توسعه متمرکز دولتی نیز پدیدار شد. از این رو، برنامه های توسعه در مقیاس ها و موضوعات مختلف، از جمله توسعه شهری تهیه شدند. در این خصوص، نخستین برنامه توسعه ملی ایران با تصویب اولین برنامه هفت ساله عمرانی در ۱۳۲۷ آغاز شد. در این روند، برنامه ریزی شهری از الگو های برنامه ریزی جامع و متمرکز مربوط به مراحل آغازین برنامه ریزی در نظام مدرن اقتباس شده بود. این نوع برنامه ریزی با تأکید بر محصول و روش شناخت، تحلیل و طرح، به طرح کاربردی زمین در قالب سازمان فضائی سلسله مراتبی حوزه های شهری انجامید. این نوع برنامه ریزی و برنامه ها، گذشته از محدودیت های محتوائی، روش شناختی و فنی، از حیث مدیریت، با این سه مانع عمده ساختاری در ایران مواجه شدند:۱. جامعه ایران فاقد ظرفیت های لازم تاریخی در زمینه های اجتماعی و سیاسی و زیرساخت های مادی بوده است؛۲. به جهت عدم فهم مبانی فلسفی مدرنیته، به جای ایجاد ظرفیت های اجتماعی و سیاسی، برنامه های توسعه در ایران عمدتاً معطوف به زمینه های علمی و ظواهر تجدد (مدرنیزاسیون) شده است؛۳. توسعه کم مهم ترین ویژگی اش ماهیت عمومی آن است، در ایران کاملاً دولتی بود.دستگاه سیاسی شبه مدرنیستی که خود یکی از موضوعات و اهداف مهم توسعه ساختاری بوده، با در دست گرفتن عنان توسعه و به طور کلی به این چهار طریق بزرگ ترین مانع تحقق توسعه شده است:۱. تهیه و هدایت برنامه ها در جهت منافع دولت؛۲.عدم مشارکت مردم به عنوان اهداف اصلی برنامه ها؛۳. عدم التزام علمی و اجرائی برنامه ها در موقع برخورد با منافع دولت؛۴. عدم تهیه برنامه های کلیه سطوح و تکمیل نظام برنامه ها.از این رو مشکل اصلی نظام مدیریت و برنامه ریزی ایران ساختار سیاسی غیردموکراتیک و دولت محوری آن بوده است. با فقدان نظام های دموکراتیک سیاسی و وجود نظام سیاسی متمرکز و یک طرفه، طبعاً نظام برنامه ریزی هم تحت این نظام سیاسی قرار می گیرد. با ارتزاق فکری نظام برنامه ریزی از حکومت، امکان جهت گیری مبتنی بر یک نظارت نظری مشخص به جز مقتضیات سیاسی و ثبات فرآیندی در آن به وجود نمی آید (ایمانی راد ۸۱:۱۳۷۷). پس از انقلاب اسلامی و استقرار حکومت جمهوری در ایران، علی رغم تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی کشور، تغییر اساسی در ساختار مدیریت و برنامه ریزی کشور به وجود نیامد. بنابراین در نظام سیاسی شبه مدرنیستی ایران، دولت به جای مدیریت توسعه به مانع اصلی تکامل اجتماعی سیاسی و تحقق توسعه تبدیل شده است (نگاه کنید به: مک لئود ۱۴۳:۱۳۷۷، الویری ۵۸:۱۳۷۷)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۲۳۲،۲۵۸:۱۳۸۲؛ سحابی ۱۲:۱۳۷۷، ۳؛ صادقی تهرانی ۴۷۶:۱۳۷۸).۲. ساختار کلان مدیریت و توسعه شهری در ایراننظام برنامه ریزی شهری و تهیه طرح های توسعه شهری در ایران متأثر از نظام کلان برنامه ریزی متمرکز دولتی دیوانسالارانه و به نوعی متأثر از نظام رانتی است. بر این اساسی، عوامل نهادی و غیرنهادی (رسمی و غیررسمی) دولتی و بخش خصوصی ذی نفوذ در حاکمیت، به طور مستقیم و غیرمستقیم در سرتاسر فرآیند برنامه ریزی توسعه شهری بیشترین نقش و تأثیر را دارند. در این فرآیند اراده و حاکمیت فراقانونی، تغییر مستمر و تدریجی و گاه یکبار یا کنارگذاشتگی و بی اعتباری کل نتیجه و تولید برنامه ریزی، یعنی برنامه های توسعه شهری را

موجب می شود.پس از انقلاب اسلامی به رغم استقرار یک حکومت جمهوری در ایران، تغییر اساسی در ساختار مدیریت شهری به وجود نیامده بود. تشکیل شوراهای شهر اولین و مهم ترین گام در راه رفع موانع مذکور و مشروعیت دادن به نظام مدیریت شهری در ایران بوده است. با وجود این "مدیریت امور شهری در کشور، علی رغم وجود محمل قانونی و سیاست های پیش بینی شده (و تشکیل شوراهای اسلامی شهرها)، به دلیل عدم [وجود] مکانیسم های کارآمد برای جلب مشارکت مردم، همچنان به صورت مدیریت متکی و معطوف به مرکز باقی مانده است" (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸:۲۶۵). ساختار مدیریت شهری کشور نیز دارای همان ویژگی های ساختاری مدیریت کلان توسعه کشور، یعنی تمرکز دولتی، گستردگی و بوروکراتیک ناشی از ماهیت شبه مدرنیستی است. در این ساختار نه تنها امکان مدیریت واحد محلی و مشارکتی و تحقق برنامه ها و توسعه شهری میسر نیست، بلکه در آن برنامه های خرد و کلان متعددی در سلسله مراتب بالا به پائین فرآیند مدیریت و برنامه ریزی شهری وجود دارند که به جای ایجاد انتظام در مدیریت و توسعه شهری کشور، ابزار کنترل و اعمال منویات دولت مرکزی هستند. این عناصر را می توان به سه سطح ملی، منطقه ای و محلی تقسیم کرد▪.عناصر رسمی دولت مرکزی در سطح محلی:اداره آموزش و پرورش، امور اقتصادی و دارائی، بهداشت و درمان، تربیت بدنی، آب برق، گاز، مخابرات▪ ...فرمانداری شورای اداریعناصر دولت مرکزی در سطح منطقه ای: استانداری سازمان مسکن و شهرسازی شورای عالی شهرسازی و معماری استان و کمیسیونماده ۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سازمان همیاری شهرداری های استان۱. تهیه شرح خدمات قرارداد تهیه طرح های جامع شهر؛۲. رتبه بندی مهندسین مشاور معماری و شهرسازی؛۳. معرفی و اولویت گذاری مشاوران از سوی وزارت مسکن و شهرسازی؛۴. انتخاب مشاور تهیه کننده طرح؛۵. انعقاد قرارداد تهیه طرح بین سازمان مسکن و شهرسازی و مهندسین مشاور؛۶. شروع عملیات تهیه سند طرح؛۷. ارائه برنامه و طرح تهیه شده به سازمان مسکن و شهرسازی و استان و بررسی در استان،۸. ارائه طرح به شورای شهرسازی استان؛۹. بررسی و کارشناسی طرح در کمیته فنی شورای شهرسازی استان؛۱۰. ارائه نظرات کمیته فنی به همراه طرح به شورای شهرسازی استان؛۱۱. بازگشت طرح از شورای شهرسازی استان به همراه نظرات شورا به سازمان مسکن و شهرسازی؛۱۲. ارائه طرح از سازمان مسکن و شهرسازی به وزارت مسکن و شهرسازی؛۱۳. ارائه در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و کمیته های فنی آن و تصویب طرح؛۱۴. ابلاغ طرح برای اجراء به وزارت کشور؛۱۵ و ۱۶. ابلاغ طرح برای اجراء به استانداردی و شورا شهرداری جهت اجراء؛۱۷ و ۱۸ . اتخاذ تصمیم گیری ها و ضوابط طرح و اجراء آن در شهر (پس از تهیه طرح تفصیلی و تصویب آن در استان)؛۱۹. نظارت سازمان مسکن و شهرسازی استان بر اجراء طرح؛۲۰. طرح موارد مغایرت های اساسی طرح جامع با طرح تفصیلی در شورای عالی شهرسازی و تصمیم گیری در مورد آن؛۲۱ تا ۲۴، ارائه تصمیم شورا به وزارت کشور و سپس استانداردی و شهرداری جهت اصلاح عملکرد طرح.

حقوق شهروندان در حکومت علوی

، ۰۸:۱۹ حقوق شهروندان در حکومت علوی

جام جم

از زمانی که مجامع بین‌المللی، حقوق بشر را به‌رسمیت شناختند دیر زمانی نمی‌گذرد. این در شرایطی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرن‌ها پیش از ظهور حقوق بشر در اندیشه سیاسی غرب، نسبت به این حقوق در کردار و گفتار خود و امرایش توجه داشته‌اند. حق حیات، توجه به آزادی‌های فردی، نقد دستگاه حاکم و تشکیل حزب و گروه. حق مالکیت فردی از جمله مضامینی است که در بیانیه‌حقوق بشر قید شده، اما سابقه آن را می‌توان در فرامین و خطابه‌های حضرت علی(ع) یافت.شهروندی اصطلاحی است که از رابطه میان فرد و دولت حکایت می‌کند. رابطه‌ای که قرن‌ها در قالب تکلیف فرد در برابر دولت جریان داشت، اما در پی

تحولات عصر اخیر دوره‌ای با تکیه بر حق داشتن شهروندان پیگیری شد و امروزه بر مبنای حق و تکلیف توامان و دو سویه بررسی می‌شود. چگونگی تبیین این رابطه در اندیشه اسلامی پرسشی است که این نوشته می‌کوشد از منظری تاریخی به آن پاسخ گوید.در تاریخ زمامدارانی چون حجاج بن یوسف ثقفی را می‌توان یافت که به صراحت هیچ حقی برای مردمان نمی‌شناسد و رسما به صرف گمان افراد را مجازات می‌کند و بی‌گناهان را به گناه دیگران دربند می‌کشد.اما گفتار و سیره امیرمومنان منطقی کاملا متفاوت را ارائه می‌دهد. منطقی که در آن نه بیگناهان مسوول قلمداد می‌شوند و نه به صرف گمان کسی مجازات می‌شود(الغارات، ج ۱، ص ۳۷۱). در اندیشه امام رابطه مردم و دولت رابطه‌ای دوسویه و حق و تکلیفی است اما علاوه بر آن حاکم را نیز به رفتاری اخلاقی در برابر مردم توصیه می‌کند.موضعگیری‌های حضرت در مساله خلافت، نگاه ایشان به نقش مردم در حاکمیت، فرامین حکومتی از مهم‌ترین بسترهایی هستند که اندیشه امام را در این حوزه نمودار می‌سازند. در این میان وقایع دوران حکومت ایشان نمونه‌ای آشکار از تعامل این حقوق و تکالیف است.امام در خطبه‌ای که در صفین ایراد می‌کند (خطبه۲۱۶) در تاکید بر حق متقابل و متناسب مردم و حکومت می‌فرماید: «خداوند به موجب ولایت امرتان برای من حقی بر شما قرار داده است و همانند آن برای شما حقی بر من و حق در مقام توصیف گسترده‌ترین چیز است، اما در مقام عمل ضیق‌ترین».در همین خطبه حق میان این دو، بزرگ‌ترین فریضه الهی در بین حقوق نامیده شده است که «تأمین آن موجب الفت و اعتماد متقابل مردم و حاکمیت و نیز عزت دین در جامعه خواهد شد». در اندیشه امام« مردم جز با صلاح حاکمیت اصلاح نمی‌شوند و حاکمیت نیز جز با مستقیم و متعادل بودن مردم اصلاح نمی‌شود. پس اگر مردم و حاکمیت حق یکدیگر را متقابلا تأمین و ادا نمودند، حق غالب و ارزشمند خواهد شد و پایه‌های دین استوار و راه‌های آن هموار و شاخصه‌های عدالت در جامعه برقرار و ارزش‌ها و سنت‌های دینی فراموش شده احیا میگردد. در چنین شرایطی است که روزگار خوبی برای مردم و امید به دوام و بقای حاکمیت و قطع طمع دشمنان را به دنبال خواهد داشت». در بیانات دیگر حضرت ابعاد گوناگون این حقوق متقابل را می‌توان شناسایی کرد.الف) حق مردم بر حکومتامام در نامه‌ای که به مالک اشتر می‌نویسد(نامه۵۳) و به موجب آن وی را پس از کشته‌شدن محمد بن ابی‌بکر به فرمانداری مصر می‌گمارد، او را توصیه می‌کند که «باید محبوب‌ترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه‌روی سازگارتر است و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد.»۱. حق آزادیزمانی که سرنوشت جنگ صفین به شورش جمعی از لشکریان امام رسید، امام در نکوهش این جماعت سخنانی بیان داشت(خطبه ۲۰۸) که در بخشی از آن فرمودند: «شما زنده ماندن را دوست دارید و من حق ندارم چیزی را به شما تحمیل کنم که از آن اکراه دارید.»۲. حق مشورت در اموردر نامه‌ای که امام به برخی از امیران سپاه خود می‌نویسد(نامه ۵۰) حق ایشان می‌داند که جز احکام الهی کاری را بدون مشورتشان پیش نبرد و این را حجتی برای اطاعت از فرمان خود می‌داند.۳. حق دسترسی به اطلاعاتدر نامه پیش گفته، امام آگاهی از امور جز در مورد اسرار نظامی را حق یاران خویش می‌داند (نامه ۵۰)۴. حق دسترسی به حاکماز جمله توصیه‌های امام به مالک این است که: برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان بپردازی. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان بتوانند در آن حاضر شوند و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی کن و امر کن که سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسپانان به یک سو شوند، تا سخنگویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگوید که من از رسول‌الله(صلی‌الله علیه و آله) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زیردست نتواند بدون‌لکنت زبان حق خود را از قوی دست‌بستاند. (نامه ۵۳)در همین نامه روی پوشیدن از مردم را موجب تباهی در حکومت می‌داند و می‌فرماید: «روی پوشیدنت از مردم به درازا نکشد، زیرا روی پوشیدن والیان از رعیت خود، گونه‌ای نامهربانی است به آنها و سبب می‌شود که از امور ملک آگاهی اندکی داشته باشند. اگر والی از مردم رخ بپوشد، چگونه می‌تواند از رنج‌های آنان آگاه شود. آن وقت، چه بسیار مسائل بزرگی، که در نظر مردم خرد آید و بسا امر خردی که بزرگ جلوه کند، زیبا، زشت و زشت، زیبا نماید و حق و باطل به هم بیامیزند. زیرا والی انسان

است و نمی‌توانـد به کارهـای مردم که از نظر او پنهان مانـده، آگاه گردد.» (نامه ۵۳)۵. حق دسترسـی به دادگاه عادلقاضی «باید، از هر کس دیگر موارد شـبهه را بهتر بشـناسد و بیش از همه به‌دلیل متکی باشد و از مراجعه صاحبان دعوا کمتر از دیگران ملول شود و درکشف حقیقت، شکیباتر از همه باشد و چون حکم آشکار شد، قاطع رای دهد.» «چرب‌زبانی و ستایش به خودپسندی‌اش نکشاند. از تشویق و ترغیب دیگران به یکی‌از دو طرف دعوا متمایـل نشود.» (نامه ۵۳) شـناسایی و به کار گماردن چنین اشخاصی به این امر خطیر بی‌شک ناشـی از حق مردمان در برخورداری از چنین قضاتی است؛ از همین روست که امام ابوالاسود دؤلی را با این استدلال که: «دیدم کلام تو بر کلام متهم برتری و تسلط دارد» (مسـتدرک الوسائل، کتاب القضاء، باب ۱۱ از ابواب آداب القاضی، حدیث ۶) از منصب قضـاوت عزل فرمودنـد.امـام در عهـد خود به مالـک نوشـته‌اند: کرارا از پیـامبر شـنیدم که میفرمودنـد: «ملتی که اقشـار ضعیف نتوانند حق خود را از قدرتمندان بدون ترس و لکنت زبان بگیرند، هرگز به فلاح و سـعادت نخواهند رسـید.» در همین سـند است که «شـرافت خـانوادگی و موقعیت اجتمـاعی کسـی موجب آن نشود که تو گرفتاری کوچک او را بزرگ شـماری و برعکس موقعیت پایین و ضـعیف کسـی موجب نشود که تو گرفتاری بزرگ او را کوچک شـماری.» (نامه ۵۳)۶. حق تامین اجتماعیپیرمردی نصـرانی در میان مردم گدایی میکرد، حضرت فرمودند: «تا جوان و توانمند بود از او کار کشیدید و اکنون که پیر و عاجز شده است او را به حال خود رها کرده‌اید؟» و دسـتور دادند هزینه زندگی‌اش از بیت المال تأمین شود.(وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، باب ۱۹ از ابواب جهاد العدو و ما یناسبه، حدیث ۱)۷. حق انتقاد و اظهار نظرامام در میان حاضـران در صـفین فرمودند:«گمان نکنید که تذکار حق بر من تلخ باشد و خود را بزرگ‌تر از آن بدانم که حقی به من تذکر داده شود، همانا کسـی که شنیدن حقی یا عرضه عدالت بر او سـنگین باشـد، عمل به عـدالت برای او سـنگین‌تر خواهـد بود. پس مبادا از گفتار و تـذکری حق یا ارائه مشورت عادلانه‌ای بر من دریغ کنید.» (خطبه ۲۱۶)۸. حق مساوات در منابع عمومیشیوه عمل امام در تقسیم بیت‌المال که می‌فرمودند: حق شما بر من این است که... بیت‌المال شـما را به‌صورت کامل به مصرف شما برسانم(خطبه ۳۴) و بر این بـاور بود که «حق شـما بر من این است که... همه شمـا در پیشـگاه من مسـاوی باشـید» مـورد اعـتراض اعراب سرشـناس قرار گرفت. امـام در پاسـخ به معترضـان فرمودنـد: «آیـا از من میخواهیـد که به وسـیله ظلم و جور در پی پیروزی باشم، به خـدا قسم هرگز چنین نخواهم کرد...» (خطبه۱۲۶)در روایتی آمده است که آن حضـرت فرمودنـد: ای مردم، فرزنـدان آدم هرگز غلاـم و کنیززاده نشده‌انـد، همه افراد مردم آزاد میباشـند... آگاه باشـید که مقداری مال جمع شده است و ما آن را به طور مساوی بین سیاه و سرخ تقسیم میکنیم. مروان به طلحه و زبیر گفت: مقصود و منظور علی کسـی غیر از شـما نیست، حضرت به هرکدام از آنها ۳ دینـار عطا کرد، به مردی انصاری نیز ۳ دینار دادند، آنگاه غلام سیاهی آمـد و به او نیز ۳...دینـار عطـا نمود، مرد انصـاری به حضـرت اعتراض کرد و گفت: ای امیرمؤمنـان، این مرد غلامی است که دیروز آزادش کردم، سـهم او را با من مساوی قرار میدهیـد؟! حضـرت فرمودنـد: من در کتاب خدا نظر کردم، فضـیلت و برتری برای اولاد اسـماعیل نسبت به اولاد اسـحاق نیافتم. (کافی،کتاب الروضه، ج ۸، ص ۶۹، حدیث ۲۶)حضرت در خطبه ۲۲۴ خود ماجرای سهم خواهی برادرش عقیل را بازگو می‌کند و پاسخ سخت خود به وی را بیان می‌کند.۱۲. حق دادرسی منصفانهانصاف در رفتار با مردم بویژه در حوزه قضـا امری مهم در سیره و گفتـار امـام است از این رو به صـراحت می‌فرماینـد: من کسـی را بـا اتهـام و ظن و گمان بازداشت و مؤاخذه نمی‌کنم. (الغارات، ج ۱، ص ۳۷۱)۱۳. خیرخواهیخیرخواهی حاکم برای مردم حقی است که امام آن را در برابر مردم بر عهده خود می‌داند و می‌فرماید: حق شـما بر من این است که خیرخواه و نصیحت‌گر شما باشم. (خطبه ۳۴)۱۴. رعایت منافع مردمحق دیگری که حضـرت بر دوش خود می‌بینـد آن است که همواره اموال و سـرمایه‌های مردم را بیشـتر کرده و در جهت منـافع ایشان هـدایت کند. (خطبه ۳۴)۱۵. حـق تعلیم و تعلمیکی از مهم‌ترین حقوقی که از منظر امـام بر عهـده حـاکم است که بایـد به آن عمل کند این‌گونه بیان می‌دارد: «حق شـما بر من این است که راه نیکی را به شما بنمایانم و... شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و تربیت‌تان کنم تا فراگیریـد.(خطبه ۳۴)ب) حق حکومت بر مردمامـام حقوق مردم و دولت را متقابل می‌دانـد و می‌گویـد: آنگاه که

این وظایف را انجام دادم، نعمت خداوند بر شما مسلم و حق اطاعت من بر شما لازم گردد و این که از فرمان من سرپیچی و در کارهایی که انجام آنها به صلاح و مصلحت است کوتاهی نکنید. و در دریاهای شدائد به خاطر حق فرو روید. اگر این وظایف را نسبت به من انجام ندهید آن کس که راه کج برود از همه نزد من خوارتر است، او را به سختی کیفر میکنم و هیچ راه فراری نزد من نخواهد داشت. این فرمان را از امرای خود بپذیرید و آمادگی خود را در راه اصلاح امورتان در اختیارشان بگذارید. (نامه ۵۰)به این ترتیب حق دولت خود را این گونه به مردم گوشزد می‌کند که: «حق من بر شما این است که به بیعت خویش وفا کنید و در حضور و غیاب نظرهای خیرخواهانه خویش را ابراز دارید و هنگامی که شما را فرا میخوانم اجابت کنید و چون دستوری به شما میدهم فرمان ببرید.» (خطبه ۳۴)ج) رفتار حاکم با مردمعلاوه بر توصیه به حقوق مردم، امام هم خود منشی اخلاقی را در مواجهه با مردم برمی‌گزینند و هم فرمانداران و امیران خود را به این شیوه می‌خواند که: «به انصاف رفتار کنید، به مردم درباره خودتان حق بدهید، در برآوردن حاجات مردم کم حوصلگی نکنید، که شما خزانه داران رعیت و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان میباشید، و هیچ کس را از حاجتش محروم نکنید». (نامه۵۱)حضرت به مالک می‌فرمایند: «مردم در کارهای تو به همان چشم می‌نگرند که تو درکارهای والیان پیش از خود می‌نگری و درباره تو همان گویند که تو درباره آنها می گویی».(نامه ۵۳)۱. مهربانی با مردمتوصیه امام به مالک این است که: مهربانی به رعیت و دوست داشتن آنها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت‌شماری، زیرا آنان ۲گروهند یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. (نامه ۵۳)در فراز دیگری از عهدنامه آمده است: بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست، پس در این راه آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی که این خوشبینی بار سنگین رنج‌آور مشکلات را از تو برمی‌دارد، پس به آنان که بیشتر احساس کردی بیشتر خوشبین باش و به آنان که بدرفتاری نمودی بدگمان‌تر باش. (نامه ۵۳)۲. پوشاندن عیب‌های مردمعیب‌پوشی خصلت دیگری است که امام هم بدان پایبند است و دیگران را به آن توصیه می کند و در عهد خود با مالک امام می‌فرماید: از رعیت، آنان که عیبجوترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که والی در پنهان‌داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است، آشکار گردانی و آنچه که هویداست بپوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان است، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بپوشاند. (نامه ۵۳)در تبیین همین مساله اما به شرح وظایف حاکم و تفکیک آن از کشف عیوب مردمان می‌پردازند و به مالک گوشزد می کنند: «در مردم عیب‌هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آنها سزاوارتر است. از عیب‌های مردم آنچه از نظرت پنهان است، مخواه که آشکار شود، زیرا آنچه به عهده توست، پاکیزه کردن چیزهایی است که بر تو آشکار است و خداست که بر آنچه از نظرت پوشیده است، داوری کند. تا توانی‌عیب‌های دیگران را بپوشان تا خداوند عیب‌های تو را که خواهی از رعیت مستور بماند، بپوشاند». (نامه ۵۳)۳. بخشش خطاهاچشم‌پوشی از تخلفات نیز راهکاری است که در اندیشه امام در مواجهه حاکم با مردم باید به کار بسته شود. حضرت به مالک اشتر را این‌گونه به این مسیر می‌خوانند که: از آنها خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و به عمد یا خطا، لغزش‌هایی کنند پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد. (نامه ۵۳)۴. رفع شبهات مردمیکی از پایه‌های حکومت استوار اسلامی اعتماد مردم به حاکم است، از این رو امام بر حفظ این مساله از طرق اخلاق‌مدار اصرار می‌ورزد و کارگزاران خود را به این امر توصیه می کند از جمله به مالک می‌فرماید: «اگر رعیت‌بر تو به ستمگری گمان برد، عذر خود را به آشکارا با آنان در میانه، نه و با این کار از بدگمانیشان بکاه، که چون چنین کنی، خود را به عدالت پرورده‌ای و بارعیت مدارا نموده‌ای. عذری که می‌آوری سبب می‌شود که تو به مقصود خود رسی‌و آنان نیز به حق راه یابند.» (نامه ۵۳)

http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=۱۰۰۸۴۲۰۹۹۶۹۸

مهم ترین حقوق محوری شهروند

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره: به طور سنتی شهروند را معادل تبعه دانسته شده و به کسی گفته می شود که از حقوق مدنی، سیاسی یک جامعه ی دولت ـ ملت بهره مند است. بدین ترتیب بسیاری از انسان ها از تعریف مذکور و از شمول حقوق شهروندی خارج می شوند. در دیدگاهی وسیع تر، شهروند و حقوق شهروندی، صرف نظر از تعلقات ملی، همه ی افراد ساکن کشور را در بر می گیرد. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. مفهوم شهروندبرای اینکه «شهروندی» دارای مفهوم و جوهره واقعی باشد، شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت قرارگیرند. لذا «شهروندی»در ابتدا خودش یک قواست و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند می‌باشد. از این رو «شهروندی» توانائی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند و زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی یکی از هویت‌شان تعیین نمی‌شود. موقعیت شهروند به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هر چند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لیکن، همیشه بر پذیرش کارگذاری و فاعلیت سیاسی دارندگان آن حقوق دخالت دارند. مفهوم شهروندی در حقوق ایران اصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت در بر می گیرد. در حالی که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۸۳/۲/۲۱، در تبصره ی ۴ ماده ی ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده ی ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر می رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است.همچنین در آیین نامه ی تعزیرات حکومتی در شهرداری های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵، و در قانون معاهده ی اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده ی ۸ آن در خصوص تسهیلات برای «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین می توان گفت که در نحوه ی استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنان که در قسمت دوم ذکر می شود، در حقوق ایران در بهره مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوت های جزیی یا کلی وجود داردحقوق شهری و شهروندیحقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است.در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق

شهروندی نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می‌شود. بنابراین این تعریف واقعیت است که «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیرسیاسی (حقوق مدنی و بهره مندی‌های فردی و اجتماعی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشری که در سطح دکترین مطرح شده‌اند می‌باشند. این سه نسل شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حقوق همبستگی می‌باشدمدیریت شهری و حقوق شهروندیاز موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده ، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجه‌اند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقرارت برنامه ریزی شده است. مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه عبارتند از: قانون برنامه ریزی شهری، قانون شهرداری، قانون توسعه شهری، قانون بهسازی شهری، قانون پاکسازی مناطق حاشیه نشین شهری، قانون دستیابی به زمین و قانون مربوط به آلودگی‌های زیست محیطی. بدیهی است فرآیند تصمیم گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم گیری‌ها از خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌نماید. انواع حقوق شهروندی از تعاریف مربوط به حقوق شهروندی، انواع آن قابل استنباط است. «شهروندی مجموعه ای از حقوق و وظایف است که دست یابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می کند.» تی. اچ مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی سیاسی و اجتماعی تحلیل می کند. شهروندی، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است (شیبانی، ۸۴). به طور خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است.الف ـ حقوق مدنی: این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری.ب ـ حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایند های آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می گیرد. حق رأی و امکان تصدی مسؤولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت های سیاسی.ج ـ حقوق اقتصادی ـ اجتماعی: حقوق اقتصادی ـ اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در بر می گیرد: حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت های شغلی، حق بهره مندی از خدمات اجتماعی ـ بهداشتی، بهره مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی.د ـ حقوق فرهنگی: حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان).هـ ـ حقوق قضایی: بهره مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می گردد.سخن پایانیبرای تداوم حیات انسان در زمین، و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسان ها، شناخت حقوق همدیگر و رعایت آن ضروری است. مهم ترین حقوق محوری شهروند از دیدگاه اسلام عبارت است از؛ حق حیات چرا که آن اولین حقوق شهروندی است که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است. بنابراین تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد، یعنی جان و حیات انسان محترم است و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. در باور و عقیده اسلامی، انسان تا حدی محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر

انسان است. در آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره می خوانیم: «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفریده .»این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم‌ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ مگر در مواردی که قانون اسلام تشخیص بدهد آن هم در محکمه‌ای که بر اساس عدالت حکم صادر گردد. سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. چنانچه در سوره مبارکه مائده/۳۲ آمده است: « هر کس، کسی را جز به قصاص و قتل، یا کیفر فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد، و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زندگی داده باشد»

جایگاه انسان در شهر اسلامی

مهدی اوستاد

نگاهی به آسیبهای معنوی شهرهای امروزی و ویژگیهای شهر اسلامی: نابسامانی ها و ناروایی هایی که توسعه تعریف ناشده و منطقی شهرها برای ما به ارمغان آورده، محصول غفلت تاریخی ما از گذشته های پربار تمدنی ماست. وانهادن ساده اندیشانه میراث های فرهنگی و تمدنی و پذیرش خام و شتاب آلوده آورده های غرب فکری، پشتوانه های
انگیزه ساز و ارزشی را از ما واستاند و ما را در غربتی ناباورانه و دردناک فرو برد.به نظر می رسد هر چه مدرن تر می شویم معضلات و مشکلات شهرهایمان بیش و بیشتر می شود. پذیرش شتابزده مدرنیته و بی اطلاعی از ریشه ها و شیوه های آن و طرد فرهنگ سنتی به تصور عنصری متناقض با مظاهر توسعه، منشا بروز انواع مسائل عدیده شد تا جایی که ناهنجاریهای اجتماعی و آلودگی های زیست محیطی، مجالی برای آسودن و غنودن به شهروندان نمی دهد. شهرهای امروزی دیگر چندان برای زیست انسان مناسب به نظر نمی رسند زیرا آسیب هایی که شهر امروزی بر انسان وارد می کند تنها مختص عرصه های مادی زندگی او نیست بلکه وجود معنوی او را بیش از همیشه در معرض انواع و اقسام بلاها و بلیه های متعدد قرار داده است. در شهرهای پیشرفته صنعتی جهان، موفقیت هایی در جهت کاهش آسیب ها در عرصه مادی زیست (مانند آلودگی آب و هوایی، صوتی، بصری، حمل و نقل، شلوغی، حومه نشینی، تفکیک طبقاتی نظام ساخت شهر یا همان حاشیه نشینی، تفکیک عملکردهای شهری و...) به وقوع پیوسته است اما آسیب های معنوی همچنان به قوت خود باقی است و آن به طور خلاصه عبارتند از؛- محدودیت روزافزون عرصه های اختیار فردی در انتخاب نوع زندگی و فرهنگ.- اجبار شهروندان به استفاده از خدمات تحمیلی یکسان و در نتیجه مسدود شدن راههای زندگی ارزشی و فرهنگی؛ آنچنان که در گذشته پیشینیان ما بر اساس نظام اعتقادی خود به آن عمل می کردند مانند قناعت و زهد.- ورود سرعت لجام گسیخته در روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان برای به دست آوردن امکانات زیست متعارف. بدین سان لحظه های آسودن و اوقات فراغت به مرور زمان برای شهروندان به مثابه آرزویی بزرگ درآمده و پیوندهای انسانی ضعیف گشته است.- کم فروغ شدن استعدادهای انسانی، بویژه طبقات کم درآمد در چرخه تولید و مصرف بی رویه.- به هدر رفتن توان های ارجمند مادی و معنوی مردم در جریان تردد در شبکه های بیرونی، پیرامونی و درونی.- بروز نابسامانی های شدید فرهنگی، اخلاقی، عصبی و روانی. این مهم بخصوص در قطب های بزرگ اقماری و اقامتی جدید بر اثر فقدان پیوند معنی دار میان توسعه و رشد ساخت و سازها و شبکه ها با رشد روانی و اخلاق فردی و اجتماعی حادث شده است.بی آنکه بخواهیم منکر پیشرفت های کارساز و ارزشمند شویم اما به نظر می رسد در نظام شهرسازی جدید چند اتفاق ناروا به وقوع پیوسته که قافله شهر سازی را تا به حشر لنگ ساخته است؛ مهمترین این همه به یقین غفلتی است که متولیان ایجاد شهرها را در بر گرفت؛ غفلت ازمجموعه های خُرد یا «سلولهای حیاتی تمدن» درعرصه های فرهنگ، محیط زیست و اقلیم و توجه مفرط و بی برنامه به مجموعه های کلان، گسترش بی رویه کلانشهرها و نابودی روستاها، نفی فرد و اصالت جامعه به طور همزمان، نابودی تولید کم به نفع تولید انبوه و

مهمتر از همه نابودی فرهنگ های بومی به نفع فرهنگ مسلط جهانی. واقعیت نظام شهرسازی اکنون آیا غیر از تمجید دریا و تحقیر قطره است؟ در این میان شهرهایی هستند که به طور غول آسا رشد کرده و جمعیت زیادی را در خود متمرکز کرده اند. در حالی که به طور طبیعی و تدریجی آمادگی لازم را کسب نکرده بودند. در حقیقت بر این شهرها، هجوم ظالمانه ای انجام شد؛ هجوم از روستا و شهرهای کوچکتر، هجوم کالاهای وارداتی، هجوم سرمایه، هجوم ماشینیسم و صنعت مدرن، هجوم منش های رفتاری بیگانه، بمباران های رسانه ای و تبلیغات لجام گسیخته و هویت ستیز تجاری. ما امروزه با توسعه غیر درون زا بخصوص در کلانشهرها مواجهیم که این مسئله هم به نارسایی های شهر غیر مدرن و هم ناهنجاریهای شهر مدرن منجر شده است. نابسامانی ها و ناروایی هایی که توسعه تعریف ناشده و منطقی شهرها برای ما به ارمغان آورده، محصول غفلت تاریخی ما ازگذشته های پربار تمدنی ماست. وانهادن ساده اندیشانه میراث های فرهنگی و تمدنی و پذیرش خام و شتاب آلوده آورده های غرب فکری، پشتوانه های انگیزه ساز و ارزشی را از ما واستاند و ما را در غربتی ناباورانه و دردناک فرو برد. از سویی نتوانستیم چنان که باید تحلیلی شایسته و ژرف از مبانی فکری مدرنیته داشته باشیم و از دیگر سوی – و با همین شدت و حدّت – از تحلیل راستین درونمایه های فرهنگی خود بازماندیم و به آن بی اعتنا شدیم.یکی از بهترین گزینه هایی که می تواند شهرهای ما را برای سکونت و زیست همه جانبه مادی و معنوی مسلمانان متناسب گرداند بهره وری عالمانه و مدبرانه از پشتوانه های تاریخی خود برای ترمیم و بهسازی موقعیت های تقویمی است. با بررسی تاریخ اقوام گذشته و دیگر پیامبرانالهی (ع) که بخشی از آن در قرآن کریم آمده است، به خوبی می توان چهره شهرها را در تاریخ انبیاء (ع) تبیین کرد. از مجموع آیات الهی چنین بر می‌آید که شهر اسلامی از تقدس خاصی برخوردار است و باید در جهت گسترش و اعتلای شهر و شهروندان آن از هر نظر کوشید. برآنیم تا با این نگاه خاص، شهر را با استفاده از آیات و دیگر منابع اسلامی بررسی کنیم؛با نگاهی به ادوار قدیم تاریخ و زندگی بدوی انسان اولیه، به خوبی در می یابیم که از غار تا قصر، همواره عنصری به نام نیاز در رفتار او مشاهده شده است. انسان، نیاز به امنیت، نیاز به مسکن، نیاز به غذا، نیاز به پوشاک و از همه مهمتر نیاز به زندگی اجتماعی را در خود احساس می‌کرده است. او از بدو تولد به دنبال تأمین امنیت خود بوده و این خواسته او بر سه رکن دسترسی به «جان پناه»، «زندگی جمعی» و «آسایش» استوار بوده است. هر چند منشأ اندیشیدن بنیادی به سرپناه در آدمی کاملاً ـ روشن نیست و گاهی در کاوش‌هانتوانسته اند فرقی بین کاشانه آدمیان و آشیانه برخی حیوانات بیابند، اما در بررسی آثار مربوط به «هوموسابین ها» ۱)می توان توانایی مردمان در ساخت مأمن را همراه با شناخت اشکال هندسی مقارن دانست. حتی در مورد «نئاندرتال‌ها»(۲) سال‌ها تصور می‌شد که در غارها زندگی می‌کرده‌اند لیکن اکنون متوجه ساختن سرپناه توسط خودشان شده‌اند. تحقیقات پیاژه (۳) (روانشناس فرانسوی) نشان می‌دهد که قدرت خلاقیت و ذکاوت بشر در محیط امن بیشتر بروز پیدا می‌کند و بالعکس تحرک و عدم استقرار مکانی، بشر را به نوعی خودپسندی و توقف فکر خلاق دچار می‌نماید. همچنان که در یکی از خط‌های مصری مفهوم کلمه شهر به معنی مادر بوده است.به گفته برخی از متفکران و دانشمندان از جمله مانفرد(۴) در حقیقت شهر کار خود را با هدف بازسازی جهان و به زمین آوردن کائنات آغاز نمود و بدین ترتیب به نمادی از آنچه امکان‌پذیر است بدل گردید. واژه «پولیس» در زبان یونانی جهت شهر به کار برده می‌شد که به معنای «ارک» یعنی حصاری پیرامون هرگونه دژ طبیعی است و در حقیقت به معنای پناه شهر یا محل تحصن به منظور اعطای امنیت یا به دست آوردن امکان آزادی است. واژه «مترو پولیس» یا کلانشهر در ادبیات سیاسی به «مادر شهر» ترجمه شده است. این واژه با کنایه برگرفته از نظریه وابستگی در توسعه که در دهه ۱۹۷۰ طرفداران زیادی داشت و برای یک مادر– شهر جهانی، مصطلح گردید. در واقع ساکنین شهرهای گذشته به یمن امنیت و سکون به ایجاد آبادی و توسعه آن پرداخته‌اند و به همین دلیل آثار باقیمانده از این گونه شهرها برای ما پیام تفاهم و امنیت را به ارمغان می‌آورد و ساعت‌ها توجه ما را به خود جلب می‌نماید.«ابن خلدون» منشأ بنیاد شهرها را خصوصیات تجمل‌خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت می‌داند. او در این مورد ابتدا نحوه زندگی بادیه نشینان را بررسی می کند

(۵) و می گوید که بادیه نشینان گروهی هستند که به کارهای کشاورزی و دامپروری مشغولند و از آنجایی که برای پرورش حیوانات و گیاهان محتاج به چراگاه ها و زمین‌های حاصل‌خیز هستند، بنابراین مجبورند که در دشت‌ها و صحراها زندگی کنند. در این شرایط، تعاون و همکاری آنها در راه به دست آوردن نیازمندی‌ها و وسایل زندگی از قبیل مواد غذایی، مسکن و سوخت، در حد نیاز است و در صدد تولید مقدار بیشتری برنمی‌آیند، ولی با بهتر شدن وضع اقتصادی این طوایف، خواست‌های تجملی و غیر ضروری مورد توجه قرار می گیرد و در راه افزایش کمیت خوراک و پوشاک و کیفیت آنها می کوشند و در صدد توسعه خانه‌ها و بنیانگذاری شهرهای کوچک و بزرگ برمی‌آیند. از آنجایی که خواست‌های ضروری مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بنابراین، بادیه نشینی به منزله اصل و منشأ شهرهاست و مقدم بر شهرنشینی است.ابن خلدون در مورد بنیاد شهرهای بزرگ و توسعه آنها می‌نویسد که چون شهرهای بزرگ دارای ساختمان‌ها و عمارت‌های بزرگ است، ایجاد آنها به نیروی انسانی زیاد و ثروت هنگفت نیاز دارد. بنابر این، فقط پادشاهان و دولت‌های مقتدر می‌توانند با اجیر کردن و یا بردگی جمعیت ها اقدام به ایجاد چنین عمارت‌ها و شهرهای بزرگی کنند. بنابراین، ابن‌خلدون توسعه شهر را وابسته به دوام حکومت ها می‌داند و می گوید که هرگاه حکومت وقت سقوط کند، توسعه شهر محدود می‌شود و حتی گاهی آن شهر از بین می‌رود، مگر اینکه دولت جدید به آن شهر توجه کند.به طور کلی هر حکومت جدیدی که زمام امور را دردست بگیرد به دو دلیل محتاج به ایجاد شهرهای بزرگ است. اول؛ به دلیل همین خصلت تجمل پرستی و آسایش و رفاه انسانی و دوم، به دلیل مقابله با دشمن. (۶)به نظر می‌رسد که ابن‌خلدون هم منشأ پیدایش شهرها را به نحوه زندگی اقتصادی بشر مربوط می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می کند و سپس با افزایش بازده تولیدی، به خواست‌های تجملی هم روی می‌آورد. البته باید توجه داشت که ابن خلدون منشأ پیدایش شهرها را تنها ناشی از عوامل اقتصادی نمی‌داند، بلکه معتقد است که در تشکیل بعضی از شهرها، مذهب نقش عمده‌ای داشته است؛ به عنوان مثال، شهر مذهبی مکه به امر خداوند و به وسیله ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است.چیستی و چگونگی «شهر» و «شهر اسلامی» در آموزه‌های اسلامی، محمل و منشأ مباحث گسترده و دنباله داری است که نیازمند تعمق و تتبع وسیع در منابع ارائه کننده اینآموزه هاست. قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است.شهر اسلامی چه خصوصیاتی دارد، آیا شهری است با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام و یا شهری است با انسان‌هایی موحد؟در این مورد اصیل ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی، قرآن کریم است؛ اقیانوسی که انسان‌ها در قرون و اعصار از برکات آن متنعم شده‌اند و در عین حال ضمن حفظ طراوت و تازگی، نقصانی در آن ایجاد نشده است و نمی شود.واژه‌های «المدینه» ۱۴ مرتبه، «بلد» ۱۴ مرتبه و «البلاد» ۵ مرتبه در قرآن آمده‌اند؛ البته در بعضی از آیات، شهر خاصی مورد نظر بوده است. در بعضی دیگر موضوع اصلی و پیام آیه به هیچ کدام از ویژگی‌های شهر ارتباط نیافته و تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم و با یکی از ویژگی‌های شهر و مراکز جمعیتی ارتباط دارند. خداوند متعال در دو نوبت در خصوص حرمت و امنیت شهر به شهر سوگند یاد می‌کند: إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَـٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِی حَرَّمَهَا و لَهُ كُلُّ شَیءٍ و أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷) (من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را - که خداوند آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست - پرستش کنم و امر شده ام که از مسلمانان باشم.) لَا أُقْسِمُ بِهَـٰذَا الْبَلَدِ. و أَنتَ حِلٌّ بِهَـٰذَا الْبَلَدِ (۸) (قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای.) وَ هَـٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۹) (و سوگند به این شهر ایمن).در آیات فوق - که در شهر مکه نازل شده است - مشاهده می‌شود که یک شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند و می‌دانیم که شهر مکه از دیرباز مورد احترام بوده است، اما علاوه بر این سوگندها دو ویژگی نیز به تقدس آن افزوده است؛الف ـ سکونت پیامبر در مکه به این شهر تقدس می دهد.شهری که در آن افراد برجسته، متقی و دانشمند زندگی می کنند، مقدس است. حتی خاطرات، آثار و مقابر افراد برجسته نیز به شهر تقدس می‌دهد و این موضوع کم و بیش در اکثر نقاط دنیا مورد توجه بوده است.ب ـ امنیت شهر؛ که از این جهت نیز به مکه

تقدس داده شده است.نفوذ فرهنگ غنی اسلام به سرزمین‌های گوناگون در آسیا، آفریقا و اروپا اثرات اجتناب ناپذیر و فراوانی بر توسعه شهر بر جای گذاشته است. آداب و رسوم مذهبی، باورها و ارزش‌های آن بویژه آنجا که با سازمان و اقتدار ربط پیدا می کنند، بر گردهمایی اجتماعی تأکید کرده‌اند و با کوچ گری (خانه به دوشی) و پراکندگی مخالف هستند. شهرهای اولیه اسلامی از قبیل الفوستات، تونس و رباط در مغرب به منظور آموزش اسلام برپا شدند و نقش ارگ یا دژ ایمان را ایفا کردند. آنها متعهد به پذیرایی از نوکیشان (یا نو گرویده‌ها به دین اسلام) بودند، همان گونه که مدینه پذیرای مهاجران مکه بود. این شهرها را دارالهجره نامیدند، یعنی مکانی که مسلمانان به آنجا می‌آمدند تا زندگی اسلامی را در عمل پیاده کنند. از طریق آنها بود که اسلام به قاره آفریقا و جنوب اروپا گسترش یافت و در نتیجه شماری از شهرهای پررونق، پدیدار شدند.این نقش معتبر (مذهبی) کم کم با آمیزش انگیزه‌های سیاسی کارانه کمرنگ شد و بخش‌های گوناگون دنیای اسلام پیوند سنتی اش را با خلافت اصلی در شرق گسیخت و اختلافات و درگیری‌های محلی، در کنار افراد خانه به دوش به فرایند افول یا زوال شهری انجامید.تا زمان ورود عثمانیان در قرن شانزدهم ثبات دوباره ای برقرار نشد. عثمانیان در آرزوی احیای خلافت کهن و همچنین دفاع از ساحل غربی آفریقای شمالی در برابر اشغال پرتقال و اسپانیا توانستند اکثر جهان اسلام را به استثنای ایران، شبه جزیره عربستان و مراکش مهار کنند. آنها صلح، امنیت و رفاه را - که مؤلفه‌های اصلی رشد و بهبود شهری است - به همراه آوردند. بدین سان یک بار دیگر شهرهای فراوان جدیدی پدید آمدند و سایر شهرها هم به نحو قابل توجهی گسترش یافتند و عملاً تجارت عثمانیان رونق یافت.بدین سان آرمان اسلامی با واقعیات اجتماعی و اقتصادی سازش یافت؛ به طوری که از همان اوایل مسلمانان و غیرمسلمانان در نواحی تجاری، در کنار یکدیگر کار و حتی در نواحی مسکونی به صورت آمیخته زندگی می کردند. غیر مسلمانان در معاملات تجاری میان خود به «قاضی» مراجعه می کردند و احساس «همشهری بودن» در آن پایتخت فارغ از تعصبات میهنی بر امتیازات مذهبی و تباری برتری داشت. در زمینه مقولات کالبدی شهر نیز فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه دار نمی‌ساختند. روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هرگونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت منتفی می گردید. شهر استانبول (اسلام بول) به عنوان نمونه‌ای از یک شهر اسلامی، در بردارنده تفکرات عمیق دین مبین اسلام بود و تأسیسات و امکانات به گونه‌ای ساماندهی شده بود که افراد نیازمند و فقیر جامعه نیز در درجه اول بتوانند نیازهای بنیادی خود را (چون مسکن، کار، رفاه و فرهنگ) در آن بازیابند. نکته قابل توجه دیگر، اولویت‌هایی بود که در تجلیات کالبدی شهر وجود داشت و بر اساس آن بناها و فضاهای اصلی شهرسازی اسلامی مانند مساجد، مدارس، مراکز فرهنگی و کتابخانه‌ها در جایگاه واقعی خود استقرار می‌یافتند.شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی و محلی (۱۰) و ویژگی‌های کالبدی، بازتاب دهنده ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی عام جامعه جدید التأسیس بود. به عنوان مثال نخستین اصل بازگو کننده ماهیت شهر اسلامی، همانا سازگاری طرح و شکل ساختمانی شهر با شرایط طبیعی اعم از موقعیت طبیعی و شرایط آب و هوایی بوده است. استفاده از مفاهیمی چون حیات خلوت، خیابان‌های سرپوشیده باریک و باغ‌ها، بیانگر این شرایط بوده‌اند. این قبیل عناصر به منظور تطابق با شرایط آب و هوایی گرم حاکم بر محیط زندگی مسلمانان طراحی می‌شده‌اند. همچنین باورهای مذهبی، کانون یا هسته اصلی زندگی فرهنگی مردم مسلمان را تشکیل می‌داده است، از این رو مسجد در سلسله مراتب نهادی و مکانی از جایگاه عمده ای برخوردار بوده است. باورهای فرهنگی و اعتقادی، تفکیک کننده زندگی خصوصی و عمومی و نظام دهنده مناطق مختلف شهر بوده است. در نتیجه، طرح شهری شامل قلمروهای خصوصی و عمومی از یکدیگر بوده است؛ پس هرگونه فعالیت اقتصادی که با مبادله و حضور اجتماعی سر و کارداشته باشد از کاربری (خانه‌های شخصی) مسکونی جدا بوده و بیشتر این قبیل فعالیت ها در مناطق عمومی و خیابان‌های اصلی متمرکز بوده است.در شهر اسلامی، اصل حریم شخصی به قانون عرفی و شرعی تبدیل شده بود؛ مثلا ارتفاع دیوار

را بالاتر از ارتفاع فرد شتر سوار تعیین می کردند. سازمان اجتماعی جامعه شهری مبتنی بر چشم‌اندازهای فرهنگی، خاستگاه های اعتقادی و همخوانی مشترک استوار بوده است. بنابراین توسعه در جهت برآورده ساختن این گونه نیازها بویژه اتحاد و خویشاوندی، دفاع، نظم اجتماعی و اعمال مذهبی بوده است. عواملی چون حرمت ساختار خانواده، حریم شخصی، تفکیک جنسی و تعامل اجتماعی نیرومند به وضوح در شکل ساختمانی متراکم منازل حیاط دار، متجلی و متبلور بوده است. مسائل اجتماعی و حقوقی در تیررس نظر محققان و اندیشمندان مذهبی بوده که در مکانی نزدیک به مسجد اصلی (نهاد اجتماعی اصلی) و زندگی اجتماعی – جایی که اکثر مشاجرات درمی گرفته – زندگی می‌کرده‌اند. متاسفانه تغییر قدرت سیاسی از نظام شورایی اسلام آغازین به رژیم‌های خود کامه – بویژه اواخر دوران عثمانی – منجر به انتقال اماکن سیاسی از مرکز شهر به کناره شهر به شکل دژ یا (ارگ) شد؛ تا مگر به این وسیله محافظت بهتری از حاکمان صورت پذیرد. نمونه‌هایی از این قبیل تدارکات را می‌توان در شهرهای آفریقای شمالی تحت نام کسبه یا قصبه یافت.به هرحال شهر اسلامی دارای ویژگی های زیر بوده است؛مسجد؛ که در قلب شهر بود و معمولاً ـ سوق (بازار) آن را احاطه می کرد. در اینجا نماز جمعه برپا می‌شد و مدرسه‌ای به آن چسبیده بود که تعالیم علمی و مذهبی را ارائه می‌داد.بازار؛ در خارج از مسجد اصلی قرار داشت و درآنجا فعالیت‌های اقتصادی شهر عرضه می‌شد. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیتی شان صورت می گرفت: اقلام مقدسی مانند شمع، بخور و عطر و اقلامی که توسط کتاب‌فروشان و صحافان به فروش می‌رسید، در نزدیکی مسجد قرار داشت و بقیه کالاها در فاصله دورتری بودند. ناحیه مرکزی شهر نیز محل تجمع سایر فعالیت‌های عمومی از قبیل فعالیت‌های اجتماعی، اداری، تجاری، هنری، هنرهای دستی، حمام و استراحتگاه‌ها بود.ارگ؛ که به قصبه مشهور است نماد حاکمیت بوده است. قصبه – که دور تا دور آن دیوار بود – مشتمل بر ناحیه‌ای بود که دارای مسجد، باغ‌ها و دیوان خانه های ساکنان خودش بود و معمولاً ـ در بخش بالایی شهر قرار داشت.مناطق مسکونی؛ به مجموعه‌ای از خانوارهایی گفته شده که زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار بوده است؛ امری که در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک متجلی بوده است. این مناطق مسکونی عملاً متراکم بوده و هرکدام دارای مسجد، مدرسه، نانوایی، مغازه اشیاء و لوازم ضروری مختص به خود بوده است. آنها هر کدام دروازه‌های خودشان را داشته‌اند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می‌شدند. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه هایی بوده‌اند. این مناطق از لحاظ قومی سازمان یافته بوده‌اند. برخی مسلمانان نیز در مناطق مسکونی دیگر جمع شده بوده و هر گروه باورهای فرهنگی خودش را پیاده می‌کرده و برای آنها جشن می گرفته اند.گرچه عامل چند قومیتی از جنبه واقعی در شکل گروهی متجلی بوده اما آنان از نظر اقتصادی، اعتقادی و اجتماعی از یک نظام حقوقی پیشرفته و مشترک برخوردار و در هم ادغام شده بودند و از این طریق مساوات همه گروه‌ها تأمین می‌شد. چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد، مگر به تقوا.شبکه خیابانی؛ پیوند میان مناطق مسکونی و مکان اصلی از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ صورت می گرفته است. خیابان‌هایی که خود به خیابان‌ها و بن‌بست‌های شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شدند.دیوار؛ همواره دیوار مستحکمی با تعدادی دروازه، شهر را در برمی‌گرفته و آن را در محافظت و مراقبت از خود داشته است.نمای بیرونی؛ در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها (قبرستان‌های مسلمانان و اقلیتها و..)، بازار هفتگی و غیره وجود داشته است.فرهنگ و اعتقادات اسلامی بر ساخت و بافت شهرهای مسلمانان تأثیرات بسیاری برجای نهاد؛۱. هر واحد اجتماعی بافت شهری، از استقلال فکری و طراحی ویژه‌ای در رابطه با شاخص های فنی و شرایط اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود برخوردار شد.۲. فضاهای باز که در قرون گذشته – از صفویه به این سو شکل گرفتند – متمایز از فضاهای باز قبلی و مکمل فضای زندگی در فضاهای سرپوشیده شدند.۳. معماری یادمان گرا در دوره ایلخانی، تیموری و صفوی که مجموعاً نمادین و برخوردار از ارزش های هنرمندانه بودند به شهرسازی اسلامی اضافه و تثبیت شدند.۴. شهرهای اسلامی از فرهنگ بصری یگانه ای بهره مند شدند که بی شک در برآورده

شدن این مهم هنرمندان مسلمان نقشی محوری داشتند. تلاشگری های آنان -بویژه در حوزه هنرهای تجسمی، باعث شد تا روح توحید به عنوان اصلی ترین شاخصه اعتقادی مسلمانان، بیش از پیش دیده و نگریسته شود و از این مسیر آرامش روانی خاصی به ساکنان و مسافران شهرها اعطا گردد.۵. پیوستگی فضایی؛ و آن عبارت بود از تمهیداتی خاص تا برخی عناصر مجموعه شهر و مراکز محلات از طریق یک سلسله فضاها و عناصر ارتباط دهنده با گذرگاه های اصلی و میدان ها پیوند خورند و بر از هم گسیختگی فضایی چیره شوند.نتیجه گیری:پیشرفتها و جهش های اروپاییان در عرصه علوم جدید و کاربردی کردن علوم و درنتیجه رونق اقتصادی ایشان از یک سو و توقف علمی و عقب ماندگی اجتماعی کشور ما در سال های حاکمیت رژیم های سلطه گر و مستبدی چون قاجار و پهلوی از سوی دیگر، منجر به برقراری رابطه های نامتعادل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ما با آنها شد.رابطه های یک طرفه وارد کننده - مصرف کننده در همه زمینه ها از جمله در عرصه معماری و شهرسازی معمول گشت. شیوه های سنتی ساخت و سازهای فضایی دچار توقف و رکود شد و تحرک لازم برای هماهنگی با تغییر و تحول در نظام تولید، دگرگونی شیوه های زندگی، تحولات فضایی و... توانایی پاسخگویی به زندگی تازه را از دست داد. نظام تولید جهانی و شیوه های وابسته به آن در امر ساختمان برشیوه های تولید بومی برتری یافت. نظام تولیدی و شیوه های زندگی وارداتی و سبک های معماری وابسته به آن دوران - که به دوران مدرن مشهور است - تا دهه اول نیمه دوم قرن بیستم، ملاحظات بوم زیستی را مورد توجه قرار نمی داد. علاوه بر این سبک مدرن، هیچ گونه پیشینه ای در شرایط بومی و اقلیمی ایران و سرزمین های مشابه ایران نداشت. به این ترتیب نظام بومی و فرهنگی معماری و شهرسازی ما با سنت های اصیل خود قطع رابطه کرد و از انکشاف و تطور طبیعی تاریخی خود محروم گردید.برای برون رفت از تشتت ها و تفرق هایی که امروزه مبتلابه شهرهای ما شده اند تحقیق ژرف در آثار گذشته به منظور یافتن چارچوب کالبدی مناسب برای ساخت و سازها، ضروری و باارزش است؛ اما به شرطی که با دیدی نقادانه و به دور از عتیقه پرستی و افسون گرایی باشد. بی شک تمدنی که برای همه عرصه های تعالی انسان مسلمان، رهیافت های کارآمدی دارد برای محوری ترین عرصه های زیست مادی و معنوی انسان، نمی تواند گفتنی های درخور توجهی نداشته باشد. گفتمان مبانی شهرسازی در فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی ما افزون بر وجوه فنی و هنری ارزشمندی که برآن مترتب است گفتمانی استعلایی نیز هست و بسیاری از عرصه های مکتوم علمی و تمدنی را تنویر و تبیین خواهد کرد. نظام کالبدی و فیزیکی، پوسته بیرونی و ظاهر آشکار یک شهر است. باطن شهر، ماهیت اعتقادی و فرهنگی آن است. در عین حال تاثیر فراوان نظام کالبدی در جهت بخشی به فرهنگ و ماهیت اعتقادی آن قابل انکار نیست. آرمان های اساسی شهر اسلامی در لایه های باطنی شهر و ضابطه های حاکم بر رابطه های شهروندی نهفته است و البته کالبد آن نیز در این بستر و ازجهت هماهنگی و رابطه متقابلی که با درون آن برقرار می کند، اهمیت می یابد و نه مستقل از آن. شهری که مطلوب فرهنگ اسلامی است بی هیچ تردید، شهری است که ساکنان آن را به آسمان مشترک اعتقادات دینی هرچه بیشتر متوجه سازد و همچون حقیقت همه ادیان که بر کرامت و عزت نفس انسان تاکید دارند موجبات مکرمت نوع انسانی را فراهم آورد. شهری که نظام شهرسازی آن برتراویده از نظام اعتقادی دینی است و بسترهای مناسبی را برای تامل انسان ها در خود و تدبر ایشان در صنع حضرت باری تعالی رقم می زند.پی نوشتها:۱- homosapiens نام علمی انسان به مفهوم بشری آن

۲- Ne•an•der•thal noun۳- Pia•get, Jean(۱۸۹۶-۱۹۸۰)۴- Ei•gen, Manfred. Born ۱۹۲۷

۵- حلبی، علی اصغر؛ تاریخ تمدن اسلام، تهران، انتشارات اساطیر

۶- ibn-Khal•dun(۱۳۳۲-۱۴۰۶)۷- Arab historian. His Muqaddimah (c. ۱۳۷۵) is an important work on the theory of history.

۸- قرآن مجید/ نمل ۹۱۹- قرآن مجید/ بلد ۱و ۲۱۰- قرآن مجید/ تین ۳رسالت

مدیریت شهری در فرانسه

مسعود بقائی کیا

تهیه طرح‌های شهری در فرانسه مستلزم گذراندن این مراحل است، تایید شورای شهر، تشکیل جلسات مشترک بین سازمان‌ها و انجمن‌های مقرر در قانون و بالاخره تایید و ابلاغ طرح از سوی فرماندار جمهوری فرانسه با ۵۵۱۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۶/۵۶ میلیون نفر جمعیت، دارای تراکم جمعیتی معادل ۷/۱۰۲ نفر در کیلومتر مربع است.کشور فرانسه از ۲۶ منطقه (Region) تشکیل شده که ۴ منطقه در زمره مستعمرات این کشور قرار دارد. به علاوه فرانسه از ۱۰۰ دپارتمان (Departments) تشکیل شده که ۴ ناحیه در زمره مستعمرات این کشور قرار دارد. در پایین‌ترین حد تقسیمات کشوری در فرانسه کمون‌ها (Communes) با تعداد ۳۶۶۶۶ قرار دارند که همان حکومت‌های محلی محسوب می‌شوند.هر منطقه و ناحیه دارای یک فرماندار است که نمایندگی دولت مرکزی را در سطح محلی بر عهده دارد. از ۳۶۶۶۶ کمون فرانسه ۲۸۱۸۳ کمون دارای مساحتی کمتر از ۱۰۰۰ هکتار هستند. اما کمون پاریس یک میلیون هکتار مساحت و ۲/۲ میلیون نفر جمعیت دارد. با این وجود علاوه بر پاریس در فرانسه سه کلان‌شهر Roubaix- Tourcoing، Iyon – Lille و Marsille- Aix وجود دارد که نزدیک به یک میلیون هکتار از مساحت این کشور را می‌پوشاند. با در نظر داشتن تعداد زیاد تقسیمات کشوری، در فرانسه نهادهای برنامه‌ریزی بسیاری در سطوح مختلف وجود دارند. این نهادها عبارتند از: ۹ سازمان توسعه کلان‌شهری ۲۱۴Cammumnautes Urbaines سازمان برنامه‌ریزی بخشی ۳۵Districes, Urbains سازمان برنامه‌ریزی محلی Agences d’Urbanismes و ۱۷۰۱۴ واحد سندیکا برای توسعه بین کمونی Syndicats Intercommunaux.چارچوب قانونی حکومت‌های محلی و برنامه‌ریزی توسعه شهریاز زمان ناپلئون به بعد، سیستم مدیریتی فرانسه همواره متمرکز بوده است. تمام تصمیمات در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای حتی صدور مجوز ساخت و ساز توسط مقامات دولتی صادر می‌شده است. شهرداران که بیشتر مدیریت کمون‌ها را بر عهده دارند در این زمینه اختیارات محدودی داشته‌اند.در آغاز سال‌های ۱۹۸۲ دولت به منظور تمرکززدایی با تصویب قانون شماره ۲۱۳ _ ۸۲ نخستین گام‌ها را برداشت. براساس این قانون، شهرداری‌ها، دپارتمان‌ها و مناطق به طور آزادانه به وسیله شوراهای منتخب اداره می‌شوند. این قانون نکات مهم زیر را دربر دارد:شوراها نیاز به تایید فعالیت‌های خود قبل از انجام آن به ویژه در مورد خدمات عمومی و امور اقتصادی محلی نخواهند داشت.تصمیمات محلی دو هفته بعد از اعلام آن می‌توانند به اجرا درآید.تمام ابزار برای منتفی کردن تصمیمات مقامات محلی از میان برداشته شدند.ابلاغیه‌های شهردار به وسیله فرماندار و کمیسیون دولت مرکزی نمی‌توانند به حالت تعلیق درآید.استعفانامه اعضای شورا به جای فرماندار کمیسیون باید به شهردار تحویل داده شود.فرماندار / کمیسیونر دیگر قادر نخواهد بود، اعضای شورا را به خاطر سه غیبت متوالی از عضویت در شورا اخراج کند.بودجه دیگر نیازمند تصویب قبلی نیست. نظارت و کنترل بر بودجه فقط از طریق قانونی به وسیله دادگاه و یا اداره نظارت منطقه‌ای می‌توانند اعمال شود. این نظارت فقط شامل تبعیت از قوانین مصوب بودجه بوده و شامل نحوه انجام هزینه‌ها نمی‌شود.به دنبال تصویب این قانون، قانون‌های دیگری در ارتباط با وظایف و اختیارات دولت و حکومت‌های محلی، منابع مالی، کارکنان حکومت‌های محلی، انتخابات محلی، مشارکت مردمی و غیره در راستای تقویت حکومت‌های محلی به تصویب رسید.برنامه‌ریزی توسعه شهریهدف از برنامه‌ریزی توسعه شهری در فرانسه تعیین خطوط عام توسعه برای ایجاد شرایطی مناسب برای رشد متعادل شهری، فعالیت‌های اقتصادی و استفاده مناسب از فضاها طبیعی است. کنترل توسعه در فرانسه معنایی جامع داشته و حتی شامل تغییرات جزیی نیز می‌شود. نظام برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه در واقع بیشتر ساختمان را کنترل می‌کند و کنترل کاربری اراضی در مرتبه بعدی قرار دارد.برنامه‌ریزی فضاییدر کشور فرانسه به جز توسعه حمل و نقل در سطح ملی طرح توسعه فضایی وجود ندارد. در سطح منطقه‌ای قوانین شهری و منطقه‌ای وجود دارد که برای

پـاره‌ای مناطق تبعیت از آن جنبه الزامی دارد. این مناطق عبارتنـد از ۴ مسـتعمره فرانسه، منطقه پاریس و جزیره کورسیکا. در بین این منـاطق تـاکنون تنها توسعه کورسـیکا مورد تاییـد قرار گرفته. در حالی که طرح مناطق دیگر، در دست تهیه است.هـدف اصـلی این طرح‌هـا، ارایـه چـارچوبی اسـت برای طرح‌هـای زیردست، یعنی طرح جـامع هدایت‌کننـده (SDAU) و طرح محلی کـاربری زمین (pos)در سـطح منطقـه‌ای سازمان‌هـای عمران و آمـایش منطقـه، کمیسـیون اقتصـادی منطقـه و سازمان‌هـای برنـامه‌ریزی مـتروپلیتن طرح‌هـای آمایش منطقه‌ای را برای ۲۶ منطقه فرانسه تهیه می‌کننـد.در سـطح محلی به طور عمده دو نوع طرح در فرانسه وجود دارد. یکی طرح جامع هدایت‌کننـده (SDAU) است که رئـوس و اهـداف برنـامه‌ریزی را برای کمون‌هـایی که تحت تـاثیر این طرح قرار خواهند گرفت، تعیین می‌کند. (برای مثال طرح جامع هدایت‌کننده منطقه کلان شـهری لیون ۷۱ کمون را در قلمرو برنامه‌ریزی خود قرار می‌دهـد.) تبعیت از این طرح‌هـا برای حکومت‌های محلی الزامی است، اما برای صاحبان اراضـی حکم قانونی نـدارد. دوم طرح محلی کاربری زمین (POS) که قوانین و مقررات دقیق در مورد کـاربری زمین و خصوصـیات هر قطعه زمین را تعیین می‌کنـد. این طرح‌هـا به وسـیله حکومت‌های محلی برای قلمروهای خود تهیه می‌شونـد و ممکن است شامل حکومت محلی مجاور که فاقـد چنین طرحی باشـند نیز بشـود.طرح محلی کـاربری زمین تنهـا سـند قـانونی برنـامه‌ریزی است که تبعیت از آن برای تعیین کـاربری زمین و ساختمان الزامی است و سرپیچی از آن می‌تواند تبعات قانونی به دنبال داشـته باشد.تاکنون ۴۱۹ طرح جامع هدایت کننده تهیه شده که فقط تعداد ۱۹۶ طرح به تصویب رسیده است. این طرح‌ها اغلب در دهه ۱۹۸۰ تهیه شده و اینک قدیمی شده‌اند.از سوی دیگر از ۱۷۹۵۷ طرح محلی کـاربری زمین که ۹۲ درصـد کل جمعیت کشور را پوشـش می‌دهد، ۱۱۸۶۴ طرح تصویب شـده است. این نوع طرح‌ها بر خلاف طرح‌های جامع هـدایت کننـده به طور منظم به هنگام می‌شوند.از سال ۱۹۸۳ به بعـد مسولیت تهیه طرح‌های محلی کاربری زمین به کمون‌ها واگذار شد. این طرح‌ها توسط دپارتمان‌های برنامه‌ریزی دولت به طور رایگان برای کمون‌ها تهیه می‌شود، امـا بعضـی اوقـات حکومت‌هـای محلی مهنـدسان مشـاوری را از بخش خصوصـی بـا کمک‌هـای مـالی دولـت برای تهیـه این طرح‌ها،استخدام می‌کنند. به علاوه کمون‌ها این حق را دارند که در صورت تمایل خود را از محدوده طرح‌های جامع هدایت کننده (SDAU) خارج سازند که در آن صورت تبعیت از راهبردهای طرح بالا دست برای آنان الزامی نخواهد بود.طرح‌های توسعه محلی از طریق «طرح جامع توسعه» (ZAC) و یا طرح تفکیک می‌توانـد به اجرا درآیـد. طرح توسعه محلی جایگاه مشارکت توسـعه‌گران بخش خصوصـی و حکـومت محلی را در اجرای طرح‌هـا مشـخص می‌کنـد. تعـداد ۳۰۰۰ طرح از ایـن نـوع کـه به جزییـات برنـامه سرمایه‌گـذاری برای ایجـاد تاسـیسات عمومی می‌پردازد، از سال ۱۹۶۷ تـاکنون به صـورت موفقیت‌آمیزی به اجرا درآمده‌انـد.«طرح تفکیک» که شامل نقشه دقیق زمین بعـد از توسعه می‌شود، می‌توانـد توسط توسـعه‌گران بخش خصوصـی و با نظارت حکومت‌های محلی تهیه شود.امـا «طرح جـامع توسـعه» بایـد توسـط یـک سازمان عمومی با موقعیت تجاری تهیه شود.نقش حکومت‌های محلیـدر فرانسه برنـامه‌ریزی شـهری از وظـایف دولت مرکزی بوده و دولت در تهیه طرح‌های توسعه شـهری دخالت می‌کنـد. از این رو تهیه طرح‌هـا توسط مسولاـن محلی دولت مرکزی صورت می‌گیرد. طرح‌های بلندمـدت SDAU، توسـط دولت و نهادهـا و سازمان‌های ذیربـط بـه صـورت مشـترک تهیـه می‌شـود. تهیـه طرح‌هـای تفصـیلی و یـا هر نـوع برنـامه‌ریزی اجرایی در ایـن سـطح بـه عهـده شهرداری‌هاست. در واقع از سال ۱۹۸۳ به بعـد و به دنبال تمرکززدایی، مسولیت تهیه طرح کاربری زمین محلی (POS) به کمون‌ها واگـذار شده است. به طور کل، این طرح‌ها به وسـیله دپارتمان‌های دولتی به صورت رایگان برای حکومت‌های محلی تهیه می‌شود. با این حال بیشتر کمون‌ها شـرکت‌های مهنـدسان مشاور بخش خصوصـی را با کمک‌های مالی از سوی دولت برای تهیه این طرح‌ها اسـتخدام می‌کننـد.در فرانسه بـا وجود حضور مردم، دسـتگاه‌های محلی و دولتی در تمامی مراحل تهیه طرح، حضور دارنـد. در تهیه طرح‌ها در فرانسه مراحل زیر طی می‌شود. تایید شورای شـهر، تشـکیل جلسات مشترک بین سازمان‌ها و انجمن‌های مقرر در قانون و بالاخره تایید و ابلاغ طرح از سوی فرماندار، اگر طرح مورد مخالفت قرار گرفت در آن صورت تصویب آن نیازمند تصویب وزارت

مسکن و تجهیزات کشور است.ساختار نظام مدیریت شهریبه طور کلی کمون‌های فرانسه دارای یک شورا به تعداد ۹ نفر عضو برای مجتمع‌های زیستی کمتر از ۱۰۰۰ نفر و ۴۹ عضو به ازای ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت هستند.سیستم جداگانه‌ای برای مناطق کلان‌شهری از جمله پاریس با ۱۰۹ عضو شورا، لیون با ۶۱ عضو شورا، مارسی با ۶۳ عضو شورا، تولوزوسنیس با ۴۹ عضو شورا برقرار است. اعضای شورا با انتخاب مستقیم از سوی مردم برای ۶ سال برگزیده می‌شوند.نحوه انتخابات به صورت نمایندگی نسبی انجام می‌گیرد.هر شورا از میان اعضای خود یک نفر را به عنوان شهردار (Maire) و از ۲ تا ۱۳ نفر بستگی به جمعیت کمون به عنوان معاونان شهردار (adjoints) انتخاب می‌کند. به علاوه بر اساس توصیه شهردار، شورا می‌تواند از ۱ تا ۵ معاون اضافی شهردار نیز انتخاب کند.شهردار و معاونان، تشکیلات شهرداری (Municpalite) را اداره می‌کنند. شوراهای شهر موظفند حداقل برای چهار بار در سال تشکیل جلسه دهند. شورا از قدرت وسیعی برخوردار بوده و می‌تواند مسایل مختلف محلی را مورد بررسی قرار دهد. از جمله امور مالی محلی (بودجه بندی، وضع ایجاد مالیات وام‌های)، استخدام کارمندان شهرداری، اداره اموال شهرداری، جاده‌ها و خیابان‌ها، ایجاد خدمات عمومی و شرکت‌های عام‌المنفعه. بر اساس قوانین ۲ مارس ۱۹۸۲ اختیارات شوراهای شهر باز هم وسیع شده قلمرو اقتصادی را نیز در برگرفت. بر این اساس شوراها می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای توسعه اقتصادی به شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند کمک‌های مالی کنند.برای کمک به فعالیت شورا از میان اعضای شورا ممکن است هیاتی منصوب شود. وظیفه این هیات برقراری تداوم در فعالیت‌ها در مواقعی است که شورا تشکیل جلسه نداده است. به علاوه این هیات در مورد مسایل مشخص که شورا باید آن را بررسی کند، تحقیق و توصیه‌های لازم را به شورا ارایه می‌دهد.شهردار دو وظیفه اصلی را بر عهده دارد. نه تنها مسئول و نماینده منطقه، بلکه رییس اجرایی حکومت محلی است. در این مسولیت شهردار مسولیت اجرایی تصمیمات شورای محلی و کنترل نهایی، تهیه و تنظیم دستور جلسه و ریاست بر جلسات شورا، کنترل و نظارت بر انجام خدمات عمومی، نمایندگی شهرداری در مسایل قانونی در ارتباط با حکومت مرکزی، نظارت و سرپرستی امور پرسنلی شهرداری، تعویض و واگذاری بودجه سالیانه برای تصویب شورا را بر عهده دارد.علاوه بر این اختیارات شورای شهری می‌تواند انجام پاره‌ای از وظایف خود را نیز به شهردار واگذار کند. تصمیمات گرفته شده از سوی شهردار در قبال وظایف فوق باید به طور مشخص به وسیله وی به اعضای شورا برسد و شهردار در قبال آن وظایف نسبت به شورا مسولیت داشته و شورا در صورت تمایل می‌تواند این وظایف را از وی بازپس گیرد.علاوه بر انجام وظایف شهرداری، شهردار نماینده دولت مرکزی است. در این نقش شهردار مستقیم جوابگو به دولت است و موظف به جمع‌آوری و حفظ آمارهای ضروری، جمع‌آوری اطلاعات، انتشار قوانین و تضمین اجرای آنها، اعمال قدرت در زمینه تحقیقات و رسیدگی‌های قضایی و بالاخره ایفای نقش مشاوره‌ای است.به علاوه در نهایت شهردار دارای اختیارات شخصی با توجه به سیاست محلی است که وی را قادر می‌سازد تا قوانین و نظم عمومی، امنیت، سلامت و بهداشت عمومی را تعیین کند.در شهرداری‌های بزرگ مدیریت تشکیلات بر عهده مدیر عاملی است که از سوی شهردار منصوب شده و تمامی معاونان به او در مورد کارهای خود گزارش داده و او را در جریان امور قرار می‌دهند. بنابراین نقش شهردار در فرانسه بیشتر سیاستگذار و رهبری است.رابطه بین شورا و شهردار بر اساس شخصیت شهردار و یا تعادل سیاسی تعیین می‌شود. لذا در صورت همکاری نکردن متقابل که منجر به سو مدیریت شهردار می‌شود، فرماندار /کمیسیونر دخالت کرده سعی در ایجاد تفاهم بین این دو می‌کند. در صورت نبود چنین تفاهمی بنابر توصیه فرماندار به شورای وزیران، ممکن است حکم انحلال شورا صادر شود.وظایف حکومت‌های محلیتا ۳۰ سال قبل حکومت‌های محلی در فرانسه وظایف و اختیارات محدودی داشتند. اما بعد از تمرکززدایی سال ۱۹۸۲ به وظایف این نهادها افزوده شده است، چنان چه ابعاد مختلف مدیریت شهری از جمله مدارس حمل و نقل، کمک به شرکت‌های تجاری و آموزش حرفه‌ای را در بر می‌گیرد. علاوه بر این سعی شده است تا تقسیم کار منطقی بین سطوح مختلف حکومت‌های محلی یعنی دپارتمان‌ها و کمون‌ها به وجود آید. پیش از این به علت وجود سطوح گوناگون مدیریتی دولتی و حکومت‌های محلی مشخص

نبود، که هر کدام از مسولیت ها ا به عهده که بوده و مردم اگر اعتراضی داشتند به که رجوع کنند. ولی امروزه سطح تحتانی حکومت‌های محلی، بیشتر فعالیت‌های خود را در زمینه مدارس ابتدایی کاربری زمین و مسکن متمرکز کرده است. در حالی که دپارتمان‌ها در فرانسه خدمات در امور اجتماعی، حمل و نقل، برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و تحصیلات برای بزرگسالان توجه دارند.سازمان شهرداری پاریس مسول انجام تمام امور زیر است. معماری شهر، امور جوانان و ورزش، برنامه‌ریزی شهری، امور مدارس، امور فرهنگی، امور رفاهی و اجتماعی، شبکه راه های داخلی شهر، حفاظت محیط زیست، ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز، ساختمان و مسکن. علاوه بر این وظایف، شهردار در مقام فرماندار پاریس مسولیت نظارت و همکاری در سیستم حمل و نقل عمومی منطقه، امور مسکن، حفاظت در محیط زیست و فعالیت‌های فرهنگی، زمینه برنامه‌ریزی، را داراست. به علاوه شهردار اختیارات شخصی در زمینه تامین نظم و قانون، امنیت و بهداشت عمومی را نیز دارد. در اجرای فعالیت‌های انتظامی، شهردار پاسخگو به دپارتمان‌ها و کمون‌های مرکزی پاسخگو نیست، بلکه مسئولیت نهایی بر عهده شورا است.منابع مالی حکومت‌های محلیمنابع مالی حکومت‌های محلی در فرانسه بستگی به این که برای هزینه‌های جاری مورد استفاده قرار می‌گیرد یا برای سرمایه‌گذاری، فرق می‌کند.در راستای هزینه‌های جاری منبع درآمدی حکومت‌های محلی در فرانسه کمک بلاعوض بستگی به مقدار مالیات‌های جمع‌آوری شده دولتی و نیازهای مالی و قدرت درآمدزایی حکومت‌های محلی، هر ساله تغییر می‌کند. علاوه بر این منبع، حکومت‌های محلی خود از طریق مالیات بر زمین، اقامت، مشاغل، دفع مواد زاید و حمل و نقل می‌توانند کسب درآمد کنند.منابع مالی برای هزینه‌های سرمایه‌گذاری از طریق مالیات بر ساختمان نوسازی و توسعه، تراکم ساختمانی، سهم بخشی از مالیات بر ترافیک جمع‌آوری شده از سوی دولت مرکزی، یارانه‌هایی از دولت مرکزی، منطقه‌ای و دپارتمان‌ها، و وام‌ها، تامین می‌شود.از نکات مهم در زمینه منابع مالی در فرانسه، انتقال منابع از دولت سازمان‌های بخشی دولت مرکزی به حکومت‌های محلی که به دنبال تمرکززدایی وظایف و مسئولیت‌های آنان به حکومت‌های محلی واگذار شده است.حکومت‌های محلی حق وضع دو نوع مالیات دارند: یکی مالیات مستقیم است همچون مالیات بر املاک، مسکن و تجارت. دیگر مالیات غیرمستقیم:، مانند نقل و انتقال املاک، مالیات برق و تفریحات. به علاوه حکومت‌های محلی می‌توانند عوارض مختلفی از طریق جمع‌آوری زباله، پاکیزگی و بهداشت خیابان‌ها دریافت کنند. منابع دیگر درآمدی حکومت‌های محلی از طریق اجاره املاک شهرداری، محل‌های پارکینگ اتومبیل و غیره کسب می‌شود.ارزیابی نظام برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهریبا وجود تمرکززدایی، دولت مرکزی از طریق ارایه خدمات فنی و مالی به کمون‌های کوچک، و قوانین که چارچوب دقیق برای تهیه طرح‌های کاربری زمین و روند انجام آن ترسیم می کند، همچنان نظارت قوی بر فعالیتی برنامه‌ریزی حکومت‌های محلی دارد.در زمینه برنامه‌ریزی شهری، نظام فرانسه دارای مکانیزی قوی برای ایجاد یکنواختی و تعبیت از قوانین برنامه‌ریزی دارد. دادگاه‌های اداری، مکانیزمی برای بررسی مجدد و اعتراضات برای تمامی شرکت‌کنندگان در امر برنامه‌ریزی از جمله متقاضیان، مقامات محلی، افرادی که تحت تاثیر اجرای طرح‌ها قرار می‌گیرند و بالاخره گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، فراهم می‌سازد.با این وجود نظام برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه درگیر یک سری مشکلات است از جمله مشکل درک روندهای پیگیری قانونی برای عامه مردم.نا توانی مالی و تشکیلاتی کمون‌های کوچک در به عهده گرفتن وظایف محولهتحمیل قوانین برنامه‌ریزی شهری به صورت یکنواخت به کمون‌ها موجب می‌شود تا گاهی با شرایط واقعی اقتصادی و اجتماعی جوامع تطبیق نداشته باشد و جوابگوی نیازهای جوامع کوچک نباشد.مشکلات مالی کمون‌های کوچک باعث تحمیل مالیات‌های محلی بیش از توان مردم شده است. در زمینه مدیریت شهری به دنبال تمرکززدایی، تغییرات مثبتی در نظام مدیریت شهری در فرانسه به وجود آمده است این تغییرات عبارتند از:تقسیم وظایف بین سطوح مختلف حکومت‌های محلی و دولت مرکزی به صورت منطقه‌ای صورت گرفته است.با افزایش اختیارات حکومت‌های محلی در نحوه مدیریت داخلی تشکیلات خود، این نهادها امروزه با استخدام کارشناسان متخصص از بخش خصوصی و دانشگاه‌ها کارکرد خود را بهتر نموده و

بیشتر مانند یک شرکت تجاری کارا عمل می کنند.از نکات منفی مدیریت شهری در فرانسه می‌توان موارد زیر را نام برد:با تمرکززدایی و واگذاری پاره‌ای از خدمات از دولت مرکزی به حکومت‌های محلی، منابع مالی مورد نیاز حکومت‌های محلی به منظور به عهده گرفتن خدمات خود به میزان مطلوب نیست. لذا فعالیت‌های مذکور از سوی نهادهای مختلف حمایت می‌شوند و در نتیجه مسئول نهایی و پاسخگوی اصلی برای هر فعالیت مشخص نیست.شهرداران به عنوان رییس هیات اجرایی و رییس شورای شهر به دنبال تمرکززدایی، بیش از اندازه قدرت به دست آورده‌اند و پاسخگویی لازم را نسبت به مردم و سطوح مرکزی ندارند. زیرا که سطوح دولت مرکزی فاقد کارشناسان مورد نیاز در جهت نظارت بر فعالیت‌های حکومت‌های محلی است.به علت وجود تعداد زیاد کمون‌ها (در حدود ۳۶ هزار واحد) و اختیاراتی که در حال حاضر بر عهده کمون‌ها است نمی‌توان آنها را مجبور به همکاری کرد. از سوی دیگر نبود همکاری موجب مشکلات مالی و تجهیزات بی‌شماری برای این نهادها شده است. بنابراین تنها راه ترغیب شهرداران به همکاری، ایجاد انگیزه برای همکاری است، که این به نوبه خود نیازمند توسعه فرهنگ جدید مدیریتی است.

http://www.parsidoc.com/architecture/۴۲۵۵-۱۳۸۸-۰۹-۲۱-۰۵-۲۲-۵۶.html

چالش های مدیریت ریسک در روستا

می باشد .(Ibrara,۱۹۹۴)- توسعه پارامتریک وسایل مدیریت ریسکاز آنجایی که انواع وسایل به طور واقعی در بیشتر کشور های توسعه یافته حیات دارد در این مکان ها این قبیل مشکلات جدی شبیه کیفیت داده جوی پیدا نخواهید کرد ، تا سال ۲۰۰۳ در بعضی کشور ها انجمن ها برای اجرای نیاز مندی هایی مانند زیر ساخن ت ها ، طراحی قرارداد ها و غیره توانا شدند . آنها طرح های تجاری برای جلوگیری در معرض بودن عوامل مصیبت بار جوی را ارائه دادند . وقتی کارآمد ترین راه برای مدیریت هر ریسکی را تجزیه و تحلیل کردیم ، که شامل ریسک جوی است . در اینجا توسعه درک و فهم یا شناسایی صفات آن مهم است . ریسک دارای این چهار ویژگی است :۱- فراوانی : ریسک در تعریف مرتبط می شود با نااطمینانی درآمد های واقعی در شکل های زمانی مختلف که در واقع می توان /لان را اینگونه تعریف کرد " انتظار تعداد دفعاتی که ریسک در واقعیت عملی خواهد شد که در واحد های مختلف زمانی قابل اندازه گیری است . ریسک ها می توانند دارای فراوانی های بالا و پایین باشند . برای مثال ، حمله ملخ در یک ناحیه آب و هوایی گرم می تواند فراوانی با ریسک بالاباشد . یا یک بیماری ریشه کن شده دارای ریسک با فراوانی پایین است .۲- سختی :علاوه بر فراوانی میزان اثرات مخربی که یک ریسک می تواند داشته باشد یعنی سختی نیز مهم است . مثلاً در مثال قبلی ، حمله ملخ می تواند یک ریسک با فراوانی زیاد باشد اما سختی کمی دارد .۳- ریسک های جمعی و فردی : ریسک ها یی که می توانند تاثیر بر روی یک شخص به صورت ایزوله داشته باشند مانند بیماری و تصادف ریسک فردی است : ولی گروهی از ریسک ها بر روی یک گروهی از افراد در زمان مشابه تاثیر دارند که ریسک های جمعی می گویند . مانند دارو ها بنابراین درصد ریسک های جمعی بر پایه در جه همبستگی مثبت بین اعضائ یک گروه مطمئنی از افراد است .در کل همه تکنیک های شرح داده شده در بالا برای در بر گرفتن چند نکته است •:وقایع مصیبت بار معمولاً مطابق فراوانی ریسک ها در تجارت های مالی است . فراوانی یک معیار مهم برای سرمایه گذاران در تعیین میزان برخوردن به مشکل در ارتباط با امنیت غذایی برای وقایع مصیبت باری مانند زمین لرزه شده است • .اصلی ترین چا لش این است که هنوز کشاورزی یکی از مهمترین موضوعاتی است که بیشتر دچاراثرات مصیبت بار می شود . پس اعمال مدیریت ریسک در محیط های کشاورزی با مشکلات زیادی در ارتباط است• . دیگر اینکه در ریسک هایی مانند اثرات جوی ما الگو های جوی خاصی را باید طراحی کنیم که بر اساس آن بتوانیم مدیریترسک مناسب را اعمال کنیم مانند در نظر گرفتن سطح خسارت حاصل از انواع مختلف الگوهای جوی وایجاد بیمه های خاص برای آنها •.آژانس های اعطا کننده وام و یا خدمات بسیار کمیوجود دارد . مخصوصاً در کشور هایی که این سیستم ها به صورت

دولتی ارائه داده می شود. که این آژانس ها ممکن است به صورت خدمات مشاوره ای توانایی جذب اعتبارات و ارائه راهکار های مناسب رابرای تشخیص وتخفیف ریسک ها را داشته باشند • .ارائه و توسعه ساختار های فنی مناسب ، سمینار ها و سخنرانی ها برای آموزش کشور ها و کمپانی ها و غیره و اینکه چگونه به صورت کارآمد جلوی ریسک ها را بگیرند نیز از مزیت های آژانس های اعطا کننده می باشد • .در آخر نیز توجه به هزینه هایی که تمامی موارد بالاـ و بخصوص آژانس ها و متصدی های کنترل ریسک به بار می آورند و اداره صحیح آن هزینه ها می تواند یکی از مهمترین چالش ها در مدیریت ریسک باشد .(Ibrara,۱۹۹۴)– نتیجه گیری :۱– مدیریت ریسک در بیشتر کشور های در حال توسعه در محیط های روستایی به خاطر کم بودن دانش و اطلاعات در مورد ریسک ها و خطرات احتمالی و همچنین نداشتن واحد هایی مخصوص در وزارتخانه های مطبوع خیلی بی اهمیت دانسته می شود . در صورتی که انجام اموری مانند بیمه می تواند در تضمین آینده بهتر و روشنتر برای این مناطق مفید باشد .۲– هر مشکل نیاز به تجزیه و تحلیل مناسب برای جلوگیری از وقایع غیر منتظره دارد تا کارایی مدیریت ریسک را در ارتباط با هزینه های آن بالا ببرد .یعنی اینکه بتوان با صرف هزینه های کمتر به نتایج بهتری (مثلاً به وسیله بیمه محصولات) دست یافت .۳– کارشناسان و آژانس های مشاوره ای گروهی هستند که با شناخت نسبت به نیاز ها و مواردی که برای روستاییان و گروه های موردهدف ممکن است ایجاد مشکل کند و از طرفی آشنایی و شناخت نسبت به راه حل ها و اجرای مدیریت ریسک ، اقدامات سازنده ای را می توانند ارائه دهند .۴– دیگر اینکه در مدیریت ریسک باید به تمامی افراد مخصوصاً در محیط های روستایی که این قبیل مسائل نمود بیشتری پیدا می کند ،توجه یکسان شود به طوری که سوگیری نسبت به گروهی خاص می تواند ایجاد مشکل کند .

– منابع :۱– ملک محمدی ، ایرج . (۱۳۷۷) . ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی (جلد دوم ، مبانی) . تهران : مرکز نشر دانشگاهی۲– ازکیا ، مصطفی . (۱۳۷۷) . جامعه شناسی توسعه .تهران: موسسه نشر کلمه

۳ – Kostov , ph ., Lingard , j . (۲۰۰۴) .Rural development as risk managementAt available:http://econwpa.wustl.edu:۸۰۸۹/eps/ot...۰۹/۰۴۰۹۰۱۳.pdf۴–Ibara, h. (۱۹۹۴):Risk management challenges in Rural financial market: blending risk management innovation with rural finance.At available: http://www.basis.wise.edu/rfc/docume...isk_slides.pdf۵–risk management . (۲۰۰۴)At available:http://www.bamboowb.com/articles/r/i...management.htm

---

مطالعه نقش و ابعاد آموزش شهروندی

محمد حسن شربتیان

آموزش شهروندی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی عصر حاضر است، و در جوامع صنعتی از طریق برنامه ریزی های متنوع به آموزش مهارت های زندگی می پردازد. این مولفه در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت مدنی شهروندان نقش بارزی دارد. این آموزه ها در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت ها و ارزش هایی است که با ماهیت و شیوه های اداری یک نظام مردم سالار و مشارکتی همخوانی دارد؛ و از همان دوران کودکی به گونه ای است که کودک را درگیر مشارکت با اجتماع و محیط پیرامون خود می کند.آموزش شهروندی امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجدان جمعی جامعه دارد؛ در واقع چنین آموزش هایی در یک جامعه باعث این شده که سه عنصر اصلی شهروندی چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابستگی اجتماعی در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه ای اثرگذار باشد، چنین آموزش هایی با مسائل جمعی و رفتارهای نوع دوستانه، جوانمردانه همراه با ادب و مهربانی، خوش خویی و حس وظیفه شناسی و... ارتباط دارد. یادگیری پارامترهای آموزش

رفتار شـهروندی به افزایش کیفیت زنـدگی جمعی و تقویت سـرمایه اجتماعی می انجامد. این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی منجربه شده. در واقع نقش چنین آموزه هایی رابطه تنگاتنگی با رفتارهـای اخلاـقی و اخلاـق دارد. آموزش شـهروندی به عنوان یـک واقعیت اجتمـاعی از مولفه هـای نظـام دموکراسـی- سیاسـی و شاخص کلیـدی برای تحقق دموکراسـی در حوزه عمومی جامعه مـدنی است.آموزش شـهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختـار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شـکل :امتناع شـهروندی، امکان شـهروندی و ایجاب شـهروندی قابل مطالعه است.درواقع زمینه های اصـلی و شـکل دهنـده تربیت یا آموزش شـهروندی شامل سـنت، تاریخ، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسـی، نظـام اقتصـادی و گرایش هـای نوین جهـانی است.در واقع سـیرتحولاتی آموزش شـهروندی از بعـد تربیتی در ساختـار جـامعه ایران برمبنای تاثیر فرهنگ زرتشتی و آیین اسـلام قرار دارد.آموزش شـهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشـخص می گردد. چنین آموزش هـایی از بعـد سیاسـی و مـدنی به عنوان یک واقعیت به تعلیم راهکارهای ایجاد وحـدت، حفـظ یگـانگی و انسـجام همه جـانبه شـهروندان می پردازد که این مسـئله مـوجب رشـد هـویت ملی در بین شـهروندان شـده است. آموزش شـهروندی با ارتقاء فرهنگ شـهروندی ارتباط مسـتقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شـهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسـی سـرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثری دارد.این مولفه آموزشـی با مشوق هایی چون احساس برادری،همنوعی،تعهـد،و مسـئولیت پـذیری همراه است.کلید واژهآموزش شـهروندی- تربیت شـهروندی- شـهروند- فرهنـگ شـهروندیمقدمه آموزش شـهروندی از ارکـان اساسـی زنـدگی اجتماعی و فرهنگی انسان در جـامعه امروز است، بر این اسـاس این مولفه از مبـاحث اساسـی جـامعه شـهری در هر دوره تاریخی از زنـدگی انسان می باشـد. این مسئله از قرن ۱۹ در جوامع صنعتی و شهرنشینی از اهمیت فراوانی نسبت به دوره های تاریخی گذشته جهان برخوردارگردیده است، همین امرمنجربه پیـدایش و ضـرورت نظـام مهـارت هـای شـهروندی و اهمیت آن در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عـالی قرار گرفته است؛ و بـاعث این شـده که نهادهـای آموزشـی جوامع صـنعتی از طریق برنـامه ریزی هـای رسـمی و غیر رسـمی به تحکیم و تقویت نظام ارزشـی مهارت های شـهروندی بپردازند و در جهت اسـتحکام دموکراسی و مشارکت ملی – محلی، هویت اجتماعی و مدنی شـهروندان را تکامل بخشـند. با توجه به اینکه هر جامعه ای با عنایت به زمینه های فرهنگی و ارزشی خود شهروندان خاص با خصوصـیات ویژه پرورش می دهـد؛و این امرضامن بقاء و تـداوم حیات اجتماعی و میزان توسـعه هرکشوری می باشد؛ باید آموزش های شهروندی حساب شده ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظرگرفت که می توان آن را از رسمی ترین نظام آموزش کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. «آموزش وتربیت شـهروندی سـرمایه گـذاری برای آینـده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است، برای اینکه شـهروندان جامعه را به حقوق شـهروندی شان آشـنا کنیم،و از شـهروندان جامعه این انتظار این را داشته باشیم که متعهـد و مسـئول باشـند،ازهمان دوران کودکی مشارکت کردن در زمینه های مختلف را ترویج دهیم و یا به طور کلی در هر جامعه ای ارزش ها ، طرز تلقی ها، بینش ها و مهارت ها به همراه الگوها و روش های مشارکت در زنـدگی جمعی یا مـدنی به شـکل ویژه ای منتقل کنیم؛ پس نیازمند آموزش شـهروندی و تربیت شـهروندمداری می باشیم.» (خطیب زمانی،۱۳۸۶: ۱۰) تربیت و آموزش شهرونـدی و شـهروند مداری در واقع در برگیرنده یادگیری دانش، مهارت ها و ارزش هایی است که با ماهیت و شـیوه های اداری یک نظام مردم سالار و مشارکتی همخوانی و ارتباط دارد، و عملاً به عنوان وسیله ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتمـاعی و اخلاـقی بوجود می آورد. در واقع هـدف از چنین تعلیمـاتی، پروش " مسـئولیت اجتمـاعی و اخلاـقی "، "فعالیت گرایی اجتماعی "و " سواد سیاسـی "و... می باشد. اجرای یادگیری و تربیت شـهروندی در واقع « سطح حداقل حقوق ساختاری و سیاسـی فرد را در جـامعه مشـخص می کنـد، از سوی دیگر آگـاهی نسبت به حقوق فردی- سیاسـی و اجتماعی افراد را تقویت می

کنـد.مردم سالاـری و مشـارکت در عرصـه هـای سیاسـی- اجتمـاعی – فرهنگی- اقتصـادی و دینی را بسـط می دهـد. به نـوعی این آموزش ها رعایت عدم اعمال تبعیض ، برابری و مساوات طلبی در بهره مندی از عرصه های زندگی را در بین شهروندان ترویج می دهد.تربیت شـهروندی در گسترش جامعه مدنی از جمله توسعه NGOها، هویت های فرهنگی و فردی نقش بارزی می تواند داشته باشـد، آمـوزش حقـوق انسـانی و جنسـیتی، سـطح حـداکثر ادغـام، حـداقل درآمـد، ایجـاد امنیـت جنسـیتی- فیزیکی- اجتمـاعی- روانشناختی، مشارکت فعال ایجاد قابلیت، سواد سیاسی، کسب مهارت های برای انجام تغییر چون زبان یا توانایی در تجهیز گروهی، ایجـاد مهـارت و آمـوزش برای عمـل و... همگی از موارد اجرایی تربیت و آموزش شـهروندی است.» (اینـترنت) طرح مساله

آمـوزش شـهروندی در واقع ارائـه اطلاعـات و آگـاهی در مـورد مسایـل عمـومی جـامعه می باشـد؛ کـه فرد را برای کسب فرهنگ شهرونـدی جامعه محل زندگی خود در ابعاد "محلی- ملی و جهانی "آماده می کند.چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و از مهـارت های لازم برای مشارکت در عرصه های سیاسـی- اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی و دینی برخوردار است. از نظر بلّما(Bella) جـامعه شـناس آمریکـایی تربیت و آمـوزش شـهروند مـدارانه نبایـد دربرگیرنـده نفع فردی باشـد، بلکه بایـد این آموزش ها جستجویی برای مساوات طلبی و برابری شهروندی باشد؛ این آموزش ها باید به روابط اجتماعی بین افراد و روابط افراد و نهادهـای ساختـار نظـام اجتمـاعی مربوط شود. به طور کلی آموزش و پرورش و آموزش عالی هر جامعه ای از طریق این تعلیمات به دنبال "جامعه پذیری عمومی، ادغام و سازگاری اجتماعی "شـهروندان می باشـند.آموزه های شـهروندی از همان دوران کودکی به گونه ای است که کودک را درگیر مشـارکتهمه جـانبه بـا اجتماع و محیط پیرامون خود می کنـد؛ همچنین تصـمیم گیری و قضاوت عادلانه در روابط اجتماعی را آموزش می دهد و احترام متقابل را در هویت های قومی،زبانی،نژادی،فرهنگی و جنسیتی را برای فرد بوجود می آورد. این فراینـد در نهادهـای آموزش رسـمی جـامعه منجربه پرورش شـهروندی فعـال می گردد. که این مهارت در این عرصه شامـل « ۱- تقویت شـیوه هـای همکاری و کارگروهی.۲- تصـمیم گیری به شیوه شورایی.۳- توانایی بخشـیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن.۴- تقویت مهـارت های موثر ارتباطی.۵- مـدیریت مشترک فعـالیت ها و کارهای محلی. ۶- تقویت گفتگو و مهارت های مشارکتی و... می گردد» (اینترنت) بر اساس چنین تبینی در مقاله حاضـر نقش آموزش شـهروندی و کارکردهای آن به عنوان یک واقعیت ازابعاد مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. اهمیت مساله آموزش از ارکان اصلی رشد شخصیت و تحکیم هویت نظـام ارزشـی، ملی و انسـانی هر جامعه ای محسوب می شود. تربیت و آموزش در هر نهاد اجتماعی منجربه اجتماعی شـدن در ابعاد مختلف می گردد.فرایند آموزش و پروشِ شهروندی در قالب مهارت های زندگی انسانی و جمعی به صورت برنامه ریزی آشکار و پنهـان در نهـاد هـای آموزشـی مورد واکاوی و مطالعه قرار می گیرد. آموزش شـهروندی و شـناخت ابعاد و اصول شـهروند مـداری امروزه نقش مهمی در تقویت روح جمعی و وجـدان جمعی جامعه می تواند داشـته باشد،ویژگی های شـهروندی و شـهروند مداری بخش جـدایی ناپـذیر از الگوهـای زنـدگی جمعی است که بایـد حکومت هـا و دولت ها در قالب نهادهای اجتماعی و سازمان های ذیربـط موظف به بسـط تعلیم و تربیت رسـمی و غیر رسـمی آن می باشـند؛ این ویژگی ها از همان دوران کودکی و سـنین آغازین، تعلیم و تربیت داده می شـود. آموزش شـهروندی و الگوهـای آن در جـامعه اینگونه است که« اول: آموزش هـای شـهروندی منجربه شناخت زندگی فردی- اجتماعی- فرهنگی- ملی- دینی- مدنی در کشور می شود که جزء اولین اصول مهارت هایی است که باید آمـوزش و پرورش و امـوزش عـالی به دانش آمـوزان و دانشـجویان فرا دهـد. دوم: بخش دیگری از این مهـارت هـا شامـل سلامت جسـمانی و بهـداشت فردی و زیست محیطی است، که باید آموزش و پرورش اینگونه مهارتها را به افراد یک جامعه در قالب برنامه ریزی درسـی حفظ نمایـد و توسعه ببخشد، تا از این طریق رضایت از زندگی برای افراد یک جامعه علی الخصوص در یک جامعه شهری که پیامدها و مشکلات آنان را روبه افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند. سوم: باید افراد یک جامعه یادبگیرند که به نظم و قانونمداری و عدالت در همه حال توجه کنند، و در تمام امور که انجام آن را برعهده دارند احساس مسئولیت نمایند. چهارم:

در این گروه باید آموزش و پرورش مناسبات اجتماعی، همدلی، همدردی، کمک رسانی، رشد مهارت های زبانی و سایر ارتباطات انسانی را جهت تعامل موثر و ثمر بخش بصورت برابر گونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد. پنجم:در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شهروندان جامعه را با هویت و شخصیت فردی ، خانوادگی و اجتماعی از همان کودکی– نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را پرورش به مهارت های شغلی و آینده نگری تشویق کنند؛ که این مسئله باعث نهادینه گردیدن دقت، نظم و مسئه پیگیری و نوآوری در افراد شده که منجربه شکل گیری هویت اجتماعی و اقتصادی افراد می گردد. ششم: حکومت و دولت در قالب سازمان ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی و... باید شرایطی را فراهم کند که شهروندان بتوانند به درستی خود را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت های خود دارند شیوه زندگی خود را در قالب اهداف" کوتاه مدت- میان مدت و دراز مدت "در راستای تحقق آرزوها، سعادت انسانی و توسعه همه جانبه پی ریزی نمایند. هفتم: بخش دیگری از مهارت های شهروندی بدین گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع بینانه، منطقی و هوشیارانه همچنین خلاق و انتقادی جهت توانایی حل مسائل مجهز کند.هشتم: وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزش مهارت های زندگی شهروندان در یک جامعه دموکراسی گونه تشویق و ترغیب نماید از مشارکت خانواده، بهره گیرد زیرا تاثیرات انکارناپذیری این نهاد بر چگونگی دستیابی مهارت های زندگی و شکل گیری هویت و شخصیت افراد از همان دوران کودکی اثرگذارست» (لطف آبادی،۱۳۸۱: ۲۰-۱۹) بر اساس چنین آموزه ها و اصولی که بیان شد می توان گفت که در واقع آموزش نقش بسیار مهمی در ترویج جامعه سالم و آرام دارد در واقع آموزش شهروندمداری دریک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخوداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بهره مند باشد. در واقع آموزش شهروندی و تربیت شهروندان در یک جامعه باعث این شده که سه عنصر اصلی شهروندی چون " نظام حقوقی "، "حس عضویت ملی "و" حس تعلق و وابستگی اجتماعی "در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه ای اثرگذار باشد، بر این اساس نقش ارتباطات آموزش و قانون که معطوف به تفاهم و تعامل بایکدیگر است از موثرترین پیوندهای اجتماعی برای کاهش مسائل و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در شهر، جامعه و حتی جهان می تواندباشد.آموزش شهروندی چندلایه است؛ که این مولفه چندین بعد خواهد داشت، این ابعاد بیشتر حول محورهای حقوق فردی و اجتماعی سوق یافته است؛ و منجربه شناخت عوامل احساسی شهروندی و حقوق متقابل آن ها نسبت به یکدیگر شده است.آموزش های شهروندی یک قدرتی است که بصورت چترپهن شده است که تمام افراد یک جامعه را که احساس تعلق و عضویت در یک جامعه را می کنند تحت پوشش قرار می دهد. و همچنین سطح تعلق به فرهنگ و دولت را بازگو می کند. آموزش به شهروندان و تربیت آن ها در بسط گسترش رفتار شهروندی نسبت به یکدیگر از اهمیت اجتماعی و جامعه شناسی برخوردارست« به تعبیر تورنی منظور از آموزش شهروندی در حوزه جامعه شناسی عبارت است از فرایند انتقال دانشها، ارزشها و نگرشهای لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس فاوداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدارسیاسی، باور به ارزش های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت های لازم برلی فهم سیاست های عمومی و نظارت بر آن ها می شود.» (شارع پور،۱۳۸۶: ۳۱۷) جامعه شناسان از آموزش این پدیده در هرجامعه ای به دنبال انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش های شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می یابد. آموزش شهروندی و مهارت های آن نسبت به یکدیگر باعث این شده که شهروندان در برخورد با مسائل جمعی و اجتماعی رفتارهای نوع دوستانه، جوانمردانه همراه با ادب و مهربانی، خوش خویی و حس وظیفه شناسی نسبت به یکدیگر پیدا کنند.

یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می کند. درواقع تربیت شهروندان از طریق آموزش رفتارهای شهروندی در قالب پارامترهای اخلاقی، اجتماعی باعث بهبود عملکرد افراد جامعه نسبت به یک زندگی سالم و آرام خواهد شد.نقش آموزش شهروندی در جامعه آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان های مدنی بسیاراثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح" محلی- ملی و جهانی "کمک خواهدکرد، چنین اشاعه ای در ابعاد نوع دوستی و پذیرش عمومی از اهمیت زیادی برخورداراست. در واقع نقش آموزش شهروندی به افراد جامعه را باید در قالب شناختی که شهروندان نسبت به قوانین و مقررات جامعه بدست می آورند مورد بررسی قرار داد، که هر شهروندی در جامعه از این آموزه ها چه برداشتی می کند. آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان های ملی و محلی، تشکل های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه ها در مورد انتظارات از مدیریت شهری جامعه است و همچنین نقش شهروندان در قبال مدیریت شهری را آموزش می دهد. این آموزش ها راجع به اصول زندگی شهرنشینی،رعایت حقوق شهروندان و مقررات شهری و دولتی و... می باشد. این آموزه های مدنی در واقع به سمت قانونمند کردن زندگی شهری سوق یافته است، از طریق این آموزه هاسعی شده که پیامدها و مخاطرات اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و روانی مدیریت شهری را کاهش داد. هدف این است که از طریق آموزه های رسمی و غیررسمی بتوان برای افراد جامعه مشخص کرد که در قوانین و مقررات شهری چه جایگاهی دارند و به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت شهری چه وظایفی را باید اجراکنند و باید انتظار داشته باشند.« در واقع نقش آموزش قوانین و مقررات شهروندی یکی از مهمترین نقاط اتصال مدیریت شهری با شهروندان قلمداد می شود. بنابراین آموزش و پرورشِ شهروندان از طریقآشنایی و شناخت آنان در پرتو قوانین و مقررات شهری چه بصورت رسمی و غیر رسمی باعث این می شود که شهروندان نقش پویاتری در مشارکت شهری و مفهوم شهروندی داشته باشند.» (صرافی- عبداللهی،۱۳۸۷:۱۱۷) نقش رفتاری آموزش شهروندی به شهروندان یک جامعه درپنج بعد خلاصه می شود.« الف) نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری دهنده و کاملاً- داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می باشد. ب) جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می کنند که خرده جویی ها و خرده گیری ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند. ج) خوش خویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است، که بایدبه صورت مشارکت فعالانه و مسؤلانه بین شهروندان توسعه داد.د) ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیارموثر است. ه) وظیفه شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامه های درسی و غیر درسی به دانش آموزان و دانشجویان و سایر افراد جامعه آموزش داد که این بعد دینی تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود در خود بوجود آورد.» (هویدا- نادری،۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۵) با توجه به تشریح و بسط ابعاد رفتاری آموزش شهروندی، این پدیده اجتماعی نقش بسیار بارزی در بسط و گسترش سرمایه اجتماعی دارد، و منجربه توسعه جوامع بشری گردیده است.در واقع نقش چنین تعلیماتی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی و اخلاق دارند، براین اساس نهادینه کردن آموزش های شهروندی منجربه بروز شرایط یگانگی و هبستگی اجتماعی شده است.نقش این آموزه های مدنی در جوامع امروز باعث تقویت مشوق هایی چون "احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت پذیری و "...می شود.نقش این آموزه ها در جامعه باعث نظارت اجتماعی بالای در بین شهروندان خواهد شدکه شهروندان نسبت به یکدیگر به رعایت نظم اجتماعی و احترام به حقوق یکدیگر می پردازند، علاوه

براین اعتماد اجتماعی را در بین شهروندان گسترش می دهد.آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مولفه های پدیده اجتماعی مدرن شهروندی (Citizenship) است، همچنین از مولفه های نظام دموکراسی- سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق دموکراسی در حوزه عمومی جامعه مدنی است این اصول و آموزش ها می توانند۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن را برای تمامی اعضای جامعه بوجود آورند.۲- این آموزه های مدنی مجموعه بهم پیوسته ای از وظایف،حقوق،تکالیف و مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی،اقتصادی و فرهنگی همگانی و برابر و یکسان را بوجود می آورد.۳- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن را برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی فراهم می کند.۴- موجب برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضاء جامعه از مزایا و امتیازات اجتماعی، اقتصادی،سیاسی،حقوقی،و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی مذهبی و قومی می گردد. آموزش شهروندی از بُعد جامعه شناسی نظری در اندیشه های" وبر- تونیس- دورکیم "قائل به نوعی« هویت ،عضویت و تعهد عقلانی- عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که منجربه مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجربه می گردد.» (توسلی- نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶) پارسنز در اندیشه های خود آموزش شهروندی را در طرح" وبری- دورکیمی "در قالب واقعیتی مدرنیته با مبنا قراردادن اینکه اصول آموزش شهروندی یک الگوی عام، بی طرف ارزشی، اکتسابی و مبتنی بر قرار دادعرفی و مدنی نیز در جامعه است؛و به ارائه تصویری از شهروندی بر این مبنا پرداخته است.آموزش های شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در نظر پارسنز یک نوع" کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی "است. در واقع رویکرد پارسنز به شهروندی و آموزه های آن به افراد جامعه تاکید بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمام اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است. در اندیشه اجتماعی مارشال شهروندی و مولفه های مربوط به آن با یک رویکرد تاریخی و جامعه شناختی واقعیتی اجتماعی دانسته که در غرب از سده ۱۷تا قرن۲۰ مورد بررسی و سیر تکاملی قرار گرفته است. مارشال آموزش های شهروندی را جزء مولفه های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه داری یعنی طبقه اجتماعی و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن دانسته است. به نظر مارشال آموزش شهروندی« نوعی واقعیتی است که منزلت اجتماعی را به تمام اعضای جامعه از طریق تعالیم رسمی و غیر رسمی اعطاء نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند، به نظر او آموزش اصول شهروندی همراه با سه بعد اجتماعی است": حقوق مدنی و شهروندی مدنی "مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب،عقیده،حقوق سیاسی و... شهروندی سیاسی و حقوق سیاسی "مانند حق برخورداری از رای، عضویت و مشارکت سیاسی و"... حقوق اجتماعی رفاهی و شهروندی اجتماعی و رفاه " مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی،اشتغال، آموزش امنیت، تامین اجتماعی و مانند آن.»(عاملی، ۱۳۸۰ ۱۷۴) ترنر دراندیشه های خود مفهوم شهروندی و آموزش های که باید به افراد در این زمینه داده شود در قالب چهار مولفه جامعه شناختی به عنوان یک واقعیت اجتماعی بیان کرده است. الف- شکل اجتماعی شهروندی: در این شکل آموزش هایی که شهروندان دریافت می کنند از بالا به پایین است یعنی دولت به سمت جامعه مفاهیم شهروندی و شهروند مداری را ارائه می دهد.ب- قلمرو اجتماعی شهروندی: در این حوزه آموزه هایی ارائه شده که بیشتر شهروند مداری را به سمت حوزه عمومی ترغیب کرده یا برخی از این آموزه ها منجربه به شکل گیری حوزه های خصوصی شده است.پ- گونه اجتماعی شهروندی: این مولفه اشاره به آموزش هایی می کند که شهروندان را بیشتر حالت فعال در شهروندی بیان می کند یا به صورت شهروند منفعل تلقی کرده است. ت- محتوای اجتماعی شهروندی:اشاره به تعلیماتی می کند که تاکید بر ایفای وظایف، تکالیف، مسئولیت ها و تعهدات شهروندی کرده و یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی دانسته است. بخش دیگری از آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت

اجتماعی در اندیشه های فمینیستی بیان می شود. پیروان فمینیست عقیده به "آموزش شهروندی جنسیتی "دارند معتقدند که شهروندی و آموزش های آن در عرصه عمومی برای شهروندان یک جامعه بیشتر بیان کننده ویژگی ها و فضائل مردانه است؛ پس آموزش شهروندی در عرصه عمومی برابر با تربیت شهروند مرد می باشد. و غیر شهروند در عرصه عمومی برابر با زن است پس همین مسئله باعث شده که آزادی مدنی، سیاسی تاکید بر آموزه هایی کنند که زنان را به عنوان شهروندان درجه دوم در جامعه تلقی نکنند. پس در آموزش های شهروندی به حقوق و تکالیفی متوسل شده اند که « اول: اینکه آموزش ها ابزار مهمی برای کسب قدرت و حق تصمیم گیری برای زنان باشد دوم: این آموزش ها ابزاری برای این باشد که به کار غیردستمزدی وبی بهاء بر زنان ارزش قائل شده و برای تکالیف اجتماعی- وظایف مراقبتی ارزش قائل شوند» (فتیزپتریک،۱۳۸۱: ۱۴۶) باتوجه به رویکردهای اجتماعی در حوزه آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی باید اشاره به این کرد که آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل "امتناع شهروندی "که باعث عدم شکل گیری و تقویت زمینه ها و بستر سازی است که در دوره های حکومتی ایران باستان شاهد بوده ایم ".امکان شهروندی"که متناسب با ظرفیت و پتناسیل شکل گیری تقویت زمینه ها و بستر سازی شهروندی است که در حکومت های ایران بعد از اسلام تا زمان مشروطه در ایران می توانیم مطالعه کنیم ".ایجاب شهروندی "که در این دوره احساس ضرورت وجود زمینه ها و بستر سازی شهروندی شده که بعد از انقلاب اسلامی گسترش یافته است ما درحال حاضر با چنین فرایندی روبرو هستیم که از طرف حکومت به مردم آموزش داده می شود. همچنین از سوی دیگر ماهیت گفتمان قانون اساسی و راهبردهای اساسی جمهوری اسلامی ایران،قوانین مجلس شورای اسلامی، و راهبردهای برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی فرهنگی تاکید بر شهروندی و آموزش های آن کرده است. الزامات مدرنیستی ناشی از روح دموکراسی و جمهوری گرایی تاکید بر آموزش ایجاد شهروندی جمهوری اسلامی از سوی نهادهای حکومتی کرده است. آموزش ایجاد شهروندی در سه بعد شهروندی مدنی یعنی آموزش هایی که ناظر بر این است که مردم حق آزادی های مدنی را دارند، شهروندی اجتماعی به مبنای اینکه آموزش های باید داده شود ناظر به برخورداری شهروندان از رفاه اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی؛ شهروندی سیاسی ناظر بر آموزش هایی چون مشارکت می باشد.از سوی حکوت در این سی سال ارائه شده است.همچنین شکل گیری مدیریت جنگ در طی دهه اول انقلاب اسلامی باعث ایجاد آموزش و شکل گیری شهروندی مذهبی، ایدئولوژی و انقلابی گردیده است. بعد از پایان جنگ، دولت سازندگی در گسترش آموزش های شهروندی اجتماعی و رفاه نقش بارزی داشته است. و دولت اصلاحات در دهه ۷۰و ۸۰ به ایجاد شکل گیری آموزش های شهروندی سیاسی تاکید کرده است؛ و تا حال حاضر آموزش شهروندی مدنی بسیار کمرنگ در ایران جلوه یافته است. آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی مفهوم آموزش شهروندی از مفاهیم کلی است که به مطالعه" فرهنگی- اجتماعی- سیاسی و فنی "یک جامعه وابسته است. در واقع این مولفه را می توان آموزش شیوه های زندگی کردن بایکدیگر به طور خاص در یک جامعه و به طور عام در جامعه جهانی اطلاق نمود. فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای ازجامعه باید به افرادآن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد. در واقع فرایند تربیتی آموزش شهروندی و اصول آن از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می گیرد، لذا اصول و ویژگی های آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی به مجموعه ای از اطلاعات و فعالیت های یادگیری هدفمند اطلاق شده که بصورت سنجیده شده در جامعه مورد بررسی و تعلیم قرار می گیرد؛ این فعالیت های هدفمند منجربه این شده که مهارت هایی را به افراد در عرصه زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، و فنی ارائه دهد؛ همچنین در هر عرصه ای افراد را برای پذیرش نقش های آن عرصه آماده کند. در واقع اهداف،تلاش ها و اصول آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری در هر جامعه ای رابطه تنگاتنگی با سیاست، اقتصاد،مذهب،ایدئولوژی و فرهنگ دارد. به نظرسدلر آموزش شهروندی از بعد تربیتی در یک جامعه در این جهت است که باید این تعلیمات باعث حفظ شرایط موجود و

پاسدار نظم اجتماعی جامعه گردد.تافلر هم بیان می کند که واقعیت تربیتی آموزش شهروندی برای این است که نسل های جوان را با نتایج تجربیات نسل های گذشته آشنا کند،که این آشنایی منجربه این می شود که نسل جدید به تجربیات نسل قدیم سرمایه های تمدنی را بیافزاید؛ همچنین این تربیت منجربه این می شود که تجربیات نسل های گذشته باعث بهره گیری و ارتقاء کیفیت زندگی فردی واجتماعی نسل های بعدی شود. از بعد دیگر نظام های آموزشی در هر جامعه ای باید چنان شهروندان خود را با فراوردهای خویش تربیت و پرورش دهد که بتواند با استفاده از تخصص کسب شده شان به حل مسائل و مشکلات زمانه خود بپردازند؛دوم همچنین این آموزه ها آینده جامعه" محلی- ملی- جهانی "خود را به چالش بکشانند.آموزش شهروندی از نگاه تافلر در عصر جهانی شدن این است که آموزش و پرورش باید با تاکید بر ضرورت های جامعه بشری افراد شهروند خود را به عنوان تکنوکرات و فن سالارانه تربیت کند تا بتواند خدمات حرفه ای را بر حسب نیازهای اقتصادی و صنعتی عرضه کند. به نظر امیل دورکیم آموزش شهروندی از بعد تربیتی « از طریق اکتساب دانش، مهارت ها و ارزش های منتقل شده از نسل های بزرگسال به نسل های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می کند و بر این باور است که مجموعه خصلت های آموزشی که برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف اولاً در دوره های مختلف از نظر فلسفه،روش و محتوا متفاوت است. ثانیاً اینگونه تربیت با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی هر جامعه صورت می پذیرد و برنامه ریزی آن باید بدست نوابغ و صاحبنظران در عرصه سیاست، فرهنگ،و اقتصاد صورت پذیرد. ثالثاً این آموزش شهروندی را در درسهای ملموس و عینی مدرسه باید به گونه ای گنجاند که فرد شهروند پس از آن آموزش های بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا همسازی داشته باشد و اهم این توانایی ها را چنین رده بندی می کند. ۱- توانایی ذر برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضایت بخش معضلات و دشواری ها ۲- توانایی در کارکردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیت های اجتماعی خویش. ۳- توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوت های فرهنگی.۴- توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی. ۵- توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روش های مسالمت آمیز.۶- توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت غنی تر ساختن توسعه فرهنگ بومی و قومی.۷- توانایی در حقوق بشر در دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بین المللی. ۸- توانایی در نظم پذیری جمعی و بهره گیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه خود و جوامع دیگر.» (آقازاده،۱۳۸۵: ۴۹) درواقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش های نوین جهانی می باشد. در هر جامعه ای به دلیل اینکه کثرت گرایی، چند فرهنگی، میراث و تنوع فرهنگی و نژادی، تساهل، انسجام اجتماعی، حقوق جمعی و فردی و مسئولیت های شغلی و حرفه ای، عدالت اجتماعی، هویت ملی و آزادی طلبی وجود دارد در واقع فرایند تربیت شهروندی و آموزش آن را با چالش اساسی روبرو کرده است. آموزش های شهروندی که بر پایه اهداف و مقاصد در نظر گرفته می شود، در هر جامعه ای شامل این اهداف کلی می شود "آموزش درباره شهروندی- آموزش از طریق شهروندی- آموزش به منظور شهروندی « "آموزش درباره شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی برپایه آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظردانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زندگی سیاسی و مدنی متمرکز است. آموزش از طریق شهروندی در حوزه فرایند تربیتی مستلزم یادگیری دانش آموزان و افراد از طریق انجام فعالیت های کاملاً- فعال تجربه های مشارکتی در مدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است، این یادگیری عصر دانش را تقویت می کند. آموزش به منظور تربیت شهروندی چه از این دو رویه مذکور را اشاره شده شامل افراد و دانش آموزان را به یکسری ابزارها را شامل دانش و درک مهارت ها و نگرش ها، ارزش ها و گرایش ها، مجهز می کند و آن ها را قادر می سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در ر نقش ها و مسئولیت هایی در زندگی بزرگسالی با آن روبرو است داشته باشند. این رویه آموزش شهروندی را با کل تجربه آموزش دانش آموزان پیوند می دهد. (همان: ۵۰) در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی

برخورداراست. تربیت شهروندان ایرانی نخست تحت تاثیر فرهنگ زرتشتی قرار داشته و آموزه ها ی شهروندی را بر مبنای تثلیث "گفتار نیک- پندار نیک و کردار نیک "بیان شده است و با ورود اسلام با تکیه بر آیین و فضایل اخلاقی و اسلامی رفتارها و هنجارهای آموزشی شهروندی را از بعد تربیتی تا به امروز سپری کرده اند.تعالیم اسلامی قسمت اعظم برنامه های مدارس بوده است؛ این تعالیم بر" محور اخلاق- اطاعات از والدین، فرمانبرداری از حکومت اسلامی، وضیفه شناسی و نیکوکاری به یکدیگر و"...بنا شده است. در واقع آموزش شهروندی از منظر تربیتی در جامعه ایران با توجه به ساختارفرهنگی دارای یکسری از ویژگی هاست که شامل مشخصات ذیل می باشد.الف) آموزش شهروند به عنوان یک فرد: ساختار تعلیم و تربیت فردی در حوزه آموزش های شهروندی باید بگونه ای باشد که فرد از طریق این آموزش ها بتواند ۱- از آزادی برخوردار باشد.۲- به دموکراسی یا مردم سالاری احترام گذارد.۳- متکی به خود بوده و منِ مستقلی داشته باشد، که این خود از رشد وتعادل قابلیت ها نشات می گیرد.۴- ابتکاری قوی و اراده ای با مصمّم در زندگی داشته باشد.۵- حق شناسی و حرمت گذار باشد. و...ب) آموزش شهروند به عنوان یک عضو از خانواده: اینگونه می باشد که ۱- شرایط و فضای خانه را به صورت جایگاهی در آورد که سرشار از عشق و شادی آور باشد.۲- خانه را برای آرامش و آسایش و فضای تعامل بایکدیگر مهیا کند.۳-فضای خانه و تعاملاتی که باسایر اعضای خانواده ایجاد می کند به سمت تعلیم و تربیت یا اجتماعی شدن سوق یابد. ۴- ارتباطات انسانی را به نحو احسن در فضای خانواده گسترده کند، و معاشرت خود را بسط دهد و از آن لذت ببرد. و...ج) آموزش شهروندی به عنوان یک عضو از جامعه: بر اساس این مولفه ۱- باید ساختار آموزش شهروندی از بعد تربیتی به گونه ای باشد که فرد یک عضو کارطلب . کارگزار متعهد باشد و بخشی از اوقات خویش را صرف کار نماید تا از این طریق بتواند به توسعه همه جانبه جامعه خود در چرخه های نظام اجتماعی کمک نماید.۲- یک عضو جامعه شهروندی به گونه ای آموزش می بیند که روحیه خدمت به جامعه را در بهزیستن دیگران در خود تقویت کند و به نوعی مددکار موثری برای حل مسائل و پیامدهای زندگی دیگران باشد.۳- شهروند یک جامعه باید ارزش های اجتماعی که منجربه اخلاق و رفتار اجتماعی مثبت شده در خود تقویت کند و به آن ها احترام گذارد.۴- باید روحیه آینده نگری و نقادانه ای نسبت به فعالیت های فرهنگی و تولیدی جامعه در شهروندان بوجود آورد و آن ها را بسط و آموزش داد و باید در جهت رشد و بالندگی این نظرگاه ها اهتمام زیادی ورزید. و...د) آموزش شهروندی به عنوان یک فرد متعهد در جامعه جهانی: این است که۱- شهروندان را وطن خواه کرد و به عشق جاودانه نسبت به ملت، تاریخ و فرهنگ تمدن جامعه ای که در آن زندگی می کند سوق داد.۲- شهروندان را برای احتذام گذاشتن و حفظ میراث فرهنگی، نمادهای ملی جهانی و دینی آموزش داد و حتی نگهداری آثار گذشتگان و دستاوردهای آنان را تقویت کرد.۳- باید نهادهای آموزشی مروج ویژگی ها و هنجارهای عالی، ملی و بین المللی در بین شهروندان و به نوعی حرمت گذاری و متعهد به ارزش های انسانی و پذیرش قبول مسئولیت های ملی و جهانی در بین شهروندان را تقویت کرد.حال با توجه به این فرایندها هدف از آموزش شهروندی در بعد تربیتی درجامعه ایران اینگونه است که:۱- توسعه و گسترش دانش، مهارت ها، ارزش ها و نگرش هایی است که لازم است برای شهروند آگاه و مسئولیت پذیر حاصل کرد.۲- در حوزه دانش نظری: نهادهای آموزشی باید افراد را به درک از فعالیت های اجتماعی و فرهنگی در سطح مصرف، حفظ امنیت واقف نمود و نسبت به فرایند تصمیم گیری در مشارکت اجتماعی و درک شناخت واقعی آگاه کرد.۳- در حوزه دانش عملی: این نهادها باید مهارت هایی از جمله اطلاعات و کاربردهای فرایند پژوهشی و تحقیق، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... را آموزش دهند.۴- در حوزه ارزش های فرهنگی و ملی: نهادهای آموزشی هر جامعه ای باید با توجه به بعد ملی و جهانی در بین شهروندان عشق ورزیدن به سرزمین، میراث فرهنگی و تاریخ آن جامعه را همراه با نگرشی مثبت بسط دهند، علاوه بر این توسعه ویژگی و صفات شهروند مطلوب در یک جامعه دموکراتیک گام بردارند تا از این طریق بتوانند یک شهروند فعال و مطلع در اجتماع خود نسبت به جامعه ملی و جهانی همراه با تغییرات سریع ایجاد کنند. با توجه به چنین موارد و اهدافی که در مورد ابعاد

تربیتی آموزش شهروندی در جامعه ایران بیان کردیم، شوراهای عالی آموزش و پرورش- آموزش عالی- انقلاب فرهنگی- کمیسیون آموزشی مجلس- معاونت مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری- صاحبنظران و اندیشه ورزان تعلیم و تربیت، متخصصان علوم اجتماعی و سیاسی و... باید سند اصول حاکم بر نظام تربیت شهروندی را در ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه مان تدوین کنند و در این سند ویژگی های شهروند مطلوب، فعال و ایده آل ایرانی را به عنوان فردی در منظومه خانواده، جامعه محلی و ملی و سرانجام جامعه جهانی ترسیم کنند. از سوی دیگر توسعه همه جانبه و پایدار جامعه مان بستگی به حضور فعال شهروندانی آگاه و صاحب توانمندعلمی و مهارتی لازم را برای توفیق در زندگی اجتماعی و فردی در عرصه های سازندگی دارد. لازم است برای تربیت این چنین شهروندانی در برنامه های درسی مدارس، دانشگاه و کانون های آموزشی در تمام سطوح یک تجدید نظر اساسی شود، و نقش آموزش های رسمی را در ارتباط با تربیت شهروندی و فرایند آن به عنوان یک واقعیت پررنگ تر کرد.آموزش شهروندی به عنوان واقعیت سیاسی آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می گردد.در واقع آنچه که حکومت و دولت می خواهند در نهادهای آموزش به عنوان برنامه های درسی و غیر درسی به شهروندان یک جامعه از همان دوران کودکی با شروع مدرسه تا دانشگاه ارائه می کند و حتی سایر نهادهای اجتماعی هم با توجه به ساختار سیاسی حاکم بر جامعه به شهروندان آموزش شهروندی را می دهد.حاکمیت از طریق آموزش شهروندی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالا بردن توانایی سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اجتماعی از یکسو وتعمیم پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می باشد، را مد نظر دارد.آموزش شهروندی از بعد سیاسی و مدنی به عنوان یک واقعیت به تعلیم راهکارهای ایجاد وحدت، حفظ یگانگی و انسجام همه جانبه شهروندان می پردازد که این مسئله موجب رشد هویت ملی در بین شهروندان شده است. از سوی دیگر این آموزش ها از طریق شرایط بسیج سیاسی در جامعه نظیر شرکت در انتخابات،علاقمندی به مطالب سیاسی و پیگیری امور سیاسی نقش شهروند فعال سیاسی را در بین افراد جامعه تقویت می کند.آموزش شهروندی در ارتباط با جامعه پذیری سیاسی است، براساس این آموزش ها شهروندان گرایشات، نگرش ها، دانش و معیارهای سیاسی خود را به نسل های بعدی انتقال داده یا در تعامل قرار می دهند. در واقع این آموزش ها جهت گیری های را از بُعد سیاسی برای شهروندان ایجاد می کند.« ۱- جهتگیری شناختی، یعنی آگاهی شهروند از نظام سیاسی و باور به این نظام و نقش های آن،۲- جهتگیری عاطفی یا احساسات شهروندان نسبت به نظام سیاسی،۳- جهتگیری ارزیابی که مربوط به برداشت ها و قضاوت های شهروندان نسبت به موضوعات سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد.» (شارع پور،۱۳۸۶: ۲۸۶) آموزش شهروندی از بعد سیاسی شامل بخشی از نظرات و رفتارهایی است که در جهت تداوم نظم سیاسی جامعه به اعضاء تعلیم داده می شود و موجب انتقال به نسل های بعدی می گردد؛ تا از این طریق فرایند جامعه پذیری سیاسی صورت گیرد. آموزش های شهروندی از منظر سیاسی با ثبات فرهنگ سیاسی و ساختارهای اجتماعی در طول زمان رابطه دارد و هر نظام اجتماعی می کوشد تا ارزش ها ،نگرش ها و دیدگاه های ضروری را برای تداوم نظام سیاسی خود به شهروندان منتقل کند. آموزش شهروند سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است، به عبارت دیگر پرورش سیاسی از طریق آموزش شهروندی فراگردی است که شخص از طریق آن جهت گیری سیاسی اساسی خود را در محیط جامعه کسب می کند.در واقع آموزش شهروندی سیاسی و پرورش آن یعنی جذب و درونی کردن هنجارها و ارزش های نظام سیاسی جامعه است.شهروند سیاسی یک جامعه از طریق آموزش های لازم با مسئولیت های خود- آگاهی ملی و وفاق سیاسی آشنا می گردد. آموزش شهروندی از نگاه سیاسی دارای چنین کارکردهایی در هر جامعه است « ۱- جامعه پذیری سیاسی شهروندان و آشنا سازی با فرهنگ سیاسی۲- گزینش جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی۳- ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه۴- ایجاد زمینه برای تشکیل سازمان هایی که در جامعه نقش های سیاسی ایفاء میکنند و...» (علاقه بند،۱۳۷۵: ۱۰۸)آموزش

شهروندی به عنوان واقعیت فرهنگی آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مسقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. در واقع آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت فرهنگی همراه با عناصر کلیدی آن همواره در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان که به استقرار فرهنگ می انجامد نقش بارزی می تواند داشته باشد. امروزه این آموزش ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه یافتگی در بستر جهانی شدن از ضرورت های دستیابی تلقی می گردد.آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. این مولفه آموزشی با مشوق هایی چون احساس برادری،همنوعی،تعهد،و مسئولیت پذیری همراه است.آموزش های شهروندی در بعد فرهنگی اشاره به اخلاق شهروندی می کند در واقع باید به آموزه هایی حقوقی پرداخت که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی، شهروندان باید اجرانمایند. آموزش شهروندی از بعد فرهنگی شامل« آموزش مجموعه ای از هنجارها و ارزش هایی می شود که انعطاف پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی راز وجود تفاوت ها و تنوعات فرهنگی است که در جامعه شکل می گیرد، از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش بینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت نمایند.» (شربتیان،۱۳۸۷: ۱۲۳) مفاهیم کلیدی که در حوزه فرهنگ آموزش شهروندی باید به آن توجه بسیاری کرد شامل " مسئولیت پذیری شهری- قانونمند بودن شهروندان- هنجارپذیری الگوهای شهرنشینی " است در واقع این مفاهیم فرهنگی را می توان از همان آغاز کودکی درونی کرد. اگر به این مولفه های آموزش توجه نشود هر جامعه ای با هزینه های بسیاری روبرو خواهد شد و ناچار هستیم دائم کنترل اجتماعی را بر شهروندان افزایش دهیم که این مسئله پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری را با خود بوجود می آورد. گی اِرمه در بحثی پیرامون فرهنگ شهروندی به این مساله اشاره می کند که از ویژگی های آموزش فرهنگ شهروی این است که شهروندان را با تاریخ و ساختار محیطی که در آن زندگی می کنند آشنا کنیم، همچنین قواعد و سلوک دموکراتیک را به شهروندان آموزش دهیم. در واقع ویژگی سوم این است که فرهنگ به نوعی برای شهروندان ویژگی تکلیف مدارانه بوجود می آورد که باید اخلاق مدنی و روحیه مداری بیشتری از شهروندان در جهت سازگاری با جامعه صادر گردد. آموزش شهروندی در بعد فرهنگ اشاره به حمایت قانونی از فرهنگ ها و خرده فرهنگ های موجود در یک جامعه می کند؛که باید شهروندان به پذیرش این خرده فرهنگ ها بپردازند و احترام متقابلی برای آن ها در یک جامعه قائل شوند که این مسئله در سازگاری اجتماعی و رشد اخلاق مدنی کمک بسیاری می کند. بر این اساس آموزش هایی که به شهروندان در زمینه حقوق اشتراکی و رعایت فرهنگ اقلیت ها داده می شود نقش بارزی در توسعه فرهنگی شهروندی دارد.راهکارهای آموزش شهروندی الف: با توجه به اینکه تمدن جدید قرن بیستم و بیست و یکم توانسته تمام ساختار زندگی انسان را از نظر رفاه مادی تحت تاثیر قرار دهد اما ضرورت ایجاد یک دیدگاه اخلاقی و فرهنگی همه جانبه در آموزش های رسمی و غیر رسمی شهروندان در تمام سطوح که منجربه توسعه همه جانبه جامعه می شود برای زندگی شهروندان یک جامعه لازم است.ب: برای اینکه آموزش های شهروندی با تمام ابعاد آن به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر در اذهان شهروندان از همان دوران کودکی تا بزرگسالی نهادینه گرددباید همواره از منابع" اخلاقی- فرهنگی- اجتماعی- سیاسی- حقوقی و"...که پایه های قدرتمند ساختار فرهنگی را در بین شهروندان تقویت می کند مورد توجه برنامه ریزان و متخصصان اجرایی مدیریت سیاسی و شهری جامعه قرار گیرد.پ: باید آموزه های متنوع شهروندی را برای تمام سطوح شهروندی متناسب با نیازهای" اجتماعی- روانی- اقتصادی- سیاسی- دینی و "...به صورت رویکردها و برنامه ریزی های" بلند مدت- میان مدت و کوتاه مدت "اجرا کرد.ت: ضرورت باز آموزی تعالیم" فرهنگی- اجتماعی- روانی – حقوقی- سیاسی "شهروندی در حوزه دانش های علوم انسانی از طریق

برنـامه ریزی های علمی و تخصصـی در طی سال به صورت مستمر در قالب هم اندیشـی ها- همایش ها- کارگاه های آموزشـی و عملی- انتشارات- برنامه های آگاه سازی ایجادکرد.ث: تلاش در جهت هدایت پژوهش های خردنگر در سطوح محلی- منطقه ای و حتی کلاـن نگر در سطح ملی برای شناخت سازوکارهـای پارامتری آموزش شـهروندی در قالب" تربیتی- پرورشـی- اجتماعی- فرهنگی و روانی "و تلاش برای ارائه راه کارهای عملی و کاربردی آموزش های نهادینه شده شـهروندی امری ضروری برای جامعه است.ج: باید در آموز ه های شهروندی برای هر سطحی از شهروندان به نیاز سنجی هویتی شهروندان توجه شود.چ: درآموزش های شهرونـدی بایـد ابعاد مختلف آموزه های شـهروندی به موزات هم در جهت تکامل بخشـیدن به زنـدگی اجتماعی شـهروندان تاکید شود.ح: بایـد در برنامه ریزی های درسـی و غیر درسـی که از سوی نهادهای آموزشـی و کانون های آموزشـی در حوزه شـهروندی شکل می گیرد به مولفه های درونی و بیرونی فرهنگ و اخلاق شـهروندی توجه گردد، تا از این طریق پایه های فرهنگ شـهروندی را تقویت کرد.خ: با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع فرهنگی و قومی در زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردارست، باید آموزش های شـهروندی را یک سازه فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت که متناسب با رویکردهای ارزشی،بومی، و محلی آن خرده فرهنگ شهرونـدی باشـد.د: با توجه به تحولات" تکنولوژیکی- اجتماعی- سیاسـی- فرهنگی و اقتصادی "که جامعه روبرو است باید آموزه هـای شـهروندی را پدیـده ای پویـا و دگرگون متنـاسب با شـرایط جهانی دانست و دائماً به بازتولیـد فرهنگی و اجتماعی این مولفه توجه و اهتمام خاص داشت.ذ: باید در برنامه ریزی های آموزش شـهروندی ابعاد" حقوقی- سیاسی- فرهنگی- اخلاقی "شهروندان برای رسیدن به یـک تعریف جـامع و کامـل از شـهروندی مـدنظر قرار گیرد. ر: در آموزش شـهروندی از سوی نهادهـای آموزشـی رسـمی و غیر رسـمی سرفصل هـای فرهنـگ شـهروندی چون "مسـاوات طلبی- آزادی- جمع گرایی- فرد گرایی-مردم سالاـری- مسئولیت پـذیری مـدنی- مـددیاری- حمـایت اجتمـاعی- مشارکت همه جانبه و "...مورد حمایت و تعلیم ازسوی حاکمیت وقت و مـدیریت شـهری قرار گیرد. ز: در دهه هـای اخیر آموزش هـای شـهروندی در جـامعه در عرصه های" سیاسـی اجتماعی- اخلاقی و فرهنگی "امری ضـروری است که تمـام دسـتگاه هـای رسـمی و غیر رسـمی جـامعه بایـد در اهتمـام ویژه به این آموزش هـا سـرمایه گذاری های اجتماعی- فرهنگی خاصـی بنمایند.ژ: با توجه به اینکه آموزش شـهروندی پدیده ای پویا ست پس لازم است در جهت شهرونـدی فعال در تمام زمینه های اخلاق شـهروندی تمام دسـتگاه های اجرایی بر پایه آرمان های" ایـدئولوژی اسـلامی- ایرانی— جهـانی "فعـالیت و سـرمایه گـذاری کننـد.س: آموزش هـای شـهروندی بایـد در راسـتای" خلاقیت ها- ابتکارها- خودشـکوفایی" شهرونـدان و رفع نیازهـای پایـدار و همه جـانبه شـهروندی صورت گیرد.نتیجه گیری آموزش شـهروندی منجربه به تحکیم و تقویت نظام ارزشـی مهارت های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می گردد. این مولفه ضامن بقاء و تـداوم حیـات اجتمـاعی و میزان توسـعه همه جـانبه جوامع صـنعتی و روبه پیشـرفت است. چنین تربیتی از همـان آغاز طفولیت نوعی اعتمـاد به نفس و رفتارهـای مسـئولانه را از نظر اجتمـاعی و اخلاقی بوجود می آورد؛ نقش دیگر این مولفه ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی- ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجـد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جسـتجویی برای مسـاوات طلبی است. این آموزه هـا به روابـط اجتمـاعی بین افراد و روابـط افراد و نهادهـای ساختـار نظـام اجتماعی مربوط شود.این فرایند در نهادهای آموزش رسمی جامعه منجربه پرورش شهروندی فعال می گردد. در واقع آموزش شهروندمداری دریک جامعه باعث این شـده که تمام اعضای جامعه از حس شـهروندی مثبتی بصورت ملی برخوردار باشـند و ضـمن برخوداری از احترام ملی، از حقوق مشـخص اجتمـاعی و سیاسـی و اقتصـادی بهره منـد گردنـد. یـادگیری پارامترهای آموزش رفتار شـهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می کند.آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمـان هـای مـدنی بسیاراثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبسـتگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی- ملی و جهانی کمک خواهدکرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت

و نهادهای قانونگذار، سازمان های ملی و محلی، تشکل های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت. آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت اجتماعی از مولفه های نظام دموکراسی- سیاسی و شاخص کلیدی برای تحقق دموکراسی در حوزه عمومی جامعه مدنی است. آموزش شهروندی به عنوان یك واقعیت اجتماعی در ساختار فرهنگی جامعه ایران در قالب سه شکل " امتناع شهروندی "و "امکان شهروندی"و "ایجاب شهروندی "رشد کرده است. فرایند آموزش شهروندی به عنوان یک واقعیت تربیتی شامل مقتضیاتی است که در هر دوره ای ازجامعه باید به افرادآن جامعه که عضویت دارند و مطالبات معینی را دنبال می کنند ارائه داد.درواقع زمینه های اصلی و شکل دهنده تربیت یا آموزش شهروندی شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش های نوین جهانی می باشد.در واقع سیر تحولاتی آموزش شهروندی از بعد تربیتی در ساختار جامعه ایران از یک سابقه و قدمت تاریخی بسیار غنی برخورداراست. آموزش شهروندی از بعد سیاسی در واقع توسط نظام سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و مشخص می کند.حاکمیت از طریق آموزش شهروندی الگوهای توسعه سیاسی جامعه که همان آگاهی و بالا بردن توانایی سیاسی شهروندان به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و همبستگی اجتماعی از یکسو وتعمیم پذیری الگوهای مشارکت و توزیع مناسب منابع می باشد، را مد نظر دارد. آموزش شهروند سیاسی در هر جامعه ای هدفش پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است، آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مستقیم دارد، این مولفه در جهت دادن رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه به عنوان یکی از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه فرهنگی یافتگی نقش موثر دارد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است.منابع و ماخذآقازاده،احمد،۱۳۸۵ "،اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن "فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائیز،صص۴۴-۱۱. قابل دسترس در www.sid.irتوسلی- نجاتی حسینی،غلامعباس- محمود،۱۳۸۳ "، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران "مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره پنجم شماره۲، صص ۶۰-۳۲. قابل دسترس در www.sid.irخطیب زنجانی،نازیلا،۱۳۸۶ " آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز "روزنامه کیهان قابل دسترس درwww.magiran.com.شارع پور، محمود،۱۳۸۶ "، جامعه شناسی آموزش و پرورش "نشر سمت، تهران.شربتیان، محمد حسن،۱۳۸۷ "تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، "فصلنامه فرهنگی- پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، شماره ۹و۸، سال دوم و سوم، دوره تابستان و پائیز،صص۱۵۴-۱۱۹.شیانی،ملیحه،۱۳۸۱ "، تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان "مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم شماره۳، صص ۸۰-۶۰. قابل دسترس در www.sid.irصرافی- عبداللهی، مظفر- مجید،۱۳۸۷ "،تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت کشور "مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره۳۳، دوره بهار، صص۱۳۴-۱۱۵. قابل دسترس در www.sid.irفیتزپتریک،تونی،۱۳۸۱ "، نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست، ")ترجمه هرمزهمایون پور، نشر گام نو، تهران.فکوهی، ناصر،۱۳۸۷ "تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذر به مردم سالاری مشارکتی "قابل دسترس در www.anthropology.irقائدی،یحیی،۱۳۸۵ "تربیت شهروندی، "فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائیز،صص ۲۱۰-۱۸۳. قابل دسترس در www.sid.irعاملی- محمد خانی، سعید رضا- نجمه،۱۳۸۷ "، ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه ایرانی، "فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴ دوره زمستان، صص ۷۸-۴۱. قابل دسترس در www.sid.irعلاقه بند، علی،۱۳۷۵ "، جامعه شناسی آموزش و پرورش "نشر روان تهران.لطف آبادی،حسین، ۱۳۸۵،

"آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، "فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پائیز،صص۴۴-۱۱. قابل دسترس در www.sid.irنوابخش- ارجمند سیاه پوش،مهرداد- اسحق،۱۳۸۸"، مبانی توسعه پایدار شهری "انتشارات جامعه شناسان، تهران.هاشمیان فر- گنجی، علی- محمد،۱۳۸۸ "، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در اصفهان "مجله جامعه شناسی کاربردی،شماره۱ صص۴۴-۲۵. قابل دسترس در www.sid.irهویدا- نادری،رضا- ناهید،۱۳۸۸ "،بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان "پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال نهم، شماره ۱(پیاپی۳۳)،صص ۱۱۸-۱۰۳. قابل دسترس در www.sid.irآموزش شهروندی قابل دسترس در http://e-kashan.com

شهرنشینی

ترجمه ی زهره دودانگه

فرایندی که در طی آن تعداد زیادی از مردم در نواحی نسبتا کوچک به طور دائم متمرکز می شوند، شهر ها را تشکیل می دهد. تعریف آنچه یک شهر را شکل می دهد بر حسب زمان و مکان متفاوت است، اما متداول ترین روش این است که این اصطلاح به عنوان یک موضوع جمعیتی شرح داده شود. سازمان ملل پیشنهاد کرده است که کشورها تمامی مکان هایی را که دارای جمعیتی بیش از ۲۰۰۰۰ نفر هستند و این ساکنان در نزدیکی یکدیگر زندگی می کنند، مکان شهری محسوب کنند. اما در حقیقت کشورها آمار خود را بر مبنای معیارهای متفاوتی گرد می آورند. برای مثال ایالات متحده مکان شهری را برای هر محلی که دارای جمعیتی بیش از ۲۵۰۰ نفر باشد، بکار می برد.تعاریف کمّی هرچه باشد، روشن است که خط سیر تاریخ بشر توسط یک فرایند شهرنشینی پر شتاب مورد توجه قرار گرفته است. این امر تا دوره نئولیتیک، یعنی در حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش، که انسان های قادر بودند سکونتگاه های دائمی بسازند به وقوع نپیوست. حتی در ۵۰۰۰ سال پیش این یگانه سکونتگاه های جهان دهکده های کوچک و نیمه دائمِ کشاورزان روستایی بودند، یعنی شهرک هایی که اندازه شان محدود بود، چون هنگامی که خاک پیرامونشان دچار فرسایش می شد باید تغییر مکان می دادند. این امر (شهرنشینی پر شتاب) تا عصر کلاسیک که شهرهایی با بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت پدید آمدند وجود نداشت، و حتی تا انفجار جمعیتی پایدارِ سه قرن گذشته متداول نگشت. در سال ۱۸۰۰ کمتر از ۳ درصد جمعیت جهان در شهرهای ۲۰۰۰۰ نفری یا بیشتر زندگی می کردند. این رقم در میانه ی دهه ۱۹۶۰ به حدود یک چهارم جمعیت افزایش یافته بود. در پایان قرن بیستم قریب به نیمی از جمعیت جهان در شهرهای ۲۰۰۰۰ نفری یا بیشتر ساکن بودند.پیدایش شهرک های کوچک تمدن باستان، هم در دنیای قدیم و هم در دنیای جدید، تنها به دلیل پیشرفت در کشارزی و حمل و نقل ممکن شد. همچنان که کشاورزی بیشتر ثمر بخش می گشت مازاد غذا تولید نمود. توسعه وسایل حمل و نقل که تاریخ آن از شروع اختراع چرخ در حدود ۳۰۰ قبل از میلاد بود، این امکان را فراهم کرد که مازاد محصولات حومه ی شهر غذای جمعیت شهری را تامین نماید، سیستمی که تا به امروز ادامه دارد.بر خلاف اندازه کوچک این دهکده ها، مردم در شهرهای اولیه کاملا نزدیک به یکدیگر زندگی می کردند. فواصل نمی توانست بیش از یک پیاده روی ساده باشد و هیچ کس نمی توانست خارج ازمحدوده ذخیره آب زندگی کند. به علاوه به دلیل اینکه شهرها همواره هدف حمله بودند، اغلب مواقع محصور بوده و مشکل بود که ورای یک ناحیه بزرگ از موانع عبور کنند. حفاری های باستان شناسی نشان داده است که تراکم جمعیت شهرها در ۲۰۰۰ قبل از میلاد ممکن است که ۱۲۸۰۰۰ نفر در هر مایل مربع بوده باشد(۴۹۴۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع)؛ در مقابل، شهرهای کنونی کلکته و شانگهای با تراکم بیش از ۷۰۰۰۰ در هر مایل مربع به عنوان شهرهای دارای ازدحامِ بیش از اندازه مورد توجه هستند.به جز استثناهای معدودی، نخبگان- اشراف ، کارمندان دولت ، روحانیت ، و ثروتمندان- در مرکز شهرهای باستانی زندگی می کردند که معمولا نزدیک مهم ترین معبد قرار داشت. در نواحی بیرونیِ دورتر فقرا حضور داشتند، کسانی که برخی اوقات با هم به

آن سوی دیوارهای شـهر تبعید می شدند.مهمترین شهر روزگار باستان رُم بود که در دوران اوج خود در قرن سوم میلادی، حدود ۴ مایل مربع (۱۰ کیلومتر مربع) را تحت پوشـش قرار می داد و حـداقل ۸۰۰۰۰۰ نفر سـاکن داشت. برای فراهـم کردن آب برای چنین جمعیت زیادی، امپراطوری سیسـتمی از قنات ها را ساخت که آب آشامیـدنی را از تپه هایی که ۴۴ مایل دورتر بودند (۷۰ کیلومتر) کانال کشی می کرد. در داخل خود شهر آب با استفاده از شبکه ای از کانال ها و لوله های سربی قابل توجهی به خانه های شخصی تلمبه می شد، که نظیر آن تا قرن بیستم مشاهده نشد. مانند اکثر شهرهای اولیه ، خانه های رومی در ابتدا از سفال های خشکی که در چارچوب های چوبی قالب زده شـده بودنـد ساخته می شـد. همچنان که شـهر رشـد می یافت دارای ساختمان هایی شـد از گل، آجر، بتون و نهایتا سـنگ مرمر حک شـده ی ظریف ساخته شـده بودنـد.مـدل عمومی ساختار شـهری تا ظهور انقلاب صـنعتی ادامه یـافت، گرچه شـهرهای قرون وسـطی به نـدرت به بزرگی روم بودنـد. در طول زمـان، تجـارت به طور فزانیـده ای به بخش مهمی از زنـدگی شـهری و یکی از جاذبه هایی تبـدیل شد که مردم را از نواحی حومه ای به خود جذب می کرد. با اختراع ساعت مکانیکی، آسیاب بـادی و آبی و صـنعت چاپ اتصالات درونی ساکنان شـهر بی درنگ ادامه پیـدا کرد. شـهرها مکان هایی شدنـد که تمامی طبقـات و انواع انسـان هـا در هم آمیختنـد، که این امر عـدم تجانسـی را پدیـد آورد که تبـدیل به یکی از مشـهورترین ویژگی های زنـدگی شـهری شد. در ۱۷۷۷ ساموئـل جانسون (۱) ایـن جنبـه از شـهرها را در امثـال و حکم (apothegm) معروف خـود مورد تشویق قرار داد.انفجار فن آوری که همان انقلاب صـنعتی بود سبب افزایش اهمیت فراینـد شهرنشـینی شد. جمعیت بیشتر در نواحی کوچـک بـدین مفهوم بود که کارخـانه هـای جدیـد می توانسـتند ائتلاـف بزرگی از کارگران را تشـکیل دهنـد و چنین نیروی کار بزرگتری می توانست حتی بیشتر تخصصـی شود. در قرن نوزدهم هزاران کـارگر صـنعتی در اروپا وجود داشت که تعـداد زیادی از آنهـا در شـرایط اسف باری زنـدگی می کردنـد. مهاجرانی که مجـذوب وعـده ی کار شـده بودنـد و از نواحی روسـتایی به شـهرها سرازیر شدنـد، تنهـا برای یـافتن کـار مجبور شدنـد که در محلات فقیر نشـین آلوده و متراکم و در جوار زباله، بیماری و جونـدگان زندگی کنند. خیابان های شهرهای جدید تر که برای تجارت طراحی شده بودند اغلب به صورت طرح شبکه ای آرایش یافته و تنها بخش کوچکی از نیازهای انسان را بر آورده می کردنـد،ماننـد حریم خصوصـی و خلاقیت، اما اجازه نمی دادنـد که این شـهرها به طور نـا محـدود گسترش یابنـد.یکی از نتایـج توسعه اقتصادی متـداوم و رشـد جمعیت در ۱۰۰ سال آینـده می توانـد مراکز شـهری متمرکز ابر شـهرها باشـد که ممکن است برای مایل ها امتـداد یابـد. شواهـد این پدیـده در ساحل شـرقی ایالات متحـده پدیدار شده است، جایی که احتمالا یک تجمع شـهری واحد وجود دارد که از بوستون تا واشنگتن دی سی کشیده شده است. دیگر ابر شهرهای ظهور یـافته شامـل مجموعه توکیو-اوزاکا-کیوتو در ژاپن، منطقه میان لنـدن و شـهرهای میدلنـد در بریتانیای بزرگ و ناحیه مرکزی بلگیوم (Belgium) در هلند است)'.

(document.write(addy۵۰۸۱۰
)"(document.write
< n </script--//\<
>--!
'<'\(document.write('<span style=\'display: none
--//<
/<script>آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید!-->
)>'/'(document.write

'<)document.write('span

--//<

/<script>پانوشت:

div dir="ltr" style="text-align: justify">۱- http://en.wikipedia.org/wiki/Samuel_Johnson>

مقاله به صورت زیر ارجاع داده شود:

div dir="ltr" style="text-align: justify">• MLA Style: "urbanization." Encyclopædia> Britannica. Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite. Chicago: Encyclopædia Britannica, ۲۰۱۰.• APA Style: urbanization. (۲۰۱۰). Encyclopædia Britannica. .Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite. Chicago: Encyclopædia Britannica

<div class="e>

انسان شناسی معماری

ترجمه ملیحه درگاهی

محیط ساخته شده ای که ما به عنوان انسان در آن زندگی می کنیم از اهمیت بسزایی برخوردار است. منظر معماری عمیقا سازنده ی زندگی ماست. از جهتی دیگر، معماری، همانگونه که امروز در محیط های شهری شده ی ما ایجاد شده، به همان صورت مبتنی بر دانش بسیار محدود ماست". نظریه ی معماری "پست مدرن بوسیله ی تاریخ هنر قرار دادی تعیین شده است. مفهوم کم دامنه ی این نظریه از ارزشهای زیبایی شناسی، مانع تحقیقات و استدلال های علمی و با قضاوت هایی از سر سلیقه ی ذهنی، شده است. وضعیت فراخ تر انسان، یکپارچه نیست. بشر تنها به گونه ای حاشیه ای به عنوان مصرف کننده آشکار و با نیازهای کارکردی استاندارد شده، به نمایش درآمده است. در نتیجه، انسان شناسی معماری این امر را که افق های نظری بایستی گسترده تر شود، حفظ کرده است. اصطلاح معماری در مسیرهای جدیدی بوسیله ی ادغام در ابعاد انسان شناسانه همچون، توجهات نخستی شناسی و انسان شناسی باستان شناختی، تعریف شده است. بنابر این اصطلاح معماری اشاره دارد بر: هر آنچه که انسان ها و روابط زیستی آنها ساخته و می سازند. در اواخر سالهای ۱۹۶۰، معماری مدرن درون یک وضعیت بحرانی مانور می داد. با استفاده از دینامیت و ویرانی یک بلوک مسکونی (Pruitt-Igoe)مدرن به عنوان حادثه ی کلیدی؛ چارلز جنکز (Charles Jencks) این حادثه را مرگ مدرنیسم (Death of Modernism) نامید و عصر جدید "، پست مدرنیسم " را اعلان داشت. Pruitt Igoe پیش از این جایزه ای را دریافت کرده بود ولی در نهایت منجر به شکل گیری محله ای کثیف شد. هرچند، احساس بر این بود که بیانیه ی جنکز بازگشتی به تاریخ قرن ۱۹ از سبک هایی باشد که بوسیله ی معماران جوان زیادی به کار برده می شد. نظریه ی معماری پست مدرن، مبتنی بر تاریخ نوشته شده ی مرتبط با معماری (e.g., Vitruvianism) که اکنون توسط تاریخ نویسان هنر تحمیل شده، به عنوان یک نقص تاریخی برای " عمق انسان شناسانه ی " معماری، نقادانه زیر سؤال رفته بود. سرچشمه های معماری در نوشته های باستانی قابل دریافت نیست. در همان دوره، علاقه ی قابل توجهی به سمت دستاوردهای سنتی " معماری بدون معماران "آنچنان که برنارد رودوفسکی (Bernard Rudofsky) پیشنهاد کرد، گسترش یافت. معماری بومی حالا توسط افراد زیادی به عنوان یک قلمرو جدید تحقیقی، به شمار می آمد. کتابهایی که توسط پاول الیور (Paul Oliver) و دیگران انتشار یافته آشکار ساخته است که قوم شناسی از این زمینه به طور قابل ملاحظه ای غفلت ورزیده است. بخصوص معماران در این سمت و سوی مطالعاتی فعال شده اند. یک جنبش گسترده ی جهانی با تعداد کثیری از انجمن های بین المللی پدید آمد که تأکید خود را

بر مطالعه ی محیط های سنتی، گذاشت (IASTE, University of California, Berkeley). مهمترین نتیجه این تلاشها در دایره المعارف معماری بومی جهان که توسط پاول الیور ویرایش شده است، قابل رویت است. این دایره المعارف اثری بالغ بر ۳ جلد، با حدود ۲۰۰۰ مشارکت کننده از سرتاسر دنیاست. هدف اصلی ویرایش این کتاب سندیت دادن جهانی معماری سنتی و طبقه بندی آن بر اساس ضوابط انسان شناسانه بود. دایره المعارف نقطه ی عطفی در بررسی خانه ی جهانی است که تنوع گسترده ی اشکال خانه را در فرهنگهای متنوع دنیا به نمایش می گذارد. این چنین کتابی زیبایی شناسی های سنتی و بسیاری شرایط ساختاری خاص از سبک های مربوط به زندگی و قراردادهای اجتماعی که امروزه اغلب به عنوان امور عجیب و غریب احساس می شوند، را نشان می دهد. هر چند، به لحاظ نظری، دایره المعارف بدون اشکال نیست. به طور گسترده ای بر سطوح انسان شناسی خانه تکیه دارد و الگوهای تبیین آن از انسان شناسی تربیتی را بدون آگاهی نسبت به سرچشمه های اروپا محور این تفاسیر، به کار می برد. مشخصه های زیادی از خانه های سنتی در این چارچوب قابل تبیین نیستند. به علاوه، مسئله ای بسیار مهم آشکار می شود اگر، در توجه به مصالح استفاده شده، علایق خود را بر قلمرو سنتی یا قومی معماری متمرکز سازیم. گذشته از مصالح با دوام، ما همچنین مصالحی همچون چوب را یافتیم که خاصیت پایایی محدودی دارند و یا حتی مواد الیافی که بسیار کم دوامند.در نتیجه، آنها مزیت این را دارند که می توانند به سادگی، تنها با بهره گیری از دست، به کار گرفته شوند. دست به عنوان ابزاری ابتدایی؟ بستن، بافتن، و مانند اینها می توانند به لحاظ تکنیکی و انسان شناسانه بسیار باستانی به نظر آیند. ما انواع زیادی از سقف ها، دیوارها، و کف ها، ننوها ی خواب، و مانند اینها را می یابیم. علاوه بر این، کانتینرها، وسایل حمل و نقل، و قفس های حیوانات و موارد این چنینی، نیز وجود دارند. تمامی این موارد تولیدات مهمی از این سنخ الیاف هستند. در چارچوب تاریخی و ماقبل تاریخ معماری، این چنین تجهیزات زودگذری مفقود شده اند. زمان نابودشان کرده. ما بایستی علاوه بر کنار گذاشتن مفاهیم، روش های خود را نیز تغییر دهیم. در مورد اخیر، فرهنگ مادی بایستی بالاجبار به گونه ای انسان شناسانه تعریف شود. در مدرسه ی قوم شناسی Viennese، و بخصوص در Karl R. Wernhart، روش جدیدی به نام " تاریخ ساختاری " یا " قومیت- ماقبل تاریخ "توسعه یافته که در رسیدگی به جداسازی تاریخی سه شاخه ی متفاوت موقتی در توجه به فرهنگ مادی، قابل استفاده است. آیا مواد الیافی و فرایندهای ساخت الیاف نقش مهمی را در ماقبل تاریخ ایفا می کند؟ آیا تحول فرهنگ به گونه ای نزدیک با موضوعاتی که پایدار نبودند، مرتبط بود؟ آیا این چنین موضوعاتی بازگو کننده ی سیستم های هستی شناختی در سطح ارزشی بالا، بودند. یک چنین سؤالاتی می تواند به عنوان دلیلی خوب تفسیر شود تا به گونه ای فرضی دوره ای جدید را به سیستم های دوره ای ماقبل تاریخ، معرفی نماید: (prelithic) پیش سنگی، صنایع ساخت الیاف. ما مجبوریم به تأیید این فرضیات به گونه ای روشن تر در ذیل بپردازیم. نکته ی مهم دیگری وجود دارد. انسانشناسی معماری در ارتباط نزدیکی با انسانشناسی فضای اتو ف. بولنو (Otto F. Bollnow) قرار می گیرد. در کتاب خود انسان و فضا (Man and Space)، او مدعی است که، در تقابل با مفهوم مشابه فضای عمومی، ضرورتا اکتشافی قرن ۱۴، فرهنگی، یا انسانی، فضا در ارتباطی نزدیک با تحول مسکن و پناهگاه انسانی قرار می گیرد. این اشارات، در ابتدا می رساند که،ادراک فضای انسانی و درک فضا به گونه ای کلی در واحدهای مسکونی کوچک و محلی شکل گرفتند که معماری در آنها سیستم های معنایی برای سازمان فضایی فراهم آورد. دوم اینکه، ما مجبور به تصور فرآیند بسیار گسترده ای از ادراک و دریافت فضایی هستیم. به علاوه، عناصر تکتونیک (زمین ساختی) سیستم های محوری افقی و بومی را به کار می برند (برای مثال "، چارچوب دسترسی مکانی "یا " چارچوب قطبیت بومی). "در چارچوب کاری جدید "انسانشناسی سکونت، "ما وسایل جدید و عینی برای بازسازی الگوهای پایه ای فضایی فرهنگی با تداوم شگفت آور، بدست آورده ایم.این پیش نیازها نگاه تازه ای بر تعریف انسان شناسانه از مفهوم معماری، در اختیار قرار می دهد. این تعریف بوسیله ی ۵ طبقه اثر می گذارد: مادون انسان، معنایی، خانگی، بی حرکت، و معماری شهری/ امپراطوری. این ۵ طبقه به نسبت زمینه هایی

مستقل از تحقیق هستند. در ترکیب با نتایج قراردادی فیزیکی و فرهنگی انسان شناسی، آنها قادرند به عنوان مباحثی برانگیزاننده به کار برده شوند. شکل اجمالی این امر در ادامه مطرح خواهد شد. معماری معناگراوالتر هیرشبرگ (Walter Hirschberg) و آلفرد جاناتا (Alfred Janata)، در مطالعه ی قوم شناسانه ی مهم خود بر تکنولوژی سنتی، نشان دادند که صنایع ساخت الیافی مهمترین بخش فرهنگ مادی در جوامع سنتی هستند. آنها همچنین نقش مهمی در زمینه ی ساخت و ساز و سکونت ایفا می کنند. نقش زودگذر تعلقات تاریخی و مادی، نگاه را بر معنای انسان شناسانه ی تکنیکهایی که با مواد فیبری سرو کار دارند، مسدود ساخته است. ابزارها به نسبت مستعمل هستند؛ دست یک ابزار ابتدایی است. استقلال فرآیندها با اشاره ی همیشگی و همه زمانی مواد، همچنین با عمق دنیوی، ضمانت شد. اما در نهایت، شرایط فرهنگ مادی فیبری تنها در زمینه ی قوم نگاری قابل بررسی است. یک مثال: فرهنگ مادی آینو (Ainu) آنچنان که توسط شیگرو کایانو (Shigeru Kayano) با ترسیم های تکنیکی دقیق ارائه شده است، در حال حاضر از مهمترین هاست. کتاب کایانو ۲۵۰ وسیله و ابزار را که یک باستان شناس هرگز نیافته است، به نمایش می گذارد. بخش بزرگی از فرهنگ مادی آینو بازتاب ریشه های پیش از سیبریایی آنها است: تله هایی که به سادگی ساخته شده، قفس ها، تله های ماهی، سبدها و کیفهای مخصوص جابجایی، قایق ها، اسلحه ها و ابزارها برای اهداف مختلف. اسباب بازی بچه ها و نمادهای منزلتی نیز در این بخش قرار دارند، آنچنان که کلبه ی شکار موقتی. این چیزها به آسانی قادرند به درون عصر میانه سنگی و شاید حتی به دوران پیش سنگی میانه و فوقانی، باز ترسیم شوند. آن طور که به نظر می رسد فرهنگ مادی بسیار تواناتر از باقی مانده های تمثالی باستان شناسی بوده است. از این گذشته، آینو یک سیستم نشانه ی فرامعنایی شگفت انگیز دارد: ایناو (inau). جان بچلور (Jhon Batchelor)، کسی که به عنوان فردی معتبر در آینو مطرح بود ، این نشانه ها را تحت مفهوم اروپا محور " مذهب ابتدایی " توصیف کرده است. اما پیش از او، ویلی کرمپ (Willy Kremp) دلالت های منطقه ای نشانه های آینو را در چارچوب کاری یک پیمایش سیستماتیک، کشف کرده بود. این نشانه ها به صورت ابتدایی مرتبط با سکونت هستند، ولی در مفهومی گسترده تر آنها همچنین برای کنترل" درآمد ها "ی اقتصادی، به کار می روند. قربانگاه پشت خانه ی آینو به عنوان نقطه هماهنگی برای تبادل هدیه و هر آنچه که از طریق قلمروهای مجزا برای شکار، ماهیگیری، گرد آوری، و باغداری محدود، از صحرا به خانه می آید، عمل می کند. هیتوشی واتانابا (Hitoshi Watanaba) سیتم رودخانه را با تقابل های جهت دار کوه – و اقیانوس- و آنچنان که به عنوان سیستم جهت دهی در نظام محلی عمل می کند، توصیف کرده است. امیکو اهنوکی- تیرنی (Emiko Ohnuki- Tierney) همچنین داده های مهمی را برای فهم این نظم های محیطی که بوسیله ی نشانه ها کنترل شده، مشارکت می دهد اما او نظام خرد کیهانی آینو را به صورت کلان کیهان شناسانه ای، در پی مفهوم هستی شناسی اروپایی میرچا الیاده (Mircea Eliade) تفسیر کرد. فرهنگ ملکی ژاپنی همچنین شاخص های زیادی از فرهنگ های محلی خود مختار با صنایع ساخت الیافی، را در بر می گیرد. کیوشی میازاکی (Kiyoshi Miyazaki) با عنوان Straw (نی و پوشال)، در یک مطالعه ی دو جلدی زیبا این فرهنگ روستایی ژاپنی را، توصیف کرده است. نه تنها قایق ها، کیف ها، کفشها، و دیگر اشیاء کاربردی بلکه امور هستی شناسانه ی با ارزش مرتبط با جهان بینی کشاورزان ژاپنی، در این فرهنگ موجودند. این فرهنگ فیبرساختی بی شک قدیمی تر از آن چیزی است که ما از دوره ی یایوئی (Yayoi) در فرهنگ مادی ژاپنی ها می شناسیم. بی تردید، چنین فرهنگی به مانند سنت حیاتی در ابتدا بوسیله ی مهاجرین کشاورز، پیش رفته است. استقلال سنت بایستی در جهت یکپارچگی محلی مؤثر بوده باشد. اگرچه، در ژاپن شگفت انگیز ترینها سنتهایی هستند که در چارچوب روستای سنتی شینتو حفظ شده اند: یک سیستم فرامعنایی فیبرساختی که تا به امروز به گونه ای سنتی در تراکمی شگفت، حفظ شده است. مشخصه های تکنیکی ابتدایی به نظر با ارزشهای بالای هستی شناسی ، پیوند خورده است. نشانه ها به عنوان خدایان و یا جایگاههای موقتی خدایان محلی مورد توجه اند و کاملا در سنت تاریخی شینتو ادغام شده اند. در چارچوب انسان شناسی معماری، سنتها می توانند

به عنوان اسناد محلی تاریخ روستا، مورد نظر باشند. در چارچوب آیین های تجدید چرخه ای، نشانه ها، اقامتگاه ابتدایی خانواده های قدیمی یا خط بنیانگذار مسکن که بوسیله ی یک یا چندین خانه به نمایش گذاشته شده است. از آن زمان این خانه ها به بیان یک هژمونی ملایم در روستاها می پردازند، آیین همچنین ساختار سیاسی و اجتماعی مسکن را تقویت می کند. بنابراین آنچه که چشم انداز غرب به عنوان مذهب مورد توجه قرار داده ، به میزان گسترده ای به عنوان یک تشکل سنتی محلی آشکار گشته است. در مورد ژاپن، آگاه شدیم که چنین نشانه گذاری های فرا معنایی الیافی، بایستی شاخصه ی ساختاری مهم در سکونتگاههای کشاورزان پیش از تاریخ، باشد. کتاب Guenther kapfhammer در مورد سنت های اروپای مرکزی مربوط به آلپ یک چنین نشانه گذاری هایی را همچنین به عنوان maypoles نشان می دهد و تمایلی به جهت فولکلور اروپایی دارد. ما آنها را به عنوان " امور ستودنی "و " بتها "در بسیاری از فرهنگهای سنتی دنیا، یافته ایم و به گونه ای تاریخی آنها را در چارچوب اسطوره شناسی جیمز فریزر و ویلهلم مانهارت، فهمیدیم. به لحاظ باستان شناسی، این چنین نشانه گذاری هایی به عنوان شجره های زندگی به اشکال گوناگون ، شناخته شده اند (عصر برنز). به احتمال زیاد تعداد فراوانی از tectiformes""هنر صخره ای (rock-art) کارکردهای یکسانی داشته اند. بنابراین معماری معناگرا می تواند به عنوان نوع معمارانه از مفهوم پیش خانگی که به صورت جهانی گسترش یافته، در نظر گرفته شود. به احتمال قوی معماری معنا گرا زمینه ی تجربی شکل معماری و متناظر با معانی نمادین بود.ما اغلب " ارزشهای والای هستی شناسانه "را که با جهان بینی های محلی مرتبط هستند، ذکر کرده ایم. این نکته ی مهمی است، که بایستی در اینجا طرح شود. مهمترین نتایج بررسی های قوم شناسانه ی متمرکز بر معماری معنا گرا می تواند در این حقیقت دریافت شود که اصول شناختی بنیادهای خود مختار قابل توصیف بوده اند.این امر با ابتدایی ترین اشکال بیان شده و بوسیله ی فرآیندهای سازنده، بدون هیچ گونه ایده ی از پیش تعیین شده ای از جانب تولید کننده، به گونه ای خود مختار تولید شده است. این بیان می تواند به عنوان " تقابل قطبیت" "categorical polarity "یا " توافق تقابل ها " "coincidence of opposites، " مشخص شود. در سنت ۱۰۰ روستایی که توسط نویسنده ی حاضر مورد بررسی قرار گرفته، به روشنی نشان داده شده که چگونه شکل هندسی ابتدایی، ضرورتا ستون- یا نوع کلبه مانند، روندی از تمایز محلی را دنبال می کند، از طریق توافق با تقابل های جای گرفته در فرم مشابه به عنوان " اصول کلی، "وارد گفتگو با اشکال طبیعی می شود. با بیشترین وضوح، این امر با یک فرم درختی و نیز با پرندگان، کوهها، یا با نوع خاصی از ماهی، در برخی روستاهای کوچک به وقوع می پیوندد. همچنین تقابل های زنانه-مردانه، مارهای دوسر، اژدهای آتشی، و مانند اینها نیز وجود دارند. تا حدی، جهان استعاره ای نخستین، که هرچند، پیشینه ی عینی روشن خود را دارد. همگرایی فرم مصنوع و طبیعی از طریق تقابل قطبیت سیستم فرا معنایی، و نیز به گونه ای نسبی از طریق مقایسه ی متقارن (polar analogy) هر دو شکل، اتفاق می افتد.اشکال مصنوعی بوسیله ی شرایط ساختاری، تکنیکی و هندسی به طور مسلطی متشخص، باقی می مانند. با توجه به سؤال پیش از تاریخی در مورد اینکه چطور انسان اشکال طبیعی را کشف کرد، نمونه هایی از اینکه چگونه محیط بوسیله ی ادراک هوشیار سازماندهی شد، قابل طرح هستند. آنچه که از منظر طبیعی بسیار به چشم می آید ساخته شدن بر مبنای این اصول متقارن است. زمان می تواند در روابط متقارن و به مانند سلسله مراتب اجتماعی اولیه، ادراک شود. گفتگو میان معماری معنا گرا و فرم طبیعی می تواند به عنوان مدلی برای درک فرهنگی از طبیعت در سطح مقایسه های متقارن جزمی، مورد استفاده قرار گیرد. به احتمال فراوان قطبیت یا تقارن، به عنوان یک سیستم شناختی، در یک تحول زیبایی شناسی ابتدایی که هنوز در بسیاری جوامع سنتی قابل مشاهده می باشد، تولید شده است. و در حقیقت، به گونه ای ساختاری درون منظرهای زیادی از مفاهیم مدرن، باقی مانده است. سرچشمه های این مفهوم در دوره ی پیشا سنگی میانه، که میان هومو ساپینس و هومو ساپینس ساپینس قرار دارد، قابل فرض است. همچنین امکان این امر وجود دارد که این فرآیند شناختی به گونه ی قابل توجهی با افزایش ظرفیت مغز، مرتبط شده باشد. معماری خانگیبا خودنمایی یک طبقه ی فرا معنایی

ابتدایی در طرح تحول معماری، ما شاخص جدیدی برای توسعه ی معماری خانگی کسب کردیم. نظریه ی مسکن so-called، با فرض بر اینکه سقف های محافظ یا بادشکن های مقابله کننده با تأثیرات شدید آب و هوایی توسط انسان اختراع شده، به عنوان retroprojection عملکردی، آشکار می شوند. کلبه ها و خانه ها به عنوان پیشرفت های آمیخته با یکدیگر تفسیر می شوند. ما چارچوب های معماری بنیادین همچون " چارچوب دسترسی مکان " را کشف می کنیم که در آنها معماری معناگرا نقشه ی اولیه با " مکان- و نشانه های ورودی "را تعریف می کند که به دیگر عناصر منتج از معماری معناگرا ملحق شده. محراب ها و خدایان خانه به عنوان نشانه های مکانی و چارچوبهای مقدس به مانند نشانه های ورودی، نمود می یابد. در نتیجه، همانگونه که گوستاو رانک (Gustav Rank) نشان داده، نقشه های خانه اغلب نسبت به تغییر مادی و شکل بیرونی منعطف خانه، به طور گسترده ای محتاطند. نشانه گذاری های عالی مرتبه ی هستی شناسانه با آیین های چرخه ای، که کاملا بر تجدید آنها متمرکز بودند، ثابت می شوند. آتش در آتشدان گشوده به عنوان ساختمانی مستقل آشکار می شود که به خانه یا محراب آن هنگام که اقتدار هستی شناسانه ی آنها را حفظ می کند، وارد شده است. به مانند سقف. این امر می تواند به عنوان پیشرفت مستقل نشانه های شبیه محراب، استخراج شود. این برنامه ضرورتا منتج از دو سنتی است که به گونه ای عمیق مطالعه شدند، این دو سنت از انواع مختلف خانه در آینو و خانه های کشاورزی ژاپن، هستند. سنتها در هر دو خانه، با همه ی تنوعات، بر طبق اصول عملکردی توسعه نیافته اند. هر دو برابر با انباشتگی های به نسبت مستقل عناصر منتج از یک لایه ی فرا معنایی پیش خانگی، هستند که فضای زندگی را با نشانه گذاری های فرامعنایی تجدید شده به گونه ای چرخه ای، تعریف کرده است. این امر ضرورت مهم و مرکزی را برای بررسی خانه ها ایجاد می کند: این بررسی بایستی آیین های مربوطه را در بر گیرد. معماری ثابتدر ادامه ما به بحث در مورد بینش مهمی در این رویکرد می پردازیم: تحول کنترل منطقه ای و زندگی ساکن. در عصر میان سنگی، بعد فرهنگی مطرح می شود که از طریق شکل توسعه یافته ی آن، فهمیده می شود اما به لحاظ باستانشناسانه با شرایط واقعی آن، قابل بازسازی نیست. در اینجا همچنین روشهای قومی- ماقبل تاریخی پتانسیل جدیدی را برای فهم بهتر پدیده ی افزایش ظرفیت برای کنترل منطقه ای و، در نهایت، ثبات دائمی بواسطه ی شرایط نهادی آن را به نمایش می گذارد. ما قادر به فرض این هستیم که فرآیندهای مرتبط با کنترل منطقه ای همچون طیف وسیع مجموعه ی غذایی (میانه سنگی)، فرهنگهای روستایی ساکن و دائم (نوسنگی)، و تشکیلات شهرها و دولت ها با سلسله مراتب اجتماعی (عصر برنز)، رخدادهای مجزایی نبودند بلکه به گونه ای ساختاری بخشهای منسجمی از توسعه ای وسیع تر بودند. میان سنگی، بنابراین، به طور فزاینده ای بوسیله ی ارتباطات ثابت و با ظرفیت جمع آوری طیف گسترده ی غذا، تشخص یافته است. هرچند وضعیت سطوح جدید روشن نیست. از جانب دیگر، مقایسه با شرایط قومیتی به روشنی اهمیت سیستم های فرامعنایی را نشان می دهد. در مورد آینو، بدیهی است که طیف وسیع گردآوری غذا بوسیله ی یک سیستم فرامعنایی فیبر ساختی، هدایت می شود. در چارچوب یک سیستم قطبی جزمی، نشانه های فرامعنایی بخشهای متضاد درونی و بیرونی را مرتبط می سازد. فرم نشانه های فیبر ساختی آستانه ی ورودی بیانگر تبادل هدیه میان انسان ها و بیابان هاست. در فضای صمیمی مسکن ریشه گرفتند، در نواحی وسیع شکار و جمع آوری، داخل دره ای به عنوان محدوده ی خانه ی آینو، گسترش یافتند. یک سیستم پیچیده ی قطبیت جزمی همچنین، زمان، نقش اجتماعی، و تعاون همگانی را کنترل می کند. به طور خلاصه، مقایسه ی با شرایط قومی نظرات بسیار روشنی را در مورد موقیت ساختاری و اصول هستی شناسانه بر اساس اینکه سیستم های کنترل منطقه ای می توانند تحول یابند، در اختیار ما قرار می دهد. عصر نوسنگی به لحاظ پیش از تاریخی بوسیله ی سکونتگاههای دائمی کشاورزان و آگاهی سازی، تشخص یافته است. اشتغال پایدار یک منطقه کم و بیش با دامداری و کشاورزی، اهمیت می یابد. هرچند، سؤال این است که چگونه سکونتگاههای نهادین سازماندهی شده رها باقی مانده اند. فرض انسان شناسی معماری بر این است که سیستم های نشانه گذاری فرا معنایی حال حاضر، پیش از این در دوره ی میان سنگی وجود داشتند و در دوران نوسنگی غالب شدند. آنها

کارآمدی بالایی را در محافظت از زندگی ساکن اثبات کردند و در نتیجه ارزشهای والای هستی شناسانه را در میان افراد محلی تولید کردند. عناوین مهم، مرز هسته ای (nuclear border)و مجموعه ی هسته ی مسکن (settlement core complex)هستند. نشانه گذاری های مرز هسته ای در میانه ی مساکن، مستقر بودند. نشانه گذاری های فیبری درون بخش کنترل شده ی مسکن، باقی می ماند. به طور حتم ساختار تقارنی " معماری معنا گرا " به لحاظ فضایی به سمت بیرون، تولید نقشه های روستایی با سطوح مکمل، قلمروهای کارکردی و غیر کارکردی، طراحی شده است. در ابتدا، این امر بایستی درون سیستم های مسکن منطقه ای مؤثر واقع شود که همچنین یک سیستم هستی شناسانه ی ارزشی که به علاوه به حمایت از مسکن می پردازد را توسعه می دهد. تقارن به ارزش هستی شناسانه ی مسلم مرتبط با نشانه ها بدل شده بود. آنها به عنوان مدلهای سازمان موزون فضا، زمان، و سازمان اجتماعی، به کار می رفتند. این امر همچنین اشاره به نوع اولیه ای از زیبایی شناسی دارد ، که ارزش را به صورت کلی برای مسکن تولید می کرد. تجدید چرخه ای همچون نشانه گذاری های فیبر ساختی، عمق مادی را به حس آگاهی محل سکونت، معرفی می کرد. علاوه بر این، سلسله مراتب اجتماعی درون روستاهای کشاورزی توسعه یافت. از طریق تکرار آیین چرخه ای، سیستم نشانه گذاری مرتبط با بنیاد مسکن، منظری که به گونه ای محلی در خط خانه ی مؤسس نشان داده شده، باقی ماند. خانه ی مؤسس مطالبات مسلط را توسعه می دهد. در معرف آیین تکرار، با عملکردهای غالب آشکار می شود. او روحانی و رئیس یا قانونگذار مسکن است. بنابراین، سیستم فرامعنایی عملکرد یک نظام محلی سنتی را بر دوش داشت. آنچه ما به عنوان معماری معنا گرا تعریف کردیم می تواند به عنوان بایگانی نانوشته تری از تاریخ اسکان به کار گرفته شود که به احتمال فراوان نهاد پایه ای مربوط به فرهنگ های روستایی عصر نوسنگی است. معماری شهری و امپراطوریشکل گیری تمدنهای عتیق در عصر برنز زمینه ای است که انسان شناسی معماری اعتبار آن را به روشنی نشان می دهد. بر طبق منابع غنی باستان شناسی، روش انسانشناسانه، بینش های جدید قابل توجهی را برای فرآیندهای نهادی، فراهم می آورد، بر اساس ارزشهای هستی شناسانه ی مرتبط با معماری و نیز بر اساس نهادهای تشکیلاتی، این فرآیندها شکل خویش را در دوران های نو سنگی باز می یابند.باستان شناسی و تاریخ قراردادی، یافته های عصر غنی برنز را به عنوان شروعی بر فرهنگ عالی عتیق، سامان می دهند. آنها توانگری اشکال و سهم این پدیده های اعجاب آور را در جهت ایجاد توان بالای نوآوری تمدنی عصر عتیق، تحسین می کنند.در جهت علت یابی برای تغییرات نهادی و اجتماعی عظیم، تبیین های مجهز نوبنیاد دارای فقدان هستند.هرچند، تفسیر باستان شناسانه ی منابع از نکته ی مهمی غفلت ورزیده است. بخش بزرگی از منابع شاخص های روشنی از کهن الگوهای فیبر ساختی در بافندگی و ساختار رسمی، نشان می دهد. این امر برای پرستشگاهها، ستونهای پرستشگاه ، عمیق ترین مقدسات، دروازه ی پرستشگاه، لوح سنگی، نمادهای مذهبی و مادی نقش بسته بر تخت ها، ستونها، درختهای زندگی و مانند اینها، معتبر است. آندرا تأکید قدرتمندی بر این منظر از " دگردیسی "میان مادیات زودگذر و ماندگار در این قلمرو داشته است. در این کتاب: ستون آیونیان، شکل ساخته شده یا نماد؟ (The Ionian Column, Built Form or Symbol) او کیفیت بالایی از منابع باستان شناسانه را در جهت حمایت از نظریه های زیرلایه ای فیبر ساختی در میان فرهنگ های روستایی پیش دودمانی در خاور نزدیک و مصر، معرفی کرد. بر مبنای این زیر لایه ها، او ستونهای یونانی آیونیان یا دسته های اجتماعی کورینتیان (Corinthian) را به عنوان ستونهای گیاهی پیچیده در هم که در ظرفی سنگی تحول یافته اند، تفسیر می کند. بنابراین آنها محصور در ستونهای گیاهی معابد مصریان جای گرفته اند. از جانب دیگر، آنچه که باستان شناسی به عنوان سطح ابداعی عالی از " تمدن عتیق " توصیف می کند اساسا به عنوان یک تولید تحول یافته از معماری فیبر ساختی و فرهنگ مادی فرهنگ های روستایی پیش دودمانی، در برگیرنده ی ساختار های اجتماعی سیاسی متناظر، آشکار می شود. کهن الگوها با روش باستان شناسانه نمایش داده نمی شوند. این امر به یک ارزیابی کاملا جدید از تمدن عتیق منجر می شود. نوآوری ها به گونه ای پایه ای برگرفته از منش تکنولوژیکی، بودند. اولین شهر ها و امپراطوری ها اساسا موجودیت

خویش را مرهون" تاریخ سازی ("monumentalizaton ") اسناد "گیاهی بودند که به طور چرخه ای در بایگانی های قانونی روستاهای پیش دودمانی بازتولید شده اند. آنها درون مصالح پایداری تکثیر شدند که گستره ی فضایی امپراطوریها را ستود. روستاها به واسطه ی ساخت گیرای مراکز آیینی به عنوان نهاد فوقانی در یک سیستم خدامحورانه ی تاریخی در جهت کنترل منطقه ای، می توانستد مهار شوند. مصارف مادی آیین های روستایی چرخه ای، همچون مالیات و کار به گونه ای مرکزی بر سطوح بالاتر مرکزیت یافته بودند.این امر انباشتگی ثروت در مراکز را به بار آورد. مفهوم زمان چرخه ای روستایی که به دست زمان خطی لغو گردیده، بوسیله ی ساختمان های " ابدی ("eternal")، بیان شد. علیت مشهود آیین ها در بنیان روستاها و هستی شناسی محلی متناظر بوسیله ی اختلاط تبار شناسی های ((genealogies یزدانی جایگزین و توسط سرچشمه های آنها به درون ژرفای زمان خیالی (myths)، طرح ریزی شد. همان گونه که هرمان کیس (Hermann Kees) به روشنی توصیف کرده، فرآیندهای هژمنیک به همان صورت که بر سطح امپراطوری با آیین ها و معابد متناظر توسعه یافتند بر سطح منطقه مذهبی نیز گسترده شدند. سکونتگاه معماری ساخت خود مختار به طور کلی مقهور کنترل مرکزی بوسیله ی سیستم آیینی تاریخی شده، بود. دین سالاری به عنوان شکلی سیاسی آشکار شد. معماری تعریف شده در چارچوب وسیع تر انسان شناسانه منظرهای تازه ای از شرایط انسانی با توجه به سازمان دهی منطقه ای و اسکان سازی به همان صورت که در چشم انداز تشکیل تمدن های عتیق است، آشکار می سازد. بر مبنای" ساختمان سازی(("constructivity مقدماتی، معماری ارتباط نزدیکی با مادون انسان و هستی انسانی برقرار می کند. اما معماری نه می تواند به سادگی به عنوان بخشی از چارچوب هنر-هنرمند اروپا مرکز و نه در دوایر قراردادی آن، مورد توجه قرار گیرد. روش ها بالاجبار بایستی به جهت افق های فکری جهانی که چشم اندازهای انسان شناسانه از ژرفای دنیوی معرفی می کنند، حرکت کند.Nold Egenter صفحات ۲۶۱ تا ۲۶۸ از کتاب Encyclopedia of Anthropology به ویراستاری .H James Birx.http://anthropology.ir/node/۸۱۴

شهروندان، حقوق شهروندی و مشارکت

دکتر فریدون وردی نژاد

مقدمه: شهروندی و جامعه مدنی دو مفهومی است که همواره با یکدیگر همراه بوده¬اند، در همین راستا بسیاری از اندیشمندان، جامعه مدرن را جامعه مدنی می دانند، زیرا مهم ترین ویژگی جامعه مدرن، پیوستگی تفکیک ناپذیر آیین شهروندی و مشارکت های مدنی است و در مرکز سیاسی-جغرافیایی به نام

شهر اتفاق می افتد. در حالی که حرکت مردم در روند روبه رشد حیات مدنی به سمت تکوین جامعه مدنی است، از مفهوم(town) به مفهوم(city) می رسیم. هابرماس جامعه مدنی را حوزه ای می داند که درآن تصمیم گیری ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می گیرد. بنابراین قهرمان اصلی جامعه مدنی، شهروندی است که مشارکت از جمله حقوق اساسی وی به شمار می رود.تعاریف:شهر:یک پدیده طبیعی (مجموعه ای از مواد، ساختمان ها، خیابان ها و ...) و انسانی(شامل ظرفیت تفکرات افراد، فرهنگ و الگوهای زندگی و...) است.شهر ترکیبی از عناصر مادی(مدنیت) و غیر مادی(اخلاقی) است(کمیته فرهنگ شهری،۱۳۸۳، ص ۲،۳).کلان شهر:به گونه‌ای از شهرهای جدید اطلاق می‌شود که جمعیت متراکم و ثروت بسیاری را در خود متمرکز نموده و عموما به مثابه مرکز اصلی تصمیم‌گیری و تعیین برنامه‌ریزی‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی در یک منطقه بزرگ و یا در یک کشور عمل می‌نماید(نظام نامه). بسیاری از برنامه ریزی‌های شهری و مسکونی از آن رو با مشکل روبه‌رو می‌شوند که دست‌اندرکاران آنها درک روشنی از کارکردهای اجتماعی شهر ندارند آنها تلاش می‌کند این کارکردها را صرفا با انداختن نگاهی سطحی به فعالیت‌ها و نیازهای موجود در صحنه شهرهای

معاصر درک کنند در واقع پرسش این است که شهر را به مثابه یک نهاد اجتماعی چگونه باید تبین کرد؟ ابزار فیزیکی اساسی برای وجود شهر عبارتند از یک کالبد ثابت، مساکن پایدار، تاسیسات دائم برای گردآوردن، تبادل و ذخیره‌سازی و ابزار اجتماعی اساسی عبارتند از تقسیم اجتماعی کارگر نه فقط زندگی اقتصادی بلکه فرایندهای فرهنگی را نیز تضمین می‌کند بنابراین شهر در معنای کامل آن عبارت است از یک گستره جغرافیایی، یک سازمان اقتصادی، یک فرایند صنعتی، صحنه‌ای برای کنش اجتماعی و نهادی زیباشناختی از وحدت جمعی.شهروندی:سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می باشد(Richards, ۲۰۰۴, ۸). مانند: دانستن اسامی مدیران شهری، پذیرش مسئولیت های اجتماعی و ... شهروندی یکی از نقش های اجتماعی اصلی افراد در جامعه مدرن است.نکات مشترک مورد تاکید در گفتمان های شهروندی به شرح ذیل است: حقوق، وظایف و تکالیف شهروندی مسئولیت شهروندی مشارکت شهروندی برابرسازی شهروندی حمایت و ضمانت دولت برای تحقق شهروندی نهادی شدن شهروندی(نجاتی حسینی ۱۳۸۰).شهروندی فعال:شهروند فعال فردی است مشارکت جو که سرنوشت حیات شهر و محیطی که در آن زندگی می کند برای او در سلسله مراتب ارزشی جایگاه والایی داشته و او تلاش می کند تا با مشارکت فعال و داوطلبانه خود چنین سرنوشتی را بیشتر به سعادت و خوشبختی نزدیک کند(قاسمی، ۱۳۸۶).حقوق شهروندی:به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند(Friedmann, ۲۰۰۲).رویکردهای مختلف به حقوق شهروندی – در تئوری های جدید، حقوق شهروندی مفهوم عام و گسترده ای یافته است و شامل هر اقدام و عملی می گردد که سبب اعتلا و آرامش روحی و جسمی اشخاص شود. بنابر این حقوق شهروندی بخشی از حقوق(Right) گسترده و ریشه داری است که به نام حقوق بشر شناخته می شود. – حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با دید و نگاهی خاص این علم را تعریف و تشریح کرد زیرا کارکردهای آن متفاوت از حقوق بشر است. حقوق شهروندی، به روابط شهرنشینان با همدیگر و رابطه ایشان با ارگانهای دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از" حقوق شهروندی "به مفهوم عام به شمار آورد.– حقوق شهروندی رابطه دولت و شهروندان را مشخص می کند. حقوق شهروندی مورد نظر ما همان قواعدی است که مرتبط با شهرداری(دولت) می باشد. پس حقوق شهروندی درظرفیت مشارکت مردم اثر دارد. بنابراین قطعاً آگاهی از آن نیز بر میزان مشارکت اثرگذار است.(علیرضا علوی۱۳۷۹) در بارزترین تعاریف شهروندی، لغت نامه تفکر اجتماعی قرن بیستم، در باب شهروندی چنین آمده است: « نخست این که شهروندی رسمی است که در تمامی جهان، کم و بیش به معنای عضو کشوری بودن یا عضویت داشتن در محدوده دولتی ملی معنا می‌شود، دوم این که شهروندی بنیاد و جوهری است که بر پایه داشتن مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و به ویژه حقوق اجتماعی تعریف می‌شود.»(نظام نامه) – حقوق شهروندی از دیدگاه حقوقی «Rule»:قانون؛ تبلور حق است. گسترش زمینه های فرهنگی احترام به قانون، گامی در گسترش حقوق شهروندی می باشد تا شهروندان بیاموزند و اعتقاد پیدا کنند که قانون فی نفسه مقوله ای مقدس و محترم است زیرا ضامن حقوق آنها است و تامین کننده مصالح عمومی. تساوی مردم در مقابل قانون بد، بهتر از نبودن قانون یا اجرای غلط قانون خوب است (وکیلیان،۱۳۸۲). قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی. مصوب ۱۵/۲/۱۳۸۳ مشتمل بر ۱۵ بند، نمونه بارز این دیدگاه است. مخاطب آن قوه قضاییه، محاکم عمومی، انقلاب و نظامی و دادسراها است و جهت رعایت حقوق انسانی متهمان و محکومین نگاشته شده است.حقوق شهروندی در بعد بین المللی الف) "منشور مردم (Peoples Charter, ۲۰۰۱) - این منشور در سال ۲۰۰۱ بر مبنای یکی از معتبرترین اسناد حقوقی انگلستان (منشور کبیر Charter Magna) نگاشته شده است. بر اساس منشور کبیر یک مقام سلطنتی انگلیس برای اولین بار، حقوقی را به مردم انگلستان إعطا نموده است. این سند به مثابه یکی از نخستین اسناد حقوق شهروندی در دوران جدید قابل شناسایی است. این

بازنویسی به دلیل توجه بشریت به حقوق بنیادین خویش صورت گرفت تا تاکیدی بر این سند و نیز تعهدی دوباره جهت تحقق این حقوق باشد.ب") اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه ("Declaration of the Rights of Man, ۱۷۸۹) - این اعلامیه در سال ۱۹۷۹ پس از انقلاب کبیر (که از بزرگترین تلاشهای جامعه اروپایی جهت رسیدن به آزادی بود)، در صحن مجمع عمومی فرانسه تصویب شد؛ بنابراین، این سند به مثابه مادر بسیاری از اعلامیه های حقوق شهروندان می باشد.ج") منشور کانادایی حقوق و آزادی ها ("Canadian Charter of Rights and Freedoms, ۱۹۸۲) - این منشور در سال ۱۹۸۲ نگاشته شده است و دیدگاه مردمان آمریکای شمالی را نسبت به حقوق شهروندی بیان می دارد.د") منشور آفریقایی حقوق مردمان و بشریت" (African (Banjul) Charter on Human and Peoples Rights) - این منشور حاصل یک گردهمایی رسمی در سال ۱۹۸۱ است و دیدگاههای بسیاری را در بر دارد و ضمانت اجرایی آن قانوناً، مورد تاکید قرار گرفته است.ه") منشور شهروندان شهر شیبویای ژاپن ("Shibuya Citizen's Charter, ۱۹۹۷) - این منشور کاملا اختصاص به یک شهر نوین دارد و با دیدی جامع و آینده نگر در سال ۱۹۹۷ نگاشته شده است و اشارات ظریفی را از دیدگاه های آسیایی در بر دارد.و") منشور اروپایی حقوق ("European Charter of Rights,۲۰۰۰) - این منشور در سال ۲۰۰۰ با توجه به تحقق اروپای واحد و تبلور این آرزوی دیرینه در قالب پارلمان اروپا، نگاشته شده و از جامعیت قابل توجهی برخوردار است.ز") منشور جهانی حقوق شهری("World Charter on the Right to the City, ۲۰۰۴)- این منشور در مباحثه جهانی شهری ۲۰۰۴ بارسلونا، و مباحثه اجتماعی قاره آمریکا که در سال ۲۰۰۴ در کیوتو برگزار گردید، نگارش یافته است و عمدتا به بحث از شهر و شهرنشینی و حقوق ساکنین شهرها می پردازد. با توجه به جامعیت این منشور، اسناد دیگری از روی آن نگارش یافته‌اند؛ نظیر منشور رهبران سازمانهای آسیا (LOCOA) که در سال ۲۰۰۵ در فیلیپین منتشر شده است.منشور شهروندان شهر شیبویا (Shibuya Citizen's Charter, ۱۹۹۷):۱ ساختن شهری با برنامه‌های رفاهی و مستعد مشارکت و مساعدت همه شهروندان۲ ترسیم، هدایت و توسعه ادراکات بشری و فعالیت‌های خلاق و نشاطانگیز۳ ساختن شهری پوشیده از طبیعت سبز و حامی محیط زیست، برای نسل‌های آینده۴ ساختن شهری که در دنیا با هویت مستقل از توکیو شناخته شود۵ ساختن شهری امن و ایمن که هر کس بتواند یک زندگی سالم و شاد را در آن استمرار بخشد.منشور جهانی حقوق شهری (World Charter on the Right to the city) هرگونه تبعیض جنسی، سنی قومی نژادی سیاسی، مذهبی، درآمدی و عقیدتی نفی می‌شود همه کسانی که دائماً در شهر زندگی می‌کنند و یا به شهر در رفت و آمد هستند شهروند شمرده می‌شوند شهر به صورت دموکراتیک اداره می‌شود بهره‌برداری اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی از فضاهای عمومی و اختصاصی شهر مختص شهروندان است بنابراین همه شهروندان حق دارند در مالکیت قلمرو شهری مشارکت داشته باشند و اعمال حاکمیت نمایند همه شهروندان حق دارند از شرایط لازم برای پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار گردند. هرگونه تبعیض میان ساکنان دائمی شهر و افراد دیگری که به صورت موقت در آن رفت و آمد دارند، نفی می‌شود حمایت‌های خاص از گروهها و افراد آسیب‌پذیر، مانند فقرا، بیماران و افراد در معرض خطر، قربانیان خشونت، مهاجران، پناهندگان، افراد مسن، زنان و کودکان اولویت دارد. عوامل بخش خصوصی نیز باید تضمین نمایند که به تعهدات اجتماعی پایبندند. توسعه شهر باید به طور متعادل و بدون اخلال در روند حفاظت از میراث هنری، تاریخی، فرهنگی و زیست محیطی شهر انجام شود. شهروندان حق دارند در تدوین بودجه شهری واتخاذ تصمیم دربارهٔ توزیع منابع عمومی مشارکت نمایند. مدیریت شهری باید به صورت شفاف انجام پذیرد. همه شهروندان حق دارند از اطلاعات به روز، صحیح، دقیق، و کافی درباره نحوهٔ اداره شهر برخوردار باشند؛ از این رو توسعه رویه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی الکترونیکی جهت سهولت در دسترسی به اطلاعات ضرورت دارد. حق برخورداری آزادی و کرامت جسمی و روحی انسان باید محترم شمرده شود. حق داشتن اجتماعات انجمن‌ها، بیان عقیده و استفاده دموکراتیک از فضاهای عمومی شهری باید محترم شمرده شود. همه شهروندان

از حق مشارکت سیاسی برخوردارنـد. همه شـهروندان حق دارند از سیسـتم دادرسـی عادلانه برخودار باشـند. توسـعه سیسـتم‌های دفاعی قانونی رایگان برای شهروندان فقیر ضرورت دارد. همه شـهروندان حق دارند از امنیت اجتماعی و همزیستی برپایه آرامش، مسئولیت مشترك و تنوع فرهنگی برخودار باشند. برخورداری از خدمات عمومی شهری و خانگی (و حمایت از آنها)، ذخایر آب آشامیدنی سالم، نیروی برق، روشـنایی، سوخت، بیمارسـتان‌های بهداشتی، مدارس، سیستم دفع بهداشتی زباله، تسهیلات فاضلاب و ارتبـاط از راه دور، حق همه شـهروندان است. ارائه این گونه خـدمات حتی اگر قبلا به صورت خصوصـی بوده است, بایـد در قالب خدمات عمومی باشد. برخورداری از سیسـتم حمل و نقل عمومی کافی، با هزینه مناسب و قابل دسترسی برای همه شهروندان و از حیث برنامه‌ریزی زمانی قابل اعتماد، ترافیک بدون آلودگی هوا و متناسب با تنوع نیازهای زیست محیطی و اجتماعی (مانند جنسیت و سن) و وضـعیت معلولین، حـق همه شـهروندان است. برخورداری از محـل سـکونت و سـرپناه امن و داشـتن خـانه‌ای متنـاسب با درآمـدهای شـهر و مشـخصه‌ها فرهنگی آن حق همه شـهروندان است (پس هیـچ کس حتی فقیرترین افراد جـامعه نبایـد بی‌خانمـان بمانند). برخورداری از تسهیلات آموزشی بدون تبعیض، حق همه شهروندان است. برخورداری از اشتغال بدون تبعیض و ارتقای سطح کار، حق همه شـهروندان است. کار کودکان ممنوع است و زنان باید به کار مناسب و درآمد عادلانه و قابل ارتقاء، دسترسـی داشـته باشـند. هچنین بایـد برای گروه‌هـای آسیب‌پذیر و معلول نیز محیـط کار مناسب تـدارك دیـده شود. برخورداری از فضـای منـاسب و سـالم، برای فعالیت‌هـای فرهنگی و ورزشـی و صـرف اوقات فراغت، حق همه شـهروندان است. برخورداری از سـلامتی فیزیکی و روانی و دسترسـی به خـدمات عمومی بهداشتی جهت پیشـگیری از بیماری‌ها، حق همه شـهروندان است. برخورداری از محیـط زیست سالم حق همه شـهروندان است. حفـاظت از میراث هنری، فرهنگی، معمـاری و طبیعی حق همه شـهروندان است. ایجـاد شاخص‌هـایی برای اجرای حقوق شـهری از جمله تمهیـد همکـاری همه شـهروندان و سازمان‌های جامعه مـدنی و ایجاد التزام قانونی جهت اسـتفاده از حداکثر منابع شهری جهت اجرای این حقوق (آموزش اصول این حقوق در مدارس و دانشگاه‌ها و از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها)، ارزشـیابی مداوم درجه رعایت این حقوق در شـهر، و ایجاد سیستم پایش و کنترل اجرای رویه‌ها و سیـاست مـالی توسـعه شـهری حـق همه شـهروندان است. کلیـه اعمـال کمیسـیون‌های مسئول، اداره‌هـا و سازمان‌هـای قضـایی، یا تلاش‌هـای اجتمـاعی در جهت ایجاد مانع برای عملی شـدن این منشور، یا مسـدود ساختن راه مشارکت افراد و گروه‌ها در مـدیریت شهر و تصـمیمات مرتبط با زندگی در شـهر، ناقض حقوق شهروندی تلقی می‌شود. سازمان‌هـای اجتماعی، حکومت‌های محلی، و سازمان‌هـای بین‌المللی، قانوناً متعهـد به اجرای این منشورنـد.در راسـتای بررسـی حقوق شـهروندی و تکالیف شـهروندان، پژوهشـی باعنوان ذیل انجام داده است:" بررسـی بحران همنوایی مسیر تجـدد در ساختار فیزیکی شـهر و توسـعه فرهنگ شـهروندی در تهران "یافته های پیمایش: فرهنگ شـهروندی در تهران از سیر توسعه مصنوعات شهری عقب مانده و با تغییرات شاخص های نوگرایی، توسعه متناسب با آن در فضای فرهنگی تهران اتفاق نیفتاده است. بنابراین رشد تجدد در ساختار فیزیکی تهران با فرهنگ شهروندی در این شـهر همراستا نبوده است. فرهنگ شـهروندی در زمینه های حقوق شـهروندی در ۴۰ سال اخیر پیشـرفت لازم را همراستا با توسـعه کالبدی تهران نداشته است و وضعیت حقوق مدنی و حقوق اجتماعی شهرنشینان نامناسب می باشد. فرهنگ شهروندی در زمینه تکالیف شـهروندان همگام با توسـعه فیزیکی شـهر رشـد نداشـته است و شـهروندان کلان شـهر تهران در زمینه قانون مداری و مشارکت اجتماعی به میزان لازم مساعدت ندارند. ولی مشارکت مدنی نسبت به ۴۰ سال قبل افزایش داشته و شهروندان تهرانی در این زمینه به تکـالیف خود عمـل می کننـد.بـا عنایت به این که در صورت روشن بودن حقوق و وظایف شـهروندان، تکامل فرهنگ شهرنشینی اجتناب ناپـذیر خواهـد بود. گزاره های مورد تاکید در پرسـش نامه این تحقیق به شـرح زیر و با اسـتفاده از شاخص های کیفیت زندگی بنیاد مرسر و ۷ منشور بین المللی حقوق شهروندی استخراج شده است:الف)حقوق شهروندی۱-حقوق مدنی: آزادی انتخاب شهروندان (ماده ۳ منشور کانادا)؛ آزادی بیان (منشور اروپایی فصـل۲ماده ۱۰/منشور فرانسه ماده۱۰)؛ انعکاس نظرات واقعی

مردم در وسایل ارتباط جمعی (فصل۲ ماده ۱۲ منشور اروپایی)؛ عدم تبعیض سنی، جنسی، قومی، مذهبی و درآمدی (فصل۳ ماده ۱۲ منشور اروپایی)؛ حق استفاده دموکراتیک از فضای شهری (ماده ۸ منشور جهانی و ماده ۱۲ فصل ۲ منشور اروپا)؛ دسترسی شهروندان به مسئولین شهری (ماده ۲ منشور جهانی)؛ نظارت بر عملکرد مدیران (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری. آبان ۱۳۸۶)؛ دسترسی شهروندان به اطلاعات مدیریت شهری (ماده ۶ منشور جهانی)۲-حقوق اجتماعی: عدالت اجتماعی(ماده ۱۵ منشور فرانسه)؛ امنیت جسمی و روانی برای همه شهروندان در سطح شهر(منشورشهر شیبویا و منشور آفریقایی ماده۱۶)؛ سیستم های دادرسی عادلانه و دفاع کم هزینه برای همه اقشار (ماده ۱۰منشور جهانی و ۱۰تا۱۴منشور کانادا)؛ آسایش خاطر و عدم اضطراب و نگرانی و خشونت در سطح شهر (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری. آبان ۱۳۸۶)؛ بستر رشد فرد توسط جامعه (ماده ۲ منشور شهر شیبویا)؛ راحتی رفت و آمد در سطح شهر و توجه به حمل ونقل عمومی (منشور جهانی)؛کاهش پدیده های ضد اجتماعی و تخریب اموال عمومی (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری. آبان ۱۳۸۶)؛ کاهش بیماری های اجتماعی از جمله اعتیاد (معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری. آبان ۱۳۸۶)؛ کاهش آسیب های اجتماعی از جمله متکدیان، کودک آزاری، آسیب های جنسی علیه زنان و فساد اجتماعی (فصل ۳ ماده ۲۴ منشور اروپایی)؛ کاهش زباله، ساختمانی و جانوران موزی در سطح شهر (بروشور جهانی)؛ برخورداری از خدمات عمومی شهری و خانگی ازجمله ذخایر آب آشامیدنی سالم، نیروی برق، روشنایی و سوخت (شاخص های کیفیت زندگی، منشور مردم ماده ۳، منشور جهانی ماده ۱۲)؛ برخورداری از بیمارستان و خدمات پزشکی و مدرسه استاندارد و تسهیلات آموزشی بدون تبعیض (شاخص های کیفیت زندگی بنیاد Mercer، ماده ۱۵ منشور اروپایی، ماده ۱۲ و ۱۵ منشور جهان)؛ کاهش آلودگی هوا، آب، ترافیک و آلودگی های صوتی (شاخص های کیفیت زندگی)؛ میزان فضای سبز موجود در مقابل نیازهای شهر (شاخص کیفیت زندگی)؛ برخورداری از اشتغال مناسب و فضای سالم کاری (ماده ۱۶و۱۷منشور جهانی فصل۲ماده۶)؛ سطح ایمنی شهر (شاخص های کیفیت زندگی)؛ جمع آوری و حمل بهداشتی و سریع مواد زائد شهری سریع و بهداشتی آنها (ماده ۱۲ منشور شهری، شاخص کیفیت زندگی)؛ تسهیلات اوقات فراغت فرهنگی و مذهبی تسهیلات ورزشی (شاخص های کیفیت زندگی)؛ بهره برداری مشارکتی از فضاهای عمومی شهری (ماده ۲ منشور شهری)؛ حمایت از گروهها و افراد آسیب پذیر مانند فقرا، بیماران، کودکان، معلولین و سالمندان (ماده ۲ منشور شهری، فصل ۴ ماده ۳۶ منشور اروپایی)ب)تکالیف شهروندی:۱-قانون مداری: عمل و احترام به قانون؛ عمل و احترام به قانون؛ مشارکت مردم در ترغیب یکدیگر به قانون (ماده ۲۹ منشور آفریقایی)۲- مشارکت مدنی: مشارکت در تصمیم گیری های عمومی۳-مشارکت اجتماعی: حفظ سلامت اخلاقی جامعه و احترام به بنیان خانواده (ماده۱۸منشور آفریقایی)؛احترام به حقوق یکدیگر در جامعه (ماده ۲۷ و ۲۸ منشور آفریقایی)؛ احترام به تنوع فرهنگی (فصل ۳ماده ۲۲ منشور اروپایی، بخش ۳ منشور جهانی) عدم ایجاد زحمت برای همسایگانمسئولیت و مشارکت شهروندیشهروند مدرن در قبال حقوق شهروندی، می بایست تعهداتی را نیز تقبل کند زیرا شهروندی مفهومی گسترده تر از شهرنشینی دارد و شهروندان منفعل را فاقد شخصیت مدنی می دانیم.بنای مشارکت که در روند مدنیت جامعه مطرح است، دارای زیرپایه حق و تکلیف است. مشارکت نقشی اساسی و تعیین کننده در هویت یابی فرد(در ارتباط با جمع) بازی می¬کند. مشارکت مبنایی است برای تبدیل فرد به شهروند.فصل سوم قانون اساسی از حقوق ملت نام برده است و اصل دیگری از قانون اساسی که به مسائلی چون تشکیل شوراها (فصل هفتم) حق حاکمیت ملت (فصل پنجم) انتخابات (فصل ششم) و برخی از مسائل دیگر می‌پردازد همگی مبتنی بر مشارکت مردم است و در واقع با نگاهی به قانون اساسی ایران معلوم می‌شود که حق مشارکت از اهم مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران بوده است. مفهوم شهروند (Citizen ship) در شناخت ابعاد موضوع یک رکن است یعنی در مورد حقوق افرادی تعریف ارائه می‌شود که اتباع و شهروند یک کشور معین محسوب می‌شوند بنابراین شهروند به هر فرد مقیم یک کشور اطلاق می‌شود.مشارکت، حق یا وظیفه؟مشارکت دارای دو بعد فعال(Active) و غیرفعال(Passive) است؛

مشارکت فعال حق و شهروندان و مشارکت غیر فعال وظیفه ایشان تلقی می شود. روند بلوغ فرهنگ شهرنشینی در این پیوستار شکل می¬گیرد.در جامعه نیز هنگامی که مردم مشارکت جو و دولت مشارکت پذیر باشند شرایط انفعالی به وجود می آید. مشارکت جویی و وارد کردن مردم به عرصه، نقش فعال دولت و مشارکت پذیری، نقش انفعالی دولت و حاکمیت است.منظور از شهروند فعال کسی است که مشارکت را حق خود و خویش را دارای اختیار می¬داند و در مقابل شهروند منفعل باید ملزم به انجام تکالیف و وظایف خویش شود. در بحث از مشارکت غیرفعال، هنجارسازی برای رعایت قانون کارگشاست.قانون پذیری و مسئولیت پذیری؛ قانون ستیزی و مسئولیت گریزینگرش به قانون: عبارت است از ارزیابی فایده و انتظار فایده از رعایت قانون و حقوق دیگران(رفیع پور، ۱۳۷۱، ۲۶). مانند: این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می شود یا قانون به نفع همه مردم است.قانون گریزی: عبارت است از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت های اجرایی رسمی می باشند. شیوع این رفتار، میزان قانون گریزی افراد را تعیین می کند(ماهرویی، ۱۳۸۱). مانند عدم پرداخت مالیات، اشتغال بدون مجوز، بی توجهی به علایم راهنمایی و رانندگی و ...قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن نیز در گرو داشتن آمادگی جسمانی(عدم فقر جسمانی)، اگاهی(عدم فقر فکری)، و احساسی(عدم احساس تبعیض) است. زیرا در صورت عدم رعایت قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است می تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار دشواری ها نموده و ساخت های اقتصادی نامطلوب و بی عدالتی ها و به طور کلی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود و در نهایت منجر به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و در هم گسیختگی نظام اجتماعی گردد، الزامات و مولفه ها و مهارت هایی که در جامعه مدنی ضروری است شکل نگیرد و در نهایت موجبات آسیب های اجتماعی را فراهم آورد که نمونه هایی از آن ها عبارتند از: تشکیل گروه های فشار، عدم توجه به بهداشت اماکن، ایجاد آلودگی های صوتی و دیداری، عدم حفظ اماکن عمومی، آسیب رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی و نیز پرداختن به مشاغل غیرقانونی(ماهرویی، ۱۳۸۱، ۱۳). از این رو در تبیین قانون گریزی بر اساس فقر نمی توان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد. زیرا فقر شهروندی و نیز فقر فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع آسیب های اجتماعی اهمیت اساسی دارند(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، ۳). البته فقر اقتصادی بر سایر ابعاد فقر اثرگذار است. در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می کند، تنظیم اجتماعی سست می شود و میزان قانون گریزی در جامعه اوج می گیرد(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، ۴).نتایج پژوهشی در این زمینه نشان می دهد •:شهروندگرایی و مهارت های شهروندی در پیشگیری از اعمال قانون گریزانه اهمیت بسزایی دارد بنابراین لازم است تا از طریق فعال¬سازی انجمن¬های محلی و یا تشکل¬های غیردولتی با حمایت سازمان ملی جوانان و کانون¬های فرهنگی مساجد برای عموم شهروندان بتوان الگوی ارتباطات غیررسمی و هنجارمند را فراهم آورد تا ازطریق نظارت¬های غیررسمی جایگزین نظارت رسمی گردد(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۹ •).قانون¬گریزی براساس عمل خنثی سازی تشدید می¬شود بنابراین لازم است از طریق اطلاع¬رسانی رسانه¬ای موارد قانون¬گریزی همراه با پیامدهای آن برای افراد از طریق شبکه¬های محلی گزارش¬شود تا در نزد افراد پیامد های منفی قانون¬گریزی بیشتر از پیامدهای مثبت آن جلوه نماید(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۹ •).ضعف مبانی دینی و گرایشی افراد نیز مستعدکننده قانون گریزی است و در مواردی که افراد دارای مهارت های لازم برای تعاملات اجتماعی نباشند عامل کنترل کننده درونی(دین) مانع ارتکاب اعمال انحرافی و قانون گریزی می گردد(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۸ •).در مجموع فقر اقتصادی- اجتماعی، پایین بودن نگرشی به قانون، پایین بودن نگرش دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی تاثیر معنی داری بر قانون گریزی دارند و گزینه فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیلمی دهد که فرد را برای قانون گریزی و عدم احساس مسئولیت در برابر قانون آماده می سازد(کلانتری و

دیگران، ۱۳۸۴، ۱۵).یافته های پژوهش های پیشین در رابطه با مشارکت: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندان به مشارکت اجتماعی در شورای اسلامی شهر داراب :آگاهی اجتماعی نسبت به اهداف و وظایف شورای شهر و مشارکت اجتماعی در شورای شهر مشارکت مستقیم دارد (معصومی، ۱۳۸۲) بررسی طرز تلقی شهروندان منطقه ۷ تهران از مشارکت در مدیریت شهری: احساس مالکیت بالاـ بر اموال عمومی و شهر، باور بالا به تعهد مدیران شهری، احساس بالای تعلق اجتماعی، بیگانکی اجتماعی پایین، تعداد اعضای خانوار، جنسیت و تاهل با مشارکت شهروندان ارتباط دارد (مصطفی پورکندلسی، ۱۳۸۰) تبیین عوامل موثر در افزایش جلب مشارکت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر: سودآور بودن فعالیت مشارکتی، میزان اوقات فراغت، اطلاع رسانی به شهروندان، افزایش اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، ارتقا پاسخگویی مدیران شهری بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر موثر است. (صدقی، ۱۳۸۴) بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهر. مورد منطقه ۶ تهران: کاهش احساس بی قدرتی، تصور فایده مندی از مشارکت، افزایش تعداد گروه هایی که فرد در آنها عضو است و افزایش اطلاعات و آگاهی فرد از مسایل باعث افزایش تمایل به مشارکت در فرد می شود (الشوکی، ۱۳۸۳) نقش و جایگاه مشارکت های مردمی در ساختار مدیریت شهری ایران: اطلاعات فردی، تصور مردم از مشارکت و انگیزه فرد در برآوردن توقعات دیگران در ایجاد قصد و نیت مشارکت اثر دارد (امینی، ۱۳۸۳)الگوهای سازمانی مشارکت شهری –:الگوی سازمانی مشارکت شهری خود جوش –الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافتهدر جامعه امروز ما نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری ها و شوراهای شهر) وزن بیشتری به الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته (رسمی، برنامه ریزی شده و نهادی) داده اند.دلیل اصلی این است که مشارکت خودجوش، داوطلبانه و سازمان نیافته هنگامی شکل می گیرد که « فرهنگ مشارکتی» قوی شکل گرفته باشد و مشارکت توانسته باشد تبدیل به « هنجار فرهنگی» شود.از آنجا که در جامعه شهری جهان سوم، بویژه بخش توسعه نیافته آن، فرهنگ مشارکتی شهری هنجارهای فرهنگی شهری مربوط به مشارکت هنوز به طور شایسته شکل نگرفته است، نقش الگوی سازمانی مشارکت شهری رسمی و سازمان یافته اهمیت بیشتری دارد.الگوی خودجوش مشارکت به عنوان سیستم موثر مسئولیت پذیری و مشارکت شهروندیدر مقابل الگوی سازماندهی شده مشارکت، مانند شوراهای شهر یا محله می توان در راستای فرهنگ سازی برای مشارکت خودجوش و مردمی تلاش کرد. مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت¬های اجتماعی و پروژه های زیربنایی می گردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکززدایی در اداره امور می باشد باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی- سیاسی می گردد(حکمت نیا. موسوی،۱۳۸۳، ۱۳۴).راهکارهای تقویت مشارکت:۱. تقویت تحزبافزایش فرهنگ مشارکت حزبی و سازماندهی سیاسی در غالب احزاب باعث تقویت سایر انواع مشارکت از جمله مشارکت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز خواهد شد.تقویت تحزب، به نوعی استفاده از روش تعاون جمعی در راستای سیاست گذاری عمومی است و بستر مناسب برای توسعه را فراهم می کند. احزاب انرژی را در جامعه هدفمند کرده و در راستای پیشرفت فردی و اجتماعی با استفاده از پتانسیل عمومی گام برمی دارند. در این جریان باعث افزایش مشارکت فعال مردم و سمت دهی به توانمندی ها در چهارچوب علایق و افکار افراد و گروه ها می شوند. با توجه به این که احزاب برآیند نیازها و افکار همه اقشار جامعه هستند، هر حزب گروهی از افراد اجتماع را جذب می کند که به ساختاردهی مشارکت اجتماعی می انجامد. احزاب همچنین باعث افزایش پاسخگویی هستند که همین عامل موجب گرایش بیشتر شهروندان به مشارکت است.۲. تقویت و توسعه نهادهای مدنیمشارکت از طریق نهادهای جامعه مدنی: NGOs: Non Governmental Organizationsسازمان¬های غیردولتی جدیدترین شکل نهادهای خودپدیدار هستند که در پاسخ به نیازهای اجتماعی به وجود می¬آیند و با سازماندهی درست می توانند به یک نهاد انعطاف پذیر پویا و ماندگار تبدیل شوند.ویژگی های سازمان های غیر دولتی: از گروه های داوطلب مردمی تشکیل می شود یعنی به اجبار عضو نشده اند. گروهی کار می کنند و بصورت تشکل

دارای ساختار می باشند. غیر دولتی هستند یعنی در چهارچوب کلی حکومت تعریف نمی شوند. غیر انتفاعی اند یعنی افرادی که آنرا تاسیس کرده اند از طریق فعالیت در آن کسب درآمد نمی کنند و سود نمی برند. هدف این سازمان ها رفع نیاز کل یا گروه هایی از جامعه است و هدف اصلی آنها خدمت رسانی تعریف شده است. (گزارش ۱، ۱۳۸۳، ص۳و۴)هدف NGO ها:جهت نیل به اهداف توسعه، نیاز به مشارکت و تعامل بخش های دولتی، خصوصی و غیر دولتی فعالیت می کنند و از پتانسیل¬های نهادهای مردمی استفاده می نمایند.عوامل متعددی در میزان اثربخشی سازمان های غیردولتی تاثیر می گذارند که بسیاری از آنها مرتبط با مکانیسم تعامل بخش دولتی و غیردولتی است. مطالعاتی در جهت اثبات این موضوع در تعدادی کشورها صورت گرفته است، یافته ها حاکی از کمک به کاهش فقر، توسعه مشارکتی و زمامداری خوب در کشورهای پشتیبان این سازمان ها بوده است.نقش های جدیدی به وظایف سازمان های غیردولتی افزوده شده است:- مشارکت با دولت و بخش خصوصی- مشارکت در برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی- نقش ترویجی، پژوهشی و آموزشی- رسانیدن صدای مردم به خصوص گروه های محروم به جامعه- مشارکت با سایر سازمان های غیر دولتی- گفت و شنود با دولتبه طور کلی سازمان های غیر دولتی از جایگاه ویژه ای در جریان تصمیم گیری ملی و بین المللی برخوردارند و سطح نفوذ آنها از مسایل فرهنگی، اقتصادی تا امور بشردوستانه گسترده شده و به مشورت دهی، تدوین برنامه و تاثیر گذاری در مذاکرات رسمی دولتی در طبقه های مختلف رسیده است، انجمن ها به دلیل استقلال منابع مالی و انسانی تصمیم گیری سریع و به دور از بوروکراسی دولتی، انعطاف پذیربودن و خودپدیداری، کارآمدی روبه رشد دارند. این انجمن ها با تکیه به همیاری مردم، ساختن جامعه¬مدنی را اصل¬کلی حاکم بر فعالیت خود قرارداده¬اند و به¬این لحاظ یکی¬از اساسی¬ترین شاخص های توسعه انسانی به شمار می¬روند. NGO ها بهترین ابزاری هستند که می توانند اطلاعات را از جزیی ترین اجزای جامعه دریافت و سپس ساماندهی و طبقه بندی کرده در اختیار قا نونگذار قرار دهند.ایجاد شبکه ای میان سازمان های غیردولتی نظیر خانه تشکل ها می تواند قدرت سازمان های غیردولتی را جهت تقویت مشارکت مضاعف کند(سعیدی،۱۳۸۴، ۵۱).سازمان های غیردولتی زنان از قابلیت های بالایی برای دموکراتیزه کردن حوزه های زندگی در جامعه مدنی برخوردار هستند(Jonson Osirim, ۲۰۰۱).نتایج پژوهش ها نشان می دهد که شرکت آزادانه زنان در سازمان های غیردولتی و بازشناسی ارزش ها و حقوق آنان، راهی مطمئن در ایجاد محیطی امن برای بروز خلاقیت، ابتکار و افزایش مشارکت اجتماعی زنان تلقی می شود. سازمان های غیردولتی زنان جایگاه ویژه ای در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی و شناساندن نقش زنان در تحقق جامعه مدنی دارند(سعیدی، ۱۳۸۴، ۳۳).۳. تقویت و توسعه انجمن های خیریه و مردمیدر فرهنگ دینی ما از گذشته های دور به مسئله مشارکت توجه می شده است؛ با توجه به این که وجود مسجد جامع در شهرها علاوه بر نقش مذهبی، نقش های سیاسی- اجتماعی را داشته است. مردم با شرکت در نماز جمعه، مشارکت بسیار گسترده¬ای جهت اداره امور رفاهی، محلی و شهری ایفا می نموده اند.همچنین ماده ۱۹۴ قانون برنامه سوم توسعه که برای دوره چهارم نیز تنفیذ شده است به مسئله نهادها و موسسات مردمی اشاره دارد. در بند" ه " این ماده چنین آمده است:ارتقا مشارکت نهادهای غیر دولتی و موسسات خیریه، در برنامه های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت های منطقه¬ای و اعمال حمایت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یادشده توسط آنان و دستگاه ها و نهادهای مسئول در نظام تامین اجتماعی صورت می گیرد.در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ در ادامه بند ه بر این مسئله تاکید شده است که: اتخاذ رویکرد توانمندساری و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارایه خدمات اجتماعی ... از جمله اهداف توسعه ای دولت به شمار می آید.۴. ایجاد فرهنگ مشارکت از طریق فعالیت های اقتصادی و همسویی منافع اجتماعیدر حقیقت در دوران بعد از اسلام، تنها نهادها و مکان¬هایی که نقش اصلی را در مشارکت مردمی ایفا می¬کرده¬اند سازمان های صنفی، مساجد و بازارها هستند(علوی تبار، ۱۳۷۹، ۵۴). بنابراین کارکردهای

اجتماعی نهادهای اقتصادی مانند سازمان های صنفی و بازارها از گذشته تا به امروز مورد تاکید بوده است. همان طور که در جریان انقلاب اسلامی، پس از همسویی منافع اجتماعی بازاریان، اصناف و علمای مذهبی مشارکت بازاریان در انقلاب به وضوح دیده شد.همچنین از طریق فعالیت های اقتصادی نیز می توان بستر مشارکت را فراهم کرد. مانند فعالیت های بخش خصوصی در زمینه های مسکن و خدمات. برای مثال شهرداریها می توانند مبتنی بر اجرای طرحهای عمرانی مناسب و مشارکتی در مجاورت اراضی تحت تملک مالکین خصوصی، موجب ارزش افزوده آنها شوند. طرحهایی چون ایجاد تفرجگاههای عمومی، پارکها، تأسیسات تجاری، احداث بزرگراهها، دسترسی مناسب و ایجاد تأسیسات زیربنایی و مواردی از این قبیل می تواند موجب افزایش قیمت این اراضی گردد و به همین خاطر از ابتدا با مشارکت مالکین خصوصی به اجرا درآید. در چنین حالتی ضمن مذاکره با صاحبان این زمینها با فعالیت های مشارکتی هر دو طرف، زمین ها دارای ارزش افزوده بیشتر گشته و مالکین نه تنها متضرر نشده اند بلکه اغلب درآمدهای بیشتری کسب نموده اند، ضمن آنکه شهرداری نیز خدمات زیربنایی قابل توجهی ارایه داده است.- نتیجه گیری:مشارکت دارای دو بعد فعال و غیرفعال است؛ مشارکت فعال حق شهروندان و مشارکت غیر فعال وظیفه ایشان تلقی می شود. روند بلوغ فرهنگ شهرنشینی در این پیوستار شکل می گیرد. با توجه به این که شهروند فعال کسی است که مشارکت را حق خود می داند، فرض بر این است که آگاهی، در فراگرد تبدیل شدن ساکنین شهر به شهروندان فعال و مشارکت جو نقشی اساسی دارد. تلاش بر این است که شهرداری با به کارگیری برخی آموزش های مردمی بستر مشارکت بیشتر شهروندان را فراهم نماید. از جمله این آموزش ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد •:شناسایی، تبادل اطلاعات و جلب مشارکت از گروه ها و پایگاه های مردم نهاد سنتی(مساجد، حسینیه ها، تکایا، هیئات مذهبی و جلسات قرآنی) از طریق برگزاری همایش عمومی و جلسات تخصصی و حوزه بندی توانایی های آنان جهت مشارکت فعال در اداره امور شهر •شناسایی، همکاری و مشارکت موثر با سازمان های غیردولتی، شورایاری ها و نخبگان و فرهیختگان در خصوص موضوعات مورد نیاز شهرداری از طریق برگزاری همایش عمومی و جلسات تخصصی و حوزه بندی توانایی های آنان جهت مشارکت فعال در اداره امور شهر •حمایت از طرح ها و برنامه های مفید در حوزه آموزش و مشارکت های شهروندی ارایه شده از سوی گروه ها و پایگاه های مردم نهاد •توانمندسازی و شبکه سازی گروه ها و پایگاه های مردم نهاد در جهت اهداف، ماموریت ها و وظایف شهرداری(اداره کل آموزش، ۱۳۸۶)جهت تقویت مشارکت به جز استفاده از نهادهای مدنی غیردولتی، مردم نهاد سنتی و خیریه می توان به تقویت تحزب پرداخت و فرهنگ مشارکت را از طریق فعالیت های اقتصادی و همسویی منافع اجتماعی ایجاد کرد.منابع:۱. اداره کل آموزش و مشارکت های اجتماعی.(۱۳۸۶). سرفصل موضوعات آموزش و مشارکت های اجتماعی مرتبط با شهرداری تهران. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران۲. الشوکی، سید یحیی.(۱۳۸۳). بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهر. مورد منطقه ۶ تهران. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.۳. امینی، فاطمه سادات.(۱۳۸۳) نقش و جایگاه مشارکت های مردمی در ساختار مدیریت شهری ایران. دانشگاه تهران.۴. حکمت نیا، حسن. موسوی، میرنجف("۱۳۸۳). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. "فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۸۰. ص ۱۲۱-۱۳۶۵. سعیدی، علی اصغر.(۱۳۸۴"). رابطه دولت و سازمان های غیردولتی زنان در ایران(جستجوی یک همکاری بهینه ").پژوهش زنان. شماره ۳. ۲۷-۵۸۶. صدقی، جواد.(۱۳۸۴) تبیین عوامل موثر در افزایش جلب مشارکت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر. دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی۷. علوی، علیرضا.(۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). تهران: سازمان شهرداری های کشور۸. قاسمی، وحید. ژیانپور، مهدی(۱۳۸۶). مشارکت در امور شهری به مثابه حق و وظیفه شهروندی(مورد مطالعه: اصفهان و فرایبورگ) در کتاب مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.۹. کلانتری، صمد. ربانی، رسول. صداقت، کامران.(۱۳۸۴"). ارتباط فقر با قانون¬گریزی و شکل¬گیری آسیب اجتماعی ".فصلنامه رفاه اجتماعی.

شماره ۱۸. ص۱-۲۲۱۰. کمیته فرهنگ شـهری، ستاد شهر سالم تهران. ص ۲،۳. مرداد۱۳۸۳۱۱. گزارش گروه ۱.(۱۳۸۳).چالش ها و مشـکلات فراروی سازمـان هـای غیر دولتی در ایران، دوره سوم توانمنـد سازی بانوان برای حضور در مجامع بین الملل، دانشـکده روابـط بین الملل وزارت امور خارجه.۱۲. ماهرویی، ابوالحسن.(۱۳۸۱"). حقوق و تکالیف شـهروندی و قانون گریزی شـهروندان،" نشریه عدالت. شماره۱۵۱۳. معصومی، فـاطمه. (۱۳۸۲) بررسـی عوامـل مؤثر بر گرایش شـهروندان به مشارکت اجتماعی در شورای اسـلامی شـهر داراب. دانشـگاه شیراز۱۴. مصـطفی پورکندلسـی، کامبیز.(۱۳۸۰) بررســی طرز تلقی شــهروندان منطقـه ۷ تهران از مشارکت در مدیریت شـهری. دانشگاه آزاد. واحد تهران مرکز.۱۵. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰")جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت. "فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵ ، ۱ص- ۷۱۶. نظام نامه جامع آموزش و مشارکت های شهروندی.(۱۳۸۵). جلد اول، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.۱۷. وکیلیان، محمدرضا. (۱۳۸۲). دو ماهنامه حقوق شهروندی. پیش شماره دوم. بهمن و اسفند

.۱۸ Mercer Human Resource Consulting Worldwide Quality of Living Survey ۲۰۰۷۱۹. African (Banjul) Charter on Human and Peoples Rights۲۰. Canadian Charter of Rights and Freedoms.۱۹۸۲. Canada .Department of Justice۲۱. Declaration of the Rights of Man.۱۷۸۹.Approved by National Assembly of France۲۲. “European Charter of Rights”. Official Journal of the European Communities. ۲۰۰۰۲۳. Friedmann, John. (۲۰۰۲). the prospect of cities. Minneapolis: University of Minnesota Press. p ۱۶۸۲۴. Jonson Osirim, M. ۲۰۰۱. “Making Good on Commitments to Grassroots Women: NGOs and Empowering for Women in Contemporary Zimbabwe”, Women’s Studies International Forum, Vol۲۴, No۲. pp: ۱۶۷-۱۸۰۲۵. LOCOA Charter: Leaders and Organizers of Community Organization in Asia ۲۰۰۰۲۶. Peoples Charter۲۰۰۱. North East Lincolnshire Council (N.E.L.C) Charter. ۲۰۰۱۲۷. Richards, M. & WBLLS, A. ۲۰۰۴. “Impacts of illegality & barriers to legality”. Henduras, International Forestry Review۲۸. Shibuya Citizen’s Charter, ۱۹۹۷. Shibuya City Office۲۹. “World Charter on the Right to the City”. ۲۰۰۴. Social Forum of the Americas/World Urban Forum

رفتار شهروندی سازمانی

تبیین ارزشـها و اصول اخلاقی درزندگی سازمانی دکتر محمودقربانی- سـهیلا خسـروابادی: چکیده : نیروی انسانی به عنوان یکی از ارزشـمندترین سـرمایه هـای سازمـانی، مهمترین مزیت رقـابتی وکمیـاب ترین منبع در اقتصـاد دانش محور امروز قلمـداد میشود. این سرمـایه ارزشـمند به دلیـل اثرشـگرفی که بر اثربخشـی سازمان دارد؛ گوی سـبقت را از دیگر سـرمایه های سازمانی به لحاظ اهمیت ربوده است. بر همین اساس است که امروزه سازمانها و مدیران با کاربست راهکارها و شـیوههای مختلف، سـعی در جذب بهترین و زبـده تریـن نیروی انسـانی را دارنـد. ویژگی ارزشـمند نیروی انسـانی کـه امروزه تـوجه بسیاری را به خـود جلب کرده است، رفتـار شهرونـدی سازمانی میباشـد. این متغیر با الهام از یك شـهروند خوب، کارمندی را توصـیف میکند که برای انجام وظایف خود و به طور کلی برای کمک به عملکرد بهتر سازمان، از هیـچ تلاشـی حتی افزونتر از وظایف از پیش تـدوین شده خود فروگذار نیست. از آنجا که زیر بنای همه ارزش ها و رفتارها در سازمان ،ارزشـهای اخلاقی است ؛در این مقاله سـعی شـده ضـمن بیان تعاریفی ازرفتار

شهروندی سازمانی (رفتارهای درون نقشی و فرانقش) ؛رابطه ان با رفتار اخلاقی کارکنان بررسی شود.
واژگان کلیدی : رفتار شـهروندی سازمانی – رفتار درون نقشی – رفتار فرا نقشی – رفتار اخلاقی مقدمه در نظام بوروکراتیک تمام تلاش مدیران در جهت کسب کارایی بیشتر با حفظ سلسله مراتب هرمی سازمان بوده است. به همین جهت مناسـبات سـطحی و غیر قابل اطمینان بین افراد وجود دارداما در نظام ارزشی انسانی و دموکراتیک مناسباتی درست وقابل اطمینان در میان مردم به وجود می آیـد. در چنین محیطی به سازمان و اعضای آن فرصت داده می شودکه تا حـد توان پیش رونـد.بر این اساس توجه به شـهروندان در نظام ارزشی دمکراتیک رو به افزایش است. اکنون که اهمیت شهروندان به عنوان یکی از منابع بسیار مهم سازمان درک شده است، رفتـار آنهـا هم می توانـد بسـیار بـااهمیت تلقی شود و از این روست که محققـان زیـادی به تجزیه و تحلیل رفتار شـهروندی پرداخته اند.به طور کلی رفتار شـهروندی یک نوع رفتار ارزشـمند ومفید است که افراد آن را به صورت دلخواه و داوطلبانه از خود بروز می دهند.به این ترتیب مطالعه و بررسـی اینگونه رفتار افراد درسازمان که به رفتار شـهروندی سازمانی۱ شـهرت یافته است، بسیار مهم و ضروری به نظرمی رسـد.رفتار شـهروندی سازمانی را می توان انعکاسـی از رفتار های اخلاقی در فرد می باشد.رفتار اخلاقی منجر به رفتـار شـهروندی سازمـانی می شود . کارکنـانی که رفتارهـای اخلاقی بالایی دارنـد بیشتر در رفتارها و فعالیت های فرا نقشـی یا فرا وظیفه ای شـرکت می کننـد . رفتار اخلاقی می تواند جو عمومی سازمان را مهیای بروز رفتار شـهروندی می نماید. زمانی که محیط سازمـان به عنوان یک محیط اخلاقی سالم شـناخته شود . انتظار بروز رفتارهای شـهروندی سازما نی نیز بیشتر می شود . در دنیای پر رقابت کنونی با وجود افزایش استفاده از تکنولوژی اطلاعات، بازهم در عملکرد کارایی سازمان شکاف وجود دارد. اکنون قویاً این اعتقـاد وجود دارد که عملکرد کارایی سازمان تا حـدود زیادی به تلاش کارکنان که فراتر از الزامات تعریف شـده، نقش می باشـد بسـتگی دارد. رفتـار شـهروندی سازمانی (OCB) ارگـان (۱۹۸۳) برای اولین بـار از اصـطلاح رفتـار شـهروندی سازمانی۲(OCB) استفاده کرده است، و آن را به عنوان رفتارهایی سودمندی می داند که در شرح شغل قید نشده است ، اما کارکنان برای کمک به دیگران در انجـام وظایفشـان به نحوی مشـهود از خود بروز می دهنـد. یکی از دلا‌یلی که باعث موفقیت سازمانهای بزرگ می شود این است که آنهـا دارای کارکنـانی هسـتند که فراتر از وظـایف رسـمی خود تلا‌ش می نماینـد تحقیقات قابل توجهی در خصوص رفتـار مطلـوب ودر عین حـال غیر رسـمی در سازمـان صـورت گرفته است. به چنین رفتـاری،رفتـار شـهروندی سازمـانی(OCB) یا (سـندرم سـرباز خوب)گفته می شود.رفتار شهروندی سازمانی را می توان روغن کاری حرکت ماشین جامعه نامید . -۱-Organ Organizational Citizenship Behavior(ocb) ۲-Social behavior over۳ در واقع رفتار بیش اجتماعی۱ رفتار ورای نقش۲ ، رفتار خود انگیخته ۳و یا رفتار شهروندی سازمانی به مجمو عه رفتارهایی اتلاق می گردد که خارج از حیطه وظایف رسـمی افراد در سازمـان می باشـد. این رفتارهـای فردی داوطلبـانه و دل بخواهی۴ هسـتند که مسـتقیما و صـراحتا از طریق نظامهای رسـمی باداش دهی شـناسایی نمی شوند ولی درنهایت منجر به افزایش اثر بخشی فعالیت های سازمانی می گردند. رفتار شهروندی سازمانی کمکی در جهت افزایش اثر بخشـی کلی سازمان است و رفتاری ناشـی از فعالیت در خارج از حیطه الزامات شـغلی است و شاخصـی قدرتمنـد برای تشـخیص عملکرد شـغلی مطلوب میباشـد. اورگان رفتار شـهروندی سازمانی را به عنوان رفتار های فردی و اختیاری میداندکه به صورت مستقیم و آشکار به وسیله سیستم رسمی پا داش سازمان تعریف نشده است و در مجموع کارآیی و اثر بخشی سازمان راافزایش میدهد. اختیاری بدین معنا که این رفتارجزء شرح وظایف شغلی نیست و در تعهد استخدامی کارمندان قرار نگرفته است و کوتـاهی در آن هیچگونه تنبیهی را به دنبـال نـدارد. .(Korkmaz & Arpaci, ۲۰۰۹)جوهره کلیـدی در تعریف ارگـان از رفتـار شـهروندی سازمـانی این است که چنین رفتاری ، اثر بخشـی سازمانی را افزایش می دهـد . بولینو و تورنلی۵، اعتقاد دارنـد که رفتارهـای شـهروندی سازمـانی به طور کلی دارای دو حالت عمومی هسـتند : به طور مسـتقیم قابل تقویت نیسـتند ، نیازی نیست که این رفتارهـا از جنبه فنی به عنوان بخشـی از شـغل کارکنـان باشـند ، در واقع این رفتارهـا ناشـی از تلاش های ویژه و فوق

العاده ای هستند که سازمان ها برای دستیابی به موفقیت از کارکنان انتظار دارند .(Bolino & Turnley, ۲۰۰۳)رفتار شهروندی سازمانی به عنوان منبع اجتماعی ، از طریق تباذل رفتارهایی که پاداش های اجتماعی در یافت می کنند ، مورد ملاحظه قرار می گیرد . رفتار شهروندی سازمانی برای هر سازمان مطلوب است چرا که با متغیر هایی مانند رضایت شغلی و بهره وری سازمانی ارتباط دارد . رفتارهای درون نقشی وفرا نقشیدر ادبیات رفتار شهروندی سازمانی دو مفهوم درون نقشی و فرا نقشی بخش عظیمی از تحلیل های صاحب نظران را به خود تخصیص میدهد . فعالیت های درون نقشی و فرا نقشی در حقیقت حوزه و ماهیت رفتار شهروندی سازمانی را تبیین می کند .

رفتار های درون نقشی عبارت درون نقشی معادل اصطلاح انگلیسی in-role به ان دسته از عملکرد ها اشاره دارد که فاعل آن نقش موظف به انجام آن میباشد.بعبارت دیگر وظایف درون نقشی رفتارهای قابل قبول سازمان و مدیریت میباشد.که از ابتدا در قالب شرح وظایف در -Prosocia-۱extra - role-۲spontaneity-۳Discretionary-۴Bolino&turnley-۵چارت سازمانی آمده است و فردی که در ان سمت به کار گرفته شود موظف به انجام آن وظایف می باشد . رفتارهای فرا نقشیه آن دسته از عملکردها اشاره دارد که خلاقانه و خودجوش بوده و عمدتا ماهیتی غیر رسمی دارد و مبتنی بر رفتار های اخلاقی است . این رفتارها در حیطه وظایف افراد نمی باشد و تنها افرادی که خود رادر مقام شهروند سازمانی میدانند به انجام آن مبادرت می ورزند . افرادیکه دارای عملکرد فرا نقشی می باشند شهروندانی هستند که با حضور خود در واحدهای کاری انرژی و امید وپویایی و تلاش رادر سازمان اشاعه می دهند .آنها در انجام کارها به دیگران کمک می کنند و همواره حسن نیتشان در سازمان زبانزد همکاران می باشد . یکی از نمادهای شهروندان فرانقشی کمک به افرادی است که به تازگی در استخدام سازمان درآمدند . آنها به افرادجدید الا ستخدام در جذب شدن به سازمان کمک کرده و همچنین تعهد و مسئولیت و عشق به کار را در آنها ایجاد می کنند. شهروندان سازمانی در فعالیت های فرا نقشی همواره مدافع حقوق همکاران و مشتریان داخلی و خارجی می باشند . نکته ای که باید در رفتارهای درون نقشی و فرانقشی در مقوله رفتار شهروندی سازمانی تبیین شود اینستکه شهروندان سازمانی افرادی نیستند که تنها به رفتارهای فرا نقشی بپردازند در گام اول آنها افرادی هستند که در انجام رفتارهای درون نقشی عملکرد بسیار مطلوبی دارند. حد ایده ال در رفتارهای درون نقشی بصورت وظیفه شناسی تبلور پیدا می کند یافته های موریسون ۱نشان می دهد که آند سته از کارکنانی که رفتار شهروندی سازمانی را بخشی از شغل شان در نظر می گیرند در انجام وظایف خود عملکرد بهتری دارند . این افراد در انجام وظایف حیطه درون نقشی، پر انرژی ، متبسم، صبورو امید بخش اند. مولفه های رفتار شهروندی سازمانیمشاهده رفتار شهروندی سازمان مشخص می نماید که تمامی رفتارهای شهروندی سازمان از یک جنس نیستند . رفتارهای شهروندی سازمان را می توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. این مولفه هاعبارتند از :۱-یاری رسان۲ : این مولفه رفتار شهروندی سازمان که در گذ شته تحت عنوان ((رعایت حال دیگران)) از آن یاد می شد، رفتارهایی راتحت پوشش قرار می دهد که مستقیما متوجه افراد ،یعنی همکاران، سرپرستان،مدیران و یا مشتریان سازمان است رفتارهایی نظیر پیشقدمی برای اشنا نمودن کارکنان تازه وارد با سازمان وباکمک به سایر همکاران زمانی که کارشان زیاد است در این دسته قرار می گیرند

---

۲ ۲-Helping۱- حس مسولیت پذیری یا سازگاری ۱: این مولفه رفتار شهروندی سازمان در برگیرنده رفتارهایی است که بیشتر بر جنبه های غیر فردی سازمان یعنی وضعیت کلی سازمان ،واحدها ویا گروههای سازمانی تاثیر دارد. رفتارهایی نظیرحضور به موقع در محل کار ،غیبت کم ،اجتناب از استراحت های غیر ضروری ، عدم صرف وقت برای گفتگوهای بیهوده سازمانی و پیروی هوشیارانه از رویه ها و قواعد سازمانی در این دسته جای می گیرند.۳- جوانمردی۲: این مولفه رفتار شهروندی سازمان بر عدم نمایش رفتارهایی نظیر (شکایت کردن) دلالت دارد. نمایش رفتارهایی نظیر توجه به نکات مثبت سازمانی ،تحمل شرایط دشوار و نا

خواسته ، عدم شکایت از مشکلات سازمانی از مظاهر این مولفه رفتار شهروندی سازمانند. افرادی که گرایش به نمایش چنین رفتارهایی ندارند ، تنها به موقعیت و منافع خود توجه دارند و تلاش می کنند مشکلات خود را بر گرف کنند ،همیشه دنبال مقصر هستند ودر مقابل تغییرات جدید سازمانی مقاومت می کنند. ۴- تواضع۳: در حالی که مولفه ((یاری رسان)) متوجه تلاش جهت رفع مشکلات اعضای سازمان است . در این حالت افراد تلاش می کنند کاری انجام ندهند که سختی و یا حجم کار دیگران افزایش یابد و عواقب و اثرات تصمیمات و فعالیت های خود را دائما در نظر دارند. ساده ترین نمود این رفتار ان است که بعد از استفاده از تجهیزات سازمانی انها را به شرایط اولیه خود باز گردانند و در موقعیت مناسبی برای استفاده راحت همکاران قرار دهند . مشورت با افرادی که تحت تاثیر پیامدهای تصمیمات و رفتارهای فرد قرار می گیرند و اطلاع دهی به انها قبل از اتخاذ هر تصمیم مهمی از دیگر نمودهای این رفتار است ۵- مزیت مدنی۴ :این مولفه رفتار شهروندی سازمان متوجه مشارکت موثر ، سازنده و مسئولانه اعضای سازمان در فرا گردهای اداری و سیاسی سازمان است . کنوسکی و ارگان (۱۹۹۶) بیشتر بر فعالیت های جاذی مربوط به اداره سازمان نظیر حضور در جلسات سازمانی ، مطالعه و پاسخ گویی به نا مه های سازمانی ، ارائه طریق جهت عملکردهای سازمانی ، در جریان اوضاع سازمان بودن ، شرکت در مراسمی که باعث یادآوری سنتها و هویت سازمان می شود تاکید نموده اند .۶ - مصالحه گری۵ : بر قراری صلح در سازمان زمانی اتفاق می افتد که یک کارمند توجه داشته باشد که تعارضات ساده سازمانی ممکن است گرایش به تبدیل شدن به جنگ بین افراد داشته باشند . برقرار کنندگان صلح در سازمان تلاش می کنند طرفین مشاجرات سازمانی را به ارامش دعوت نمایندو مشاجرات سازمانی را کاهش دهند.

---

or compliance-۱Sportmanship-۲Courtesy-۳Civic virtue-۴Peacemaking-۵۷- شادی آفرین۱: جشن گرفتن موفقیتها ی همکاران در سازمان از دیگر رفتارهای شهروندی سازمان است که تحت لوای این مولفه قرار می گیرد. مهمترین پیامد این رفتار ، تقویت مثبت مشارکت های موثر کارکنان سازمانی و در نتیجه افزایش گرایش کارکنان به مشارکت در موفقیت های سازمانی است . ۸- وفاداری ۲: برخی از اعضای سازمان هستند که هنگام صحبت کردن در مورد سازمانشان به صورت کاملا اختیاری از سازمانشان تعریف می کنند و هنگام مواجهه با انتقادات مشتریان از سازمان دفاع نموده و دایما تلاش می کنند که تصویری مطلوب از سازمانشان در اذهان ایجاد کنند و تعلق خاطر بسیاری به سازمانشان دارند . این گونه رفتارها که همگی از مظاهر رفتار شهروندی سازمانی هستند نشات گرفته از تعهد و وفاداری کارکنان به سازمان است . ۹- توسعه توانمندی فردی۳ : در سال ۱۹۶۴ کتز ۳۴توسعه توانمندی های فردی را به عنوان یکی از رفتارهای موثر حامی سازمان معرفی کرده است که ورای الزامات ایفای نقش رسمی سازمان بوده و دور از دسترس نظامهای پاداش دهی می باشد. توسعه توانمندی های فردی ، اقدام داوطلبانه فرد برای ارتقا مهارت ها و دانش شغلی اش می باشد . ۱۰- حمایت از سازمان۴ : این مولفه نیز همچون ((توسعه توانمندی های فردی)) در سال ۱۹۶۴ توسط کتز به عنوان یکی از رفتارهای ورای نقش افراد که دور از دسترس نظام پاداش دهی سازمان می باشد . معرفی گردید. منظور از حمایت از سازمان تلاش برای اطلاع دهی یا اصلاح شرایط زیان آور برای اعتبار و یا منابع سازمان است . ممانعت از تحویل کالای معیوب به مشتری ، گزارش تهدید پیش روی امنیت سازمان و جلوگیری از شروع پروژه پر هزینه برای سازمان از نظایر این مولفه رفتار شهروندی سازمان هستند . پودساکف، مکنزی، مورمن و فیتر (۱۹۹۱)به هفت کارکرد رفتار شهروندی سازمانی اشاره می کنند.از نظرآنان رفتارشهروندی سازمانی:۱-موجب افزایش همکاری وبهره وری مدیریتی می شود.۲- نیاز به تخصیص منا بع کمیاب را برای حفاظت از منابع سازمان ونظارت وکنترل بر اجرا وانجام وظایف روزمره کاهش میدهد.۳-باعث آزادی منابع جهت اهداف تحقق می شود.۴-هماهنگی فعالیت ها را بین اعضا ی تیمی و گروه های کاری تسهیل می کند

۴۵-Loyalty-۱Self – Development-۲Protecting-۳-سازمان ها را قادر می سازد تا از طریق خوشا یندتر کردن محیط کـاری ،کارکنانی با کیفیت بالا راجـذب وحفظ کننـد.۶-بـا کـاهش تغییرپـذیری در عملکرد واحـدهای کاری عملکرد سازمانی را افزایش می دهد.۷-توانایی سازمان را در تطبیق با تغییر محیطی افزایش میدهـد.(Podsakoff ۲۰۱۰) رفتار اخلاقی رفتار اخلاقی از دو جنبه اصـلی تشـکیل شـده است توانایی تشـخیص خوب از بد ، درست از نادرست، تمایل و اعتماد به انجام آن چه که درست و صـحیح است . رفتار اخلاقی انعکاسـی از ارزشـهای فردی می باشد و ارزشها نیز شامل دامنه ای از باورها و تمایلات فردی می باشد . ارزشـهای رفتاری ،فرد را بر می انگیزانند . ارزشـهایی که مسـتقیما به باورهای فرد در باره انچه که درست و غلط است یا ارزشهایی که وظایف و تعهدات اخلاقی را تحمیل می کنند ارزش اخلاقی نامیده می شود . با بررسی ارزشها ی فرد می توان آن ها را به دو دسـته ارزشـهای اخلاقی اصـلی و ارزشـهای اخلاقی فرهنگی یا فردی تقسیم کرد . ارزشهای اصلی مبنا و اساس تصمیمات اخلاقی می باشند . این ارزشها صرف نظر از زمان ، فرهنگ ، دین ، ارزشها ی پایه ای می باشند . معمولا این ارزشها توسط کلماتی مثل قابل اعتماد بودن ، احترام ، مسئو لیت عدالت و انصاف و آداب اجتماعی ، و شهروندی تعریف می شوند . ارزشهای فرهنگی یا فردی باورهایی درباره آن چه که درست یا غلط است می باشـد . این باورها از تجربه ، ارزشـهای خانواده ، باورهای دینی ، و سـنت هـای فرهنگی نشات می گیرد . این ارزشـها با تغییر در زمان فرهنگ و دین افراد تغییر می کنـد . (clark ،۱۹۹۸) ارزشهای اخلاقی در سازمـان رعایت اخلاق و حفظ ارزشـهای اخلاقی به صورت یکی از مهمترین پدیـده هایی در آ مـده است که در بیشتر سازمانها مورد توجه قرار می گیرد . اخلاـق چیزی است که بـا رفتارهـای ناشـی از قـانون متفاوت است . رفتار قانونی ریشه در مجموعه ای از اصول و مقرراتی دارد که نوع عمل افراد را مشـخص می کنـد ، عموما مورد قبول جامعه هسـتند ؛ لازم الا جرا و در دادگاهها اعمال می گردنـد . رابطه بین اسـتانداردهای اخلاـقی و الزامات قانونی در نمودار (۱) نشـا ن داده شـد ه است . (دفت ، ترجمه پارساییـان و اعرابی ، ۱۳۷۴) شـکل ۱اصـول اخلاـقی بیشـتر مربوط به رفتارهـایی می شونـد که تحت پوشـش مقررات قـانونی قرار نمی گیرنـد . مقررات قـانونی بر رفتـار هـایی اعمال می شونـد که الزاما تحت پوشـش اصول اخلاقی قرار نمی گیرنـد . مـدیران در زمینه پیـدایش هنجارها و ارزش ها بایـد حساسیت بیشتری از خود نشان دهند . اصول اخلاقی در مدیریت همان اصولی است که به هنگام تصـمیم گیری و رفتـار (در رابطه بـا درست یـا نـادرست بودن آن هـا) ، از نظر اخلاـقی مـدیران را هـدایت و راهنمـایی می کنـد . هانت و همکاران مفهوم ارزش های اخلاقی سازمان را ایجاد کردنـد و این ارزش های اخلاقی ، ویژگی های فرهنگی یک محیط اخلاقی را شرح می دهـد . تحقیقـات نشـان می دهنـد که ادراکـات افراد از این ارزش هـا به طور مثبتی بـا باورهـای اخلاقی خاص و مـدیریت اخلاـقی مرتبـط است . کارکنـان ، محیـط سازمـانی را بـا فضـای اخلاقی ترجیـح می دهنـد . ارزش های اخلاقی سازمان پاسـخ های عمومی کارکنان به کار را افزایش می دهـد . در یک محیط اخلاقی تعهد و اعتماد کارکنان و همچنین رضایت شـغلی کارکنان نیز افزایش میابد . .(Valentine et al.,۲۰۰۲) الزامات اخلاقی ،استقرار رفتار شهروندی سازمانی استقرار رفتار شهروندی سازمانی مسـتلزم وجود ارزشـها و اصول اخلاقی در سازمان می باشد . از انجایی که رفتار شـهروندی سازمانی در حوزه مدیریت منابع انسانی قرار می گیرد ، و پیچیـدگیهای این حوزه عوامل و شـرایطی را می طلبـد که عبارتنـد از :۱- مدیریت و رهبری ۲- رضایت شغلی۳- استخدام و گزینش کارکنان ۴- ایجاد فضای دموکراتیک در سازمان (کا ظمی ،محمـد،۱۳۸۴)مدیریت و رهبری :رفتارهای اخلاقی ماننـد اعتقـاد ؛پشتیبانی ؛ حمایت ؛ صبر و تحمل مـدیران و رهبران ؛ مهمترین مشـخصه موفقیت الگوها و رویکردهای نوین سازمانی است. رفتار شـهروندی سازمانی به عنوان یک تفکر و پارادیم سازمانی از مـدیران و رهبران می خواهد تا سازمان خود را به صورت یـک کشور تصور کرده و چـالش اساسـی مـدیریت شـان را ؛ ایجـاد شـهروندی سازمانی به عنوان یک تعهـد داوطلبانه در ارتباط با اهـداف ؛ شیوه ها و در نهایتا موفقیت سازمان در نظر بگیرنـد . رفتار شـهروندی سازمانی از رهبران و مـدیران می خواهد تا احساس سازمـان دوستی که معـادل وطن پرستی در مقوله شـهر ونـدی است را به عنوان یـک فرهنگ بنیادی در سازمان اشاعه دهنـد. تبیین

موضوع رفتار شهروندی سازمانی به باز اندیشی مجدد و عمیق در جایگاه و اهمیت زیر دستان نیاز مند است . امروزه هزاران کتاب به موضوع رهبری و ویژگیها ی اخلاقی مورد نیاز رهبری برای تبیین رفتار شهروندی سازمانی پرداخته است . سطور متعددی به این نکات اشاره کرده اند که رهبر تصمیم گیرنده است . رهبر کانون توجه است ؛ رهبر تبیین گر اهداف سازمانی است ؛ رهبر باید احساس برتری داشته باشد. اما رهبران باید بدانند که علاوه بر همه این موارد و بیش از همه آنها ؛ رهبر در زندگی سازمانی به زیر دستانی نیاز دارد که با عشق و علاقه و وفاداری ناشی از حضور مستمر در فعل و انفعالات سازمانی برای وصول به اهداف سازمانی تلاش کنند . عدم وجود صبر و شکیبایی در کنار نبود تفکر دراز مدت و استراتژیک از جمله عوامل دیگری است که اصولا استقرار نظامهای نوین را با مشکل مواجهه می سازد.برای نهادینه کردن رفتار شهروندی سازمانی ؛ مدیران و رهبران باید پیشگام باشند .آنها باید خود یک تبلور شهروند سازمانی باشند . مدیران باید همواره در عملکرد خود بیاندیشند و تلاش کنند تا با تحلیل اقدامات خود از هر گونه کج فهمی جلو گیری کنند. رضایت شغلی ۱تولد مقوله رفتار شهروندی سازمانی بر بستر تحقیقات رضایت شغلی استوار است . اسمیت ۲و دیگران در سال ۱۹۸۳و همچنین باتمن و ارگان در همین سال اولین تحقیق را در رابطه با اولویت های رفتار شهروندی سازمانی انجام دادند . همه تحقیقات بیانگر این نکته بود که رضایت شغلی مهمترین عامل پیش بینی کننده رفتار شهروندی سازمانی می باشد . همانطور که گزارش تحقیقات بسیاری از محققین نشان می دهد رضایت شغلی کارکنان در حقیقت مقدمه استقرار رفتار شهروندی سازمانی به شمار می رود . spector (Kessler.۲۰۰۹) &این موضوع به رهبران و مدیرانی که دغدغه بستر سازی رفتار شهروندی سازمانی را دارند اعلام میکند که سطح رضایت مندی کارکنان برای رسیدن به افقهای تازه در زندگی سازمانی ارتقاء دهند.ارزش های اخلاقی سازمان به عنوان زیر مجموعه ای از فرهنگ سازمانی تعریف شده است که تاثیر متقابل چند بعدی میان سیستم های رسمی و غیر رسمی کنترل رفتاری را نشان می دهد. این سیستم های غبر رسمی شامل مجموعه ای از باورها ، هنجارها و اقداماتی است که در افراد درون یک سازمان مشترک است . علا وه بر این جنبه های غیر رسمی ، ارزش های اخلاقی سازمان هم چنین می تواند از طریق سیستم های رسمی تری مثل سیستم های پاداش ، خط مشی ها و رویه ها نشان داده شود . هنگامی که کارکنان معتقد باشند که ارزش ها در سازمان با توجه به شیوه اخلاقی مانند پاداش دادن به رفتار اخلاقی و تنبیه رفتار غیر اخلاقی پیگیری می شوند . انگاه رضایت شغلی کارکنان نیز افزایش می یابد . ادراک عدالت سازمانی به عنوان نمونه ای از رفتار اخلاقی درسازمان و یک پارادایم در رفتار شهروندی سازمانی تاثیر به سزایی در رضایت شغلی کارکنان سازمان دارد . استخدام و گزینش کارکنان کارکنان درسازمان در حقیقت درونداد سازمان بشمار میروند . تفکرات کیفی حاکم بر سازمانهای جهان معاصر ، و استراتژیهای جذب و استخدام در حوزه مدیریت منابع انسانی جملگی بر دقت در فرایندهای استخدامی تاکید دارند . بدیهی است چنانچه ۲-Gob satisfaction-۱smithسازمانی افق های تازه ای را در چشم انداز ترسیم کند نیروهای عضو را برای فراگیری آن دانش پرورش می دهد و در انتخاب افراد جدید شاخصهایی را لحاظ می کند. رفتار شهروندی سازمانی اگرچه درعلم سازمان مدیریت نوپاست اما با توجه به کارکردهای اخلاقی این رفتار سازمانی و ایجاد یک انسجام و روح جمعی به زودی به یک نیاز ضروری برای سازمانها مبدل خواهد شد . لذا لازم است سازمانها ابعاد رفتار شهروندی سازمانی و مولفه های اخلاقی نظیر دانایی محوری؛ قانون مداری, مسئولیت پذیری و تعهد ، مشارکت و همکاری ، انتقاد گری و انتقاد پذیری ؛احساس خود ارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس توانائی تفکر و اگرا و .... را با توجه به ویژگیهای بوم شناختی حاکم بر سازمانهای مجاور بصورت شاخصهایی طراحی کرده و در فرایندهای استخدامی لحاظ کنند. ایجاد فضای دموکراتیک در سازمانظهور تفکر دموکراسی در نظامهای سیاسی ناشی از ضرورت و اهمیت حضور مردم در فعل و انفعالات اجتماعی است . فضای دموکراتیک ؛ چه در کلان سیستم های چون جامعه و چه در خرده سیستمهای چون سازمان ها ؛ اهداف مشترکی را داراست . برخی از ویژگیهای استقرار تفکر دموکراتیک در سازمانها عبارتست از :-امکان بیان آزادانه عقاید-اعتقاد به توانائی افراد و گروههای سازمانی برای

حل مشکلات مبتلا به سازمان – به کار گیری تفکر انتقادی به منظور سنجش مشکلات ؛ عقاید و خط مشی های سازمانی – توجه به رفاه و نفع عمومی –توجه به شان انسان و حقوق افراد–ایجاد گروهها و انجمن های کاریسازما نهایی که درصدد ایجاد فضای دموکراتیک اند باید امکان بیان آزادانه عقاید را برای کارکنان سازمان فراهم کنند که این خود باعث افزایش اعتماد و تعهد کارکنان نسبت به سازمان خواهد شد .فضای دموکراتیک مستلزم وجود جوی اخلاقی در سازمان است تا کارکنان و مدیران با اعتماد و اطمینان نسبت به یکدیگر وهمچنین متعهد شدن نسبت به انچه که هدف سازمان است به استقرار رفتار شهروندی سازمانی کمک نمایند . (کا ظمی ،محمد،۱۳۸۴)رفتار اخلاقی و رفتار شهروندی سازمانی نروان ۱در تحقیقی رفتار اخلاقی را به عنوان عمل کردن فرد مطابق با ارزش های خود تعریف می کند . فردریش و هانت۲ با اتخاذ

۲–Narvan, Fraedrich, &. Huntدیدگاه ساختاری ، رفتار اخلاقی را این گونه تعریف می کنند که توسط سازمان توصیه و تجویز شده است . در این دیدگاه ، سازمانبه عنوان مبنایی برای تعیین آن چه درست و آن چه غلط است به کار می رود). Baker et al., ۲۰۰۶) محققین دیگر نیز برای بررسی رفتار اخلاقی بر تحلیل شبکه اجتماعی اتکا کرده اند . برطبق این دیدگاه ، افراد توسط ویژگی ارتباط با دیگران یا موقعیتی که در شبکه های اجتماعی دارند یاد می گیرند که به طور اخلاقی یا غیر اخلا قی رفتار کنند . رفتار شهروندی سازمانی رفتارهای اختیاری می باشند که به اثر بخشی سازمانی کمک می کنند در حالی که به طور واضح و رسمی پاداش دریافت نمی کنند . مثال هایی از رفتار شهروندی سازمانی را می توان در کمک به همکاران و انجام فعالیت های داوطلبا نه مازاد بر شغل مطرح کرد . برخی متغیر های رفتار شهروندی سازمانی شامل تعهد سازمانی ،اعدالت و رضایت شغلی می باشد . ترانیپ سید در تحقیقی نشان داد افرادی که رفتار اخلاقی بالاتر و بیشتری دارند ، رفتار شهروندی سازمانی بیشتری نیز نشان می دهند . می توان این گونه نتیجه گرفت که رفتار شهروندی سازمانی ظهور و نمود رفتار اخلاقی در محیط کار می باشد . در زمان کنونی مدیران باید از نظر اخلا قی جو یا محیطی سالم برای کارکنان به وجود آورند ، تا بتوانند بر میزان تولید ، بازدهی ،و بهره وری خود بیفزایند که از نظر داشتن رفتار خوب و بد دچار مشکل یا معما نشوند . کارکنان و اعضای سازمان همواره در اطراف خود ، شاهد عملیات غیر اخلاقی هستند یعنی می بینند افرادی که شایستگی ارتقا ندارند به مقامهای بالا ارتقا می یابند و گاهی هم شاهد دریافت و پرداخت رشوه هستند ، و نیز می بینند که وکلای قدرتمند می توانند حق را نا حق جلوه دهند . وبسیاری از رفتارها در سازمانها جنبه قانونی پیدا نکرده اند ، و مدیران در زمینه پیدایش هنجارها و ارزش ها باید حساسیت بیشتری از خود نشان دهند . تقویت ارزشهای اخلاقی در رفتار سازمانی باعث تقویت رفتا ر شهروندی سازمانی ودرنتیجه افزایش اثر بخشی داخلی سازمان و همچنین افزایش بهره وری خواهد شد . نتیجه گیری سازمان ها به ویژه سازمان ها در کشور های جهان سوم که نیازمند جهشی عمده در کارآمدی می باشند، بایستی زمینه را به گونه ای فراهم کنند که کارکنان و مدیرانشان با طیب خاطر تمامی تجربیات،توانایی ها و ظرفیت های خود را در جهت اعتلای اهداف سازمانی بکار گیرند.این امر میسر نخواهد شد مگر انکه اصول و قواعد مربوط به رفتار شهروندی سازمانی شناسایی و بستر های لازم برای پیاده سازی اینگونه رفتار ها فراهم گردد. رفتار اخلاقی و ارزش های اخلاقی موضوع مهمی است که در بسیاری از تحقیقات مرتبط با اخلاق کسب و کار می باشد . زیر بنای همه ارزشها در سازمان ، ارزش های اخلاقی می باشد،که در حوزه کارآمدی منابع انسانی جایگاه ویژه ای دارد . رفتار شهروندی سازمانی نیز بر پایه اصول و ارزشهای اخلاقی خارج از قوانین و مقررات اجتماعی استوار است ،لیکن رفتار اخلاقی و ماهیت آن تاثیر غیر قابل انکار بر OCBو نوع آن و همچنین میزانی که افراد آن را بروز می دهند،دارد و باید توجه داشت که فرهنگ های گوناگون ممکن است با توجه به ارزشها و اصول اخلاقی خود ابعاد و انواع متفاوتی از OCB را ارائه داده و درک متفاوتی از ابعاد رفتار شهروندی داشته باشند. منابع

Baker, T. L. & Hunt, T. G. & Andrews, M. C.(۲۰۰۶) Promoting Ethical Behavior and – Organizational Citizenship Behaviors: The Influence of Corporate Ethical Values, Journal of Business Research, vol. ۵۹, pp. ۸۴۹–۸۵۷.-Bolino, M.C. & Turnley, W.H.(۲۰۰۳) Going the Extra Mile: Cultivating and Managing Employee Citizenship Behavior, Academy of Management Executive, Vol. ۱۷, pp. ۶۰-۷۱.-Clark, A.L.(۱۹۹۸) Perceptions and Validation of Ethics in Public Schools, Project for the degree of doctor of education. Saint Louis University. Available at:http://proquest.umi.com/login- Castro, Carmen.B & Armario, Enrique.M & Ruiz, David.M , (۲۰۰۴) " the influence of employee organizational citizenship Behavior on customer loyalty " , international journal of Service industry management , Vol.۱۵ No.۱ - Yilmaz, K. & Tasdan, M.(۲۰۰۹)Organizational Citizenship and OrganizationalJustice in Turkish Primary Schools, Journal of Educational Administration, Vol۴۷, pp. ۱۰۸-۱۲۶- Handlon, R.L.(۲۰۰۹) The Departure of the Insurance Agent: The ImpactOrganizational Commitment, Organizational Justice, and Job Satisfaction have onIntent to Leave in the Insurance Industry, Dissertation Presented in Partial – Podsakoff, N. P., Whiting, S. W., Podsakoff, P. M., & Mishra, P. (۲۰۱۰). Effects of organizational citizenship behaviors on selection decisions in employment interviews. Journal of Applied Psychology. Advance online publication.- spector ،-p.e. bauer ., j.a.,&fox,s.(۲۰۱۰). Measurement artifacts in the assessement of counterproductive work be havior and organizational citizenship be havior: do we know what we think we know? Jornal of applied psychology , ۹۵,۷۸۱ –۷۹۰.- Fox., spector, p.e.,a.,bruursema,k.,& Kessler,s.r.(۲۰۰۹).the deviant citizen: clarifying the measurement of organizational citizen ship behavior and its relation to counterproductive work behavior . loyolauniversity Chicago.-Eslami, hasan & Sayar, abolghasem .(۲۰۰۸), "Organizational citizenshipbehavior", ofogh journal- Korkmaz, T. & Arpaci, E.(۲۰۰۹) Relationship of Organizational Citizenship Behavior with Emotional Intelligence, Procedia Social and Behavioral Sciences,Vol. ۱, pp. ۲۴۳۲–۲۴۳۵.- kinicki. Angelo. Kretner. Robert. (۲۰۰۸) . " organization behavior":key concepts, skillanbest practiced", mc grow – hill, Irwin.-Valentine, S. & Godkin, L. & Lucero, M.(۲۰۰۲) Ethical Context, Organizational Commitment, and Person-Organization Fit, Journal of Business Ethics, Vol. ۴۱,pp. ۳۴۹-۳۶۰ .

– احسانی مقدم . ندا . (۱۳۸۹").درامدی بر رفتار شهروندی سازمانی. "مجله مدیریت . شماره ۱۵– بهاری فر،علی.جواهری ،مهدی، (۱۳۸۹ ").بررسی پیامد های ارزش های اخلاقی سازمان. " ماهنامه توسعه انسانی ، شماره ۲۸– بهرامزاده. حسینعلی . (۱۳۸۷"). مبانی رفتار سازما نی . " تهران . کارور.– توره، ناصر(۱۳۸۵")، شناخت عوامل رفتار شهروندی وبررسی ارتباط آن با عملکرد سازمانی، "پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (پردیس قم) –دفت، ریچارد ال(۱۳۷۴ ")تئوری سازمان و طراحی ساختا

ر ")جلد دوم(، ترجمه: علی پارسیان، محمد اعرابی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.- رابینز ، استیفن پی.(۱۳۸۳ ") مبانی رفتار سازمانی ، "ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، چاپ هفتم ،تهران انتشارات دفتر پژو هشهای فرهنگی ، -کاظمی .محمد.(۱۳۸۴ ") رفتار مدنی سازمانی : تبیین رشد یافته ای از رفتار و عملکرد انسانها در زندگی سازمانی،" کارشناس مرکز بهمن موتور . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آ موزشی . (دانشگاه تهران،دانشگاه علوم تربیتی) . - هویدا . رضا . (۱۳۸۸). "بررسی سطح رفتار شهروندی سازمانی کارکنان"پژوهشنامه مدیریت اجرایی.سال نهم شماره۱- بهاری فر ،علی.جواهری ،مهدی، (۱۳۸۹ ").بررسی پیامد های ارزش های اخلاقی سازمان. " ماهنامه توسعه انسانی ، شماره ۲۸

هدفمند نمودن یارانه‌ها و مدیریت شهری

هدفمند نمودن یارانه‌ها و آثار آن برمدیریت شهری

شهرآرا

یارانه را می‌توان شکاف بین قیمت پرداختی و هزینه تمام شده کالاها و خدمات و یا هزینه فرصت برای برخی از کالاها و خدمات دانست که میزان آن بستگی به درجه حمایت از اهداف و سیاست‌های یارانه‌ای دارد. در برخی تعاریف یارانه عبارت است از هرگونه پرداخت انتقالی که به منظور حمایت از اقشار کم درآمد و بهبود توزیع درآمد، از محل خزانه دولت و هرآنچه می‌تواند به خزانه دولت واریز شود، به صورت نقدی یا غیرنقدی به خانوارها و تولیدکنندگان تعلق می‌گیرد.یکی از اهداف پرداخت یارانه در جوامع مختلف، حمایت از اقشار کم درآمد و بهبود توزیع درآمد است، اما آنچه در زمینه پرداخت یارانه‌ها به طورکلی در کشور مطرح است، برخورداری بیشتر طبقات با درآمد بالا و برخورداری کمتر طبقات پایین درآمدی از این‌گونه پرداخت‌هاست. پرداخت یارانه کلی در بخش‌های تولیدی با تحریف قیمت‌های نسبی، عدم تخصیص بهینه منابع و در بخش خصوصی نتیجه‌ای مانند کاهش رقابت و سرمایه‌گذاری در تولید کالاهایی که با پرداخت یارانه مصرفی قیمتشان به طور مصنوعی پایین نگه داشته شده است، را در پی دارد. نتیجه ناگزیر این سیاست حمایتی در بلندمدت، ناکارآیی تولید و اتلاف منابع و امکانات تولیدی است.در بخش‌های مصرفی نیز پرداخت یارانه با تاثیرگذاری بر قیمت‌های نسبی، بر ترجیحات مصرف‌کننده نیز تاثیر گذاشته و مصرف کالاهای یارانه‌ای را افزایش می‌دهد. به این ترتیب در بلندمدت، الگوی نادرست تولید و مصرف در اقتصاد نهادینه شده و با گذشته زمان، رفع عیوب آن دشوارتر می‌شود.با توجه به آثار اقتصادی یارانه (افزایش مصرف و کاهش کارآیی، کاهش بازده سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و در بلندمدت کاهش رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی)، آثار اجتماعی (مانند برخورداری بیشتر خانوارهای پردرآمد و شهری به جای خانوارهای فقیر و جوامع روستایی) و آثار زیست‌محیطی (مانند تشویق به مصرف سوخت‌های فسیلی)، وجود برنامه‌ای جامع در قالب هدفمندی یارانه‌ها ضروری می‌باشد.یارانه هدفمند یعنی پرداخت یارانه برای تحقق هدف مشخص، در زمان و مکان مشخص با اعتبار مشخص و با بهترین راه‌حل، که در ابتدا باید گروه‌های هدف را شناسایی نمود و با توجه به جایگاه هریک از آن‌ها، یارانه مناسب را در اختیارشان قرار داد. به عبارت دیگر باید یارانه بخش تولید را به بخش تولید، یارانه بخش توزیع را به بخش توزیع و یارانه بخش مصرف را به بخش مصرف اختصاص داده شود. هدفمند شدن یارانه موجب محاسبه درصد هزینه به فایده، هزینه از دست رفته فرصت‌های اجتماعی، بهره‌وری در محیط‌های کار، تجدید نظر در مصرف مواداولیه، حامل‌های انرژی و حتی نیروی انسانی شده و فرصتی به دست خواهد داد که کلیه فرایندها مورد مهندسی مجدد و تجدیدنظر قرار گیرند. از این رو هدفمند کردن یارانه‌ها با ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی صنعت و بازار، کشور را به سمت رقابتی شدن سوق داده و ضمن اصلاح الگوی مصرف، راه را برای توسعه اقتصاد ملی و شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه هموار خواهد نمود. و آثار گسترده این تحول بزرگ اقتصادی در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، عمرانی، خدمات شهری، حمل ونقل شهری و

حوزه مالی و اداری سازمانی، قابل مشاهده خواهد بود. در ادامه تلاش می‌شود راهبردهای عملیاتی که به بهبود آثار اقتصادی اجرای این طرح کمک می کند، در پنج گروه کلی ارائه شود.راهبردهای عملیاتیدر این بخش در حوزه‌های مختلف، فعالیت‌های ساختمان و عمران شهری، حوزه فعالیت‌های شهری، حوزه حمل و نقل شهری، حوزه مالی و اداری و حوزه فرهنگی و اجتماعی و براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، راهکارهای اجرایی ذیل در راستای تسهیل و بهبود این رویداد بزرگ اقتصادی در امر مدیریت شهری و مسائل مرتبط با، آن ارائه می گردد.الف)راهبردهای برنامه‌ریزیشناسایی محل‌های بهینه مصرف منابع-با توجه به اینکه یکی از دلایل و فلسفه‌های وضع قانون هدفمندی یارانه‌ها، تخصیص بهینه منابع و بهره‌مندی از حداکثر توان تولیدی است، مسلما مدیریت شهری از این قانون جدا نبوده و باید در پی شناسایی محل‌های بهینه مصرف منابع خود باشد، علاوه بر این نهادهای شهری می‌توانند با تعدیل نیرو در طول زمان و بهره گیری از نیروهای کارآمدتر و با ارزش افزوده بالاتر، حرکت مثبتی را در این زمینه در نهادهای مذکور ایجاد نمایند. همچنین در این زمینه باید شیوه‌های ارزیابی زنجیره ارزش در حد قابل توجهی مدنظر برنامه‌ریزان اقتصاد شهری و نهادهای متولی قرار گیرد.برگزاری جلسات بارش افکار، برگزاری نشست‌های تخصصی، جلسات و گردهمایی‌ها با حضور صاحبنظران و کارشناسان برای ایجاد بستر مناسب و گرفتن تصمیمات به‌هنگام در زمینه حل چالش‌های پیش روی حاصل از اجرای این قانون، ضروری می‌باشد.اصلاح ساختار حمل و نقل عمومی، اجرای قانون هدفمند نمودن یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی منجر به افزایش هزینه‌های حمل و نقل شده و مدیریت شهری باید در راستای کاهش هزینه‌ها، اصلاحات اساسی انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به از رده خارج نمودن اتومبیل‌های فرسوده، رعایت حداقل استاندارد تولید و اعمال نظارت‌های فنی اتومبیل‌ها اشاره نمود.توسعه زیرساخت‌های الکترونیکی؛ حرکت کلی و هدفدار به سمت توسعه زیرساختی دولت الکترونیک و اتوماسیون‌های اداری و اینترنتی نمودن درخواست‌ها و پاسخ‌ها، منجر به کاهش ترددهای داخل شهری شهروندان برای انجام امور مرتبط با شهرداری نظیر استعلامات، دریافت پروانه و ... می‌شود. همچنین صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سوخت و کاهش هزینه انجام فعالیت‌های فوق و کاهش آلودگی‌های شهری، از دیگر مزایای توسعه زیرساخت‌های الکترونیکی می‌باشد.برنامه ریزی در راستای تحقق مدیریت یکپارچه شهری؛ در راستای افزایش کارآمدی مدیریت شهری و افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های اداره شهر که یکی از اهداف اصلی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد، باید در راستای تحقق مدیریت یکپارچه شهری، برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد.واگذاری حمل و نقل عمومی به بخش خصوصی؛ با توجه به اینکه با اجرای این قانون، تقاضای استفاده از حمل و نقل عمومی افزایش محسوسی یافته و به تبع آن هزینه‌های شهرداری نیز افزایش پیدا کرده است، پیشنهاد می‌شود با واگذاری شبکه حمل و نقل عمومی به بخش خصوصی، در راستای کاهش بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های شهرداری، اقدامات لازم به عمل آید.برون‌سپاری برخی از فعالیت‌های شهرداری؛ با توجه به اینکه بسیاری از فعالیت‌هایی که توسط مدیریت شهری به صورت روزانه انجام می‌شود و هزینه‌های بسیار زیادی را برای این مجموعه به دنبال دارد، توصیه می‌شود برخی از فعالیت‌های شهرداری مانند صدور پروانه همراه با ایجاد یک سازوکار مناسب نظارتی برون‌سپاری شوند.برنامه‌ریزی برای تفکیک زباله از مبدا؛ جمع‌آوری زباله شهری، سهم زیادی در هزینه‌های شهرداری دارد. با تفکیک زباله از مبدا، هم هزینه حمل و نقل و هم هزینه بازیافت زباله کاهش خواهد یافت.بهره گیری بیشتر از پروژه‌های ایستگاه‌های میانی انتقال پسماند؛ به منظور کاهش میزان تردد خودروهای کوچک به محل‌های دفن و بازیافت، باید به طور جدی‌تری از پروژه‌های ایستگاه‌های میانی انتقال پسماند بهره گرفت.ب-راهبردهای سرمایه گذاریدر نظر داشتن هزینه‌های افق نگهداری در اجرای پروژه‌های عمران شهری؛ اجرای تعدادی از پروژه‌های عمران شهری، همراه با هزینه نگهداری است. بنابراین در تعیین اولویت‌های اجرای پروژه‌های عمرانی باید به این موضوع توجه نمود و حداقل در کوتاه‌مدت اجرای پروژه‌هایی را که هزینه نگهداری زیادی دارند، کاهش داده و به سمت اجرای پروژه‌هایی با هزینه نگهداری کمتر حرکت نمود.سرمایه گذاری در انرژی جایگزین؛ ستفاده و سرمایه گذاری در انرژی‌های جایگزین از قبیل سوخت‌های ایجاد

شـده از پسـماند و انرژی خورشـیدی، علاوه بر کـاهش هزینـه ناشـی از میزان مصـرف حامل‌هـای انرژی، می‌توانـد منجر به ارتقـای شاخص‌های زیست‌محیطی شـده و همچنین مسیر توسعه پایـدار شـهر را نیز هموارتر نماید.ج-راهبردهای اجراییرعایت مقررات ملی ساختمان؛ این امر مانند مبحث نوزدهم که رعایت آن باعث صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌شود، حفظ منافع ملی در درازمدت را به دنبـال دارد و می‌توانـد یارانه‌هـای سـاخت و سـاز را جبران کنـد.واردات مصالـح همراه بـا ذخیره‌سازی آن توسط دولت؛ واردات مصالـح برای تنظیم قیمت‌هـا، در کنار ذخیره‌سازی توسط دولت و فروش تـدریجی آن به انبوه‌سازان، می‌توانـد ساخت و سازها را از رشـد هزینه‌ای ایمن کنـد. در تحقیق انجـام گرفته توسط کانون سراسـری صـنف انبوه‌سازان مسـکن، پیش‌بینی قیمت مسـکن بعـد از حـذف یارانه‌ها سـخت و مشـکل عنوان شده، اما تاکید شده چنانچه یارانه‌ها به صورت تدریجی برای صـنعت ساختمان حذف شود، بازار مسـکن به تعادل قیمت خواهد رسـید.به کارگیری نیروی مجرب؛ به کارگیری مدیران مجرب و دارای توانایی‌های بالای علمی در بـدنه مـدیریت و ایجـاد ثبـات مـدیریتی در شـهرداری، به دلیل بهره‌وری و کارآیی بالاتر سـهم موثری در کاهش هزینه‌ها خواهد داشت.اجرایی نمودن مفاد قانون مـدیریت پسـماند؛ در زمینه حمایت از صـنایع بازیافت مواد، به عنوان صـنایعی نوپا و کم‌بازده و در راسـتای جلوگیری از رکود و ورشکسـتگی این صـنایع، بایـد توجه و پیگیری‌هـای جـدی برای اجرایی نمودن مفـاد قـانون مـدیریت پسـماند و آیین‌نامه‌های اجرایی آن صورت گیرد.د-راهبردهای مالیواقعی نمودن میزان بهای خدمات؛ برای جبران افزایش هزینه‌های تحمیـل شـده بـه شـهرداری‌ها از نـاحیه طرح هدفمنـدی یارانه‌هـا، و افزایش قیمت حامل‌هـای انرژی، بایـد در گرفتن بهـای خـدمات جمع‌آوری و دفع زباله‌ها، تجدیدنظر و بازنگری جدی صورت گیرد.تلاش برای جذب بخشی از ۳۰درصد منابع مالی قانون هدفمند کردن یارانه‌هـاطبق قـانون هدفمنـدکردن یارانه‌هـا، ۳۰درصـد منـابع مـالی حاصـل از اجرای قـانون، بـه سـرمایه‌گذاری در بهبـود زیرساخت‌ها اختصاص می‌یابـد. از آنجا که پروژه‌های عمران شـهری مشـمول این بخش از قانون می‌شود، باید برای جذب این منابع راهکار مناسبی را مـدنظر قرار داد.مجاب نمودن دولت به حمایت هدفمند از شـهرداری؛ در نتیجه افزایش هزینه‌های ناشـی از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، شهرداری‌ها باید اقدام به ارائه تصویری روشن به دولت در زمینه محدودیت‌ها و کمبود منابع مالی خود بنماینـد و دولت را مجاب به حمایت هدفمنـد از خود نماینـد.هـ)راهبردهای اجتماعیتوجه به اتخاذ سیاست‌های بلندمـدت در کاهش مصـرف؛ مطالعـات نشـان می‌دهـد کـه انرژی در کشـور کالا-یی کم کشش است. به این معنـا که هرگـونه افزایش در قیمت انرژی کاهش چنـدانی در تقاضا نمی‌دهـد. در این شـرایط، سیاست کاهش مصـرف بـدون هماهنگی در جنبه‌های آموزشـی و بهینه‌سازی تکنولوژی مصـرف، اثربخش نخواهـد بود. گرچه ممکن است در کوتاه‌مدت باعث کاهش مصـرف گردد اما با انتقال بار مالی خود بر سایر بخش‌ها در میان‌مدت و بلندمدت، مصـرف به سطح قبلی بازخواهد گشت. بنابراین موثرترین شیوه در تغییر الگویی، استفاده از سیاست‌های بلندمـدت می‌باشـد و تغییر و اصـلاح این تفکر که منابع زیرزمینی و خدادادی، قبل از آنکه برای مصـرف آنی مورد اسـتفاده قرار گیرنـد، باید به امانت برای نسل‌های آینده حفظ شده و توجه افکار عمومی به ناپایداری این منابع می‌تواند بسیار مفید باشد.تمرکز بر اصـلاح الگوی مصرف از طریق فعالیت‌های فرهنگی؛ فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از نمادها، نهادها و روش‌ها در یـک جامعه، که تعیین و تنظیم کننـده رفتار انسان‌های آن جامعه می‌باشـد. بهسازی فرهنگ مصـرف انرژی توسط روش‌های زیر ارائه می‌گردد:-ارتقای آگاهی‌های عمومی مصـرف‌کننده در مورد انرژی‌های اولیه-راهنمایی و هدایت مصرف‌کنندگان در راستای مصـرف منطقی و به موقع انرژی-بهبـود فرهنـگ اسـتفاده از وسایـل و تجهیزات (دانش فنی) مصـرف‌کننده انرژی و رعـایت اصول بهره‌برداری صـحیح و نگهداری و تعمیرات پیشـگیرانه وسایل مصـرف‌کننده انرژی.اطلاع‌رسانی و آموزش به‌هنگام به مردم از طریق رسانه‌هـای جمعی؛ در زمینه تبعـات مثبت و منفی اجرای قـانون هدفمنـدکردن یارانه‌هـا و اصـلاح الگـوی مصـرف بایـد اطلاعـات و آموزش‌هـای به‌هنگـام به مردم از طریق رسانه‌هـای جمعی صورت گیرد. آموزش‌ها می‌توانـد به دو طریق صورت گیرد:آموزش‌های عمومی: دولت بایـد در یـک برنـامه عمومی و گسترده در رسانه‌هـای گروهی و تبلیغاتی و در کتاب‌های درسـی، میزان اتلاف منابع

انرژی را بـه اطلاع مردم رسانـده و فرهنـگ صـرفه‌جویی و تلـف نکردن منـابع انرژی در مردم و بـه ویژه در نوجوانـان و جوانـان را پرورش داده و روش‌های استفاده صحیح از این منابع را به آنان بیاموزد.آموزش‌های تخصصی: باتوجه به تجربیات کشورهای موفق و پیشرو و نیز نتایج مطلوب ارزیـابی، دوره‌هـای آموزشـی و تخصصـی ویژه‌ای برگزار شـده و مـدیریت انرژی برای کارشـناسان و مـدیران انرژی در برنامه‌هـای پنـج سـاله دوم و سوم توسـعه کشور و نیز ضـرورت اسـتمرار و ارتقای این دوره‌های بنیادین به صورت آموزش‌های تخصصـی و کاربردی مـدیریت انرژی در کشور، الزامی است.جمع‌بنـدی مـدیریتیاجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به شرط آنکه پیش نیازهای آن احصا شده باشد و بسترهای مناسب برای اجرای آن فراهم شود، گام موثری در راستای استفاده بهینه از منـابع کشور از جمله حامل‌های انرژی خواهـد بود. براساس بررسـی‌های صورت گرفته و با توجه به تبعات و آثار گسترده این تحول بزرگ اقتصـادی در فعالیت‌های ساختمان و عمران، حوزه‌های فعالیت‌های شـهری، حوزه حمل و نقل شـهری، حوزه مالی و اداری و حوزه فرهنگی و اجتماعی و با توجه به ضـرورت وجود مـدیریت واحـد شـهری در توفیق اجرای قانون راهبردهای اجرایی، تسـهیل و کاهش تبعات منفی این تحول عظیم در این حوزه‌ها ارائه گردید.روزنامه شهرآرا

شهر الکترونیک و مدیریت شهری

دکتر علی اکبر جلالی

ازدحـام و تراکـم جمعیـت هـای بزرگ و تفـاوت جمعیت شب و روز در شـهرهایی مثـل تهران، نیویـورك، لنـدن و توکیـو همراه با آلودگی گسترده نور، صدا، هوا و فضا و مسـئله ترافیك و زمان، منشاء یافتن چاره ای برای کاهش آلام ناشـی از زندگی در اینگونه شهرها شده است. مهمترین مسئله در این شهرها حرکت جمعیت اعم از حرکت با وسیله نقلیه و یا ازدحام جمعیت در مراکز فروش و خدمات اداری و رفاهی شـهر، علت اصلـی بسـیاری از «مسائل شـهری» اعم از مسائل انسانی شـهری و یا حوادث و سوانح شـهری در شهرهای بزرگ می باشـد. با ظهور صـنعت همزمان ارتباطات (عاملی، ۱۳۸۳)، کـامپیوتر و به دنبال آن ارتباطات شـبکه ای از طریق آرپانت و سـپس شکل فراگیر این ارتباط در قالب اینترنت فضای جدیدی برای شهر بوجود آمد که از آن تعبیر به «شهر الکترونیک» می شود. [۱]. از مزایـای شـهر الکترونیـک کاهش «حرکت جمعیت» در شـهر واقعی و در درجه بعـدی «فضاهای همزمان» را بـدون فرسایش و اصـطکاك با یک هنـدسه موازی امکان پذیر می سازد. در واقع دو فضایی شدن شـهر در فضای واقعی و فضای مجازی، نوعی «مدیریت کنترل حرکت جمعیت شـهری» محسوب می شود. لذا حرکت جمعیت شهر آرام‌تر، کم‌هزینه‌تر و برخوردار از امنیت شهری و امنیت روانی شـهروندان را فراهم کند. شـهرسازی واقعی - مجازی به ظرفیت های واقعی شـهر در کنار ظرفیت های مجازی شهر توجه می کند و شـهر را با توجه به این دو فضا می سازد. شـهرهای آینده ناگذیر از اساس با نگاه به این فضا ساخته خواهد شد و شـهرهای موجود نیازمن بازسازی جدید و اضافه کردن «فضاهای شـهر الکترونیک» به شهرهای واقعی می باشد لازم به ذکر است، این رونـد همراه با توسعه نرم افزارهای کامپیوتری رو به جلو می رود. در فضای پراکنده شـهری جددی، شـهر های الکترونیک، می توانـد زمینـه بازسـازی «یکپـارچگی اجتمـاعی شـهری» را فراهـم کنـد.شـهر مجـازی > شـهر الکترونیـک:شـهر الکترونیـک یکی از خاستگاه‌های مدیران شـهری و شـهروندان در عرضه کردن و مورد اسـتفاده قرار دادن خدمات شهری استشهر الکترونیك عبارت از شهری اسـت کـه اداره امـور شـهروندان شامـل خـدمات و سـرویس‌های دولـتی و سازمان‌هـای بخش خصوصـی بصـورت برخط (online) و بطور شبانه‌روزی، در هفت روز هفته بـا کیفیت و ضـریب ایمنی بالا با اسـتفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهـای آن انجـام می‌شـود، یـا به عبـارت دیگر می‌توان گفت در شـهر الکـترونیکی تمـام خـدمات مورد نیـاز ساکنـان از طریق شبکه‌هـای اطلاع‌رسـانی تـامین شـود.بـه ایـن ترتیـب دیگر نیـازی به حرکت فیزیکی شـهروندان برای دسترسـی به خـدمات دولت و نهادهای خصوصـی نیست.در این شـهر الکترونیکی ادارات دیجیتالی جایگزین ادارات فیزیکی می‌شوند و سازمان‌ها و دسـتگاه‌هایی

همچون شهرداری، حمل و نقل عمومی، سازمان آب منطقه‌ای و... بیشتر خدمات خود را به صورت مجازی و یا با استفاده از امکاناتی که ICT در اختیار آنان قرار می‌دهد به مشترکین و مشتریان خود ارائه می‌دهند.در شهر الکترونیک علاوه بر اینکه شهروندان در شهر مجازی و در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های الکترونیک حرکت می کنند، قادرند خدمات جاری خود را همچون خریدهای روزمره از طریق شبکه انجام دهند.البته باید به این نکته توجه کرد که شهر الکترونیک یک شهر واقعی است که دارای شهروند، اداره‌ها و سازمان‌های مختلف و... است که در آن فقط ارتباطات و برخی تعامل‌های اجتماعی و تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای روزمره از طریق اینترنت صورت می گیرد.می‌توان بیشترین ویژگی‌های این شبکه اطلاع‌رسانی را در شبکه حمل و نقل شهری و اطلاع‌رسانی در مورد حوادث غیرمترقبه جست‌وجو کرد که در زمان بروز حوادث غیرمترقبه با توسل به این سیستم می‌توان در کمترین زمان بحران پیش آمده را در منطقه مدیریت کرد.شهر الکترنیک یک نیاز غیرقابل انکاررویکرد جهانی طی ۲۰ سال گذشته به سمت اطلاعاتی شدن جوامع بوده و امروزه جامعه‌ای پیشرفته‌تر است که به لحاظ اطلاعاتی سرعت و قابلیت بیشتری در تولید و تبادل اطلاعات داشته باشد.باتوجه به تکنولوژی های جدید که پیچیدگی زندگی اجتماعی را به دنبال دارند، نیازمند تسهیل امور مختلف زندگی هستیم و بدون توجه به فناوری بسیاری از امور، زندگی قابل عمل، پی گیری و اجرا نیست.در حال حاضر تکنولوژی اطلاعات این امکان را به افراد داده و کمک می کند تا سریع تر به اهداف خود دست یابند. ایجاد شهر الکترونیک و قدم گذاشتن در مرحله تکنولوژی IT نیز یک فرصت انکارناپذیر است.این شهر عاملی در جهت ایجاد سازمان‌های شیشه‌ای است به گونه‌ای که تمام کارکردها و هدف‌های سازمان به طور شفاف قابل مشاهده باشد.شهر الکترونیک دسترسی الکترونیکی شهروندان به شهرداری، ادارات دولتی، بنگاه‌های اقتصادی و کلیه خدمات فرهنگی و بهداشتی شهری به صورت شبانه‌روزی را قابل اطمینان و امن می کند.این شهر از بستر پیشرفته اطلاعات مخابراتی برخوردار است، به صورتی که می‌توان از طریق کامپیوتر با خانه‌ها، مدارس، ادارات و غیره ارتباط برقرارکرد.مزایای شهر الکترونیکیاز مزایای اقتصادی پیاده‌سازی طرح شهر الکترونیکی می‌توان به کاهش هزینه‌های تردد شهری، افزایش سرمایه‌گذاری در نتیجه گسترش ارتباطات جهانی، صرفه جویی در مصرف سوخت‌های محدود، تسهیل انجام امور اقتصادی به خاطر ۲۴ ساعته بودن ارائه خدمات و... اشاره کرد.کاهش زمان اتلاف شده شهروندان در ترافیک، عرضه بهتر خدمات، توزیع عادلانه‌تر امکانات، کاهش آلودگی محیط زیست، افزایش اشتغال و بهبود مدیریت پایدار شهری از ویژگی‌های اجتماعی شهر الکترونیکی است.مهم‌ترین اثرات فرهنگی این شهر نیز شامل اطلاع‌رسانی سریع، انتشار نشریات الکترونیکی برای شهروندان، آموزش مجازی، ایجاد کتابخانه دیجیتالی، افزایش سواد و ایجاد نوعی جهان‌نگری است که به افزایش رفاه و ارتقای فرهنگ کمک می کند.در واقع در شهر الکترونیکی دیگر به شهر به مثابه کالبدی که ساختمان‌های بلند، خیابان‌های پرترافیک و آلودگی‌های زیست‌محیطی را دربرمی گیرد نیست، بلکه شهری است که در آن تعامل میان شهروندان و مسؤولان اهمیت بیشتری می‌یابد و این تعاملات دو سویه است که محیط اجتماعی مطلوبی را برای شهروندان ایجاد می کند.این موضوع به ویژه در مورد کلان شهرها اهمیت دارد. در شهر الکترونیک کلان شهرها، شهرهایی نیستند با آسمان خراش‌های بزرگ، سینماهای عظیم، سالن‌های بزرگ به عنوان محل‌هایی برای تعامل و... بلکه شهرهایی هستند که با زندگی در آنها می‌توان فیلم‌های بزرگ را در صفحات کوچک دید، پشت میز خود در موزه‌ها گردش کرد و به طور کلی دیگر نیازی به چارچوب‌های شهری گذشته نیست. در واقع شهر الکترونیک به معنای شهروندسالاری در مدیریت شهری است.فعالیت‌های شهر الکترونیکبسیاری از فعالیت‌هایی که در شهرهای عادی صورت می‌پذیرد قابلیت اجرا در به صورت الکترونیکی و در غالب شهرهای الکترونیکی را دارا می‌باشد و شاید می‌توان گفت این مجموعه فعالیت‌ها در شهرهای الکترونیکی به صورت راحت‌تر اجرا می گردد.فعالیت‌های انجام گرفته در یک شهر الکترونیک را می‌توان به مجموعه‌هایی تقسیم کرد که بعضی از آنها عبارتند از: فعالیت‌های بانکی: مثل پرداخت قبوض، برداشت پول از حساب، انتقال پول و غیره فعالیت‌های اداری: مثل ثبت اسناد و املاک، درخواست پاسپورت و امثال آن فعالیت‌های

تجاری: مثل خرید و فروش کالا، موسیقی، فیلم و مواد غذایی فعالیت‌های تفریحی: مثل بازی‌های رایانه‌ای، بازدید از موزه‌ها و پارک‌ها کسب اطلاعات: اخبار، روزنامه‌ها، نشریات، وضعیت آب و هوا، ترافیک شهری، ساعات پرواز هواپیماها و... فعالیت‌های علمی: تحقیق در مورد پروژه‌ها، یافتن مقاله‌ها، دسترسی به منابع معتبر، کتابخانه ها و کتاب‌ها و تالیفات جدید فعالیت‌های آموزشی: مدرسه، دانشگاه و سایر آموزشگاه‌ها فعالیت‌های سیاسی: شرکت در انتخابات، اعلام نظر به مجلس و بخش‌های سیاسی باز فعالیت‌های مسافرتی: رزرو بلیط سفر، رزرو هتل و کرایه اتومبیل کاریابی و درخواست کار: آگاهی یافتن از فرصت‌های کاری، پر کردن فرم درخواست کار، ارسال و گرفتن نتیجه فعالیت‌های درمانی: مراجعه به پزشک، دریافت دستورالعمل های ایمنی و اطلاع از تازه‌های پزشکی فعالیت‌های تصمیم‌گیری: بهترین و خلوت‌ترین مسیر در شهر برای رسیدن به مقصد، بهترین رستوران برای صرف غذا، بهترین اماکن تفریحی و سایر بهترین‌هاشهر الکترونیکی چگونه شهری است؟برای درک بهتر و پاسخ به این سئوال به ارائه چند نمونه می‌پردازیم: برای مثال فردی که به دنبال ساخت ساختمان و متقاضی دریافت مجوز از شهرداری است پس از ورود به شبکه اطلاع‌رسانی شهرداری، خدمات مورد نیاز خود به همراه مشخصات زمین تحت مالکیت و ساختمان دلخواه خود را وارد شبکه می‌کند، سپس شهرداری الکترونیک بر اساس استانداردهای موجود، میزان مساحت قابل ساخت و طبقات ساختمان را به متقاضی اعلام می‌کند و در نهایت فرد متقاضی بر اساس مجوز شهرداری با ورود به شبکه مهندسان مشاور با یکی از شرکت‌های مشاور بر اساس طرح و قیمت مناسب به توافق می‌رسد.در این مرحله متقاضی حتی قادر است طرح ارائه شده از سوی مهندس مشاور را به صورت سه بعدی روی صفحه مانیتور مشاهده و اصلاحات دلخواه خود را اعمال کند.این طرح پس از تایید از سوی شهرداری الکترونیک و صدور مجوز با ورود به شبکه امور پیمانکاران و با انتخاب بهترین پیشنهاد از لحاظ قیمت به مرحله عقد قرارداد رسیده و سپس به اجرا درمی‌آید.حتی ارائه گزارش کار از سوی پیمانکار به کارفرما نیز می‌تواند از طریق شبکه صورت پذیرد. کل این پروسه در شبکه هوشمند می‌تواند در کمتر از ۲ ساعت به پایان رسد، در حالی که در شرایط عادی مراحل یاد شده به ۱ تا ۲ سال زمان نیاز دارد.همچنین در زمینه حمل و نقل شهری یکی دیگر از امکانات شهر الکترونیک این است که اگر تمام خودروها به سیستم موقعیت‌یاب محلی مجهز شوند در تمام طول مسیر از قدرت تشخیص موقعیت جغرافیایی خود برخوردار خواهند بود و پلیس نیز به این ترتیب توان مدیریت ترافیک را به راحتی در دست خواهد داشت.علاوه بر این در چنین سیستمی اصولاً- تصادفی رخ نمی‌دهد، چرا که در صورت احتمال بروز برخورد میان دو متحرک با اعلام خطر به موقع در یک کیلومتر قبل از محل پیش‌بینی تصادف از بروز حادثه جلوگیری می‌شود.در حقیقت با این روش حوادث رانندگی تحت کنترل درآمده و حتی در صورت وقوع روی مانیتور پلیس ثبت می‌شود و نیازی به اطلاع‌رسانی مجدد نیست.بنابراین علاوه بر افزایش سرعت رسیدن پلیس به محل حادثه، دیگر نیازی به کشیدن کروکی نخواهد بود و همین امر کار شرکت‌های بیمه را سهل‌تر از گذشته می‌کند.همچنین تصور کنید در یک شهر دیجیتالی وجود سیستم هوشمند تا چه حد قادر خواهد بود خدمات اورژانسی را گسترش دهد.برای مثال فردی را در نظر بگیرید که از یک طرف دچار عارضه قلبی شده و هر ثانیه برای او حکم مرگ و زندگی دارد و از طرف دیگر مرکز اورژانس هم نمی‌تواند در مورد صحت هر تماس تلفنی اطمینان حاصل کند، در این شرایط سیستم هوشمند به مرکز اورژانس این امکان را می‌دهد که به مجرد برقراری تماس تلفنی، محل سکونت تماس گیرنده و حتی نام مالک آن روی مانیتور مرکز اورژانس حک شود.از سوی دیگر محل حادثه روی مانیتور آمبولانس قرار می‌گیرد و سیستم اطلاع‌رسانی جغرافیایی (GIS) نیز به مرکز اورژانس اطلاع می‌دهد که نزدیک‌ترین آمبولانس به شخص حادثه دیده کدام است و کوتاه‌ترین مسیر تا مقصد و نزدیک‌ترین مرکز فوریت‌های پزشکی و بیمارستان هم مشخص می‌شود.بنابراین با استفاده از سیستم ناوبری هوشمند در لوای طرح شهر الکترونیک، اطلاعات مکانی، مسیر حرکت، سرعت و موقعیت مربوط به وسایل نقلیه از جمله وسایل نقلیه عمومی، پلیس، آتش نشانی، آمبولانس‌ها، اتوبوس‌ها و دیگر وسایل قابل دریافت است.اهمیت این موضوع وقتی بیشتر روشن می‌شود که توجه داشته باشیم

سیستم‌های ناوبری مطلوب آن دسته از سیستم‌هایی هستند که امکان تغییر نقشه و استفاده از نقشه‌های موجود و به روز کشور، قابلیت حمل و نقل و قیمت قابل قبول و مناسب داشته و در بازار نیز به راحتی در دسترس باشند.اجرای شهر الکترونیکاصولاً چهار مرحله برای اجرایی کردن الگوی شهر یا شهرداری الکترونیک توصیه می‌شود. در مرحله اول که مرحله پیدایش نامیده می‌شود، لازم است سند راهبردی بر مبنای مطالعات میدانی از امکانات و پتانسیل‌های موجود تهیه شود.در این زمینه استفاده از تجربیات جهانی نیز مؤثر خواهد بود. توسعه زیرساخت‌ها و آموزش به کارکنان ادارات یا سازمان‌های وابسته به شهرداری صورت می‌گیرد.در مرحله دوم که مرحله ارتقاء نام دارد، شهرداری یا شهر الکترونیکی فعالیت خود را با ارائه ابتدایی‌ترین خدمات بر روی شبکه اینترنت از طریق وب‌سایت‌های طراحی شده آغاز می‌کند.در مرحله بعد، مرحله تعامل، فعالیت‌هایی برای آموزش به کاربران و شهروندان شهر الکترونیک انجام می‌شود و در مجموع تعاملی دو سویه میان مدیران شهری و شهروندان از طریق وب‌سایت‌ها ایجاد خواهد شد.در مرحله یکپارچگی که آخرین حلقه ایجاد شهر الکترونیکی محسوب می‌شود، دامنه خدمات ارائه شده به شهروندان گسترش می‌یابد و خدمات متنوع‌تری عرضه می‌شود.در اجرای شهر الکترونیکی باید به ارائه سبک زندگی الکترونیک و در خور عصر توجه داشت و باید توجه کرد که سبک زندگی سنتی برای جامعه اطلاعاتی، تضادها و نابهنجاری‌های خاصی را به دنبال خواهد داشت.بنابراین یک الگوی مناسب زندگی با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر و مناسب در جامعه اطلاعاتی، یکی از برنامه‌های شهرهای الکترونیک است.البته با توجه به اینکه توسعه شهرهای الکترونیک، دستاوردهای بسیاری را برای شهروندان، سازمان‌های شهری و دیگر ذینفعان شهر به همراه دارد، مطمئن هستم در صورتی که در کشور برنامه‌ریزی‌ها بر اساس اولویت‌های جهانی و واقعیت‌های موجود جهان که حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی است انجام شود، اجرای شهر الکترونیک در اولویت قرار می‌گیرد.درآمدی بر مباحث شهر الکترونیکچاپنامه الکترونیک

<div dir="rtl" style="text-align: justify">درآمدی بر مباحث شهر الکترونیکبیش از شروع قرن بیستم نظریه پردازان اقتصادی، تنها زمین، سرمایه و نیروی کار را به عنوان نهاده های سه گانه تولید و خدمات قلمداد می کردند و تمامی برنامه...ریزی های اقتصادی در حوزه تئوری و عملی مبتنی بر استفاده از ترکیبی موثر از عوامل برای نیل به اهداف بلند اقتصادی بود. در ابتدای قرن بیستم ظهور نظریه مدیریت علمی بر منابع تولید، مثلث نهاده های تولید را دچار تغییر اساسی کرد.تمامی نظریه پردازان به این نتیجه رسیده بودند که اهمیت مدیریت در استفاده بهینه از منابع و نهاده های تولید و خدمات کمتر از خود آنها نیست، به همین دلیل مدیریت به عنوان چهارمین رکن تولید و خدمات وارد ادبیات اقتصادی شد و در کمتر از صد سال به عنوان مهمترین شاخه علمی دنیای امروز، تحولی وسیع در تمامی شئونات زندگی انسان امروزی، از خانواده گرفته تا مدیریت شهر و کشور ایجاد کرد.امروز حدود ۱۳۸ شاخه از مدیریت در تمامی حوزه های زندگی بشر امروزی به...صورت آکادمیک در مراکز علمی سراسر دنیا تدریس می‌شود.در قرن بیستم علاوه بر نگرش مبتنی بر مدیریت منابع در حوزه تولید و خدمات یک رویداد دیگر باعث رشد و پیشرفت سریع بشر امروزی شد، ورود تکنولوژی باعث استفاده هر چه بهتر مدیران از نهادهای اولیه تولید و خدمات شد و رویکرد استفاده بهینه از منابع (که در ادبیات اقتصادی آز آن به عنوان بهره وری یاد کردند) باعث شد که استفاده از تکنولوژی به عنوان یک رقیب و جایگزین در استفاده از منابع اولیه تولید و خدمات با بازدهی بیشتر و صرف هزینه های کمتر مورد توجه قرار گیرد به همین دلیل در اواسط قرن بیستم عملاـ تکنولوژی نیز به جمع چهار رکن اساس منابع اولیه تولید و خدمات اضافه شد.یکی از مهمترین شاخه های تکنولوژی که باعث اثرات مثبت شگرف در زندگی بشر امروزی شد تکنولوژی اطلاعات است . بسیاری از نظریه پردازان، قرن بیستم را قرن انقلاب انفورماتیک در زندگی بشر نام نهاده‌اند، استفاده از فناوری اطلاعات در کنار مدیریت صحیح از منابع تولید می‌تواند تضمین کننده نیل به اهداف در هر مجموعه رو به تکاملی تلقی شود.یکی از مهمترین شاخه های مدیریت، مدیریت شهری است، مدیریت شهری، علم برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل تمامی عوامل تشکیل...دهنده یک

شهر است اما مدیریت شهری نیز مانند تمامی شاخه های دیگر علم مدیریت نیازمند بهره گیری موثر از فناوری اطلاعات برای نیل به اهداف مورد نظر است .مفاهیمی چون شهر مجازی، شهر الکترونیک، شهروند الکترونیک و شهرداری الکترونیک زائیده همکاری و تعامل دو سویه مدیریت شهری و فناوری اطلاعات است.رشد روز افزون جمعیت، زندگی را در جوامع شهری تحت الشعاع قرار داده است و سبب به...وجود آمدن مشکلات عدیده ای در زندگی شهروندان شده است که در روح و روان و سلامت افراد تاثیر به... سزایی دارند.مشکلاتی مانند آلودگی هوا که متاثر از ترافیک شهری و رفت و آمد های کاذب درون شهری است، ناهماهنگی هایی که در انجام امور شهروندان توسط متولیان امور شهری صورت می پذیرد، هزینه های هنگفتی که سازمانها و نهادها در نتیجه خنثی کردن برنامه ها و سیاست های کلان یکدیگر می پردازند و یا تداخل و تکثیر وظایف و عدم تعامل سازمان ها و نهادهای متولی امور شهری از جمله مشکلاتی است که تقویت مدیریت شهری و نهایتا نیل به سوی مدیریت واحد شهری را امری اجتناب ناپذیر نموده است.شهرداری ها بعنوان متولیان امور شهری بر اساس قوانین و مقررات، وظیفه اداره شهر را به...عهده دارند و شوراها نیز بر اساس قانون به...عنوان ناظرین بر چگونگی اداره شهر تشکیل و انجام وظیفه می کنند. بدیهی است که در قانون به مدیریت شهری و ارتقا سطح مدیریت واحد شهری توجه ویژه‌ای شده است. اما آنچه که مهم است، با توجه به واگذاری ۲۳ مسوولیت مدیریت شهر به شهرداری ها و شوراهای اسلامی شهرها، متاسفانه هنوز مدیریت شهر تا رسیدن به جایگاه واقعی فاصله زیادی دارد، بنابراین شاید در قدم ابتدایی باید به سمت مدیریت واحد شهری حرکت کنیم.ضرورت جلوگیری از اتلاف منابع در شهرها و انجام امور شهروندان در کوتاهترین زمان ممکن، جلوگیری از تداخل و ناهماهنگی ها، ارائه خدمات مناسب به شهروندان و بسیاری از مسائل دیگر اشاره به این دارد که لازم است همه دست اندرکاران، سیاستمداران، دولتمردان و برنامه ریزان و قانون گذاران به تشکیل مدیریت واحد شهری توجه ویژه ای داشته باشند.برطرف کردن مشکلات زندگی شهرنشینی از حیث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیت و بهداشت در کنار بالا-رفتن سطح توقع شهروندان از مدیران شهری در بعد خدمات‌رسانی و همچنین ایجاد فرصتهای برابر و توجه کامل به عدالت اجتماعی، جلب مشارکت مردمی و انجام امور مردم در اسرع وقت، جز با تقویت و توانمند ساختن مدیریت شهری مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، میسر نخواهد بود و مدیریت شهری بدون استفاده از ابزار و فناوری های روز دنیا و در راس همه آنها فناوری اطلاعات هرگز به مدیریت واحد شهری سر آمد نخواهد رسید.از این رو با توجه به مراجعات بسیار زیاد شهروندان به شهرداریها بعنوان متولی امور شهری بدیهی است که فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش بسزایی در کار آمدی این مدیریت و ایجاد مدیریت واحد شهری دارد.شاید بتوان گفت آنچه که به...عنوان معضل بزرگ فراروی مدیریت شهری در استفاده بهینه از این فناوری قرار دارد مشکلات فرهنگی و عدم آموزش صحیح شهروندان در به...کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات است.عدم استفاده شهروندان و کم رنگ بودن اقبال عمومی از این تکنولوژی گواهی بر این مدعا است. بدیهی است که برای استفاده بهینه از ابزاری که فناوری اطلاعات در اختیار مدیران شهری قرار می دهد و کاربردی کردن آنها در مدیریت شهری، ما ملزم به ایجاد زیر ساخت های ICT و IT کاربردهای فراوان مناسب فرهنگ سازی عمومی آموزش شهروندان هستیم.همانطوری که می دانید در هزاره سوم با پیشرفت تکنولوژی، سخت افزار ها و نرم افزار های جدیدی وارد بازار کار شده است که از مجموعه آنها می توان به سیستم های کنترلی نظارتی و حسابگری و همچنین عملیات هوشمند اشاره کرد. امروزه با استفاده از این سیستم ها به راحتی می توان زمان و منابع پروژه ها را مدیریت و کنترل کرد.باید بدانیم که ابزار جامعه جهانی اطلاعات رقابت بر مدیریت زمان و تصمیم گیری در لحظه است. آنچه مسلم است جریان تولید و ارائه اطلاعات صحیح و بهنگام در تمام حوزه ها بخصوص حوزه مدیریت شهری از زیرساخت های مهم تحقق مدیریت واحد شهری است که در تصمیم گیری و تصمیم سازی بسیار اهمیت دارد. از جهتی دیگر توسعه پایدار شهری بر اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات معنا و مفهوم پیدا خواهد کرد.برای اینکه الگوی مناسبی از شهر آباد از نظر بهداشت، معماری، فضای سبز و شهرسازی و.. .. داشته باشیم می بایست

فناوری اطلاعات و ارتباطات را به مفهوم واقعی به...عنوان یک ابزار دقیق و مناسب در مدیریت شهری کاربردی کنیم. این مهم زمانی اتفاق خواه افتاد که عزمی همگانی در مسوولان، سیاستمداران و صاحبنظران به منظور تبیین و تحکیم جایگاه فناوری اطلاعات در نظام برنامه ریزی و اداره شهری در راستای دستیابی به اهداف و برنامه ها و در راس آنها اهداف چشم انداز ۲۰ ساله و برنامه توسعه شهری به...صورت یک فرهنگ عمومی در کشور تلقی و استمرار یابد تا شاهد تحولی عظیم در مدیریت شهری باشیم.

<"div dir="rtl" style="text-align: justify>

منابع:<"div dir="rtl" style="text-align: justify>

ماهنامه تحلیلگران عصر اطلاعات<"div dir="rtl" style="text-align: justify>

div dir="rtl" style="text-align: justify"> ICEC۰۱.html">اولین کنفرانس بین المللی شهر الکترونیک/<a>

div dir="ltr" style="text-align: justify"> http://www.civilica.com/Paper-ICEC۰۱- <"شهر الکترونیک و مدیریت شهری="ICEC۰۱_۰۱۵.html" title ICEC۰۱_۰۱۵.htmhttp://hamshahrionline.ir/news-۱۰۱۹۹۴.aspx

<"div dir="ltr" style="text-align: justify>

<"div dir="ltr" style="text-align: justify>

<"div dir="ltr" style="text-align: justify>

<div class="e>

نو شهر ها

حسین میرزایی

شهرهای جدید معمولاً با هدف جلوگیری از گسترش بی رویه شهرهای بزرگ و جذب سرریز جمعیت آنها و نیز جلب مهاجرین احتمالی به عنوان موج گیر تأسیس می شوند. در شهرهای جدید فاصله بسیار بیشتر از شهرک با شهر اصلی است و معمولاً خارج از نفوذ شهر هستند. موضوع شهرهای جدید در ایران در حال حاضر یکی از سیاست های اصلی وزارت مسکن در کنار بهسازی و احیای بافت قدیم شهرها به خصوص شهرهای بزرگ و توسعه بیرونی (فیزیکی) شهرهای موجود می باشد که محل بحث بسیاری از کارشناسان اقتصادی، جامعه شناسی، معماران و شهرسازان و... می باشد.در حال حاضر علیرغم تلاش های انجام شده جمعیتی در حدود ۲۰۰ هزار نفر در بیش از ده شهر جدید در کشور سکونت دارند و پیش بینی شده است در سال ۱۴۰۰ این رقم به ۵/۳ میلیون نفر افزایش یابد.روند پیچیده تر شدن مسائل شهر و شهرنشینی (به ویژه مسأله مسکن) در سال های اخیر سبب گردید تا سیاستگذاران آمایش زمین های شهری در سطح کشور از اواسط دهه ۶۰ به ایجاد موجی از طرح های آماده سازی زمین و نیز ایجاد شهرهای جدید دست یابند.در حال حاضر برای ایجاد شهرهای جدید که حجم عملیات احداث آن در تاریخ شهرسازی ایران و حتی در میان کشورهای در حال توسعه نیز بی سابقه است، اهداف بسیار مهمی پیش بینی گردیده است که هر یک از این اهداف ناشی از تنگناها و نیازهای موجود عرصه های شهری است. با این وجود پس از گذشت چند سال از آغاز عملیات احداث شهرهای جدید هنوز این سؤال مطرح است که ایجاد شهرهای جدید چگونه می تواند پاسخگوی اهداف پیش بینی شده باشد یا به عبارت دیگر تحت چه شرایطی و با ایجاد چه زمینه هایی این راه حل می تواند مطلوب و مفید واقع شود و یا احیاناً کارایی خود را از دست می دهد و به صورت معضل جدیدی در می آید. بدون شک نحوه اداره امور این شهرها مؤثرترین شاخصی است که به صورت

مستقیم در چند و چون زندگی در شهرهای جدید تأثیر می گذارند. از این روست که برای پاسخ به این سؤال باید شهرهای جدید را به عنوان سکونتگاه هایی که شرایط ویژه ای بر آنها حاکم است شناخت و هدف از ایجاد آنها را بررسی نمود.به طور کلی ضرورت های احداث نوشهرها در ایران به شرح زیر است:۱- ضرورت های ناشی از رشد فزاینده جمعیت و شهرنشینی۲- ضرورت های ناشی از مسأله مسکن در شهرهای بزرگ۳- ضرورت های ناشی از تمرکززدایی از کلان شهرها۴- ضرورت های ناشی از کنترل ساخت و سازهای بی رویه اطراف شهرها و برنامه ریزی فضایی۵- ضرورت های ناشی از ملاحظات زیست محیطی۶- ضرورت های ناشی از توسعه صنعتی برخی از مناطق و استقرار صنایع بزرگ و اسکان کارکنان.تعاریفشهرهای جدید در نظام های اجتماعی- اقتصادی جهان و با توجه به تحولات نظریه ای بسیار دگرگون شده اند. هنوز تعریف جامعی برای شهرهای جدید ارائه نشده است. اما می توان تعاریف زیرا را برای آنها پذیرفت:۱- شهرهای جدید اجتماع های برنامه ریزی شده ای است که در پاسخ به اهداف از پیش تعیین شده ایجاد می شود.۲- ایجاد شهر جدید عملی ارادی است که فرض را بر وجود یک منبع قدرت یا سازمانی می گذارد که تأمین کننده مکان و منابع برای توسعه شهر و اعمال کنترل مداوم بر آن است تا شهر به اندازه بادوامی برسد.۳- شهر جدید اجتماعی خود اتکاست با جمعیت و مساحت مشخص، فاصله ای معین از مادرشهر، برنامه ریزی از پیش تعیین شده اهداف معین و همچنین برخوردار از تمام تسهیلات لازم برای یک محیط مستقل.۴- معمولاً شهرهای جدید برای تمرکززدایی کالبدی اقتصادی و اجتماعی در ناحیه شهری شهرهای بزرگ طراحی می شوند تا با وجود جاذبه نزدیکی به شهرهای بزرگ جمعیت تشویق به خروج از مادرشهر شوند تا اسکان به همراه اجرای برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی فراهم آید. بدین ترتیب جذب سرریز های جمعیتی ساماندهی فضایی مادرشهر و ناحیه شهری بهبود وضعیت محیط کار زندگی سالم و اجتماعی کامل میسر می شود در واقع مفهوم شهر جدید مفهوم اجزای یک شهر در ارتباط ارگانیک با یکدیگر است.بنابر تعاریف قبلی شهرهای جدید دارای تاریخ تولد مشخصی هستند و در زمان کوتاه و معینی ساخته می شوند. این گونه شهرها در تضاد کامل با پیدایش و تحول شهرهای متراکم هستند و بر اساس یک هسته پیش از آن که به وجود آیند تشکیل می شوند و به کندی رشد می کنند. معمولاً برنامه ریزی شهر جدید مبتنی بر پیش بینی جمعیت است تا این جمعیت تضمینی پایه ای برای پیش بینی نیازهای کالبدی اقتصادی و اجتماعی آینده باشد. طراحی و ساخت شهرهای جدید بیشتر در زمین های بکر و غیرقابل کشت و بدون هسته اولیه صورت می گیرد.دلایل ایجاد شهرهای جدیدسیاست ایجاد شهرهای جدید پس از انقلاب به یقین از بزرگترین و بااهمیت ترین سیاست هایی است که در زمینه شهرسازی و به طور کلی شهرنشینی کشور اتخاذ شده است اما باید دید منشاء اتخاذ چنین سیاستی چه بوده و بر اساس کدام راهبردی به این نتیجه ختم شده است. در این باره وزارت مسکن علاوه بر وجود مشکلات کالبدی شهرها دلایل زیر را ارائه داده است:۱- جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۰ میلیون خواهد رسید که ۹۶ میلیون نفر در مناطق شهری و ۳۴ میلیون نفر در مناطق روستایی اسکان می یابند. برابر این پیش بینی جمعیت شهرنشین کشور در سی سال آینده سه برابر می شود و بر پایه این فرض تعدادی از شهرها و تراکم آنها و سایر موارد ثابت خواهد ماند بنابراین نیاز به سطحی معادل سه برابر سطح موجود شهرها خواهد بود. در چهارچوب این استدلال چون پیرامون شهرها را باغ ها و مزارع می پوشاند برای پیشگیری از انهدام آنها ضرورت احداث شهرهای جدید مطرح می شود.۲- حل مشکل مسکن شهری و حل مشکلات ناشی از نارسایی های امور زیربنایی شهرها و هرج و مرج و نابسامانی کالبدی شهرها هرچند که عوارضی تبعی دیگر ناشی از تراکم شدید جمعیت در چند شهر بزرگ نظیر بیکاری، فقر، حاشیه نشینی و غیره نیز در اتخاذ تصمیم ایجاد شهرهای جدید نقش داشته است.۳- تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و جذب سرریزهای جمعیتی آنها، جلوگیری از توسعه بی رویه شهرهای بزرگ، ایجاد تعادل رشد اقتصادی و اجتماعی کنترل حرکات مهاجرتی و نیز به سبب اشباع امکانات شهرهای بزرگ در جذب جمعیت مهاجر. اگر به سیر اتخاذ سیاست های پاسخگویی به مشکلات شهرنشینی در ایران پس از انقلاب اسلامی نگریسته شود مشخص می گردد که در پاسخ به مشکل مسکن ابتدا با

واگذاری زمین های مصادره شده به شهرنشینان و برخی مهاجرین فاقد مسکن تا حدی از شدت بحران کاسته شده ولیکن به زودی عدم کارآیی این راه حل به ویژه در شهرهای بزرگ به اثبات رسید از این رو برای کمک به واگذاری زمین به نیازمندان و جلوگیری از زمین بازی در این شهرها قانون زمین شهری وضع شد. صرف نظر از این که در این دوره تا چه حد سیاست ارائه مسکن تحقق یافته است، به طور کلی مسکن با واگذاری زمین و همچنین ساخت و سازهای وسیع تا حدی خود انگیخته تأمین شده است. برای برنامه ریزی و طراحی دقیق این گونه مجموعه ها به صورتی صحیح و از پیش اندیشیده شده، ضرورت ایجاد و طرح های آماده سازی مطرح شد. اما در برخی از شهرهای بزرگ، شهرهایی با محدودیت های ویژه، یافتن اراضی وسیع مناسب، آماده سازی و متصل به بافت موجود شهر میسر نشد از این رو توسعه ناپیوسته به عنوان یگانه راه پاسخگویی به گسترش برخی از شهرهای بزرگ یا شهرهایی با موقعیت ویژه مطرح گردید. این چنین توسعه ای دیگر نمی توانست مانند طرح های آماده سازی از زیربناهای شهر موجود استفاده کند و حداکثر باید به تأمین خدمات در حد ساکنان خود اکتفا نماید. زیرا به دلیل فاصله از شهر اصلی باید به خود متکی بوده و نیز دارای زیربناهای لازم خدمات و صنایع باشد تا به صورت یک شهر مستقل و پویا عمل کند.اهداف عمده شهرهای جدیدمهمترین اهداف شهرهای جدید را به شرح زیر می توان برشمرد:۱. جلوگیری از توسعه بی رویه و کلانشهر شدن مادرشهر۲. انتقال کارگاه ها از مادرشهر به شهر جدید۳. جذب سرریز جمعیت با ایجاد کانون های اشتغال در شهر جدید۴. جلوگیری از بالا-رفتن قیمت زمین در مادرشهر و بورس بازی زمین به علت توسعه نامحدود مادرشهر۵. پالایش مادرشهر برای سازماندهی توسعه آن به شکل منفصل۶. کاهش هزینه رفت و آمد از مادرشهر به مناطق صنعتی اطراف شهرهای بزرگ و حذف زمان تلف شده کارکنان مناطق صنعتی مذکور و جابجایی ساکنان به علت وسعت شهر بزرگ۷. جلوگیری از ایجاد حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ۸. سبک شدن بار ترافیک در داخل مادرشهر۹. احداث محل سکونت در نزدیکی محل کار۱۰. استفاده از اراضی غیرزراعی برای ایجاد شهرهای جدید و جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی حومه شهرهای بزرگ۱۱. ایجاد اشتغال در شهر جدید و جلوگیری از خوابگاهی شدن آنها۱۲. تنزل بهای تمام شده واحدهای مسکونی به علت پایین بودن بهای زمین با توجه به نسبت هزینه ساخت و قیمت زمین در شهرهای بزرگ و در نتیجه امکان ارائه مسکن به مردم۱۳. انتقال سرمایه های کوچک مردم از فعالیت های واسطه ای به سرمایه گذاری در مسکن و صنایع و کارگاه های تولید ی به علت پایین بودن قیمت زمین و حذف سرقفلی های کلان در شهرهای بزرگ۱۴. کاهش هزینه های توسعه زیربنای مادرشهر۱۵. آزاد شدن سطوح کارخانه ها و کارگاه های مزاحم داخل مادرشهر برای ایجاد تأسیسات مورد نیاز زیربنایی از قبیل فضاهای سبز، آموزش خدماتی و ترافیکی۱۶. جلوگیری از آلودگی محیط زیست در شهرهای بزرگ که در بعضی از شهرها از جمله تهران به شکل خطرناکی درآمده است.۱۷. احداث شهر از پیش برنامه ریزی شده و متناسب با نیاز واقعی جامعه۱۸. امکان کنترل ساخت و سازها در شهر جدید طبق ضوابط مطلوب مطالعه شده۱۹. پالایش شهر از شغل های کاذب و مخرب که با توسعه رشد شهرهای بزرگ روبه ازدیاد است.مسائل شهرهای جدیدبه طور کلی، هر پدیده اجتماعی دارای کارکردهای مثبت و منفی است. لذا، شهرهای جدید نیز به عنوان پدیده های اجتماعی گرچه برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان احداث شده ولی در عین حال دارای مشکلات عدیده ای است که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می گردد:* فقدان تمرکز بین بخش های خصوصی و دولتی،* ناکافی بودن سیستم مالی برای تضمین سرمایه گذاری* عدم برآورد دقیق هزینه ها برای کسب امکانات در بازار و...* فقدان هماهنگی بین مدیریت شهرها و برنامه های مربوط به حمل و نقل* عدم توجه به جنبه های تاریخی و هویتی شهروندان، زیرا، شهروندان معرف ویژگی ها، ریشه ها، اصالت و فرهنگ های مختلف هستند. این عدم توجه موجب اختلال در وضعیت روانشناختی ساکنین گشته و عامل تنش های فرهنگی، قومی و تاریخی می گردد. از این رو، عدم احساس هویت جمعی و تعلق گروهی باعث می گردد که آنها نتوانند در روابط اجتماعی مشارکت نمایند.کارکردهای شهری ناقصشهر جدید، به رغم کمک های متعدد نمی تواند همانند شهرمادر باشد، زیرا جذابیت های

خاص آن را ندارد. شهرمادر در طول تاریخ شهر شده است و براساس نیازهای تدریجی شکل های جدید از نهادها و سازمان های در آن به وجود آمده اند. حال آن که شهر جدید با توجه به این که با فاصله جغرافیایی تعیین شده در اطراف شهرمادر ساخته می شود. به راحتی نمی تواند خود را تکمیل کند و مجبور است به عنوان شهر اقماری و وابسته در کنار شهر متروپل قرار بگیرد. تنوع گروه ها و اقوام، ناشناخته شدن آنها توسط دیگر گروه ها و تنش های فرهنگی که این وضع ایجاد خواهد کرد، نمی تواند سیمای مطلوبی از شهر ارائه نماید.* شهر جدید یک اقدام غیر واقع بینانه در جهت دهی شهرنشینی و تمرکز به طرف پیرامون محسوب می شود که آینده روشنی را نشان نمی دهد.شهرهای جدید تهرانسیاست ایجاد و توسعه شهرهای جدید در اطراف تهران با توجه به اهداف زیر اجرا شده است:۱. توزیع مناسب و برنامه ریزی شده جمعیت در ناحیه شهری تهران از نظر هدایت سرریز جمعیت کلانشهر تهران به شهرهای جدید؛۲. تمرکززدایی از کلانشهر ناحیه با انتقال برخی از وظایف آن به شهرهای جدید به گونه ای که این شهرها بتوانند نقش پیوندی بین مراکز جمعیتی کوچک و کلانشهر را ایفا کنند؛۳. پالایش تهران و بهبود و ارتقای معیارهای زیستی و خدماتی در آن؛۴. جلوگیری از بالارفتن بی رویه قیمت زمین مسکن و همچنین ایجاد نواحی حاشیه نشینی و تخریب اراضی کشاورزی، در اطراف تهران.برای برآورده شدن اهداف فوق، شهرهای جدیدی در ناحیه شهری تهران مکان یابی شده اند. محدوده ناحیه ای که به عنوان ناحیه شهری تهران برای مکان یابی شهرهای جدید مطالعه می شود، از شمال تا ارتفاعات البرز، از شرق تا شهرستان دماوند، از جنوب تا شهرستان ری و از غرب تا شهرستان قزوین است. این ناحیه؛ شهرستان های تهران، کرج، ورامین، ری و شمیرانات، ساوجبلاغ و شهریار را در برمی گیرد و ۱۳ هزار کیلومتر مربع (کمتر از یک درصد مساحت کل کشور) مساحت دارد. این ناحیه از نظر همبستگی اقتصادی ـ اجتماعی، رشد جمعیتی مشابه، راه های ارتباطی و دسترسی های قدیمی دارای بافت درهم تنیده ای است و به عنوان یک ناحیه واحد شناخته می شود. حجم جمعیت آن طی ۱۳۳۵ ـ ۱۳۷۰ ، ۹/۴ برابر شده است، در حالی که جمعیت کل کشور طی همین مدت ۶/۲ برابر افزایش داشته است (جمعیت ناحیه شهری تهران از یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۰ و میزان شهرنشینی از ۶/۸۰ درصد به ۹۲ درصد رسیده است.) طی سال های اخیر از رشد جمعیت تهران کاسته شده، اما به رشد جمعیت ناحیه شهری تهران افزوده شده است (رشد جمعیت شهر تهران طی دهه ۱۳۵۵– ۱۳۶۵ و ۱۳۶۵ ـ ۱۳۷۰ معادل ۸/۲ و ۴/۲ درصد بوده است). همچنین ۲۱ درصد مهاجران کل کشور در ناحیه شهری تهران اسکان یافته اند. به طور کلی با خوش بینی بسیار می توان اظهار داشت که در ۱۳۹۵ جمعیت ناحیه شهری تهران به ۱۹ تا ۲۱ میلیون نفر می رسد. طبق محاسبات برای ۶ میلیون نفر فضا مورد نیاز است. براین اساس پنج شهر جدید پردیس، هشتگرد، اشتهارد، زاویه و پرند در دستور کار طراحی و احداث برای اسکان مهاجرین و جمعیت مازاد تهران و شهرهای ناحیه شهری قرار گرفت. باید طبق برنامه از پیش تنظیم شده دست کم حدود ۳ میلیون نفر از آن به عنوان سرریز جمعیت به این شهرهای جدید هدایت و اسکان یابند.هم اکنون شهر تهران با محدودیت های جدی توسعه روبه رو است، زیرا در چند سال گذشته بیش از ۳۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی داخل محدوده پنج ساله و ۲۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی محدوده ۲۵ ساله زیر ساخت و ساز رفته است، در عین حال علاوه بر اراضی کشاورزی، به باغ های پیرامون تهران نیز هجوم برده است.مکان یابی پنج شهر جدید ناحیه شهری تهران (پردیس، هشتگرد، پرند، اندیشه و لتیان) با توجه به معیارهای زیر انجام گرفته است.۱– دسترسی مناسب به شبکه های ارتباطی اصلی در ناحیه و فاصله مناسب با شهرهای بزرگ ناحیه.۲– امکان تأمین نیازهای اساسی به تأسیسات زیربنایی از قبیل آب، برق وانرژی.۳– امکان بهره برداری از توان های بالقوه اقتصادی.۴– عدم هم جواری با نواحی کشاورزی.۵– مناسب بودن محل استقرار شهر از نظر ایجاد تعادل میان قطب ها و شهرهای موجود در ناحیه.۶– دارا بودن شرایط مناسب اقلیمی، توپوگرافی، زیست محیطی و چشم اندازهای مطلوب.۷– دارا بودن شرایط مناسب برای احداث شهر از نظر تأمین نیروی انسانی و مصالح ساختمانی مورد نیاز.شهر جدید پردیسبرابر مصوبه مورخ ۲۳/۱۲/۶۸ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درباره موضوع مکان یابی و تعداد

جمعیت شهر جدید پردیس، احداث این شهر از دیدگاه قانونی رسمی شد و در تاریخ ۱/۵/۱۳۶۹ اساسنامه شرکت عمران آن به تصویب رسید. محل استقرار این شهر پس از انجام مطالعات مکان یابی شهرهای جدید در ناحیه شهری تهران برگزیده شد. شهر جدید پردیس در فاصله ۳۵ کیلومتری شرق تهران در کنار جاده ترانزیت تهران ــ آمل احداث می شود. این جاده یکی از راه های اصلی کشور است که پایتخت را به شهرهای مهم ساحلی دریای خزر متصل می کند. بنابراین محدوده راهبردی شهر جدید پردیس شامل محدوده شرقی ناحیه شهری تهران تا منتهی الیه حوزه شهری دماوند می شود. اراضی آب انجیرک به دلیل عوامل مناسبی که در زیر می آید برای احداث شهر جدید پردیس با ظرفیت ۲۰۰ هزار نفر جمعیت برگزیده شده است:* فاصله مناسب با تهران (حدود ۳۵ کیلومتر).* استقرار آن در مسیر یکی از جاده های اصلی کشور.*وجود موانع توپوگرافی که مانع اتصال این ناحیه به تهران می شود.* تراکم بسیار کم جمعیت در این ناحیه که از متوسط تراکم سطح کشور با احتساب زمین های کویری نیز کمتر است.* وجود شرایط مناسب زیست محیطی و چشم اندازهای طبیعی.به شرط تحقق برنامه های پیش بینی شده، در این شهر می توان ۲۰۰ هزار نفر جمعیت را در زمینی به مساحت ۲۱۴۰ هکتار مستقر کرد و امکانات بالقوه تأمین ۵۰ هزار شغل وجود خواهد داشت.همچنین در بخش شرقی ناحیه شهری تهران می توان نقش شهر میانی را برای شهر جدید پردیس در نظر گرفت، اما مطالعات جمعیتی، تعداد جمعیت محدوده راهبردی شهر جدید پردیس را در حدود سال ۱۴۰۰ در شرایط ادامه روند خود به خودی استقرار جمعیت و تشدید آن بالغ بر ۲۵۷ هزار نفر نشان می دهد که به طور محسوسی بیش از ظرفیت جمعیتی تعیین شده برای این شهر می باشد.برای این شهر از نظر نقش خدماتی، دو عملکرد تحقیقاتی علمی و توریستی- تفریحی پیش بینی شده است، زیرا عملکرد شهر فراتر از مرزهای کالبدی آن خواهد رفت و به حوزه نفوذ خود اثر خواهد گذاشت. مراکز تحقیقات پزشکی و مخابراتی نیز در پردیس مستقر خواهد شد، بنابراین شهر جدید پردیس به کانون علمی، تخصصی و فنی ناحیه شهری تهران و احتمالاً تحقیقات اجتماعی کشور مبدل می شود. همچنین عملکرد توریستی ــ تفریحی شهر سبب رونق فعالیت هایی چون هتلداری، ایجاد رستوران و احداث مراکز تفریحی و سیاحتی در محور ارتباطی با شهر تهران خواهد شد، چنانچه شهر جدید پردیس بتواند در نظام سلسله مراتب فضایی شهری تهران نقش میانی را ایفا کند و خدمات اداری، سیاسی و تجاری ناحیه شرق تهران بزرگ را سامان دهد، می توان به تحقق عملکردهای آن امیدوار شد.الگوی شهرهای جدید در ایرانشهرهای جدید ایران از نظر استقرار در فضا و کارکرد در پنج الگو طبقه بندی می شوند:۱- شهرهای جدید سازمانی ــ صنعتیاین الگو به عنوان نخستین اقدام در زمینه ایجاد شهرهای جدید و برای استفاده بهینه از منابع و امکانات بالقوه در مناطق مختلف کشور طراحی و احداث شده است. این گونه شهرها به دلیل دارا بودن موقعیت جغرافیایی و شرایط اقتصادی ــ اجتماعی خاص، پذیرای نقش ویژه ای شده اند و بیشتر آنها از خوداتکایی برخوردار بوده اند و مشاغل و خدمات کافی برای ساکنان ایجاد کرده اند، مانند آبادان، اندیمشک، مسجد سلیمان، پولادشهر، پیرانشهر، بندر شاهپور، آغاجاری، هفتگل، زرندنو، شهرک مس سرچشمه و شهرک های صنعتی البرز، ساوه، رشت و غیره.۲- شهرهای جدید اقماریمتداول ترین نوع ایجاد شهرهای جدید در ایران شهرهای جدید اقماری است. ضرورت احداث چنین شهرهایی ناشی از رشد روز افزون مشکلات شهرهای بزرگ در قبل و بعد از انقلاب بوده است. از این الگو بیشتر در اطراف شهرهای بزرگ به خصوص تهران استفاده شده است و نقش عمده آن ساماندهی فضایی شهر اصلی و جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ می باشد.پیش از انقلاب به دنبال اجرای طرح های جامع شهری و ناحیه ای ده ها شهرک و قطب صنعتی به وجود آمده اند که علاوه بر بخش خصوصی، وزارت مسکن و شهرسازی در احداث آنها سهیم بوده است، علاوه بر این شهرها، بعد از انقلاب نیز شهرهای جدیدی در دست احداث هستند. بعضی از شهرهای جدید در قبل و بعد از انقلاب عبارتند از: شاهین شهر، مجلسی و بهارستان در اصفهان، هشتگرد، پرند، اندیشه در تهران، علوی در بندرعباس، سهند در تبریز، صدرا در شیراز، رامین در اهواز، رامشار در زابل، طبس در چاه بهار، گلبهار و بینالود در مشهد و مهاجران در اراک. این گونه شهرها در خارج از محدوده طرح جامع و بیشتر در ناحیه شهری

مادرشهرها برای تحقق راهبرد ایجاد شهرهای جدید مصوب شورای عالی شهرسازی کشور احداث شده اند و برای توسعه ناپیوسته شهر اصلی ایفای نقش می کنند.پس از انقلاب نیز به دلیل پیش بینی دو برابر شدن جمعیت کشور و سه برابر شدن جمعیت شهری آن طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۵ لزوم طراحی و احداث این شهرها برای ساماندهی فضایی شهرهای بزرگ و کنترل رشد جمعیتی و کالبدی آنها مطرح شد.۳- شهرهای جدید با هویت مستقلاین الگو برای تعادل در توزیع جمعیت و امکانات، توسعه ناحیه ای، خودکفایی نسبی از نظر اشتغال و خدمات، رعایت اصول زیست محیطی و در نهایت جدایی گزینی از مشکلاتی که در شهرهای بزرگ با آنها مواجه هستند به کار می رود. در ایران از نظر کارکرد هیچ کدام از شهرهای جدید ساخته شده موفق به ایفای کارکردی از این نوع نبوده اند.۴- شهرهای جدید پیوستهشهرهای جدید پیوسته بیشتر در چارچوب طرح جامع مادرشهر مکان یابی شده اند و به عنوان بخش مسکونی یا صنعتی آن عمل می کنند. بیشتر این شهرها با گذشت زمان از نظر فیزیکی در شهر اصلی ادغام شده اند و فضای زیستی ، تولیدی دوگانه ای را با آن ایجاد کرده اند، مانند ملک شهر و خانه اصفهان در اصفهان، کوی ولی عصر در تبریز ، رضا شهر در مشهد، لویزان، کن و اکباتان در تهران، صفائیه در یزد و معالی آباد در شیراز که همه آنها با هدف شهرک ها و مجتمع های مسکونی برای تأمین مسکن کارمندان دولت و افراد و نیز ساماندهی فضایی مادرشهر ایجاد شده اند. ویژگی بارز آنها فقدان اقتصاد پایه ای و نقش تولیدی است. این گونه شهرها در پیش از انقلاب برای اجرای برنامه پنجم عمرانی و پس از انقلاب برای تحقق سیاست واگذاری زمین شهری به افراد احداث شده اند.۵. شهرک های شرکتیشهرک های شرکتی، اجتماع های برنامه ریزی شده ای برای اسکان شاغلان مجتمع های جدید صنعتی است؛ همانند کشت و صنعت ها و مجتمع های صنعتی- معدنی و کشاورزی. این گونه شهرها برای اقدام هایی نظیر استقرار صنایع جدید در نواحی دور افتاده و بهره برداری از منابع طبیعی در نقاط جدید به وجود آمده اند. این شهرها عموماً در گذشته براساس سیاست توسعه برون زا و بدون توجه به اوضاع جامعه و منافع ملی و فقط بنا به خواست برنامه ریزان خارجی ایجاد شده اند. برای ایجاد آنها به شرایط تاریخی، سنتی، فرهنگی و روانشناسی مردم توجهی نشده است و بیشتر در بن بست توسعه گرفتار شده اند. این الگو، اغلب فاقد مطالعات مکان یابی دقیق است و مسائلی همانند هزینه هنگفت ساخت و ساز، فقدان شرایط مساعد برای حمل و نقل، فقدان آب کافی و نامساعد بودن آب و هوا موجب عدم جذابیت آنها شده است. این گونه مجتمع ها با توجه به دورافتادگی، دارای خصلت جزیره ای بوده، همچنین محرومیت های متعددی در زمینه بهداشت، آموزش، اوقات فراغت، تأمین مایحتاج زندگی و روابط اجتماعی گسترده دارند؛ مانند کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، کارون، دو شهر کارگری و دو شهرک کارمندی که طی دهه چهل در فاصله ۲ تا ۲۷ کیلومتری کارخانه تولید و تصفیه نیشکر و همچنین شهرک های بوستان، نی آباد و شوشتر نو که برای اسکان ۹۵۰۰ نفر از کارکنان کشت و صنعت کارون در سال ۱۳۵۶ احداث شده اند. از جمله مشکلات این گونه شهرها می توان به موارد زیر اشاره کرد:* وابستگی شهر به یک فعالیت اقتصادی و اشتغال ناشی از آن؛* محدودیت جمعیت شهر که ناشی از فقدان تشکیلات آزاد رشد جمعیت است، زیرا فقط کارکنان شرکت، جمعیت شهر را تشکیل می دهند؛* مالکیت انحصاری شرکت بر اراضی؛* الگوی مسکن سازمانی به عنوان شیوه عمده تصرف مسکن؛* وابستگی خدمات شهر به شرکت؛* جدایی شهر از شبکه شهرها و آبادی های ناحیه؛* فقدان رونق شهری؛* هزینه سنگین نگهداری شهر و مشکلات توسعه آن.کارکردهای شهرهای جدید* پاسخ به نیازهابرنامه های نوسازی یا ساخت شهرهای جدید در اطراف شهرهای بزرگ در پاسخ، به سه نیاز طراحی می شود: نیازهای جمعی در سطح ملی یا منطقه ای، نیازهای فردی یا اجتماعی شهروندان، نیازهای سازمان دولتی از جمله شهرداری ها* تصمیم اقتصادی و شهری:نرخ پایین زمین ها و تعادل مجدد توسعه منطقه ایهدف اصلی شهرهای جدید استفاده از زمین های بکر و ارزان قیمت است که تاکنون مورد بهره برداری قرار نگرفته است. این زمین ها عمدتاً در حاشیه شهرها یا دور از آن قرار دارند و معمولاً بین متروپل و شهرهای اقماری واقع شده اند.* شهر جدید نباید نمونه ای مجزا از کل و برای خود باشد.شهر جدید عضو مجموعه ای سیستم شهری است و با الگوهای برنامه ریزی

اقدام به ایجاد زیرساخت ها می کند.شهر جدید کنترل کننده رشد بی رویه جمعیت مادر شهر است و در عین حال با استفاده از آن جمعیت، سعی در کمک به توسعه اجتماعی- اقتصادی دارد. این کمک ها در خصوص سرمایه گذاری ها، زیرساخت های حمل و نقل شهری، تأسیسات و خدمات رسانی شهری است.* از وظایف شهرهای جدید:ایجاد مراکز فعال و پویاست.مراکز فعال و پویا از مهمترین عناصر شهر جدید به شمار می روند و این امر در پرتو برنامه ریزی صحیح امکان پذیر است. این مراکز می توانند در مبادلات مختلف اجتماعی، تجاری و اقتصادی نقش عمده ای داشته باشند.* انطباق با مکانیسم های مالی و مدیریتیتحقق شهرهای جدید نیازمند به کارگیری مکانیسم های مالی و مدیریتی است. طراحی برنامه های شهری موقعی امکان پذیر است که با دقت کافی همراه باشد و در عین حال از لحاظ مالی پشتیبانی شود.ایجاد شهرهای جدید باید مرحله ای جدید از سیاست مدیریتی را در خصوص برنامه های مختلف ارائه نماید. این شهرها در عین حال بهترین مکان آزمایشی تجارب مدیریتی هستند.* شهر جدید: مجموع عوامل شهریشهر جدید فقط مجتمع های مسکونی، خانه های گروهی و فردی نیست، بلکه دارای مراکز تجاری و اداری، مراکز شهری، مناطق فعالیت ها، مؤسسات، زیرساخت ها، خدمات عمومی و خصوصی و محله های مسکونی می باشد.در عین حال، شهر جدید در ابعاد خاص خود، با اسکان هزاران نفر در خود، معیارهای فرهنگی و اخلاقی منحصر به فردی نیاز دارد.* شهر جدید: یک اقدام فرهنگیاز آنجا که شهر جدید برای پاسخگویی به نیازهای جمعیت ها است. لذا، به دنبال آن است که جمعیت را به شیوه های جدید علمی- فنی نیز آشنا سازد و یک گام بیشتر به سوی تمدن ببرد. با توجه به این که شهر جدید در پی ارائه جدیدترین راه حل ها برای شهروندان است، شاید بتواند در این زمینه ها به مردم کمک نماید و آنها را تشویق به اصول مدنی کند تا کمتر درگیر مسائلی از قبیل تفکیک اجتماعی- شهری و غیره شوند.در شهر جدید ترکیبی از مساکن، دفاتر تجارت ها، آموزش های علمی- هنری، صنایع دستی، مشاغل آزاد و غیره و وجود دارد. از این رو، در این گونه شهرها شاهد حضور همه این عوامل هستیم.* شهر جدید و نیاز به مدیریتی مناسبیک شهر جدید نیاز به مدیریتی کلی و فعال دارد. با توجه به ساختارهای جدید و نیازهای گوناگون شهر جدید، مدیریتی مناسب از ضروریات اساسی آن به شمار می رود تا به کارگیری کلیه نیروها و امکانات، همگان را در مسیرهای طراحی شده شهر هماهنگ سازد.شهرهای جدید مهمترین و بهترین پدیده عصر جدید محسوب می شوند و به عنوان مظهر «تمدن جدید» به شمار می روند.ویژگی های شهرهای جدیداولین ویژگی شهرهای جدید، احداث آنها در خارج از مناطق شهرهای مادر است تا منطقه جدید به عنوان یک قطب موثر برای شهر اصلی عمل کند.(مثل شهر فولادشهر)دومین ویژگی آن در خصوص ایجاد چارچوب جدیدی از کارکردهای اسکان، کار، آموزش، اوقات فراغت، تجارت و غیره است. شهرهای جدید بریتانیا، فرانسه و هلند(للشتاد، هلوستلی) یا بخشهای شهر کوپنهاک در این راستا، قرار دارند.در بریتانیا، هدف اولیه ایجاد شهرهای جدید استقلال و خودکفایی بود و احداث شهرهای برنامه ریزی شده مثل میلتون کینز یا هامپشیر جنوبی در ۱۰۰ کیلومتری لندن بدین منظور بوده و یا حتی احداث شهرهای متوسط با جمعیت ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر در چند دهه اخیر برای کمک به مادر شهرها(و در عین حال با حفظ استقلال آنها) بوده است. در حالی که در فرانسه هدف از ایجاد شهرهای جدید در منطقه پاریس با جمعیت ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری برخورداری این شهرها از امکانات شهر پاریس و در عین حال ایجاد مراکز جدید شهری است.ویژگی سوم اقماری شدن شهرهای جدید است تا با یک کمربند سکونتی بتواند شهر مادر را پوشش دهند. امکانات مربوط به حمل و نقل (مترو و ...) طبعاً کمک می کند که این شهرها بتوانند این ویژگی را دارا باشند. شهرهای رانشتاد (آلمان) لومیرای، کان اروویل (فرانسه) و شهرهای جدید آمریکایی در این طبقه بندی قرار می گیرند.شهرهای جدید با ویژگی های زیر مشخص می شوند:تمایلات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، کنترل رشد جمعیت، نرخ بالای شهر نشینی، کاهش زمان کار و افزایش اوقات فراغت و هماهنگی در امر توسعهجنبه های طبیعی و تاریخی: ارزشیابی محیط طبیعی، توجه به آثار و بناهای تاریخی و غیره. به طور خلاصه، شهر جدید پدیده ای اجتماعی- اقتصادی در جهان است که دارای الگوی رفتاری خاص در مسائل جمعیتی و نقش ویژه ای در درمان بیماریهای

اجتماعی، صنعت و مسائل مسکن اجتماعی است. به طور کلی، شهر جدید ابزاری برای مسائل مختلف حیات شهری است.شهرها در جست‌وجوی مفهومی نواز قرن نوزدهم، اندیشمندان از شهر صنعتی توصیفی هراس انگیز را مطرح می کنند و بی نظمی آن را در همه متون خویش گوشزد می سازند؛ موضوعی که برخی از اندیشمندان قرن بیستم نیز برآن باورند.در چنین هول و هراسی است که مفهوم شهرسازی در معنای جدید آن تولد می یابد. شهر سازی، زمانی متولد می شود که انگاره ها و الگو هایش، به گونه ای ماتقدم شکل گرفته است؛ الگوهایی که برآنند تا با اجبار، خود را به واقعیت تحمیل کنند؛ انگاره ها و الگوهایی که شماری معدودند و عمدتاً همان هایی هستند که از آغاز، توسط تخیل گرایان قرن نوزدهم پایه گذاری شدند.شهر از همان آغاز تولدش، مفهوم خود را در فلسفه و حکمت جست وجو می کند. از نخستین اندیشمندانی که «اور» و «موهنجودارو» و «شوش» و «تئوچه تیتیلان» و... را بر پا داشتند، تا آخرین کسانی که مفهوم شهر را در ناشهرسازی و شالوده شکنی جست وجو می کنند، همه در پی تعمیق فلسفی این مفهوم هستند و برآنند تا از حکمت نظری به حکمت عملی دست یابند و آن را شکلی کالبدی- فضایی بخشند.از این رو در پس همه تجلیات کالبدی- فضایی و در بن هر آنچه «ناکجاآباد» و «آرمان شهر» خوانده می شود، اندیشه هایی متاثر از نحوه نگرش فلسفی به جهان و حکمت نهفته است. شناخت این اندیشه ها و حکمت های منبعث از آنها، اولین گام در اندیشیدن به مقوله شهر است. اهمیت برداشتن این گام و حرکت در مسیر درست، به خصوص در پی تحولات فن شناختی دو سده اخیر دوچندان می شود.اگر رنسانس در جست وجوی یافتن حکمت عملی و کاربردی در بازگشت به مفاهیم کهن و نوپردازی آنهاست و سعی دارد که فضای شهر خویش را بر این مبنا رقم زند، انقلاب صنعتی با عرضه حکمت عملی خویش، مفهوم فلسفی جدیدی از شهر را به دست می دهد. اگر در دوران قدیم، فلسفه از طریق حکمت عملی، چهره شهر را می آراست و فضای آن را می پرداخت، در دوران جدید، فلسفه شهرسازی راه خویش را از حکمت عملی آن جدا می کند؛ اندیشه و عمل از هم دوری می جویند و ناکجاآبادها در مقابل شهرهای قارچ گونه، سست پایه، خود به خودی یا طراحی شده قرار می گیرند.در حالی که فلاسفه قرن نوزدهم، نقد شهر را از نقد جامعه صنعتی جدا نمی سازند و بر مبنای این نقد، مدینه فاضله خویش را بنا می نهند، عمل گرایان، شهر موجود را بر مبنای عملکرد هایی می سازند و می پردازند که انقلاب فن شناختی سبب شده است. هنر جای خویش را به فن می سپارد و معمار-هنرمند در مقابل معمار- مهندس عقب می نشیند. اندیشه های شهرسازی پیش از هر زمان دیگری در زمینه های فلسفی و حکمت عملی به جولان در می آیند.از قرن نوزدهم، اندیشمندان از شهر صنعتی توصیفی هراس انگیز را مطرح می کنند و بی نظمی آن را در همه متون خویش گوشزد می سازند؛ موضوعی که برخی از اندیشمندان قرن بیستم نیز برآن باورند. در چنین هول و هراسی است که مفهوم شهرسازی در معنای جدید آن تولد می یابد.شهر سازی، زمانی متولد می شود که انگاره ها و الگو هایش، به گونه ای ماتقدم شکل گرفته است؛ الگوهایی که برآنند تا با اجبار، خود را به واقعیت تحمیل کنند؛ انگاره ها و الگوهایی که شماری معدودند و عمدتاً همان هایی هستند که از آغاز، توسط تخیل گرایان قرن نوزدهم پایه گذاری شدند؛ الگوهایی که عمدتاً در سه زمینه اصلی مطرح گردیدند: الگوی خردگرا که ترقی، فناوری و کارآیی را مد نظر داشت، الگوی سنت گرا که بر ارزش های احساسی، ادراکی و زیباشناسی تکیه می کند و الگوی ضدشهری که بر آن است تا مفهوم کهن شهر و روستا را در هم ریزد و شکل جدیدی از استقرار را بیان دارد.با فاصله صدساله از تدوین این انگاره ها و الگوها، امروزه نیز طرح هایی با ظاهر بسیار متفاوت، همان استخوان بندی مطروحه در قرن نوزدهم را در خود دارند و به همان گونه در پی چهره پردازی الگو ها بوده و به همانگونه به تجربه واقعیات می پردازند. شکست های شهرسازی امروز نیز ریشه های خود را در این بازنگری و تجربه الگویی باز می یابد. اکنون سخن بر آن است که این مسائل، بدون جست وجوی یک شهرسازی کمتر نظریه ای و بسیار انسانی تر قابل حل نخواهد بود و به همین دلیل است که پرداختن عملی به محیط در دستور کار قرار گرفته است؛ محیطی که برای انسان و نه مسلط بر او برنامه ریزی و طراحی شده باشد.تعریف شهر جدیدشهر های جدید در نظام های اجتماعی-

اقتصادی جهان و با توجه به تحولات نظریه ای، بسیار دگرگون شده اند. هنوز تعریف جامعی برای شهر های جدید ارائه نشده است اما می توان تعاریف زیر را برای آنها بیان داشت:۱ – اجتماع های برنامه ریزی شده ای در پاسخ به اهداف از پیش تعیین شده.۲ – اجتماعی خود اتکا با جمعیت و مساحت مشخص؛ فاصله ای معین از مادر شهر با برنامه ریزی از پیش تعیین شده و اهداف معین.۳ – معمولاً ـ برای تمرکززدایی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی طراحی می شود تا با وجود جاذبه نزدیک به شهرهای بزرگ، جمعیت تشویق به خروج از مادرشهر شود.بنابراین شهر جدید دارای تاریخ تولد مشخص است و در زمان کوتاه معینی ساخته می شود. شهر جدید با حومه، اختلاف اساسی دارد؛ حومه یک ناحیه مجزای مسکونی است که ساکنان آن برای کار به شهر دورتر رفت وآمد می کنند اما شهر جدید باید همه عملکرد های شهری را به اندازه معین داشته باشد.(زیاری، ۱۳۸۳)روند شهر های جدیداز زمان احداث سکونت گاه های شهر های جدید که در آستانه قرن حاضر با طرح اندیشه هاوارد و نیز ایجاد باغ شهرهای ولوین ولچ ورث شروع شد، تاکنون در اهداف این مراکز سکونتی تحولات بسیاری به وجود آمده است. بر این اساس می توان شهر های جدید را در سه دوره به شرح زیر بررسی کرد:۱ – دوره اول/ باغ شهرها به عنوان الگوی اولیه شهر های جدید (۱۹۳۸ –۱۸۹۸): در این دوره، باغ شهر ها، شهرک های اقماری و سپس شهر جدید به عنوان گزینه ای در برابر رشد فزاینده شهرهای انگلستان مطرح می شوند. در این دوره بر نقش هرچه بیشتر دولت در توسعه این شهر ها، حد متناسب جمعیت باغ شهر ها و انتقال جمعیت اضافی به آنها تاکید می شود. در این دوره، شهر های جدید بیشتر در غالب نظریه ها باقی می مانند و فقط نمونه های محدودی از آنها احداث می شود.۲ – دوره دوم/ سیاست رویارویی با رشد مناطق مادرشهری (۱۹۶۰ –۱۹۳۸): با پایان جنگ جهانی دوم، بریتانیا بار دیگر در توسعه شهر های جدید پیشگام می شود. شهر های جدید با فاصله ای از مادرشهر، به عنوان مراکز اصلی فعالیت با قطبیت ناحیه شهری پذیرفته می شوند. بدین ترتیب همزمان با توسعه شهر های جدید بریتانیا، پیرامون برخی از پایتخت های بزرگ جهان (مسکو ، پاریس و توکیو) و حوزه های مادرشهر، احداث سکونتگاهای شهری جدید آغاز می شود.۳ – دوره سوم/ تحول در اهداف شهر های جدید (۱۹۷۰ –۱۹۶۰): در این دوره، شهرهای جدید به عنوان ابزار سازمان دهی فضای ملی، برنامه ریزی ناحیه ای و سیاست تمرکززدایی جمعیتی و اقتصادی مطرح می شوند. در دوره سوم، شهر های جدید بریتانیا در خدمت توسعه اقتصادی در سطح منطقه قرار می گیرند. ایجاد پایتخت های جدید(شاندیگار، برازیلیا و اسلام آباد) گونه ای از این اهداف تلقی می شود.مفاهیم نوشهرها از آغاز تا امروزآدمیان از دیر باز در مکان ها و سرزمین های مختلف و متعددی که شاید تنها معیار وابستگی آنان به یکدیگر در مقابله با مشکلات و سختی های زندگی بوده، می زیسته اند. شهر ها به وجود آمدند، توسعه یافتند، سیطره عظمت و تمدن خود را بر پهنه وسیعی از سرزمین ها گستردند و سپس از صحنه روزگار کنار رفتند.دلایل نیستی آنها کاملاً مشخص و معلوم نیست. بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، خشکسالی، قحطی، آتشفشان، توفان یا عوامل دیگری مانند جنگ، به نوعی در تنازع بقای آنان سهیم بوده و هستی و نیستی تمدن ها را تحت الشعاع قرار داده اند.با وجود این، حیات آدمی در کنار شهرهای نوبنیاد ادامه یافته و مشاهده می کنیم که در پی نابودی شهر ها، باز شهر های دیگری احداث می گردند. بنابراین شهر سازی یکی از کهن ترین نیاز های بشری به شمار آمده و هرگز شهری در تاریخ وجود نداشته که به تمامی توسط معماران ساخته شده باشد بلکه شهر را می بایست محصول قدرت و اقتدار حکومت ها و دولت ها دانست.

منابع:۱- ربانی، رسول، وحیدا، فریدون، ۱۳۸۱، جامعه شهری، ناشر: دانشگاه اصفهان و سازمان سمت۲- صالحی، اسماعیل، ۱۳۷۷، اداره امور شهرهای جدید (جلد اول)، مدیریت ساخت، ناشر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری۳- نقدی، اسدالله، ۱۳۸۲ درآمدی بر جامعه شهری(انسان و شهر) ناشر فناوران۴- زیاری، کرامت الله ۱۳۸۲ برنامه ریزی شهرهای جدید، چاپ سازمان و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

http://ugeography.persianblog.ir/tag/%D9%86%D9%88_%D8%B4%D9%87%D8%B1_%D9%87%D8%A7

حقوق شهروندی در کلام امام سجاد

(ع)نویسنده: رضوانی نیا

امام سجاد(ع) در رساله حقوقشان که در ۵۰ بند نوشته شده است، با نگاه حق بینی حقوق افراد و قشرهای مختلف را نسبت به یکدیگر بیان می کنند. در این رساله اصول اخلاقی به چشم می خورد که با رعایت آن ها می توان از بروز بسیاری از مشکلات و معضلات در زندگی شخصی و اجتماعی پیش گیری کرد.

حجت الاسلام یوسفی غروی از مدرسان حوزه علمیه قم در گفت وگو با خراسان برخی از این عبارات و اصول اسلامی و اخلاقی را بیان می کند.رساله ای عمیق و دقیق در ۵۰ بندرساله حقوق امام سجاد(ع) با نگاهی دقیق و جزئی اما عمیق و فراگیر در ۵۰ بند تنظیم شده است و ابوحمزه ثمالی یکی از اصحاب مشهور آن حضرت، آن را از امام چهارم(ع) روایت کرده است. محدثانی مثل شیخ کلینی در کتاب کافی، شیخ صدوق درکتاب خصال و علی بن شعبه حرانی در کتاب تحف العقول این رساله را با سندهای معتبر از ابوحمزه روایت کرده اند.یوسفی غروی با بیان این مطالب می افزاید: امام زین العابدین(ع) در این رساله، معیارهای دینی و انسانی روابط فردی و اجتماعی را حکیمانه بیان می کنند به گونه ای که این آموزه ها همه ابعاد زندگی انسان را در بر می گیرد. به عنوان مثال ایشان نوع رفتار صحیح و منصفانه و انسانی در برابر پدر و مادر، معلم، حاکم، مدیر، همسایه، همسر و ... را مطرح می کنند که رعایت این آموزه ها موجب می شود انسان روابط سالم و درستی با دیگر افراد جامعه برقرار کند. می توان گفت اگر کسی آموزه های امام سجاد(ع) در این رساله را به خوبی دریابد، به اسرار قوانین و حقوق اسلامی در روابط فردی و اجتماعی پی برده است.وی به برخی مشخصات رساله امام سجاد(ع) اشاره می کند و می افزاید: آن حضرت قبل از بیان حقوق افراد و طبقات مختلف، در آغاز کلام تاکید می کنند که حقوق متعددی برای انسان ها وجود دارد که شناخت آن ها واجب است.آن گاه حضرت حقوق خداوند را به عنوان بزرگ ترین حقی که بر ذمه انسان است، بیان می کنند و سپس رابطه و حق انسان بر خودش، رابطه انسان با اجتماع و محیط زندگی (حقوق شهروندی) مانند حق حاکم، معلم، همسایه، هم کیش، دوست و ... را بیان می کنند. در ادامه این رساله رابطه انسان با خانواده و حقوقی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند، مطرح می شود، حقوق مشورت کننده و مشورت خواه و شریک و پیش نماز مسجد و در پایان هم حضرت سجاد(ع) حقوق هم کیشان و هم نوعان را مطرح می کنند.حق خداوند، بزرگ ترین حق بر ذمه انسان استوی به برخی سفارش های امام (ع) در بیان حقوق افراد و طیف های مختلف اشاره می کند و می گوید: آن حضرت، حق خداوند را بزرگ ترین حق بر ذمه انسان معرفی می کنند و می فرمایند: بدان بر تو برای خدایت حقوقی در هر حرکت و سکونی که داری یا هر جایی که فرود می آیی و هر عضوی که به حرکت می آوری و در هر ابزاری که مورد استفاده قرار می دهی، جاری است که بزرگ ترین آن ها حقی است که تو را از سر تا پایت فرا می گیرد برای چشم هایت، گوش هایت، زبانت، دستانت، پاهایت و ... حقی است. در ادامه امام(ع) حق هر یک از اعضای بدن انسان را بیان می کنند.رفتار با مدیر و مافوق از نظر امام سجاد(ع)پس از بیان حق خداوند امام چهارم(ع) به حقوق انسان در برابر جامعه و دیگر افراد اشاره می کنند و درباره حقوق فرمانروا و هیئت حاکمه، که می توان آن چه را امروز به عنوان مدیر از آن نام برده می شود، در زمره آن قرار داد، می فرمایند: در برابر آن چه او به تو می بخشد آن قدر رضایت و خشنودی نشان بده که خویشتن را از گزند وی در امان داری در حدی که به دینت نیز آسیبی نرسد. با او از در مخالفت رفتار نکن که اگر چنین کنی نافرمانی او بر خویشتن را کرده ای و او را به دشواری انداخته ای و به اندیشه هلاکت خودت واداشته ای، حال آن که شایسته تر آن بود که یاور او باشی و در آن چه بر تو ارزانی داشته است، شریک و همراهش باشی.توصیه های امام سجاد(ع) درباره نحوه رفتار با دوستانامام سجاد(ع) درباره این که دوست انسان چه حقی بر او دارد و ما چگونه باید با دوستانمان رفتار کنیم، توصیه های بسیار باارزشی دارند که یوسفی غروی به

برخی از این موارد اشاره می کند و می گوید: امام (ع) می فرمایند که نسبت به دوستت بر توست که با نیکی با او مصاحبت و حداقل انصاف را در موردش رعایت کنی، هم چنان که او در حق تو بزرگواری می کند تو نیز نسبت به او بزرگی کن و نگذار او در نیکی ها بر تو پیشی گیرد و اگر چنین کرد تو جبران کن. خودت را ملزم کن که در اطاعت پروردگار دوستت را یاری و در دوری کردن او از معصیت الهی همراهی اش کنی.عیب های همسایه ات را بپوشانحضرت سجاد(ع) به حقوق همسایگان نیز اشاره می کنند و می فرمایند: از حقوق همسایه بر تو این است که در غیابش او را پاس داری و در حضورش احترامش کنی و در هر حال به کمک و یاری او برخیزی، به عیب جویی او نپردازی و دنبال نقاط ضعف شخصیت او نباشی و اگر ناخواسته و سهوی بر عیبی از او آگاه شدی، آن را نزد خود نگاه داری و آن عیب را فاش نکنی و چنان چه به مورد منفی از او برخورد کردی این دانسته خود را نزد خودت نگه داری و آن عیب را بپوشانی.بی اطلاع او در حالی که او متوجه نیست به سخنانش گوش ندهی و به هنگام سختی ها او را رها نکنی و هنگامی که او را غرق در نعمت می بینی بر وی رشک نبری، لغزش های همسایه ات را نادیده بگیر، خطاهایش را ببخش و هرگاه ناسپاسی ات کرد تو بردباری کن.حقوق اقلیت های مذهبیوی با اشاره به این که امام علی بن الحسین(ع) درباره اهل ذمه یعنی غیرمسلمانان که در کشور اسلامی و تحت حکومت اسلامی زندگی می کنند نیز سفارش هایی دارند اظهار می دارد: در میان شهروندان جامعه اسلامی اقلیت های مذهبی هم ممکن است زندگی کنند که هم کیش و آیین مسلمان ها نیستند اما نسبت به آن ها حقوقی را باید رعایت کرد. امام سجاد(ع) درباره حقوق اقلیت های دینی می فرمایند: حکم اسلام درباره آن ها این است که آن چه را خداوند از آن ها پذیرفته است، بپذیری و همین بس که خداوند عهد خود را به آن ها داده و امان شان بخشیده است. با همان حکمی که درباره خود روا می داری درباره آن ها حکم کن و عهد و پیمان با خدا و رسول او و وفای به این عهد باید مانع از آن شود که تو به آن ها ستم کنی زیرا رسول خدا(ص) فرموده است: هر کس به هم پیمانش ظلم کند به پیامبر دشمنی ورزیده است.پس در مورد آنان از خدا بترس.اگر کسی از معلمت بدگویی کرد به دفاع از او برخیوی حق معلم را از دیگر حقوقی برمی شمارد که در رساله حقوق امام سجاد(ع) به آن توجه شده است. یوسفی غروی در این باره تصریح می کند: آن حضرت می فرمایند که از جمله حق معلم بر انسان، بزرگداشت او، حفظ حرمتش، نیکو گوش دادن به سخنانش، روی آوردن به او و با جان و دل در اختیار او بودن است. در جایی که به دانش معلم نیاز داری تمام دانش و خرد خود را به او بسپاری و اندیشه و جان و دل خودت را در اختیار او قرار دهی و با ترک لذت ها و هواهای نفسانی، دیده ات را برای او جلا دهی و صدایت را در برابرش بلند نکنی و به کسی پاسخ نگویی تا تنها او پاسخ گو باشد و در حضور او با کسی به گفت وگو ننشینی و اگر کسی در نزد تو از وی بدگویی کرد به دفاع از او برخیزی و عیب های او را پنهان داری و مناقبش را بر زبان آوری، با دشمن او نشست و برخاست نکنی و با دوستانش دشمنی نورزی.تو توان تشکر از مادرت را نداریوی به حقوق مادر در کلام امام سجاد(ع) هم اشاره می کند و می افزاید: آن حضرت می فرمایند حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را درجایی حمل کرده که هیچ کس دیگری را حمل نمی کند و از شیره جانش به گونه ای که هیچ کس دیگر را نمی خوراند، تو را خورانده است و با گوش و چشم و پوست و همه اندامش با رضا و رغبت و شادی از تو مراقبت کرده است و همه درد و رنج و غم را به جان خود خریده است تا به تو توان بخشد و به دنیا بیاورد. او راضی شده است که گرسنه بماند تا تو را سیر کند. برهنه بماند و تو را بپوشاند. تشنه بماند تا تو سیراب شوی و با هر درد و رنج برای تو فداکاری و از خودگذشتگی کرده است و تو یارای سپاس و شکرش را نداری مگر به یاری و لطف الهی.درباره حق برادر نیز حضرت می فرمایند: برادرت دست توست که درازش می کنی و پناهی است که به آن پناه می جویی و عزتی است که بر آن اعتماد می کنی و قدرت و توانی است که بدان تکیه داری و مبادا از او برای ظلم به خلق استفاده کنی و هرگز از یاری او روی متابان و در برابر دشمنش او را تنها نگذار.درباره آن چه به تو اندرز داد، بیندیوی به حقوق کسی که به انسان اندرز می دهد از دیدگاه امام سجاد(ع) اشاره و خاطرنشان می کند: امام (ع) می فرمایند که بر توست در برابر او حق شناس باشی، دل

خود را به او بسپاری و گوش جان به او بـدهی تا انـدرزش را بفهمی و درباره آن بیندیش اگر خود بدان عمل کرد که چه خوب و گرنه او را ببخش و سرزنـشش مکن و اگر خود او به آن چه می گویـد عمل نمی کنـد دلسوز تو نیست پس به انـدرزهای او در این زمینه توجه نکن.این مدرس حوزه علمیه درباره حقوق کسـی که سـخنانش باعث شادی انسان می شود هم به دیدگاه امام سجاد(ع) در رساله حقوق اشاره می کند و می افزاید: امام سـجاد(ع) می فرمایند اگر منظور اصـلی این فرد شادی و مسرور کردن تو بود، ابتدا خـدا را سپاس گوی و سـپس از او تشـکر کن چون او آغاز کننـده این پیام شادی بخش برای تو بوده و هـدیه ای به او بـده. اما اگر شادمانی تو منظور اصـلی او نبود، ابتدا خدا را سپاس بگو و سپس از او تشـکر کن چون او سببی از اسباب نعمت های الهی برای تو بـوده و پس از آن برای او آرزوی خیر و خوبی کن چون نعمت هـا از هر طرف که به انسـان برسـد برکت است، هر چنـد ناخواسـته باشد. روزنامه خراسان

زمان اصلاح ساختار رفتار شهروندی سازمانی

مترجم: بی بی بهاره قاسـمی چکیده: شواهد تجربی بدست آمده شامل انتقادات و حتی بررسـی های اجمالی نشـریات مربوط به کار مـا را وادار به تجدیـد نظر در تعریف رفتار شـهروندی سازمانی (OCB) می نمایـد. در نظر گرفتن OCB به عنوان" نقش اضافی،" "فراتر از شـغل "یا" بدون پاداش از سیستم رسمی "دیگر مفید به نظر نمی رسد. یک تعریف قابل دفاع تر توسط برمن و موتوویدلو تحت عنوان" کارکرد ضـمنی "ارائه شده است. بعضی پیشنهادات مقدماتی برای تعریف مجدد OCB ارائه شده است؛ به مشکلاتی توجه شـده است که هنگـام مواجهه با تغییرات اساسـی در خصوصـیات سازمانها، ذهن مارا به خود مشغول نگه می دارد.مقـدمه:در نتیجه گیری گزارش" سندرم سرباز خوب ("ارگان، ۱۹۸۸) ، من به وضوح مقداری" نرمی مشـکل زا "در یک" تعریف کاری "از OCB را پـذیرفتم. من این مطلب را در فصـل" کـار نـا تمام "قبول کردم. شایـد کار اصـلاح مفاهیم هیـچ گاه تمام نشود، اما اکنون وقت این است که به بازبینی بعضـی از سوالات مربوط به تعاریف ساختار، واژه شناسـی و مدل های ساده بپردازیم.پیش از این، یک مرور اساسی بر تعاریف ساختار شبکه های قانونی مربوط به OCB انجام شده است (ون داین، کامینگز و پارکس، ۱۹۹۵) آن چنان که به زودی مشـخص خواهـد شـد، من من مطـالب زیـادی برای یـاد گرفتن در این بحث پیـدا کردم. هر چنـد که نظر من با آنها در بعضـی مسائـل مهم متفاوت است و من به بعضـی مسائل دیگر پرداخته ام که آنها در مورد آن بحث نکرده انـد.ون داین و همکاران (۱۹۹۵) به مطالب زیر پرداخته اند: الف) حالت به هم ریخته میان چند ساختار که شامل رفتار نقش اضافه می شود (OCB :(ERB، رفتـار سازمانی اجتماعی (POB)، اشـتباهات در حین کـار (WB). ب) مـوردی که در آن از ساختـار بزرگـتری اسـتفاده می شـود (ERB). ج) مجموعه های محتمل از موارد قبل و نتایج تعریف مجدد دسته هایی از ERB.در کنار این مطالب، ون داین و همکاران بر روی انجام کار بـدون ساختار POB به علت گستردگی بیش از انـدازه آن، بحث نموده انـد. موقعیتی که قبلاـ نیز برای دو مولف این عبـارت پیش آمـده بود. البته ون داین و همکـارانش دو ساختـار دیگر را نادیـده گرفتنـد – فعالیت های خود به خودی سازمانی (OS، جرج و بریـف، ۱۹۹۲) و کارکرد ضـمنی (برمن و موتوویـدلو، ۱۹۹۳؛ موتوویدلو و ون اسـکاتر،۱۹۹۴). بریف و موتوویـدلو (۱۹۸۶) ابتـدا ایده POB را مطرح کردنـد ولی بعـد به دنبـال نظریـات دقیق تر رفتنـد و آن را کنـار گذاشـتند.مطالعات من در اینجا محدودتر است. می خواهم به مشـکلات مداومی بپردازم که افراد زیرکی (از جمله خودم) در رابطه با تعریف کاری OCB مشاهده می نماینـد و پیشـنهاداتی برای اصـلاح این مشـکلات ارائه نمـایم. اجبـارا تحقیققـات تجربی زیـادی مرور شـده است، زیرا اطلاعات تحقیق مـذکور اظهارات مهمی راجع به امکان پذیری موقعیت های مختلف در رابطه با تعاریف، رده بندی و شـبکه های قانونی بیان نموده است. ولی در مجموع بحث اینجا در مورد بررسـی یک فرضـیه یا اثبات روابط اساسـی یا حتی روش شناسی به معنای عام آن نیست. امیـد داریم تنها یک روش تفکر راجع به OCB پیـدا کنیم •.تعریف کاریتحقیق من در سال ۱۹۸۸، OCB را به این صورت

تعریف می نمود":رفتار فردی که تنها در صورت نیاز به آن لازم است (احتیاطی) و مستقیما یا مشخصا بوسیله سیستم پاداش رسمی تشخیص داده نمی شود و در مجموع کارکرد موثر سازمان را بهبود می بخشد (".ارگان،۱۹۸۸،صفحه۴)تعریف مذکور با تفاوت های انشایی خیلی جزئی، همان تعریف قبلی ارائه شده توسط باتمان و ارگان (۱۹۸۳) و اسمیت ارگان و نیر(۱۹۸۳) بود؛ که همچنین در (ارگان، ۱۹۹۰) به روز شد. با پیش بینی بعضی انتقادات که بعدها به وجود آمد، من فورا بر روی سه " نقطه ضعف " این تعریف کار کردم و آنها را تعیین نمودم:منظور از" احتیاطی "رفتاری است که نیاز اجباری شغل نیست. نیاز اجباری شغل آن است که با عبارات قابل تمایز و واضح قرارداد استخدام شخص توسط سازمان مشخص می شود. این رفتار به انتخاب خود شخص انتخاب می شود، به صورتی که حذف آنها عموما مشمول تنبیه نمی شود.(توجه شود که حتی تعیین کننده ها نیزتوصیف شدهاند، به عنوان مثال از قیدهای مشخص" واضح "و" عموما "استفاده شده است. بنابراین نظم و ترتیب متون آکادمیک هم ?ما را به افرادی ترسو تبدیل می کند، به صورتیکه ما نسبت به گفتن هر چیز نامشخص و نا معینی بی میل هستیم.)همچنین ادامه دادم :تعریف ما از OCB نیازمند این است که مستقیما یا رسما توسط سیستم حقو ق سازمان پاداش داده نشود... آیا این بدان معناست که OCB باید به آن دسته از رفتاری که مطلقا و ابدا هیچ نوع بازده ای برای فرد ندارد، محدود شود ؟ ... لزوما خیر . به مرور زمان یک جریان پایدار از OCB از انواع مختلف... به خوبی می تواند تاثیری را که فرد بر روی سرپرست یا همکارانش می گذارد، مشخص نماید. در نتیجه این تاثیر می تواند بر توصیه رییس برای افزایش حقوق یا ارتقا موثر باشد. مطلب مهم در اینجا این است که این پاداش نباید در قرارداد تضمین شود. (ارگان، ۱۹۸۸، صفحه ۵)به عبارت دیگر من به OCB به صورتی نگاه کردم که ممکن است نوعی پاداش به همراه داشته باشد یا نداشته باشد. نکته این است که پاداش تعلق گرفته به OCB در مقایسه با فعالیت های رسمی تر دیگر مانند بازده بالا یا مهارت فنی یا پیشنهادات نوآورانه، غیر مستقیم ترین و نامشخص ترین هستند. فعالیت های مذکور به احتمال بیشتری صریحا به سیستم پاداش رسمی مرتبط می شوند.در نهایت، OCB فقط باید شامل رفتارهایی می شد که در مجموع، با گذر زمان ووجود افراد مختلف در کارایی سازمان سهمی داشته باشند. به بیان دیگر، هر مورد از OCB به تنهایی تغییری در درآمد سازمان ایجاد نخواهد کرد؛ به عنوان مثال ممکن است من به یک همکار پیشنهاد کمک بدهم که درواقع تاثیری در کارکرد فرد نداشته باشد، اما در مجموع ?رفتارهای مرتبط قرار بگیرد، که تاثیر آن مثبت خواهد بود. یا افراد زیادی که مرتبا به همکارانشان پیشنهاد کمک می دهند در بازده سازمان مشارکت خواهند داشت.این نیاز دوم در تعریف OCB به نظر من باید نهایتا فعالیتی باشد که به آن اعتقاد داشته باشیم. مفهوم کارایی سازمانی، تعریف به کار رفت ?آن و رابط ?موقتی آن با هر یک از موارد پیشین خود، شرایطی را ترسیم کردند که روشن نمودن آن را سخت و غیر ممکن می نمود. اگرچه تحقیقات مختلفی بر روی موضوع سخت و پیچیده آزمایش رابط ?OCB و کارایی انجام شده است و نتایج (در حالی که به ندرت قطعی بوده اند، زیرا مقطعی هستند) دائما به هم شباهت دارند. (کارامبایا، ۱۹۹۱، پودساکوف، آهیرنه و مک کنزی، در حال انتشار؛ پودکاسوف و مک کنزی، ۱۹۹۴؛ والز و نیهوف، ۱۹۹۶)شروط احتیاطی بودن و پاداش خارج از قرارداد داشتن در تعریف OCB بحث و انتقاد زیادی از ساختار OCB به وجود آورده است. روشهای معمول اندازه گیری آن نیز به همین صورت بوده است. مشکلات اشاره شده نیاز به یک بازنگری در کاربرد شروط تعریف کننده ایجاد می نماید؛ که همانطور که خواهیم دید، همچنان به صورت خصوصیات توصیفی در یک حالت احتمالی باقی خواهند ماند که OCB را از ساختار های دیگر متمایز می کند •.مشکلات " احتیاطی بودن" به صورت خلاصه، مشکلی که از آن به عنوان احتیاطی بودن، نقش اضافه و فراتر از ملزومات شغل یاد می شود، این است که اندازه گیری OCB شامل مواردی می شود که اغلب مشاهده کنندگان (حتی خود پاسخ دهندگان) آن را قسمتی از کار می دانند. بنابراین، موریسون (۱۹۹۴) گزارش می دهد که ۱۸ از ۲۰ مورد OCB توسط اغلب پاسخ دهندگان به عنوان " قسمتی از شغل " وصف شده است. علاوه بر این، شرکت کنندگان در این تحقیق برداشت متفاوتی از حیط ?مسئولیت های کار داشته اند. موریسون نتیجه می گیرد که OCB به

نادرستی تعریف شـده است و در بین کارکنان مختلف و حتی سرپرسـتان تفاوت نظر وجود دارد. (موریسون، ۱۹۹۴، صفحه ۱۵۶۱). این مشـکل می تواند بیشتر مشـکل اندازه گیری تفسیر شود تا مشـکل ساختار، ولی اغلب این دو بسیار در هم تنیده هستند. وضوح ساختار یک شـرط کافی برای سـلامت روان سـنجی نیست، بلکه احتمالا یک شرط لازم می باشد.شاید مشکل در تعریف OCB به عنوان نقش اضـافی یا فراتر از نیازمنـدیهای شـغل ناشـی از نبود وضوح در تعاریف " نقش " و " شـغل " باشـد. همانطور که تحقیق گرائن و دیگران بر روی تبادل سرپرست-عضو (دانسریو؛ گرائن و هاگا، ۱۹۷۵؛ گرائن و اوهل بین، ۱۹۹۵) در گذشته به این نتیجه رسیده است که نقش ها از بده بستان سرپرست-عضو بوجود می آیند. کاتزوگاهن (۱۹۹۵) در شرح مدل سیستم باز سازمان ها، به وضوح نقش را با انتظارات " فرستندگان نقش "تعریف نمودند و مشخصا " انتظارات " می تواند از چیزی کاملا پایینتر از ملزومات رسـمی شغل تا سطحی بسیار بالاتر از آن متفاوت باشد. به نظر می رسد که اگر OCB را نقش اضافی تعریف نماییم، نا مشـخص بودن این ساختار را تضـمین کرده باشیم.ون داین و همکارانش به شدت از امکان پذیری ERB به عنوان یک ساختار دفاع نمودند. آنهـا آزادانه تصـدیق کردنـد که مشاهـده کننـدگان بر اساس زمان و اشـخاص متفاوت در این که نقش و اضافه تر از نقش چیست، تفـاوت خواهنـد داشت و در نتیجه در خیلی از موارد نقش اضـافه تـا حـدی اختیـاری است. اگر چه ، همـانطور که آنچیزی که ما" سبز "یـا " آبی "می خـوانیم منجر به بی ارزش نمودن مفهوم " سبز (" یـا مفهـوم " رنـگ) " نمی شود، ون داین و همکـارانش اصـرار داشتند که ERB و رفتـار درون نقش (IRB) قطعـات ساختمانی نظری مفیـدی هسـتند. بنابراین، ممکن است به نظر برسـد مشـکل بیشتر از انـدازه گیری است تـا تعریف ساختـار.نظر من این است که در صورت امکـان از رجوع به ERB در تعریف OCB خود داری شود. همـانطور که پیش تر ذکر شـد، نقش ها به عنوان توابعی از انتظارات و فرسـتادگان نقش بوجود می آینـد، هر چند ایـن بـه نظر عجیب می رسـد که چیزی که امروز OCB محسوب می شود، مـاه بعـد چیز دیگری باشـد یا چیزی که یک سرپرسـت OCB ارزیابی می کند، توسط همکارانش یا زیردستان آنها IRB تلقی شود. من فکر نمی کنم نظر ون داین و همکارانش غیر قابل دفاع باشد اما می خواهم ابتدا احتمالات دیگر را رد نمایم.شـغل اضافه چطور است؟ من فکر می کنم اغلب دانشـجویان این مباحث، تفاوت بین نقش و شغل را قبول می نمایند، مخصوصا اگر منظور ما از شغل نوعی از تعریف شغل رسمی باشد. این طرز فکر ما را به نقط ?شـروع خودمان در سال ۱۹۸۸ بر می گردانـد، که در آن OCB احتیاطی در نظر گرفته می شـد به صورتی که فراتر از شـرط لازم الاجرا در تعریف شغل باشد.پاسخ من به این پیشنهاد این است که شاید ابهاماتی در شروط لازم الاجرای شغل شایع شده باشد. شغل ها، هماننـد نقش ها در حال تغییرنـد.این تغییرات به دنبال کوچک شـدن سازمان ها، فشـردگی، تیمی شـدن و انعطاف پـذیری سازمـان ها ایجاد می گردنـد. یک تحقیق که عنوان آن" پایان شـغل "در مجله ثروت چاپ شـده بود (۱۹۹۴) پیشـنهاد داد که شغل یک محصول مصـنوعی اجتماعی است و دیگر بهترین راه برای نظم دادن به کار نیست. شـغل شامل هر آنچه در محل کار فرد مورد نیـاز است، خواهـد بود.مشـروط بر این که کـار آموزی لـازم فراهم شود. در نهایت که این اتفاق بیافتـد، دیگر OCB معنی نخواهد داشت زیرا هر مشارکتی که از فرد درخواست شود، قسـمتی از شـغل خواهـد بود •.مشـکل پاداش خارج از قراردادگر نه نقش و نه شغـل یک نقطه مناسب حرکت برای تعریف OCB فراهم نمی آورند، مشـکل پاداش چطور خواهد بود؟ باید به خاطر داشـته باشیم که تعریف کـار نوعی پـاداش را برای یـک رفتار OCB غیر محتمـل نمی شـمارد، بلکه تنها آن را در قرارداد بوسـیله سیستم پاداش رسـمی تضـمین نمی کنـد.مشـکل اینجاست که تنها تعدادکمی از رفتارها در قرار داد تضـمین شده اند که پاداش داشـته باشـند. این رفتارهـا شامـل کـارکرد فنی یـا نوآوری فوقالعاده می شود. چه تعـداد اسـتاد دانشـگاه می تواننـد بگوینـد که بـدون توجه به میزان و کیفیت انتشاراتشان یا ارزیابی دانشجویانشان تضمین شده اندکه ارتقا بیابند یا حق تصدی و یا افزایش حقوق داشته باشند؟ چه تعداد مـدیر رده بالا حتی تضـمین می کننـد که کارکنان نفع بیشتری ببرنـد- در حالی که حتی IBM هم به دلیـل رقابت به مساله این طور نگاه نمی کنـد.در حقیقت، از آنجایی که پاداش با ارزیابی کارکرد مرتبط است؛ تحقیقات (مک کنزی، پودساکوف و فتر، ۱۹۹۱ ؛

پودساکوف و مک کنزی ۱۹۹۴؛ ورنر، ۱۹۹۴) اکنون نشان می دهند که بعضـی از اشکال OCB کاملا شبیه کارکرد درون–نقشی هستند که منجر به کسب درامد می شود. اور، ساکت و مرسر (۱۹۸۹) گزارش دادند که مدیران بی میل نیستند که یک ارزش پولی برای اغلب رفتارهـایی که OCBمی خوانیم، قرار دهنـد.پس مـا در موقعیتی قرار داریم؟ از سه شـرط اساسـی OCB تنها یک مورد باقی مانـده است– که در کارایی سازمانی مشارکت داشـته باشـد. اگر این همه آن چیزی است که داریم، پس آنرا " کارکرد " یا" مشـارکت " می خـوانیم و دیگر بـا آن کـاری نـداریم •.OCB بـه عنـوان کـارکرد ضـمنیهمانطور کـه ذکر شـد، بحـث ون داین و همکارانش (۱۹۹۵) هیـچ اشاره ای به کارکرد ضـمنی بورمن و موتوویـدلو (بورمن و موتوویـدلو، ۱۹۹۳؛ موتوویدلو و ون اسـکاتر، ۱۹۹۴) نکرده است. بـورمن و موتوویـدلو (۱۹۹۳) آن را اینچنین تعریـف کردنـد " رفتـاری که در خود هسـته فنی اثری نـدارد بلکه بیشتر محیـط گسترده فکری اجتمـاعی و سازمـانی را که هسـته فنی در آن قرار دارد، تحت تـاثیر قرار می دهـد (".صـفحه ۷۳) و در نتیجه مشـخصا در اینجـا بین OCB و ERB وجه اشـتراک وجـود دارد. بورمن و موتوویـدلو (۱۹۹۳) پنج دسـته از رفتار ضـمنی را شمردند که شامل این موارد می شود: داوطلب شدن برای فعالیت هایی که فراتر از انتظارات رسـمی شغل از فرد است، تداوم اشتیاق و پشـتکار هنگامیکه برای اتمام کارهای مهم نیاز است، پیروی از دستورات و روش های تعین شده حتی وقتی نا مناسب به نظربرسند و آزادانه حمـایت کردن و دفـاع کردن از اهـداف سازمان. واضـحا این دسـته های زیاد بیشتر شبیه OCB هسـتند که در اشکال نوع دوستی، همدردی، مردانگی، احترام و فضیلت مدنی می باشند (حداقل آخرین مورد در تحقیقات اجرایی سازی OCB استفاده شده است) تفـاوتی که کـارکرد ضـمنی با OCB دارد ایـن اسـت که نیـازی به این نیست که نقش اضـافه باشـد یـا بـدون پـاداش باشـد. خصوصـیت تعریف کننده آن این است که وظیفه نباشد و در حفظ و پیشرفت محیط کاری سهمی داشته باشد. چنین مشارکت هایی می توانـد در بین انتظارات مشخصـی قرار داشـته باشـد که رفتار کاری مناسب را تشـکیل می دهـد و بعضـی از آنها می تواند باعث کسب درآمـد از سیسـتم پاداش رسـمی شود، زیرا بر ارزیابی کارکرد موثرند.بعضـی از خوانندگان ممکن است به تعریف OCB به صورتی که بورمن و موتوویـدلو کارکرد ضـمنی را تعریف می نماینـد، ایراد بگیرنـد، زیرا آنها کارکرد ضـمنی را بسیار پراکنـده و گنـگ تعریـف می نماینـد. و در این صورت مـا مفـاهیم بیشـتری را معرفی کرده ایم که نیـاز به وضوح دارنـد. منظور مـا از " محیط فکری اجتمـاعی " چیست ؟ منظور مـا از " تحت تـاثیر قرار دادن " این محیـط ها چیست ؟ یک راه خوب برای آزمایش هر ساختار مانند X این است که ببینیم می توانیم چیزهـایی را تعیین کنیم که قطعـا X نیسـتند. من کاملاـ تحت تـاثیر این قرار گرفته ام که نمی توان فعـالیت هـای مهمی را نـام برد که مشـخصا " محیـط فکری و اجتمـاعی را تحت تـاثیر خود قرار ندهنـد"اگر چه، در مقابل این اعتراض به پراکنـدگی می توان گفت که این مطلب نابـالغ است و بایـد تست هـای زیـادی برای سـنجش توانایی تعین همگرایی و خصوصـا تفکیـک شونـدگی آن انجام شود. در حقیقت موتوویـدلو و اسـکاتر (۱۹۹۴) قبلاـ در یـک تحقیـق بر روی ۴۲۱ مکانیک نیروی هوایی به صورت تجربی مشـخص نموده انـد که معیارهـای کـارکرد وظیفه و کـارکرد ضـمنی معیارهای متفاوتی هسـتند و به عبارت دقیق تر در تعیین کارکرد کلی به صورت مستقل سهم دارند.کارکرد ضمنی مسلما خلاصه سازی زیادی شده است. ولی اگر همچنان مشـکل داشـته باشـد بوسیله چند کار مفهومی و تجربی که ساختارهای یکپارچه یا عمومی بوجود می آورد که راه هایی ار کـارکرد ضـمنی است، قابل اصـلاح است. این ممکن است شبـاهت زیادی به دسـته های نوع پرستی، همـدردی، مردانگی، احترام و علاقه داشـته باشد یا نداشـته باشد. موارد دیگری که از تقسیم دوگانه وظیفه/محیطی حمایت می کنند تحقیقات سازمانی و گروهی است که از قـدیم وجـود داشـته انـد. به عنـوان مثـال مطالعـات آزمایشـگاهی بیلز بر روی گروه هـای کوچـک نشـان داد نقش هـای متخصـصان وظیفه و نگهداری بوجود آمده است (بیلز و اسـلاتر، ۱۹۵۵). مطالعات میدانی فلیشـمن بر روی رهبری مشخص کرد که ساختار اولیه و رسیـدگی دو بعد متفاوت از رفتار رهبری رسمی هستند(فلیشمن، هریس و بارت، ۱۹۵۵). کاتز و کاهن متوجه شدند که بین سیسـتم های تولید و سیستم های نگهداری، سیاسی و انطباقی تمایز وجود دارد (۱۹۶۶). حتی مطالعات هورتون (روتلیبر گرو

دیکسون ۱۹۳۹/۱۹۶۷)با تشخیص رهبری رسمی و غیر رسمی و تئوری جامعه شناسانه پارسون (۱۹۶۰) با تمایز بین سیستم های اجتماعی موسسه ای و فنی، این دو گانگی را تائید نموده اند.ایراد من به کارکرد ضمنی تعریف آن نیست بلکه اسم آن است. به نظر سرد، خاکستری و بی جان می رسد. شاید ساختارهای رسمی باید بدان شکل باشد. برای حال و در این بحث من تمایل دارم که از OCB استفاده نمایم زیرا هم آکادمیک است و هم مستقیما قابل فهم است. ممکن است بین تعریف حاضرو هر تعریف پیشنهادی بعدی کمی تفاوت باشدولی در مجموع، منظورازآن قابل فهم است. شاید جامعه پژوهشی اسم دیگری برای آن برای کاربرد های داخلی بر گزیند ولی در این حالت نیز من فکر می کنم OCB برای بیان نظرات و یافته های ما مفید باشد •.شبکه قانونیپس اگر ما در تعریف مجدد، OCB را مشارکت در نگهداری و پیشرفت محیط فکری و اجتماعی که بازده کار(یا سیستم تولید / تکنولوژی / فنی) را بهبود می بخشد، بدانیم، چطور می توانیم شبکه قانونی که این ساختار را شناسایی و غنی می کند را تفسیر کنیم؟اولا به نظر من OCB (که در حال با کارکرد ضمنی مترادف است) در مقایسه با بازده کاری، کمتر به عنوان شرط لازم الاجرا ی شغل مورد توجه است. دوما OCB در تعریف مجدد آن در مقایسه با بازده کاری کمتر به پاداش های سیستماتیک منجر می شود. اگر چه تحقیقات روشن نموده است که نمایش خاص OCB می تواند در ارزیابی کار موثر باشد و مدیران حاضرند تا ارزش پولی برای بعضی موارد از OCB قائل شوند، اما بعید به نظر می رسد که تناظر یک به یکی بین هر یک از OCB ها و درآمد در کوتاه مدت وجود داشته باشد. استثنا بزرگی بر این مطلب شامل شغل هایی می شود که در طبیعت آنها انواع مختلفی از کارکرد ضمنی وجود دارد. مشاوران، وکلا، و بعضی از توابع کارکنان نیروی انسانی ممکن است در این استثنا وجود داشته باشند.استثنائات، هر چند که متعدد باشند، مشکلات ساختاری بیش از حدی را تشکیل می دهند، زیرا اکنون ما نیاز به تعریف ساختاری" فراتر از شغل "یا " بدون پاداش سیستمی "در OCB نداریم. ما یک فرضیه قابل تست تجربی پیش نهاد می دهیم برای اثر دو حالت – OCB و وظیفه – بر کارایی که نسبت بین آنها بر اساس شروط لازم الاجرای شغل و تضمین پاداش سیستمی متفاوت خواهد بود.سوما، چنانکه قبلا ذکر شد، من در موارد زیادی با ون داین(۱۹۹۵) و همکارانش موافق هستم، به جز در نظر مثبت آنها نسبت به تمایز بین درون نقش/نقش اضافی. به عنوان مثال من نظر آنها که OCB را " وابسته " و " ارتقا یافتنی " می دانند، قبول دارم.من با آنها موافقم که وضوح ساختاری با ایجاد تمایز بین رفتارهای رقابتی مانند (POD یا WB) و OCB افزایش می یابد. اگر چه مخالفتی با این ندارم که رقابت در نهایت می تواند منجر به نجات سازمان و بهره وری دراز مدت شود، اما این به بهای ریسک هزین ?شدید کوتاه مدت به محیط فکری و اجتماعی منجر می شود. به عبارت دیگر ، رفتارهای رقابتی – هر چند مناسب و مورد نیاز باشند– برادر را علیه برادر، خواهر را علیه خواهر، داخلی ها را علیه خارجی ها، داراها را علیه ندارها و ... به رقابت و چالش می کشاند. رقابت به سیستم شوک وارد می کند. بعضی مواقع این شوک ها مورد نیاز هستند اما با خود ریسک به دنبال دارند.پیشتر، من نظر گراهام (۱۹۸۶) راجع به " فضیلت مدنی "یا درگیری مسئولانه در سیستم سیاسی و نظارتی یک سازمان را یک نوع مهم از مشارکت " فراتر از آنچه توسط سیستم رسمی مورد نیاز است "دانستم و در نتیجه در زیر مجموع ?OCB قرار دادم. البته هر کسی که با تحقیق درباره OCB آشناست، می داند که چطور فضیلت مدنی در فرایند اجرا سازی تحریف و ناقص شد. نتایج نظر سنجی ها نشان داد که این مطلب به شرکت در جلسات، اطلاع از اتفاقات، خواندن و جواب دادن به آگهی ها و نامه ها تعبیر شده است. چیزی که در فرایند از بین رفته است و دلیل آن اینجاست •.منشا و مبدا OCBریشه های تحقیق و تئوری OCB به یک درک شهودی مربوط می شود. برخلاف روانشناسی سازمانی/صنعتی زمان گذشته، رضایت شغلی یک رابطه کاربردی با کارایی داشت (ارگان، ۱۹۹۷). اگر چه نوع نگرش به شغل ربط زیادی به خروجی شغل فرد ندارد، اما بحث این بود که رضایت شغلی بر میزان تمایل به کمک به همکاران و رفتارهای مختلفی که به حفظ ساختار کار کمک می کند، موثر است. بیان این مطلب به معنای آن است که علاق ?کمی به نگاه به این مسائل به عنوان POD وجود دارد. ما عموما به افرادی که رقابت یا انتقاد می

کنند، به عنوان کسانی که از آن شرایط راضی هستند نگاه نمی کنیم.نیاز به شناسایی دقیق تر آن دسته از رفتارهای مفید که ناشی از رضایت شغلی هستند، اسمیت (۱۹۸۳) را بر آن داشت تا به بازدید از چند مدیر رده پایین در محل کار آنها برود. اسمیت با استفاده از یک دستگاه ضبط صدا، از این افراد پرسید:چه نوع کارهایی دوست دارید که افراد گروه انجام دهند، ولی شما می دانید که نمی توانید آنها را وادار به انجام آن کنید، نمی توانید قول پاداش مشخص برای آن به آنها بدهید و نمی توانید آنها را برای انجام ندادن آن کارها تنبیه کنید ؟اسمیت به جواب سوال های خود رسید و از آنجا به ابزاری دست یافت که از آن پس در تحقیق OCB به فراوانی، مورد استفاده قرار گرفته است. اما این نوع دستیابی متضمن یک تعصب" مدیریتی "یا" وضع کنونی "برای این معیار شد و در نتیجه هر تغییری از این معیار تحت تاثیر این طرفداری قرار گرفت. به عبارت دیگر OCB در عمل چنین شده" چیزهایی که سرپرست های شما دوست دارند شما انجام دهید، حتی اگر نمی توانند شما را به آن مجبور سازند و نمی توانند هیچ پاداشی جز یک تشکر بابت انجام آن داشته باشند. "علاوه بر این، به نظر می رسد رفتارهای شناسایی شده بیشتر ساده و کم اهمیت باشند نسبت به اینکه مثلا پیشنهادات ابتکاری باشند. احتمالا یک مدیر سعی در کاهش مشکلات خود دارد و به دنبال این نیست که مشکلات خود را با پیشنهادات نوآورانه زیردستان چندین برابر کند.اما در حالت عکس، شاید طرفداری غیر عمدی از چیزی که رضایت ناشی می شود و چیزی که مدیران بابت آن قدردانی می کنند مایه تاسف نیست، حداقل از منظر تئوری، آنچه مایه تاسف است این است که واضح نباشد. بدتر از آن، قراردادن موارد زیادی در مجموعه ساختار و اجرایی کردن ساختار یکپارچه نادرست (همانند فضیلت مدنی) به درون OCB است که سردرگمی به همراه دارد. اکنون با تشخیص این مطلب، می توانیم در همان چیزی که ابتدا شروع کردیم ، این مرتبه با وضوح به پیش رویم و مرزهای مشخص تری داشته باشیم. همانطور که ون داین و همکارانش پیشنهاد دادند، در نظر گرفتن OCB به عنوان " وابسته " و " ارتقا یافتنی " جالب به نظر می رسد •.ابعاد OCBیکی از ایرادات مکرری که به واژه شناسی OCB گرفته شده است، استفاده از عبارت نوع دوستی برای اشاره به آن نوع فعالیت هایی بوده است که در کارایی موثر بوده و به شکل کمک به شخص خاصی مانند همکاران، مشتریان یا رییس می باشد. ایراد به آن جایی گرفته می شود که تعریف چنین رفتاری با عنوان نوع دوستی برای نسبت دادن انگیزه ای خاص به این رفتار است یا حداقل به این اشاره دارد که انگیزه ای بدون علاقه شخصی در کار می باشد.این نکته به خوبی قابل فهم است ، ما می توانیم این شکل از OCB را به سادگی کمک کردن بنامیم. اگر ما واقعا به چیزی خنثی نیاز داریم، می توانیم از روش ویلیامز و اندرسون (۱۹۹۱) پیروی کنیم و به آن نام I OCB- را تخصیص دهیم تا مشخص کنیم که این دسته از OCB برای افراد انجام می شود. علاوه بر این، می توانیم از این نام گذاری برای فعالیت های مربوط به احترام نیز استفاده کنیم. این دسته از فعالیت ها برای جلوگیری از مشکلاتی است که در صورت عدم انجام آنها ، برای افراد خاصی مشکل زا می شود. تحقیقات تجربی در بعضی از موارد توانسته است تفاوت بین نوع دوستی و احترام را مشخص نماید ولی نه بصورت کامل.در ادامه نامگذاری به روش ویلیامز و اندرسون، یک بعد از OCB را فعالیت هایی می دانیم که کمک فوری به شخص یا اشخاص نمی نماید، ولی استانداردهای بالایی برای شرکت در جلسات، سر وقت بودن، محافظت از منابع انسانی و استفاده از وقت در هنگام کار ایجاد می نماید می توانیم آن را O- OCB بنامیم، تا مشخص کنیم که سازمان یا واحد به صورت کل تحت تاثیر این نوع از OCB است. به مرور زمان شاید یک نفر یک اسم مفید پیشنهاد بدهد که مشابه با OCB-I برای کمک کردن باشد و فهم مطلب را ساده نماید" •.کار ناتمام "پیش روی ما در حال حاضراگر ما بتوانیم به توافق کافی بر روی موقعیت هایی که توضیح دادیم برسیم، پس حال چگونه پیش برویم ؛ نواحی مشکل دار کجاست؟ بدون شک دشوارترین کار، تعیین دقیق تر منظور ما در تعریف OCB است " :فعالیتی که محیط کاری اجتماعی را که در آن وظیفه ها انجام می شود حمایت می کند ".اگر چه این جای خوبی برای شروع است، اما برای پایان زیاد جالب به نظر نمی رسد. چیزی که ما به دنبال آن هستیم، در اساس حالت خود سازمان اجتماعی است. این ممکن است موضوعی باشد که رفع آن به مشاور ?همکاران

قوی ما در تئوری سازمان نیازمند باشد. متاسفانه، من از انتشارات آنها در سالهای اخیر اطلاعات دقیقی ندارم. ولی آن دسته از خوانندگانی که در مورد رفتار سازمانی کوچک و بزرگ اطلاعات زیادی دارند، از مفید بودن این ارتباط که تعریف ساختار را روشن می سازد، مطلع هستند. این گونه ارتباطات ما را در حیط ?دیگری از مشکلات یاری می نمایند که همان سطح آنالیز مشکل است. تا به حال اغلب تحقیقات OCB به مشارکت های فردی و نتایج آن اشاره داشته اند. تحقیقات کمی در سطح سازمانی یا گروهی انجام شده است که به صورت توصیفی و کلی بوده اند. تنها یک " جعبه سیاه " از فرایند برای ما باقی مانده است.(که در سیستمی که روش آن مطالعه میدانی ارتباطی است، بسیار شایع است) اگرچه ما مقداری اطلاعات مطمئن کننده در حمایت از رابطه بین OCB و کارکرد سیستماتیک داریم، اما آنالیزهای بسیار کمی در مورد نحو ?تاثیرات OCB وجود دارد. چه ترتیبی از مراحل موثر واقع شده اند"؟ نیمه عمر "این مراحل و تاثیر آنها چیست •؟نتیجه گیریتغییراتی که در محیط کار در حال انجام است– تغییراتی که آنچنان زیاد در مورد آنها صحبت کرده ایم و نوشته ایم که کلیشه شده اند – بدون شک ما را بر آن خواهد داشت تا در بسیاری از ساختارهای مورد نظرمان در روانشناسی سازمانی تجدید نظر کنیم. یا حداقل این مطلب در مورد بخش " سازمانی" این حیطه صدق می کند و این بخش جواب ما را مشخص می کند. اگر چه به نظر من سال ۱۹۸۳در غبار تاریخ چندان گم نشده است، اما اکنون مشخص است که نحو ?تعریف OCB توسط من در آن زمان کاملا تحت تاثیر خصوصیاتی از نوعی سازمان بوده است که در حال حاضر بسیار متفاوت است. امید است اصلاحاتی که در طول مسیر در اینجا و توسط دیگران پیشنهاد می شود، در حفظ آنچه که OCB ارائه می دهد، مفید واقع شود.

منبع انتشار اصل مقاله: Dennis W. Organ(۱۹۹۷), school of business Indiana University . تهیه و تنظیم: پایگاه مقالات علمی مدیریت www.SYSTEM.parsiblog.com

انواع تعاریف حقوق شهروندی

سید ابراهیم حسینی فر–سید بهزادصفارسجادی

شهروندی همان گونه که از کلمه آن روشن است از مشتقات شهر است که به علت تازگی این واژه و کثرت استعمال آن معانی متعددی از آن ارائه شده است. شهر در لغت به معنای (آبادی بزرگ که دارای خیابانها ، کوچه ها ، خانه ها و دکان ها و سکنه بسیار باشد (مانند بلد – بلده) گفته می شود. و شهری به کسی گفته می شود) که از مردم شهر است و منسوب به شهر است و اهل شهر است. شهروند یعنی : (انسانی مدنی ، که توانسته معیارها و ملاکهای یک شهروند را به طور کامل در خود نهادینه کرده و به همه وظایف و اختیاراتی که یک شهروند باید داشته باشد آگاهی دارد، و خود را ملزم به رعایت آنها بداند اگر چه در شهر هم ساکن نباشد. حقوق شهروندی آمیخته ای از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری) دولت و یا به طور کلی قوای حاکم می باشد» به مجموعه این حقوق و مسئولیتها حقوق شهروندی اطلاع می شود. البته شهروند واژه ای وارداتی می باشد، حال آنکه در فرهنگ اسلامی واژه هایی همچون (امت) ، (ملت) ، (مردم) و (رعیت) داریم و هر یک از این واژه ها دارای معانی متفاوتی می باشد که به طور اختصار به شرح ذیل می باشد. امت : یعنی هر گروهی که عواملی مانند دین ، زمان و مکان آنان را دور هم جمع کرده باشد. ملت : یعنی اکثریتی از یک جمع ، از نژادهای مختلف و یا یک نژاد واحد ، دارای یک زبان و یا زبانهای متفاوت که کشوری را تشکیل دهند و پس از سالهای طولانی با هم هماهنگ شوند و خواسته ها و آؤزوهایشان در هم آمیزد و دارای آداب و رسوم و سنن و زبان واحد شوند، البته یک ملت ممکن است چند کشور را تشکیل دهند مانند ملت عرب . مردم (ناس) : اسم جمع است و معنایی اعم از معنای امت و ملت دارد «مردم به گروهی از انسانها بدون آنکه در جهتی از جهات ،

وحدتی داشته باشند و به عنوان یک واحد مطرح باشند اطلاق می شود» و امروزه به کلمه مردم و یا بشر یا آدمی (شهروند) گفته می شود. رعیت : این واژه بیشتر از کلمات فوق در متون دینی بکار رفته است. رعیت از ماده «رعی» است و (الراعی) به معنای چرانیدن است، چوپان را راعی و گوسفندان را رعیت می نامند. راغب در مفردات رعیت را به معنای نگه داری از حیوان که با غذا دادن و دفاع از آن در برابر دشمن محقق می شود معنا کرده است. راعی و رعیت ، به تناسب همین معنا در عرصه اجتماعی و سیاسی مطرح می باشد و نام بردن از والی و حاکم به راعی و از عامه مردم به رعیت ، از این روست که حاکم وظیفه نگهبانی و حراست از حقوق مردم و هدایت آنان را بر عهده دارد. در قرآن کریم ، این واژه هم در معنای لغوی استعمال شده و هم در معنای اصطلاحی، آنجا که فرموده است : « کلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذلک لآیات لأولی النهی» (هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! که در این نشانه های روشنی برای خردمندان است) و در سوره دیگر ، این ماده در معنای اصطلاحی خود بکار رفته است. « و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون» و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می کنند. اطلاق واژه (راعیه) بر (همسر) انسان نیز به همین معناست؛ زیرا همسر انسان وظیفه و مسئولیت نگهداری و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارد. بنابراین معنای اصطلاحی راعی و رعیت ، در فرهنگ اسلامی ، نه تنها بار منفی ندارد، بلکه نکات قابل توجهی در اطلاق این واژه بر (حاکم) و (مردم) وجود دارد : اولاً ، حاکم وظیفه نگاهبانی و مراقبت از حقوق مردم و شهروندان را بر عهده دارد. ثانیاً ، حاکم در برابر شهروندان مسئول است. بر خلاف کسانی که گمان می کنند در نظامهای مبتنی بر حاکمیت الهی، حاکم تنها در برابر مردم ذی حق است از این واژه بر می آید که حاکم در برابر مردم مسئولیت دارد. ثالثاً ، از بکار بردن این واژه در حوزه سیاست و رابطه مردم با حکومت، بر می آید که در سنجش میان وظایف متقابل مردم و حکومت، وظایف حکومت و حاکم اسلامی بیشتر از وظایف مردم است. محقق نائینی ، درباره حقیقت حکومت و سلطنت در شریعت با استفاده از استعمال همین واژه می گوید: « از اینکه سلطنت مجعوله در هر شریعت ، بلکه نزد هر عاقل ، فی الحقیقه ، از قبیل تولیت بعضی موقوف علیهم در نظم و حفظ موقوفه مشترک و تسویه فیمابین ارباب حقوق و ایصال هر ذی حقی به حق خود اوست، لذا در لسان ائمه و علمای اسلام ، «سلطان» را به «ولی » و «والی» و «راعی» و «ملت» را به «رعیت» تعبیر نموده اند. از همین مبنا و اساس، حقیقت سلطنت، عبارت از ولایت بر حفظ و نظم و به منزله شبانی گله است. شهید آیه الله مطهری نیز در همین زمینه می گوید : « در نهج البلاغه ، تعبیر «والی» و «رعیت» هم آمده است که ظاهراً ، ناظر به جنبه حفظ و رعایت است. دستگاه حکومت، از آن جهت ، «حکومت» نامیده می شود که حافظ امنیت داخلی و خارجی است و مجری قانون است و از آن جهت ، «امامت» نامیده می شود که مشتمل بر رهبری است و نیروها را به حرکت در می آورد و بسیج می کند و سازمان می بخشد و استعدادها را شکوفا می کند. با وجود چنین معنایی مثبت از راعی و رعیت در زبان عربی ، معنای منفور و رعیت در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده که از اطلاق «رعیت» بر مردم در نظامهای سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن آید. رعیت را در زبان فارسی گروهی که دارای سرپرست می باشند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور معنا کرده اند. بکار بردن این واژه شنونده را به یاد نظامهای حاکم در برابر شهروندان در نظامهای سیاسی اروپا مطرح نبوده و حاکمان تنها خود را صاحب حق می پنداشتند و برای مردم جز اطاعت و فرمانبری به چیزی معتقد نبودند. جوامع اروپایی ، از نظر پیشینه استبدادی نظامهای سلطنتی واژه رعیت را به کسی اطلاق می کردند که فقط از قانون اطاعت و آن را تحمل کند. ولی شهروند به کسی اطلاق می شود که به شکلی از اشکال، در تدارک و تنظیم قانون شرکت می جوید. یکی دیگر از عوامل این سوء فهم ، ترجمه نادرستی است که اروپائیان از واژه رعیت کرده اند و برخی نویسندگان نیز همان ترجمه نادرست را از آنان اقتباس کرده اند. یکی از نویسندگان عرب در این باره می نویسد : در عصر جدید ، لغت رعیت را به معنای (تابع در دول استعماری) به کار برده اند و الجزایریها آن را به «رعیت و تابع فرانسوی» ترجمه کردند و گفته اند و همین منشا اشتباه و خلط شده ، اثر نامطلوبی از واژه رعیت به جا نهاده است. متاسفانه برای واژه رعیت در زبان فارسی

نیز معادل مناسب و دقیقی وجود ندارد. کلمه شـهروند هر چند ترجمه فارسی از واژه ای لاتینی است ، اما از نظر مفهوم و بار سیاسی ، نزدیکترین واژه به رعیت در زبان عربی و متون دینی است. به هر حال این واژه علی رغم مفهوم خاص متناسب با نظامهای سیاسی فرد گرا ، در حـال حاضـر منـاسب ترین واژه در زبان فارسـی به جای واژه رعیت در منابع دینی ماست، از این رو ما در این تحقیق و پایـان نـامه این واژه را بر گزیـدیم چرا که در زمـان حـال واژه متعـارف و پر رونـق در بـاب مردم و حقوق آنهـا می باشـد. منـابع: - city - citizenship - معین، محمد ، فرهنگ فارسـی، ج ۲ ، ص ۹۶ ، ۱۳۶۲ ه ، موسسه انتشـارات امیر کبیر ، تهران . - معین ، محمد فرهنگ فارسی ، ج ۲ ، ص ۲۰۹۷ . - پیرهادی ، علی اکبر ، حقوق شهروندی ، ص ۲۲ ، ۱۳۸۵ ه ش ، انتشارات سروش ملل، تهران، چـاپ اول. - پیرهـادی ، علی اکبر ، حقوق شـهروندی ، ص ۲۳. - راغب اصـفهانی ، حسـین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۴۲ « الامه کل جماعه یجمعهم افرما : امادین واحـد او زمان واحـد او مکان واحـد» - مدنی، سـید جلال الدین، مبانی و کلیات علوم سیاسی ، ج ۱ ، ص ۳۰۳، ۱۳۷۲ ه ش ، تهران، انتشارات جلال الـدین مدنی، چاپ اول. - معین ، محمد ، فرهنگ معین ، جدوم ، ص ۲۰۹۹. - ابن منظور الا فریقی ، محمد بن مکرم، لسان العرب ، ج ۵، ص ۲۵۱. - راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریـب القرآن . ص ۱۹۸ « حفـظ الحیوان اما بغـدائه الحافظ لحیامه و اما بـذب العـدوعنه» - مقری الفیومی، احمـد بن محمد بن علی ، المصـباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر ، مصحح عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی ، ص ۵ ، ۱۴۲۵ ق ، دارالهجره ، الطبعه الثـانیه ، قم «ماده ر ع ی» - طه (۲۰) ۵۴ - مومنون (۲۳) ۸ - ورعی ، سـید جواد ، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان ، ص ۲۴. - نائینی ، محمد حسـین ، تنبیه الامه و تنزیه المله ، حکومت از نظر اسـلام ، ص ۴۳ ، مصحح روح الله حسینیان ، ۱۳۸۶ ش ، نشـر مرکز اسـناد انقلاب اسـلامی ، تهران . - مطهری، مرتضـی، امامت و رهبری ، ص ۲۳۱ ، ۱۳۶۴ ش ، انتشـارات صـدرا ، تهران ، چـاپ اول. - دهخـدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، واژه رعیت ، ۱۳۷۷ شمسـی ، موسـسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم . - پللو ، روبر ، شـهروند و دولت، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضـی شـریعت پناهی ، ص ۱ ، ۱۳۷ ش ، انتشارات دانشـگاه تهران . - امین ، سیـد حسن ، جمهوریت و انقلاب اسـلامی (مجموعه مقالات) ، مقاله (قانون اساسـی و حقوق شـهروندان، ص ۳۴۸ ، ۱۳۷۷ ه ش ، سازمان مـدارک فرهنگ انقلاب اسـلامی ، تهران) . - مبارک ، محمـد ، نظام الاسـلام الحکم و الدوله ، ص ۱۳۴ ، ۱۴۱۷ ه ، رابطه الثقاله و العلاقات الاسلامیه ، تهران

انواع تعاریف حقوق شهروندی

سید ابراهیم حسینی فر–سید بهزادصفارسجادی

شهرونـدی همان گونه که از کلمه آن روشن است از مشـتقات شـهر است که به علت تازگی این واژه و کثرت اسـتعمال آن معانی متعـددی از آن ارائه شـده است. شـهر در لغت به معنـای (آبـادی بزرگ که دارای خیابانها ، کوچه ها ، خانه ها و دکان ها و سـکنه بسیار باشد (مانند بلد – بلده) گفته می شود. و شهری به کسی گفته می شود) که از مردم شهر است و منسوب به شهر است و اهل شهر است. شـهروند یعنی : (انسانی مدنی ، که توانسته معیارها و ملاکهای یک شـهروند را به طور کامل در خود نهادینه کرده و به همه وظایف و اختیاراتی که یک شـهروند بایـد داشته باشـد آگاهی دارد، و خود را ملزم به رعایت آنها بدانـد اگر چه در شـهر هم سـاکن نباشـد. حقوق شـهروندی آمیخته ای از وظـایف و مسـئولیتهای شـهروندان در قبال یکـدیگر، شـهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهـده مـدیران شـهری (شـهرداری) دولت و یا به طور کلی قوای حاکم می باشد» به مجموعه این حقوق و مسـئولیتها حقوق شـهروندی اطلاع می شود. البته شهروند واژه ای وارداتی می باشد، حال آنکـه در فرهنـگ اسـلامی واژه هـایی همچـون (امـت) ، (ملـت) ، (مردم) و (رعیـت) داریم و هر یـک از این واژه هـا دارای معـانی متفـاوتی می باشـد که به طور اختصار به شـرح ذیل می باشـد. امت : یعنی هر گروهی که عواملی ماننـد دین ، زمان و مکان آنان را

دور هم جمع کرده باشد. ملت : یعنی اکثریتی از یک جمع ، از نژادهای مختلف و یا یک نژاد واحد ، دارای یک زبان و یا زبانهای متفاوت که کشوری را تشکیل دهند و پس از سالهای طولانی با هم هماهنگ شوند و خواسته ها و آرزوهایشان در هم آمیزد و دارای آداب و رسوم و سنن و زبان واحد شوند، البته یک ملت ممکن است چند کشور را تشکیل دهند مانند ملت عرب . مردم (ناس) : اسم جمع است و معنایی اعم از معنای امت و ملت دارد «مردم به گروهی از انسانها بدون آنکه در جهتی از جهات ، وحدتی داشته باشند و به عنوان یک واحد مطرح باشند اطلاق می شود» و امروزه به کلمه مردم و یا بشر یا آدمی (شهروند) گفته می شود. رعیت : این واژه بیشتر از کلمات فوق در متون دینی بکار رفته است. رعیت از ماده «رعی» است و (الراعی) به معنای چرانیدن است، چوپان را راعی و گوسفندان را رعیت می نامند. راغب در مفردات رعیت را به معنای نگه داری از حیوان که با غذا دادن و دفاع از آن در برابر دشمن محقق می شود معنا کرده است. راعی و رعیت ، به تناسب همین معنا در عرصه اجتماعی و سیاسی مطرح می باشد و نام بردن از والی و حاکم به راعی و از عامه مردم به رعیت ، از این روست که حاکم وظیفه نگهبانی و حراست از حقوق مردم و هدایت آنان را بر عهده دارد. در قرآن کریم ، این واژه هم در معنای لغوی استعمال شده و هم در معنای اصطلاحی، آنجا که فرموده است : « کلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذلک لآیات لأولی النهی» (هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! که در این نشانه های روشنی برای خردمندان است) و در سوره دیگر ، این ماده در معنای اصطلاحی خود بکار رفته است. « و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون» و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می کنند. اطلاق واژه (راعیه) بر (همسر) انسان نیز به همین معناست؛ زیرا همسر انسان وظیفه و مسئولیت نگهداری و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارد. بنابراین معنای اصطلاحی راعی و رعیت ، در فرهنگ اسلامی ، نه تنها بار منفی ندارد، بلکه نکات قابل توجهی در اطلاق این واژه بر (حاکم) و (مردم) وجود دارد : اولاً ، حاکم وظیفه نگاهبانی و مراقبت از حقوق مردم و شهروندان را بر عهده دارد. ثانیاً ، حاکم در برابر شهروندان مسئول است. بر خلاف کسانی که گمان می کنند در نظامهای مبتنی بر حاکمیت الهی، حاکم تنها در برابر مردم ذی حق است از این واژه بر می آید که حاکم در برابر مردم مسئولیت دارد. ثالثاً ، از بکار بردن این واژه در حوزه سیاست و رابطه مردم با حکومت، بر می آید که در سنجش میان وظایف متقابل مردم و حکومت، وظایف حکومت و حاکم اسلامی بیشتر از وظایف مردم است. محقق نائینی ، درباره حقیقت حکومت و سلطنت در شریعت با استفاده از استعمال همین واژه می گوید: « از اینکه سلطنت مجعوله در هر شریعت ، بلکه نزد هر عاقل ، فی الحقیقه ، از قبیل تولیت بعضی موقوف علیهم در نظم و حفظ موقوفه مشترک و تسویه فیمابین ارباب حقوق و ایصال هر ذی حقی به حق خود اوست، لذا در لسان ائمه و علمای اسلام ، «سلطان» را به «ولی » و «والی» و «راعی» و «ملت» را به «رعیت» تعبیر نموده اند. از همین مبنا و اساس، حقیقت سلطنت، عبارت از ولایت بر حفظ و نظم و به منزله شبانی گله است. شهید آیه الله مطهری نیز در همین زمینه می گوید : « در نهج البلاغه ، تعبیر «والی» و «رعیت» هم آمده است که ظاهراً ، ناظر به جنبه حفظ و رعایت است. دستگاه حکومت، از آن جهت ، «حکومت» نامیده می شود که حافظ امنیت داخلی و خارجی است و مجری قانون است و از آن جهت ، «امامت» نامیده می شود که مشتمل بر رهبری است و نیروها را به حرکت در می آورد و بسیج می کند و سازمان می بخشد و استعدادها را شکوفا می کند. با وجود چنین معنایی مثبت از راعی و رعیت در زبان عربی ، معنای منفور و رعیت در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده که از اطلاق «رعیت» بر مردم در نظامهای سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن آید. رعیت را در زبان فارسی گروهی که دارای سرپرست می باشند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور معنا کرده اند. بکار بردن این واژه شنونده را به یاد نظامهای حاکم در برابر شهروندان در نظامهای سیاسی اروپا مطرح نبوده و حاکمان تنها خود را صاحب حق می پنداشتند و برای مردم جز اطاعت و فرمانبری به چیزی معتقد نبودند. جوامع اروپایی ، از نظر پیشینه استبدادی نظامهای سلطنتی واژه رعیت را به کسی اطلاق می کردند که فقط از قانون اطاعت و آن را تحمل کند. ولی شهروند به کسی اطلاق می شود که به شکلی از اشکال، در تدارک و

تنظیم قانون شرکت می جوید. یکی دیگر از عوامل این سوء فهم ، ترجمه نادرستی است که اروپائیان از واژه رعیت کرده اند و برخی نویسندگان نیز همان ترجمه نادرست را از آنان اقتباس کرده اند. یکی از نویسندگان عرب در این باره می نویسد : در عصر جدید ، لغت رعیت را به معنای (تابع در دول استعماری) به کار برده اند و الجزایریها آن را به «رعیت و تابع فرانسوی» ترجمه کردند و گفته اند و همین منشا اشتباه و خلط شده ، اثر نامطلوبی از واژه رعیت به جا نهاده است. متاسفانه برای واژه رعیت در زبان فارسی نیز معادل مناسب و دقیقی وجود ندارد. کلمه شهروند هر چند ترجمه فارسی از واژه ای لاتینی است ، اما از نظر مفهوم و بار سیاسی ، نزدیکترین واژه به رعیت در زبان عربی و متون دینی است. به هر حال این واژه علی رغم مفهوم خاص متناسب با نظامهای سیاسی فرد گرا ، در حال حاضر مناسب ترین واژه در زبان فارسی به جای واژه رعیت در منابع دینی ماست، از این رو ما در این تحقیق و پایان نامه این واژه را بر گزیدیم چرا که در زمان حال واژه متعارف و پر رونق در باب مردم و حقوق آنها می باشد. منابع: - city – citizenship – معین، محمد ، فرهنگ فارسی، ج ۲ ، ص ۹۶ ، ۱۳۶۲ ه ، موسسه انتشارات امیر کبیر ، تهران . – معین ، محمد فرهنگ فارسی ، ج ۲ ، ص ۲۰۹۷ . – پیرهادی ، علی اکبر ، حقوق شهروندی ، ص ۲۲ ، ۱۳۸۵ ه ش ، انتشارات سروش ملل، تهران، چاپ اول. – پیرهادی ، علی اکبر ، حقوق شهروندی ، ص ۲۳. – راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۴۲ « الامه کل جماعه یجمعهم افرما : امادین واحد او زمان واحد او مکان واحد» – مدنی، سید جلال الدین، مبانی و کلیات علوم سیاسی ، ج ۱ ، ص ۳۰۳، ۱۳۷۲ ه ش ، تهران، انتشارات جلال الدین مدنی، چاپ اول. – معین ، محمد ، فرهنگ معین ، جدوم ، ص ۲۰۹۹. – ابن منظور الا فریقی ، محمد بن مکرم، لسان العرب ، ج ۵ ، ص ۲۵۱. – راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن . ص ۱۹۸ « حفظ الحیوان اما بغدائه الحافظ لحیامه و اما بذب العدوعنه» – مقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر ، مصحح عبدالکریم بن محمد رافعی قزوینی ، ص ۵ ، ۱۴۲۵ ق ، دارالهجره ، الطبعه الثانیه ، قم «ماده ر ع ی» – طه (۲۰) ۵۴ – مومنون (۲۳) ۸ – ورعی ، سید جواد ، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان ، ص ۲۴. – نائینی ، محمد حسین ، تنبیه الامه و تنزیه المله ، حکومت از نظر اسلام ، ص ۴۳ ، مصحح روح الله حسینیان ، ۱۳۸۶ ش ، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران . – مطهری، مرتضی، امامت و رهبری ، ص ۲۳۱ ، ۱۳۶۴ ش ، انتشارات صدرا ، تهران ، چاپ اول. – دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، واژه رعیت ، ۱۳۷۷ شمسی ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم . – پللو ، روبر ، شهروند و دولت، ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی ، ص ۱ ، ۱۳۷ ش ، انتشارات دانشگاه تهران . – امین ، سید حسن ، جمهوریت و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات) ، مقاله (قانون اساسی و حقوق شهروندان، ص ۳۴۸ ، ۱۳۷۷ ه ش ، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی ، تهران) . – مبارک ، محمد ، نظام الاسلام الحکم و الدوله ، ص ۱۳۴ ، ۱۴۱۷ ه ، رابطه الثقاله و العلاقات الاسلامیه ، تهران

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹